

## سبعه سیاره هفت بند در جواب هفت بند کاشی

ابوالفضل مرادی (زستا)

### چکیده:

این پژوهش با بررسی میراث ارزشمند ادبیات فارسی در آثار چاپ سنگی هند، یکی از سروده‌های ناشناخته در مدح و منقبت حضرت علی علیه السلام در شبه‌قاره را شناسایی و معرفی نموده است. سبعه سیاره ترکیب بندی از میرزا قاسم علی اخگر حیدرآبادی که در اقتفا و تضمین از سروده ارزشمند هفت بند ملاحسن کاشی سروده شده و تاکنون در فرهنگ و ادب ایران زمین مورد شناسایی و عنایت قرار نگرفته است. در این مقاله، ضمن بررسی این اثر، زندگی نامه و جایگاه شاعر در فرهنگ و ادبیات نیز مورد توجه و شناخت دقیق تری قرار گرفته است.

کلیدواژه: ملاحسن کاشی، هفت بند، میرزا قاسم علی اخگر حیدرآبادی، هفت سیاره، شعر آئینی

بسم الله الرحمن الرحیم

## مقدمه

هنر، طنین صدای احساس و جاودانگی عواطف بشری در سلسله جبال سرفراز فرهنگ‌ها و جوشش سرچشمه‌های معنویت در دامنه‌های جبلت و فطرت‌های پاک الهی است. وقتی هنرمند، بر اوج چکاد دانش و بینش، مرثیه‌سرای دل‌دردمند خویش باشد، آن‌گاه تومی‌توانی از چشم او گستره‌ی جهان را ببینی و از لب‌های او رازهای تودرتوی خاک تا افلاک را بشنوی، چرا که انسان رستگاه شعر خداست.<sup>۱</sup> وقتی حقیقت‌طلبی و حق‌نگری، سرلوحه‌ی آرمان‌شعرو ادبیات قرار گیرد، هنر، چشم‌انداز باصفای فرهنگ بشری برای دیدن ازل تا ابد است. آری، هنر چشم بشریت است و هنرمند بر فراز برج فرزاندگی، با یادگاری از صدای سخن عشق، ما را می‌خواند که از نظر بلند او و با چشمان ژرف‌نگر او هستی را بشناسیم. در این میان، شعر شیعی با بهره‌مندی از معارف اهل بیت علیهم‌السلام بر تارک فرهنگ فارسی خوش درخشیده و راهنمای مشتاقان دورنشین جغرافیایی شیدایی از شرق تا غرب عالم، در راهیابی به سرچشمه‌های معارف ناب اسلامی گشته است.

وقتی سروده‌ای از مولانا حسن کاشی در قرن هفتم و هشتم، سرمشق و الگو برای سرایندگان شیعی در شبه‌قاره شده، بسیاری از شاعران هند در جواب آن به‌ترنم درآمده‌اند. این پژوهش ناچیز، به تجزیه و تحلیل و بررسی یک از جوییه‌های هفت‌بند کاشی که توسط میرزا قاسم علی اخگر حیدرآبادی سروده شده، می‌پردازد.

## بسم

### ملاحسن کاشی

مولانا حسن بن محمود کاشانی آملی از شاعران شیعی قرن هفتم و هشتم در اصالت کاشانی است ولی در آمل دیده به جهان گشود. کهن‌ترین اثری که از وی نام برده، مونس *الاحرار فی دقائق الاشعار* محمد بن بدر جاجرمی است. این اثر در سال ۷۴۱ ق به انجام رسیده و این تاریخ هم عصر باروزگار مولانا حسن کاشی است. ثبت لقب «ملک‌الحکما» از سوی جاجرمی برای وی از یک سونشان‌دهنده‌ی جایگاه شعر و ادب و فرهیختگی وی است و از سوی دیگر نمایانگر درجه‌ی شهرت او در روزگار خویش است. از آن پس در تذکره‌های گوناگون

۱. مرادی، ابوالفضل؛ «انسان رستگاه شعر خدا، شعر از نگاه دکتر شریعتی» تهران، اطلاعات ۲۰/۸/۱۳۸۷.

هم چون تاریخ جدید یزد تألیف احمد بن حسین علی کاتب (درگذشته پس از ۸۶۲ق) و تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی نیز مورد توجه قرار گرفته و آن چه در سرگذشت نامه های متأخر آمده، چیزی جز تکرار همان یافته ها نیست.<sup>۱</sup> القاب وی در تذکره ها جمال الدین، تاج الدین، کمال الدین، ملک الحکما، افضل المتکلمین و احسن المتکلمین درج شده است.<sup>۲</sup> در باب ولادت ولادت و درگذشت ملاحظه در تذکره ها هیچ اشاره ای نشده است. در مقدمه دیوان حسن کاشی در این باب مطلبی آمده است که در این جا عیناً آورده می شود:

دولت شاه راجع به وفات ملا حسن اظهار ناآگاهی کرده و در خصوص ولادت او هیچ سخنی نگفته است؛ اما از رهگذر دقت در برخی از اشعار کاشی می توان بر این هردو به نحو تقریبی اطلاع حاصل کرد. او در قصیده ای به مطلع:

کیست آن مهتر همایون فر  
که بدو یافت مهتری مهتر  
که در سال ۷۳۲ ق سروده و گفته است:

از پس هفصد و سی و دو زمن  
گو بیا معجزات من بنگر  
اشاره دارد به این که نزدیک سی سال ستایشگر امیر المؤمنین ع و خاندان اوست:

قرب سی سال شد که خاطر من  
هست در شاه دین ثنا گستر

به این ترتیب اگر شروع شاعری او را در بیست سالگی بدانیم ... در سال ۷۳۲ حدود پنجاه و یکی دو سال داشته و تولدش در محدوده زمانی ۶۸۰ یا یکی دو سال کمتر و بیشتر خواهد بود.

وی در قصیده دیگر با مطلع:

ای ز بدو آفرینش پیشوای اهل دین  
وی ز عزت مادح بازوی توروح الامین  
در اشاره به سی و شش سال ثنا گستری خاندان رسالت چنین می گوید:

سی و شش منزل بریده کاروان عمر من  
در ثنای خسروان براسب معنی بسته زین  
پس با استناد به سی سال ستایشگری او در سال ۷۳۲ سی و شش سال

۱. هندی، سعید، هفت بند هفتاد بند، تهران کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ ش، (صفحه ده از پیشگفتار).

۲. حداد عادل، غلام علی؛ دانشنامه جهان اسلام؛ تهران، انتشارات دایرة المعارف اسلامی چاپ اول ۱۳۸۸ ش، جلد ۱۳ (ص ۳۵۳).



منقبت‌گویی، برابر ۷۳۸ خواهد شد. از این رو آشکار می‌گردد که ملا حسن تا این سال یعنی ۷۳۸ ق در عرصه حیات بوده است.<sup>۱</sup>

آن چه در این باب می‌توان افزود این است که اعطای لقب «ملک‌الحکما» از سوی جاجرمی که اثر خویش را در سال ۷۴۱ ق به پایان آورده، می‌تواند با این سن و سال یعنی حدود هفتاد سالگی ملا حسن تناسب داشته باشد و این امر نیز قرینه‌ای بر اثبات این نظر خواهد بود.

در باب مدفن ملا حسن کاشی نیز دو قول وجود دارد: یکی آن چه دهخدا به نقل از الذریعه و روضات الجنات می‌آورد:

قبروی در حجره‌ای معروف، در آغاز بازار سوق العتیق در شهر کاظمین نزدیک قبر سید شریف مرتضی بوده و آن مقبره در سال ۱۳۵۲ ق در میان خیابان افتاده (ذریعه ج ۲ ص ۳۹۱ و ج ۹ ص ۲۴۵) (روضات الجنات ۱۷۱).<sup>۲</sup>

و دیگر قول مشهورتر آن که آرامگاه کاشی در سلطانیه، نزدیک شهر زنجان کنونی است و بقعه و گنبدی نیز دارد که در دوره‌های مختلف، بازسازی شده است.

در باب ملا حسن چند خصیصه ذکر شده است که با پرداختن به آن می‌توان به تصویری دقیق‌تر از خلیقات و شخصیت او دست یافت:

یکی آن که وی از عهد جوانی پارسا و پرهیزگار بوده و دیگر آن که ویژگی بارز او مدح‌خاندان اهل بیت صلوات الله علیهم و مداومت در ثناگستری چهارده معصوم علیهم‌السلام می‌باشد. آن چنان که در این باب، کشف و کراماتی نیز به وی نسبت داده می‌شود. در این باره آمده است:

کاشی به مکه و مدینه و نجف سفر کرد و قصیده‌ای در ستایش امام علی علیه‌السلام در مرقد آن حضرت خواند. گفته‌اند همان شب امام علی را به خواب دید و امام، نشانی مسعود بن افلح بازرگان بصری را به او داد تا به بصره برود و صلۀ منقبت خود را از او بستاند که

۱. دیوان حسن کاشی، به کوشش عباس رستاخیر یا مقدمه حسن عاطفی، تهران، مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش (ص ۲۲). و هندی سعید، هفت‌بند هفتادبند (صفحه هفده از پیشگفتار).

۲. دهخدا، ذیل مدخل ملا حسن کاشی.



چنین شد. کاشی به شکرانهٔ این صله و رؤیای صادقانه اش مهمانی باشکوهی برای نیکوکاران و فقیران بصره ترتیب داد... این شعر به قصیدهٔ هفت بند مشهور شد.<sup>۱</sup>

تهذیب نفس و کسب علم و عشق و ارادت به خاندان امامت، او را تا بدان جا رسانده است که ملا عبدالله افندی اصفهانی فقیه عصر صفوی در تذکره خود *ریاض العلماء* ملاحظه ملاحسن کاشی را با شیخ علی کرکی و بلکه علامه حلّی در نشر مذهب شیعه، برابر دانسته است.<sup>۲</sup>

### سبک شعر ملاحسن

با بررسی آثار به جا مانده از ملاحسن می‌توانیم بگوییم وی از شاعران کثیرالشعر و بسیارگو نبوده است؛ دیوان شعر او به سختی به دوهزار بیت می‌رسد. اما الحق که با این اندک سروده‌ها، در تاریخ ادبیات فارسی ماندگار و مؤثر افتاده است. از رموز ماندگاری شعر ملاحسن، پایبندی وی به هنر متعهد و شیدایی و سرمستی او در بیان حقیقت به زبان مردم بوده است. درباره شعر او چنین قضاوت شده است:

می‌توانیم بگوییم مخاطب شعر حسن کاشی، مردم بوده‌اند و او با احساس تعهد نسبت به دفاع از حق امیرالمؤمنین علیه السلام، آگاهانه، آن چنان شعر می‌گفته که مردم بفهمند و بیسندند و با خود و بردیگران بخوانند. غرض او از شاعری، نشان دادن تسلط بر فنون و صناعات شعری نبوده، بلکه او شعر را هم چون ابزاری یا رسانه‌ای در خدمت اعتقادات خود به کار می‌گرفته و از هر چه با این مقصود ناسازگار بوده، دوری می‌جسته است. همین نکته سبب شده تا شعر او امروز هم تا حدود زیادی برای عموم مردم باسواد، قابل فهم باشد و حتی مداحان و منقبت‌خوانان دوران ما هم بتوانند پس از هفتصد سال از دیوان حسن کاشی اشعار متعددی برگزینند و برای مردم بخوانند. هفتصد سال فاصله زمانی، زبان شعری حسن کاشی را چندان کهنه و نامقبول و نامطبوع نساخته است.<sup>۳</sup>

۱. حداد عادل، غلامعلی؛ *دانشنامه جهان اسلام*؛ تهران، انتشارات دایرة المعارف اسلامی چاپ اول ۱۳۸۸ ش، جلد ۱۳ (ص ۳۵۳).

۲. هندی، سعید، *هفت بند هفتادبند* (صفحه نوزده از پیشگفتار).

۳. حداد عادل، غلامعلی؛ «حسن کاشی شاعر شیعی قرن هفتم و هشتم» *آینه پژوهش* فرودین و اردیبهشت ۱۳۸۹ شماره ۱۲۱، (ص ۲۶).



در پیشینه ادبیات فارسی، شاعران آزاده‌ای هستند که با وجود امکان تقریب به دربارهای جور و ستم و بهره‌مند شدن از صلوات و مواهب شاهانه در سایه هنر شعر، هیچ‌گاه این الهام الهی را صرف الهه‌های دنیایی نکردند. نام مولانا حسن کاشی در کنار نام ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ ق) و دیگر شاعران متعهد ادب فارسی می‌درخشد؛ چرا که «خلوص و اعتقاد کاشی به امام علی و فرزندانش سبب گردید تا ذوق شاعری خود را وقف مداحی اهل بیت علیهم‌السلام بکند و با این‌که امکان انتساب به دربارها و دستگاه‌های ریاست برایش فراهم بود، حاکمان روزگارش را مدح نکرد و عمرش را در کمال تقوا و قناعت گذراند»<sup>۱</sup>.

جایگاه مولانا حسن کاشی آن‌چنان والا است که در بین سراینندگان منقبت اهل بیت علیهم‌السلام و شعر شیعی، سرآمد دیگران است و فراتر از ایران در کشورهای دیگر نیز مورد توجه است و بحق درباره او آمده است:

چهره درخشان شعر ستایش [شیعی]، شیخ حسن کاشی (م بعد از ۷۰۸) است که میرزا عبدالله افندی نقش وی را در رواج تشیع در ایران، در ردیف علامه حلی و محقق کرکی یاد کرده، از وی اشعار زیادی برجا مانده و بسیاری از این اشعار نه در ایران بلکه در میان شیعیان افغانستان بیش از ایرانیان محبوب واقع شده و مورد استفاده قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

### آثار ملاحسن

آثاری که از ملاحسن به جای مانده است عبارت است از:

۱. دیوان شعر فارسی: مشتمل بر دو هزار بیت که قریب به تمامی آن در مدح اهل بیت عصمت و طهارت و خاندان پاک رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. این اثر برای نخستین بار به کوشش عباس رستاخیز و با مقدمه حسن عاطفی در تهران در سال ۱۳۸۸ به وسیله انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در ۲۱۸ صفحه به چاپ رسیده است.
۲. هفت بند یا عقود السبعه: ترکیب بندی که دارای هفت بند است و به همین نام مشهور شده است.

۳. کتاب الانشاء: مشتمل بر علم و ادب و شعر حکمت.

۱. حداد عادل، غلام‌علی؛ *دانشنامه جهان اسلام*؛ تهران، انتشارات دایرة المعارف اسلامی چاپ اول ۱۳۸۸ش، جلد ۱۳ (ص ۳۵۳).

۲. جعفریان، رسول؛ «مروری بر منقبت امامان علیهم‌السلام در شعر فارسی» مشکوٰة بهار ۱۳۸۲، شماره ۷۸، (ص ۹۰).

۴. تاریخ محمدی: درباره انتساب این اثر به مولانا حسن کاشی شایان ذکر است که پژوهشگر پرکار و نام‌آشنای عرصه تاریخ و فرهنگ و ادب فارسی، استاد رسول جعفریان، در سال ۱۳۷۷ شمسی کتابی را با عنوان تاریخ محمدی از حسن کاشی، تصحیح و توسط انتشارات کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران در قم به چاپ رسانید. اما در پژوهش‌های بعدی در صحت انتساب این اثر به ملاحسن کاشی تردیدهای جدی ایجاد شده است. حسن عاطفی در مقدمه‌ای که بر دیوان حسن کاشی نگاشته است، با دلایل متعدد و قابل توجه، صحت انتساب تاریخ محمدی به ملاحسن کاشی را صریحاً رد نموده است.<sup>۱</sup>

#### جایگاه هفت بند ملاحسن کاشی در شعر آیینی

هفت بند ملاحسن که در قالب ترکیب بند است، مشهورترین شعروی است که «سرمنشأ سرایش بسیاری از اشعار ستایش اهل بیت (علیهم‌السلام) پس از وی بوده و خود از اشعار بسیار رایج در محافل شیعی تا دوره صفوی بوده است»<sup>۲</sup> و در هر یک از بندهای هفت گانه، سیزده بیت دارد و مجموعاً دارای نود و یک بیت است؛ با این بیت آغاز می‌شود:

السلام ای سایه ات خورشید رب العالمین آسمان عز و تمکین، آفتاب داد و دین

جایگاه رفیع هفت بند کاشی چنان است که به تنهایی، باعث شهرت وی در تاریخ شعرو ادب گشته است. بسیاری از نخبگان فرهنگ شیعه در آثار خویش از هفت بند نام برده و این اثر را به عظمت ستوده‌اند؛ از جمله قاضی نورالله شوشتری (شهادت ۱۰۱۹ق) و صاحب ریاض العلماء، ملاعبده الله افندی اصفهانی (متوفی ۱۱۲۰/۱۱۳۰ق) و میرزا محمدعلی مدرس تبریزی (درگذشته ۱۳۷۳ق) در *ربحانة الادب* و دیگر مؤلفان و نویسندگان هریک در باب ارزش و تأثیر و گرانبستگی هفت بند داد سخن داده‌اند که پرداختن بدان و بررسی هریک از اقوال در این مجال اندک نمی‌گنجد. آن چه لازم است بدان توجه شود، این است که هفت بند، جایگاه نمادین و اسطوره‌ای در شعر فارسی شیعی یافته است. شاعران متعدد، آن را مورد توجه جدی قرار داده و گویی مرام‌نامه‌ای بوده است که بسیاری از اعتقادات امامیه در آن تبیین شده است. همین امر باعث شده است که از دیرباز شاعران پارسی‌گوی با اقتفا، جوایبه،



۱. دیوان حسن کاشی، به کوشش عباس رستاخیر با مقدمه حسن عاطفی، تهران، مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش (ص ۴۲).

۲. جعفریان، رسول؛ «مروری بر منقبت امامان (علیهم‌السلام) در شعر فارسی» مشکوٰة بهار ۱۳۸۲، شماره ۷۸، (ص ۹۱).

تضمن و تخمیس و نظیره‌گویی‌های هفت‌بند کاشی، از این رهگذر، جویای تقرّب به اهل بیت علیهم‌السلام و به دنبال کسب جایگاه و آبرو در این راستا بوده‌اند. شروحو نیز بر هفت‌بند کاشی نگاشته شده است.

### پیشینه جوابیه‌های هفت‌بند

بنابریافته‌های موجود، قدیمی‌ترین جوابیه‌های هفت‌بند به حدود یک قرن بعد از سرایش آن بوده است. تاج‌الدین حسن سلیمی تونی متخلص به سلیمی (متوفی ۸۵۴ق) نخستین جوابیه را بر هفت‌بند کاشی سروده است، با مطلع:

السلام ای آفتاب آسمان شرع و دین  
مطلع نور حقیقت منبع علم‌الیقین  
و پس از وی سلطان محمد صدقی استرآبادی متخلص به صدقی (درگذشته به سال ۹۵۲ق) نظیره‌ای با مطلع زیر سرود:

السلام ای ذات پاکت نور ربّ العالمین  
از فروغ گوهرت روشن چراغ ملک دین  
شمس الشعرا محشتم کاشانی (متوفی ۹۶۶ق) که شاگرد صدقی استرآبادی راداشته،<sup>۱</sup> در دنباله‌روی از استاد، ترکیب‌بندی سروده است که در حقیقت جوابیه و نظیره‌ای بر هفت‌بند کاشی بوده و مطلع آن چنین است:

السلام ای عالم اسرار ربّ العالمین  
وارث علم پیمبر فارس میدان دین  
پس از محشتم نیز شاعران دیگر به اقتفا و نظیره‌گویی هفت‌بند اقدام نمودند. پژوهشگر فقید، سعید هندی، نهایتاً یافته‌های خویش در این زمینه را در کتاب هفت‌بند هفتادبند گرد آورده است. ایشان علاوه بر ذکر سه شاعر فوق، نظیره‌سرایان هفت‌بند را به شرح ذیل به ثبت رسانده است:

- نثاری تونی (درگذشته ۹۶۷/۹۶۸ق)
- عرفی شیرازی (درگذشته ۹۹۹ق)
- ملا علی صابر تبریزی (سده ۱۰ق)
- میرحیدر معمایی کاشانی (درگذشته ۱۰۲۵/۱۰۳۲ق)
- ملا عبدالرزاق قیاض لاهیجی قمی (درگذشته ۱۰۷۲ق)

۱. حیدری یساولی، علی، «سلطان محمد صدقی استرآبادی سراینده شیعی» قم، میراث شهاب، شماره ۷۱، (ص ۲۷).

- حاجی فتوحای مراغه‌ای (سده ۱۱ق)

- مقبل اصفهانی (درگذشته ۱۱۵۷ق)

- حزین (سده ۱۲ق)

- مفتی احسن متخلص به احسن (سده ۱۳ق)

- میرفدا علی صاحب تنها متخلص به تنها (سده ۱۳ق)

مؤلف هفت بند هفتادبند در ادامه، یک تخمیس از محمد رضا خان شاملو اصفهانی و هم چنین تضمینی از شاعری ناشناخته و هم چنین دو شرح بر هفت بند به نام‌های معادن الرضا از اصغر حسین (قرن سیزدهم) و هشت بهشت یا قمبرنامه از ملا ادهم واعظ عزلتی خلخالی (متوفی ۱۰۵۲ق) معرفی نموده است.<sup>۱</sup>

در مقدمه دیوان حسن کاشی نیز نام سه تن دیگر از شاعرانی که به استقبال هفت بند کاشی برخاسته‌اند چنین آمده است:

۱. حاج جعفر نظنزی فرزند حاج میرزا محمد

۲. سید حسن طباطبایی جوشقانی متخلص به نیاز، شاعر قرن سیزدهم

۳. مولوی سید نثار حسین عظیم آبادی از معاصران.<sup>۲</sup>

کوشش مرحوم سعید هندی در یافتن این نظیره‌ها و آوردن آن به طور کامل در اثر خویش، راه را برای پژوهش‌ها بعدی و بررسی‌های نقدشناسانه و سبک‌شناسی هریک از این آثار، هموار نموده است؛ موضوعی که بسیار جذاب و جالب می‌نماید، اما متأسفانه از حوصله این مقاله خارج است. امید است که پژوهشگران علاقه‌مند، در این زمینه ورود یافته و ارزش‌های ادبی و ویژگی‌های سبکی هریک از این نظیره‌ها را مورد بررسی و مذاقه قرار دهند.

معرفی یک نظیره و جوابیه جدید از هفت بند کاشی

آن چه در این پژوهش بدان می‌پردازیم، نویافته‌ای از نظیره‌ها و جوابیه‌های هفت بند کاشی است با عنوان هفت ستاره که توسط یکی از شاعران شیعی در دیار هند سروده شده

۱. هندی، سعید، هفت بند هفتادبند، تهران، مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش (صفحه سی و پنج).

۲. دیوان حسن کاشی، به کوشش عبارس رستاخیر با مقدمه حسن عاطفی، تهران، مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۹ش (ص ۳۸).



است. با بررسی کتاب شماره ۲۶۸۳ موجود در گنجینه چاپ سنگی های هند در کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی با عنوان *جواهر العجایب*، مشخص شد که یک رساله به صورت ضمیمه در انتهای این نسخه، صحافی شده است.

نام این اثر *سبئه سیاره* و در صفحه عنوان، نام مصنف چنین معرفی شده است:  
افصح الفصحا و ابلغ البلغا جناب مولوی میرزا قاسم علی بیگ صاحب اخگر نایب  
صیغه عطیات مجلس مالگزاری<sup>۱</sup>.

چاپخانه این اثر مشخص نیست. و در ذیل صفحه ۱۱ نسخه، عبارت «مطبوعه تاریخ ۵ بهمن ۱۳۰۵» چاپ شده است. این نسخه در ۱۲ صفحه با خط نستعلیق و صفحه اول دارای سرلوحه و کتیبه؛ تمامی صفحه ها جدول دار و دستونی است. در صفحه ۱۲ نوشته ای به خط مصنف چنین آمده است:

رسالة هذا در بلدة حیدرآباد دکن متصل گلزار حوض به دکان جناب سید حسین صاحب مستاجر کتب به قیمت یک و نیم آنه میسر خواهد شد. الراقم مؤلف رساله. *سبئه سیاره* از اخگر حیدرآبادی تاکنون در ایران ناشناخته بوده و آن چنان که در ادامه این مقاله بدان خواهیم پرداخت، در ضمن معرفی آثار میرزا قاسم علی اخگر نیز بدان اشاره ای نشده است. به عبارت دیگر: در این پژوهش، از یک سوی یکی از نظایر هفت بند کاشی معرفی شده و از سوی دیگری از آثار ارزشمند میرزا قاسم اخگر در یادنگار علم و فرهنگ اسلامی به ثبت می رسد.

### میرزا قاسم علی اخگر حیدرآبادی

حیدرآباد از دیرباز به عنوان یکی از اصلی ترین مراکز فرهنگی و به ویژه یک ناحیه اسلامی در هند محسوب می شده که جایگاه رشد و نمای بسیاری از فرهیختگان و ابرمردان فرهنگ و دانش و ادبیات فارسی بوده است. این منطقه از آغاز تأسیس تا امروز در شمار مراکز شیعی هند بوده و پس از ظهور آصفجاهیان سنی مذهب هم، آیین های مذهبی شیعی هم چون گذشته در این شهر رواج داشته است.<sup>۲</sup> بدیهی است که این رشد و بالندگی، تنها با آزادی،

۱. اخگر حیدرآبادی، میرزا قاسم علی، *هفت سیاره*، حیدرآباد دکن، به کوشش مؤلف، ۱۳۰۵ خورشیدی (ص ۱۲).

۲. اخگر حیدرآبادی، میرزا قاسم علی، *نهایة الظهور شرح هیاکل النور*، محمدکریم زنجانی اصل، نشر انجمن آثار و

فرهنگ دوستی و تعصب‌گریزی حاکمان آن مرز و بوم فراهم گردیده است. پرداختن به تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در حیدرآباد، می‌تواند نکات شگفت‌انگیز و عبرت‌آموزی را به همراه داشته باشد. در این میان شخصیتی کم‌نظیر، اخگر حیدرآبادی، مورد توجه این پژوهش ناچیز قرار گرفته است.

آن چه درباره زندگی و شرح حال اخگر در تاریخ علم به ثبت رسیده، بسیار اندک است. از شباهت نام وی با شاعری دیگر به نام میرزا قاسم علی که در تذکره نزهة الخواطر عبدالحی حسنی لکهنوی، تاریخ وفاتش جمادی الاول ۱۳۰۲ ق در حیدرآباد ثبت شده، آشکار است که این تاریخ نمی‌تواند درباره تاریخ درگذشت اخگر حیدرآبادی درست باشد. آن چه در مورد زندگانی حکیم گننام، اخگر، می‌توان گفت، این است که با توجه به آثارش، وی از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۶۵ ق در قید حیات بوده است.<sup>۱</sup>

#### اخگر مدرس فلسفه و عرفان

قاسم علی حیدرآبادی یکی از علمای مبرز در علوم فلسفی در زمان خود بوده و در هیئت و نجوم و خط نیز یگانه بوده است.<sup>۲</sup> ورود اخگر در عرصه حکمت و فلسفه و شرح یکی از رساله‌های مهم شیخ اشراق، شیخ شهاب‌الدین سهروردی، بیانگر جایگاه و منزلت وی در عرصه حکمت و عرفان است. جایگاه شیخ اشراق در دنباله‌روی از محمد غزالی و برجسته‌سازی عنصر کشف و شهود در دستیابی به معرفتی واقعی از جهان هستی، دستگاه فلسفی نوینی را پی‌ریزی کرده و فلسفه اسلامی را در مسیر خود گامی به جلو برده است.<sup>۳</sup> اخگر حیدرآبادی با ورود به این عرصه و شرح این اثر مهم، شایستگی و کارآزمودگی خود را در درک مسائل ناب فلسفی به منصفه ظهور نشانده است. او در نگارش کتاب خود، شرح ثلاث رسائل محمد بن اسعد دوانی را که به زبان عربی است پیش رو داشته<sup>۴</sup> و این امر،

مفاخر فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۵، مقدمه مصحح (ص ۲۴).

۱. اخگر حیدرآبادی، میرزا قاسم علی، نه‌ایة الظهور شرح هیاکل النور، محمد کریم زنجانی اصل، نشر انجمن آثار و

مفاخر فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۵، مقدمه مصحح (ص ۲۵).

۲. سرحدی، میترا، مجموعه رسائل عرفانی نشریه «فلسفه، کلام و عرفان اطلاعات حکمت و معرفت» اردیبهشت ۱۳۸۷، شماره ۲۶ (ص ۷۶).

۳. اوجیبی، علی، هیاکل النور: نماد سنت‌گرایی و نوگرایی اشراقی، کتاب ماه فلسفه شماره ۲۳ مرداد ۱۳۸۸ ش (ص ۱۶).

۴. همان (ص ۱۶).



علاوه بر تبخّر در مباحث فلسفی، استیلا و چیره دستی وی بر زبان عربی را نیز اثبات می‌کند.

### اخگر حیدرآبادی و انجمن فیض

یکی از کانون‌های فرهنگی پرورونق قرن ۱۳ و ۱۴ در حیدرآباد، انجمن‌های ادبی و محفل‌های شعر است که به مناسبت‌های گوناگون برپا می‌شده است. یک از این کانون‌ها، انجمن فیض است. همه‌ساله در مراسم عرس، سالروز وفات شمس‌الدین فیض حیدرآبادی (م ۱۲۸۳ق)، در این شهر شاعران از اقصا نقاط شبه‌قاره با شرکت در یک مسابقه ادبی، در جواب به یک مصراع طرح‌شده، غزل‌های خویش را می‌فرستادند.<sup>۱</sup> از شخصیت‌های طراز اول پارسی‌سرا در این انجمن، میرزا قاسم علی اخگر حیدرآبادی بوده است. وی با شرکت منظم و مستمر در این انجمن، گویی فرصت را برای اشاعه فرهنگ اسلامی، شیعی و هم‌چنین گسترش مضامین عرفانی غنیمت شمرده است.<sup>۲</sup>

در آثار اندکی که از سراینندگان این انجمن در دسترس نگارنده این مقاله قرار داشت، سروده اخگر در انجمن فیض در سال ۱۳۲۴ق با مطلع زیر درج گردیده است:

حسن از پرده اگر جلوه‌نما می‌باشد  
دیده خود آینه حیرت مای باشد<sup>۳</sup>

وغزلی دیگر با مطلع زیر:

ترک جان گفتم و خرم دل جانان نشود  
چه کند دل به چنین جان که پشیمان نشود<sup>۴</sup>

### اخگر حیدرآبادی، کارگزار حکومت آصف‌جاهیان حیدرآباد

اسنادی که درباره میرزا قاسم علی اخگر حیدرآبادی به جای مانده، نشان می‌دهد که وی در دربار آصف‌جاهیان به‌ویژه در زمان زمامداری میرمحبوب علیخان بهادر آصف‌جاه ششم (۱۲۸۳-۱۳۲۹ق) دارای منصب و مقام بوده است. عنوانی که در مجموعه اشعار انجمن فیض

۱. مرادی (رستا)، ابوالفضل؛ انجمن‌های ادبی هند انجمن فیض (بخش نخست)؛ میراث شهاب، قم، زمستان ۱۳۹۱ شماره ۷۰ (ص ۱۸۷).

۲. مرادی (رستا)، ابوالفضل؛ انجمن‌های ادبی هند انجمن فیض (بخش دوم)؛ میراث شهاب، قم، بهار ۱۳۹۲ شماره ۷۱ (ص ۱۲۵).

۳. گلدسته فیض هند (مجموعه غزلیات عرس شریف) حیدرآباد دکن؛ مطبعه فخر نظامی، چاپ سنگی ۱۳۲۴ق (ص ۵).

۴. گلدسته فیض هند (مجموعه غزلیات عرس شریف) حیدرآباد دکن؛ مطبعه فخر نظامی، چاپ سنگی ۱۳۲۱ق (ص ۵).



تحت عنوان «گلدسته فیض» باقی است، چنین درج گردیده:

«جناب میرزا قاسم علی بیگ صاحب صیغه دار دفتر معتمدی مالگزاری سرکار عالی»<sup>۱</sup> و در جای دیگر با اندکی تفاوت «صیغه دار محکمه مالگزاری سرکار عالی»<sup>۲</sup> درج گردیده است.

عبارت صیغه دار در هیچ یک از آثاری که در زبان فارسی با عنوان فرهنگ اصطلاحات دیوانی به چاپ رسیده است وجود ندارد.<sup>۳</sup> هر یک از این واژگان این عنوان حکومتی نیاز به پژوهش و تحقیق دارد.

### اخگر، سراینده شعر فارسی

از آن جا که در دفترچه های شعر انجمن فیض با نام گلدسته فیض، شاعران فارسی سرا، نام و نمونه شعر سراینندگان اردو نیز آمده است، در بررسی آثار به جا مانده از انجمن فیض و دیگر آثار مرتبط، به نمونه شعر اردو از اخگر برخورد نکردیم. اگرچه اظهار نظر قطعی در این باره نیاز به وقت و مطالعه بیشتری دارد؛ اما بررسی های اجمالی، این ظن را برمی انگیزد که اخگر شاعری صرفاً فارسی سرا بوده و اصالتاً هندی نیست. ممکن است اجداد وی از دیگر نقاط شبه قاره یا ایران به آن دیار مهاجرت نموده اند.

### آثار اخگر

درباره آثار اخگر، کامل ترین نظر را می توانیم در مقدمه کتاب *نهایة الظهور* مشاهده کنیم. در مقدمه این کتاب، آثار وی به شرح زیر آورده شده است:

۱. *مثنوی نزهة الابرار* حاوی نکات عرفانی فلسفی که در سال ۱۳۲۶ ق سروده است

۲. شرح بیتنی *از امیر خسرو دهلوی* که عبارت است از:

ز دریای شهادت چون نهنگ لا برآرد هو تیمم فرض گردد نوح را در عین طوفانش

۳. شرح کتاب *برهان العاشقین* سید محمد گیسودراز (م ۸۲۵ ق)

۱. گلدسته فیض هند (مجموعه غزلیات عرس شریف) حیدرآباد دکن؛ مطبوعه فخر نظامی، چاپ سنگی ۱۳۲۴ ق (ص ۵).

۲. گلدسته فیض هند (مجموعه غزلیات عرس شریف) حیدرآباد دکن؛ مطبوعه فخر نظامی، چاپ سنگی ۱۳۲۱ ق (ص ۵).

۳. بنگرید: شریک امین، شمیم؛ فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول، انتشارات فرهنگستان ادب و هنر ایران، تهران، بهمن ۱۳۵۷ ش و انوری، حسن، اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، انتشارات کتابخانه طهوری، تهران ۱۳۵۵ ش.

۴. شرح سؤال کمیل و جواب امیرالمؤمنین علیه السلام که در سال ۱۳۶۵ ق نگاشته است.

۵. رساله نهاییه الظهور نگاشته به سال ۱۳۶۵ ق.<sup>۱</sup>

در مقاله ای دیگر اثری به نام اخگر به ثبت رسیده است؛ «رساله بعدی شرح حدیث حقیقت شامل کیمیا و مآثورات شیعه و حدیث حقیقت به روایت منابع کهن است».<sup>۲</sup> به عبارت دیگر جدای از رساله شرح کمیل، رساله ای با عنوان شرح حدیث حقیقت برای اخگر معرفی شده است؛ در حالی که در مقدمه نهاییه الظهور، این دو اثر، یکی معرفی شده است، با عبارت زیر: «شرح سؤال کمیل و جواب امیرالمؤمنین... رساله ای است در شرح حدیث حقیقت با زبان عرفانی و ممتنع که در آن از آموزه های ابن عربی هم یاد شده است».<sup>۳</sup>

مغفول ماندن سبعة سیاره به عنوان یکی از آثار اخگر

آن چنان که در آثار فوق مشاهده می فرمایید، رساله سبعة سیاره که در زمان خود مؤلف به عنوان یک اثر مستقل، چاپ شده و مؤلف به خط خویش بر آن توشیح نموده، دیده نمی شود. البته نوع چاپ این رساله و ضمیمه قرار گرفتن آن در صحافی، نشان می دهد که این رساله به تعداد بسیار اندک و شاید به مناسبت مذهبی خاص هم چون غدیر و یا شبیه آن به چاپ رسیده است. یافتن آن موهبتی است الهی که فرصتی را برای معرفی این اثر ارزشمند فراهم نموده است.

انتساب شکارنامه به اخگر

در بین آثار نام برده شده برای اخگر، مثنوی با عنوان شکارنامه به ثبت رسیده است. عارف نوشاهی در فهرست کتاب های چاپ سنگی و کیمیا کتابخانه گنج بخش ضمن معرفی نسخه شماره ۱۹۷۳ / ۲۶۸۳ اثری را با عنوان مثنوی شکارنامه برای اخگر به ثبت می رساند.<sup>۴</sup>

۱. اخگر حیدرآبادی، میرزا قاسم علی، نهاییه الظهور شرح هیاکل النور، محمدکریم زنجانی اصل، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۵، مقدمه مصحح (ص ۲۹).

۲. سرحدی، میترا، مجموعه رسائل عرفانی نشریه «فلسفه، کلام و عرفان اطلاعات حکمت و معرفت» اردیبهشت ۱۳۸۷، شماره ۲۶ (ص ۷۶).

۳. اخگر حیدرآبادی، میرزا قاسم علی، نهاییه الظهور شرح هیاکل النور، محمدکریم زنجانی اصل، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۵، مقدمه مصحح (ص ۲۸).

۴. نوشاهی، سید عارف؛ فهرست کتاب های چاپ سنگی و کیمیا کتابخانه گنج بخش؛ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۶۵ ش، جلد ۱ (ص ۱۱۹).

بنابر یافته‌های امروز، شکارنامه در حقیقت نام دیگر برهان العاشقین است که معروف به قصه چهاربرادر نیز هست؛ رساله‌ای تمثیلی یا استعاره‌ی عرفانی و آخرین رساله از مجموعه یازده رسائل سید محمد گیسودراز چشتی است.<sup>۱</sup>

آثاری که اخگر کتابت نموده است

۱. کفایة التعلیم در صناعت تنجیم از محمد بن زکی عزیزی غزنوی نگاشته به سال ۵۴۲ق
۲. رساله فی المعراج منسوب به شیخ شهاب‌الدین یحیی سهروردی (شهد ۵۸۷ق)
۳. روضة القلوب یا بستان القلوب منسوب به شیخ شهاب‌الدین یحیی سهروردی
۴. تحفه از خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ق)
۵. کلمات عشره منسوب به خواجه نصیرالدین طوسی
۶. رساله فی احوال النفس منسوب به خواجه نصیرالدین طوسی
۷. رساله عشقیه از خواجه حمیدالدین محمد بن عطاناگوری
۸. بهارستان سخن از میر عبدالرزاق شاه نوازخان اورنگ‌آبادی (۱۱۷۱م)
۹. ستر اکبر؛ ترجمه‌ای از اوپانیشادهای هندوان توسط محمد داراشکوه (شهد ۱۰۶۹ق) فرزند شاه جهان از سلاطین مسلمان هند
۱۰. حفظ مراتب؛ رساله‌ای است عرفانی از خوب محمد چشتی حسینی (م ۱۰۲۳ق)
۱۱. خلاصه العیش عالمشاهی از روشن‌الدوله رستم جنگ ظفرخان، مظهر بن مظفر، قرن ۱۲ق.<sup>۲</sup>

نمونه‌هایی از غزلیات اخگر حیدرآبادی

این دو غزل که در ادامه ترکیب‌بند سبعة سیاره درج گردیده، نمونه‌ای از غزلیات اخگر است با موضوع نعت نبی گرامی اسلام ﷺ که یکسانی هر دو در قافیه و وزن، نشان می‌دهد که این سروده‌ها نیز نمونه‌هایی از شعرهایی است که اخگر برای شرکت در یک انجمن خاص و در جواب یک مصراع طرح شده فرستاده است.

قَد رَعْنای تو باز از روش بوالعجبی قَتْنَه ملکِ عجم شد به لباس عربی



۱. فریا منش، مسعود؛ «برهان العاشقین» نشریه آئینه میراث، بهار ۱۳۸۷ شماره ۴۰ (ص ۴۱۳).

۲. اخگر حیدرآبادی، میرزا قاسم علی، نهاییه الظهور شرح هیاکل النور، محمد کریم زنجانی اصل، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۵، مقدمه مصحح (ص ۳۹).

خوش به کام لبِ نوشین تو زد آبِ حیات  
 درد مندِ غمِ عشقِ توبه صد حالِ سقیم  
 بلبلانِ چمنِ لاله رخسارِ تواند  
 مستِ کیفیتِ صهای لبِ نوشینش  
 جلوه فرما و خرامان نفسی سوی من آی  
 الله چه جمال است بدین حسن و صفا  
 نامِ والای تونازش که ذاتِ احد است  
 شرفِ عالم و آدم شدی از فیضِ کمال  
 جلوه کردی شبِ معراج به شأنِ عجیبی  
 عرصه حشر شود مست چو آید اخگر  
 غزلی دیگر:

شوخ من ناز تو افزون که به صد بوالعجیبی  
 التفاتی که تقاضای مرّوت نبود  
 واعظ از شوخی ایمای نگاهش غافل  
 بوسه ها بر قدمش از ره شوخی زده ام  
 بردلم عیش کند تلخ به هنگامِ وصال  
 دل و جانم همه حسرت کده امید است  
 به سر منزل مقصود رسانید مرا  
 شهره خلق به آزار دل زار مباش  
 شوخی ناز تو راهست ادای دگری  
 تا بر آمد ز لب اندر دل او جا کرده است  
 پرتو شعله حسنی شده کاشانه فروز



## متن کامل سبعه سیاره اخگر

بسم الله الرحمن الرحيم

بند اول

السلام ای پیشوای خلق امام المتقین شهبسوار<sup>۱</sup> لامکان سیر، آسمان اندر رکاب قاضی احکام داور، والی ملک و ملل آستان بوسان درگاه تو هنگام طواف می برد زور جلال، ارض را بر آسمان می تواند خامه و قرطاس را گیرد به زور عالم اسرار یزدان، وارث علم نبی معنی «نصر من الله»، مقصد «فتح قریب» ذره را گر رشته مهر تو در دست او فتد توید الهی که وصف «فوق ایدهم» تورا ست شیر یزدان، شاه کیهان، مالک ملک قدم جبهه ساي خاک درگاه تو از دل، قدسیان بست چون نقش و نگار صورت زیبای تو داور اعلیٰ نسب، عالی حسب، غالب لقب

مسند آرای ولایت سرور دنیا و دین خسرو عرش آستان، خورشید در زیر نگیں پاسبان دین و دنیا، قهرمان ماء و طین نردبانی می کنند از سدره روح الامین می زند بار و قارت، آسمان را بر زمین کاتب وصف تو از دست کراماتین حامی دین الهی، نفس خیر المرسلین مطلب «انا فتحنا»، نص قرآن مبین می کشد از آسمان، خورشید را در آستین می نشاند گاه را با کوه عونت هم قرین ابن عم مصطفی، غالب امیر المؤمنین گردروب روضه پاک تو، زلف حور عین آفرین بردست خود می کرد صورت آفرین صاحب سیف و قلم، فرمانده ملک یقین

ای که با ذات تو بس همدم، رسول الله بود

گر بود هم نفس تو آن هم رسول الله بود

بند دوم

ای به جز خیر الوری، مثل تو نبود هیچ کس ماهتاب از لمعه آثار ذاتت، مستتیر پیکر لات و هبل را کیست آن بشکست خرد؟

از ازل با نفس تو، روح القدس خود هم نفس آفتاب از اشعه انوار رایت، مقتبس کیست آن معراج او دوش پیمبر بود و بس؟



نقش بند کاف و نون چون نقش تَمثالِ تو بست  
 گرنه خورشید ولایت، پرتو نور افگند  
 زایران روضه ات را در جنان خد متگزار  
 محملِ حلمِ تو گرباری به پشتش افگند  
 می شود هر کس که از دستِ عطایت مستفیض  
 روز میدان، زور دستِ صدفرت تا بنگرند  
 گر شکوهت سایهٔ بالِ حمایت افکند  
 تیغِ قهرت ظالمِ خونخواره را تارک شکاف  
 قطرهٔ بحرِ عطایت می زند آن جا که موج  
 اندر آن میدان که رو آری به تیغِ آبدار  
 حمله آور چون شوی بر خصم در وقتِ مصاف

ساکنان عرش در وصف تو گوید آشکار

«لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار»

بند سوم

ای عروسی دهر از عدلِ تو زیور یافته  
 مرتورا بعد از خدا و مصطفی در کاینات  
 ذره ای بالا رود گراز نگاه مهر تو  
 آن که بانامت تو سل جست از درگاه حق  
 بحر و برادستِ قیاض تو کرده مستفیض  
 بهره ای برد آن که از گنجینهٔ انعام تو  
 مصطفی شهری است از علم لدنی، تودرش  
 داد از اسرار «سبحان الّذی» آگاهی ای  
 مرغِ نطق از هر کجا بالِ ثنایت کرد باز  
 برید بیضا اگر نازِ فزون دارد کلیم  
 از ازل نور تو توأم با پیمبر آمده

با ولایِ تو سپهر از مهر، افسر یافته  
 جبرئیل از برترین خلق، برتر یافته  
 آسمان بر آسمان، خورشیدِ دیگر یافته  
 هر مرادی را که نبود در مقدر یافته  
 صبح کاین درّ تیم از بحرِ اخضر یافته  
 گنجِ قارون را ز یک خر مهره، کمتر یافته  
 جوهرِ کل، گوهرِ اسرار ازین در، یافته  
 رازدارِ خویش پیغمبر، تورا در یافته  
 پنجهٔ شاهینِ حیرت، باز بر سر یافته  
 ذره ای از مهر تو خورشیدِ انور یافته  
 هم وصی گردیده هم جای پیمبر یافته

دردمند نیم جان، تفسیده لب، تفتیده دل از لبِ جان بخت آبِ روح پرور یافته  
 آن که بر رای رزینت بست عزمی بس دُرست کشور معنی چو ملکِ دل، مسخر یافته  
 هست ذاتِ تو وجود آفرینش را سبب  
 گر ندیدی رویت آدم در ازل بودی عزب

#### بند چهارم

ای به معنی همدم روح [و] روانِ مصطفی مصطفی جانِ تو آمد هم تو جانِ مصطفی  
 کفر باشد با تو فرقی از حسد انداختن «لحمک لحمی» چو بگذشت از زبانِ مصطفی  
 بر سپهرِ عز و تمکین آن درخشان کوکبی رونقی بگرفت کز تو دودمانِ مصطفی  
 کس چه داند حدّ اوصافِ تو چون بگذشته است «انت مئی» بر لبِ معجزیانِ مصطفی  
 از ازل طالع نگردید و نگردد تا ابد چون تو خورشیدی دگر بر آسمانِ مصطفی  
 هر که رویت دید روی احمدِ مختار دید ای ز شأنِ تو نمایان است شانِ مصطفی  
 ناصرِ حیدر خطاب و غالبِ صفر لقب کیست اشهر جز توان در خاندانِ مصطفی؟  
 آن تویی بعد از تولّد، چشم خود کردی نه باز تا ندیدی حسنِ روی حق نشانِ مصطفی  
 هر که بردگاه تو عز زمین بوسی نیافت کی شود آن، باریابِ آستانِ مصطفی؟  
 خازنِ گنجینه اسرار یزدان بوده ای گشته ای تا محرم راز نهانِ مصطفی  
 من ثناخوانِ توام امیدوارِ رحمت بهره ور فرما ز لطفِ جاودانِ مصطفی  
 مدح سنج خویش را بهر خدا در کار کن آن چه حسان یافت فیض، اندر زمانِ مصطفی  
 رحم بر جانِ غریبم کن که از بس بی کسم گوشه چشمی فکن سویم به جانِ مصطفی

یا علی سوی کسی جز تو نباشد روی من

دردم آخر بفرما چشمِ رحمت سوی من

#### بند پنجم

ای به دل خواهانِ خدایت یا امیرالمؤمنین هست در قرآن، ثنایت یا امیرالمؤمنین  
 بود در ذات تو صد شایستگی حق کرد از آن جانشینِ مصطفیات یا امیرالمؤمنین  
 می زند موج و شود یکبار دریای محیط قطره بحر سخایت یا امیرالمؤمنین  
 حاملانِ عرش می بینند بر بالای عرش پرچم مهر لوایت یا امیرالمؤمنین  
 از دهان شیر، سلمان راهایی داد خوش پنجه مشکل گشایت یا امیرالمؤمنین



هم چو صبحی راه عرفان دید روشن، هرکه یافت  
 قدسیان هر سو فتاده بهر تحصیل شرف  
 خوش به وقت آزمون برداشت بار کاینات  
 شاهدان راز را شام و سحر، بس جلوه هاست  
 چشم نگشاید به نعمت های گیتی هر که یافت  
 شعله ای از آتشی جانسوز تر بهر عدوست  
 حاملان عرش را آن جا که پَر لرزد ز بیم  
 جبرئیل آورده از درگاه خلاق احد  
 مفلس بی دست گه را جاه سلطانی دهد

عقلِ فعال اربسنجد قدر معیارِ تورا

یک جو آید هر دو عالم، بار مقدارِ تورا

بند ششم

ای که احکام قضا، حکمی زد یوان شماس  
 زیب تن گردیده تاز زین قبای «لوکشف»  
 قدسیان را در تقدس نیست حرفی بعد از این  
 در مقام عظمت شأن غلوی مرتبت  
 جستی گش بی مه و خورشید نورش حاصل است  
 جمله نعمت ها که دارد نازشی بروی نعیم  
 عقل کل با این که از هر نکته دارد آگهی  
 در مقام عزت و توقیر، موسی از شرف  
 آسمان گو بر خلاف کام دل گردد مدام  
 اخگر بیچاره را سوی نجف روزی بخوان  
 دل که یک عمرش به درد و داغ ها بگذشته است  
 یا علی من مدح سنجم گوشه چشمی به من  
 ذره فیضی که من امیدوار رحمت  
 آفتابی کز فروغش عالمی نورانی است

دین همین باشد نباید باز پنهان داشتن

بعد پیغمبر به ارشاد تو ایمان داشتن



بند هفتم

ای حریم روضه‌ات را کعبهٔ امید، نام  
 زایران درگهت را تابه تکریم آورد  
 از وجودت هست میدان نجف، بیت الشرف  
 فاتح خیرکه گشت و قاتلِ عترکه شد؟  
 رشتهٔ امید گردد قطع چون در روزِ حشر  
 با محیط جود و لطفت بحر از یک قطره، کم  
 در نگاهِ آستان بوس در اقبال تو  
 ذره‌ای هست از صفای خاطرِ پُر نور تو  
 آن چه سلمان را نصیب آید ز فیضِ صحبت  
 آبِ تیغِ آبدارت طرفه درد آب و تاب  
 سایهٔ شمشیرِ حکمت، کفر را کرد انتزاع  
 موراگر دریوزه‌ای از شوکتِ جاهت کند  
 مصطفی بعد از خدا برتر، تو بعد از مصطفی  
 یا علی چشمِ کرم بر من فکن تا مستدام  
 هم ز عقبی برخورداریم هم زدنی با مرام

تو که هستی جانشینِ رحمة للعالمین

دردم آخر، مدد کن یا امیرالمؤمنین



انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی منتشر کرده است:

الموسومة بالنسبة

(۷)

الأول باب

من آل أبي طالب

الجزء الأول

للعلامة الشافعية

السيد مهدي الرجائي الموسوي



## قطعاتِ مولانا کاتبی تُرشیزی (م ۸۳۹ ق)\*

علی حیدری یساولی

### مقدمه

پیش‌تر در مقاله‌ای با عنوان «کاتبی تُرشیزی؛ زندگی و شعراو» در فصل‌نامهٔ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (نامهٔ انجمن، ویژهٔ ادبیات، سال نهم، شمارهٔ اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۸ شمسی) به بازبینی در زندگی و شعر این سخن‌پرداز شاخص عصر تیموری (۸۰۷-۹۱۳ ق) پرداختم و با توجه به کلیات دیوان وی که قسمت عمدهٔ آن، تا به امروز، هنوز در صورت دستنویس باقی مانده- و شماری کُتبِ تذکره و دواوین شاعران آن عصر که در سال‌های اخیر به چاپ انتقادی و علمی رسیده‌اند- آگاهی‌های تازه‌ای از تاریخ ادبیات تیموری به دست آمد و در آن نوشتار درج شد. اینک در این مختصر، مطالبی در طریقی آن مقاله به عنوان تکمله عرضه می‌گردد و آن‌گاه قطعات کاتبی را که از روی اقدم و اصح دستنویس‌های دیوان وی تصحیح کرده و گرد آورده‌ام، ارائه می‌شود.



\* کلیات دیوان کاتبی، توسط نویسندهٔ این مقاله در دست انتشار می‌باشد.

مولانا محمد بن عبدالله کاتبی رانیشابوری الأصل و ترشیزی الولادة والمنشأ گفته‌اند<sup>۱</sup> و به جز شیرعلی خان لودی در *مرآة الخیال* که اصل وی را از ناحیه‌ای از اعمال تبریز شناسانده<sup>۲</sup> و هدایت در *ریاض العارفین* که او را از مردم شیراز دانسته،<sup>۳</sup> همه مأخذ، اصلش را از ترشیز می‌گویند، «اگر چه خود گفته است که از نیشابورم، آن جا که اظهار کرده:

هم چو عطار از گلستان نیشابورم ولی خار صحرای نیشابورم من و عطار گل»<sup>۴</sup>  
 و البته به قول قاضی نورالله شوشتری: «فرق میان این دو سخن بر کسی که عارف به اصل و فرع ولایت نیشابور است، ظاهر است»<sup>۵</sup> و بی تردید این مطلب برای بدیع الزمان فروزانفر ظهور داشته که فرموده:

متقدمین، اکثر قسمت‌های خراسان را نسبت به نیشابور داده، و در قرون اول [تا] اوایل قرن هفتم، اکثر فضلالی ترشیز و بلوک رخ و حدود آن را به نیشابوری شمرده‌اند، چنان که معجم الادبای یاقوت گواه است. ظاهراً تولد کاتبی در یکی از دهات مابین نیشابور و ترشیز اتفاق افتاده، و تواند بود که بر حسب اختلاف حدود، گاهی جزء حکومت ترشیز و گاهی جزء حکومت نیشابور محسوب شده باشد.<sup>۶</sup>

درباره تاریخ دقیق تولد وی سخنی نگفته‌اند و با قرائنی فقط می‌توان به حدود آن پی برد. یکی از آن قرائن، شاگردی کاتبی نزد سیمی نیشابوری در آداب کتابت و منشی‌گری است. این استاد خوشنویس رساله‌ای دارد با عنوان *جوهریه*، که تحریری فشرده و دگرگونه است از کتاب *مفصلش* به اسم *حاصل الحیات و جواهر الصفات*، و نگارش آن را به سال ۷۳۷ ق به انجام رسانده<sup>۷</sup> و از فحوای کلامش چنین به نظر می‌رسد که این اثر را در ایام کهنولت و پیرانه سری نوشته؛

۱. تذکرة الشعراء، دولت‌شاه سمرقندی، ص ۲۸۹.

۲. مرآة الخیال، ص ۵۲.

۳. به نقل از تاریخ ادبیات ایران بدیع الزمان فروزانفر، ص ۵۱۲.

۴. عرفات العاشقین، ج ۶، ص ۳۵۴۵.

۵. به نقل از بهارستان سخن، ص ۳۳۸.

۶. تاریخ ادبیات ایران، فروزانفر، ص ۵۱۳.

۷. سیمی نیشابوری در رساله جوهریه:

باشد حیات حاصلم از حاصل الحیات  
 کردم صفات جمع در این مجمع الصفات  
 کاین روزنامه یافت رقم در شب برات

یابم ز بی وفایی ایام چون وفات  
 سی روز با ضمیر پریشان چهل صباح  
 تاریخ سال سیصد و سی وهفت بود



«باری، نقد عمر عزیز و جوهر عقل و تمیز در بهای لقای این دُر منصور و لؤلوی مشهور، منعود و مصروف و معطوف گشته، از طریق فریق تکلیف و تصنیف در گذشته و این مجموعه مطبوعه را به جوهریه سیمی مسمی شده است»<sup>۱</sup>. بنابراین می توان حدس زد، کاتبی در صغر سن به جرگه شاگردان سیمی درآمده و سال ها از محضراین خطاط نامی علم آموزی کرده است. قرینه دیگر، قصیده کاتبی در مدح امیر تیمور گورکان است که آن را پیش از سال ۸۰۷ ق سال مرگ تیمور یعنی دست کم ۳۲ سال پیش از تاریخ درگذشتش (۸۲۹ ق) سروده؛ با توجه به استحکام و سیاق قصیده مزبور، به نظر می رسد آن را در دوران پختگی گفته باشد؛

خسرو بخت بلندت تا ابد بیدار باد      خاک راهت سرمه چشم اولوالابصار باد  
 آبروی ملک و دین میر تیمور گورکان      ای که بحرین دودستت دائماً در بار باد  
 دشمنان را روز میدان ساخت دلخون تو سنت      خارها را چون بهار آید کند گلزار باد  
 در معانی منظم راهبیتت تعلیم کرد      کافیه ست این درس جان را قوت تکرار باد  
 اختراقبال و صیتت بر سپهر سلطنت      ثابت و سیار هم چون ثابت و سیار باد  
 کاتبی را تا بود جان در تن و سر در بدن      وصف تخت و تاجت او را باعث گفتار باد  
 خسروا نظم که وصف بجز جود دست توست      در خوشابیی و طراوت چون در شهوار باد  
 هر که را شد یار بخت و دولت از افلاس رست      با من زار گدا این بخت و دولت یار باد  
 گرچه عریانم در این فصلی که کس عریان مباد      خلعت مدحت لباسی جان این غمخوار باد  
 شعر من هر چند کم لطف است و ذوق اما صله      چون عطا و عمر و لطف و لشکرت بسیار باد  
 رو به ره دارم من خاکی تنی ناشاد دل      همتت همراه این آواره غمخوار باد  
 در صفات هر دعا کاین داعی و صاف گفت      جمله چون ذاتت قبول حضرت جبار باد<sup>۲</sup>

به این ترتیب و با برداشت از چنین قراینی می توان زمان تولد وی را اوایل نیمه دوم از قرن هشتم هجری تخمین زد، اگرچه عباراتی از *مجالس النفائس* که «مولانا کاتبی را چندان سلیقه شعر بوده است که اگر... عمرش اندک وفا می نمود دل بسیار مردم را از شعر گفتن سرد می کرد»<sup>۳</sup> و «مولانا [طوطی ترشیزی] در جوانی اگر چون کاتبی نمی مرد بسی اشعار خوب از او

۱. نک: کتاب آرایه در تمدن اسلامی، نجیب مایل هروی، رساله جوهریه، ص ۴۷.

۲. نک: کلیات دیوان کاتبی، دستنویس های شماره ۲۶۱۵ و ۷۷۷۶ مجلس شورا.

۳. مجالس النفائس، ص ۱۰.

می ماند»،<sup>۱</sup> با چنین تخمینی، ناساز می باشد. ناگفته نماند که تاریخ درگذشت شاعر، خلاف تاریخ تولدش روشن است؛ شماری از تذکره نویسان چون واله داغستانی،<sup>۲</sup> ۸۳۸ ق راثبت کرده اند و پیش تر بدرالدین شروانی، شاعر هم روزگار کاتبی، همین تاریخ را در مصرعی گنجانده:

ایا کسی که برین خاک بگذری دانی      که کاتبی است درین خاک هم چو گنج نهان  
بجزو مصرعِ آخر حسابِ تاریخش      «نماند کاتبی و ماند نام او به جهان»<sup>۳</sup>

مایه شگفتی است، تقی الدین محمد اوحدی اصفهانی که خود این ماده تاریخ را در بخش بدرالدین شروانی نقل کرده، در بخشی دیگر از تذکره اش به کاتبی پرداخته و همین مصرع پایانی را آورده و می نویسد: «وفاتش در استرآباد حین طاعون فی سنه ۸۳۷ چنان که مذکور شده!»<sup>۴</sup> شاید هم لغزشی در تصحیح متن عرفات العاشقین صورت گرفته باشد؛ خدا می داند. شماری دیگر هم چون دولتشاه سمرقندی<sup>۵</sup> امیرعلیشیرنوایی<sup>۶</sup> و آزاد بلگرامی،<sup>۷</sup> ۸۳۹ ق را ضبط نموده اند و همین تاریخ به صواب نزدیک تراست؛ چرا که شواهدی از دیوان وی نشان می دهد قربانی وبای عام استرآباد در سال ۸۳۸ ق نشده و یک سال بعد به چنگ طاعون افتاده و قالب تهی کرده است، برخلاف گفته حسن بیگ روملو؛ «و در این سال [۸۳۸ ق] مولانا کاتبی در بلاد استرآباد به مرض طاعون مبتلا گشته، بر بستر ناتوانی افتاد و در حال سكرات، این قطعه نظم کرده، زبان به بیان آن گشود:

ز آتش قهر و با گردید ناگهان خراب      استرآبادی که خاکش بود خوشبوترز مشک  
اندرواز پیر و بُرنا هیچکس باقی نماند      آتش اندر بیسه چون افتد نه ترماند نه خشک<sup>۸</sup>  
کاتبی در قصیده ای بار دیف «بنفشه» که در مدح خواجه شمس الدین مشرف استرآبادی گفته، از سرگذشتن بلای و بار گزارش می دهد:

۱. همان، ص ۲۰۴.

۲. ریاض الشعراء، ج ۳، ص ۱۸۵۶.

۳. عرفات العاشقین، ج ۶، ص ۷۶۵.

۴. همان، ج ۶، ص ۳۵۴۵.

۵. تذکره الشعراء، ص ۲۹۳.

۶. مجالس النفاثس، ص ۱۱.

۷. خزائن عامره، ۵۳۹.

۸. احسن التواریخ، ج ۱، ص ۳۵۶.



دارد سر آرایش گلزار بنفشه آراسته با دا چو خطِ یار بنفشه  
 تا کاتبی اوصاف رخ و خطِ تو بنوشت طومار سمن شد خطِ طومار بنفشه  
 از رشک خط و خال تو چون دشمن خواجه بر خویش بگیرد همه شب زار بنفشه  
 قابوس کفا، پیش تو هر دم به غلامی در بیشه جرجان کد اقرار بنفشه  
 بی شبم اقبال تو در بیشه این ملک رخسار نشت از گل ادبار بنفشه  
 در کوچه و بازار تشویش اجل باز جز باد نمی رفت خریدار بنفشه  
 امسال به چشم تر و دستار کبود است در کوه و دراز تزیئه یار بنفشه  
 آن رفت که از تیغ و با بود به جرجان خونبار از لاله کھسار بنفشه  
 این دم به سلامت ز سفر آمده و هست سرتا به قدم برگ چو تجار بنفشه<sup>۱</sup>

شادروان سعید نفیسی در تاریخ نظم و نثر، از کاتبی با عنوان «پهلوان شمس الدین» یاد کرده و اضافه نموده: «از آن رو که ورزشکار نیز بوده» و هیچ مستندی برای این گفته خود ارائه نفرموده‌اند. در تذکرها، این که وی را لقب، شمس الدین بوده، مطلبی به چشم نمی خورد و کهن ترین مأخذی که این لقب را پیش از نام وی ضبط نموده، جنگی است که در قرن دهم هجری کتابت شده است.<sup>۲</sup> و این که «پهلوان» نیز بوده، عرفات العاشقین آورده:

و او را قدرت و زور به مرتبه‌ای بوده که وقتی با یکی از زور آزمایان دعوت کار در میدان  
 به هنگام منشور خواستن مقابله شده، خطِ فسخ بر دعوی بی معنی وی در کشیده،  
 تفصیل کلام در این مرام آن که در یکی از شهرها، شخصی منشور می خواسته که  
 سنگی عظیم را بردست علم می کرده، مولوی را آن به خاطر گران آمده، سبک دستانه  
 دست یازیده و آن سنگ را برداشته بر بامی می افکند. قضا را آن بام انهدام یافته،  
 چند کس از تماشاگران و غیره ضایع و مجروح شدند و وی به این تقریب مسما به  
 پهلوان کاتبی شده؛ و الله اعلم.<sup>۳</sup>

و به خاطر همین زورمندی اوست که این عنوان «پهلوان» و لوازم و اصطلاحات مربوط به  
 آن، در توصیف و شرح قدرت، مهارت و استادی وی در سخن پردازی نیز در پاره‌ای از تذکرها  
 وارد شده است؛ غلامعلی آزاد بلگرامی، کاتبی را چنین توصیف می نماید:

۱. کلیات دیوان کاتبی، دستنویس شماره ۷۷۷۶.

۲. میکروفیلم شماره ۱۰۳۴، مجلس شورای ملی، از دستنویس اهدایی شادروان رهی معیری، برگ ۲۰-الف.

۳. عرفات العاشقین، ج ۶، ص ۳۵۴۶.

کاتبی نیشابوری، استاد فن و پهلوان پایتخت سخن است. الحقّ سنگِ زوری برداشته که یلان عرصهٔ فصاحت دست او بوسیدند و کمان زبردستی ای کشیده که تهمتان کشور بلاغت به تواضع خمیدند.<sup>۱</sup>

وواله داغستانی این گونه اش می ستاید:  
در شاعری کوسِ پهلوانی نواخته.

البته این که کاتبی پهلوان بوده، با ویژگی های ظاهری وی که پاره ای از کتب تاریخی بدان ها اشارت کرده اند، مناسبت دارد؛ بدایع الوقایع چنین می آورد:

... شاه بایسنقرین شاهرخ میرزا مرتبی او بود وابتدای اختلاط او به آن پادشاه چنان بود که وی از نیشابور به هرات آمد... پادشاه ملاحظه کرد، شخصی دید به غایت قوی هیکل و طویل قامت.

واحسن التواریخ این گونه توصیف می نماید:  
... جناب مولوی قدی بلند داشت ... یکی از شعرا برای او گفته:

قدّ بلند او بین دستار پاره پاره      چون آشیان لک لک بر کلهٔ مناره<sup>۲</sup>  
و بالاخره خالی از لطف نیست اگر بدانیم محتشم کاشانی که در یکی از قصایدش، شماری از شاعران پیش از خود را نام می برد و برای شعر هر کدام ویژگی ای را برشمرد، دربارهٔ شعر کاتبی واژهٔ «زور» را اختیار کرده:

زور شعر کاتبی، سوز کلام آذری      گرمی انفاس کاشی، مدحت این حسام  
صنعت ایات سلمان، حسن اقوال حسن      لذت گفتار خواجو، قدرت نظم نظام<sup>۳</sup>

کاتبی ترشیزی در مدح و بزرگداشت امرا، وزرا، خواجهگان نامدار و صاحب منصبان هم روزگارش چون امیر تیمور، شاهرخ میرزا، سلطان خلیل، امیر شیخ ابراهیم، خواجه شمس الدین استرآبادی، خواجه یوسف شاه ساری و سید مرتضی ساری، قصاید غزایی دارد<sup>۴</sup> و قصایدی هم سروده

۱. خزانهٔ عامره، ص ۵۳۸.

۲. احسن التواریخ، ج ۱، ص ۳۵۵.

۳. نک: دیوان محتشم کاشانی، ص ۲۹۵.

۴. برای نمونه، قصیدهٔ درازدامن کاتبی در مدح شاهرخ تیموری با مطلع:

از ناف مغرب نافه بین بیدا به بیدار بخته      وان نافه را از نیفه بین صد چین به صحرا بخته





که در آن‌ها به خوبی تمایل مذهبی و نگرش اعتقادی وی هویدا است؛ مدح امیرالمؤمنین علی علیه السلام مقتل نامه امام حسین علیه السلام و منقبت دوازده امام علیهم السلام. هم چنین در چهار قصیده نسبتاً بلند در مدح خواجه صابن الدین علی ترکة اصفهانی (م ۸۳۶ق)، ارادت خود به سلسله عارفان ربّانی و مشرب تصوّف را بروز می دهد. ناگفته نماند که کاتبی مدّتی دست ارادت به دامن این عارف عالم زده و از وی کسب حقایق نموده است. به جز این قصاید که بیشتر ناقدان شعرشناس به استحکام، فخامت و استادانه بودنشان تصریح کرده اند،<sup>۱</sup> غزلیاتی لطیف و جاندار<sup>۲</sup> و منظومه‌هایی در جواب آثار گذشتگان چون گلشن ابرار (به تقلید از

لله و قصیده وی در مدح خواجه یوسف شاه ساری، با مطلع:

تمم تار بریشم گشت و جوید یار جان تمغا      بلی ابریشم باریک را باشد گران تمغا  
و قصیده‌ای در ستایش امیر شیخ ابراهیم، با مطلع:

باز با صد برگ آمد جانب گلزار گل      هم چونرگس گشت منظور اولوالبصار گل

که سرایندگانی چون عرفی شیرازی، وحشی بافقی، اهلی شیرازی، و بیدل دهلوی به استقبال آن رفته اند؛ بیت آغازین قصاید آن‌ها از این قرار است:

- نو بهار آمد که افشانند چو حُسن یار گل      چون وصال یار یزید بر حُسن و بر خار گل

- تا شنید از باد پیغام وصال یار گل      بر هوامی افکند از خزمی دستار گل

- باز شد وقت طرب آمد سوی گلزار گل      برگ عیش عندلیب آورد دیگر بار گل

- ای بهار جلوه‌ات را شش جهت دربار گل      بر رخت در دیده من می خلد در خار گل

۱. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، ج ۴، ص ۲۳۷: قصاید کاتبی هم که همگی منتخب و استادانه است، بنابر عادت شعرای زمان یا در جواب قصاید معروف شاعران پیشین ساخته شده و یا در صورت مبتکر و به قول استادان آن دوره: «مخترع بودن»، تحت تأثیر مستقیم شیوه قصیده سرایان معروف پیش از کاتبی است. کاتبی در این قصاید، التزامات دشواری می کند؛ حتی التزام شتر حجره.

۲. ۴۴۷. غزل کاتبی در سال ۱۳۸۲ توسط انتشارات آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است. گفتنی است، کاتبی بسان بسیاری از غزل پردازان معاصرش، توجه خاصی به حافظ شیرازی داشته است:

حافظ: الا یا ایها السّاقی ادر کأساً وناولها      که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها

کاتبی: بیابانی است خوخور عشق و از هم دور منزل‌ها      در این ره کعبه جویان را رود بر باد محمل‌ها

حافظ: ای خزیم از فروغ زخمت لاله زار عمر      باز آ که ریخت بسی گلی رویت بهار عمر

کاتبی: ای از گل جمال تو خزیم بهار عمر      سرسبز تا آید ز خطت سبزه زار عمر

حافظ: تاز میخانه و می نام و نشان خواهد بود      سرما خاک در کوی مغان خواهد بود

کاتبی: از تم تا سربیک موسی نشان خواهد بود      دل من بسته آن موی میان خواهد بود



مخزن الاسرار)، ده باب (به تقلید از بوستان سعدی) محب و محبوب یاسی نامه و مجمع البحرین یاناطر و منظور (به تقلید از خورشید و جمشید سلیمان ساوجی) راهم از خود به یادگار گذاشته است.

### قطعات کاتبی

قطعه در دوره تیموری، بخش قابل توجهی از دیوان شاعران را به خود اختصاص می دهد که مضامینی چون موعظه، مدح، تقاضا، مطایبه، هجو، مناظره، نقد الشعر، ماده تاریخ، حسب الحال و بئ الشکوی را در خود می پرورد. قطعه گویان تیموری به بزرگانی چون انوری و ابن یمن در این نوع قالب نظر داشتند و اگرچه در قوت لفظ و سلامت معنا به پای این بزرگان نمی رسیدند؛ ولی قطعات در قرن نهم و دهم نسبت به سالیان پسین - چون عهد صفوی - در پختگی، استواری و دلنشینی، جایگاهی برتر و درخشان تر دارد.

کاتبی ترشیزی به عنوان یکی از بزرگ ترین سرایندهان این عهد، به حق در عرصه قطعه نیز گوی سبقت را از بیشتر همگان خویش ربوده است. موضوعات عمده در قطعات وی از این قرارند: موعظه، نقد الشعر، ماده تاریخ، هجو و لغز. در مورد موضوع اخیر، مطالب ذیل گفتنی است:

هجو: <sup>۱</sup> در همه دوره تیموری، از موضوعاتی است که شاعران و سخن پردازان به نحو چشمگیری در آثارشان منعکس نموده اند، و به مقتضای شکست و سرافکندگی رقیبان و مخالفان، شوخی و مطایبه با دوستان و مخاطبان، و حتی انتقادات اجتماعی به منصف ظهور می رسد که گاه از رکاکت تعبیر و دنائت لفظ هم خالی نیست. کشیده شدن حوزه شعر و شاعران به حریم زندگی خصوصی و اجتماعی عامه مردم، هجو را هم پرورش داد و بیش از پیش به گسترش آن در میان سخن پردازان کمک کرد، به طوری که بعضی از شاعران در دوره تیموری چون مولانا آگهی، به هجو سرایی شهرت داشتند و وقت خویش را مصروف به این گونه ادبی می نمودند. برای نمونه، میرم سیاه یکی از کسانی است که به قول مجالس النفاوس: «اکثر اوقات خود را صرف هجو می نموده». و در تخصص وی در هجویه سرایی همین نقل امیرعلیشیر کفایت می کند که:

۱. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۲، ص ۳۵: «هجو و هزل از موضوعاتی است که در شعر عربی از سابق الایام وجود داشته و در شعر پارسی از ادبیات عربی تقلید شده است. آن چه از اشعار فارسی قرن چهارم در دست است نشان می دهد که در آن دوره هجو و هزل در شعر فارسی به حد کافی معمول بود.»

گویند روزی این غزل را نظم کرد و به خدمت مولانا عبدالرحمن جامی ... عرض کرد،  
و هو هذا:

فرصت غنیمت است بکش جام سلسبیل نقد حیات را نشده هیچ کس کفیل  
حضرت ملا فرموده اند: کسی که چنین شعری تواند گفت، حیف باشد که به هجو  
توجه نماید. میرم گفته: هر چند خوب گویم، به گرد مخادیم نمی رسم. در جایی سخن  
کرده ام که کسی با من برابر نمی شود.<sup>۱</sup>

کاتبی کسانی چون خلیل اچکو، قاسم منجم، لقمانی، عصمت بخارایی، بدر شروانی،  
شمس علا، سیمی نیشابوری، نظام الدین جُعل و نیز سعدی اردبیلی، میرشاپور و جمال احمد  
سه نفر اخیر از اطبای هم روزگار خود - را هجو کرده است.

لغز (چیستان): «یکی از انواع بدیعی است که مورد استقبال سرایندگان پارسی زبان از قرن  
پنجم هجری بوده و در اصطلاح آن است که از چیزی صریح نام نبرند اما اوصاف آن را چنان  
برشمارند که شنونده روشن طبع صاحب ذوق، از شنیدن آن اوصاف پی به مقصد گوینده ببرد.»<sup>۲</sup>  
کاتبی همانند شماری از اکابر گردنکشان نظم که مورد توجه و تقلید وی نیز قرار داشته اند  
یعنی منوچهری، ناصر خسرو و انوری - در لغزیات نیز شهرت داشته و برخی قطعاتش در هنر  
لغزگویی آوازه داشته چنان که در سال ۹۱۹ قمری، خواجه هاشمی در بخارا پانزده بیت لغز کاتبی  
درباره چشم را برای عبیدالله خان ازبک می خواند و خان از لغزیات وی به نیکی و استواری  
یاد می کند.

واصفی چنین نقل می نماید:

حضرت خان عنایت فرموده، از خواجه هاشمی پرسیدند که: از لغزیات مولانا کاتبی  
هیچ به نظر شریف رسیده باشد؟ خواجه فرمودند که: یک لغز از مولانا کاتبی مشهور  
است که از برای چشم گفته اند؛ این است:

مرادو یار جهان دیده و دو همزادند که یک زمان نتوانم گریز از ایشان کرد  
دو نرگس اند تر و تازه وقت صحت نفس شوند گاه مرض هر دو چون شکفته ورد



۱. مجالس النفاثس، ص ۱۳۶-۱۳۷.

۲. تاریخ ادبیات ایران، جلال الدین همایی، ص ۳۳۶.

دو توأم اند که هرگز به یکدیگر نرسند به خانه کرده وطن هر یکی مجرد و فرد  
 به هیچ‌گاه ز من جامه‌ای طلب نکنند هوا اگر چه بود گرم و گرچه باشد سرد  
 قریب پانزده بیت از این لغز مذکور گردید. حضرت خان فرمودند که: کاتبی را لغز  
 بسیار است همه مطبوع و مقبول. و لغز نوعی است از شعر که در میزان طبع به غایت  
 موزون است و طباع مستقیمه را به وی میلی از حد بیرون.<sup>۱</sup>



### قطعات کاتبی

۱. می:

امین و شهره دوران کمال ملت و دین خدای را که مکن بیش ازین مرا ایذا  
 کریم باش و وفایی نمابه وعده خود شنو که قول رسول است الکریم اذا  
 شو، می:

معاذی<sup>۳</sup> می کشد از شهرت اشهر به صد تمکین نظام الدین جعل را  
 جعل سرگین کشد وین بس عجیب نیست چگونه می کشد سرگین جعل را  
 می:

خسروا، از خورد و پوشی من نداری آگهی چون نباشد از تو هر دم ناله و افغان مرا  
 نیستم کعبه که در سالی دهی یک جامه ام یانی ام گردون که روزی بس بود یک نان مرا  
 می:

شیخ بس حاق دام نعمته<sup>۴</sup> گرم پخت خیال اطعمه را

۱. بدایع الوقایع، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۳۶.

۲. رمز دستنویس‌های مورد استفاده، در ابتدای هر قطعه ذکر شده است. درباره دستنویس‌ها به کتابنامه مراجعه شود.

۳. کمال خجندی درباره وی می گوید:

ای طالب معانی در شاعری زهر در در حجه معاذی چون آبی و نشینی  
 از بس تواضع او را کوچک دلی شماری لیکن برادر او مردی بزرگ بینی

۴. منظور، شیخ جمال الدین ابواسحاق حلاج اطعمه شیرازی است. تاریخ ادبیات در ایران ج ۴، ص ۲۴۴:  
 «دیوان اشعار بسحاق، به علت ابتکاری که در موضوع سخن خویش به کار برده بود، هم از عصر و زمان  
 شاعر شهرت داشت. کاتبی نیشابوری که هم عهدان خود را به چیزی غمی گرفت، شعر بسحاق راستوده [است]:  
 شادروان صفا پس از ذکر این مطالب، این قطعه را می آورد.



سفره‌ای او فکند از نعمت هست برخوان او صلا همه را  
۵. میج، لس، شو، می:

باقاسم منجم گوید که‌ای بد اختر بر آسمان رساندی طور مقلدی را  
از غیبت کلام مشکل حضوریابی فکر تو هست فاسد بگذار مفسدی را  
در حق بیت بنده کش ساجد است امامی نبود سخن نمازی جز شیخ مسجدی را  
۶. می:

سَلَامٌ عَلٰی خَاتَمِ الْاَنْبِيَا رَسُوْلًا بَشِيْرًا سَرَا جَا مَنِيْرًا  
اِلٰهِي بِحَقِّ النَّبِيِّيْنَ اِهْدِي وَبَارِكْ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ كَثِيْرًا  
۷. شو، می:

لقمانی آن که رغم حکیمان شعردان در کاسه طبیعتش از جهل شربت است  
دارد مدام روغن بادام رابه کار گرچه طیب نیست عجب کور حکمت است  
۸. شو، می:

ای صبا در گوشِ سلطانی بگو کای نور چشم بُعد تن سهل است ما را قربت جانی بس است  
گردو عالم قلعه دار قلعه عالم شوند از پی تسخیر آن یک جنگ سلطانی بس است  
گر مرا سلطان نداند خصم گوهر گزمدان خیل عالمگیر نظم راتومی دانی بس است  
کی جهان بان را جهان بی جنگ می‌آید به چنگ نکته‌ای گفتیم از طور جهان بانی بس است  
هم چو خاقانی میندیش از عدو در جنگ نظم زان که خاقان راز تو یک چین پیشانی بس است  
۹. می:

خسروا، آنی که از بار و قار و مهر تو پشتِ طاقِ لامکان چون گنبد گردون خَم است  
نعمت ما نیست کم از جودِ بسیارِ ولی می که می‌آزند هم چون عمر بدخواست کم است

۱. عرفات العاشقین، ج ۶، ص ۳۶۵۲: «لقمان حکمت سخنرانی، یوسف چاه معانی، خواجه لقمانی، از افاضل حکیم طبیعت و اماجد بلند فطرت است، لقمان عرصه حکمت آموزی، سلیمان جنود دانش پروری بوده، زمان ظهور و عصر حیاتش چون مدت عمر ایشان نامشخص است.» ریاض الشعراء، ج ۳، ص ۱۹۴۲، همین یک جمله را از وی آورده: «از حکمت بهره داشت.»

۱۰. مج، لس، شو، می:

میر خسرو را علیه الرحمه شب دیدم به خواب  
گفتمش عصمت<sup>۱</sup> تو را یک خوشه چین خرمن است  
شعراو چون بیشتر شهرت گرفت از شعرتو<sup>۲</sup>  
گفت باکی نیست شعراو هم از شعر من است<sup>۳</sup>  
۱۱. لس، مج، شو:

سایل به راه<sup>۴</sup> توشه<sup>۵</sup> ره گر طلب کند  
بنویس کاتبی که به معنی جواز توست  
منت منه چو توشه به سایل دهی که او  
حمال توشه<sup>۶</sup> ره دور و دراز توست  
۱۲. می:

مانی چین را شبی گفتم درون واقعه  
کای هنرون، یوسف نقاش در کار... ست  
گفت او بود از برای نقش زین پیش آفتی  
این زمان لعنت بر آن نقاشش که ناخوش صورتی است  
۱۳. شو، می:

می کند فکری خلیل اچکو<sup>۷</sup> که از ارباب نظم  
شعرترکی را چو او<sup>۸</sup> جایی سخندانی نگفت  
درسخن گه میش گاهی پشم سازد قافیه  
این چنین اشعار هرگز هیچ چوپانی نگفت

۱. منظور خواجه عصمت الله بن مسعود بخاری است (۸۴۰ق). «... علی الاتصال مجلس وی مجمع فضلا و محضر شعرا بودی، و او با بساطی سمرقندی و خیالی بخاری و برندق بخاری و خواجه رستم خوریانی و طاهر ایبوردی مشاعرات و مکالمات داشته و با بعضی مهاجرات نیز نموده.» نک: عرفات العاشقین، ج ۵، ص ۲۷۷.

۲. شو: «شعراو چون است کز شعرتورونق گرفت.»

۳. خزانه عامره، ص ۳۰۲: «خواجه عصمت بخاری متبع امیر خسرو است؛ چنان که حضرت مولوی جامی در بهارستان تصریح به این معنی می کند و کاتبی نیشابوری چنین می گوید: میر خسرو را علیه الرحمه شب...» هم چنین نک: احسن التواریخ، ج ۱، ص ۳۱۴ (ذیل وقایع سال ۸۲۸ق، سال درگذشت خواجه عصمت).

۴. لس: «برات.»

۵. مج: رهی.

۶. کمال خجندی نیز در یکی از قطعاتش درباره خلیل اچکومی آورد:

دوش گفتم خلیل اچکورا  
تاکي این عیش و چند هو و نشاط؟  
گفت: شیخا، برو تو خود را کوش  
کُل شاقه برجلها استنباط

۷. شو: من.



۱۴. شو، می:

گر حَسَن<sup>۱</sup> معنی ز خسرو<sup>۲</sup> برد نتوان عیب کرد  
 ورمعانی حَسَن را برد از دیوان کمال<sup>۳</sup> هیچ نتوان گفتن  
 او را دزد بردزد او فساد  
 می: ۱۵

بگویم طور مولانا بهاء الدین برندق<sup>۴</sup> را  
 که هر دم از سرتیغ زبانش خون همی بارد  
 برندق سخت روی و سرکش و تند است و آهن دل  
 ز ترس شاه اگر نبود که او را در دماغ آرد  
 شو: ۱۶

گمان بردم که چون خطّش برآید  
 روان از دست او جان می توان برد  
 خطّش خود دستبردی می نماید  
 که در پای وی اکنون می توان مرد  
 لس، شو: ۱۷

ما باده می خوریم به شادی و خصم ما  
 جز غم به زیر طاق مقرنس نمی خورد  
 از قصه سکندر و آب حیات خضر  
 تحقیق<sup>۵</sup> شد که روزی کس کس نمی خورد

۱. منظور حسن دهلوی (م ۷۳۸ ق) است.

۲. منظور امیر خسرو دهلوی (م ۷۲۵ ق) است.  
 ۳. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش ۲، ص ۱۱۳۴: «شعر کمال [خجندی] از لحاظ به کاربردن قوافی دشوار و ردیف های مشکل و درعین حال روانی، شباهت به سخن حسن دهلوی دارد و به همین سبب بود که او را معاصرانش دزد حسن لقب داده بودند. جامی در روضه ششم از کتاب بهارستان در همین باب چنین گفته است: در ایراد امثال و اختیار بحرهای سبک با قافیه ها و ردیف های غریب که سهل ممتنع نماید، تنوع از حسن دهلوی می کند اما آن قدر معانی لطیف که در اشعار وی هست در اشعار حسن نیست و آن که وی را دزد حسن می گوید، بنابه همان تتبع می تواند بود و در بعضی دیوان های وی این فرد دیده شده است:

کس بر سر هیچ رخنه نگرفت مرا معلوم همی شود که دزد حسنم!

آزاد بلگرامی، قطعه مزبور را در تذکره خویش نقل کرده است: خزانه عامره، ص ۳۰۲.

۴. منظور امیر بهاء الدین برندق بن امیر نصرت شاه خجندی که در هزل و مطایبه دستی قوی داشت و به گفته خودش:

آنم که سرتیغ زبانه به صف نطق هنگام هجا رخصه دهد قابض جان را

کاتبی در قطعه مذکور، به همین «سرتیغ زبان» برندق اشاره می نماید: «که هر دم از سرتیغ زبانش خون همی بارد» دولت شاه در باره اش آورده: «شعرا را با او جز طریق مدارا و مواسا چاره نبود؛ چرا که مرد فصیح و تیز زبان بوده و همگان از او هراسان بودند» (تذکره الشعراء، ص ۶۸۱). عرفات العاشقین (ج ۲، ص ۷۶۶) نیز در همان عبارات نخستی که در توصیف و تعریف برندق آورده، به زبان تند و طبع هزل وی توجه می دهد: «مولانا برندق بخاری، به غایت الغایات خوش طبع خوش محاوره، فهیم ندیم، هزل بخات، مزاح نمکین، خبیثه حاجی بوده، در شیوه ظرافت و مطایبت و استمزاج، بی مثل و یگانه و بی مانند شده» و خلاصه الاشعار درباره او می نویسد: «هزل بر طبیعتش غالب بوده».

۵. شو: «معلوم».

۱۸. شو:

هم چون سگ صید پهلوان سرخ در جرگه و موجه محترم شد  
پهلوی دو چشم داغ‌ها سوخت سگ بود چهارچشم هم شد  
۱۹. مج، شو:

ای جمال احمد از آن ترسم که بیماران شهر مرغِ روحت را به تیرآه شهر بشکنند  
قابضان روح را گرانورند از مرگ تنگ شربت مرگت دهند و کاسه بر سر بشکنند  
۲۰. می:

آن قوم که درد عوی از جانب سلمان اند در معرض شعر من از بهر چه می آیند  
شعر من روشن دل وانگه سخن سلمان من هیچ نمی گویم مردان همه بینانید  
۲۱. می:

مسافران که از آبِ تَلْظَفِ مرا گرقدر داند نیست عیی  
بسی را آتشِ غم می نشاند مسافرا مسافر قدر داند  
۲۲. می:

اهل تعلق که درین دامگاه طعمه مرغان تعلق شوند  
بیضه صفت از شکم جانور چون به در آیند به آتش روند  
۲۳. مج، لس، شو:

سعدی اردیلی آن که به طب و شل او در جهان بشر نبود  
هر که را شربت دهد به مرض حاجت شربت دگر نبود  
۲۴. شو، می:

در میان شهر ساری می گذشتم خوار و زار دیدم آن کس را که کام هر عزیزی می دهد  
گفت چیزی می دهندت تا نمیری کاتبی گفتمش این جا غریبان راه چیزی می دهد<sup>۲</sup>

۱. شو: «باشند».

۲. کاتبی مدتی در شهر ساری اقامت داشته و بزرگان آن جا چون خواجه یوسف ساری، سید مرتضی ساری و شمس الدین محمد استرآبادی را مدح گفته است. گویا در آن شهر به سختی روزگار می گذرانده و غربت بر او تنگ گرفته بوده؛ در یک رباعی می گوید:

هر چند که ساری به حقیقت جان است صد جان در وی به نیم بادنجان است  
در مردم او پرسش درویشان نیست درویش مرو که شهر ناپرسان است





۲۵. میج، لس، شو، می:

دی بدرک<sup>۱</sup> بد رگ را گفتم که نه‌ای شاعر آن کز شعرا باشد انگیختنش باید  
گوید که به هر شهری آویخته‌ام شعری شعر آن که چنین گوید آویختنش باید  
۲۶. می:

قد و زلف مرا گفتی که مشک و سرو می خوانند کجا از طبعِ عاقل این صفت‌ها در وجود آید  
خلل دارد دماغ آن که خواند مشک را زلفت قَدّت را آن که گوید سرو او را چوب می باید  
۲۷. میج، لس، شو، می:

میان شهر نیشابور سیمی<sup>۲</sup> چو اشعار لطیف کاتبی دید

۱. عرفات العاشقین، ج ۲، ص ۷۶۵: «بدرالدین شروانی، از شعرای نازک طبیعت خوش عبارت با فصاحت بوده... مدت‌ها در شروان و مضافات آن دیدبانه‌ی استاد می زد و سرآمد روزگار خویش بود. ما بین او و اکثر شعرا خصوص کاتبی و معاصرین وی مباحثات و مشاعرات و مناظرات و مهاجرات واقع است... اهل سمرقند، بدر را از کاتبی بهتر می دانسته‌اند» روایت عرفات از این که اهل سمرقند بدر را از کاتبی بهتر می دانسته‌اند، خلاف نظر دولت‌شاه است؛ «بعضی، سخنان مولانا بدر را از اشعار مولانا کاتبی افضل می دانند و اعتقاد اهل سمرقند خلاف این است». تذکره الشعراء، ص ۲۸۶. کاتبی در جایی دیگر بدر را دزد شعر خوانده و در قالب رباعی گفته:

در زمره اهل نظم دزدی بدر را دزدی نبود چون توبه دزدی بدر را  
چون شعر نکوبشوی از خوشگویی نشناسی نیک را ز دزدی بدر را

نمونه‌ای از مشاعره و مهاجّه کاتبی و بدر را که گویا منجر به کینه و دشمنی شده است، عوض رای مسرت در تذکره شرح اشراح جان افزا نقل کرده است؛ نک: دیوان عرفی شیرازی، ج ۲، پانویست صفحه ۲۱۴.

۲. عرفات العاشقین، ج ۳، ص ۱۸۶۹: «مولانا سیمی معمای، از نیشابور است. به غایت مستعد خوش فهم جامع بوده. به مکتب داری و ادیبی اشتغال نموده. اکثر اوقات را صرف کتابت و آلات و ادوات و مایحتاج آن فرموده... در نهایت سرعت شعر گفتی و نوشتی، چنان که گویند در حضور سادات و موالی شبان روزی دو هزار بیت گفته و نوشته... مولانا عبدالحی که از دبیران مقرر مشهر است از شاگردان اوست و هم چنین مولانا کاتبی نیز از خدمت او کسب بعضی امور از کتابت کرده.»

گویا سیمی، پاره‌ای از اشعار شاگردش کاتبی را به نفع خود مصادره نموده بود و چون از نیشابور به مشهد رفت آن‌ها را به نام خود بست. همین سرقّت، کاتبی را بر آن داشته که این قطعه را بگوید. اگرچه شادروان صفا در تاریخ ادبیات در ایران (ج ۴، ص ۲۳۴) این نمک‌شناسی استاد نسبت به شاگردش را نمی‌پذیرد و حتی این جریان را به عکس محتمل می‌داند ولی همان حکایت معرکه‌گیری سیمی در مشهد که شبان روزی دو هزار بیت (و به روایت دولت‌شاه، سه هزار بیت) را به نظم کشیده و در آن حالت نه خورده و نه خوابیده، می‌تواند ما را به این احتمال رهنمون سازد که شاید آن اشعار درازدامن، همانا «اشعار ملیح» کاتبی بوده است، البته به تصریح دولت‌شاه، ۶۸

۲۸. می: به مشهد رفت و برنامه خودش بست نمک خورد و نمکدان را بدزدید

۲۹. می: در ره شعر، حافظ شیراز بی تکلف لطیف می گوید لیک پیر خجند، شیخ کمال در تصوف لطیف می گوید

۳۰. شو: کاتبی جزمی ونی هر چه در آید به نظر راست در دیده عیشم چو خسی می آید منم و ساغر می تابودم دور به کام می زخم ناله نی تا نفسی می آید

۳۱. می: صوفیا چون اصولی بشنود در مقاماتش بود آهنگ سیر ذکر الله گوید نرم نرم هست این ورد نکو ذکرش به خیر

دیدم آن ششما بالاً را که محراب من است سرو پیشت هیچ گفتم سجده آرد در نیاز چون مطول شد سخن تا مختصر گردد حدیث گفت کوه کن حدیث آن درازی نماز

لله آن اشعار «داستان هایی روان و بعضاً مصنوع» بوده که کاتبی در سرایش این گونه منظومه ها مهارت و شهرت داشته است. ناگفته نماند که صاحب عرفات نیز همین جریان معرکه گیری سیمی و سرودن دو هزار بیت در یک مجلس را اساس چنان نتیجه گیری ای ساخته است، «در نهایت سرعت شعر گفتی و نوشتی».

۱. تذکره الشعراء، دولت شاه، ص ۲۴۶: «... و شیخ [کمال] در آخر حال، معتقد خواجه حافظ شیراز بوده و خواجه حافظ را شیخ کمال نادیده، خلوص اعتقادی مؤکد بود و همواره سخنان شیخ را طلب نمودی و از غزل های روح افزای حضرت شیخ، او را ذوقی و حالی حاصل شدی، و شیخ کمال این غزل را پیش خواجه حافظ به شیراز فرستاد:

گفت بار از غیر ما پوشان نظر گفتم به چشم وانگهی دزدیده در ما می نگر گفتم به چشم گویند که چون خواجه حافظ، این مصرع را بر خواند که:

تشنگان را مرده ای از ما بیر گفتم به چشم

رقتی و حالتی کرد و گفت: مشرب این بزرگوار عالی است و سخن او صافی، و انصاف آن است که پاک تر و شیرین تر از غزل های خواجه کمال، از متقدمان و متأخران نگفته اند، اما بعضی از اکابر و فضلا بر آن اند که نازکی های شیخ، سخن او را از سوز و نیاز بر طرف ساخته و این مکابره است؛ چه، با وجود نازکی و رقت، سخن شیخ عارفانه و پرحال است...».

گفتنی است، پس از کاتبی و دولت شاه سمرقندی، جامی نیز درباره حافظ شیرازی و کمال خجندی، به نقل از یکی از عارفان که به صحبت هر دوی آن ها رسیده بوده، داور می نماید: «صحبت شیخ به از شعروی و شعر حافظ به از صحبت او» نک: بهارستان جامی.



۳۲. لس، شو، می:

آیا غرّه مالِ دنیایِ دون به طولِ امیدت بکن این سخن عرض  
زاخترمگرد و زافتاده بشنو و لله ملک السموات والارض

۳۳. شو، می:

ای که حیض الرجال می خوانی شعر ما را که هست یکسرفیض  
حیض بعد از بلوغ می باشد چون تو بالغ نه ای نداری حیض

۳۴. می:

همزه را گفتم از نگار گذشت گفت بگذار ما اجرای دروغ  
همزه مهرِ نگار بگذار؟! آه از دست قصه های دروغ

۳۵. می:

زهی ستوده حدیثم که در شعورِ کلام ندیده مثلِ تو از شاعرانِ خوفایِ خوفا  
به نام صوفی و اما چو دود تیره دلی کج دال تو شود چون شرابِ صافی صاف  
اگر به قاف برد باد بوی ناخوشِ تو تهی کنند روان جتّیانِ قافی قاف  
گذار شیوه بافندگی اگر مردی وگرنه چون زن غرمه ملی که بافی باف  
برای زحمتِ خارش شفا ز شافه طلب که بهر زحمت دیرین توست شافی شاف  
به جهل ناف بریدندت از نخست کتون به علم باطن و ظاهر تو راست نافی ناف  
مهارتِ سخت نیست ای کشیده مهار مزن ز مرتبه چون ماسرانِ لافی لاف

۳۷. می:

عقل بند آمد و جهان زندان از پی طاعیانِ خسرو عشق  
خرمن اهل قنته می سوزد آتشِ شمع برق پرتو عشق  
کاتبی، ترکِ کاغذ و خط گیر ورنه بیرون روز قلمرو عشق

۳۸. مج، لس، شو:

کسی کوبه جان چاکر پنج فرق است کند پنج بیت مرآتاج تارک  
مبارک شمر پنج بیتم چو بینی که قول رسول است خمس المبارک

۳۹. می:

ز آتش قهر و با چون گشت ناگهان خراب استرآبادی که خاکش هست خوشبوترز مشک  
از جوانان تا به پیران کس در او باقی نماند آتشی کافتاده در بیشه نه ترماند نه خشک<sup>۱</sup>



۱. امیرعلیشیرنویسی، این قطعه را از کاتبی نقل کرده است. نک: مجالس الثنائیس، ص ۱۰، هم چنین حبیب السیر، ج ۴، ص ۱۸، ۱۹

۴۰. شو، می:

چشم بگشاکاتبی هر سرافرازی را به من از جفای گردش گردون گردان پایمال  
هیچ کوری شعر سلمان<sup>۱</sup> را غی آرد به چشم هیچ گلی سرفرو نارد به دیوان کمال  
۴۱. می:

ایامهی که مرا مهرتوست وین شده روشن به رغم چرخ دمی گوش کن به گفته قائل  
رقیب پیش تو هر دم روان به سجده درآید من اوقتاده و بیخود نه جان بماند ونی دل  
ز سجده غرض آلود اوست بیخودی ام به که خواب کردن عالم به از عبادت جاهل  
۴۲. می:

چو طبع یوسف نقاش از نظم بود عبدالملک پیوسته معزول  
در آن بحری که ایشان شعر گویند بود اجزای آن را وزن مفعول  
۴۳. لس، مع، شو، می:

جهتی هست که اکثر غزل شش بیت است بشنو این معنی و جز فرد جهان مشمارم  
پنج<sup>۲</sup> نیست مراسم [ولی] شش اولی تا بدانند که در شعریکی دینارم<sup>۳</sup>

للہ کاتبی در قصیده‌ای با ردیف «بنفشه» به این بلا که دامنگیر مردمان استرآباد شده بود، اشارت می کند:

آن رفت که از تیغ و با بود به جرجان خونبارتر از لاله کهسار بنفشه

نک: دیوان کاتبی، دستنویسی شماره ۱۳۴۸۶، برگ ۱۴۳. الف، خزائن القصیده، ش ۴۹۹۲.

۱. منظور عارفی هروی، ملقب به سلمان ثانی است؛ «صاحب نظم گوی و چوگان است... پانصد و ده بیت کتاب گوی و چوگان را آن چنان گفته که دل می خواهد و خود اظهار کرده که این ابیات را به دو هفته گفته ام و چندین گهر متین سفته ام. و مترجم تذکره امیرعلیشیرگوید که وی را سلمان ثانی لقب کرده بودند. اول به سبب کلام و ثانی به سبب ضعف چشم. چون چشم سلمان را نیز ضعیفی به هم رسیده بود و قصیده ای که سلمان در درد چشم گفته تتبع کمال غوده، وی نیز به همان روش گفته و نیکو گفته. و مرقد وی در هرات است. و مطلع آن قصیده این است:

در داکه درد کرد سواد نظر خراب و ایام ساخت چشمه چشم مرا پر آب

۲. مع: «هفت».

۳. غزلیات کاتبی، به رسم غزل گویان زمانه اش هم چون شیخ کمال خجندی، بیشتر شش یا هفت بیتی است.

شیخ کمال، در دو قطعه خویش به شمار بیت های غزلیاتش تصریح کرده:

مرا هست اکثر غزل هفت بیت چو گفتار سلمان نرفته زیاد

هفت بیت آمد غزل های کمال پنج گنج از لطف آن عشرعشیر

و:



۴۴. می:

ای که غیر از آستان قصر و خاک راه تو کو به صحت در مرض بالین نبود و بستم  
بستم خاک است و بالین خشت و من زین خشت و خاک گه میان خونم و گه خاک و خونی می خورم  
گر تنم را نیست بستر جز زمین ای کاشکی ز آستان چاکرانت داشتی بالین سرم  
نطع پُر نقش پلنگ چرخ اگر خواهم ز تو هم چو خور با آن فرستی متکایی از زرم  
درد سر بُردم سوی بالین و بستر همتی گر سر بالین و بستر نیست در سر بزم

۴۵. شو، می:

شاعر نباشد آن کوهنگام شعر گفتن ز اشعار اوستادان آرد خیال بر هم  
هر خانه ای که آن را از خشت پاره سازند نبود چو خانه نوهرگز نباش محکم<sup>۲</sup>

۴۶. مج، لس، شو، می:

لقب کاتبی دارم ای بدر<sup>۳</sup> اما محمد رسید اسمم<sup>۴</sup> از آسمانم

۱. می: «در».

۲. شاعر، در بیان اعتقادش نسبت به «بنای محکم» شعر، کهنه گرایبی و دنباله روی کورکورانه را محکوم می نماید و نوآوری را می ستاید. این وجهه نوگرایی کاتبی برای بسیاری از شاعران و شعرشناسان دوره های بعد کاملاً روشن و شناخته شده بود. جامی در این که کاتبی شاعری آفریننده و نوپرداز است، می نویسد: «وی را معانی خاص بسیار است و در ادای آن معانی نیز اسلوبی خاص دارد» (بهارستان، ص ۱۰۷) و امیرعلیشیرنویسی وی را «صاحب اختراع» و دولت شاه «صیاد معانی غریبه و نکته دان» معرفی می کند.

روایت واصفی در بدایع الوقایع (ج ۱، ص ۹۷) از یک مجمع الشعراء قرن دهم که خود نیز در آن حضور داشته، در پافشاری بردیدگاه این منتقدان و شعرپژوهان ارزشی بسزا دارد: «... در مسجد هرات که اشرف مواضع شریفه و اعظم بقاع منبعه هرات است، بعد از ادای صلات جمعه در صفة مقصوره، جمعی از شعرا و فضلا که چشم روزگار نظیر ایشان جز عکس ایشان در آینه سپهر ندیدی و گوش هوش دوران مثل صدای گفت و گوی ایشان جز ندای همان مقالات از کوهسار کهان نشنیدی، مثل مولانا بنایی و خواجه آصفی و مولانا محمد بدخشی و مولانا ریاضی تربتی و مولانا هلالی و مولانا اهلی و مولانا فضلی و مولانا امانی و غیرهم، جمعی می ساختند و سخن شعر و شعرا در میان می انداختند. روزی نشسته بودند و از هر بابی سخنی در پیوسته، حکایت به تعریف شعرا انجامید و در وصف کاتبی سخن بدان جا رسید که او را معانی خاصه دلاویز و خیالات غامضه با انگیز بسیار است. و الحق این شیوه ای است بس خوب و اسلوبی است به غایت مرغوب:

کاتبی سودبری گربودت معنی خاص خواجه آن است که تاجر به زر خود باشد»

۳. همان، بدرشروانی است.

۴. لس: «اسم».



محمد مرانام گشت و توبدري به انگشت آن تو از هم<sup>۱</sup> درانم  
۰۴۷ می:

زاهدی گفتا که مانند شفق از خون دل من طهارت هرپسین بهر نماز شب کنم  
کاتبی گفتش کزین گفتار آخر شرم دار راستی کار چنین را من به دست چپ کنم  
۰۴۸ می:

بوسعیدا، سخن هرزه مگو قصه مخوان آخر کار چودانی که بیاید مُردن  
هر حکایت که کنی زر طلبی از مردم به حکایت نتوان مال کسان را خوردن  
۰۴۹ می، لس، شو، می:

ای کاتبی به مجلس می در درون خم شد تیره ذهن صاف تو از دُر دَن زدن  
بگذار می به سیم خریدن که جاهلی است آتش به زر خریدن و در خویشتن زدن  
۰۵۰ می:

بت پرستی پیشم آمد گفتم ای گم کرده راه بی طریقی را گذار و خاطر ما شاد کن  
گفت من کردم فراموش از بت و بتخانه هم گفتمش گر راست می گویی خدا را یاد کن  
۰۵۱ می، شو، می:

گوشه گر گیرم نباید عیب کردن زان که شد چون کمان از پنجه زور جرب خم پشت من  
کاتبی چون در جرب پرسش ندید از خلق گفت کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من<sup>۲</sup>  
۰۵۲ می، لس، شو، می:

ای علا تا چند می گویی که مسکین کاتبی از خدا می جست رنج خاطر پژمان من  
تو مرا جانی کجا رنج تو خواهم در جهان ورنخواهم یا رب آید صد بلا بر جان من  
۰۵۳ می، شو:

گوش بنهاده معاذی که خیالی شنود تاروانش به لسان دغل آرد بیرون

۱. می: «بر»

۲. نفائس الفنون، ج ۱، ص ۲۲۷: «ماحکَّ ظهري مثل ظفري. و عجم را در این معنی مثل هاست؛ یکی آن که مرده مرا هیچ کس چون من نگیرد. دوم آن که گویند مار به دست دشمن باید گرفت یا به دست دیگران باید گرفت... پنجم آن که کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من». و سعدی نیز در بوستان چنین آورده:

به غمخوارگی چون سرانگشت من نخارد کس اندر جهان پشت من



هم چو آن مرد تهیدست که در محفل‌ها  
مهره در گوش نهد وز بغل آرد بیرون  
۵۴. می:

گر میسر گردد روزی وصال دلبری  
کآتش غم سوخت جانم در شب هجرانِ او  
گویش مُرد از غم تو کاتبی خسته دل  
بی تو یک دم چون زید آن کس که باشی جانِ او  
گر بگویم می روم در کلبهٔ احزان تو  
حُکم حُکم اوست ای من بندهٔ فرمانِ او  
چون درآید شمع سان گردد منور در نفس  
خانهٔ تاریک از نور رخِ رخشانِ او  
دراگر نالد ازین حالت بیندم محکمش  
ور کلید افغان برآرد بشکم دندانِ او  
۵۵. میج، لس، شو، می:

میرشاپور چون ز عالم رفت  
دل از وزنده بود و جان هر دو  
دو پسر ماند از بیه یک زن نیک  
لیک زن بهتر است از آن هر دو  
۵۶. می:

تورا یقین بود از دور چرخ فرزین گرد  
که بازی به جهان دست می دهد ناگاه  
اگر به لطف سوی ماروان کنی شطرنج  
چنان بود که دهد با پیاده اسپه شاه  
۵۷. می:

میر عادل شاه زین فانی سرا  
رفت و شد دار بقایش تکیه گاه  
در درون بحر انساب از کمال  
بود دُری قیمتی آن نقد شاه  
کاتبی تاریخ او دانست و گفت  
میر عادل شه نمائی آه آه  
۵۸. می:

ایا کیی جنابی که در بساط کبار  
نبرد کس ز تو شطرنج از سفید و سیاه  
نشسته ایم به کُنجی مدام بارخ زرد  
هنوز فیل غمان گرد می زند در راه  
۵۹. می:

میر یحیی شاه کو حق گفتنش  
لا کمال الملة الا به  
بت پرستی را که او بد گویدش  
قل هو الرحمن امانا به  
۶۰. می:

مطبخی رادی طلب کردم که بغرایی پزد  
تا شود زان آتش کار ما و مهمان ساخته  
گفت در چشمم نمی آید به مطبخ هیچ چیز  
غیر آب دیده کش جاری غم نان ساخته

گفتم از یارانِ ما جو هیمه و لحم و دَفِیق زان که هستت کار خون و سفره زایشان ساخته  
گفت لحم و هیمه گریابم<sup>۱</sup> که خواهد داد آرد گفتم آن کاین<sup>۲</sup> آسیای چرخ گردان ساخته<sup>۳</sup>،  
۶۱. میج، لس، شو:

رفت آخر از جهان شمس علا آن که گه گه در شماری آمدی  
او برفت و ماند از و دیوان شعر هم نماندی گربه کاری آمدی  
۶۲. می:

کاتبی، کار تو مانند زبان باد به کام از لب یار که شیرین سخنانی داری  
عارض و چهره ساقی نگر و باده بنوش یک دوروزی اگر از دُورامانی داری  
۶۳. می:

دست صفی خنجر سرما فکند جانب سلطانیه چون شد زری  
گرچه وی از شهر سمرقند بود در خنکی دست از و بُردی  
۶۴. میج، شو، می:

شبی به مجلس میراد شیر<sup>۵</sup> در رفتم پر شده بود یکی قطعه بهتر از طبقی  
از و شراب طلب داشتم من بیمار تبش گرفت و نکرد از فسردگی عرقی

۱. شو: «خواهم».

۲. شو: «آن کو».

۳. در لس و شو، فقط بیت های اول و آخر آمده است.

۴. *عرفات العاشقین*، ج ۶، ص ۳۵۴۵: «[کاتبی] از هرات به تبریز آمد، به استرآباد و گیلانات و شروانات افتاد. پس امیرزاده شیخ ابراهیم شروانشاه نگاه داشت و تربیت کلی او فرموده، از جمله قصیده ردیف گل را به وی فرموده بودند، بدیهه گفت: ... پس شروانشاه وی راده هزار دینار شروانی به جایزه این قصیده انعام فرمود، و وی آن مبلغ را جمعاً به مستحقین از فضلالی شعرای فقرا صرف نمود و بعد از چند روز جمعی از اعزّه به سرای او حاضر شدند. قسمت آرد به جهت بغرا در سرکار نمانده بود. مطبخی آرد می خواست، مولوی گفت: مطبخی رادی طلب کردم...»؛ و بیت های نخست و چهارم قطعه مزبور را نقل کرده است.

۵. گویا، همان اردشیر تواجی (قوچین) از فرماندهان لشکر تیمور و فرستاده شاهرخ تیموری به دربار پادشاه خطای و ماچین، دای مینگ، (در سال ۸۲۰ ق) باشد. درباره او نک: *ظفرنامه*، صص ۴۰۷، ۷۴۳ و ۷۴۹؛ *احسن التواریخ*، ج ۱، ص ۲۲۵ و ۲۲۸.

کاتبی، در یکی از دو بیت هایش می گوید:

شاهها مکش اردشیر سرگردان را هر چند شکست پایه شروان را  
گفتی گُشمش یا کشمش میل به چشم کشتن نه نکوست کور کن شیطان را





۶۵. می:

رسیدم دی به نزدیکِ مسافر<sup>۱</sup> نه مأوییش بود و نی مکانی  
بدو گفتم نداری خان ومان، گفت مسافرا نباشد خان ومانی

۶۶. می:

کاری فساد ما را بادزد حبه دزدان دزدی که نقش زر را دزدد ز صحن جنّی  
نی بشنود حدیثم نی در دماغ آرد آن دزد را الهی بَرند گوش و بینی

۶۷. میج، لس، شو:

چو شد شه منوچهر<sup>۲</sup> را قتل واقع دلم کرد تاریخش از جان گدایی

۱. دربارهٔ او نک: دستنویس‌های مجلس شورا، ش ۸/۱۱۰۹ (نستعلیق قرن ۱۳ق)، که مثنوی معراج نامهٔ اوست؛ و کتابخانهٔ ملک، ش ۵۰۳۹ (نستعلیق ۱۲۰۸ق، ۲۷۵ برگ) که غزلیات اوست به ترتیب حروف تهجی.

۲. منظور، منوچهر بن سلطان شیخ ابراهیم، حاکم شروان است. کاتبی در قصایدی، وی را مدح گفته؛ در یکی از آن‌ها به قصد خویش برای دیدار با این فرمانروای تیموری اشارت می‌کند و این که از دیوان خود نسخه‌ای فراهم کرده و برای پیشکشی عازم آن دیار شده ولی از بخت بد، پیش از رسیدن به شروان، اوضاع دگرگونه گشته و شاعر سیه‌طالع، ناکام بازمی‌گردد؛

خسروا خورشید چرخ فضلّی و ظلّ خدای  
شه منوچهر ابن سلطان شیخ ابراهیم شاه  
سرفرازا، نی پسندم نی ستایم خویش را  
می‌نماید زین حدیث ترخیالات لطیف  
توسن گردون بی آرام من نگشت  
از جفاهای زمان پیوسته دارم آه آه  
قصّه‌ای دارم که گراز دل بیارم برزبان  
نسخه‌ای کردم به نام خسرو شروان تمام  
چون شدم عازم سوی شروان به چشمان پرآب  
بست بر گیتی درو صد گیتی محنت گشاد  
زان غزای شاه دین پیشانی بی چین نماند  
گر گذشت آن سرور شاهان ازین دیرین سرای  
و در قصیده‌ای دیگر با مطلع:

زاغ زلفش کاشیان بالای اختر کرده است زیر بال خود نهان عنقای خاور کرده است  
وی را چنین می‌ستاید:

میرستم دل منوچهر آن که او در روززم با حسام خون فشان هیجای حیدر کرده است

چوبشنود جان ناله‌ها کرد و گفتا «منوچهر دارای دوران کجایی»<sup>۱</sup>



### کتابنامه

منابع دستنویس:

۱. کلیات دیوان کاتبی، کتابت ۸۵۰ ق، شماره ۷۷۷۶، مجلس، تهران [بارمز مج].
۲. کلیات دیوان کاتبی، کتابت قرن ۹ ق، شماره ۲۶۱۵، مجلس، تهران [بارمز لس].
۳. کلیات دیوان کاتبی، کتابت قرن ۱۰ ق، شماره ۱۳۴۸۶، مجلس، تهران [بارمز شو].
۴. کلیات دیوان کاتبی، کتابت ۸۶۷ ق، شماره ۲۲۴ و ۲۲۵، کتابخانه شادروان مجتبی مینوی، تهران [بارمز می].

منابع چاپی:

۱. احسن التواریخ، حسن بیگ روملو، تصحیح و تحشیه: عبدالحسین نوایی، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۹ ش.
۲. بدایع الوقایع، زین الدین محمود واصفی، تصحیح: الکساندر بلدرروف، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ ش.
۳. بهارستان، عبدالرحمن جامی، تصحیح: اسماعیل حاکمی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۱ ش.
۴. بهارستان سخن، میرعبدالرزاق صمصام الدوله، تصحیح و تعلیق: عبدالمحمد آیتی و حکیمه رنجی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۸ ش.
۵. تاریخ ادبیات ایران، بدیع الزمان فروزانفر، به کوشش: عنایت‌الله مجیدی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶ ش.

۱. منظور، تاریخ ۸۲۵ می باشد؛ حسن بیگ روملو، ذیل وقایع این سال آورده: «... در اوایل این سال، امیر منوچهر ولد شیخ ابراهیم میرزا، اسکندر را به شروان طلبید و میان برادران محاربه عظیم واقع شد. منوچهر منهزم به تبریز رفت. بنابراین، میرزا اسکندر با سپاه بلاثر به شروان آمده، محمودآباد را غارت کرد. آخر الامر خلیل الله، منوچهر را به قتل آورده بر جمیع بلاد شروان مستولی گردید». نک: احسن التواریخ، ج ۱، ص ۳۰۳.



۶. تاریخ ادبیات ایران، جلال الدین همایی، به کوشش: ماهدخت همایی، تهران، نشر هما، ۱۳۷۵ ش.
۷. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۸۳ ش.
۸. تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۷۵ ش.
۹. تاریخ نظم و نثر در ایران، سعید نفیسی، تهران، نشر فروغی، ۱۳۶۳ ش.
۱۰. تذکره الشعراء، امیر دولتشاه سمرقندی، به همت: محمد رضائی، تهران، کلاله خاور، ۱۳۳۸ ش.
۱۱. حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، غیاث الدین خواند میر، تصحیح زین نظر: سید محمد دبیرسیاقی، تهران، ختام، ۱۳۵۳ ش.
۱۲. خزانه عامره، غلامعلی آزاد بلگرامی، تصحیح: ناصر نیکو بخت و شکیل اسلم بیگ، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.
۱۳. دیوان غزلیات کاتبی، تصحیح: تقی وحیدیان کامیار، سعید خومحمدی و مجتبی جوادنی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ ش.
۱۴. دیوان کمال الدین مسعود خجندی، به اهتمام: ک. شیدفر، مسکو، آکادمی علوم اتحاد شوروی، انستیتوی خاورشناسی، ۱۹۷۸ م.
۱۵. دیوان محتشم کاشانی، تصحیح و مقدمه: اکبر بهداروند، تهران، نشر نگاه، ۱۳۸۲ ش.
۱۶. ریاض الشعراء، علیقلی واله داغستانی، مقدمه و تصحیح و تحقیق: سید محسن ناجی اصفهانی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۴ ش.
۱۷. ظفرنامه، شرف الدین علی یزدی، تصحیح و تحقیق: سید میر محمد صادق و عبدالحسین نوایی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس، ۱۳۸۷ ش.
۱۸. عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تقی الدین محمد اوحدی اصفهانی، تصحیح: ذبیح الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد، با نظارت علمی محمد قهرمان، تهران، میراث مکتوب با همکاری کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس، ۱۳۸۹ ش.
۱۹. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، عبدالحسین حائری، تهران، ۱۳۴۸ ش.
۲۰. کتاب آرایه در تمدن اسلامی، تحقیق و تألیف: نجیب مایل هروی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ ش.

۲۱. کلیات عرفی شیرازی، به کوشش و تصحیح: محمد علی الحق انصاری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ ش.
۲۲. لب التواریخ، یحیی بن عبداللطیف قزوینی، تصحیح: میرهاشم محدث، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۶ ش.
۲۳. مرآة الخیال، شیرعلی خان لودی، به اهتمام: حمید حسینی، با همکاری بهروز صغرازاده، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹ ش.
۲۴. مجالس النفائس، میرنظام الدین علیشیرنویسی، به اهتمام: علی اصغر حکمت، تهران، کتابفروشی منوچهری، ۱۳۶۳ ش.
۲۵. نفائس الفنون فی عرایس العیون، علامه شمس الدین محمد آملی، با مقدمه و تصحیح و پاورقی: ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، جمادی الثانی ۱۳۷۷ ق.
۲۶. هفت اقلیم، امین احمد رازی، تصحیح و تعلیقات و حواشی: محمدرضا طاهری، تهران، صدا و سیمای جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱ ش.



## رساله در تعلیم اصول خط شمس الدین محمد فطابی تبریزی

به کوشش: سید محمود مرعشی نجفی

بسم الله الرحمن الرحيم

اما بعد حمد الله تعالى والصلوة والسلام على [خير] البشر وشفيع المشفع يوم المحشر - صلى الله عليه وعلى آله واصحابه وسلم تسليماً كثيراً - چنین گوید محرز این رساله شمس الدین محمد الفطابی التبریزی که چون جمعی از بزرگ زادگان برابر ضعیف تردّد می کردند، و تعلیم اصول خط، با هر یکی به قدر استعداد و فهم ایشان تقریر می کردم. تا به اندک مدتی خط ایشان ترقی می یافت، و از هم سران سبقت می بردند، این فقیر التماس ایشان مبذول داشته، مختصری در اصول خط در کتابت آورد تا مبتدیان را فائده باشد، و منتهان را حجت. مشتمل بر یک مقدمه و دو مقاله و خاتمه. والله الموفق والمعین.

و مقدمه مشتمل بر سه فصل است:

فصل اول: در بیان فضیلت و شرف این علم

بدان که اول کسی که کتابت عربی کرد، ابراهیم علیه السلام بود. و بعد از طوفان نوح، در زمان اسماعیل علیه السلام خط یافتند، و بعضی می گویند که از ادريس علیه السلام یافتند. و در حدیث صحیح مروی است از رسول صلی الله علیه و آله قال: «من حسن كتابة بسم الله الرحمن الرحيم دخل الجنة». وقيل «الخط نصف العلم». و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه فرموده است: «علیکم بحسن الخط، فإنه من مفاتيح الرزق». و ایضاً فرموده است: «تعلم قوام الخط باذا التأديب

فما الخَطَّ إِلَّا زابته المتأدب، فإن كنت ذا مال فخطك زينة، وإن كنت محتاجاً ففضل مكسب». وقيل «الخط الحسن للفقير مال وللغني جمال وللحكيم كمال». وقيل «حسن الخط لسان اليد وبهجة الضمير». وقيل «الكلام الحسن مصايد القلوب والخط الحسن نزهة العيون». وقيل «الخط أصل في الروح وإن ظهرت بجوارس الجسد». وقال أفلاطون: «الخط هندسة روحانية ظهر بالآلة جسدانية».

### فصل دوم: در ساختن مداد و دانستن ترکیب آن

بیت:

هم سنگ دوده زاج است و هم سنگ هرد و مازو هم سنگ هر سه صمغ است و آن گاه زور بازو  
 اما کیفیت عمل آن است که دوده را بگیرد و روغن را از او بستاند. و طریق روغن گرفتن آن  
 است که دوده را در کاغذ پیچد، و آن کاغذ را در خمیر گیرد و در تنور گرم نهد، بر سرخشت بچته،  
 چنان که آن چیز بچته گردد. پس بیرون آرد و دوده از آن خمیر بر آورده و در مازن ریزد. بعد از آن  
 صمغ عربی را در ظرفی کند، و آب بروی ریزد آن مقدار که چون بگدازد به قوام عسل باشد. و  
 بعد از آن باره صمغ حل شده در هاون ریزد بر سر دوده و آن صمغ را با دوده خمیر کند، و بسیار  
 بکوبد. بعد از آن مازو را بشکند و به قدرده مقدار از آب بروی ریزد. و بعد از آن باره برگ خبا  
 یک درم، و برگ موزد یک درم، و سمه نیم درم، و اقتمونیم درم، و آن مجموع بر سر مازو ریزد و یک  
 شبانه روز بگذارد. و بعد از آن بر سر مالا مازو ریزد. آتش نهد و بجوشاند و تجربه کند تا چندان  
 که آب مازو بر کاغذ نشف نکند. پس از آن آتش برگیرد و بیالاید به جامه نو، و بنهد تا صاف  
 شود. و بعد از آن زاج قیروسی در آب اندازد تا حل شود، و آب زاج هم بیالاید و صافی کند، و بر  
 آب مازو ریزد، و یک روز نگاه دارد. و بعد از آن آب زاج و مازو و صافش بگیرد، و پاره در هاون  
 ریزد و بسیار سحق کند، و پاره نیل سرار در هاون اندازد با اندکی صبر. و باید که صد ساعت آن  
 مداد را سحق کند کرده باشد، و تا یک هفته بلکه بیشتر سحق کند. و چون سحق به آخر رسد،  
 قدری نمک هندی با نبات مصری اندکی بریزد در هاون، و آب زاج و مازو را اندک اندک بریزد و  
 سحق کند، و تجربه کند در هر ساعت تا به حدی که چون تجربه کند، سیاهی در کاغذ مطموس  
 نماید. بعد از آن از هاون بیرون آورد، و به جامه حریر بیالاید. و بعد از آن نیم درم مشک و یک  
 مثقال زعفران و یک قدر گلاب بریزد و حل کند. و بعد از آن در جامه والا بیالاید و بیفشارد. و  
 مشک و زعفران صاف کند، و اندک اندک در مداد ریزد و کتابت کند، ان شاء الله تعالی خوب و  
 روان خواهد بود. و ترکیب مداد ساختن همین است که بیان کرده شد.



### فصل سوم: در معرفت قلم تراشیدن و دانستن قلم

بدان که بهترین قلم آن است [که] پخته باشد، و خام نباشد؛ اما سوخته نباشد. و دانستن پختگی قلم آن است که سرخی او سیاه‌رنگ باشد، و سپیدی او سفید باشد. سفیدی که به زردی زند، و سنگی و محکم باشد. و اندرون او سفید باشد و رگه‌های وی راست باشد. و اگر رگه‌های او راست نباشد، کتابت لایق و پسندیده نمی‌آید.

اما درازی قلم باید که شانزده انگشت باشد یا دوازده. و سطبری قلم باید که مثل سره به ناسره باشد. و اگر قلم سبک و سیاه باشد، لایق کتابت نمی‌باشد. اما در قلم تراشیدن باید که قلم تراش تیز باشد تا قلم تیز بتراشد و خط، تیز و صاف آید. و بعضی استادان را پرسیده‌اند که از شاگردان کدام به می‌نویسند، گفتند: آن که قلم تراش او تیزتر باشد. و بدان که در قلم تراشیدن چهار چیز اصل است: فتح و فوق و شق و قَط.

اما فتح برد و نوع است. اگر قلم سخت باشد، قلم تراش سخت فروبرد و اگر در سختی میانه باشد، کمتر فروبرد. اما فوق آن است که قلم را راست کند و پهلوهای قلم بتراشد. اما شق می‌باید که در میانه قلم کند، و طرف‌های قلم را به حسب سختی و سستی تراش کند، و طرف وحشی اندک به قوت تراشد. از طرف السی و شق نیز به حسب قلم متفاوت باشد؛ یعنی اگر قلم محکم باشد، شق بیشتر کند، و اگر میانه باشد کمتر کند.

اما قَط بر سه نوع است: جزم و محرف و متوسط. و بهترین آن است که متوسط باشد، و نیک و بد قلم در کتابت توان دانستن، تا به کدام نوع کتابت خوب ترمی آید، باید که همان نوع پیش گیرد و کتابت کند.

اما چون قلم تراش بر قلم نهد تا قَط قلم زند، باید که کارد را بر قلم نهد و انگشت ابهام را بر پشت کارد نهد، و قوت کند تا سر قلم جست کند، چنان که آوازی از وی شنود. و اگر آواز سر قلم نشنود، باز از سر گیرد و در یک بار قَط کند و آواز سر قلم در وقت قَط کردن شنیدن از تیزی قلم تراش می‌باشد. [وگرنه] باید که قلم تراش تیز کند و قَط قلم کند. و اگر قلم تیز نباشد از آن قلم کتابت نکند و آن چه کارد بر قلم نهادن می‌گویند آن است که از استادان شنیده‌اند. و اگر استادان مخفی داشته‌اند، باید که کتابت به قوت استعداد و کثرت کتابت دریابد. پس هر مبتدی که این مقدار شنیده باشد، و دانسته او را در علم قلم تراشیدن کافی است. اما در قلم گرفتن، سِر هاست و آن را در خاتمه گفته، ان شاء الله تعالی.

## مقاله اول، مشتمل بر دو باب:

### باب اول: در معرفت وضع خط و اسماء خطوط

بدان که در قدیم الزمان، خط معقل بوده است، و آن مجموع سطح است، و دروی هیچ دوری نمی باشد. و بهترین خط معقل آن است که سواد و بیاض او توان خواندن. و بعد از آن خط کوفی را وضع کرده اند. و بهترین کسی که آن خط نوشت، امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه و رضی الله عنه بوده است. و در آن خط يك دانگ دور است، و باقی سطح. تا زمان علی ابن مقله علیه الزمه وی آن خط را بر دایره وضع کرد، و از طریق کوفی نگردانید و مردم را تعلیم داد. و اول کسی که این خطوط نیک دانست و به عمل در آورد چنان که وضع کرده بودند، علی بن هلال بود که معروف است به ابن بؤاب، و هیچ آفریده از زمان او تا این زمان، بهتر از او کسی را ننوشته اند. و در زمان معتصم، قبله الکتب، شیخ جمال الدین یاقوت که غلام معتصم ظاهر گشت. که متابعت خط ابن بؤاب کرد و بدو رسانید. و بعد از آن در قلم تراشیدن و قَطّ قلم زدن تغییری فرمود و استدلال کلام و ارشاد امیرالمؤمنین رضی الله عنه کرد که او فرموده است: «أطل حلقة القلم وأسمها وحرف القطة وأتمها فإن سمعت صليلاً كصايل المشرقي وإلا فأعد القطة» پس باید که قَطّ قلم محرف زنی تا نوك قلم تیز باشد و چون بر درج کتابت کسی در حرکت آید و تمایل کند و آوازی از او پدید آید چون آواز شمشیر مشرقی. و در زمان ابن بؤاب قَطّ قلم جزم می زدند، بدان سبب کتابت ایشان لطیف و نازک نمی آمد؛ اما چون یاقوت در قَطّ قلم تغییری کرد، در خط نیز تغییری باز دیده آمد، از بهر آن که خط تابع قلم است. اگر قلم خوب تراشیدی، خط نیز خوب می نویسی و اگر قلم به مراد نیست، هر چند که جدّ و جهد می نمایی کتابت نیکو نمی آید. پس بدین سبب خط یاقوت را بر خط ابن بؤاب ترجیح می دهند از جهت لطافت و نازکی، نه از جهت اصول و قاعده.

پس اصول آن است که ابن مقله وضع کرده است بر دایره و نقطه، و آن را برشش نوع قسمت کرده است بر دایره و نقطه. و آن را برشش نوع قسمت کرده، و هر نوع را نامی نهاده مناسب، لفظاً و معنی. و اصل خط از نقطه گرفته چنان که در باب دوم ذکر کرده آید. ان شاء الله تعالی.

اما قسم اول را «محقق» نام نهاده است، از بهر آن که محقق را يك دانگ و نیم دور است و باقی چهار دانگ و نیم سطح. و مشابهت به خط معقل و کوفی دارد از جهت سطحت، پس این قسم را مقدم داشته است.





اما قسم دورا «ثلث» نام نهاده است، از بهر آن که دو دانگ او، و از بهر آن که هر که این خط معلوم کرد، او ثلثی از خط معلوم کرد. پس اول محقق رادانستن اولی است و دوم ثلث را؛ زیرا که ثلث تابع محقق می شود. و «ریحان» ایضاً تابع محقق می شود از بهر آن که اصول محقق و ریحان یکی است.

اما «ریحان» را از جهت آن ریحان می گویند که رنگ و بوی ریحان دارد. و «نسخ» رانسخ از این جهت می گویند که بیشتر کتابت بروی می شد. مثلاً کتابت کلام الله بیشتر به نسخ می شود، و کتابت کتب نیز می شود. پس بر این سبب دیگر خطها را ترک کرده اند، و بر خط نسخ اکتفا کرده، و خط نسخ بدین سبب ناسخ خطها شده است.

و قسم سیوم را «توقیع» نام نهاده اند از آن جهت [که] او را نصفی دوراست و نصفی سطح. پس بدان توقیع، مشابهت به خط معقلی ندارد. و دیگر آن که قضات، سجالات و توقیعات بر خط توقیع می نویسند.

و قسم چهارم «رقاع» می گویند، از بهر آن که در آن وقت رقعها بدین می نوشتند.

و پنجم و ششم که «ریحان» و «نسخ» است ذکر کرده شده است.

و بعضی اقسام خط را هفت گفته اند و خط طومار را يك قسم گرفته، اما در اصل وضع خط برشش قسم کرده اند، و از جهات ست گرفته اند. پس هرگاه که خطی را از این خطوط به قلم قوی کتابت کردی «طومار» باشد، و اگر به قلم باریک کتابت کردی، «غبار» باشد. پس بدین دلیل خط بر هفت قسم باشد. بر هفت دیگر آن که اقسام خط بر اختلاف قلم وضع کنیم اقسام خط در عدد و حد نتوان دانست پس معلوم می شود که اقسام خط بیش از شش نیست، و هر یکی را اصولی نهاده اند که بدان اصول خطوط دیگر ممتاز می شود، چنان که ذکر کرده آید ان شاء الله تعالی، والله اعلم.

### باب دوم: در ذکر اصول خط

و ذکر هر حدی از حدود مفردات بر طریقه علی بن مقله، و مجموع اصول و فروع خط را

یا قوت در يك بیت، بر سبیل اجمال گفته است:

اصول و ترکیب کراس و نسبه  
صعود و تشهیه نزول و ارسال

و علی رضی الله عنه فرموده است: «اعلم أن حسن الخط مخفي في تعليم الأستاذ وقوامه في كثرة المشق و ترکیب المركبات و بقاءه على المسلم في ترك المنهيات و محافظة الصلوات وأصله في معرفة المفردات». پس باید که اول مفردات بیان کرده شود، و بعد از آن در مرکبات شروع کنیم.

بدان که اصل خط نقطه است. از بهر آن که هرگاه که دو نقطه یا سه نقطه که با هم بنویسی خط شود. پس بدین سبب حدّ حروف مفردات را به نقطه بیان خواهیم کرد.

[الف:] بدان «الف» محقق هشت نقطه است و تانه جائز داشته‌اند؛ اما می‌گویند که در ساختن و کشیدن الف می‌باید که سه حرکت در او باشد، و این خطاست. از بهر آن که ایشان گردش قلم را حرکت دانسته‌اند، پس حرکت و گردش در قلم راندن واقع می‌شود نه در الف. زیرا که چون الف در کاغذ کشیدی هیچ حرکت از الف احساس نمی‌توان کرد؛ اما در حالت کشیدن این حرکات در قلم راندن ظاهر می‌گردد. از بهر آن که چون قلم بر کاغذ نهادی که الف کشی می‌باید که قَطّ قلم تمام تمام بر کاغذ نهدی، و چهار دانگ الف به تمام قلم بکشی، و بعد از آن قلم را در کشیدن محرف گردانی، چنان که تا چهار دانگ قلم بیش بر کاغذ نباشد، قیاساً بعد از آن تا آخر الف بیش از دو دانگ قلم بر کاغذ نباشد. و حرکاتی که در الف می‌گویند این است که ذکر کرده شد.

ب: اما سر «باء» می‌باید که يك نقطه طولانی باشد و قد می‌باید که شش نقطه، تا هفت و هشت جائز داشته‌اند. به غیر از شمره و اگر شش نقطه زاید شود، شمره نباید ساختن، پس حدّ باء دانسته شد.

ج: پنج نقطه است با طره و تا شش نیز جایز دانسته‌اند. و دایره «جیم» می‌باید که مشابه نیم بیضه مرغ باشد. و دایره می‌باید که از سر جیم زاید نباشد، تا اگر خطی از سر جیم به زیر کشی به دایره جیم نرسد، و اگر رسد درنگذرد. و طول دایره می‌باید که به قدر الف باشد. و اتصال سر جیم با دایره می‌باید که دو دانگ باشد، و تا نیمه نیز جایز داشته‌اند؛ اما اگر عکس باشد، روا نباشد. و در مرگب نیز همین قاعده است که ذکر کرده شد.

د: می‌باید که طول بالاش چهار نقطه باشد، و تا پنج نیز جایز داشته‌اند. و طرف زیر «دال» می‌باید که نیم نقطه از طرف بالای دال زاید باشد. و بیاض میان این دو طرف می‌باید که پنج نقطه یا شش نقطه بیش نباشد، یا اگر از این طرف خطی بدان طرف کشند، مثلاً متساوی الأضلاع باشد.

ز: اما باید که سر «راء» سه نقطه باشد. و قدّ راء می‌باید که چند [برابر] سر راء باشد، به غیر از باریکی که در ارسال می‌شود که آن را شمره ارسال می‌گویند. و اگر شمره را دور داده‌اند، قدّ راء می‌باید که پنج نقطه باشد یا کمتر. پس حدّ راء معلوم شد.



س: اما «سین» می باید که سردندانۀ اش به قدر يك نقطه باشد، و بیاض میان دندانۀ های سین بیاض اول يك نقطه باشد، و بیاض دوم دندانۀ سین به قدر يك نقطه باشد، و دندانۀ های سین مانند دندانۀ های اژه باشد، و خطی که از دندانۀ سیوم سین به زیر می کشی، می باید که به قدر سه نقطه باشد. و در محقق و در ثلث، به قدر چهار نقطه و درازی به قدر شش نقطه و یا هفت نقطه، به غیر آن شمره و اگر ارسال کرده باشد، می باید که اگر سر ارسال تا زاویۀ بدن خطی بکشند، مانند قوسی پدید آید، و این خط را ارسال قوسی گویند. و در همه خط ها هرگاه که سین را با غیر از سین، به غیر از باء و فاء ارسال کنند، می باید که بدین طریق باشد.

ص: اما سر «صاد» می باید که چهار دانگ راست باشد، و دو دانگ دور و وزیر صاد هم بر آن طریق باشد، دو دانگ دور چهار دانگ راست. اما بیاض سر صاد می باید که به قدر دو نقطه باشد. و تن صاد مثل تن سین باشد در عرض و طول. و سر صاد باید که مانند بادام باشد.

ط: اما الف «طاء» می باید که شش نقطه باشد، و اعتماد بر جانب راست کرده باشد. و سر طاء می باید که نیمۀ راست میل بالا کرده باشد، و نیمۀ چپ میل به زیر کند. چنان که اگر خط زیر طاء را بکشی، بیاض طاء مثل استره باشد، و يك نقطه و نیم می باید که از الف طاء بگذرد و تا دو نقطه جایز داشته اند و باید که بلندی بیاض طاء کمتر از بیاض صاد باشد.

ع: اما «عین» مرگب است از سه ضلع. ضلع اول می باید که مانند هلال نو باشد، و ضلع دوم می باید که به قدر سر راء باشد، و ضلع سیوم می باید که به يك نقطه از ضلع دوم زاید باشد. و دایرۀ عین مثل دایرۀ جیم باشد، و ضلع سیوم باید که با دایرۀ متصل باشد.

ف: اما سر «فاء» می باید که مثلث مدور باشد، و بیاض فاء مثل امرود باشد، و گردن فاء يك نقطه باشد، و درازی مثل قد باء باشد.

ق: اما سر «قاف» مثل سر فاء است، و گردن قاف باید که به قدر دو نقطه باشد، و درازی قاف مثل تن سین باشد.

ك: اما سر «کاف» می باید که چهار نقطه باشد، و طولش هشت نقطه باشد. و خط زیر کاف می باید که به قدر سه نقطه از سر کاف بگذرد، و بیاض میان کاف باید که دو نقطه باشد. و بیاض سر کاف می باید که به يك نقطه از میان کاف بیش نباشد.

ل: اما طول «لام» می باید که مثل طول الف باشد، و درازی لام مثل تن سین باشد.

م: اَمَّا «میم» بردو نوع است. ارسال کرده آید یا شمره داده آید. اگر ارسال کرده آید سرمیم مثل سرفاء باشد. و اگر میم را شمره داده اند، سرمیم مثل سرباء باشد.  
ن: اَمَّا سر «نون» می باید که سه نقطه باشد، و تا چهار جایز داشته اند. و طولش مثل طول تن سین باشد.

ه: اَمَّا «هاء» مرگب است از سه خط. خط اول مثل سرراء باشد. و خط دوم می باید که دو نقطه و نیم باشد. و خط سیوم می باید که چهار نقطه باشد. و آن جا که تقاطع می شود، دو خط را می باید که به يك نقطه و نیمه از تقاطع بگذرد.

و: و اَمَّا سر «واو» مثل فاء است و کشیدن راست در ارسال، و شمره را احتیاج ذکر کردن نیست، کز آن جا معلوم شده است.

لا: اَمَّا «لام الف» مرگب از سه خط است. خط اول می باید که به قدر الف باشد مایل به جانب یسار. خط دوم به قدر دو نقطه و نیم باشد. خط سیم به قدر نه نقطه باشد، زیاده بر آن نیز جایز داشته اند. و خط سیوم را در کشیدن می باید مثل بیش از خط اول باشد به جانب میمن، تا ز لام الف دو مثلث حاصل شده، یکی مثل هاء مفرد، و یکی مشابه دال.

ی: اَمَّا «یاء» مرگب است از سه خط. خط اول مانند سرکاف باشد به يك نقطه کمتر، و خط دوم می باید که به قدر سرراء باشد مایل به طرف میمن. چنان که از این دو خط، دال معکوس حاصل شود. و خط سیوم به قدر سین باشد، نه از زاویه زیر سین. اگر چنان که خطی از سر یاء برانند، خط سیوم را بشکند یا بیبرد، اما اگر متصل نشود، بهتر بود.



### مقاله دوم: در بیان ترکیب مرگبات

بدان که الف وقتی که در اول واقع شود، هیچ حرفی را با او اتصال نمی توان کرد. اما اگر در آخر واقع شده است الف متصل باشد. پس هرگاه که خواهیم که شروع در ذکر ترکیب دو حرف با هم کنیم ابتدا از یاء کنیم. بدان که حال خالی نیست که اول این دو حرف که ترکیب کرده بآید است با نون، یا بآید و آخر الف است، یا دال یا راء یا فاء یا نون، سرباء به قدر يك نقطه طولانی می باید. و اگر بعد از بآید و نون و یاء جیم باشد یا قاف یا واو یا یاء مفرد، سرباء و دیگر حرف ها به قدر دو نقطه باشد. و اگر بعد از بآید سین باشد یا عین یا صاد سرباء می باید که قدر سه نقطه باشد.



پس حدّ باء و نون و یاء که در اوّل واقع شود، آن است که گفته شده. و اگر در وسط واقع باشد، مثل دندانهٔ میان سین باشد. و اگر در اوّل دو حرف که با هم ترکیب کرده اند جیم باشد و آخر الف یا راء یا کاف یا لام یا هاء یا یاء سر جیم آن جا مفتوح و محلق نیز باشد. اگر محلق باشد، بعد از جیم الف و دال و کاف و لام و هاء است، بیاض سر جیم می باید که مثل غنچه باشد بر این طایف. و اگر بعد از جیم محلق راء، یا میم یا یاء باشد، بیاض سر جیم مثلث طولانی باشد بر این طریق. اما اگر بعد از جیم دیگر حروف باشد، سر جیم مفتوح باشد. اما اگر چنان که در اوّل دو حرف با هم سین باشد، بعد از سین الف باشد یا باء یا جیم یا دال یا کاف یا لام یا هاء، می باید که مانند دندانهٔ سیوم سین باشد یا این حروف مذکوره به قدر سر سین باشد. و اگر بعد از سین راء باشد یا صاد یا طاء یا قاف یا واو یا میم فاصلهٔ میان سین و این حروف به قدر دو نقطه باشد. و اگر بعد از سین باء باشد، هیچ فاصله ای میان باء و سین و یاء مفرد نباشد. اما چنان که در اوّل دو حرف که با هم ترکیب کرده صاد باشد، بعد از صاد حال خالی نیست که الف یا دال یا کاف مفرد یا لام یا هاء فاصلهٔ میان سر صاد و این حروف مثل فاصلهٔ سین باشد. در همهٔ انواع که در سین ذکر کرده شد. اما اگر چنان که در اوّل ترکیب دو مفرد طاء باشد، بعد از طاء اگر الف باشد یا باء یا دال یا کاف مفرد یا لام یا هاء فاصلهٔ میان طاء و این حروف به قدر دو نقطه باشد. و اگر بعد از طاء جیم باشد، با یاء مفرد، بعد از طاء می باید که به قدر دو نقطه و نیم باشد. اما چنان که در اوّل دو حرف مرکب فاء باشد و بعد از فاء الف باشد، با یاء یا دال یا راء مرسل و مدوّر یا سین یا کاف یا لام یا هاء بیاض میان سرفاء و این حروف به قدر نیم نقطه باشد؛ اما یک نقطه جایز داشته اند.

اما اگر بعد از فاء جیم باشد، به قدر یک نقطه و نیم از سرفاء بگذرد، بعد از آن جیم سازند یا باء نویسند و حکم قاف به عینه حکم فاء است و مخالفت به حسب گردن واقع می شود که گردن فاء یک نقطه است و گردن قاف دو نقطه است، در همهٔ تراکیب که واقع می شوند، موافقتند. اما اگر در اوّل دو حرف مرکب که آن دو حرف باشد کاف است، حال خالی نیست کافی که در اوّل واقع شده است، دالی است یا عین دالی. اگر دالی است بعد از او الف است یا لام یا کاف دالی به این حروف متصل باشد، همیشه، و اگر در اوّل کلمه کاف منحنی باشد، و بعد از کاف یاء است یا دال یا راء یا سین یا فاء یا قاف یا میم یا هاء یا واو فاصله میان ...<sup>۱</sup> ...

۱. در محلّ نقطه چین ها به اندازهٔ یک یا دو کلمه در اصل سفید مانده است.

به قدر دو نقطه ... اما اگر بعد از کاف ... حکم باشد یا کاف ... را به قدر دو نقطه و نیم بکشاید. بعد از آن جیم با باء یا دال، اما اگر کاف در اول واقع شده است، مسطح باشد، مرکب با الف یا دال یا لام یا هاء باشد، فاصله میان سر کاف و این حروف به قدر سر کاف باشد یا کمتر از سر کاف. و اگر بعد از کاف مسطح باء باشد با فاء یا قاف یا واو یا نون فاصله میان کاف و این حروف به قدر دو نقطه باشد. و اگر کم از دو نقطه نیز باشد، شاید. و اگر حکم با یاء باشد زیاده. وقتی که سر میم مدور باشد، و اگر سر میم مرفوع باشد، و بعد از میم الف یا دال یا واو باشد، بیاض به قدر دو نقطه باشد. و اگر سر میم مثلث باشد و بعد از او جیم باشد یا راء مضمریانون، اگر بعد از میم مدور و مثلث واقع و جیم ... بر این موجب بعد از میم مثلث ... و مدور واقع شود. اما اگر ... عرف مرکبها باشد ... الف باشد یا یاء باشد، دال ... یا لام یا هاء فاصله میان هاء و این حروف به قدر سه نقله باشد. و اگر جیم یا یاء باشد، بعد از سین و باقی حروف که بعد از هاء باشد، بر این قاعده که پیش تر گفته، قیاس می کن. اما حکم و ضابط با همانی است که در بیان یاء گفته شد ...

حروف، به حسب وضع واضح مختلف می شود، و هر يك اسمی جدا دارند. در این فصل جداگانه ذکر کرده می شود.

اما الف يك نوع بیش نیست و بدان سبب يك اسم نیز بیش ندارد. جیم دو حکم دارد، یکی ...<sup>۱</sup> در مرکب.

اما صاد دو نوع است یا مدور است یا مرسل. و این اختلاف در دایره صاد است نه در سواد. اما طاء بیش از يك نیست هم در مفرد و هم در مرکب.

اما عین بر هفت نوع است مفرد يك نوع است و حکم دایره مفرد همان طریق دایره جیم است؛ و مرکب بر شش نوع است: اول: بقلی. بدان که عین وقت باشد که بعد از الف باشد را دال یا چیزی که به قدر دو نقطه مرتفع شود؛ دوم: صادی. و آن این است که بعد از عین باء باشد یا جیم یا راء یا سین یا صاد یا قاف یا میم یا یاء؛ سیوم: ...<sup>۲</sup> است و این خاص است در لفظ غیر و هر چه به قدر يك نقطه مرتفع شود بعد از عین؛ چهارم: فم الاسدی. و آن، آن است که عین نعل بعد از الفی باشد که آن الف متصل باشد به حرفی که بیش از اوست؛

۱. به اندازه نیم صفحه سفید مانده است.

۲. به اندازه يك کلمه سفید مانده است.

پنجم: فم ثعبانی است. و آن عین صادی است که متصل شده باشد الفی که ذکر کرده شد؛ ششم: معقود است. و آن عین است که در میان کلمه واقع شده باشد و مشابه سفره باشد. اما فاء بر سه نوع است یکی مفرد و آن دو نوع است یا مرسل یا مدوّر؛ دیگر مرکب و آن يك نوع است.

اما کاف بر چهار نوع است، يك مفرد و سه مرکب که آن مسطح و منحنی و دال.

اما لام سه نوع است مفرد و مرسل و مدوّر. مرکب بیش از يك نوع نیست.

اما میم مفرد و مرسل است و مدوّر و یکی مثلث مرفوع. اما حال خالی نیست که در اوّل واقع است یا در وسط یا در آخر. اگر در اوّل واقع است بر سه نوع باشد، مدوّر و مثلث و مرفوع. و اگر در وسط واقع شده باشد، بر سه نوع باشد مدوّر و مثلث و مرفوع. و اگر در وسط واقع شده باشد مفتوح و مطموس باشد. و اگر در آخر واقع شده باشد مفتوح و مطموس. اگر مفتوح است مرسل باشد، و اگر مطموس است بر چهار نوع است مدوّر یا مدّه یا پیکانی پس چهار نوع است یکی در مرکب و دو در مفرد مرسل و مدوّر.

اما هاء مفرد است یا مرکب مفرد يك نوع است و آن مثلث است. اما مرکب حال خالی نیست که در اوّل واقع شده است یا در وسط یا در آخر. اگر در اوّل واقع است هاء دالی باشد، اذن الفرسی باشد مطموس باشد. و اگر در وسط واقع شده باشد، دالی باشد، و دو صادین باشد. وقتی که بعد از لام باشد و مخیر نیز باشد. و اگر بعد از لام نباشد اذن الفرسی باشد و حولی باشد. و اگر در آخر واقع شده باشد، محلّق باشد و مرسل باشد.

اما واو بر دو نوع باشد مرسل و مدوّر.

اما لام الف بر دو نوع است مفرد و مرکب، چنان که ذکر کرده شد. اما بر سه نوع است مفرد و آن دو نوع یا مدوّر است یا مرسل. اگر مرکب است يك نوع است.

پس انواع اختلافات که در حروف واقع می شود و اسم هر يك که در ترکیب می نویسند بیش از این نیست که مذکور شد، والله اعلم.

### باب دوم: در اسامی ترکیب

که زیادت از دو حرف باشد و در آن ترکیب مدّات باشد و مدّ کلمه دادن بر سه قسم است، یا از جهت حسن آن ترکیب باشد، یا از جهت انفصال حروف باشد، یا از جهت اتمام کلمه. بدان که مد در کلمه بر دو حرف باشد، کم واقع باشد از جهت حسن کلمه باشد قیاس بر



هر حاء که بعضی حاء را مد داده‌اند. و اگر کلمه بر سه حرف باشد مدّ در میان واقع شود، و اگر زیادت بر سه حرف باشد، بسیار واقع شود. اما اگر مد داده باشد، قبیح باشد، مثلاً اگر خواهند که از حسن در لفظ محذمه دهند، حاء را بیاید کشید، که اگر میم را مد دهند خلاف و قبیح باشد. یا از جهت انفصال باشد که هر در لفظ سبع وابع می شود. سین را مدی باید دادن که اگر عین سین را مد دهند، قبیح باشد، و این کلمات سه حرفی و چهار حرفی بود. اما اگر کلمه زیادت شود از پنج حرف یا شش حرف، قیاس بر این طریق که گفته شد می کن. و مد در کلمه دادن و حسن و قبیح آن تعلق به کاتب دارد. اگر کاتب مستعد است، احتیاج به تمثیل نیست. اگر کاتب بی استعداد است، مثال آوردن بی فایده باشد و سعی نمودن عبث. نعوذ بالله من الفهم السقیم!

### فصل بیان ابتدای حروف و انتهای آن

بدان که ابتدای حروف بر سه نوع است: ابتدای به نقطه، یا ابتدای به شطیبه، یا ابتدا به ملحقه. اما ابتدا درده حرف باشد: الف و باء و دال و راء و سین و طاء و لام و نون و هاء و لام الف. و اما ابتدا به شطیبه در پنج حرف است: صاد و عین و حاء و کاف و یاء. و اما ابتدا به ملحقه در چهار حرف است: فاء و قاف و واو و میم. و اما انتها نیز بر سه نوع است: یا ابتدای بر نقطه، و یا انتها بر شطیبه، یا انتها به ارسال. اما انتها به نقطه در شش حرف باشد و باء و دال و کاف و طاء و فاء و لام و اما انتها به شطیبه در یک حرف است و آن الف است. اما انتها به ارسال در یازده حرف است که آن جیم است و راء و سین و صاد و عین و فاء و میم و نون و هاء و واو و یاء است. پس ابتدا و انتهای حروف بیش از این که ذکر شد نیست.



### خاتمه: در بیان قلم گرفتن و بر درج نهادن و راندن و گردش قلم

بدان که کاتب را واجب است از دانستن کلمات این، از بهر آن که بیشتر قواعد و ضوابط این علم که واقع شود، کلی است. بدان که قلم گرفتن می باید که به سرانگشت باشد. چنان که شکم هر سه انگشت بر اطراف قلم باشد، تا از هر کدام که قلم راند و گرداند قصوری و ضعیفی





در خط بازدید نیامده باشد. اما می باید که انگشت وسطی مقدار يك جو بالای فتح قلم باشد، و قلم محکم بگیرد. و زندگی محکم خط به حسب محکمی قلم گرفتن باشد.

اما می باید که در راندن قلم تعجیل نکند و به احتیاط راند تا حروف نیکو آید.

اما می باید که درازی نوک قلم مقدار يك بند انگشت کوچک باشد، یا مقدار دوران قلم باشد، یا مقدار ناخن انگشت بزرگ. هرچه از این طریق کم باشد، خلاف قواعد امیرالمؤمنین علی -رضی الله عنه- باشد که فرموده است: «طَوَّلَ سَنَانَ قَلَمِكَ» و خلاف قول استادان که ایشان در نوک قلم این حد گفته اند.

اما در راندن قلم و گردانیدن که کاتبان آن را قلم گردش می گویند. بدان که هر خطی که از بالا به زیر می کشی، باید که اعتماد بر هر دو طرف قلم کنی، و قلم را درست به زیر آری. و هر خطی که از زیر بالا می رانی، می باید که قلم را محرف گردانی. چنان که چهار دانگ قلم بر کاغذ باشد، بالا رانی. و این قلم راندن را صعود می گویند. و باز قلم بر سر آن خط نمی و همچنان که محرف بالا رانده محرف به زیر آری. و این قلم راندن را نزول می گویند. و این که گفته شد وقتی باشد که بعد از آن خط حرفی دیگر باشد، یا لام مفرد کشی. و اگر الف باشد به تمام قلم صعود کنی، احتیاج نزول نیست. پس هر خطی که از جانب یمین به طرف یسار کشی، می باید که اعتماد بر طرف وحشی قلم کنی. و هر خطی که از جانب یسار کشی به طرف یمین، اعتماد بر طرف انسی قلم کنی. و هر خطی که از بالا به زیر کشی، یا از زیر بالا کشی، اعتماد بر طرف راست کنی، مثل لام الف. و اگر از زیر بالا کشی، مثل کاف منحنی که در وسط کلمه واقع شده است، باید که اعتماد بر طرف یسار کنی. و هر خطی که منتصب باشد، باید که اعتماد بر شطیئه قلم کنی. و هر خطی که ارسال کنی، مثل جیم و عین و صاد و فاء و قاف و نون و یاء هم اعتماد بر شطیئه قلم کنی. و هرگاه که حرفی را شمره کنی، باید که اعتماد بر طرف وحشی کنی به شطیئه. و هر حرفی که در وسط کلمه پدید آید، و واقع می شود، شطیئه قلم نویسند. و اگر به قدر دو نقطه منتصب می شود، باید که به تمامی قلم صعود و نزول کنی. و هرگاه که کلمه مرکب باشد از حروف چند، باید که چنان نویسی که هرگاه که آن حروف را از هم منفصل کنی، مفردات آن کلمه را ضعیفی در اصول نباشد، و قاعده آن مفرد تمام باشد. و هرگاه که دو لفظ مرکب را با هم ترکیب کنی، باید دو قاعده رعایت کنی، یک کرسی خط، و دیگر مناسبت حروف و کرسی راست، اعلی و اوسط و اسفل. و هرگاه که کرسی وسط رعایت کنی که اصل است، اعلی



و اسفل راست می آید. قرار تا چهار مرتبه جایز است؛ اما مناسب در سطری یا صفحه یا غیر، آن است که دو حرف یا سه حرف در سطری واقع شده باشد، و از يك جنس می باشد، باید که آن حروف در کوچکی و بزرگی یکدیگر باشند.

پس هر که این مقدار که در این رساله گفته شد به عمل آورد و ضبط کند، کافی باشد، ان شاء الله تعالی.

تحریر فی التاریخ سیوم شهر شوال سنه (۱۰۷۸) يك هزار و هفتاد و هشت.



## کشته از بس که فزون است کفن نتوان کرد!

نقدی بر فهرست نسخه‌های خطی عربی

کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه

ابوالفضل حافظیان بابلی

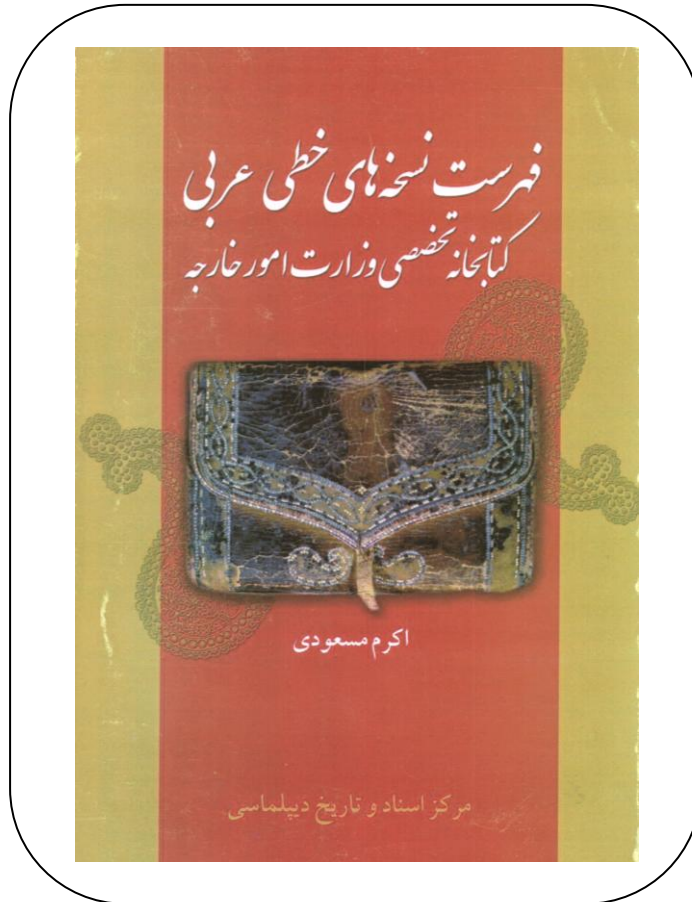
### مقدمه

ورود به عالم فهرست‌نگاری مهارت‌های خاصی می‌طلبد و آداب و شرایطی دارد که بدون مراعات آن‌ها، نتیجه حاصله، کاری سست و مغلوط و ناکارآمد از آب در خواهد آمد. بارها گفته‌ایم فهرست‌نگار باید آشنایی اجمالی با علوم اسلامی داشته باشد؛ چون اکثر قریب به اتفاق نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های ما مربوط به موضوعات گوناگون علوم اسلامی است. هم‌چنین آشنایی با زبان عربی در حد قرائت صحیح کتاب‌های عربی و بهره‌وری از منابع عربی لازم است؛ چون دست‌کم ۶۰ درصد از مخطوطات ما به زبان عربی نگاشته شده و بسیاری از منابع کتاب‌شناسی و تراجم نیز به زبان عربی است که استفاده از آن‌ها منوط به آشنایی با این زبان است.

فهرست‌نگار باید با بهره‌گیری از مهارت‌های خود و با اسلوبی منظم و دقیق به معرفی کامل نسخه‌ها بپردازد. اطلاعات کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی را در دو بخش مجزایه صورت کامل درج نماید. عناوین کتاب‌ها، موضوعات آن‌ها، قطعاتی از آغاز و انجام نسخه‌ها را به صورت صحیح در فهرست گزارش کند. به منابع و مصادر کتاب‌شناسی، فهراس و تراجم ارجاع دهد. نام کاتب و تاریخ و محل کتابت نسخه و نکات مهم دیگر در شناسایی خصوصیات نسخه را به خوبی بازگوید و نکته‌ای را فروگذار نکند. حداکثر تلاش خود را بنماید تا عنوان نسخه‌ای یا مؤلف آن مجهول نماند. در انتساب کتاب‌ها به مؤلفین دقت کند تا اشتباهی رخ ندهد.

نام مؤلفین و تاریخ وفات آن‌ها را صحیح درج نماید. پس از پایان نگارش فهرست، در مرحله تایپ و نمونه خوانی دقت شود اغلاط تایپی از وزانت کار نکاهد. باتصاویر نسخه‌های منتخب و نمایه‌های فنی، فهرست را تزئین و تکمیل نماید.

ده‌ها نکته گفتنی و بایسته در این مسیر هست که ذکر همه آن‌ها مقاله مستقلی می‌طلبد. در این مقاله ضمن نقد یک فهرست ضعیف، به ذکر نکات لازم در فهرست‌نگاری می‌پردازیم تا تجربه‌ای عملی برای علاقه‌مندان به فهرست‌نگاری باشد.



فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، تألیف اکرم مسعودی، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۹۰ش.



در این فهرست، ۳۰۰ نسخه خطی عربی که در میان آن‌ها چند نسخه فارسی و ترکی نیز به چشم می‌خورد- به ترتیب شماره مخزن به صورت نسبتاً تفصیلی معرفی شده است. در ابتدا ۲۸ نسخه قرآن خطی و سپس از نسخه شماره ۳۶۸ تا ۶۴۰ نسخه‌ها معرفی می‌شوند. در مقدمه توضیح مختصری درباره شیوه تنظیم فهرست آمده است.

این فهرست توفیق یافته در جشنواره کتاب فصل جمهوری اسلامی برگزیده شود. بارها گفته‌ایم و امید داریم داوری رده کلیات در کتاب سال و کتاب فصل جمهوری اسلامی مورد تجدید نظر قرار گیرد، لازم است از افراد باتجربه در امر فهرست‌نگاری نظرخواهی شود. اشکالات و ایراداتی که به نظر می‌آید در دو بخش عرضه می‌شود، در بخش یکم مطالب کلی و در بخش دوم با مرور صفحه به صفحه کتاب به نقد مطالب آن می‌پردازیم:

### ۱. ایرادات کلی که بر این فهرست وارد است

۱/۱. کثرت مجهولات: عیار سنجش هر فهرستی چند چیز است که شاید مهم‌ترین آن‌ها تعداد مجهولات آن باشد. یعنی فهرست‌نگار چقدر توانسته کتاب‌ها و نسخه‌ها را بشناسد و چه مقدار را ناشناخته رها کرده است. در فهرست حاضر از ۳۰۰ نسخه، ۱۲۹ عنوان مجهول مانده که اگر به این تعداد، عناوین اشتباه و غیر صحیح نیز اضافه شود آن را مبدل به فهرست‌المجهولات می‌کند. در صفحه ۳۱۷ سه رساله معرفی شده که هر سه مجهول‌العنوان و مجهول‌المؤلف مانده است!

۱/۲. عدم مراجعه به منابع: بدیهی است در معرفی نسخه‌های خطی مراجعه به منابع کتاب‌شناسی، فهرس و تراجم، راه اطمینان بخشی برای فهرست‌نگار و خوانندگان فهرست در صحت و اتقان اطلاعات مندرج در فهرست خواهد بود. اما در فهرست حاضر منابع مورد مراجعه فهرست‌نویس به قدری اندک است که به زحمت به عدد انگشتان یک دست برسد. چنان‌که گفتیم، توانایی بهره‌مندی از منابع، از مهارت‌های لازم برای یک فهرست‌نگار خوب است.

۱/۳. اغلاط تایپی: اشتباهات تایپی و املائی در این فهرست پُر شمار است، مثلاً ص ۴ یک سطر به آخر: هی ← هر، و ص ۱۸۷ یک سطر به آخر: می آورید ← می آورد، ص ۱۰۷ سطر ۲۰: هنبثا ← هنبثا.

۱/۴. عدم آشنایی با زبان عربی: متأسفانه به قدری جملات نقل شده از آغاز و انجام کتاب‌ها مغلوط است و این اغلاط حتی به آیات قرآنی نقل شده نیز راه یافته که شمارش همه اغلاط از حوصله این قلم بیرون است.

آیا به راستی فهرست نویسنده محترم قدرت خواندن صحیح یک سطر عربی را نداشته است؟  
ملاحظه کنید درص ۷ سطر ۱۲ و ۱۳ در ذکر یک آیه از قرآن هفت غلط آشکار به چشم می خورد. آیا زشت نیست کتابی که در جمهوری اسلامی چاپ می شود و در جشنواره مهمی برگزیده می گردد یک آیه کوتاه از قرآن را با هفت اشتباه در نقل ارائه دهد؟

۱/۵. عناوین مغلوط برای کتابها: مثلاً درص ۳۸ برای کتاب عربی، نام فارسی نهاده که اشتباه است: حاشیه خفری بر تجرید الکلام ← حاشیه شرح التجرید الجدید  
باز هم عناوین مغلوط: درص ۷۸ ش ۴۱۱: الانوار الاعمال والابرار ← الانوار لعمل الابرار  
ص ۸۴ ش ۴۱۲/۱۱: رساله النشر الاللی ← نشر الاللی  
ص ۳۶۰ ش ۶۱۷: شرح المخلص ← شرح الملخص  
دانشسته است در عناوین مرکب آن جا که صفت و موصوف باشند در تعریف و تنکیر هم سان اند مانند «العقاید النسفیة» و آن جا که مضاف و مضاف الیه باشند غیر هم سان اند مانند «جامع المقاصد».

در فهرست حاضرین قاعده مراعات نشده:

ص ۹۹ ش ۴۱۵: الانوار التنزیل والاسرار التاویل ← انوار التنزیل واسرار التاویل  
ص ۱۲۱ ش ۴۳۲: حدائق الناضرة فی الاحکام العترة الطاهرة ← الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة

ص ۱۰۱ ش ۴۱۸: المنتخب فی الجمع المراثی والخطب ← المنتخب فی جمع المراثی والخطب  
ص ۵۶ ش ۳۹۳/۱: المدارک الاحکام ← مدارک الاحکام  
ص ۲۸ ش ۳۶۸: مختصر النافع ← المختصر النافع  
ص ۸۹ ش ۴۱۲/۲۶: الاساس الکلام ← اساس الکلام

۱/۶. موضوعات اشتباه: یکی از کدهای اطلاعاتی لازم و مهم در کتاب شناسی مخطوطات ثبت موضوعات کتاب هاست که باید صحیح و دقیق ثبت شود. درص ۳۳ شماره ۳۷۳ التمهید فی شرح قواعد التوحید ابن ترکه که کتاب معروفی است در عرفان نظری، به عنوان کتابی در کلام ذکر شده است.

درص ۳۵ ش ۳۷۵ من لا یحضره الفقیه یکی از کتب اربعه حدیثی شیعه به عنوان کتابی در اصول فقه شیعه آمده است.



درس ۸۰ ش ۱/۴۱۲ حکمة العین کاتبی قزوینی که کتاب معروفی است در فلسفه به عنوان کتابی در کلام ثبت شده است.

درس ۱۱۶ ش ۴۲۷ شرح حکمة العین را در کلام دانسته که در فلسفه می باشد.  
۱/۷. تاریخ وفات های نادرست از جمله:

شهید ثانی: ۹۶۶ق ← ۹۶۵ق

شیخ بهایی: ۱۰۳۱ق ← ۱۰۳۰ق (تنها درس ۳۱۹ صحیح درج شده است)

فیض کاشانی درس ۳۲۰: ۱۰۰۶ق ← ۱۰۹۱ق

فیاض لاهیجی درس ۳۸ و ۲۸۹: ۱۰۵۱ق ← ۱۰۷۲ق

علامه مجلسی: ۱۱۱۱ق ← ۱۱۱۰ق

وحید بهبانی: ۱۲۰۶ و ۱۲۰۵ق ← ۱۲۰۵ق

۱/۸. عدم آشنایی با اصطلاحات علوم اسلامی: مثلا درس ۱۷۶ کتاب البیع را کتاب السبع خوانده و درس ۴۳ گوید: رساله اجماع از رساله استصحاب در حالی که اجماع و استصحاب دو بحث جداگانه در اصول فقه اند. درس ۴۸ آورده: «از آغاز تا آخر کتاب المضارعه که در نسخه مزارعه نوشته شده است». که از قضا همین «مزارعه» صحیح است.

## ۲. مرور صفحه به صفحه فهرست

ص ۷ ش ۱ سطر ۱۲ و ۱۳: هفت غلط در نقل یک آیه که می شد با مراجعه به قرآن به صورت صحیح درج شود.

ص ۱۴ سطر ۶: لوجه ← لوجه

ص ۲۸ ش ۳۶۸ مختصر النافع سطر ۱۸: آغاز مقدمه ← این آغاز مربوط به النقایة مختصر

الوقایة در فقه اهل سنت است و ربطی به المختصر النافع ندارد!

ص ۳۲ سطر ۱۱: اقل الخلیفة ← اقل الخلیفة

ص ۳۳ ش ۳۷۳: موضوع: کلام ← عرفان نظری

ص ۳۳ سطر ۱۱: وانشرنا علینا ← وانشر علینا

ص ۳۴ سطر ۱۰: الفقیر الی الله ← الفقیر الی الله

ص ۳۵ ش ۳۷۵ من لا یحضره الفقیه، موضوع: ۱. اصول فقه شیعه ۲. احادیث شیعه ←

از کتب اربعه حدیثی شیعه است

- ص ۳۵ سطر ۶: سند ← مسند
- ص ۳۵ سطر ۷: اسانید رواه ← مشيخه
- ص ۳۶ ش ۳۷۶: من جامع الشواهد،؟ ← احتمالاً شرح شواهد مطول؟
- ص ۳۶ ش ۳۷۷: جنة الوافية و الجنة الباقية (=مصباح الكفعمي) ← الجنة الواقية...  
(=مختصر مصباح الكفعمي).
- ص ۳۷ سطر ۳: الامان الوافية ← الامان الواقية
- ص ۳۸ سطر ۱۰: اعتبار ← اعتبر
- ص ۳۸ ش ۳۷۸/۲: حاشيه خفرى بر تجريد الكلام، خفرى قرن ۱۰ق ← حاشيه شرح  
التجريد الجديد، خفرى (۹۵۷ق)
- ص ۳۸ سطر آخر: فياض (۱۰۵۱ق) ← فياض (۱۰۷۲ق)
- ص ۴۰ سطر ۲۲: النبيين ← النبيين
- ص ۴۱ ش ۳۸۱: شهيد ثانى (۹۶۶ق) ← شهيد ثانى (۹۶۵ق)
- ص ۴۲ سطر ۵: فصل پنج الصلوة ← اين سطر زايد است
- ص ۴۳ سطر ۳: رساله اجماع از رساله استصحاب!!
- ص ۴۳ ش ۳۸۱/۴: از ملا احمد نراقى ← از وحيد بهبهانى
- ص ۴۳ سطر ۱۴ و ۱۵: القومين ← القولين
- ص ۴۳ سطر ۱۵: فاذكرت ← ماذكرت
- ص ۴۴ سطر ۱۲: كان عندى عترة سنين!
- ص ۴۵ سطر ۱۰: منطوبه من ← منطوية على حسن
- ص ۴۶ ش ۳۸۴: جامع الصغير ← الجامع الصغير
- ص ۴۷ ش ۳۸۵: وحيد بهبهانى (۱۲۰۶ق) ← (۱۲۰۵ق)
- ص ۴۸ سطر ۸: المضارعه ← المزارعه
- ص ۴۹ سطر ۸: و؟ لوالده ← ولوالديه
- ص ۴۹ شماره ۳۸۸: شرح الاعراب عن قواعد الاعراب، مجهول المؤلف. در نام كتاب نيز  
ترديد داريم.
- ص ۵۱ سطر ۲: النسخة المباركة مفردة ← النسخة المباركة مقروءة
- ص ۵۱ سطر ۳: مولاه العين ← مولاه الغنى





- ص ۵۱ سطر ۴: آخر ما ← آخرها  
ص ۵۱ سطر ۵: عشرين ← عشر من  
ص ۵۱ سطر ۷: صفحه شمار: بدون صفحه شمار ← بدیهی است که نسخه خطی  
صفحه شمار ندارد و فهرست نگار باید زحمت برگ شماری را بکشد.  
ص ۵۱ سطر آخر: این کتاب شامل کتب ← این نسخه شامل رساله های ...  
ص ۵۳ سطر ۶: علی الفه ← علی ما ألفه  
ص ۵۳ ش ۴ / ۳۹۰: العوامل المائة، مجهول المؤلف ← نک: ظاهریه، نحو ۳۶۷  
ص ۵۵ ش ۳۹۲: محتملاً از یوسف بن محمد ← محتملاً از یوسف بن عثمان بن محمد  
ص ۵۵ سطر آخر: تاریخ کاتب ۷۳۴ ق ← شنبه ۴ ربیع الاول ۷۳۴  
ص ۵۶ ش ۱ / ۳۹۳: المدارک الاحکام ← مدارک الأحکام  
ص ۵۶ سطر ۱۶: المشکور ← المشکور  
ص ۵۶ ش ۲ / ۳۹۳: رسالة في علم الرجال ← لب اللباب، نک: التراث العربی ۱۰ / ۴۳۲  
ص ۵۷ سطر ۲: الاستعمال ← الاستعمال  
ص ۵۹ سطر ۱۲: تذکره الفقهاء ← تذکره الفقهاء  
ص ۶۰ سطر ۶: براءة استصحاب ← براءة، استصحاب  
ص ۶۰ سطر ۹: فن جملة الاوله ← من جملة الأدلة  
ص ۶۰ سطر ۱۱: العموم ← العموم  
ص ۶۲ ش ۴۰۰: تحقیق الحکام ← تحقیق الأحکام  
ص ۶۵ ش ۱ / ۴۰۳: از محمد بن حسن حسینی خلخالی ← میر حسین خلخالی نک:  
الذریعه ۶ / ۱۲۵ و كشف الظنون ۲ / ۱۱۴۴  
ص ۶۵ سطر ۱۶: الی المنهج ← للمنهج  
ص ۶۶ ش ۳ / ۴۰۳: شرح آداب البحث، مجهول المؤلف ← حاشیه شرح الشیروانی علی  
آداب البحث للسمرقندی، از: یحیی بن احمد کاشانی، نک: التراث العربی ۴ / ۳۰۴  
ص ۶۶ سطر ۱۷: المنته ← المنته  
ص ۶۸ ش ۴۰۵: المنهاج المحدثین ← منهاج المحدثین  
ص ۶۸ سطر ۹۱: روایت ← روایت  
ص ۶۹ سطر ۱۴: القوجیه ← التوجیه

- ص ۷۰ ش ۴۰۷: المغنی اللیب ← مغنی اللیب
- ص ۷۱ ش ۴۰۷: المختصر الوقایه الروایه ← مختصر وقایه الروایه
- ص ۷۲ سطر ۶: میتة ← میتة
- ص ۷۲ ش ۴۰۹: شرح العقاید النسفیة، از باخرزی ← درص ۱۶۶ همین فهرست به شماره ۴۵۸ با عنوان «حاشیه حاشیه خیالی بر شرح العقاید النسفیة» معرفی شده است.
- ص ۷۳ ش ۴۱۰/۱: خطیره القدس ← حظیره القدس
- ص ۷۴ سطر ۱: وفی ← ولی
- ص ۷۷ ش ۴۱۰/۹: رساله ای در اخلاق، از؛ ← احتمالاً اربعون سورة من التورات
- ص ۷۷ ش ۴۱۰/۱۰: رساله ای در مسالک حق والرشاد ← صراط النجاة فی طریق السلوک الی ملک الملوک = الاعتقادات، نک: الدرعیه ۳۸/۱۵ والتراث العربی ۱۵۸/۲
- ص ۷۸ سطر ۴: واضح ← اوضح
- ص ۷۸ سطر ۵: المشتاق ← المفتاق
- ص ۷۸ ش ۴۱۱: الأنوار الاعمال والابرار ← الأنوار لعمل الابرار
- ص ۸۰ ش ۴۱۲/۱: موضوع: کلام ← موضوع: فلسفه
- ص ۸۰ ش ۴۱۲/۲: رساله مبحث الدلاله، مجهول المؤلف ← الدلالات اللفظیة، از شمس الدین محمد حنفی تبریزی، نک: التراث العربی ۴۴۹/۵
- ص ۸۰ ش ۴۱۲/۳: رساله التصور لانقبض له ← التصور لانقبض له
- ص ۸۴ سطر ۱۰: لا یرصک لقادر ← لا یربیک تعاوض
- ص ۸۴ ش ۴۱۲/۱۱: رساله نشر اللالی، از: علی بن ابی طالب ← نشر اللالی، از امین الاسلام طبرسی شامل کلمات قصار امام علی علیه السلام.
- ص ۸۴ سطر ۱۷: علی؟ الله وجهه ← علی کرم الله وجهه
- ص ۸۵ ش ۴۱۲/۱۴: رسالة المفردة فی المنطق ← در فهرست مجلس ج ۲۳/۲ ص ۵۴۸ به عنوان «حاشیه فی تحقیق النقبض» معرفی شده است.
- ص ۸۶ سطر ۴: لا یغیض له ← لا نقیض له
- ص ۸۶ سطر ۵: البعیض ← النقبض
- ص ۸۸ سطر ۱۷: لبحث ربه ← یبحث فیہ



- ص ۸۹ ش ۴۱۲/۲۵: باب ایساغوچی از منطق ← در فهرست مجلس ج ۲/۲۳ ص ۵۴۸  
به عنوان «حاشیه بر بحث تمام مشترک» معرفی شده است.
- ص ۹۱ سطر ۱: الاوی؟ ← الاولی
- ص ۹۵ ش ۴۱۲/۳۹: تهذیب الکلام فی التحریر المنطق و الکلام، از:؟ ← تهذیب المنطق،  
از: سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی، نک: التراث العربی ۵۶۱/۳
- ص ۹۵ سطر ۲۱ و ۲۲: برای فرزندش حبیب الله تحریر کرده ← برای فرزندش سمی  
حبیب الله (که می شود: محمد)
- ص ۹۶ ش ۴۱۲/۴۰: رساله ای در حقایق اشیاء، از:؟ ← عقائد النسفی = عمدة العقائد =  
بداية العقول، از: ابی حفص عمر بن محمد بن احمد نسفی (۵۳۷ ق)، نک: التراث العربی  
۴۴۷/۲ و كشف الظنون ۱۱۶۸/۲.
- ص ۹۸ سطر ۱۲: من بدایه الاخرامن ← لا من بدایة الآخر لامن
- ص ۹۸ ش ۴۱۴: تجنیس الفتاوی، از محمود بن محمد بن یوسف سمرقندی ← تجنیس  
الملتقط از: محمود بن حسین بن احمد اسروشنی (زنده در ۶۰۳ ق) در الفهرس الشامل للتراث  
العربی الاسلامی المخطوط، الفقه و اصوله، ج ۲ ص ۲۹۴ معرفی شده است. ملاحظه شود.
- ص ۹۹ ش ۴۱۵: الانوار التنزیل و الاسرار التأویل ← انوار التنزیل و اسرار التأویل
- ص ۱۰۱ ش ۴۱۷: النقایة ← النقایة
- ص ۱۰۱ سطر ۱۹: نافعی ← منافعی
- ص ۱۰۲ ش ۴۱۹/۱: شرح التهذیب الکلام ← شرح تهذیب الکلام
- ص ۱۰۴ ش ۴۲۰: الصحاح اللغة ← صحاح اللغة
- ص ۱۰۴ سطر ۱۵: انجم ← یک بیت شعراست که به صورت نثر تایپ شده است.
- ص ۱۰۴ سطر ۱۵: بجرعائک ← بجرعائک
- ص ۱۰۵ ش ۴۲۱: کتاب الفقه، از:؟ ← در این نسخه مجهول العنوان و المؤلف لازم بود  
مشخص شود فقه شیعی است یا سنی؟ متن است یا به صورت شرح و حاشیه؟ استدلالی  
است یا فتوایی؟ از چه منابعی نقل می کند و از کدام فقها نام می برد.
- ص ۱۰۹ سطر ۱۵ و ۱۶: ذوی القرنین ← ذی القرنین
- ص ۱۱۰ سطر ۱۶: لاید ← لاید
- ص ۱۱۲ سطر ۱۴: وله دره ← ولله دره



ص ۱۱۳ ش ۴۲۵: حاشیہ کشف، از:؟ ← حاشیہ انوار التنزیل، از: شیخ بہایی (۱۰۳۰ ق)  
 نک: کتاب شناسی شیخ بہایی ص ۲۳۸.  
 ص ۱۱۴ سطر ۲۱: تصحیح ← الصحیح  
 ص ۱۱۴ سطر ۲۲: بلغ... ← در این سطر چندین غلط وجود دارد کہ بہ کلی جملہ بی  
 معنی شدہ است.

ص ۱۱۵ سطر ۲: فی الاحکام ← فی احکام  
 ص ۱۱۶ ش ۴۲۷: موضوع: کلام ← موضوع: فلسفہ  
 ص ۱۱۶ سطر ۸: الہی وضعی ← الہی و طبیعی  
 ص ۱۱۶ سطر ۱۶: سکرأ ← سکرأ  
 ص ۱۱۷ سطر ۸: التنزیل الافکار ← تنزیل الافکار  
 ص ۱۱۷ ش ۴۲۸: شرح الوقایہ الروایہ ← شرح وقایہ الروایہ  
 ص ۱۱۸ سطر ۳ بہ بعد: چند غلط در یک پاراگراف  
 ص ۱۱۸ ش ۴۲۹: مختصر الوقایہ الروایہ ← مختصر وقایہ الروایہ  
 ص ۱۱۹ سطر ۴: ذنوبہا ← ذنوبہما  
 ص ۱۱۹ ش ۴۳۰: منیۃ اللیب فی شرح التہذیب الاصول ← منیۃ اللیب فی شرح التہذیب  
 ص ۱۱۹ یک سطر بہ آخر: کلام المض ← کلام المص (یعنی مصنف)  
 ص ۱۱۹ یک سطر بہ آخر: سیدہ المرسلین ← سید المرسلین. و چند خطای املائی دیگر در  
 این سطر و سطر بعد وجود دارد.

ص ۱۲۱ ش ۴۳۲: حدائق الناضرة فی الاحکام العترة الطاهرة ← الحدائق الناضرة فی  
 احکام العترة الطاهرة.

ص ۱۲۲ سطر ۱: یقوتودتزه ← مغلوٹ و نامفہوم است  
 ص ۱۲۳ سطر ۹: فدوہ ← قدوہ  
 ص ۱۲۳ سطر ۹: اسکنہ للمہ؟ الفرادی؟ ← اسکنہ اللہ الفرادیس  
 ص ۱۲۳ سطر ۱۲ و ۱۳: کم کتابا کتبه بنیان و الخط باقی و الاناسل فانی ← یک بیت شعراست:  
 کم کتاباً کتبه بنیان  
 و الخط باقی و الأنامل فانی  
 ص ۱۲۳ ش ۴۳۳/۲: حاشیة المقدمة ← حاشیة دیباجة



- ص ۱۲۶ ش ۴۳۴/۶: رساله در تصریف افعال ← در صفحه ۲۵۵ همین فهرست نسخه دیگری از آن با عنوان رساله در صرف افعال همراه با توضیحات کتاب شناسی معرفی شده است
- ص ۱۳۲ سطر ۹: دو قرآن ← دو قرآن
- ص ۱۳۳ سطر ۱۶: مانیور ← مانیور
- ص ۱۳۳ سطر ۱۹: الغنی ← الغنی
- ص ۱۳۳ سطر ۲۰: جامه الله مع ← حامد الله تعالی
- ص ۱۳۳ سطر ۲۰: ئیه ← نیبه
- ص ۱۳۵ سطر ۱۲: والاعدوان ← ولا عدوان
- ص ۱۳۵ سطر ۱۳: الاخبار ← الأخبار
- ص ۱۳۸ ش ۴۴۵/۵: خطیره ← حظیره
- ص ۱۳۸ ش ۴۴۵/۵: صیغ العقد النکاح ← صیغ عقد النکاح
- ص ۱۴۲ سطر ۱۰: عل ← علی
- ص ۱۴۳ ش ۴۴۵/۱۷: حجة الظن ← حجة الظن
- ص ۱۴۳ ش ۴۴۵/۱۸: رساله در اصول البراءه ← اصالة البراءه
- ص ۱۴۴ سطر ۳: الامر الفرج ← امر الفرج
- ص ۱۴۴ ش ۴۴۵/۲۰: الجمع بين اخبار ← الجمع بين الأخبار
- ص ۱۴۵ ش ۴۴۵/۲۲: رساله ای در ايجاب شیئی، از:؟ ← مقدمة الواجب
- ص ۱۴۵ ش ۴۴۵/۲۳: در تقلید به میت، از:؟ ← تقلید المیت
- ص ۱۴۵ سطر ۸: اصولین ← اصولیین
- ص ۱۴۵ ش ۴۴۵/۲۵: اشعار مطول ← شرح شواهد مطول
- ص ۱۴۷ ش ۴۴۶: شرح الالفیة، از ابن مالک ← از ابن ناظم
- ص ۱۴۹ سطر ۴: ان محمد ← ان یحمد
- ص ۱۵۰ ش ۴۴۸/۲: در مقاتل، مجهول العنوان والمؤلف ← اللهوف علی قتلی الطفوف، از: علی بن موسی بن طاوس (۶۶۴ ق)، نک: التراث العربی ۱۰/۴۹۲.
- ص ۱۵۱ سطر ۱۴: الاثمه ← آلائه
- ص ۱۵۱ سطر ۱۴: جمیع ← جمیل
- ص ۱۵۱ ش ۴۴۹/۲: مبادئ الاصول الی علم الاصول ← مبادئ الوصول الی علم الاصول

- ص ۱۵۲ سطر ۲۱: المتاولون ← المتاولون
- ص ۱۵۳ ش ۴۵۰: شواهد الربويه ← الشواهد الربويه فى المناهج السلوكية
- ص ۱۵۴ سطر ۱: ملك الاجاز ← تلك الاجاز
- ص ۱۵۶ ش ۴۵۲/۱: حاشيه التهذيب المنطق ← حاشية تهذيب المنطق
- ص ۱۵۷ سطر ۱۹: عن جلاله ← عز جلاله
- ص ۱۶۱ ش ۴۵۶/۳: حجيه الظن ← توضيحات كتاب شناسى و آغاز و انجام نقل شده با عنوان رساله سازگار نيست.
- ص ۱۶۲ ش ۴۵۶/۵: وقوع تحريف در قرآن ← يكى از مباحث اين رساله اصولى در تحريف قرآن است و نه همه آن.
- ص ۱۶۳ سطر ۹: حديث «كل شئى حلال و حرام»!!
- ص ۱۶۸ ش ۴۶۰: جنه الوافيه... = مصباح الكفعمى ← اللجنة الواقية... مختصر مصباح الكفعمى
- ص ۱۷۰ سطر ۱۵: الانسان بنا الله ← الناس بتأهه
- ص ۱۷۱ ش ۴۶۳: حاشيه شرح المطالع الانوار ← حاشيه لوامع الأسرار فى شرح مطالع الأنوار، نك: التراث العربى ۳۶۳/۴ و همين فهرست ص ۳۵۵
- ص ۱۷۱ سطر ۱۲: تسع ← تع = تعالى
- ص ۱۷۱ سطر ۱۲: حض بالذکر ← خص بالذکر
- ص ۱۷۲ سطر ۱۳: الفرض ← العرضى
- ص ۱۷۱ سطر ۱۳: افراد ← افراده
- ص ۱۷۱ سطر ۱۸: عطق تيماج ← عطف تيماج
- ص ۱۷۲ سطر ۶: ابوحفص ← ابوحفص
- ص ۱۷۲ سطر ۱۰: افضله ← افضلية
- ص ۱۷۲ سطر ۱۱: الضعيف ← اضعف
- ص ۱۷۲ سطر ۱۲: اجوجهم ← أحوجهم
- ص ۱۷۲ سطر ۱۹: المستأهله ← لمستأهله
- ص ۱۷۲ سطر ۲۰: بظن ← يظهر
- ص ۱۷۲ سطر ۲۰: امضا بعيد؟ ← أيضاً يفيد



ص ۱۷۳ سطر ۸: اطيعوا الله ← اطيعوا الله  
ص ۱۷۳ سطر ۲۰: الذين الاسلام ← لدين الاسلام  
ص ۱۷۳ سطر ۲۱: الجز المشهور ← الخبر المشهور  
ص ۱۷۴ ش ۴۶۶: مختصر الوقايه الروايه ← مختصر وقاية الرواية  
ص ۱۷۶ سطر ۵: كتاب سبع ← كتاب بيع  
ص ۱۷۶ سطر ۶: كتاب فعل غاصب؟! و چند غلط ديگر در يك پاراگراف  
ص ۱۷۸ ش ۴۷۰/۲: ارجوزه در ثاى متبى، از ابن حجه هموى ← البديعية (در مدح  
پيامبر اکرم ﷺ)

ص ۱۷۸ سطر ۷: در حکم با عرب ← مدحکم يا عرب  
ص ۱۷۸ سطر ۹: الارب ← الارب  
ص ۱۷۸ سطر: المفتخ ← المفتخ  
ص ۱۷۹ سطر ۸: غفور به ← غفور به  
ص ۱۷۹ ش ۴۷۱/۲: عقود الجمان = مفتاح التخليص ← ارجوزه ای است در نظم  
(«تلخيص المفتاح» در هزار بيت. نک: التراث العربى ۹/۹۳).

ص ۱۷۹ سطر ۲۱: البدن ← البدن  
ص ۱۸۱ ش ۴۷۲/۲: وچيزه ← وچيزه  
ص ۱۸۱ سطر ۱۱: وچيزه ← وچيزه  
ص ۱۸۱ سطر ۱۳: الجبازه ← الجبازه  
ص ۱۸۱ ش ۴۷۲/۳: شرح الالفیه = حاشیه الالفیه، از محقق کرکی ← در التراث العربى  
۲۱۳/۴ و ۲۱۴ دو حاشیه بر الفیه شهيد از محقق کرکی معرفى شده که آغاز نقل شده در اين جا  
با حاشیه دوم و انجام نقل شده با حاشیه يکم مطابقت دارد. بنا بر اين ممکن است هر دو حاشیه  
در اين نسخه آمده باشد که بايد جداگانه معرفى مى شدند!

ص ۱۸۱ سطر ۱۸: الا ← اولاً  
ص ۱۸۱ سطر ۱۸: يتمنانها ← تيمناً بها  
ص ۱۸۱ سطر ۱۹: عزها ← غيرها  
ص ۱۸۲ ش ۴۷۲/۴: شرح بر رساله صلاتيه، از صالح بن جابر ← ظاهراً اين شخص  
کاتب نسخه است و نه مؤلف کتاب؟

- ص ۱۸۲ سطر ۷: آغاز ← آغاز افتاده  
ص ۱۸۲ سطر ۹: اتفق ← اتفق  
ص ۱۸۲ سطر ۹: زبده ← زبره  
ص ۱۸۲ سطر ۱۷: قول مامتن ← قول ماتن  
ص ۱۸۳ سطر ۲۱: بجلی ← تجلی  
ص ۱۸۳ سطر ۲۱: سجلی ← تجلی  
ص ۱۸۳ سطر ۲۳: شاکر الله ← شاکراً لله  
ص ۱۸۴ ش ۱/۴۷۴: شرح تفتازانی بر العقاید النسفی ← شرح العقاید النسفية  
ص ۱۸۵ ش ۴۷۵: شرح حکمة العين، موضوع: کلام ← موضوع: فلسفه  
ص ۱۸۶ سطر ۱: دقت ← وقت  
ص ۱۸۶ سطر ۳: اجوج ← احوج  
ص ۱۸۶ ش ۴۷۶: شرح الوقایه الروایه ← شرح وقایه الروایه  
ص ۱۸۷ سطر ۲۱ و ۲۳: آیه «و الفتح» ← مشخص نشده آیه و الفتح کدام آیه و در کدام  
سوره است؟  
ص ۱۸۷ سطر ۲۴: می آورید ← می آورد  
ص ۱۸۸ ش ۴۷۷: شرح مجمع البحرين ← شرح مجمع البحرين و ملتقى النهرین  
ص ۱۸۸ سطر ۷ و ۸: مسائل وصیت و ایضاً؟!  
ص ۱۸۸ سطر ۱۴: لا یحیط کماله ← لا یحیط بکمال  
ص ۱۸۸ سطر ۱۴: باد رک ← باد راک  
ص ۱۸۹ سطر ۱۵: حد الجیر؟!  
ص ۱۸۹ سطر ۱۹: نظریه ← نظریه  
ص ۱۹۰ سطر ۱۶: ماورده ایراده؟!  
ص ۱۹۱ سطر ۲۰: اقل الخلیفه بلا لاشی ← اقل الخلیقة بل لاشیء  
ص ۱۹۲ سطر ۱۴: نستغره ← نستغفره  
ص ۱۹۲ سطر ۱۶ و ۱۷: مغلو ط و نامفهوم است  
ص ۱۹۳ سطر ۱۶: شرح الوقایه الروایه ← شرح وقایه الروایه  
ص ۱۹۶ ش ۴۸۵: حاشیه التهذیب المنطق ← حاشیه تهذیب المنطق





- ص ۱۹۶ ش ۴۸۶/۱: کتابی در رؤیت، از؟، موضوع: دین اسلام ← کتابی در رؤیا،  
موضوع: خواب‌گزاری
- ص ۱۸۹ سطر ۲: لأقدام
- ص ۱۸۹ سطر ۱۶: ترک ← ترکة
- ص ۲۰۰ ش ۴۸۸: المخلص ← المخلص
- ص ۲۰۰ ش ۴۸۸: المخلص فی الهیئة، از: چغمینی ← آغاز و انجام نقل شده با المخلص  
چغمینی مطابقت ندارد و باید شرحی بر یک متن باشد؟ نک: التراث العربی ۱۲/۲۴۵.
- ص ۲۰۳ ش ۴۱۹: حاشیه شرح التهذیب المنطق ← حاشیه شرح تهذیب المنطق  
ص ۲۰۳ سطر ۱۳: انجام ← مغلوپ و نامفهوم است
- ص ۲۰۵ ش ۴۹۳/۱: مشروعات و غیر مشروعات، مجهول العنوان و مجهول المؤلف ←  
الکیدانیة فی الفقه = خلاصه کیدانی، از: لطف الله نسفی حنفی کیدانی (زنده در ۹۰۰ ق)،  
نک: ظاهریه، فقه ص ۱۲۷.
- جالب اینکه نسخه دیگری از این کتاب در فهرست حاضر ص ۳۰۶ با عنوان «احکام  
الثمانیه فی الصلاة» و با موضوع فقه جعفری معرفی شده است!
- ص ۲۰۸ سطر ۱۱: لاحسانی ← الاحسابی
- ص ۲۰۸ سطر ۲۳ به بعد: انجامه ← انجامه کاتب نیست بلکه انجام کتاب از مؤلف است.
- ص ۲۰۹ ش ۴۹۷: شرح علی العقائد النسفیة ← شرح العقائد النسفیة
- ص ۲۱۲ ش ۴۹۹/۱: شرح عقاید العضدیة ← شرح العقائد العضدیة
- ص ۲۱۴ سطر ۳: شانه ← شاء
- ص ۲۱۶ سطر ۱۷: ریافی ← ریاض
- ص ۲۱۶ سطر ۱۹: انطلاقه ← انطلاقه
- ص ۲۱۷ ش ۵۰۱/۲: حاشیه علی التهذیب المنطق و الکلام ← حاشیه تهذیب المنطق
- ص ۲۱۸ سطر ۱۹: حکایت ← و کاتب
- ص ۲۲۲ سطر ۳: بیضادی ← بیضاوی
- ص ۲۲۲ سطر ۱۰: لادنب ← لاذنب
- ص ۲۲۳ سطر ۷: مقدسه ← مقدمة
- ص ۲۲۳ ش ۵۰۶/۲: حاشیه شرح شمسیه ← حاشیه تحریر القواعد المنطقية فی شرح الشمسیة

- ص ٢٢٣ سطر ٢٠: مندرجاتي ← مندرجآفي  
ص ٢٢٣ سطر ٢٠: التصديقه ← التصديقية  
ص ٢٢٤ سطر ١٩ و ٢٠: مغلوٲ و نامفهوم  
ص ٢٢٧ ش ٤/٥٠٨: آغاز و انجام رساله مجهول المؤلف ذكر نشده است!  
ص ٢٢٧ سطر ٩: حايه ← حاشيه  
ص ٢٢٧ سطر ١٩: للعالمخ؟!  
ص ٢٢٧ سطر آخر: الطسعى?!  
ص ٢٢٨ سطر ١٥: وأستر ← واستر  
ص ٢٢٩ سطر ١٠: صدره ← صدر  
ص ٢٢٩ سطر ١٧: بذخبره ← بذخيرة  
ص ٢٩٩ سطر ١٨: الشارمه?!  
ص ٢٣٠ سطر ١٥: مرتضى ← شريف مرتضى  
ص ٢٣١ سطر ١: متعده ← مبعدة  
ص ٢٣١ سطر ٢: قريب ← قريب  
ص ٢٣٢ سطر ٢٠: المنعدى ← المتعدى  
ص ٢٣٣ سطر ١٥: خبائز ← جنائز  
ص ٢٣٣ سطر ١٩: اوضع ← اوضح  
ص ٢٣٥ ش ٥١٥: شرح الشواهد البهجة المرضيه، از:؟ ← شرح شواهد البهجة المرضية، از:  
سلطان محمود بن غلام على طبسى مشهدى (قرن ١١ ق)، نك: التراث العربى ٧/٣١٩  
ص ٢٣٥ سطر ٩: اماودا ← املوداً  
ص ٢٣٥ سطر ١٠: وارده ← واراد  
ص ٢٣٥ سطر ١١: توح؟ ← شرح  
ص ٢٣٧ ش ٢/٥١٧: اعتراضات نحويه و مقالات لفظيه و معنويه ← المغالطات، نك:  
التراث العربى ١٢/٨٤.  
ص ٢٣٨ سطر ٥: اوردنا ← اردنا  
ص ٢٣٩ سطر ٣: لسالك ← لسالك  
ص ٢٣٩ ش ١/٥١٩: رساله بالتجويد ← رسالة فى التجويد

ص ۲۴۰ ش ۵۱۹/۲: از: عبدالرؤوف ← در انجام گوید: بهر عبدالرؤوف کردم نظم، بنابراین ناظم آن عبدالرؤوف نخواهد بود.

ص ۲۴۱ سطر ۱۴: المتوجته الكلته ← الموجبة الكلية

ص ۲۴۴ ش ۵۲۲: المختصر الوقایه الروایه ← مختصر وقایه الروایه

ص ۲۴۴ سطر ۱۰: الشریفه ← الشریعه

ص ۲۴۶ سطر ۱۴: الذی المن ← لذی المن

ص ۲۴۸ سطر ۲: لم یجمه ← لم یجمعه

ص ۲۴۸ سطر ۵: الخلیفه ← الخلیقة و چند غلط دیگر در یک پاراگراف

ص ۲۴۸ ش ۵۲۵/۲: فقه بانوان ← برای رساله عربی نام‌گذاری فارسی روان نیست

ص ۲۴۸ سطر ۱۱: مباحثی است اضافی! اضافی یعنی چه؟

ص ۲۴۸ سطر ۱۴: الصدق ← الصدوق

ص ۲۴۹ سطر ۲۳: مفاسیر؟!

ص ۲۵۱ سطر ۲۴: یدالله ← مدالله

ص ۲۵۱ سطر ۲۵: لبروته ← بعروته

ص ۲۵۳ ش ۵۳۰/۲: شرح قواعد الفقه حنفی، مجهول العنوان و مجهول المؤلف ← شرح

مقدمة الصلاة، از محمد قوهستانی، نک: كشف الظنون ۱۸۰۲/۲ و فهرست مرعشی

ش ۱۳۱۵۴/۱۴.

ص ۲۵۴ ش ۵۳۰/۵: قواعد البحث ← آداب البحث و المناظرة، نک: الدرر المعانی ۱۸۱/۱۷ و

مرعشی ش ۸۷۴۶.

ص ۲۵۵ سطر ۳: الا ← لا

ص ۲۵۵ سطر ۳: لضمامه ← لقضائه

ص ۲۵۵ سطر آخر: ذکر تا ← ذکرنا

ص ۲۵۹ ش ۵۳۳/۲: حاشیه کوچک ← این عنوان از کدام منبع نقل شده است؟

ص ۲۶۱ سطر ۲۴: جانی ← جانی

ص ۲۶۶ ش ۵۳۷: التلخیص المفتاح ← تلخیص المفتاح

ص ۲۶۷ سطر ۵: «کتابی است مشتمل بر مباحث اصول فقه که سرخسی آن را در فقه

حنفی» ← بالاخره کتاب فقهی است یا اصولی؟

- ص ۲۶۷ سطر ۱۱: لاماعیان؟!  
 ص ۲۶۷ سطر ۱۳: للامال ← للامام  
 ص ۲۶۷ سطر ۱۵: الاصم ← الاصم  
 ص ۲۶۷ سطر ۲۲: تاریخ کتابت: ۶۶۳ق ← تاریخ کتابت نسخه ۶۵۳ق و تاریخ مقابله آن ۶۶۳ق است نک: همین فهرست ص ۴۷۳.  
 ص ۲۶۸ ش ۵۳۹: بهجه المرضیه ← البهجة المرضية  
 ص ۲۶۸ سطر ۱۰: اللاتک ← آلائک  
 ص ۲۷۰ ش ۵۴۱/۱: الالفیه ← مشخص نشده از صفحه چند تا صفحه چند، در مجموعه جای گرفته است.  
 ص ۲۷۰ ش ۵۴۱/۲: کتاب الجرومی، از الصهاجی ← الآجرومیة، از: صنهاجی (۷۲۳ق)، نک: التراث العربی ۲۱/۱.  
 ص ۲۷۰ سطر ۲۰: افسانه ← اقسامه  
 ص ۲۷۱ سطر ۲: ۴۲۶ صفحه ← الفیه و آجرومیة دور ساله کوتاه اند بقیه این مجموعه چیست؟  
 ص ۲۷۳ و ۲۷۴ ش ۵۴۴: الالفیه، کتاب در مستحبات نماز ← «الفیه» در واجبات نماز است و «نقلیه» در مستحبات آن. جالب اینکه در دو سطر بعد گوید: در این رساله هزار واجب از واجبات نماز...  
 ص ۲۷۵ سطر ۱۲: تعلیقات ← تعقیبات  
 ص ۲۷۸ سطر ۹: سعید شریف قمی (قرن ۱۲ق) ← قاضی سعید قمی (زنده در ۱۱۰۷ق)  
 ص ۲۷۸ سطر ۱۲: سال ۱۱۰۹ق ← در التراث العربی ۱۸۴/۷ سال ۱۰۹۹ق ذکر شده است.  
 ص ۲۷۸ سطر ۱۸: تستغفر ← نستغفر  
 ص ۲۸۰ س ۵۵۲: مخلص ← الملخص  
 ص ۲۸۶ ش ۵۵۴: حاشیه شرح التهذیب المنطق، از: میرابوالفتح سعیدی ← حاشیة حاشیة الدوانی علی تهذیب المنطق، در التراث العربی ۲۹۰/۴ انتساب کتاب به سعیدی رد شده و به میرابوالفتح بن مخدوم حسینی عربشاهی (حدود ۹۷۶ق) منسوب شده است.  
 ص ۲۸۷ سطر ۱۰: تسعمامه ← تسعمائة  
 ص ۲۸۸ سطر ۱۱: جزت ← اجزت  
 ص ۲۸۹ سطر ۹: لاهیجی (۱۰۵۱ق) ← فیاض لاهیجی (۱۰۷۲ق)



- ص ۲۹۰ سطر ۲: جدید واحد ← جدید واجد  
ص ۲۹۰ ش ۵۵۶/۳: تجرید العقاید ← تجرید الاعتقاد  
ص ۲۹۵ سطر ۵: بینی ← یبنتی  
ص ۲۹۵ سطر ۵: ین ← ینتهی  
ص ۲۹۹ ش ۵۶۰/۸: التهذیب المنطق ← تنذیب المنطق  
ص ۳۰۰ سطر ۶: ریاض المشائل ← ریاض المسائل  
ص ۳۰۳ ش ۵۶۷/۱: احکام الثمانیه فی الصلاه، مجهول المؤلف، موضوع: فقه جعفری ←  
الکیدانیه فی الفقه = خلاصه کیدانی، از: لطف الله نسفی حنفی کیدانی (زنده در ۹۰۰ق)،  
موضوع: فقه حنفی. این متن مشهور در فقه سنی درسه جای این فهرست (ص ۲۰۵ و ۳۰۶ و  
۳۴۳) به سه نحو مختلف و مغلوط معرفی شده است.  
ص ۳۰۹ ش ۵۷۰: شرح مختصر الوقایه، از:؟ ← جامع الرموز، از: شمس الدین محمد  
خراسانی قهستانی (حدود ۹۶۲ق)، شرح مزجی بر النقایه فی مختصر الوقایه صدر الشریعه  
ثانی است، نک: التراث العربی ۳۲/۴.  
ص ۳۱۴ سطر ۳: مانعم ← علی ما انعم؟  
ص ۳۱۴ سطر ۱۶: زوجاب ← زوجات  
ص ۳۱۳ ش ۵۷۴/۵: رساله در معنی تصور و تصدیق، از: قطب الحق ← التصور و  
التصدیق، از: قطب الدین محمد بومی رازی (۷۶۶ق)  
ص ۳۱۶ سطر ۱۲ و ۱۳: آغاز مغلوط است  
ص ۳۱۶ ش ۵۷۴/۸: شرح التهذیب المنطق و الکلام، مجهول المؤلف ← حاشیه تهذیب  
المنطق، از: جلال الدین محمد بن اسعد دوانی (۹۰۸ق)  
ص ۳۱۶ ش ۵۷۴/۹: حاشیه ای بر منطق، مجهول المؤلف ← حاشیه شرح تهذیب المنطق،  
از عنایه الله بخاری؟ نک: آغاز نامه ۴۹۵/۲  
ص ۳۱۹ یک سطر به آخر: وچیزه ← وچیزه  
ص ۳۱۹ سطر آخر: تغییرات ← تعبیرات  
ص ۳۲۰ سطر ۷: اصطف ← اصطفی  
ص ۳۲۰ سطر ۹: اعالتنا ← اعمالنا  
ص ۳۲۰ طر آخر: فیض کاشانی (۱۰۰۶ق) ← فیض کاشانی (۱۰۹۱ق)

- ص ۳۲۵ ش ۵۸۲: قوانین المحکمه ← القوانين المحکمة  
 ص ۳۲۵ سطر ۱۷: کتاب ← نسخه  
 ص ۳۲۵ سطر ۲۱: المرجوح رجح ← المرجوح رجح  
 ص ۳۲۶ ش ۵۸۳/۲: حاشیه شرح الشمسیه ← حاشیه تحریر القواعد المنطقية فی شرح الشمسیه  
 ص ۳۲۷ سطر ۱۶: فکلا ← فکلام  
 ص ۳۲۸ ش ۵۸۵: شرح الکافی، مجهول المؤلف ← الموشح فی شرح الکافی، از: شمس الدین محمد بن ابی بکر بن محمد خصیبی (۷۳۱ق)، نک: التراث العربی ۱۲/۴۸۵.  
 ص ۳۲۸ سطر ۵: واحده ← احمده  
 ص ۳۲۹ ش ۵۸۷: روضة البیة ← الروضة البیة  
 ص ۳۳۳ ش ۵۸۹: جامع الاخبار، از: محمد بن علی ابن بابویه ← این کتاب قطعاً از شیخ صدوق نیست به محمد شعیری سبزواری (قرن ۷ق) منسوب شده است  
 ص ۳۳۸ ش ۵۹۵: شرح الالفیه، از:؟، موضوع: اصول فقه شیعه ← کتابی در اصول فقه شیعه به نام الفیه نمی شناسیم. باید آغاز کتاب مفصل تر و بخشی از مقدمه نقل می شد تا وضعیت آن بیشتر مشخص شود.  
 ص ۳۳۹ یک سطر به آخر: بلغواحد ← بلغوا حدّ  
 ص ۳۴۱ ش ۵۹۸: الانوار التنزیل والاسرار التأویل ← انوار التنزیل و اسرار التأویل  
 ص ۳۴۳ ش ۶۰۱/۱: در انواع مشروعات و غیر مشروعات، مجهول المؤلف ← الکیدانیة = خلاصه کیدانی، از: لطف الله نسفی حنفی کیدانی (زنده در ۹۰۰ق)  
 ص ۳۵۳ ش ۶۱۰/۲: تجرید العقاید = تجرید الکلام ← تجرید الاعتقاد  
 ص ۳۵۵ سطر ۷: یغفرانه ← بغفرانه  
 ص ۳۵۶ سطر ۶: التنظيم ← التعظیم  
 ص ۳۵۶ سطر ۶: نعلق ← تعلق  
 ص ۳۵۶ سطر ۹: الفقهار ← القهار  
 ص ۳۵۸ ش ۶۱۶/۱: باب الحادی عشر ← الباب الحادی عشر  
 ص ۳۶۰ ش ۶۱۷: شرح المخلص ← شرح المخلص  
 ص ۳۶۱ سطر ۳: یا کبیکج ← یا کبیکج (به اصطلاحات نسخه شناسی مراجعه شود)



- ص ۳۶۱ ش ۶۱۸: کتاب الاحکام، از: بندار دامغانی ← احکام تحویل سنی الموالید، از: بندار دامغانی (قرن ۶ ق) نک: التراث العربی ۱/۳۴۴.
- ص ۳۶۱ سطر ۱۵: کوشیا ← کوشیار
- ص ۳۶۱ سطر ۱۶: جبلی ← جیلی
- ص ۳۶۱ سطر ۲۱: السعور بدل ← السعور يدل
- ص ۳۶۲ ش ۶۱۹: شرح النقایه، مجهول المؤلف ← شرح النقایه فی مختصر الوقایه، از: محمود بن الیاس رومی، نک: کشف الظنون ۲/۱۹۷۱.
- ص ۳۶۸ ش ۶۲۶: شرح النقایه، مجهول المؤلف ← شرح النقایه فی مختصر الوقایه، از: محمود بن الیاس رومی.
- ص ۳۶۸ سطر ۶۲۷: حاشیه رساله اثبات الواجب الوجود ← حاشیه اثبات الواجب، نک: التراث العربی ۴/۲۰۰.
- ص ۳۶۹ سطر ۱: یقدس حنانه ← تقدس جنابه
- ص ۳۶۹ سطر ۱: وارده ← وارد و
- ص ۳۶۹ سطر ۴ تا ۷: انجم ← این انجم مربوط به رساله حنفی نیست چون رساله وی در ۹۲۶ ق تألیف شده است.
- ص ۳۶۹ سطر ۶: تسماه ← تسعمائة
- ص ۳۷۱ ش ۳/۶۳۰: حاشیه حاج علیرضا، از میرزا علیرضا ← حاشیه تهذیب المنطق، از: میرزا علیرضا تجلی شیرازی
- ص ۳۷۱ یک سطر به آخر: التهذیب المنطق ← تهذیب المنطق
- ص ۳۷۲ سطر ۱۵: دراکه ← دراکه
- ص ۳۷۲ سطر ۱۶: لاجر ← لاجر
- ص ۳۷۶ سطر ۲: مکاسب شیخ عبد الله انصاری ← مکاسب از شیخ مرتضی انصاری است
- ص ۳۷۸ سطر ۱۷: آغاز ← مغلوط و نامفهوم است
- ص ۳۷۹ ش ۳/۶۳۸: تعلم و المتعلم، مجهول المؤلف ← تعليم المتعلم، از: برهان الدین عثمان بن عمرزنوجی (قرن ۶ ق) که در منابع شیعی با عنوان «آداب المتعلمین» به خواجه نصیر طوسی (۶۷۲ ق) منسوب شده است. نک: التراث العربی ۳/۳۰۷.

ص ۳۷۹ یک سطر به آخر: المستغفر... ← المستغفری  
ص ۳۸۰ ش ۴/۶۳۸: قصیده المسمی بالربوبیه ← ترجمه قصیده زبوریه  
منسوب به ابن عباس  
ص ۳۸۰ سطر ۴: فطلبتی ← فطلبتی  
ص ۳۸۰ سطر ۱۹: تمت ← تتمه  
ص ۳۸۰ سطر ۱۱: شاطبی ← شاطبی  
ص ۳۸۰ سطر ۱۴: بتدی ← تبدی  
ص ۳۸۰ سطر ۱۴: نفی لها ← نفحاتها  
ص ۳۸۰ سطر ۱۴: بغیر... زرینا ← تتاه زرنیاً  
ص ۳۸۰ سطر ۱۳: آغاز ← آغاز نقل شده مربوط به «حرز الامانی ووجه التهنانی» قاسم  
بن فیره شاطبی (۵۹۰ق) است.  
ص ۳۸۱ ش ۶۳۹: کتاب الفقه، مجهول المؤلف ← در این گونه موارد باید مشخص شود  
فقه شیعی است یا سنی؟ شرح و حاشیه است یا متن؟ از چه کسانی و چه منابعی نقل می‌کند  
تا محدوده زمانی تألیف مشخص شود.  
نمایه‌های آخر فهرست نیز بی‌اشکال نیست از جمله این که نمایه محل کتابت کامل نیست و  
نام چند مدرسه در آن نیامده است.  
این بود یک مرور سریع و اجمالی بر فهرست مذکور. در خاتمه لازم به یادآوری است،  
این گونه فهرست‌ها حتماً باید پیش از چاپ توسط افراد کاردان مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد  
تا ایرادات و اشکالات آن برطرف گردد. والسلام.





## عالمان عاملی و نقش آن‌ها در مجادلات سیاسی-مذهبی صفویه با عثمانی \*

دون استوارت ترجمه محمد کاظم رحمتی

### مقدمه

عالمان عاملی و نقش آن‌ها در تحولات دینی عصر صفویه، از مسائل مورد مناقشه و منازعه در مطالعات دینی عصر صفویه در دو دهه اخیر بوده است. به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات جامع در خصوص نقش آن‌ها، در عین پذیرش نقش داشتن آن‌ها در تحولات دینی عصر صفویه به نحو عام به عنوان مثال: نقش آن‌ها در تربیت نسلی از فقیهان ایرانی، تألیف متون دینی- در خصوص میزان و اهمیت آن‌ها در میان محققان اختلاف نظرهایی وجود داشته است.<sup>۱</sup> شواهد دال بر حمایت عالمان مهاجر از صفویان در مناقشات کلامی و مذهبی با عثمانی

\* این مقاله ترجمه و تلخیصی است از:

Devin J Stewart, "Three Polemic Exchanges at the Safavid Court," in *Le Shi'isme Imamite Quarante Ans Après: Hommage à Etan Kohlberg*. Ed. Mohammad Ali Amir-Moezzi, Meir Bar-Asher, and Simon Hopkins (Paris: Sorbonne, 2009), pp. 397-415.

۱. علی مروة، التشیع بین جبل عامل و ایران (لندن، ۱۹۸۷)؛ جعفر مهاجر، الهجرة العالمية الى ایران فی العصر الصفوی: اسبابها التاريخية و نتائجها الثقافية و السياسية (بیروت: دار الروضة، ۱۴۱۰/۱۹۸۹)؛ مهدی فرهنگی منفرد، مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در عصر صفوی (تهران: ۱۳۷۷ ش)؛

A. J. Newman, "The myth of clerical migration to Safavid Iran: Arab Shiite opposition to ʿAlid al-Karak and Safavid Shiism," *Die Welt des Islams*, (1993), 33, pp. 66-112; R. J. Abisaab, "The

و نقش مهمی که عالمان عاملی در این خصوص ایفا کرده‌اند، به دلیل پراکنده بودن آن‌ها چندان مورد توجه قرار نگرفته است، نقشی که از قضا، عالمان عاملی حضور پررنگی در آن داشته و از توانمندی خود در آشنایی با میراث شیعه در مجادلات مذکور بهره برده‌اند. در این خصوص چند اطلاع مهم در دست است که توجه به آن‌ها می‌تواند این نقش فقیهان عاملی را به خوبی نشان دهد. برخی از مشارکت‌های عالمان عاملی در پاسخ‌دهی به مجادلات مذهبی عالمان عثمانی علیه صفویان پیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۱</sup> نوشتار حاضر به بحث از سه موضوع مورد توجه قرار نگرفته؛ از مشارکت عالمان عاملی در مجادلات سیاسی-کلامی با عثمانی یعنی نقش حسین بن عبدالصمد عاملی حارثی (متوفی ۹۸۴) و دو فرزندش، بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی (متوفی ۱۰۳۰) و عبدالصمد بن حسین عاملی (متوفی ۱۰۲۲) می‌پردازد و نقش آن‌ها در دوران شاه طهماسب (حکومت ۹۳۰-۹۸۴/۱۵۲۴-۱۵۷۶) و شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸/۱۵۸۷-۱۶۲۹) در مواجهه با فرستادگان عثمانی به دربار صفویه را به بحث می‌نهد و نشان می‌دهد که چگونه این عالمان، با تبحر خود در مجادلات مذهبی با اهل سنت به یاری صفویان پرداخته بودند.<sup>۲</sup>

"ulama of Jabal Amil in Safavid Iran, 150+1736: Marginality, migration and social change," *Iranian Studies*, (1994), 27, pp.103-122; D. J. Stewart, "Notes on the migration of Āmilī scholars to Safavid Iran," *Journal of Near Eastern Studies*, (1996), 55, pp. 81-103; R. J. Abisaab, *Converting Persia: Religion and Power in the Safavid Empire* (London, 2004).

<sup>۱</sup>E. Eberhard, *Osmanische Polemik gegen die Safawiden im 16. Jahrhundert nach arabische Handschriften*, Freiburg im Breisgau 1970, esp. p. 84-116, 128-137; Abisaab, *Converting Persia*, op. cit., p. 19-20, 27, 33, 36, 52, 64-68, 82, 85, 112, 139-140.

<sup>۲</sup> برای بحثی عمومی از سابقه تاریخی و برخی مسائل جدلی مورد مناقشه میان شیعیان و اهل سنت بنگرید به: E. Kohlberg, "Some Imāmī-Shāfiī views on the Ṣaʿāba," *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, (1984), 5, pp. 143-175 (reprt. in idem, *Belief and Law in Imāmī Shīsm*, Variorum, Aldershot, 1991, chap. IX); idem, "Yāfī b. Mūsā Ibn Tāwūs and his polemic against Sunnism," in *Religionsgespräche im Mittelalter*, ed. B. Lewis and F. Niewoehner, Wiesbaden 1992, p. 325-350; D. J. Stewart, "Popular Shiism in medieval Egypt: Vestiges of Islamic sectarian polemics in Egyptian Arabic," *Studia Islamica* 84, (1996), pp. 35-66.

تطور تاریخی و یا حتی نقش ادبیات داستانی در مجادلات اهل سنت با شیعیان، موضوعی است که خود نیازمند تحقیقی جداگانه است. تنها برای ارجاع کلی ندادن به این موضوع در این جا باید به برخی حکایت‌های آمده



### نامه حسین بن عبدالصمد عاملی به سلطان سلیمان

حسین بن عبدالصمد حارثی همدانی (۹۱۸-۹۸۴/۱۵۱۲-۱۵۷۶) یکی از مهم‌ترین ققیهان عاملی مهاجر به ایران در دوره شاه طهماسب صفوی است که در اواخر ۹۶۰ و اوایل ۹۶۱ به ایران مهاجرت کرده است.<sup>۱</sup> وی علاوه بر تبحر در فقه و حدیث که در خصوص آن‌ها آثاری نگاشته، در ادبیات، نثر و شعر عربی تبحر فراوانی داشته است و به تازگی برخی از آثار او که مقام ادبی وی را نشان می‌دهد، چون *رسالة الرحلة* او (*الرحلة العراقية*) که شرح سفرش به ایران در قالب نامه‌ای به استادش زین‌الدین بن علی عاملی (متوفی ۹۶۵/۱۵۵۸) است، منتشر شده و در مقدمه برخی از آثارش چون *نور الحدیقة و نور الحقیقة*، تقدیم شده به سلطان سلیمان قانونی (حکومت ۹۲۶-۹۷۴/۱۵۲۰-۱۵۶۶)، و *وصول الاخیار الی اصول الاخیار* و *اربعین* که به شاه طهماسب صفوی تقدیم شده، تبحر او در ادبیات را می‌توان دید که اهمیت مقدمه‌های مذکور (دیباچه‌ها) در جایی دیگر به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

لله در کتاب *المعارضة فی الرد علی الرافضة* نوشته جمال‌الدین ابوالحسن یوسف واسطی شافعی معروف به طفیلی (قرن نهم) اشاره کرد که حکایت‌هایی علیه شیعه در ضمن کتاب خود آورده که از حیث داستان‌پردازی در مجادلات میان اهل سنت با شیعه جالب توجه است. کتاب *المعارضة* با دو عنوان مختلف به چاپ رسیده است. یک بار با عنوان *الحجج الباهرة فی إفحام الطائفة الکافرة الفاجرة* با تصحیح عبدالله حاج علی منیب (ریاض: دار الإمام البخاری، ۱۴۲۰ق) که در چاپ اخیر کتاب به خطابه جلال‌الدین دوانی (متوفی ۹۰۸) نسبت داده شده و بار دیگر با عنوان *المناطرة بین السنة والشیعة* و با تحقیق خالد بن عبدالعزیز الجناحی (البحیرة مصر، ۲۰۱۰/۱۴۳۱) با انتساب صحیح به واسطی. در ادبیات دینی عصر صفویه نیز حکایت‌هایی علیه اهل سنت شکل گرفته که برای تحلیل تاریخی آن‌ها باید به مسئله اهمیت حکایت‌های مذکور در مجادلات مذهبی عصر صفویه در پرتو مناسبات صفویه و عثمانی توجه کرد. مترجم]

۱. برای شرح حال عام حسین بن عبدالصمد بنگرید به: افندی، *ریاض العلماء*، ج ۲، ص ۱۰۸-۱۲۱؛

D. J. Stewart, "The first *Shaykh al-Islām* of the Safavid capital Qazvin," *Journal of the American Oriental Society*, (1996), 116, pp. 387-405; idem, "Husayn b. ʿAbd al-Samad al-Amili's treatise for Sultan Suleiman and the Shi'i Shafi'i legal tradition," *Islamic Law and Society*, (1997) 4, pp. 156-199; idem, "An episode in the Amili migration to Safavid Iran: The travel account of Husayn b. Abd al-Samad al-Amili," *Journal of Iranian Studies*, (2006) 39, pp. 481-509.

۲. درباره کتاب *الاربعون حدیثاً* اشاره به این نکته لازم است که بر اساس عبارتی در دیباچه و مقدمه کتاب می‌توان گفت که حارثی دو تحریر از کتاب خود تألیف کرده است. با توجه به محتوی شیعی کتاب، او شاید زمانی که در عراق سکونت داشته (فاصله میان سال‌های ۹۵۵ تا ۹۶۰) تحریری از کتاب فراهم آورده و بعدها پس از مهاجرت به ایران، عبارتی به دیباچه کتاب افزوده و اثر خود را به نام شاه طهماسب صفوی کرده است.<sup>۳</sup>

افندی به نقل از ملا مظفرالدین علی بن حسین بن حیدر کرکی که شرح حالی در بیان زندگی نامه شیخ بهایی نوشته و بخشی از آن به بیان شرح حال پدر شیخ بهایی یعنی حسین بن عبدالصمد اختصاص داشته، در ضمن فهرست آثار حسین بن عبدالصمد از منشآت فراوان وی (منشآت کثیره جدا) سخن گفته است.<sup>۱</sup> منشآت عمدتاً به سه دسته سلطانیات، دیوانیات و اخوانیات تقسیم می شده است. سلطانیات، مکاتبات میان سلاطین و شاهزادگان بوده است و دیوانیات، مراسلات در چرخه نظام اداری حکومت ها و سرانجام اخوانیات، مکاتبات دوستانه میان افراد بوده است که از حسین بن عبدالصمد در خصوص سلطانیات و اخوانیات، مکاتباتی در دست است که متن برخی از آن ها منتشر شده است. متن یکی از سلطانیات او را میر محمد اشرف بن عبدالحسیب حسینی علوی (متوفی ۱۱۴۵) در کتاب فضائل السادات آورده و پیش از بیان بخشی از مکاتبه مذکور، در اشاره به متن مورد بحث، آن را به عنوان شهادی برای آن که نوادگان خاندان نبوت به عنوان فرزند (ولد) نیز مورد اشاره قرار می گیرند، بندهایی از مکاتبه میان شاه طهماسب و سلطان سلیمان قانونی که حسین بن عبدالصمد نوشته، استناد کرده و نوشته است:

... وشک نیست که اولاد بعیده را نیز ولد می گویند ... و استعمال این معنی و پیروی این طریقه مجتهدین امامیه نیز نموده اند، چنان چه نامه ای که به خط شریف شیخ جلیل القدر الامجد شیخ حسین بن عبدالصمد والد شیخ العارفین وزبده ارباب الحق والیقین شیخ بهاء الدین محمد العاملی که از جانب جناب نواب جمجاه جنت بارگاه شاه طهماسب بخواندگار روم سلطان سلیمان بن عثمان قلمی نموده اند، چون داعی ملاحظه نموده و خط شریف ایشان معروف داعی و جمع کثیری بود، موافق آن ترقیم شد بلا زیاده و نقصان.<sup>۲</sup>

لله همان گونه که مصحح الاربعون حدیثاً اشاره کرده، عبارت تقدیمی به شاه طهماسب در برخی نسخه ها موجود نیست. بنگرید به: حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی، الأربعون حدیثاً، تحقیق علی اوسط ناطقی، میراث حدیث شیعه، دفتر دوم (قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۸ش)، ص ۱۴۳، پاورقی ۲.

۱. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۱۹. افندی به صراحت درباره هویت ملا مظفرالدین علی اشاره نکرده و تنها گفته ملا مظفرالدین علی از شاگردان شیخ بهایی بوده و شرح حالی فارسی در بیان زندگی شیخ بهایی نگاشته که افندی بخش هایی از آن را به عربی ترجمه کرده و در ضمن شرح حال حسین بن عبدالصمد حارثی آورده است.

۲. عبارت اخیر میر اشرف یعنی «خط شریف ایشان معروف داعی و جمع کثیری بود»، ظاهراً تصحیف شده باشد. ﴿﴾



در سال ۹۶۶ پس از برکناری بایزید فرزند سلطان سلیمان قانونی (متوفی ۹۷۴) از امارت کوتاهیه و قوی شدن احتمال جانشینی سلیم دیگر فرزند سلیمان به جانشینی، بایزید از اطاعت پدر سرپیچید و شورش نمود و در قونیه با برادرش سلیم درگیر شد<sup>۱</sup> و با توجه به جایگاهی که در میان امیران عثمانی داشت، سپاهی فراهم آورد؛ اما در نبرد با برادرش در قونیه شکست خورد و همراه با چهار فرزند خود (اورخان، محمد، محمود و عبدالله) و دوازده هزار سپاهی همراهش به ایران گریخت و در اول شوال ۹۶۶ از میدان نبرد در آماسیه گریخت و از طریق ارزروم وارد ایران شد. در بدو ورود او به ایران، در تبریز مورد استقبال قرار گرفت.<sup>۲</sup> بایزید برای جلب همکاری شاه طهماسب، همراه با سپاهی که در اختیار داشت، به قزوین سفر کرد.

لئے قرائت تبدیل برای عبارت مذکور شاید این باشد: «و خط شریف ایشان معروف رایج، و جمع کثیری بعد [از او]، موافق آن ترقیم کردند بلا زیاده و نقصان». در هر حال مراجعه به نسخه‌های خطی دیگر از اثر، شاید بتواند در قرائت صحیح عبارت کمک کند. برای نسخه‌های موجود از کتاب *فضائل السادات* بنگرید به: مصطفی درایتی، *فهرستواره دست‌نویست‌های ایران* (دنا)، ج ۷، ص ۱۰۵۴.

۱. برای گزارش‌های مورخان صفوی و عثمانی درباره فرار بایزید به ایران بنگرید به: قاضی احمد غفاری قزوینی، *تاریخ جهان آرا*، تحقیق مجتبی مینوی (تهران: کتابفروشی حافظ، ۱۳۴۳ش)، ص ۳۰۴-۳۰۸؛ حسن بیگ روملو، *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوائی (تهران: انتشارات بابک، ۱۳۵۷ش)، ص ۵۲۱-۵۲۴، ۵۲۶-۵۲۸، ۵۳۲، ۵۳۳-۵۳۴، ۵۳۵-۵۳۷، ۵۳۸-۵۳۹؛ قاضی احمد قلی، *خلاصه التواریخ*، ج ۱، ص ۴۰۶-۴۰۹، ۴۱۷-۴۲۰، ۴۳۱-۴۳۳؛ ولی قلی بن داود قلی شاملو، *قصص الخاقانی*، تصحیح سید حسن سادات ناصری (تهران: ۱۳۷۱ش)، ج ۱، ص ۷۹-۸۲؛

İsmail Hami Danişmend, *İzahlt Osmanlı tarihi kronolojisi*, 4 vols., Istanbul 1947-1955, vol. 2, p. 309-325.

غفاری (*تاریخ جهان آرا*، ص ۳۰۴-۳۰۵) توصیفی از وضعیت سپاه بایزید آورده و نوشته است: «...سلطان بایزید بالشکری چون سد سدید همه با اسلحه جنگ از تیر و شمشیر و تفنگ بر اسبان تازی سوار و مهبایی کارزار... به میدان درآمد...». غفاری که بر بامی نظاره‌گر ورود بایزید به شهر قزوین بوده، اشاره کرده که در کنار او شیخ علی منشارکری (متوفی ۹۸۴) نیز بوده است. گزارش حسن بن محمد بورینی (متوفی ۱۰۲۴) درباره بایزید در ایران و تلاش او برای مسموم کردن شاه طهماسب اهمیت فراوانی دارد. ظاهراً مورخان صفوی به عمد ماجرای تلاش مسموم کردن شاه طهماسب توسط بایزید را نادیده گرفته و اشاره مستقیمی به آن نکرده‌اند. بورینی که منبعش درباره بایزید یکی از همراهان فرار کرده بایزید به شام بوده، اشاره کرده که شاه طهماسب از سلطان سلیمان طلب باج می‌کرده است. برای تفصیل گزارش بورینی بنگرید به: حسن بن محمد بورینی، *تراجم الأعیان من أبناء الزمان*، تحقیق صلاح‌الدین منجد (دمشق: مطبوعات الجمع العلمی العربی بدمشق، ۱۹۵۹)، ج ۱، ص ۲۳۴-۲۳۸.

2. Danişmend, *İzahlt Osmanlı tarihi kronolojisi*, vol.2, pp.316-318.

به نوشته قاضی احمد غفاری که خود به همراه شیخ علی منشارکرکی (متوفی ۹۸۴) شاهد ورود بایزید به قزوین بوده، بایزید در ۲۱ محرم ۹۶۷/۱۲ اکتبر ۱۵۶۰ به آن جا رسید و غفاری شرحی از ورود بایزید به میدان سعادت آورده است.<sup>۱</sup> شاه طهماسب نیز استقبال گرمی از بایزید نمود و سعی نمود تا از فرصت دست داده برای تلافی حملات ویرانگری که سال ها قبل عثمانیان با پناه دادن به برادر شورشی اش، القاص، در ۹۵۴ علیه او نموده بودند، بهره گیرد.<sup>۲</sup> حضور بایزید و فرزندانش و سپاهی که همراه او بود، تهدیدی جدی برای عثمانی بود و سلطان سلیمان قانونی که به تازگی و در پی قرارداد آماسیه در ۹۶۲ به صلحی با صفویان دست یافته بود، به تلاش های سیاسی گسترده ای دست زد تا مشکل پدید آمده را بدون منازعه نظامی با صفویان حل کند. سلطان سلیمان قانونی، نامه های متعددی به شاه طهماسب نوشت و با یادآوری پیمان آماسیه، درخواست استرداد بایزید را نمود و البته در مکاتبات سیاسی خود زبانی نرم در پیش گرفت.

از سوی دیگر بایزید و سپاهیان او خود تهدیدی علیه طهماسب بودند و در این میان اخباری نیز به گوش طهماسب از قصد احتمالی بایزید برای برکناری و حتی شورش علیه او رسید و آن چه که ظاهراً باعث شده بود چنین گمانی در بایزید پدید آید، بیماری شاه طهماسب بود که بیم مرگش نیز بر اثر آن می رفت. در ۲۲ رجب ۹۶۷ شاه طهماسب که به شدت از اقدامات احتمالی بایزید بیمناک بود، دستور بازداشت او و چهار فرزندش را داد.<sup>۳</sup> با این حال شاه طهماسب از تحویل دادن بایزید به سلیمان سرباز می زد و دلیل آن بیشتر به خاطر بیم شاه طهماسب بود که در صورت بخشیده شدن بایزید، احتمال جدی وجود داشت که بعدها

۱. غفاری حادثه ورود بایزید به قزوین را در ذیل حوادث سال ۹۶۸ آورده، اما این مطلب نادرست است؛ چرا که خود غفاری ماده تاریخ ورود بایزید به قزوین را «بگو شهر محرم بود و قوئیل» و ماده تاریخ نقل شده از قول محتشم «ماهی عجب رسید به پابوس آفتاب» آورده که هر دو بر سال ۹۶۷ دلالت دارد.

۲. درباره شورش القاص میرزا و اهمیت آن، روح الله منشی فتوحی شیرازی در کتاب *شرف نامه* خود مطالب مهمی آورده که در چاپ اخیر نیز به دلیل این که مطالب مذکور تنها در یکی از نسخه های کتاب آمده، ذکر نشده؛ اما والش متن آن ها را در منتشر کرده است. بنگرید به:

J. R. Walsh, "The revolt of Alqas Mirza," *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes* 68 (1976) pp. 61-78.

۳. غفاری، *تاریخ جهان آرا*، ص ۳۰۵-۳۰۶؛ قی، *خلاصه التواریخ*، ج ۱، ص ۴۰۸-۴۰۹.



با به سلطنت رسیدن او، بایزید تهدیدی برای صفویه گردد و هم چنین احتمال داشت که بایزید در راه بازگشت مورد سوء قصد قرار گیرد و در صورت کشته شدنش بهانه‌ای جدید در دست عثمانی قرار گیرد. هر چند مورخان صفویه و نامه‌هایی که از شاه طهماسب باقی مانده، سعی در نشان دادن این تصویر دارد که شاه طهماسب در صدد گرفتن حکم عفو بایزید بوده، مورخان عثمانی تصویر فردی حقیر و عهدشکن و باج‌گیر از شاه طهماسب ارایه کرده‌اند که بیش از آن که واقعت مسئله را منعکس کند، بخشی از مجادلات سیاسی میان دو دولت را نشان می‌دهد که چگونه در عرصه تاریخ‌نگاری نقش ایفا کرده است.

سلطان سلیمان در نهم جمادی الثانی ۹۶۸ هیئت عالی رتبه به سرپرستی علی پاشا حاکم مرعش و حسن آقا قاپوچی همراه با هفتصد و شش نفر و هدایایی فراوان شامل شمشیرهای مرصع و جواهرنشان و پارچه‌های نفیس و بسیاری نفایس دیگر به ایران فرستاد و آن‌ها از طریق چخورسعد وارد ایروان و سپس از آن جا راهی ایران شده و در ۲۲ رجب ۹۶۸ به قزوین رسیدند و پنج روز بعد در دربار موفق به دیدار با شاه طهماسب شده و درخواست مجدد سلیمان برای تحویل بایزید را تکرار کردند. هیئت مذکور تا ۱۵ شعبان ۹۶۸ هنوز در قزوین در انتظار پاسخ مانده بودند.<sup>۱</sup> پس از چند ماه اقامت هیئت مذکور در قزوین، شاه طهماسب آن‌ها را به همراهی جعفر بیگ استاجلو به استانبول فرستاد تا مشکل مذکور را به نحوی مسالمت‌آمیز حل کند. سلیمان هیئت دیگری به سرپرستی خسرو پاشا حاکم وان و همراهی علی آغا چاوش باشی به همراه دویست نفر دیگر به دربار صفوی فرستاد و آن‌ها در چهاردهم ذی القعدة ۹۶۹ به قزوین رسیده و نامه سلطان سلیمان قانونی را تقدیم شاه طهماسب نمودند و درخواست استرداد بایزید را تکرار کردند. هیئت مذکور در ۲۱ ذوالقعدة ۹۶۹ بایزید و فرزندانش را تحویل گرفته و پس از خفه کردن آن‌ها به دستور سلطان سلیمان، جنازه‌های مذکور را با خود به عثمانی بردند.<sup>۲</sup> در ۱۹ صفر ۹۷۰ جعفر بیگ استاجلو که به استانبول فرستاده شده بود، به همراه الیاس بیگ فرستاده عثمانی به قزوین آمده و در تشکر از اقدام شاه طهماسب، هدایایی جدید شامل چهل اسب

۱. غفاری، تاریخ جهان آرا، ص ۳۰۶.

۲. غفاری، تاریخ جهان آرا، ص ۳۰۷-۳۰۸؛ روملو، احسن التواریخ، ص ۵۳۴-۵۳۵؛ قلی، خلاصة التواریخ، ج ۱، ص ۴۳۱-۴۳۳. ماده تاریخ ارایه شده برای حادثه مذکور توسط یکی از شاهدان حادثه، «پنج کم از زمره عثمانیان» ذکر شده که سال ۹۶۹ خواهد بود.

بازین ویراق‌های زرین و مرصع و پانزده هزار اشرفی قبرسی که معادل سی هزار تومان و بسیاری نفایس دیگر بود، به قزوین آورده و تقدیم به شاه طهماسب نمودند. از نامه‌هایی که سلطان سلیمان قانونی در مدت مذکور برای شاه طهماسب فرستاده، متن هفت نامه در دست است که دیدگاه و نظرات او را نشان می‌دهد و دو نامه از این نامه‌ها، تاریخ تحریر نیز دارند، یکی به تاریخ شعبان ۹۶۷ و دیگری ربیع الاول ۹۶۸.<sup>۱</sup>

از نامه‌هایی که شاه طهماسب در پاسخ یا برای پادرمیانی بایزید نوشته، تنها متن یک نامه در دست است؛ یعنی نامه‌ای که در پاسخ به نامه‌ای که علی پاشا و حسن آغا قوچچی در ۹۶۸ با خود به ایران آورده بودند و احتمالاً همان نامه نوشته شده در ربیع الاول ۹۶۸ باشد. در فاصله میان رجب تا رمضان ۹۶۸ شاه طهماسب نامه‌ای در پاسخ به نامه اخیر نوشت که متن نامه به انشاء حسین بن عبدالصمد حارثی (متوفی ۹۸۴) شیخ الاسلام قزوین است. متن نامه اخیر که متأسفانه اکنون تنها بخشی از آن در دست است، جالب توجه است. حسین بن عبدالصمد در نامه خود به مجادلات صفویان با عثمانی توجه کاملی داشته و تقریباً در مقدمه نامه، مسائل عقیدتی و سیاسی مورد منازعه دو طرف را به نحو زیبایی ترسیم کرده و از تبریح خود در ادبیات عرب و آشنایی کامل با مسائل مورد بحث و مجادله میان اهل سنت و شیعه در نگارش نامه بهره کاملی برده است. وی در آغاز نامه بدون تصریح، از آیات و روایات‌هایی بهره گرفته که در سنت شیعه، دلالت‌های کلامی خاص خود را دارد. آغاز نامه که از زبان طهماسب است، با تأکید بر شرف انتساب طهماسب به خاندان نبوت آغاز شده است که موضوع مورد مناقشه از سوی عثمانی‌ها علیه صفویان بوده و حکایت‌های چندی در بی‌اساس بودن انتساب صفویان به پیامبر ﷺ در میان ردیه‌نویسان عثمانی رواج داشته است.<sup>۲</sup> پس از تأکید

۱. فریدون احمد بای، *منشآت السلاطین* (استانبول، ۱۸۵۷-۱۸۵۸)، ج ۲، ص ۲۵-۵۰. مرحوم عبدالحسین نوایی متن نامه‌های مذکور و چند نامه دیگر را در ضمن کتاب *شاه طهماسب صفوی: مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی* (تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ش)، ص ۳۵۰-۴۱۱ آورده است. نوایی هم چنین (ص ۳۵۵) به مرادوات و مکاتبات میان بایزید با خان احمد گیلانی اشاره کرده و به نقل از تذکره شاه طهماسب اشاره کرده که شاه طهماسب از خان احمد به دلیل آن که عده زیادی از همراهان «شیطان بایزید» را پناه داده، خرده گرفته است.

۲. [در حالی که هنوز در خصوص سیادت صفویان نمی‌توان نظری قاطع ارائه کرد، اما شواهدی در دست است که سیادت صفویان پیش از به قدرت رسیدن آن‌ها مطرح بوده و دست‌کم در یک متن نسب‌شناسی که ۹۶۸



پیش از قدرت‌گیری صفویان تألیف شده، از صفویان به عنوان مدعیان سیادت نام برده شده است. اکنون اثری به نام کتاب بیان الادعیاء نوشته نسابه‌ای به نام عبدالله بن علی بن محمد بن قتیل حسینی، در تذکره‌ای یافت شده است. این نسابه که اثر خود را در ۷۹۴ تألیف کرده، از جمله مدعیان سیادت، از مشایخ اردبیل یاد کرده است. برای گزارشی از این نسخه و اهمیت آن بنگرید به:

Kazu Morimoto, "The Notebook of a Sayyid/Sharf Genealogist: Ms. British Library Or. 1406," in D. Bredi et al. (eds.), *Scritti in onore di Biancamaria Scarcia Amoretti, Roma: Dipartimento di Studi Orientali, Università di Roma (La Sapienza) and Edizioni Q*, 2008, vol. 3, pp. 823–836

[مترجم.]

درباره سلسله نسب آمده در کتاب صفوة الصفاه نیز عمدتاً گفته می‌شود که میرابوالفتح نامی از سوی شاه طهماسب مأمور بازبینی متن صفوة الصفاه شده و برخی تغییرات در آن اعمال کرده است. برای تفصیلی از این مسئله بنگرید به:

M. M. Mazzaoui, *The Origins of the Safawids: Šāfi'ism, Sūfism and the Gulāt*, Wiesbaden 1972, pp. 46–51; H. R. Roemer, "The Safavid Period", pp. 189–350 in *The Cambridge History of Iran*, vol. 6: *The Timurid and Safavid Periods*, ed. Peter Jackson and Laurence Lockhart, Cambridge 1986, pp. 198–199.

هر دو تحقیق فوق مستندات خود در زمینه سیادت صفویان را به کار احمد کسروی تبریزی که در مجله آینده، شماره دوم (۱۹۲۶–۱۹۲۸) و تحقیق زکی ولیدی طوقان که در تحقیقی مستقل به همان نظرات کسروی رسیده، ارجاع داده‌اند. بنگرید به:

Zeki Velidi Togan, "Sur l'origine des Safavides", in *Mélanges Louis Massignon*, 3 vols., Damascus 1957, vol. 3, pp. 345–357.

[ردیه‌نویسان عثمانی در اشاره به سیادت صفویان غالباً با مورد انکار قرار دادن آن، سعی در نوعی طعن زدن در صفویان داشته و گاه حکایت‌هایی نیز در این خصوص ابداع کرده‌اند. نمونه‌ای از این حکایت‌ها، مطلبی نقل شده توسط مطهر بن عبدالرحمن است که کتابی به نام مشتمل الاقوال نوشته و آن را به سلطان مراد سوم تقدیم کرده است. وی در بخشی از رساله خود به نقل از اقوال شفاهی آورده که شاه اسماعیل اول چون به کربلا در اوآن ظهور خود سفر کرده بود، در آن جا سادات را مجبور به درج نسبش در جراید (درباره جریده بنگرید به: آقا بزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۵، ص ۹۷–۹۹) و شجره‌نامه‌های سادات کرد و پس از آن که عده‌ای را به قتل رساند، برخی از آن‌ها پذیرفتند که نام او را در جریده سادات وارد کنند؛ اما آن‌ها برای آن که او را رسوا کنند، نسب او را به سیدی نسبت داده‌اند که عقیم بوده است (... و معروف من الثقات، ان شاه اسماعیل الشقی فی ابتداء خروجه ذهب الی زیارة الامام ابی عبدالله الحسین السعید الشهید بکربلاء والی زیارة الامام ابوالحسن علی بن موسی الرضی والی زیارة سائر الاماکن المبارکة، واجبروا کره ساکنها و خادمها من السادات العظام بان یدرجوا نسبه فی بحر الانساب للسادات فقتل الظالم الشقی جماعاً کثیراً بمن لا یجتري علی

بر شرف انتساب طهماسب به خاندان پیامبر ﷺ، حسین بن عبدالصمد آیه‌ای از قرآن (مأثده، ۵۵) را نقل کرده و از امامت امیرالمؤمنین ع سخن گفته و حدیث مشهور «انا مدینه العلم وعلی باهما» را نقل کرده و به ماجرای غصب فدک اشاره کرده و با استناد به حدیث مروی از پیامبر ﷺ در لعن آزاردهندگان حضرت فاطمه زهرا ع، تلمیحی به شیخین با خرده‌گیری لطیفی بر آن‌ها آورده است.<sup>۱</sup> رساله نوشته شده توسط حارثی از حیث بررسی مناسبات سیاسی صفویه و عثمانی اهمیت فراوانی دارد. به واقع از عالمان برجسته در برخی مواقع جهت نگارش نامه‌های خاص سیاسی یا مذهبی بهره گرفته می‌شده، کما این که شاه عباس دوم در پاسخ به

للإقتراء والبهتان واجترى شزيمة قليلة من السادات للخلاص من القتل وامتثلوا امره واطاعوه وكتبوا نسبه واثبتوه في حجر الانساب ولكن تداركوا بان ينسبوا الى السيد العقيم الذي لا عقب له والمعروف بين علماء النسابة وانتهوا نسبه اليه (...). بنگرید به:

E. Eberhard, *Osmanische Polemik gegen die Safawiden*, p.221

[مترجم.]

۱. بخشی از نامه مورد بحث در ضمن کتاب *فضائل السادات* تألیف سیدمحمد اشرف (متوفی ۱۱۴۵) (قم: شرکه المعارف و الآثار، ۱۳۸۰/ق ۱۳۳۹ش)، ص ۴۲۱-۴۲۲ آمده است (گفته مرحوم آقابزرگ در *الذریعة*، ج ۵، ص ۱۹۳ که اشاره نموده متن کامل نامه در ضمن کتاب *فضائل السادات* آمده، نادرست است). سیدمحمد اشرف ظاهراً تمام متن نامه را در اختیار داشته؛ چرا که پس از نقل بخشی از متن نامه گفته که «وکتبنا منه ما هو مناسب لهذا الكتاب». با این حال استوارت معتقد است که متن به طور کامل در اختیار سیدمحمد اشرف نبوده است. بنگرید به:

Devin J Stewart, "Three Polemic Exchanges at the Safavid Court," p.382.

متن کامل نامه در ضمن مجموعه‌ای از رسائل و تألیفات حسین بن عبدالصمد در کتابخانه ملی تبریز موجود بوده؛ اما پس از دشواری‌های فراوان و دسترسی به تصویری از نسخه، نامه مذکور در نسخه موجود، نبود که نمی‌دانم آیا در تهیه تصویر از نسخه اشکالی رخ داده یا اکنون نامه در ضمن آن نسخه خطی به هر دلیل دیگری وجود ندارد. بنگرید به: میرودود سید یونسی، *فهرست کتابخانه ملی تبریز (کتابخانه ملی تبریز، ۱۳۵۰ش)*، ج ۲، ص ۷۱۱-۷۱۲. نسخه مذکور زمانی در تملک شیخ بهایی بوده و مهر او با تاریخ ۹۹۷ بر نسخه مشهود است. مسئله سب صحابه از مسائل مورد مناقشه جدی میان صفویان و عثمانی بوده است. بنگرید به:

E. Eberhard, *Osmanische Polemik gegen die Safawiden im 16. Jahrhundert nach arabische Handschriften*, pp. 104-110.

افندی (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۱۹) به نقل از رساله ملا مظفرالدین علی - احتمالاً فرزند سیدحسین بن حیدر کرکی - از منشآت فراوان حسین بن عبدالصمد سخن گفته که نشانگر آن است، حسین بن عبدالصمد نامه‌های دیوانی دیگری را هم به نیابت از شاه و در پاسخ به نامه‌هایی سیاسی آمده به دربار صفویه تحریر کرده است.



شریف مکه از آقا حسین خوانساری درخواست کرده بود تا پاسخی بنگارد. در حقیقت نگارش نامه‌های سیاسی توسط فقیهان در مواقعی خاصی بوده؛ اما در هر حال نکته مهم، نقش جدی داشتن عالمان عاملی از این جهت در سیاست‌های رسمی صفویان است و متن نامه حسین بن عبدالصمد که در یکی از بحرانی‌ترین سال‌های حکومت شاه طهماسب نوشته شده، اهمیت فراوانی دارد.<sup>۱</sup>

### رساله حرمة ذبائح اهل الکتاب بهاء الدین عاملی

دو مورد دیگر از نقش جدی عالمان عاملی در شرایط مشابه در دست است. فرستادگان عثمانی به دربار صفوی، گاه مسائلی فقهی را در دربار صفویه به عنوان مخالفت‌های شیعیان با اجماع مسلمانان مطرح می‌کرده‌اند. نمونه‌ای از این دست، بحث از مخالفت نظر شیعیان در موضوع "عدم حلیت ذبائح اهل کتاب" است که علت نگارش رساله‌ای با همین عنوان توسط بهاء الدین محمد بن حسین حارثی عاملی (۹۵۳-۱۰۳۰/۱۵۴۷-۱۶۲۱) بوده است.<sup>۲</sup>

۱. برای متن کامل نامه آقا حسین خوانساری به نیابت از شاه عباس دوم به شریف مکه بنگرید به: رسول جعفریان، «مناسبات اصفهان و حجاز»، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی (تهران: نشر علم، ۱۳۸۸ش)، ج ۲، ص ۱۵۷۶-۱۵۷۹. بندهای از آغاز دو نامه دیگر شاه عباس دوم به شریف مکه را نقل کرده است. در نامه‌های مذکور بر شرف انتساب صفویان به خاندان نبوت تأکید شده و شاه خود را فرزند پیامبر ﷺ معرفی کرده است. مترجم.

۲. برای شرح حال شیخ بهایی به نحو عام بنگرید به:

E. Kohlberg, "Bahāḍ al-Dīn al- Āmīlī", *Encyclopaedia Iranica*, vol. 3, p. 429-430; A. J. Newman, "Toward a reconsideration of the 'Isfahān school of philosophy': Shaykh Bahāḍī and the role of the Safawid ulamā", *Studia Iranica* 15 (1986), p. 165-199; Dalāl Abū, *Bahāḍ al-Dīn al- Āmīlī adīban wa-faqīhan wa- āliman*, Beirut 1995; D. J. Stewart, "A biographical notice on Bahaḍ al-Din al- Amili (d. 1030/1621)", *Journal of the American Oriental Society* 111 (1991), p. 563-571; idem, "Taqiyah as performance: the travels of Bahaḍ al-Din al-Amili in the Ottoman Empire (991-93/1583-85)", *Princeton Papers in Near Eastern Studies* 4 (1996), p. 1-70; idem, "The lost biography of Bahaḍ al-Din al- Amili and the reign of Shah Isma il II in Safavid historiography", *Iranian Studies* 31 (1998), p. 1-29; R. J. Abisaab, "New ropes for royal tents: Shaykh Bahāḍ and the Imperial Order of Shah Abbas (996/1038/1587-1629)", *Studies on Persianate Societies* 1 (2003), p. 29-56.

توجه به تحلیل رساله‌های فقهی تألیف شده توسط فقیهان عاملی برای فهم تاریخ صفویه مورد توجه رولا



در جریان تلاش‌های صفویان و عثمانی‌ها برای رسیدن به قرارداد صلح در ۱۰۲۱ که در روزگار فرمانروایی شاه عباس اول (متوفی ۱۰۳۰) و سلطان احمد اول بود، فرستاده عثمانی به دربار صفوی، عالمی متبحر به نام خضر بن حسین ماردینی افندی (متوفی ۱۰۲۲) بوده است.<sup>۱</sup>

لله جوردی ابی صعب قرار گرفته و او در کتاب اخیر خود بحثی درباره مطاعن المجرمه فی الرد علی الصوفیة و نفحات اللاهوت فی لعن الجبوت و الطاعوت محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) و کارهای مشابه دیگر آورده است. بنگرید به:

R. J. Abisaab, *Converting Persia*, London 2004, pp. 24-27, 46-47, 64-66, 83-86, 102-103, 115-118.

۱. ملا خضر بن حسین ماردینی، نواده شهاب‌الدین احمد بن عمر هندی (متوفی ۸۴۹) شارح کافیه رضی‌الدین محمد بن حسن استرآبادی است که اثری مشهور در ادبیات عرب است. شرح حال مهم او را ابوالوفاء بن عمر عُرُضی (متوفی ۱۰۷۱) در کتاب معادن الذهب فی الأعیان المشرقة بهم حلب، تحقیق عبدالله غزالی (کویت: دار العروبة للنشر والتوزیع، ۱۹۸۷)، ص ۲۳۶-۲۳۸ آورده است. افندی (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۳۶) از ملا خضری نام برده و گفته که وی کتابی به نام التوضیح داشته است. افندی هم چنین اشاره کرده که مطالبی درباره ملا خضر در کتاب الفضائل المنجیة فی الامامة که یکی از شاگردان شیخ بهایی تألیف کرده، آمده است. افندی اشاره نموده که به احتمال زیاد ملا خضر از عالمان اهل سنت است و شرح حال او را در بخش دوم ریاض خواهد آورد. در بررسی که از نسخه بخش دوم ریاض داشتم، مطلبی درباره ملا خضر نیافتم؛ اما بی تردید مراد از وی همان ملا خضر بن حسین ماردینی است. عرضی (ص ۲۳۷) تصریح کرده که زمانی که نصوص پاشا (متوفی ۱۰۲۳) به وزارت رسیده بوده، برای انجام مقدمات صلح میان شاه عباس و سلطان احمد (متوفی ۱۰۲۶)، ملا خضر را به دربار صفویه فرستاده بود و ماردینی در گفتگو با شاه عباس از این مطلب سخن گفته بود که اهل سنت یکی از ایراداتی که به شیعیان می‌گیرند، عقیده آن‌ها در باب عدم حلیت ذبائح اهل کتاب است، در حالی که ظاهر آیه ۵ سوره مائده دلالت بر حلیت دارد. شاه عباس به شیخ بهایی دستور داد تا جوابی در این خصوص بنویسد. عرضی که خود نسخه‌ای از رساله شیخ بهایی در پاسخ به مطلب مذکور را در دست یکی از ایرانیان در حلب دیده، توصیفی از محتوی کتاب آورده و گفته شیخ بهایی در آن رساله در ضمن مدح شاه عباس از او به «شاه عباس صفوی موسوی حسینی» یاد کرده که عرضی تنها انتساب به شیخ صفی‌الدین را پذیرفته و در سیادت شاه عباس تردید کرده است. عرضی در ادامه مطلب گفته که شیخ بهایی در رساله خود بحثی درباره شایستگی علی علیه السلام به خلافت و افضلیت او آورده است (و ذکر آن استحقاق الإمام المرتضی للخلافة و تقدّمه علی جمیع الآل والأصحاب) و سپس به بحث از تحریم ذبائح اهل کتاب پرداخته است (محمد امین بن فضل الله محبی در خلاصة الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر (بیروت، ۱۹۶۶)، ج ۲، ص ۱۲۹-۱۳۰ نیز مطالب مذکور را به واسطه عرضی نقل کرده است). مطالب مورد اشاره عرضی در نسخه متداول از کتاب حرمة ذبائح اهل کتاب (تحقیق زهیر اعرجی، بیروت، ۱۹۹۰/۱۴۱۰، ص ۵۷-۵۸ دیده نمی‌شود. احتمال جدی آن است که نسخه فعلی در دست کتاب شیخ بهایی، تحریر متأخر از پاسخی باشد که او در جواب ماردینی تحریر کرده و همراه او به استانبول فرستاده باشد و مطالب مورد اشاره عرضی در تحریر متأخر حذف شده باشد. آن چه که این گمان را تأیید می‌کند، نسخه‌ای متفاوت از کتاب ذبائح اهل کتاب است که شیخ آقابزرگ آن را دیده که عنوان آن کتاب

ماردینی که به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی آشنایی کاملی داشت، خود عالمی برجسته بود و مدت‌ها سمت قاضی القضاة ماردین را برعهده داشت و در حلقه نزدیکان نصح پاشا (متوفی ۱۰۲۳) که حاکم دیاربکر و بعدها صدراعظم عثمانی گردید، درآمد بود. پس از مدت‌ها منازعه بر سر آذربایجان، با قوی شدن کفه صفویان، عثمانی‌ها مجبور به پذیرش صلح شدند. برای انجام این مأموریت، خضر بن حسین ماردینی به ایران فرستاده شد. پس از مرگ مراد پاشا در ۲۵ جمادی الاولی ۱۰۲۰، فرمانده سپاهیان مسئول نبرد با صفویان و صدراعظم عثمانی، نصوص پاشا، به صدراعظمی انتخاب شد و فرمان انتصاب او به سمت جدید در ۱۲ جمادی الثانی ۱۰۲۰ از استانبول به دستش که در آن هنگام حاکم دیاربکر بوده و در ایام بیماری مراد پاشا فرماندهی جنگ را برعهده داشت، رسید. وی ملا خضر بن حسین ماردینی را به سفارت و بستن قرارداد صلح به نزد شاه عباس فرستاد. اسکندر بیگ منشی که گزارش آمدن ماردینی به ایران - البته بدون اشاره به نام او و تنها تذکر این مطلب که فرستاده عثمانی مدت‌ها قاضی ماردین بوده - آورده، گفته که شاه عباس در آن هنگام اصفهان را به قصد بیلاق ترک کرده و در راه تبریز پایتخت تابستانی صفویان - پیش از رسیدن به آن جا در اوجان به همراه گروهی از اعیان و مشایخ (یعنی عالمان) به اردبیل رفته بود تا از مزار جدش شیخ صفی‌الدین دیدار کند. پس از بازگشت مجدد از اردبیل به اوجان، ماردینی به خدمت شاه رسید.<sup>۱</sup>

رسالة فی حرمة ذبائح مطلق الکفار ونجاستها وحکم صنایعهم نوشته که در سه فصل بوده است. آقابزرگ (الذریعة، ج ۱۰، ص ۴) گفته که نسخه مذکور را در کتابخانه فاضل خوانساری در نجف دیده، اما نسخه مذکور اکنون در نسخه‌های موجود از کتابخانه مذکور که فهرست آن‌ها نیز منتشر شده، موجود نیست و دو نسخه معرفی شده در فهرست کتابخانه همان الذریعة مشهور هستند. اهمیت دیباچه و تغییر دادن آن توسط نویسندگان در سده‌های میانه بسیار شایع و متداول بوده است. برای بحثی در این خصوص بنگرید به: رسول جعفریان، «تقدیم‌نامه نویسی در دیباچه کتاب‌ها با تأکید بر تقدیم‌نامه نویسی در آثار شیعی»، مقالات تاریخی (قم): ۱۳۷۵ش/۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۳-۹۵.

F. Lewis, "The Modes of Literary Production: Remarks on the Composition, Revision and Publication of Persian Texts in the Medieval Period," *Persaica* 17 (2001), pp.69-83.

۱. اسکندر بیگ منشی، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۲، ص ۸۴۸: «... اردوی گردون شکوه به جانب اوجان تبریز در حرکت آمد و حضرت اعلی با مخصوصان و مقربان بقصد زیارت حضرت سلطان الاولیاء و مشایخ کرام صفویه از اردوی نصر نشان جدا شده به دارالارشاد اردبیل تشریف برده، بعد از استسعاد بدان سعادت عظمی بازگشته در بیلاق اوجان به اردوی ظفر نشان پیوستند... شخصی از علماء روم که مرد سنجیده سخندان

ماردینی در خانه قاضی خان حسنی صدر شاه اقامت گزید. اسکندریبگ منشی علت آن که ماردینی در خانه حسنی اقامت گزید را همان شأن و مقام علمی ماردینی به عنوان عالم و فقیه ذکر کرده و گفته که ایلچی مذکور را به مناسبت علم و فضل در خانه عالی جناب صدارت پناه قاضی خان صدر الحسینی فرود آوردند. در اول رجب ۱۰۲۰ شاه به تبریز رفت و اندکی بعد گروهی به سرپرستی قاضی خان صدر، معزالدین اصفهانی - قاضی قزوین - برای انعقاد قرارداد صلح به عثمانی فرستاده شدند و ماردینی نیز هیئت مذکور را همراهی کرد. آن‌ها در اول شعبان ۱۰۲۰ به قصد استانبول، تبریز را ترک کرده و در ۲۱ شعبان به آن جا رسیدند. قرارداد صلح در ۲۶ رمضان ۱۰۲۰ امضا شد.<sup>۱</sup> در اوجان یا تبریز و حدود رجب ۱۰۲۰، احتمالاً ماردینی در یکی از مجالس خود با شاه عباس، از موضوع عقیده شیعه در عدم حلیت ذبائح اهل کتاب سخن گفت و اشاره کرده که عقیده مذکور مخالف اجماع مسلمانان است. در پی این بحث بود که شیخ بهایی به درخواست شاه عباس، رساله حرمه ذبائح اهل کتاب را تحریر نمود.<sup>۲</sup>

اللّه و قاضی ماردین بود، از جانب نصوص پاشا به رسم رسالت به پایه سریر اعلی آمده در بیلاق اوجان به عز بساط بوسی سرافراز گردید و بعد از بساط بوسی کلمه ای در متن افتاده است - قوایم سریر سلطنت مصیر به ادای رسالت پرداخت...».

۱. برای تفصیل قرارداد مذکور بنگرید به: اسکندریبگ منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۸۴۸-۸۴۹؛ J. von Hammer-Purgstall, *Geschichte des osmanischen Reiches*, 10 vols., reprint Graz, Austria 1963, vol. 4, pp. 445-453; İ. H. Danişmend, *Kronolojisi, op. cit.*, vol. 3, pp. 255-258; B. Küttükoğlu, *Osmanlı-ıran Siyâsî Münasebetleri*, Istanbul 1993, pp. 276-278.

۲. مسئله مخالفت با اجماع به عنوان یکی از ایرادات کلامی از سوی اهل سنت به شیعیان در طول تاریخ مطرح بوده است. برای بحثی در این خصوص بنگرید به:

D. J. Stewart, *Islamic Legal Orthodoxy: Twelver Shiite Responses to the Sunni Legal System*, Salt Lake City 1998, p. 55-56.

شیخ بهایی، بحث کوتاهی درباره عدم طهارت اهل کتاب به نحو عام در الحبل المتین فی احکام احکام الدین، تحقیق سید بلاسم موسوی حسینی (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲/۱۴۲۴ ش)، ج ۱، ص ۴۲۹-۴۳۰ آورده است. شیخ طوسی در المبسوط (ج ۱، ص ۳۹۰) اشاره کرده که در میان اصحاب ما، برخی قائل به حلیت ذبائح اهل کتاب بوده‌اند؛ اما شیخ از فرد یا افراد مذکور نام نبرده است. دانسته است که شیخ طوسی رساله ای مستقل در موضوع مورد بحث با عنوان مسأله فی تحریم ذبائح اهل کتاب داشته است. مسئله حرمت یا حلیت ذبائح اهل کتاب در سنت شیعه پیشینه کهن تری دارد. شیخ مفید (متوفی ۴۱۳) نیز در این خصوص رساله ای (رساله الذبائح) دارد و در آن اشاره کرده که عقیده جمهور شیعه بر حرمت است و تنها یکی از فقیهان شیعه



### عبدالصمد بن حسین عاملی و فرستاده عثمانی

ظاهرادر همان ایامی که ماردینی در ایران به سفارت بوده، بحث دیگری در تبریز میان او و شاه و عالمان امامی در گرفته باشد. قطب الدین محمد بن علی بن عبدالوهاب اشکوری دیلمی لاهیجانی در کتاب *محبوب القلوب* که پس از ۱۰۸۸ و پیش از ۱۰۹۵ تألیف شده، داستانی نقل کرده که به نظر باید ناظر به ایام اقامت ماردینی در تبریز باشد.<sup>۱</sup> اشکوری به نقل از پدرش که خود شاهد ماجرای نقل شده بوده، آورده که شیخ عبدالصمد بن حسین حارثی عاملی، برادر شیخ بهایی به مجلس شاه عباس درآمد، هنگامی که فرستاده عثمانی در متن از نام فرستاده سخنی نیامده. در دربار شاه بود. فرستاده در مجلس مشغول تعریف درباره برخی عالمان عثمانی متبحر در علوم غریبه بود و از کارهای عجیب و غریبی که آن‌ها انجام می دادند، سخن می گفت و در پایان پرسید که آیا در میان عالمان ایرانی کسی هست که چنین کارهایی بتواند انجام دهد؟ شیخ عبدالصمد که دید سخنان فرستاده در شاه اثر کرده، گفت آنچه که فرستاده نقل کرده،

للّه (ابن ابی عقیل) در این مسئله هم چون اهل سنت قائل به حلیت ذبائح اهل کتاب است. مجلسی (بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۸-۱، ۹-۱۴) بخش‌های اعظمی از رساله‌های شیخ بهایی و شیخ مفید را نقل کرده و خود بحث مفصلی (بحار، ج ۶۳، ص ۱۴-۲۸) در خصوص ذبائح اهل کتاب آورده است. برای بحثی کلی از مسئله حرمت ذبائح اهل کتاب در دوره صفویه بنگرید به:

Roger Savory, "Relations between the Safavid State and its Non-Muslim Minorities," *Islam and Christian-Muslim Relations* 14,4 (2003), pp. 435-458.

در کتاب‌شناسی آثار شیخ بهایی و آثار دیگر نوشته شده درباره شیخ بهایی، تنها از یک تحریر متداول رساله شیخ بهایی در موضوع ذبائح اهل کتاب سخن رفته و اشاره روشنی به علت نگارش آن نیز نیامده است. بنگرید به: دلال عباس، بهاء الدین العاملی: *أدیباً و فقیهاً و عالماً* (بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۳۱/۲۰۱۰)، ص ۲۵۳؛ محمد قصری، *سیمایی از شیخ بهایی در آئینه آثار* (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ش)، ص ۵۹؛ سید محسن ناجی نصرآبادی، *کتاب‌شناسی شیخ بهائی* (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۷ ش)، ص ۳۵۵-۳۵۹، ۶۲۴ (که رساله مورد اشاره آقابزرگ با آغاز دیگر معرفی شده و در انتساب آن به شیخ بهایی تردید شده است)؛

Hossein Modarressi Tabataba'i, *An Introduction to ShĪ'Ī Law: A Bibliographical Study*, London 1984, p. 200.

۱. در ۱۰۸۸ زلزله‌ای در لاهیجان رخ داده که اشکوری به آن اشاره کرده است. تاریخ ۱۰۹۵ نیز بر اساس قید «رحمه الله» است که فرزند اشکوری پس از نام پدر در فهرستی برای مطالب کتاب، آورده است. بنگرید به: *محبوب القلوب*، ج ۱، ص ۳۰-۳۱ (مقدمه).



در جملهٔ علوم به شمار نمی‌آید و در همان هنگام به باز کردن بند شلوار (چاقشور) خود پرداخت که کار او باعث شگفتی شد و شاه عباس شیخ را نظاره می‌کرد. پس از لحظاتی شیخ بند شلوار خود را به سوی فرستاده پرتاب کرد در حالی که سر آن در دستش بود و در آن لحظه بند شلوار به صورت ماری عظیم شد و فرستاده و تمام حاضران مجلس ترسیدند و به حالت فرار برخاستند که مجلس را ترک کنند. شیخ بند شلوار را کشید و بار دیگر به صورت بندی درآمد. شیخ خطاب به شاه گفت که کارهای مذکور در نزد عقلا اعتباری ندارد و او این کار را به تازگی (فی هذه الايام) از برخی معرکه‌گیران در میدان اصفهان فرا گرفته و چنین کاری شعبده‌بازی و تردستی است (هذا من اعمال الید والنیرنجات). معرکه‌گیران چنین کارهایی را برای گرفتن پول از مردم فرامی‌گیرند. فرستاده خجل شد و مجلس را در حالی ترک کرد که از بیان چنین مطالبی در حضور شاه و افاضل و خرده‌گیری بر علما با بیان چنین حکایت‌هایی، به شدت پشیمان شده بود.<sup>۱</sup>

متن ماجرای مذکور، تاریخی که بتوان زمان وقوع ماجرا را تعیین کند، ندارد و اشاره‌ای نیز به هویت فرستاده در آن نیست. در هر حال با توجه به تاریخ درگذشت عبدالصمد در ۱۰۲۰ مشخص است که ماجرا باید پیش از این تاریخ و پس از ۱۰۰۶ که اصفهان به پایتختی انتخاب شده، رخ داده باشد. عبدالصمد بیان کرده که شعبده‌بازی مذکور را در میدان اصفهان از معرکه‌گیری فرا گرفته و تعبیر «فی هذه الايام» را در اشاره به زمانی که او چنین کاری را فرا گرفته، به کار برده است. تعبیر مذکور نشانگر این مسئله نیز هست که ماجرای نقل شده در جایی جز

۱. قطب‌الدین محمد بن علی اشکوری دیلمی لاهیجانی، محبوب القلوب، تقدیم و تصحیح حامد صدقی و ابراهیم دیباجی (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۲ ش/ ۱۴۲۴)، ج ۲، ص ۴۰۷-۴۰۸. عبارت آخر ماجرا «تعبیر العلماء» باید «تعبیر العلماء» باشد. نمونه‌ای دیگر از مکاتبات جدلی میان عالمان شیعه با اهل سنت، نامهٔ مولانا محمد مشکک رستم‌داری است که ۹۹۷ در پاسخ به ایرادات عالمان سنی ازبک نوشته که متن آن در متون مختلف از جمله محافل المؤمنین، محمد شفیع حسینی عاملی (تصحیح و تحقیق ابراهیم عرب‌پور و منصور جغتایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۳ ش، ص ۶۴-۸۳ آمده است. هم چنین بنگرید به:

Biancamaria Scarcia-Amoretti, "Una polemica religiosa tra ulema di Mašhad e ulema uzbechinell'anno 997/1588-89", *Annali del Istituto Universitario Orientale di Napoli* n.s. 14.2 (1964), p. 647-671.





اصفهان رخ داده و فی هذه الايام به معنی اخیراً باید باشد. به احتمال قوی ماجرای مورد بحث باید در تبریز رخ داده باشد و فرستاده عثمانی نیز باید همان خضر بن حسین ماردینی باشد. در همان سال، یعنی ۱۰۲۰، عبدالصمد در نزدیکی مدینه درگذشته بود و جنازه‌اش برای خاک سپاری به نجف برده شده بود.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد عبدالصمد بن حسین که قصد انجام حج را داشته، در راه سفر خود برای رسیدن به کاروان‌های حجاج دمشق بوده که در ۱۸ شوال شهر را به مقصد مکه ترک می‌کردند. برای رفتن به دمشق، عبدالصمد بن حسین باید به تبریز، وان، آمد، حلب و دمشق می‌رفته که مسیر رسمی برای کسانی بود که قصد حج و پیوستن به کاروانی‌های حج را در آن دوره داشته‌اند.<sup>۲</sup> احتمالاً مرگ عبدالصمد در ذی القعدة ۱۰۲۰ در نزدیکی مدینه رخ داده باشد. مطالب نقل شده به وضوح نقش مهم عالمان عاملی در حمایت از صفویان در مواجهه فکری با عالمان عثمانی را نشان می‌دهد، مطلبی که علی‌رغم در دست بودن شواهد اندک، اهمیت فراوانی دارد.

#### پیوست مترجم

همان‌گونه که در مقاله حاضر به آن اشاره شد، در سال ۹۶۸ شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی، به نیابت از شاه طهماسب، پاسخی به نامه ارسالی سلطان سلیمان قانونی

۱. ابوتراب عبدالصمد بن حسین حارثی در سوم صفر ۹۶۶ در قزوین دیده به جهان گشود و همراه پدرش در حدود ۹۷۴ به هرات مهاجرت کرده و در همان جاسکونت داشته است. شیخ بهائی در هفتم شوال ۹۷۵ کتاب *الفوائد الصمدیه* را به نام برادرش ابوتراب تألیف کرد. پس از آن که در ۹۸۴ حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی، پدر عبدالصمد، در بحرین درگذشت، ابوتراب به جای پدر شیخ الاسلام هرات شد و این منصب در میان فرزندان او تاروزگار ۱۱۰۶ که افندی به تألیف *ریاض العلماء* مشغول بود در میان فرزندان و اعیان او باقی مانده است. برای شرح حال ابوتراب بنگرید به: افندی، *ریاض العلماء*، ج ۳، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ محسن امین، *اعیان الشیعه*، ج ۸، ص ۱۶-۱۷. آل مروه، از خاندان‌های شیعی مشهور لبنان، همان‌گونه که امین اشاره کرده، ظاهراً از اعیان ابوتراب عبدالصمد هستند.

۲. قطب‌الدین محمد بن علی اشکوری دیلمی لاهیجانی، *محبوب القلوب*، ج ۲، ص ۴۰۷-۴۰۸. جعفر مهاجر (سته فقهاء ابطال، بیروت: المجلس الإسلامی الشیعی الاعلی، ۱۹۹۴/۱۴۱۵)، ص ۲۷۰ داستان مذکور را در ضمن بحث از آشنایی شیخ بهایی با علوم خفیه آورده و آن را به خطا، به شیخ بهایی نسبت داده است. درباره قطب‌الدین اشکوری بنگرید به: *محبوب القلوب*، ج ۲، ص ۴۰۴-۴۰۵؛

Mathieu Terrier, "Qutb al-Dīn Ashkevarī, un philosophe discret de la renaissance safavide," *Studia Iranica* 40 (2011), pp.185-210.

(متوفی ۹۷۴) نوشته است. متن نامهٔ اخیر در اختیار سید محمد اشرف سبط میرداماد بوده و در کتاب *فضائل السادات* (قم ۱۳۸۰ق/۱۳۳۹ش)، ص ۴۲۱-۴۲۲ بخشی از آن را آورده است. تنها نسخه‌ای که از این اثر تا به حال بدان دست یافته بودم، در ضمن نسخه‌ای از رسائل حسین بن عبدالصمد در کتابخانه ملی تبریز بود. در فهرست آغاز نامه چنین نقل شده است: «الحمد لله الذی ارسل رسوله بالهدی...» پس از کوشش فراوان، تصویری از کل مجموعه تهیه شد؛ اما متأسفانه رسالهٔ مذکور که آخرین بخش مجموعه بوده، در آن موجود نبود. حال به دلیل آن که در تصویر تهیه شده، بخش مذکور اسکن نشده بود یا آن که بخش مذکور در نسخه موجود نبوده است. خوشبختانه به لطف جناب آقای رضا مختاری که در سفر به عراق برخی آثار مرتبط با شهید ثانی را تهیه کرده بودند، به نسخه‌ای دست یافتیم که در کتابخانهٔ مرحوم آیت الله سید محسن حکیم به شمارهٔ ۷/۹۰۳ نگهداری می‌شود و متن نامه به طور کامل در آن جا آمده است. ابتدا بهتر است تا متن کامل نامه را رایبه دهم و سپس از اهمیت بخش دیگر که به دلیل در دسترس نبودن، بحثی از آن در مقاله نیامده، خواهم آورد.

### بصحة

هذا الباب كتبه على لسان الشاه أدام بصره جواباً عن كتابة السلطان سليمان في طلب اولاده فارسى رسولاً والشاه رسولاً وارسل معه جواباً آخر فارسياً<sup>۱</sup>.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی ﴿أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (التوبة، ۳۳)، المخاطب بـ ﴿مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (الأنبياء، ۱۰۷)، محمد رسول الله والذین آمنوا أشداء على الكفار، ذلك جدنا سید الاولین والآخرین صلوات الله وسلامه علیه صلوة وسلاماً دائماً دائمین بدوام الاعصار. وعلى اینا علی امیر المؤمنین اخی النبی وابن عمه ووصیه وولی المؤمنین بنص ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ

۱. در کتاب *فضائل السادات* عبارت آغازین پیش از نقل نامهٔ حسین بن عبدالصمد چنین است: «هذا جواب كتابة السلطان سليمان لما ارسل يطلب اولاده من الشاه طهماس ادم الله نصره وتأييده لما هربوا الى عنده فكتبت هذا الكتاب على لسان الشاه جواباً عن كتابه وذلك سنة ثمان وستين وتسع مائة احسن الله تقضها.»

۲. در *فضائل السادات*: معه.



الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿المائدة، ٥٥﴾، إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً وَذِكْرَى لَأُولَى  
 الابصار، باب مدينة العلم ومحبوب الله ومحبوب رسوله ومدوحهما ومولى من كان النبي مولاه،  
 كما شهدت به الاخبار، وعلى امنا سيدة النساء فاطمة الزهراء المغصوبة حقها جهرا، المدفونة  
 لغضبا على غاضبها سرا بعد ما سمعوا «فاطمة بضعة منى من آذاها فقد آذانى»، و﴿إِنَّ الَّذِينَ  
 يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ (الأحزاب، ٥٧) ﴿وَلَيْكَ يَا لَعْنَهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾ (البقرة،  
 ١٥٩)، فيالها عبرة لذوى الاعتبار، وعلى جدتنا خديجة الكبرى ذات الفضل على نساء الأنام،  
 الفاتقة بالفوز بشرف السبق إلى الاسلام ورضى النبي المختار وعلى آبائنا المطهرين بنص الكتاب  
 ﴿الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَدْرُسُونَ  
 بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ  
 وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ  
 عُقْبَى الدَّارِ﴾ (الرعد، ٢٢-٢٤) وعلى المتمسكين بكتاب الله وعترته النبي أهل بيته الذين قد جاء  
 النص الصحيح ان المتمسك بهما لن يضل ابداً، ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾  
 (إبراهيم، ٥)، اولئك نحن اعنى ابناء اهل البيت وشيعتهم لانالم متمسك الا بكتاب الله  
 والذين امر الرسول بالتمسك بهم، فيالنا فخرا يفوق كل فخار، فانسابنا انور من ليلة القدر  
 واحسابنا اشهر من يوم بدر وقصر مجدنا اقترت له القصور بالتصور ولبست منه الشعرا العيور  
 مشعار الغيور وجوهرنا من جوهر الشرف لا من جوهر الصدف ويواقيتنا من يواقيت الأحرار لا  
 من يواقيت الاحجار، لسنا بحمد الله فى شك من الدين وانا على هدى ييقين واى يقين رأينا  
 فيه والله المنة سديد وباسنا شديد وكيدنا عتيد لكل جبار عنيد وحيننا سعيد وقتيلنا شهيد ﴿وَمَا  
 عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ﴾ (آل عمران، ١٩٨) وعليكم ايها الأخوان فى الإسلام المقلدون سلفهم فى  
 العقايد والاحكام المتمسكون بقانونهم الذى ما انزل الله به من سلطان وقدموه على كتاب الله  
 وسنة النبي ﴿وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ (المائدة، ٤٤)، ﴿وَإِذَا قِيلَ  
 لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا﴾ (لقمان، ٢١)، ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا  
 الضَّلَالَةَ بِالْهَدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ﴾ (البقرة، ١٧٥).

وبعد فلما هرب ولدكم خوفاً من القتل وان يُفعل به كما فعل باخوته من قبل حيث ﴿قَسَتْ  
 قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ﴾  
 (البقرة، ٧٤)، فواعجبا كيف يُجوزون قتل أولادكم خشية املاق من الملك ولا تخافون الله

ويعتدون عليه ومجرون على قانونكم الذى زَيَّته سفه احلامكم وتدخلون فى خطاب ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ اِنْ تَوَلَّيْتُمْ اَنْ تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ وَتَقَطِّعُوا اَرْحَامَكُمْ﴾ (محمد، ۲۲)، ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظّٰلِمُونَ اِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيْهِ الْاَبْصَارُ﴾ (ابراهيم، ۴۲)، ولما جاءنا لدخلناه فى جملة اضيافنا واكرمناه بما يليق به جريا على عادة اسلافنا فحركه الطبع الوخيم والاصل اللثيم ووعدته الشيطان ومثته نفسه امرا كبيرا، ﴿يَعِدُّهُمْ وَيَمْنِيْهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمُ الشَّيْطٰنُ اِلَّا غُرُوْرًا﴾ (النساء، ۱۲۰) فكان من الذين ﴿بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ كُفْرًا وَاَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ﴾ (ابراهيم، ۲۸-۲۹) ولقى هو جزاء ما زينه له الشيطان من سوء فعله ولا يحيق المكر السيئ الا باهله ولكنا ابقينا عليه وعلى اولاده انفسهم لما تقدم بيننا وبينكم من الصلح وحفظا للذمام والذمار.

فصل ثم وصلت كتبكم مع رسولكم وانبأتنا عما تخيل فى عقولكم، فطلبتم منا امورا ما احسبتم فى طلابها ولادخلتم البيوت من ابوابها،<sup>۱</sup> فواعجا كيف تطلبون منا هذا الامر العظيم الذى لا يجوز فى الشرع ولا فى العرف ولا فى النقل القويم وانتم مصرون على ظلمنا واخذ املاكنا من الزمن القديم ابعد ان تقدتيم علينا مرارا وفعلتهم فعل الجبار العنيد تطلبون منا من هرب خوفا من القتل واستجار بنا فاجرناه ﴿ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتْ اَيْدِيْكُمْ وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعَبِيْدِ﴾ (آل عمران، ۱۸۲) وهل يليق من مثلنا ان يخون ذمته او يهدم حرمة وقد ثبت فى الشرع ان الكافر اذا استجار بالمؤمن وجبت اجارته، افلا تبصرون ﴿وَحِيْلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِاَشْيَاعِهِمْ مِّنْ قَبْلُ﴾ (سبا، ۵۴) ﴿كَذٰلِكَ يَطَّعُ اللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُّتَكَبِّرٍ جَبّٰرًا﴾ (غافر، ۳۵) ثم ان طلبكم انما هو لخوف افساده عليكم فعلى عهد الله الا نمكته من ذلك ما دمنا ودمتم سالمين واذا جاء امر الله ف ﴿اِنَّ الْاَرْضَ لِلّٰهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَاَلْعَاقِبَةُ لِّلْمُتَّقِيْنَ﴾ (الأعراف، ۱۲۸)، واما الآن فلا ضرر ولا ضرار.

فصل ليس فى منع رده عليكم نقض للصلح الذى وقع منا اليكم لانه ليس فى عهدنا ان نردّ من اولادكم من بغيتهم عليه أو بغى عليكم فإن بقيتم على الصلح فأنتم الاخوان فى الإسلام رضينا بما عندنا عوضا عما عندكم راسا براس وان نقضتموه علوا واستكبارا فلا بأس علينا وسيحل

۱. در بالای نسخه بدون آن که به جای مشخصی از نسخه ارجاع داده شده باشد، نوشته شده است: «لأنهم طلبوهم ليقتلوهم».

بناقض العهد البأس ﴿وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾ (الرعد، ۲۵)، وکيف نخافکم وقد ذهب من قبل بغضنا اليکم وکانت کلمتکم بينکم مؤتلفه وکلمتنا مختلفه ولم يكن بيننا وبينکم صلح وزحفتم إلینا ودولتکم اخذة فی الاقبال تريدون بناضيرا فردکم الله بغیظکم لم تنالوا خیراً فكيف ترجون بنقض الصلح خیراً واکثرکم عندنا وقلوب اکثر عسکرکم فی الظاهر توددکم وفي الباطن تکاتبنا (؟) وتوددنا وبيننا وبينکم صلح فاذا عسی ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ (الشعراء، ۲۲۷) ﴿وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ صَلَاةِ رَبِّهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (النمل، ۸۱) ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ﴾ (السجدة، ۲۲)، ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ﴾ (هود، ۱۶). تمّ وکمل.<sup>۱</sup>

۱. سیدمحمد اشرف بعد از نقل بخشی از نامه در انتهای نقل خود نوشته است: «الی آخر جواب الکتابه وکتابنا منه ما هو مناسب لهذا الکتاب...». آغاز وانجام نسخه کتابخانه مرحوم آیت الله حکیم با آغاز وانجام موجود در نسخه تبریزی یکی است. متاسفانه از مجلدات منتشر شده فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرحوم آیت الله حکیم، تنها دسترسی به جلد نخست آن امکان پذیر شد که توصیف مجموعه اخیر در آن نبود. بر اساس تصویر آغاز نسخه که در اختیارم قرار دارد، کاتب نسخه، شخصی به نام شیخ حمزه بن محمود طریحی نجفی بوده که متولی مسجد الشمس در حله بوده است و تاریخ کتابت برخی از آثار ۱۰۷۶ ذکر شده است (تاریخ اخیر در طبقات اعلام الشیعة: الروضة النضرة فی علماء المائة الحادیة عشرة، ص ۱۹۱، ۱۰۸۶ آمده است). آقابزرگ (همان، ص ۳۵۰) از عبدالله بن حمزه بن محمود حلی فرزند عالم اخیر یاد کرده و گفته که برخی آثار مجموعه ای که او پدرش کتابت کرده اند، تاریخ ۱۰۷۶ و ۱۰۸۶ را دارند. آقابزرگ اشاره ای به مکان مجموعه رسائل کتابت شده توسط دو فرد اخیر نکرده، اما به احتمال قوی وی دو مجموعه از آثار که فرد اخیر و فرزندش کتاب کرده اند، دیده است، یعنی مجموعه ۹۹۸ و ۹۰۳ موجود در کتابخانه مرحوم آیت الله سیدمحسن حکیم باشد. در مجلد نخست فهرست مخطوطات مکتبه الإمام الحکیم العامة، تألیف محمد مهدی نجف، ج ۱، ص ۴۷ اطلاعات پراکنده ای از دو مجموعه اخیر آمده و از دیگر رسائل آمده در مجموعه ۹۰۳ به ارشاد نصف البصیر (در الندریة، ج ۱، ص ۵۲۲ با عنوان ارشاد المنصف البصیر الی طریق الجمع بین أخبار التقصیر) از عبدالسلام بن محمد حر عاملی (متوفی ۱۰۴۳) با تاریخ کتابت ۱۰۷۶ در سیزده برگ (فهرست المخطوطات، ج ۱، ص ۴۷ و تصویری از انجامة آن در بخش تصاویر نیز آمده است که در انجامة آن فرزند شیخ محمود حلی خود را کاتب نسخه معرفی کرده و نوشته است: «نقته العبد الأقل عبدالله الشیخ حمزة بن الشیخ محمود الحلی المتولی المسجد المعظم الشمس سنة ۱۰۷۶») با این حال مرحوم مهدی نجف در صفحه ۴۷ پدر را به خطا کاتب رساله ارشاد المنصف معرفی کرده است که با تصریح آمده در انجامة کاتب، فرزند اوست) و از رسائل آمده در مجموعه ۹۹۸ به جواب المسائل المدنیات الأولى والثانیة که شیخ محمود حلی نجفی طریحی در ۱۰۸۶ از کتابت آن فراغت حاصل کرده (فهرست المخطوطات، ج ۱، ص ۱۶۵) اشاره شده است. در اشاره به انجامة

در متن اخیر، اشاره‌ای به تاریخ کتابت نامه نیامده است در حالی که نویسنده فضائل السادات تأکید دارد که نامه در ۹۶۸ نوشته است. در حالی که نویسنده فضائل السادات اشاره‌ای به نامه دیگر نوشته شده همراه با نامه حسین بن عبدالصمد به نیابت از شاه ندارد، در نسخه اخیر اشاره شده که همراه متن عربی، متن فارسی نیز ارسال شده است.<sup>۱</sup> از حیث محتوی بخشی که در کتاب فضائل السادات نیامده، از جهاتی اهمیت دارد. نخست به درخواست رسمی سلطان سلیمان قانونی در قتل فرزندش که شاه ابتدا به قتل برادرانش بدون اشاره به نام یعنی سلطان مصطفی و جهانگیر اشاره کرده و به رسم متداول در میان عثمانی ها در قتل فرزندان پسر پسر از بر تخت نشستن شاه جدید اشاره کرده و آن را عملی غیر شرعی ذکر کرده و در ادامه از حرمت جوار شاه به سلطان بایزید و به نبود شرطی مشخص در ضمن بندهای قرار داد آماسیه اشاره کرده است. حسین بن عبدالصمد با الحنی تهدید آمیز بیان می دارد که شاه طهماسب باکی از برهم خوردن صلح با عثمانی ندارد و حاضر نیست تا به زیر بار شرطی برود که در قرار داد آماسیه مورد پذیرش صفویان قرار نگرفته و در همین جا به تلاش سلطان بایزید در شورش علیه طهماسب اشاره کرده است.



لله آمده در مجموعه ۹۹۸ گفته شده که در پایان آن شیخ محمود حلی نجفی طریحی نوشته است: «اتفق اتمام هذه الصکوک فی المشهد المقدس فی السنة السعيدة سنة ستة وثمانین بعد الألف من الهجرة النبوية علی صاحبها أفضل التحية». رساله یازدهم مجموعه ۹۰۳ که تصویری از آن در اختیارم هست، رساله نتایج الأفكار فی بیان حکم المقیمین فی الأسفار است و در انجامة آن چنین آمده است: «...وقد نقلت هذه النسخة من نسخ الأصل بخط مؤلفها الشيخ الإمام العالم الفاضل الكامل المحقق المدقق زین الملة والحق والدين بن الشيخ علی بن الشيخ احمد علیه الرحمة والرضوان بقلم اقل الخلیقه الشيخ حمزة بن الشيخ محمود متولی مسجد الشمس فی الحلة».

۱. برای تصحیح متن نامه سه نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی از کتاب فضائل السادات را (شماره‌های ۱۴۹۴۳، ۹۳۷۴، ۵۴۹۴) بررسی کردم؛ در کمال تعجب دریافتم که دو نسخه از سه نسخه با یکدیگر شباهت دارند و نسخه سوم با دو تحریر دیگر تفاوت دارد و هر سه نسخه با متن چاپی تفاوت دارند و متن چاپی مشتمل بر اضافاتی است که در هیچ یک از سه نسخه نیست. به الدررعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۵۹ مراجعه کردم و در آن جا مرحوم آقابزرگ به تفاوت تحریرهای کتاب اشاره کرده و گفته که تحریر اولی کتاب به نام /شرف المناقب بوده و در عصر شاه سلیمان (متوفی ۱۱۰۶) تحریر شده و تحریر دوم که فضائل السادات نام دارد، در روزگار شاه سلطان حسین تدوین شده که شامل اضافات فراوانی است. براین اساس برخی از نسخه‌های کتابخانه مجلس در حقیقت /شرف المناقب است.



## معماری قاجاری در سفرنامه ذهابیه قم و فهرستک لغات و ترکیبات کمیاب آن

سید محسن محسنی

### مقدمه

علی آبادنامه یا سفرنامه ذهابیه قم نوشته محمد کاظم خان کاشانی به کوشش جناب حسین مدرسی طباطبایی در ملحقات چاپ دوم تاریخ دارالایمان قم، نوشته محمد تقی بیگ ارباب (قمی) بدون ذکر نام ناشر و تاریخ همراه با چند رساله دیگر مربوط به قم در سال‌های نخستین دهه پنجاه نشر گردیده است. تعداد صفحات این رساله در چاپ مذکور ۶۳ صفحه می باشد. کوشنده محترم مقدمه ای کوتاه اما پرمغز نیز در حدود ۵ صفحه بر متن چاپی افزوده است که جمعاً صفحات ۲۰۷ تا ۲۷۴ مجموعه مذکور را در بر می گیرد.

این رساله از زمره رسائلی است که در توجیه ساختن راه جدید تهران-قم در زمان میرزا علی اصغر خان امین السلطان وزیر مشهور ناصرالدین شاه نگاشته شده است، آن را محمد کاظم خان کاشانی به قلم آورده است.<sup>۱</sup> ما از احوال نویسنده اطلاعی نداریم، لیکن توصیف دقیقی که از ساختمان‌ها و تأسیسات بین راه که بعضاً هم اینک وجود خارجی ندارد، به دست داده است، رساله مذکور را درخور توجه می سازد. وی در این جایگاه از واژه‌ها و عباراتی استفاده می نماید که خواننده آشنا با ادوار نثر فارسی و متن‌های مرسوم این روزگار

۱. فهرست این کتابچه‌ها و رسائل و منابعی که متضمن این موضوع‌اند در مجالی دیگر به دست داده می شود.

و حتی زمان نگارش پاره‌ای از آن‌ها را کمتر دیده یا اصلاً ندیده است. این امر، استخراج این لغات و ترکیبات را خاطر نشان می‌سازد. از این رو نوشتار حاضر به این مهم اختصاص دارد. خلاصه‌ای از ماجرای ایجاد راه مذکور در مقدمه کتابچه زرین قلم آمده و در شماره ۷۱ (بهار ۱۳۹۲) مجله حاضر با عنوان کوتاه «گزارش راه جدید تهران-قم» و تفصیلی «کتابچه در تعریف/گزارش راه جدید از دارالخلافه تهران تا آستان ملک پاسبان حضرت معصومه (علیها السلام)» به چاپ رسیده است و فعلاً به همین اندازه بسنده می‌گردد. اما کوشنده محترم از رویداد ناگواری نیز یاد می‌کند که خواندن آن عبرت آموز است:

اقدام اسف آور دیگری که در اجرای طرح تغییر جاده معمول گردید و آن را در حد خود باید جنایتی بزرگ خواند ویران ساختن بنای باستانی و بسیار مهم «دیرگچین» برای استفاده از مصالح ساختمانی آن در بنای مهمانخانه علی آباد متعلق به امین السلطان بود که به گفته حاجی نجم الملک (در سفرنامه خوزستان، ص ۱۸۱) مانند مدرسه اصفهان و دو برج ری از دست رفت. (مقدمه صص ۲۱۰-۲۰۹)

ایشان در ادامه می‌افزاید:

میرزا اصغر خان امین السلطان به سابقه مدفون بودن مادر خود در قم، سالی یک بار به این شهر سفر می‌نمود. رساله حاضر وصف یکی از سفرنامه‌های او به قم است که متضمن وصف دقیق همین راه احدائی و منازل میان آن و در جهت و مسیر تبلیغاتی است که به منظور پنهان داشتن و توجیه و «لوث» زورگویی و تعدی آشکار او در این مورد انجام پذیرفته است. این رساله سرگذشت و شرح وقایع چهار روز آغاز سفر مزبور است که از شنبه ۱۷ صفر ۱۳۰۴ تا یکشنبه دوم ربیع الاول به طول انجامیده و آن را یکی از وقایع نگاران دستگاه او که در این سفر همراه وی بوده نگاشته و «علی آباد نامه یا سفرنامه ذهابیه قم» نام داده است. این اثر به خاطر وصف تفصیلی راه جدید و منازل آن به هر حال از مآخذ تحقیقی پیرامون وضع جغرافیایی و تحولات قم در دوره قاجار شمرده می‌شود و از این رو با آن که سراسر آن آمیخته به خوش آمدگویی نسبت به امین السلطان با قلم پردازی‌هایی سست بود به نشر آن بر اساس نسخه اصل (ش ۲۳۱۵ کتابخانه مجلس شورای ملی-تهران) مبادرت رفت. (مقدمه صص ۲۱۱-۲۱۰)

علی‌رغم این، همان گونه که گفته شد نحوه توصیف بناها، کاروانسراها، حمام‌ها، قهوه‌خانه‌ها، پل‌ها، مهمانخانه‌ها، برج‌ها، قنات‌ها، آسیاها، باغ‌ها و حتی مناظر و عوارض طبیعی بین راه





و استفاده از لغات و اصطلاحات کمیاب و بعضاً نایاب در این مقام، توجه و التفات هر خواننده علاقمندی را جلب می نماید. برای نمونه او بالغ بر دو صفحه از رساله را به توصیف پل رودخانه شور که در هنگام بازدید در حال ساخت بوده - اختصاص داده است و دقتی که در این مورد به خرج داده - فارغ از مقصودش - ستودنی است. (صص ۲۲۶-۲۲۴)

### توصیف ساختمان ها

وی جایی در چگونگی بنای کاروانسرای حسن آباد می گوید:

#### ۱. وصف کاروانسرای حسن آباد

اما بنای کاروانسرا از سه طرف که شمال و جنوب و مغرب باشد، تماماً با سنگ های بسیار صاف خوب لبه دار و کج ساخته شده، پنج ذرع ارتفاع عمارت و جدران دارد. به طوری سنگ کاری شده که اگر با آجر ساخته می شد به این صافی و مستقیم نمی بود. ولی بقدر پنج رک با آجر و گچ چیده و ساخته شده برای حفظ از آب باران که پشت سنگ چین نیفتد. لیکن از طرف شرقی که جلودرو سردر کاروانسراست، تماماً از گچ و آجر ساخته شده. وارد دالان کاروانسرا که می شوند طرفین دالان دو اطاق مقابل یکدیگر است. داخل صحن دور تا دور یعنی چهار ضلع مشتمل است به اطاق های یک دری، و دو زوایه ضلع غربی مقابل در کاروان سرادو خلوت است که می توان در آن ها منزل کرد. کلیه سی باب اطاق دارد. طول کاروان سراسی ذرع، عرض بیست و چهار ذرع، دور تمام کاروانسرا پشت اطاق ها سرتاسر طویله های عریض و طویل مسقف است، مشتمل بر طاق نماها برای بارانداز، و همچنین در چهار زاویه بر در هر دو طویله سکویی بسته شده، مشتمل بر چهار ستون برای منزل و بارانداز کاروانیان و زوآر. (صص ۲۱۹-۲۱۸)

در جایی دیگر در تعریف ناودانی در عمارت علی آباد بیان می دارد:

#### ۲. وصف ناودان

بین این دو راه پله در وسط ارتفاع کرسی ذیل عمارت در دیواره زیر خزند لبه دریاچه ناودانی سه ذرع طول، نیم ذرع عرض و یک چارک گردی میان، از یک پارچه سنگ حجاری شده، در عرض آن دیواره قرار داده اند که بالاتصال آب مذکور از دریاچه در آن ناودان ریخته و از آن جا زیر جاده راه آبی ساخته شده که آن آب به حوض قهوه خانه



می رود. این ناودان برای آن است که تمام حیوانات از آن ناودان به سهولت بدون آن که سر را به زیر آورده مخالف طبیعت و به کلال و ملال آب خورند، بلاشکال آب آشامند و همچنین اناس عابریین به غیر آن که داخل عمارت شوند از آن جا به آسانی و سهولت آب بردارند. (ص ۲۳۴)

در خصوص قهوه خانه علی آباد می نویسد:

۳. قهوه خانه علی آباد

اما برون قهوه خانه یعنی در قهوه خانه و جلو آن و دوطاق طرفین صفة شمال غربی که جزو جلو و طرفین در قهوه خانه است، اولاً دری عالی آن جا گذارده شده مقابل و محاذی ایوان صدر عمارت، و طرفین در سکوی باریکی به عرض سه چارک بسته اند، برای هر که بخواهد وارد نشود، می تواند همان جا نشسته چاهی (چایی) بخورد و قلیان بکشد در حالی که عنان مال سواری خود را در دست داشته و معجلاً خواسته باشد برود در هر وقت از اوقات، یا آن که مسافر چنان خسته باشد که نتواند داخل قهوه خانه شود پیاده یا سواره همانجا چاهی (چایی) خورده و تدخین سیگار و قلیان کرده به کاروانسرا برود. یا آن که به کلی از این منزل بخواهد رد شود.<sup>۱</sup> (ص ۲۳۶)

### نگارنده سفرنامه

گفته شد که از محمد کاظم خان کاشانی نویسنده رساله که از ستاینندگان و وقایع نگاران امین السلطان دوم بوده است، جز نام و رساله مورد بحث آگاهی بیشتر فعلاً در دست ما نیست.<sup>۲</sup> لیکن همین رساله نشان می دهد که او مردی آگاه بر هنر معماری و ساخت و ساز

۱. «این قهوه خانه اخیراً از کار افتاده بود بلکه در سفرهای بعدی دیدیم که آن قهوه خانه که در زیر جاده بود، از بین رفته. عوض آن قهوه خانه ای دیگری در بالای جاده متصل به اصطخر ساخته شده، این اصطخر و آن قهوه خانه سابق از بناهای میرزا علی اصغر خان اتابک بود و علی آباد به اسم او نامیده شده و حمای هم در جنب آن برای آسایش مسافرین ساخته بود. در سفر اول حمام موجود بود، گرچه درش بسته بود و کار نمی کرد ولی در سفرهای بعد از آن حمام و قهوه خانه اثری ندیدیم بلکه در مقابل آن قهوه خانه ای دیگر دایر شده است که فعلاً در کار است» جنگل مولی (سفرنامه قم، نگاشته شده در ۱۳۳۵ ه ق) شبیری زنجانی (آیت الله)، سید احمد، مجموعه رسائل، زائر، قم، ۱۳۸۴، ص ۲۰۹.

۲. در مورخ ۹۱/۱۲/۱۰ با جناب افشین عاطفی پژوهشگر محترم کاشانی و کاشان پژوه (فرزند فاضل گرامی) ۶۸

و به تعبیر خودش در «تهندس» ماهر و چه بسا خود معمار بوده است. متن نشان می‌دهد که اوریا ضی و هندسه می‌دانسته و از این دانش‌ها در وصف ساختمان‌ها به خوبی استفاده نموده است. البته کوشنده محترم در قسمتی از مجموعه مورد بحث از محمد کاظم خان فرزند محمد حسین خان کاشانی یاد نموده که متصرف یک دانگ و نیم قریه علی‌آباد از قراء سراجیه قم بوده است و رساله‌ای مشتمل بر چند فرد و حکم شرعی در باب موقوفه بودن قریه مذکور در سال ۱۲۸۱ یا اندکی پس از آن نگاشته و در آن سه نسخه جمع و خرج آستانه مربوط به سال ۱۱۳۹، ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ را عیناً درج و ثبت نموده است. ایشان می‌افزایند، محمد حسین خان کاشانی پدر نگارنده این رساله باید همان حاکم قم در روزگار فتحعلی شاه مالک قریه زعفرانی سراجیه باشد. در احکام و ارقامی از فتحعلی شاه مربوط به دوره حکمرانی همین محمد حسین خان در قم - علی‌الرسم از او نام آمده است. (صص ۲۸۱-۲۸۲)

رساله مورد بحث آکنده از واژه‌ها و اصطلاحات ارزشمند معماری است، که قاعدتاً یک فرد عادی اطلاعی از آن ندارد و تنها یک شخص کاردان و باتجربه از آن‌ها آگاه است. پس درمی‌یابیم که امین السلطان به درستی او را جهت نگارش سفرنامه و به منظور مورد بحث انتخاب نموده است. همین امر رساله را به عنوان گنجینه‌ای ارزشمند و کم‌نظیر در حوزه معماری سنتی قاجار درخور توجه و عنایت می‌کند. نوشته مورد بحث راجع به وقایع چهارروزه آغاز سفر وی و شماری دیگر به قم همراه با وزیر مزبور است. او همراهان خود را این‌گونه معرفی می‌نماید:

«جناب حسن عاطفی» تلفنی تماس گرفته شد و از وی درباره محمد کاظم خان کاشانی درخواست اطلاعات شد. ایشان به جز محمد کاظم خان شیانی و شیخ محمد کاظم مجتهد که هر دو گویا قبل از تدوین رساله حاضر در گذشته‌اند و با محمد کاظم خان مورد بحث متفاوت‌اند، آگاهی بیشتری در اختیار نداشتند. مرحوم محمد تقی دانش‌پژوه از شخصی به همین نام این‌گونه یاد کرده است: «محمد کاظم خان کاشانی در ۱۲۵۵ قوانین‌السیاق خود را از روی نفائس‌الفنون و دو کتاب دیگر در یزد ساخته‌اند، یکی قطب‌الدین خسرو شاه نامی ساخته است. نسخه ملک ۲۴۲۴، نوشته ج ۱/ ۱۲۷۵» مطلبی کاشانی، نادر و غیره، حدیث عشق (دانش‌پژوه در قلمرو جستارهای نسخه‌های خطی)، دفتر اول، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۳. اگر نگارشگر هر دو کتاب یکی باشد و رساله نخستین را در میانسالی و پیرامون چهل سالگی نگاشته باشد، هنگام نگارش رساله مورد بحث حوالی ۷۰ سالگی بوده است. البته در چنین سنی و در شرایط آن روزگار، توان مسافرت نمودن و نوشتن با این دقت و براساس مشاهدات عینی و اندازه‌گیری ساختمان‌ها با جزئیاتی که در رساله وجود دارد، ضعیف می‌نماید. هر چند می‌توان احتمال داد که نویسنده هر دو رساله با توجه به وحدت نام و هم‌روزگاری و این‌که موضوع رساله اولی از مباحث ریاضی است و مورد نظر در این امر متبحر بوده - یکی باشد.

اشخاصی که در این سفر مهمان جناب اجل هستند: جناب وزیر علوم، آقای ناظم خلوت، آقای میرزا محمدخان، حاجی محمد حسن امین‌الضرب، حاجی میرزا حسین ممیز، آقا میرزا احمد منشی باشی، حاجی کربلایی<sup>۱</sup>، آقا میرزا حسین مداح کرمانی. (ص ۲۱۳)

دقتی که نویسنده در وصف موضوعات و بیان جزئیات در شرایط آن زمان و آن هم در مدت چهار روز مصروف داشته هر چند رساله را پس از پایان مسافرت نگاشته است، خواننده امروزی را به آگاهی‌هایی رهنمون می‌کند که اگر رساله حاضر نبود، آن‌ها را در دسترس نداشت. به هر حال نویسنده شخصی دقیق و پرحوصله بوده است.<sup>۲</sup>

### حکایات بین راه

حکایاتی نیز که ذکر کرده، خواندندش خالی از لطف نیست. یکی «تظلم درویش در منزل منظریه» که پیش از این در مجله راهنمای کتاب سال دوازدهم، صفحات ۶۹۳-۶۹۱ چاپ شده است. (مقدمه، ص ۲۱۱)

دیگری مربوط به قراسوران (محافظان) خاک تهران است، که به ذکر آن‌ها مبادرت می‌رود. پیش از این‌ها تکه‌ای در خصوص «وضع و هیأت» آقا باقر سعد السلطنه مدیر راه مذکور نگاشته که نمکین است، و در پی می‌آید:

#### ۱. وضع و هیئت آقا باقر مدیر راه

ناگاه آقا باقر از سرپل معجلاً مستقبلاً وارد. وضع و هیأت ظاهرو چگونگی برزخ و صورت آقا باقر:

موی سروریش از بی‌همامی و بی‌خضابی سفید، رنگ روی از تابشات و حرارت آفتابی سیاه هم‌چون عبید، از بی‌اصلاحی و بی‌اعتنایی مانند کیک‌های الوار

۱. حاجی کربلایی دل‌تک امین‌السلطان بوده است (ص ۲۷۵).

۲. عبدالرحیم کلانتر ضرابی، مؤلف *مرآة القاسان* یا *تاریخ کاشان* که آن را در «۸-۱۲۸۷ق» نگاشته است (چاپ ایرج افشار، امیرکبیر، ۱۳۵۶) در ذکر خاندان‌های مشهور کاشان، از شش محمد کاظم نام می‌برد که از آن‌ها به جز همنامی و اقتران زمانی و همشهری بودن، که در همه‌شان مشترک است، نشانه دیگری که بتوان یکی از آنان را نویسنده رساله حاضر دانست، به دست نمی‌آید. بنگرید به صص ۲۹۴، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۷، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۴ مأخذ اخیر.



کهکیلویه و خوانین اتراک قشقائی، شلوار شلخته سرداری کهنه، گیوه بغل دریده و یخه پیراهن پاره و چرک و چکنه، از عرق و گرد و غبار صحاری و برارازی سامانی و پریشانی اگر او را کسی نمی شناخت، می پنداشت عملاً قی است یا بتای کاشانی. به وضع و هیئتی و به ترکیب و صورتی که به تحریر و تقریر نمی آید. (ص ۲۶۴)

## ۲. حکایت محافظان راه تهران

قریب به میهمانخانه کهریزک کاروانسرای بی دکان بقالی دیده شد که پنج نفر قراسوران خاک تهران آن جا بودند بالباس های مندرس که به وصف نمی آید. اسب هاشان به طوری لاغر که قوه حرکت نداشتند. از آن ها سؤال شد که این چه حالتی است؟ گفتند ما مأخذ معیشتی نداریم به جز جیره و مواجب و به مانه جیره می رسد و نه مواجب. گفتیم چرا تفنگ ندارید؟ گفتند تفنگ ها نزد بقال گرواست! نه ما را می گذارند بر سر خانه خود رویم و نه نان و آب و نه علیق به ما می دهند. در این صورت چگونه می توانیم حافظ راه باشیم. باز گفتیم پس چگونه معیشت می کنید؟ گفتند این جاها مرغابی و بعضی طیور دیگر هستند، حضرات فرنگی این جا به شکار آمده، ما آن ها را خدمت می کنیم آن ها گاهی معیشت ما را متحمل می شوند.

حاجی امین الضرب حاضر بود به ایشان گفتند بنابراین خوب است دزدی کنید! یکی از آن ها به رسم ترکان - که هر وقت فارسی می گویند ضمیر متکلم را به طور خطاب ادا می کنند - گفت اگر دزدی کنیم پدرت را می سوزانند!

همراهان همه خندیدند که حاجی را من غیر مقصود شخص قراسوران فحش داد. (ص ۲۱۵)

## ۳. واقعه درویش:

بعد از ختم کلام احضار شام شد. ناگاه متظلماً از خارج مهمان خانه گفتگویی و در آبدارخانه هیاهویی مسموع که کسی به دادخواهی و پناه جویی آمده و از حضرات قراسوران ها ممنوع است. جناب اجل امر به احضارش فرمودند.

چون وارد شد دیدیم جوان مردی یزدی به شیوه و شیمه درویشان، در اقوال و احوال سراسیمه و پریشان، با اضطراب و التهاب بسیار از روی عجز و انکسار اظهار داشت که امروز در عرض راه کوشک نصرت و منظریه بعد از آمدن شما که هر یک از فقرا را

اطعام به طعامی و مستفیض به فیض و انعامی فرمودید پنج شش نفر از قلندران اوباش و بی‌پا و سران تَباش و نره‌گدایان کلاش و رندان پابند گسسته قلاش و غولان از کار گریخته ناتراشیده ناخراش، که الحال به صورت و کسوت درویش و بالمآل و حقیقت کلاه‌برو کیسه‌بر و شارب حشیش، الدنگان بی‌شرم و حیا و بنگان سراپا خطا، ...<sup>۱</sup> بنگیان به بنگ مفتون، وافوریان مبهوت از افیون، ملبس به لباس و کسوت درویشان بی‌خبر از طریقه و حالت ایشان، و مصوّر به صورت سیاحان، بی‌اثر از سیر و سیاحت آنان، این لاتان بی‌باک و لوطیان سینه‌چاک، این قاربازان پاک‌باخته و ...<sup>۲</sup> خراب به لباس اولیاء خود را ساخته پناه به این دو کسوت و عنوان آورده تا این که حامل هر ممنوع و منکری که باشند و فاعل هر خطیئه و سیئه‌ای که گردند هم از تذییر شرعی امام مصون و هم از تأدیب عرفی حاکم عرف مأمون بوده. از حضرت عبدالعظیم با این گدامنشان لئیم و تبعه شیطان رجیم و منحرفان از طریقه مستقیم همراه و هم قدم و هم صحبت و همدم شدیم.

در ضمن مصاحبت و مرافقت در این طی زمان و مدت و قطع مسافت از حضرت عبدالعظیم تا کوشک نصرت از بعضی مکالمات و علامات و برخی حکایات و روایات من استتباط و درایت کردند که پول دارم و دارای درهم و دینارم. اما آقا جان چه دره‌می و چه دیناری؟ در مدت مدیدی و عهد بعیدی که از یزد تا طهران با حالت پریشان فلوس فلوس از افراد نفوس و یک پول یک پول از هر ظلوم و جهول، اما در طهران قران قران از هریاور و سلطان و شاهی شاهی در سر هر خیابان و راهی به تکدی و اصرار و به تعدی و خرگدایی، به بی‌آزرمی و بی‌حیایی جمع و خود را از خرج و خوردنش منع کردم تا آن که مبلغ و مقدار و شمار درهم و دینار بعد از تعب و رنج بسیار هشتاد قران یعنی هشت تومان شد. این وجه را برای سفر زیارت کربلا گذاشته و خود را از خرج کردنش به زحمت و ریاضت واداشته، زیر و صله خرجه پنهان و وصلت دیگر بر آن دوخته، در دل بر از دیادش لیلاً و نه‌را آتش افروخته و برای سیانت و حراستش خفاء و چهاراً دلّق تن را سوخته.

۱. دو جمله حذف شد.

۲. دو کلمه حذف شد.

این وجهی را که به وجه مذکور و به وصف مسطور بدست آورده بودم این ظالمان بی مروت و این کافران بی ایمان بی ملت<sup>۱</sup> امروز از چنگم در آوردند به این وضع که یک نفر مرشد و مطلوب و بقیه مرید و طالب، یک نفر آمر و حاکم و بقیه مأمور و محکوم، پس از آن مرا گرفتند و در این وادی دور از آبادی نزد مرشد به پا داشتند و در موقف پیرمانند اسیر رسته ای برگردنم گذاشتند. یکی به نادر ویشی به گواهم ایستاد - دیگری شهادت بر بی پیری و بی راهیم داده، یکی گفت دزد راه درویشان است - دیگری گفت به ناحق خورنده لقمه ایشان است، یکی گفت غول است دست درویش بر سرش نرسیده - دیگری گفت مجهول است پیرو مرشد ندیده، یکی گفت باید چست و برهنه اش نمود - دیگری گفت باید داغ آهنش فرمود، یکی گفت منافق است سنگ بر سرش سوار باید کرد - دیگری گفت خطر کار است به گیسو آویخته بایدش به دار زد. عاقبت الامر مرشد متمسک به حدیث نبوی شده که «قتل المودی قبل اذائه»<sup>۲</sup>، مریدان متشبث به شعر خواجه شیرازی شده که:

پیش درویشان بود خونت مباح گرنسازي مال خود در ره سیل

پس از آن مرشد با مریدان متفق بر کشتن من شدند. کاردی را صیقل زده آماده و بندی بردست و پایم نهاده، من چون مرغ بسمل دل به کشته شدن در داده، یکی از آن میان وساطت کرده که آن چه مال فقرا نزد اوست تسلیم می کند. چون گذشت شیوه فقراست و عفو و بخشش شیمه آنهاست، مرشد از او گذشت کند. من از بیم جان و ایمنی از دست آن ظالمان وجه را به ایشان نشان داده پول را از خرجه بیرون آورده، مرا رها کردند. اینک هر پنج شش نفر در کاروان حاضر و شما در گرفتن حق من از آنها قادر.

فی الفور جناب اجل امر به احضار آن طراران فرمودند. بزودی چهار نفر از آنها را حاضر نمودند. یکی از آنها در قدیم الایام قاطرچی بوده، همان وقت که فهمیده بود درویش یزدی خدمت جناب اجل برای عرض حال رفته فرار نموده، هر چه تفحص

۱. «ملت» را به معنای دین به کار برده است.

۲. کذا.

و تجسس کردند او را نیافتند. از قراری که نشانی دادند شخص قاطرچی از راننده‌های قاطرخانه بوده که چند سنه قبل جناب اجل او را اخراج از قاطرخانه فرموده بودند ولی چون جناب اجل از شرارت و طراری و دزدی او مطلع بودند، بسیار مبالغه در تجسس او کردند، که شاید پیدا شود و او را به کیفر و سزا برسانند.

#### ۴. محاکمه در اویش:

باری در استنطاق، آن چهار نفر به حدی عجز و زبان بازی کردند که از برای حضار شبهه پیدا شد که شاید درویش عارض کاذب باشد در ادعا. جناب اجل که مظهر اسم «یا ستار» و مصداق حدیث قدسی «یا غوث الاعظم! کن رأفاً علی البریه» اند و از رحمت رحمانی که جبلی و غریزی ایشان است مصمم شدند که در اویش راه‌ها نمایند و ترحمی در حق جوان عارض فرموده، قصه را کوتاه کنند، جناب مستطاب وزیر علوم که مظهر اسم «یا جبار» که به معنی تلافی کننده است و متحقق به مصداق «ولتعرفنهم فی لحن القول» بودند فرمودند: درویش عارض مظلوم و صادق در ادعا و آن نادر و ایشان خاطی ظالم و عامل مدعا. آقا باقر که مظهر اسم «یا قاهر» و در شناسایی غولان بیابانی و طراران و عیاران صحرائی و کوهستانی ماهر، از جناب اجل استدعا نمود که رفع غائله را به من واگذار فرمایند تا صدق و کذب را معلوم و احقاق حق را از ظالم برای مظلوم نمایم. جناب اجل به او واگذار فرموده، شام حاضر شد.

بعد از صرف شام هنوز قهوه صرف نشده، که آمدند و گفتند پول درویش از پیش آن نادر و ایشان درآمد. کیفیت حال را از آقا باقر سؤال نمودند. عرض کرد: حضرات را بدست قراسوران‌ها دادم و در ضمن آن‌ها را به اندک تعذیب و زجر امر کردم. قراسوران‌ها به اندک فشار آن‌ها را به اقرار آوردند که پول زیر تل سرگینی که در فلان طویله کارونسرا است مخفی کرده‌ایم. قراسوران‌ها پول را به عینه بیرون آورده، اینک پول را حاضر هر چه امر فرمایند عملی شود.

درویش صاحب پول را حاضر کردند، وجه وی را به او برد، جناب مستطاب وزیر علوم دو تومان بر مبلغ پول درویش افزودند و جناب اجل مأموری همراه این بیچاره فرمودند که او را به قم رساند و به زیارت عتبات مشرف شود. آقا باقر خواست آن نادر و ایشان را به کیفر و سزا رساند، چون آن‌ها پناه به کسوت درویشان برده بودند اذیت





آن‌ها را شوم و مذموم دانستند. چند سوار مأمور شد که آن‌ها را از خاک قم اخراج نمایند. بعد از صرف قهوه در بسترهای راحت غنودیم. (صص ۲۶۸-۲۶۵)

### مواضع انتقادی

علی‌رغم روش ستایشگرانه نویسنده، او در چند موضع از زبان امین‌السلطان یا خود، دیدگاه‌های انتقادی نیز ارائه داده است در خصوص میهمانخانه کهریزک می‌گویند:

#### ۱. مهمان‌خانه کهریزک

لیکن وضع حالی عمارت: سقفی یا درگاهی دیده نشد مگر خراب و شکست خورده، آب‌انبار وسط حیاط فقط زمین را گود کرده‌اند و روی آنرا با نیمه‌آجر طاقی زده‌اند یک لایی، هیچ آهک و ساروجی بکار نرفته که آب بندی شود. یا دوامی کند. تصور کنید میهمان‌خانه دولتی به این طور می‌شود بنا کرد و دایر داشت؟ خلاصه ما پس از تجسس و تماشای دیگر جرات مکث نکردیم ترسان و لرزان بیرون آمدیم. تعجب است که چرا باید به این تقلبات خلاف تهندس، مهندس و سرکار به سزای خود نرسد. در نفس‌الامر در این مهمانخانه هر که بیتوته کند کمال جرأت و جسارت نموده. (ص ۲۱۶)

در خصوص پل تازه‌ساز که نزدیک کاروانسرای حسن آباد و کارمهندس الممالک بوده است، می‌گویند:

#### ۲. پل حسن آباد

نزدیک کاروانسرای پلی است که نیز تازه ساخته شده از بناهای میرزا نظام که الحال شکست خورده، خراب است. باید بکلی منهدم نموده و مجدداً بسازند چون وقت عبور خطرناک است. (ص ۲۱۷)

درباره علی‌آباد و کاروانسرایش از زبان امین‌السلطان اظهار می‌دارد:

#### ۳. کاروانسرای علی‌آباد

کاروانسرایه سرکاری و تهندس مهندس الممالک الحق برای مسافران طرفه جایی و برای کاروانیان نیکوسرایی است. لیکن جناب اجل بعد از اتمام خلاف تهندس در این بنا یافتند و بازحمات زیاد و اخراجات بسیار رفع نقص و خلاف تهندس را فرمودند. خلاف تهندس این که مهندس الممالک بنا را در مسیل نهاده بود، بعد از حفر خندق و سیل برگردان و خرج فراوان کاروانسرا را از رهگذر بلا نجات دادند. (ص ۲۲۹)

#### ۴. انتقاد از تخریب دیر گچین

دیگران که در طرف غربی کاروانسرا به مسافت شصت قدم معدن سنگی قابل و به مسافت صد قدم معدن گچ بوده، ایشان بی تفقهی و بی توجهی نموده سنگ و گچ بنای کاروانسرا از کاروان [سرا] سنگی که در یک میدانی آن جا است آن بنای قدیم که از انبیه عتیقه عجیبه و برپا بودنش به جهت عوام و خواص صد هزاران نفع و خواص و برای هر مجاور و مسافری منزلگاه و مناص، این بنای محکم متقن را با صد هزار مشقت و عذاب خراب کرده و گچ و سنگ آن جا را حمل و نقل از آن جا نموده و گچ مرده را دوباره طبخ کرده در بنای این کاروانسرا به کار برده. زهی تهندس و معمار، خهی تفقه و سرکاری! (صص ۲۳۰-۲۲۹)

برای تفصیل انتقاد او به تخریب کاروانسرا سنگی باید صص ۲۵۰-۲۴۴ رساله دیده شود. دیگر مواضع انتقادی او در صص ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۷۲ آمده است.



#### جلوه‌های معماری

همان گونه که گفته شد، دقت و نحوه توصیف بیان جزئیات راه مورد نظر و شرح و طبیعت و محیط مسافرت و وقایع بین راه و انبیه و تأسیسات آن، خواننده علاقمند را بخود جلب می نماید. تنوع ساختمان‌های توصیفی و بیان چگونگی عوارض طبیعی و غیر طبیعی بین راه نیز توجه برانگیز است. او در این رساله جاده و آن چه خود «خط جاده» نامیده و به عبارتی ابتدا و طول و مسیر جاده است، کاروانسراها، مهمانخانه‌ها، پل‌ها، سدها، قلعه‌ها، چشمه‌ها، قنات‌ها، آب انبارها، قهوه‌خانه‌ها، انبارها، حمام‌ها، دکاکین، آسیاها، باغات، باغچه‌ها، مزارع، معدن‌ها، کوه‌ها، کویر و دریاچه بین راه، برج‌ها و... را با دقتی تحسین برانگیز توصیف و شرح نموده است و در این مقام «فراز و شیب» راه، معمار، بنا، سرکار، میرزا، محاسب، عمله، کوره‌پز، حجار، مقنی، گچ‌پز، سنگ‌کش، شن‌کش، نوع سنگ‌ها و نحوه حجاری آن‌ها، تعداد دهنه‌ها و چشمه‌ها، پایه‌ها، پی‌ها، پله‌ها، مصالح ساخت، طول و عرض و ارتفاع عمارات که به ذرع بیان کرده. سردر و درگاه، ایوان‌ها، صفه‌ها، میل‌ها، سکوها، ستون‌ها، کرسی عمارات، نحوه درختکاری، باغچه‌بندی، نوع درخت‌ها و گل‌ها، آب و کیفیت و میزان آن، مسیل‌ها، نهرها، کوه‌ها، دره‌ها، آب نماها، ترکیب ملات، ملزومات و اسباب مهمان‌خانه‌ها... را نیز از نظر دور نگذاشته است.



در مقدمه توصیف پل رودخانه شور می گوید:

### ۱. پل رودخانه شور

بعد از تماشای آثار و علامات پل خراب هباء آمدیم برسر پل جدید البنا. اولاً آن جا آبادی دیده شد وافی و کافی مشتمل بر قهوه خانه و دکاکین نانوائی و بقالی و علافی، جمیع و وسایل معیشت عمله و بنا با نهایت آراستگی و پیراستگی حاضر و مهیا، قریب به سیصد نفر بنا و عمله و کارگر از کوره پز و سرکار و میرزای محاسب و معمار همگی مستعد و مهیا در کار، ثانیاً پل را ساخته و پرداخته، با نهایت استحکام قریب به فراغت و اتمام یافتیم. بناها مشغول به دست انداز و لبه سازی و آجرکاری مبتدا و منتهای پل، و عمله ها اشتغال داشتند به شن ریزی و سنگ کشی برای سنگ بست روی پل، حجاران در حجاری میل های سنگی و ازاره های مثایه پل نهایت صنعت خود را به ظهور می رسانند. کوره پزان از دود کوره هوا را تیره و تار... و جفت این نه طاق و هم طاقی نگونسار کرده، معماران بناها را به کار او داشته، سرکاران<sup>۱</sup> عمله جات را بیکار نگذاشته.

بر سر کوی صدق بازاری است و اندر او هر کسی پی کاری است. (ص ۲۲۴)

در خصوص پل تازه ساز نزدیک منظریه و وضعیت آن چنین می گوید:

### ۲. پل منظریه

تا آن که به سر پل جدید البنا رسیدیم. دیدیم تقریباً سیصد نفر عمله و بنا و سنگ کش و شن کش و گچ پز و معمار و سرکار، میرزا و محاسب از مغایر و مناسب، هر یک بر سر کار خود استوار. دکاکین نانوائی و بقالی و علافی و قهوه خانه، بی دکان داری و غل و غش بهانه، امتعه لازمه این جمعیت مذکور را از داد و صاف به منصفه ظهور آورده و هیچ یک را برای معیشت مهممل و معطل و مهجور نگذاشته. چندین چادر قلندری برای بنا و سرکار و چندین آفتابگردان و نهار خوری برای محاسب و معمار. دستگاه آقا باقر مشتمل به چادرهای فاخر و پیشگاه قاهر باهرش برای هر بنای دغل و عمله تنبل و معمار باغش و سرکار مشوش عذاب الیم و نار جحیم.



۱. «را» بی زائد در این جا به نظر رسید که حذف گردید.

وضع منظمی و عظم محکمی در آن بیابان مشاهده شد که کمتر در آبادی و شهرستان دیده می شود. خلاصه پل راقرب الاتمام یافتیم. دوثلث روی پل شن ریزی شده مشغول به ثلث دیگر بودند. نصف دست انداز پل از طرفین تمام کرده، بناها و حجارها اشتغال به نصف دیگر داشتند. (صص ۲۷۰-۲۶۹)

### پیشنهاد

با التفات به فوق و این که تعدادی از وضعیت ها و شماری از عمارات و تأسیسات هم اینک وجود خارجی ندارد،<sup>۱</sup> دانشجویان و پژوهشگران دوستدار معماری سنتی می توانند با استناد و عنایت و به متن رساله و عکس های احتمالی موجود<sup>۲</sup> از جمله عکس های هوایی که از سال ۱۳۳۴ موجود است. این وضعیت ها و ساختمان ها و مستحدثات را با رایانه بازآفرینی نمایند.

نوشتنی است که فاضل محترم جناب صادق حسینی اشکوری مدیر محترم مجمع ذخایر اسلامی تصحیح رساله حاضر را بر اساس نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی در دستورکار داشتند، لیکن بعد از آن که ایشان را از چاپ جناب مدرسی مطلع کرد، کار را متوقف نمودند. البته نویسنده این مختصر پیشنهاد داد در صورتی که بر این امر اصرار دارند، چاپ جدید بر اساس تطبیق با وضعیت موجود و همراه با حواشی و عکس ها و فهرست های لازم باشد. جدا از این، با وجود دقت نظر و زحمات و تلاش های ستایش برانگیز حضرت مدرسی طباطبایی در خصوص تحقیقات راجع به شهر قم که بی تردید پایدار و جاودان خواهد ماند، و متأسفانه دیر زمانی است که از زمینه های کاری ایشان خارج شده است.<sup>۳</sup>

با این همه چاپ موجود که در شرایط آن روزگار عرضه شده است، نیاز به حروف چینی و نشانه گذاری مجدد و افزودن فهرست و به تعبیر امروز بازچاپ دارد.

۱. از جمله حمام و قهوه خانه علی آباد که شرح از بین رفتن آن را پیش تر دیدیم.

۲. در کتابخانه کاخ گلستان تعدادی عکس قدیمی از این بناها وجود دارد. برای نمونه «عکس بناهای جدید الاحداث از حضرت عبدالعظیم تا حضرت معصومه علیها السلام، با شرح (ده سطر). ش ۱۱۰۹» صافی، قاسم، فهرست عکس های تاریخی ایران، ج ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۷، صص ۱۹، ۲۰۵، ۲۹۳، ۳۹۰ نیز دیده شود.

۳. جنابشان در مقدمه کتاب ذیل *نقته المصدور به کوشش ایشان*، که انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، آن را چاپ نمود، به تغییر روال و اشتغالات و طبیعت علایق علمی اشاره نموده اند. ص ۱۱. در ضمن لغات و ترکیبات کمیاب این کتاب نیز آماده گردیده است.



همان طور که از عنوان این گفتار برمی آید، لغات و ترکیبات کمیاب و نادری در رساله وجود دارد که لزوم استخراج آن‌ها را نشان می دهد. عمده این واژه‌ها و اصطلاحات ناظر بر حوزه معماری سنتی است. اما خارج از این حوزه نیز نو و کمیاب و نادیده واژه‌هایی وجود دارد که در فهرست حاضر از نظر دور گذاشته نشده است. امید دارد این فهرستک برای فرهنگ نگاران و واژه پردازان و لغت مداران به ویژه در حوزه معماری سنتی به کار آید و البته نظرات انتقادی و توضیحی و ارشادی خویش را جهت بهتر شدن کار به نشانی مجله ارسال دارند.<sup>۱</sup>

### توضیح

شواهد داخل دو کمانک (۰) خواهد آمد. عدد پس از شاهد، شماره صفحه‌ای است که شاهد از آن نقل گردیده است. بقیه اعداد شماره صفحه‌هایی است، که مدخل مورد نظر در آن‌ها تکرار شده است. توضیحات مختصر نگارنده را داخل کمان ( ) می بینید. با التفات به قلم اندازهای مکرر و حذف فعل‌ها غالباً بدون قرینه، در نثر نویسنده، افعال مناسب مقام در داخل قلاب [ ] اضافه گردید.



۱. نگارنده، تحصیلات دانشگاهی در رشته زبان و ادب فارسی ندارد، اما از دوستان این حوزه است و کار او خالی از عیب نیست. گفتنی است این نوشتار در اواخر زمستان ۹۱ تهیه شد و واژه‌ها و ترکیبات استخراج شده، بدون ذکر شاهد بود، لیکن در جلسه بررسی فرهنگ جامع زبان فارسی که در مورخ ۹۲/۳/۲۴ در قم برگزار شد، استاد دکتر علی اشرف صادقی تاکید بر استخراج لغات متون همراه با شواهد نمودند. در اجرای این امر شواهد نیز اضافه گردید.

### فهرستک لغات و ترکیبات کمیاب

- آب بز: «از جلو که آب بر است به وضع مثلث محروط کم شده تا منتهی به نقطه ای می شود» ۲۲۵
- مهمان خانه مثل ... آفتابه لگن برنجی و سماور با ظروف متعلقه و اسباب چراغ ... همه موجود و مهیا [است]» ۲۱۵
- «به منزله دو مثایه است که آب بر جلو و معین و پشت بند پایه هاست» ۲۲۵
- آب بُرد: «این دو سکوی پیش بند آب برد و پس بند معین تا جایی است که سنگ کار شده» ۲۷۰
- آب بندی: «هیچ آهک و ساروجی به کار نرفته که آب بندی شود» ۲۱۶
- آب نما: «روبروی آب نما محاذی دو زاویه باغچه تختی از دو پارچه سنگ ... قرار داده شده [است]» ۲۳۳، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵
- آبدارخانه: «اسباب قهوه خانه و آبدارخانه ... مهیا و آماده [است]» ۲۶۳، ۲۶۵
- آجر سفید قالب بزرگ: «یک آب انبار بسیار بزرگی ... تماماً از آجر سفید قالب بزرگ با آهک و ساروج ساخته شده [است]» ۲۱۸
- آجر قالب بزرگ حجیم: «اما آن چه آجر کاری شده از آجر قالب بزرگ حجیم است» ۲۲۵
- آجر قالب بزرگ: «سقف ها با آجر قالب بزرگ و گچ بنا شده [است]» ۲۷۰، ۲۱۸
- آجر کاری: «آن چه آجر کاری شده از آجر قالب بزرگ حجیم است» ۲۲۴، ۲۲۵
- آفتابه لگن برنجی: «تمام اسباب ملزومات
- مهمان خانه مثل ... آفتابه لگن برنجی و سماور با ظروف متعلقه و اسباب چراغ ... همه موجود و مهیا [است]» ۲۱۵
- آفتاب گردان: «چندین ... آفتاب گردان و نهارخوری برای محاسب و معمار ... مشاهده شد» ۲۶۹، (فهرست عکس های تاریخی، ص ۱۸، آفتابگردان چی هم داشته ایم، همان جا، ص ۱۹)
- آفتابی شدن: «از ابتدای پشته های قنات تا آن جا که آب آفتابی می شود» ۲۶۳
- آهک کاری: «پس از دقت معلوم شد که آهک کاری در ظاهر بندکشی شده وسط کار با گل ساخته شده [است]» ۲۲۴
- آهک و ساروج: «تماماً از آجر سفید قالب بزرگ با آهک و ساروج ساخته شده [است]» ۲۱۸
- اخراجات: «اما این جاده اخراجات زیاد دارد تا رفع صعوبتش بشود» ۲۱۵، ۲۴۷، ۲۵۴، ۲۵۹
- اخوه گرفتن: «مانند شیوخ جبل در اخوه گرفتن از حجاج مسلمانان مثل بوده اند» ۲۳۹
- اریاب حوائج: «پس از آن تمام ارباب حوائج را ... با نهایت مهربانی ... حوائج و مآرب هریک را بر آوردند» ۲۲۱
- اریاب خبره: «اریاب خبره و مقینان از این دو خط احتمال کلی و امید آب فراوان دارند» ۲۶۳



- ارباب رجوع: «از ایلات و بلوک فشافویه و غار ارباب رجوع بسیار پیدا شدند» ۲۲۰
- اریابی: «آن جا را اعم از خالصه و اریابی منضبط نمایید» ۲۱۴
- ازاره: «حجاران در حجاری میل های سنگی و ازاره های مثابه دو مهار پیل غایت صنعت خود را به ظهور می رسانند» ۲۲۴، ۲۳۲
- اسباب آبدارخانه: «اسباب قهوه خانه و آبدارخانه ... منظم و مهیا و آماده [است]» ۲۶۳
- اسباب آشپزخانه: «از حیث ملزومات و آمادگی اسباب اطاق های مسکن .. و اسباب آشپزخانه ... بعینه مانند میهمان خانه کهریزک [است]» ۲۱۹
- اسباب میز خوراک: «اسباب میز خوراک با ظرف ها و کارد و چنگال ها [است]» ۲۵۸
- اسباب میز خوراکی: «در تهیه و ملزومات و آمادگی اسباب اطاق ها مسکن و اسباب میز تحریر و اسباب میز خوراکی ... همه موجود و مهیا [است]» ۲۱۶، ۲۱۹
- اشجار سفیدار: «به اشجار کبوده و سفیدار مشحون [است]» ۲۴۰
- اشجار کبوده: «حواشی جداول خیابان هاش به اشجار کبوده ... مشحون [است]» ۲۴۰
- اشجار زیان گنجشک: «حواشی جداول خیابان هاش و اشجار کبوده و سفیدار و زیان گنجشک مشحون [است]» ۲۴۰
- اصطبل: «اصطبل که سی رأس اسب گنجایش بستن داشت» ۲۱۷، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۴۹، ۲۶۲، ۲۷۴
- ارباب رجوع: «از ایلات و بلوک فشافویه و غار ارباب رجوع بسیار پیدا شدند» ۲۲۰
- اریابی: «آن جا را اعم از خالصه و اریابی منضبط نمایید» ۲۱۴
- ازاره: «حجاران در حجاری میل های سنگی و ازاره های مثابه دو مهار پیل غایت صنعت خود را به ظهور می رسانند» ۲۲۴، ۲۳۲
- اسباب آبدارخانه: «اسباب قهوه خانه و آبدارخانه ... منظم و مهیا و آماده [است]» ۲۶۳
- اسباب آشپزخانه: «از حیث ملزومات و آمادگی اسباب اطاق های مسکن .. و اسباب آشپزخانه ... بعینه مانند میهمان خانه کهریزک [است]» ۲۱۹، ۲۱۶
- اسباب اصطبل: «از حیث اسباب میهمان خانه بالتمام از فروش ... و آبدارخانه و اسباب اصطبل و کالسکه خانه و غیره منظم و مهیا و آماده [است]» ۲۱۹، ۲۱۶
- اسباب جراثقال: «لیکن به واسطه اسباب جراثقال و بعضی ملزومات حمل و نقل نمی توان ... نمود» ۲۴۳
- اسباب چراغ: «در تهیه و ملزومات و آمادگی اسباب اطاق های مسکن و اسباب چراغ بعینه مانند میهمان خانه کهریزک [است]» ۲۱۹
- اسباب چراغ از لاله و لامپا از نره های اعلی همه موجود و مهیا [است]» ۲۱۶

- اطاق ستاره‌ای: «مشمتمل بر اطاق تختانی و فوقانی و ستاره‌ای... [است]» ۲۳۲
- اطاق سه‌دری: «هریک مشتمل بر نه اطاق که یک اطاق سه دری در وسط و چهار اطاق در طرفی... [است]» ۲۳۰، ۲۶۰
- بارانداز: «این کاروانسرای است که منزلگاه و بارانداز قوافل و مکاریان است» ۲۴۵، ۲۱۹، ۲۳۰، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۴۶
- باروت: «به باروت و دیلم و بعضی آلات دیگر قطعات و پارچه‌های سنگ... بیرون آمده [است]» ۲۴۳
- بازمانلو: «بقال قتال باژمانلوی قمرودی پرزور [است]» ۲۶۴ «(رعیت (قمرود) با جمالو و علی‌اللهی هستند طهارت نمی‌گیرند و ضو نمی‌سازند» تاریخ دارالایمان قم، محمد تقی بیگ ارباب، ص ۱۱۴ «هر شب تارو طنبور و سورو سرود دارند. طایفه بژمانلو هستند» کتابچه تفصیل احوالات دارالایمان قم، محمد تقی بیگ ارباب، ص ۱۲۰ «با جمالو: آدم تودار و سرنگهدار» فارسی قمی، علی اشرف صادقی. ص ۲۹ «در لهجه قمی به معنای آدم مودی و وزیرک و آب زیرکاه است.»
- باغچه بندی: «جناب مستطاب وزیر علوم القای تهندس باغچه بندی و طراحی گل کاری به باغبانان فرمودند» ۲۴۱، ۲۲۶
- باغچه بندی غیر مشجر: «اطراف حوض باغچه بندی غیر مشجر و منظم ولی گل کاری و سبزو خرم [است]» ۲۶۳
- باغستان: «این قلعه مشتمل است به چهل خانوار شاهسون و باغستانی مشجر به اشجار انار [است]» ۲۲۷
- بالا آوردن: «با سنگ‌های عریض و طویل و شفته آهک چیده و بالا آورده [است]» ۲۲۵
- بالاخانه: «اما عمارت فوقانی مشتمل بر شش اطاق بالاخانه [است]» ۲۷۴
- بایز: «در ذیل آن اراضی دیگر است که اکنون بایرولی قابل دایر شدن و جزو باغ می‌توان گردد» ۲۴۰، ۲۴۲
- بذرافشانی: «کد خدا و سایر رعایا را خواستند و سفارش در امر بذرافشانی آن جا شده» ۲۱۴ «با کمال اهتمام امر به تخم کاری و بذر افشانی نمودند» ۲۲۱، ۲۴۵
- بز: «برزخ بین جبال و برو تلال و بجر است» ۲۴۸، ۲۴۹
- بنای کاشانی: «از بی سامانی و پریشانی اگر او را کسی نمی‌شناخت می‌پنداشت عمله قمی یا بنای کاشانی [است]» ۲۶۴
- بندکشی: «پس از دقت معلوم شده که آهک کاری در ظاهر بندکشی شده وسط کار با گل ساخته شده [است]» ۲۲۴
- بنگی: «بنگیان به بنگ مفتون [اند]» ۲۶۴
- بهاربند: «انبار بزرگی و اصطبل که سی رأس



ذرع ونیم و سه ذرع طول ونیم ذرع و سه چارک و یک ذرع عرض [دارد]» ۲۲۵ «از يك پارچه سنگ حجاری شده [است]» ۲۳۴ «تمام سنگی که بیرون می آید می کنند و پارچه پارچه و قطعه قطعه ... حمل و نقل می کنند» ۲۴۳ «پس از این دو پارچه کوه، دیگر پستی و بلندی نیست» ۲۴۴ «دو پارچه کوه محاذی قلعه سنگی مجرای سیلی [است]» ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۲، ۲۴۵ پای کار: «سنگ های قوی از يك فرسنگ و نیمه بار کرده و همان جا مهابای پای کار غوده [است]» ۲۶۹

پرداختن: «پل را ساخته و پرداخته با نهایت استحکام قریب به فراغت و اتمام یافتیم» ۲۲۴ پس کار: «تازیر سقفهای اطاق ها و طویله ها از پس کار، ولی پیش کار و سقف ها تمام با آجر و گچ در کمال استحکام [است]» ۲۶۲

پستو: «بجای اصطبل شش اطاق پستوی اطاق های طرفین دالان ... و در خروج و دخول است» ۲۴۹

پشت بند: «به منزله دو مثنایه ای است که آب بر جلو و معین و پشت بند پایه هاست» ۲۲۵

پشته چاه: «در حال مقنیان را امر می فرمایند به حفر چند پشته چاه که بر آب اولی آن افزوده گردد» ۲۶۰ «این چند پشته چاه قدیمی است» ۲۶۳

اسب گجایش بستن داشت با بهار بند بزرگی» ۲۱۷

بهره زراعتی: «لیکن هنوز از این آب بهره زراعی برده نشده [است]» ۲۲۹

بی پا و سر نتاش: «از بی پاسران نباش [است]» ۲۶۵

بیفتک سیب زمینی: «از بیفتک سیب زمینی فرنگی مآبی کردیم» ۲۴۱

ایرانی منشی: «از چغندر باغ لب به لبوی ایرانی منشی آلودیم» ۲۴۱

بینه: «بیست نفر در بینه به استراحت رخت می کنند و در گرم خانه به آسودگی می نشینند» ۲۳۸

پارچه پارچه: «لابد تمام سنگی که بیرون می آید پارچه پارچه و قطعه قطعه ... می کنند» ۲۴۳

پارچه سنگ: «این مرتبه هم نیز مفروش به پارچه های سنگ طویل و عریض حجاری شده صاف [است]» ۲۳۲ «تختی از دو پارچه سنگ يك ذرع ونیم طول هر يك بر دو پایه سنگی قرار داده شده [است]» ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۳۶

پارچه: «پل را دو چشمه و دو دهنه ساخته که يك پارچه در وسط رودخانه و اتکای دو طرف دو سقف دو دهنه روی آن يك پایه بوده [است]» ۲۲۳ «سنگ های حجاری شده صاف که هر پارچه از آن سنگ ها دو

- پناه خواهی: «کسی به دادخواهی و پناه خواهی آمده [است]» ۲۶۵
- پی: «پی دهنه‌ها و پایه‌ها از پنج ذرع کف رودخانه حفر شده است» ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۳۵، ۲۳۷
- پیش بند: «اما پیش بند که جلوآب است» ۲۷۰
- پیش کار: «ولی پیش کار و سقف ها تمام با آجر و گچ در کمال استحکام [است]» ۲۶۲
- پیمان: «مدعی است که مساحت کرده‌ام این راه به دو فرسخ شماره ذرع و پیمان نزدیک تراست» ۲۴۷
- تخته سنگ: «از تخته سنگ های هزاره سه ذرعی ... حجاری شده صاف ساخته شده [است]» ۲۷۰
- تخم کاری: «با کمال اهتمام امر به تخم کاری و بذرافشانی نمودند» ۲۲۱، ۲۱۴
- تعارف باغبانی: «قدری کاهو و پیاز و چغندر به رسم تعارف باغبانی آوردند» ۲۲۷ «گاهی ممیزی اثمار اشجار را گوش زد باغبانان کرده تا تعارفات انجیر و انار آتیه حاجی از نظرشان محو نشود» ۲۴۷
- تلال و وهاد: «آن چه تلال و وهاد ملك الموت دره و غیره آن جا آن چه به نظر می آید از سر این برج دیده می شود» ۲۵۰، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۰
- ۲۵۱، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۷۲ «پس از آن وارد تلال و وهاد کوه کناره گرد شدیم» ۲۱۷
- تنگ بزرگ بلور: «از آینه های بزرگ و تنگ های بزرگ بلور [است]» ۲۵۸
- تنوره آسیا: «مجرای آب که متصل به تنوره آسیا است با سنگ و آهک ساخته شده [است]» ۲۴۰
- تهندس: «چرا باید به این تقلب و خلاف تهندس مهندس و سرکار به سزای خود نرسند» ۲۱۶ «بعضی ایرادات علمی و عملی بر تهندسات خط جاده و راه و تقلبات معماری ... داشتند» ۲۲۱، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۴۷
- جامه گاه: «جامه گاه از یک پارچه سنگ مشبك مانند يك كاسه منعكس [است]» ۲۳۷
- جدول: «قبل از آن که آب در آسیا و عمارت داخل شود، جدولی جدا شده و بالاتصال داخل حوض های حمام ... می شود» ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲
- جلگه شن زار: «این قلعه در جلگه شن زاری واقع است» ۲۲۷
- جلگه: «از این دو سرازیری که گذشتیم باز راه در جلگه واقع شده و خط جاده به جانب جنوب امتداد یافت» ۲۲۳، ۲۲۶
- جلو خان: «جلو خانی تشکیل یافته از برای کاروانسرا که موجب شکوه کاروانسرا گردیده [است]» ۲۱۸
- جلوآب: «اما پیش بند که جلوآب است»

- ۲۷۰ «دیگر طرف غربی پل که جلو آب است» ۲۷۰، ۲۲۵
- جلو خان: «مابین این دو ضلع يك جلو خان وسیعی جلو در کاروانسرا احداث شده که نیز بر حسن جلو کاروانسرا و سردر افزوده است» ۲۶۲
- چادر قلندری: «چندین چادر قلندری برای بنا و سرکار... مشاهده شد» ۲۶۹
- چارک: (واحد اندازه گیری حجم آب) «آب از این جا به قدر یک چارک از دامنه کوه عقب مهمان خانه جاری است» [است] ۲۵۹ (واحد اندازه گیری قطر، ارتفاع و طول سنگ) «دو سنگ فوقانی و تحتانی آسیایک ذرع در یک ذرع مدور، قطر هر یک، یک چارک [است]» ۲۴۰ (روی این دهنه وسط سه میل چارکی از آجر و گچ ساخته شده است) [است]
- ۲۱۵ «از یک پارچه سنگ يك ذرع و نیم طول سه چارک عرض حجاری شده است» [است]
- ۲۳۲ «مشمول است بر هشت ستون سنگی دو ذرع چارک کم ارتفاع و هشت دهنه» ۲۳۷
- چاهی: (نوشیدنی دم کردنی معروف) «هر که بخواهد وارد نشود می تواند همان جا نشست چاهی بخورد و قلیان بکشد» ۲۲۸، ۲۳۶ (گویا تلفظ رایج بوده است: بنگرید به: کتابچه گزارش راه جدید طهران-قم، مجله میراث شهاب، ش ۷۱، ص ۱۰۷)
- چرک و چکنه: «مانند الوار که کیلویه ... چرک و چکنه [بود]» ۲۶۴
- چستن: «یکی گفت باید چست و برهنه اش نمود» ۲۶۶
- چشمه: «این پل يك چشمه است» ۲۱۶ «این پل ... مشتمل است به پنج دهنه و چشمه» ۲۷۰ «دو پل دو دهنه و دو چشمه ساخته است» [است] ۲۲۳ «دو چشمه پل پنج دهنه است» [است] ۲۲۴
- چوب بست: «ایوان که اطرافش چوب بست است» ۲۷۳
- چینه کشی: «تمام این عمارت چینه کشی است چه اطاق ها و چه اصطبل ها و انبارها» ۲۱۵
- چینه: «روی چینه را با خشت طاق زده اند» ۲۱۶
- حجره: «يك حجره سه دری در وسط و شش اطاق يك دری طرفی [دارد]» ۲۶۱
- حوض خانه: «آب مذکور قنات علی آباد از حوض خانه به آب نمای وسط ... روان است» [است] ۲۳۱، ۲۳۳
- حوض مدوز: «حوضی مدور يك ذرع در يك ذرع در وسط این اطاق که حوض خانه مختصری است وجود دارد» ۲۳۱، ۲۳۷
- حوضچه: «مرتبۀ ثانیۀ حیاط مشتمل است به حوضچه و آب نما» ۲۳۱، ۲۳۲
- حیاط دو درجه: «اما جلو این ایوان و دو راهرو حیاطی است دو مرتبه و دو درجه» ۲۳۱
- حیاط دو مرتبه: «اما جلو این ایوان و دو راهرو حیاطی است دو مرتبه و دو درجه» ۲۳۱

- خالصات دیوانی: «این قریه از خالصات دیوانی و به اجاره سقاباشی [است]» ۲۱۴ خالصه: «آن جا را اعم از خالصه و اربابی منضبط نمایید» ۲۱۴ خانه گلی: «هفت خانه گلی بر سرآب ساخته [اند]» ۲۲۷ خرده و ورقه شدن: «سنگ این معدن ... نه رخوه و سست است که به زودی خرده و ورقه شود» ۲۴۳ خرگدایی: «در سرهر خیابان و راهی به تکدی و اصرار و خرگدایی ... خود را از خرج و خوردنش منع کردم» ۲۶۶ خرنند: «به فاصله یک خرنند یک ذرع و چارک عرض، دریاچه بزرگی است» ۲۳۳ «ذیل عمارت در دیواره زیر خرنند لبه دریاچه ناودانی ... [است]» ۲۳۴ خزانه: «خزانه این دو حمام از یک دیگ گرم می شود» ۲۳۸ خزینه: «از ته خزینه ناخن پنجه پانمایان است» ۲۳۸ خشک کار: «ابتدای این قنات مقنی گذارده اند و پشته های جدید خشک کار حفر می کنند» ۲۶۳ خط جاده: «خط جاده از حضرت عبدالعظیم تا مسافت هزار قدم به جانب مغرب امتداد دارد» ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۴۵، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۷۲ خط راه: «از این خط راه حوضی وسیع و کاروانسرای رفیع بنا نمود» ۲۴۶، ۲۶۱ خط کویر: «همان خط کویر و شوره زاری است که امتداد به سمت سمنان و بیابانک .. دارد» ۲۵۳ خلوت سرپوشیده: «در این قلعه دو خلوت سرپوشیده ساخته شده [است]» ۲۴۸، ۲۴۹ خلوت: «دیگر دو خلوت ... بنا شده که هر یک مشتمل بر چهار اطاق مسکن و متعلقاتی که محتاج به خارج نیست» ۲۶۲ «مقابل در کاروانسرا دو خلوت است که می توان در آن ها منزل کرد» ۲۱۸ خلوتک: «دو راهرو به دو خلوتک کوچک که آن ها مشتمل بر آشپزخانه و قهوه خانه [است]» ۲۳۱ خورد رفتن: «آن چه کم شده و خورد رفته از گچ و آجراست» ۲۲۵ خوردن و خفتن: «خورد و خفت لازم است. جناب اجل شام خواستند» ۲۱۲ دادخواهی: «کسی به دادخواهی و پناه خواهی آمده [است]» ۲۶۵ دادرسی: «مناسب مقال تفقدی وغوررسی و توجهی و دادرسی فرمودند» ۲۲۰ درخت نوجه: «اطراف خیابان و جدول ها به درخت های نوجه مختلفه مغروس [است]» ۲۴۲



درگاه: «لیکن وضع حالی عمارت سقفی یا درگاهی دیده نشد مگر خراب و شکست خورده» ۲۱۶ «بعضی امکانه ملزومه عمارت [است] با درگاهی برای آمد و شد عقب عمارت» ۲۳۵، ۲۳۱، ۲۶۲

دره ماهور: «افتادیم در دره ماهور کناره گرد» ۲۱۴ «به دره ماهور رودخانه شور راه منتهی شد» ۲۲۳ «خط جاده به دره ماهور منتهی گردید» ۲۶۱، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۴۷، ۲۶۰

دست انداز: «بناها مشغول به دست انداز و لبه سازی و آجرکاری مبتدا و منتهای پیل [بودند]» ۲۲۴ «دیگر هشت میل سنگی دو ذرع طول که چهار از آن دو میل بر مبتدای دو دست انداز طرفین پیل و دو میل بر منتهای دو دست انداز از طرفین منصوب [است]» ۲۷۱

دست: «واحد شمارش خانه» «مثل یک دست خانه که دو خانوار بتوانند آن جا گذران کنند» ۲۶۲

دستگاه: «در دستگاه آقاباقر خان نهار رنگینی صرف شده [است]» ۲۷۲

دلیجان: «کالسکه ها را گذاشته تا کالسکه چی ها دلیجان را ساخته از عقب برسند» ۲۵۷، ۲۱۳، ۲۶۰، «دلیجان هشت نفر را حمل می کند، تاریخ و جغرافیای قم، غلامحسین افضل الملک، ص ۵۰)

دماغه کوه: «به دماغه کوه کناره گرد رسیدیم» ۲۱۷

دهنه: (در وصف ایوان) «ایوان های یازده دهنه [است]» ۲۱۵ (در وصف پیل) «در پیل دو دهنه و دو چشمه ساخته [اند]» ۲۲۳ «سربینه و رخت کن حمام مردانه ... مشتمل است بر هشت ستون سنگی ... و هشت دهنه که چهار دهنه بزرگ چهار صفت رخت کن [است]» ۲۳۷

دهنه: (در وصف چشمه های پیل) «چشمه های پیل پنج دهنه [است]» ۲۲۵ (در وصف قنات) «قریب به دهنه قنات استخری سه چارک عمق و ده ذرع مدور دهنه ... ساخته [اند]» ۲۴۶، ۲۲۷، ۲۷۰، ۲۷۱

دیده بان: (چشم انداز؟) «تمام تلال و وهاد کوه داغ و طرف غربی دریاچه ساوه را ... دیده بان است» ۲۳۰

دیوار چهارچینه: «اما باغ تقریباً هشتاد هزار ذرع زمین را دیواری چهارچینه بدون کاگل دور او کشیده [اند]» ۲۲۶

دیواره: «ذیل عمارت در دیواره زیر خزند ... قرار داده اند» ۲۳۴

راه آب: «از آن جا که زیر جاده راه آبی ساخته شده که آن آب به حوض قهوه خانه می رود» ۲۳۴، ۲۳۵

راه را برگرداندن: «اکون میرزا نظام راه را برگردانده، به نقطه حقیقی جنوبی امتداد داده [است]» ۲۱۳

- راه‌سازی: «این نوع تهیه و تدارک آماده برای راه‌سازی و بنایی و تعمیر جاده کمتر دیده می‌شود» ۲۶۹
- سرازیری: «بقدرنیم فرسخ شن زار و سرازیری [است]» ۲۶۹
- سرازیری: «باید کوه بری و تسطیح سرازیری شود» ۲۵۷
- سربینه: «لبهٔ حوض سربینه از یک پارچه سنگ مثن شکل [است]» ۲۳۸، ۲۳۷
- سردن: «از طرف شرقی که جلودر و سردر کاروانسراست» ۲۱۸، ۲۳۱، ۲۶۲
- سرقلیان: «از این سنگ هم به توسط خراطی ظروف زیادی مثل ... سرقلیان ساخته شد» ۲۴۴
- سرکارن: «از بیتوته در این مهمانخانه که از بی‌اهتمامی سرکارش او هن من بیت‌العنکبوت است جان به سلامت بردیم» ۲۲۳
- «جناب اجل تمام بنا و عمله و سرکاران را به فراخور مراتب انعام داده و... تشویق نمودند» ۲۷۲
- «معماران بناها را به کار داشته، سرکاران عمله جات را بیکار نگذاشته [اند]» ۲۲۴
- «از این عبارت فهمیده می‌شود سرکار کسی است که بر عمله‌ها نظارت داشته [است]» ۲۱۶، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۵۷، ۲۶۹، ۲۷۳
- سرکاری: «بعضی ایرادات علمی و عملی بر تهندسات خط جاده و راه و تقلبات معماری و سرکاری مهمان‌خانه و پل‌سازی در عرض راه داشتند» ۲۲۱
- «نه از سرکاری آقا باقرو نه اهتمامات و مساعی آمرو نه از کاردانی معماران ماهر [است]» ۲۳۱، ۲۲۶
- راه‌سازی: «این نوع تهیه و تدارک آماده برای راه‌سازی و بنایی و تعمیر جاده کمتر دیده می‌شود» ۲۶۹
- رخت‌کن: «سربینه و رخت‌کن حمام مردانه وضعاً مشتمل است بر...» ۲۳۷، ۲۳۸
- رک: «بقدرنج رک با آجر و گچ چیده و ساخته شده [است]» ۲۱۸
- رشته: (واحد شمارش قنات) «چند رشته قنات حفر نموده [است]» ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۵۱
- زاویهٔ منعکس: «دو زاویهٔ منعکس از عقب رسم [شده] و دو گوشه از پیش [است]» ۲۳۲
- سئیس‌خانه: «در تهیه و ملزومات و آمادگی اسباب اطاق‌های مسکن و... سئیس‌خانه و کالسکه‌خانه بعینه مانند میهمان‌خانه کهریزک [است]» ۲۱۹
- ساروج: «هیچ آهک و ساروجی به کار نرفته که آب‌بندی شود» ۲۱۸، ۲۱۶
- سبزی‌کاری: «بعضی قطعات دیگرش سبزی‌کاری از بقول و تماماً مثمر و ماکول [است]» ۲۴۱
- ستاره: «ستاره‌های بام از چهار جانب خراب شده [است]» ۲۴۸
- سراب‌نما: «منظر این ایوان و حوض‌خانه تا ده فرسخ که سراب‌نماست واقع شده [است]» ۲۳۱، ۲۵۰



سنگ کاری: «اما پیش بند که جلو آب است از حد سنگ کاری به بالا ... به یک نیمه آجر منتهی می شود» ۲۷۰ «(به طوری سنگ کاری شده که اگر با آجر ساخته می شد به این صافی و مستقیمی نبود)» ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۷۰  
 سنگ کش: «تقریباً سیصد نفر عمه و بنا و سنگ کش [دیدیم]» ۲۶۹  
 سنگ کشی: «عمله ها اشتغال داشتند به شن ریزی و سنگ کشی برای سنگ بست روی پل» ۲۲۴  
 سنگ لبه دار: «بقیه با سنگ هایی لبه دار و در کمال صافی و نظم و گچ فراوان ساخته شده [است]» ۲۴۹ «(با سنگ های بسیار صاف خوب لبه دار و کج ساخته شده [است]» ۲۱۸  
 سنگ و آهک: «عمق یا ارتفاع تنوره هست ذرع که با سنگ و آهک به نهایت مستحکم بنا کرده اند» ۲۴۰  
 سنگ: «واحد اندازه گیری آب» «قدر آب اکنون يك سنگ و نیم زیادتر است» ۲۲۸ «الحال تمام این چهار سنگ آب بلاش [فاش؟] از دهنه خارج شده به اراضی و سخته فرو می رود» ۲۵۱ «(دو سنگ آب جاری کرده تا تهیه زراعتی شود» ۲۶۳ (ابزار آسیا) «دو سنگ فوقانی و تحتانی آسیایك ذرع در يك ذرع مدور [است]» ۲۴۰

سقا باشی: «جناب اجل اول شب به خانه سقا باشی تشریف بردند» ۲۱۲  
 سقف دو مرتبه: «اما سقف رادو مرتبه بنا کرده اند برای استحکام که در واقع دو سقف زده شده [است]» ۲۷۱، ۲۷۰  
 سکوی پس بند معین: «این دو سکوی پیش بند آب برد و پس بند معین تا جایی است که سنگ کار شده [است]» ۲۷۰  
 سکوی پس بند: «این دو سکوی پیش بند آب برد و پس بند معین تا جایی است که سنگ کار شده [است]» ۲۷۰  
 سکوی پیش بند: «این دو سکوی پیش بند آب برد و پس بند تا جایی است که سنگ کار شده [است]» ۲۷۰  
 سنگ بست: «به جز قدری شن ریزی و سنگ بست معبر روی پل و قدری از این دو مثابه و برجین باقی مانده [است]» ۲۲۴، ۲۷۱  
 سنگ چین: «برای حفظ از آب باران که پشت سنگ چین نیفتد» ۲۱۸  
 سنگ چینی: «بناها و عمله جات مشغول بودند به سنگ چینی راه» ۲۶۹  
 سنگ غیر تراش: «از بنیان و پی با سنگ های غیر تراش طبیعی و مدار با گچ بسیار ساخته شده [است]» ۲۶۲ «(بنای قلعه از گچ و سنگ غیر تراش ولی در نهایت صافی و استقامت [است]» ۲۵۰

- سنگ ازاره: «هم چنین قالب سکوها با سنگ ازاره واداشته شده [است]» ۲۳۶
- سیل برگردان: «بعد از حفر خندق و سیل برگردان و خرج فراوان کاروانسرا را از رهگذر بلانجات دادند» ۲۲۹
- شاه‌نشین: «دو خلوت سرپوشیده مشتمل بر چهار شاه‌نشین [است]» ۲۴۹
- شب‌نشینی: «جناب اجل با همراهان کنار دریاچه مذکوره در عمارت شب‌نشینی نمودند» ۲۷۳، ۲۶۴، ۲۵۷
- شریت خوری: «از این سنگ هم به توسط خراطی ظروف زیادی مثل ... شریت خوری و... ساخته شد» ۲۴۴
- شفته آهک: «با سنگ های عریض و طویل و شفته آهک چیده و بالا آورده [است]» ۲۲۵
- «با سنگ و شفته آهک محکم چیده شده [است]» ۲۳۷، ۲۵۵، ۲۲۶
- شکارگاه: «این قلعه عمارت سلطانی است در شکارگاه» ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۶۰
- شکست خوردن: «با این که جدید البنا است چندین شکست قبیحی خورده [است]» ۲۱۷
- «از بناهای میرزا نظام که الحال شکست خورده خراب است» ۲۱۷
- شلوار شلخته سرداری: «مانند کیخاهای الوار که کیلویه ... شلوار شلخته سرداری [پوشیده بود]» ۲۶۴
- شمد: «تمام اسباب ملزومات مهمان خانه مثل ... رخت خواب و فروش و پتوها و شمدها ... همه موجود و مهیا [است]» ۲۱۶
- شن‌کش: «تقریباً سیصد نفر عمله و بنا ... شن‌کش [دیدیم]» ۲۶۹
- شن‌ریزی: «به جز قدری شن‌ریزی و سنگ بست مبرروی پل ... باقی مانده است که عمأ قریب به اتمام است» ۲۷۱
- شوره‌زان: «شوره‌زاریست که امتداد به سمت سمنان ... دارد» ۲۵۳
- صاحبان عریض: «صاحبان عریض و نوشتجات را با نهایت مهربانی ... حوائج و مآرب هریک را برآوردند» ۲۲۱
- صفه: «وضع قهوه خانه از دوران و برون مثن، درون قهوه خانه مشتمل بر چهار صفه و فاصل بین صفه‌ای با صفه‌ای بقدر درگاهی که يك ذرع عرض او است» ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷
- صندوق خانه: «پهلوی قهوه‌خانه عمارتی بنا نموده‌اند که مشتمل بر دو اطاق و دو صندوق خانه [است]» ۲۱۷
- طاق نمای بارانداز: «اصطبل‌های طویل و عریض با طاق نماهای بارانداز کاروانیان در زمستان [دارد]» ۲۶۲
- طاق نمای بخاری دان: «در ظهر حجرات واقعه در چهار ضلع طویل‌های عریض و طویل



- مشمتمل بر طاق نماهای بخاری دار برای بارانداز مکاریان [است]» ۲۳۰ طاق نما: «پشت اطاقها سرتاسر طویله‌های عریض و طویل مسقف است مشتمل بر طاق نماها برای بارانداز» ۲۱۹، ۲۶۲ طاقی يك لایسی: «روی آن را با نیمه آجر طاقی زده اند يك لایی» ۲۱۶ طبخ کوره: «و معدن گچ مثل این معدن کمتر دیده شده در سفیدی رنگ و قبول طبخ کوره و نداشتن سنگ» ۲۴۴ علاقوی: «يك دكان بسیار بزرگی که مشتمل است بر سه دكان بقالی و نانوايي و علاقوی» ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۳۹، ۲۶۲، ۲۶۹ علیق: «نه ما را می‌گذارند بر سرخانه خود رویم و نه نان و نه آب و علیق به ما می‌دهند» ۲۱۵ عمل آسیا: «عمل آسیا در شبانه روزی يك خروار و نیم است» ۲۴۰ عمله جات: «سرکاران عمله جات را بیکار نگذاشتند» ۲۲۴ (بعد از سرکاران «را» یی زائد بود که حذف شد) عمله قمی: «از بی سامانی و پریشانی اگر او را کسی نمی‌شناخت می‌پنداشت عمله قمی است» ۲۶۴ عمله: «جمیع وسائل معیشت عمله بنا با نهایت آراستگی و پیراستگی حاضر و مهیا
- [است]» ۲۲۴، ۲۴۹، ۲۶۹، ۲۷۲ غلام‌خانه: «دیگر مقابل این غلام‌خانه انبار و عمارتی دیگر ساخته شده که مخصوص است برای ذخیره گاه و جو» ۲۱۸ فراز و شیب: «فراز و شیب تندی دارد» ۲۴۷، ۲۵۷ فرنگی مآبی: «از بیفتك سیب زمینیش فرنگی مآبی کردیم» ۲۴۱ فیافی و فلوات: «ساعی خیرات در این فیافی و فلوات دور از آبادی و ولایات که در واقع مورث حیات عابرین و مبعث اموات مسافرین است» ۲۳۸ قاطرچی: «یکی از آن‌ها در قدیم الایام قاطرچی بوده [است]» ۲۶۷ قاطرخانه: «شخص قاطرچی از راندهای قاطرخانه بوده [است]» ۲۶۷ قراء خالصه: «مخصوصاً به قراء خالصه اطراف حسن آباد گماشته‌ای فرستادند» ۲۲۱ قراسوران: (محافظان جاده) «پنج نفر قراسوران تهران آن جا بودند با لباس‌های مندرس که به وصف نمی‌آید» ۲۱۷، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۲ (قراسوران به معنی «سیاهی پرس» است. از آن که اینها در بیابان و غیره‌ها، چون در شب سیاهی را ببینند، مثل مستحفظین فارسی می‌گویند: سیاهی کیستی؟ لذا اینها را «قراسوران» گویند. تاریخ و جغرافیای قم،

- افضل الملک، ص ۴۵، تفصیل معنا در همین صفحه دیده شده است).
- قراول خانه: «بر سر هر سه فرسخی قراول خانه ساخته شود» ۲۲۲
- قدم: (واحد مسافت) «این معدن ... در اطراف غربی کاروانسرا و عمارت به مسافت شصت قدم پیدا شده [است]» ۲۴۳
- قلعه رعیت نشین: «جناب اجل آن جا را بنا دارند قلعه رعیت نشین کنند» ۲۵۰
- قلعه رعیتی: «در یک فرسخی حوض قلعه رعیتی ساخته شد» ۲۴۶
- قمارباز پاک باخته: (قماربازی که همه چیزش را از دست داده است. این عبارت در بین قماربازان و معتادان هنوز رایج است) «این قماربازان پاک باخته ... خراب به لباس اولیاء [اند]» ۲۶۵
- قهوه خوری: «از این سنگ هم به توسط خراطی ظروف زیادی مثل ... قهوه خوری و ... ساخته شد» ۲۴۴
- کارشدن: «پس بند معین تا جایی است که سنگ کار شده» ۲۷۰
- کارکردن: (استفاده کردن) «آن جا آن گچ مرده را دوباره پخته و کار کرده [است]» ۲۵۰
- «پس بند معین تا جایی است که سنگ کار شده» ۲۷۰
- کالسه چی: «کالسه ها هر یک چهار اسبه با یک نفر کالسه چی [اند]» ۲۱۳، ۲۵۷
- کالسه: «دیگر بر سر هر سه فرسخ طویله بنا شود که اسب کالسه و گاری عوض گردد» ۲۲۲
- «کالسه ها هر یک چهار اسبه با یک نفر کالسه چی [است]» ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۴۷، ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۷۲ (کالسه چهار نفر را حمل می کند، تاریخ و جغرافیای قم، افضل الملک، ص ۵۰)
- کالسه خانه: «از سه طرف اصطبل و کالسه خانه و انبارها [است]» ۲۱۹، ۲۱۶، ۲۵۸، ۲۶۳، ۲۷۴
- کاگل: «دیواری چهارچینه بدون کاگل دور او کشیده [اند]» ۲۲۶
- کتاب سفید نمره دار رضانامه: «کتاب سفید نمره دار رضانامه که هر که وارد شود واقعات خود را نوشته و اگر از مهمان خانه یا از مهمان دار و عمله و اجزاشکایت داشته بنویسد» ۲۱۶، ۲۵۹
- کرسی: «مراتب ثلاثه عمارت ... تا کف جاده که معبر عام است دو ذرع کرسی پیدا کرده [است]» ۲۳۳ «چون ارتفاع و کرسی عمارت از سمت جنوب شرقی دو ذرع [است]» ۲۳۴ «ارتفاع کرسی عمارت یک ذرع و نیم است» ۲۱۵۲۳۳
- کفه: «خط جاده را در تلال و جبال دیدند از کفه و کویر و زمین مسطح عبور نمودند» ۲۴۵

- «حد فاصل جبال و تلال و کفه و کویر و دریاچه است» ۲۴۸  
 کوه‌بری: «باید کوه‌بری و تسطیح سرازیری شود» ۲۵۷  
 کلال و ملال: «نگذارند يك نفر به استقلال آید که موجب کلال و ملال شود» ۲۶۴  
 کلاه‌بز: «به صورت و کسوت درویش و بالمآل حقیقت کلاه بر [است]» ۲۶۵  
 کلاه فرنگی: «تمام جلو با هشت ستون سنگی و هشت گوشه مشابه به نصف عمارات کلاه فرنگی متداوله گردیده [است]» ۲۳۷  
 کنگره بروج: «در این بنا آجر کمتر بکار رفته، مگر در بعضی سقفها و کنگره بروج» ۲۴۹  
 کنگره دوربام: «مشمتمل بر اطاق تحتانی و فوقانی و ستاره‌ای با کنگره‌های دوربام ... [است]» ۲۳۲  
 کوره آجرپزی: «چند پارچه از این ظروف خراطی شده رادر کوره حدادی و آجرپزی گذاردند»  
 کوره‌پز: «قریب به سیصد نفر بنا و عمله و کارگزار کوره‌پز و سرکار و میرزای محاسب همگی مستعد و مهیا در کار [بودند]» ۲۲۴  
 کوره حدادی: «چند پارچه از این ظروف خراطی شده رادر کوره حدادی و آجرپزی گذاردند» ۲۴۴  
 کوزه گل دستی: «اطراف این دو باغچه به انواع مختلف کوزه‌های گل دستی چیده شده [است]» ۲۳۲  
 کوه‌بری: «باید کوه‌بری و تسطیح سرازیری شود» ۲۵۷  
 کیخای الوار که کیلویه: «مانند کیخاهای الوار که کیلویه [بود]» ۲۶۴  
 کیسه‌بز: «به صورت و کسوت درویش و بالمآل و حقیقت کلاه بر و کیسه بر [است]» ۲۶۵  
 گاری: «بر سر هر سه فرسخ طویله بنا شود که اسب کالسکه و گاری عوض گردد» ۲۲۲، ۲۲۶  
 «گاری که فورقان نیز گویند ده نفر را حمل می‌کند.» تاریخ و جغرافیای قم، افضل‌الملک، ص ۵۰  
 گچ‌پز: «سنگ کش و شن کش و گچ‌پز [دیدیم]» ۲۶۹  
 گچ‌مرده: «گچ‌مرده را دوباره طبخ کرده و در بنای این کاروانسرا به کار برده [اند]» ۲۳۰  
 گرفتن: (سبز شدن درخت) «با این که آن اشجار جدید الغرسند همه گرفته و منظم و اغصان و اوراقشان سبز و خرم [است]» ۲۴۰  
 گدامنش: «با این گدامشان لثیم ... هم قدم و هم صحبت و همدم شدیم» ۲۶۶  
 گرم‌خانه: «در گرم‌خانه به آسودگی می‌نشینند» ۲۳۸، ۲۳۷  
 گل بوقلمون: «از گل محملی و بوقلمون مطرز و مصور [است]» ۲۴۱  
 گل کوکب: «از گل کوکب و شمعدانی مشتعل و منور [است]» ۲۴۱

- گل خملی: «از گل خملی و بوقلمون مطرزو مصور [است]» ۲۴۱
- گل چینی: «بعضی گفتند این سنگ گل چینی است» ۲۴۴ «ظن متأخم به یقین آن است که معدن گل چینی است» ۲۴۴
- گلخن: «بعد از آن سقف گلخن و سقف کف حمام نیز با سنگ و آهک ... ساخته شده [است]» ۲۳۷
- گل کاری: «قطعات وسط به انواع ریاحین و آورده گل کاری [شده است]» ۲۴۱، ۲۳۳، ۲۱۷
- گوشه: «دو زاویه منعکس از عقب رسم و دو گوشه از پیش، پس حیاط وسیع تر گردیده [است]» ۲۳۲ «دو گوشه و زاویه ضلع مشرقی ایست» ۲۶۲، ۲۳۷، ۲۴۸
- لات بی باک: «این لاتان بی باک ... خراب به لباس اولیاء [اند]» ۲۶۵
- گیوه بغل دریده: «مانند خوانین اترک قشقایی ... گیوه بغل دریده [به پا داشت]» ۲۶۴
- لامپا: «اسباب چراغ از لاله و لامپا ... موجود و مهیا [است]» ۲۱۶
- لبه سازی: «بناها مشغول به دست انداز و لبه سازی و آجرکاری [بودند]» ۲۲۴
- نشاب: «این جاده از نشاب و نی زار می گذرد» ۲۱۶
- لوح: «حجاران منبت کار ماهر بر لوحی از سنگ مرمر ... مشغول به کتب و نقرآن شدند» ۲۷۱
- لوطی سینه چاک: «این ... لوطیان سینه چاک خراب به لباس اولیاء [اند]» ۲۶۵
- ماهوت پاک کن: «تمام اسباب ملزومات میهمانخانه مثل ... آینه های بزرگ، ماهوت پاک کن ... همه موجود و مهیا [است]» ۲۱۶
- مبداء قنات: «مبداء این قنات در دامنه شمالی کوه داغ و جاری به و طرف جنوب شرقی [است]» ۲۲۹
- متکای طاق: «هر دهنه ای از این دو ایوان ستون سنگی یک پارچه به ارتفاع دو ذرع که عمود و متکای طاق ایوان است» ۲۳۲
- مثلث مخروط: «از جلو که آب بر است به وضع مثلث مخروط کم شده تا منتهی به نقطه می شود» ۲۲۵
- مثنایه: «حجاران در حجاری میل های سنگی و اندازه های مثنایه دو مهارپل غایت صنعت خود را به ظهور می رساندند» ۲۲۴
- «دو منتهای پل دو مثنایه بنا شده دو ذرع عرض و پنج ذرع طول» ۲۷۱، ۲۲۵، ۲۲۶
- محاسب: «چندین ... آفتاب گردان و ناهار خوری برای محاسب و معمار ... مشاهده شد» ۲۶۹
- مداخل زراعت ارباب و رعیت: «حاجی ممیز که از ادله قدم و پیش قدمتر سنا از همه بودند ... تعیین مداخل زراعت ارباب و رعیت زمان حالیه و بعد از این رامی نمودند» ۲۴۱

- مربع متساوی الاضلاع: «درش روبه جانب جنوب باز می شود. مربع متساوی الاضلاع شصت ذرع در ذرع مشتمل بر هفت برج [است]» ۲۴۸
- «گرخانه وضعاً مربع متساوی .. است» ۲۳۸
- مسمی: «از بادنجانش مسمی خوردیم» ۲۴۱
- مسینه آلات: «سایر ظروف چینی و مسینه آلات... مانند مهمانخانه کهریزك [است]» ۲۱۶، ۲۱۹
- معین پایه: «به منزله دو مثایه ای است که آب بر جلو و معین و پشتبندها پایه هاست» ۲۲۵
- «و هم چنین يك ذرع و نیم از پس پایه که معین پایه است» ۲۲۵
- منزلگاه: «مخصوص منزلگاه عابرین و مسافرین در عرض راه ری و قم است» ۲۴۵، ۲۳۶، ۲۳۰، ۲۴۸
- مهاز: «حجاران در حجاری میل های سنگی و ازاره های مثایه دو مهارپل غایت صنعت خود را به ظهور رساندند» ۲۴۲
- «این دو مثایه به منزله دو مهار است» ۲۷۱، ۲۲۶
- مهتابی: «در جلو مهتابی وسیعی که منظر آن رودخانه و شهر قم [است]» ۲۷۴
- مهمان دار: «اگر از مهمانخانه یا از مهمان دارو عمه و اجزاء شکایت یا رضایت داشته، بنویسد» ۲۵۹
- میدان: (واحد مسافت) «باز به قدر يك میدان از این جا گذشتیم» ۲۱۴
- «زیاده از يك میدان اسب بیش نیست» ۲۱۹
- «از کاروانسرا سنگی که در يك میدانی آن جا است» ۲۲۹
- میرزای محاسب: «قریب به سیصد نفر بنا و عمه و کارگزار کوره پز و سرکار و میرزای محاسب همگی مستعد و مهیا در کار [بودند]» ۲۲۴
- میل سنگی: «حجاران در حجاری میل های سنگی و اندازه های مثایه دو مهارپل غایت صنعت خود را به ظهور می رساندند» ۲۷۱، ۲۲۴
- میل سه چارکی: «روی این دهنه وسط، سه میل سه چارکی از آجر و گچ ساخته شده [است]» ۲۱۵
- نادریشی: «یکی به نادریشی به گواهییم ایستاد» ۲۶۶
- ناهارخوری: «چندین آفتاب گردان و ناهارخوری برای محاسب و معمار... مشاهده شد» ۲۶۹
- نره گدای کلاش: «از نره گدایان کلاش [است]» ۲۶۵
- نیمه آجر: «روی آن را با نیمه آجر طی طاقی زده اند» ۲۱۶
- واداشتن: «قالب سکوها با سنگ ازاره واداشته شده [است]» ۲۳۶
- وافوری: «وافوریان مبهوت از افیون [اند]» ۲۶۵
- وتد: «این دو برج به منزله دو وتد است» ۲۲۶

وسخه: «به آن تلال مالحه و دره‌های مسیل و وسخه برخوردارده [است]» ۲۲۹ «بعضی از تلال و وهاد دو دریاچه ساوه و اراضی وسخه کویر تاده فرسخ که سراب نماست واقع شده [است]» ۲۳۱، ۲۵۱

ومدار[؟]: «از بنیان و پی با سنگ‌های غیر تراش و مدار[؟] با گچ بسیار ساخته شده است» ۲۶۲

هزاره: «از تخته سنگ‌های هزاره سه ذرعی... ساخته شده [است]» ۲۷۰

یخته پیراهن: «یخته پیراهن پاره [بود]» ۲۶۴

وقر: «بارانداز پنجاه شصت و قر غله دارد» ۲۴۰



## فهرست انهاءات نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی

محمدجواد طالبی هنزائی

### مقدمه

بعد از چاپ اجازات فهارس ۴۱ گانه کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته در مجله میراث شهاب و نظر به اهمیت ویژه‌ای که محققان برای انهاءات قائل بوده و حتی ارزش آن راهم پای اجازات دانسته‌اند و بعضاً اجازاتی در دل انهاءات نهفته است که تنها با تفحص در آن‌ها به دست می‌آید، بر آن شدیم تا فهرستی از آن‌ها را جمع‌آوری و جهت استفاده صاحب نظران به چاپ برسانیم. قبل از شروع در این باب لازم است تعریف مختصری با ذکر اهمیت ویژه‌شان را یادآور شویم.

### انهاء «گواهی قرائت»

در ایام گذشته چنین مرسوم بود که تلامیذ، کتابی را که نزد اساتید خود درس می‌گرفتند، با عباراتی در حواشی یا پایان کتاب بدین مضمون: «بلغ سماعاً»، «بلغ قرائتاً»، «بلغ قبلاً» و یا «أنهأ آتیه الله» و نظائر آن‌ها مبنی بر قرائت یا سماع یا درس از استاد، در حواشی و بیشتر پایان کتاب دستخط می‌گرفتند. گاهی اساتید بعد از صدور چنین تأییداتی، اجازه‌ای نیز برای شاگرد صادر می‌نمودند که این خود بر اهمیت انهاءات می‌افزود. به همین دلیل است که انهاءات راتا حد اجازات، با اهمیت دانسته‌اند.

### اهمیت انهاءات در گذشته

انهاءات را می‌توان از چند جهت مهم و حائز اهمیت شمرد:

اولاً: آن‌ها دال بر این هستند که نسخه توسط بزرگانی از علم و دانش نزد اساتیدشان قرائت، تصحیح و سقم آن مورد تأیید قرار گرفته و این اعتباری ارزشمند هم برای نسخه و هم برای اهل فن بود.

ثانیاً: نشان دهنده اعتبار نسخه، حداقل در برهه‌ای خاص از زمان بوده، و این که نسخه، کتاب درسی و مورد تدریس قرار می‌گرفته؛ لذا این خود مزیتی افزون بر اعتبار کتاب شمرده می‌شود.

ثالثاً: این انهاءات بر این مطلب اذعان دارند که نویسنده آن، برای کسی که دریافت این نشان کرده، سمت استادی داشته و خود رابطه شاگرد و استادی را تداعی می‌نماید.

با توجه به این مقدمه و نظر به این که بیشتر انهاءات، اجازه‌ای نیز در خود دارند مبنی بر قرائت و نقل روایت، به ذکر آن‌ها پرداخته؛ به این امید که برای متخصصان اهل فن و محققان در این زمینه، فایده‌بخش قرار گیرد.

لازم به ذکر است که در این مقاله نام کتاب، مؤلف، کاتب انهاء، شخص مورد نظر، تاریخ کتابت (روز، ماه، سال)، شماره جلد فهرست، صفحه و نهایتاً شماره نسخه آمده است.





## فهرست انهاءات نسخه های خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی

### مجلدات ۱-۴۱ فهرست

این انهاءات شامل انواع مختلف هم چون انهاء قرائت، سماع و اجازة می باشد:

- نسخه: مجموعه شامل: ۱. الحساب ۲. الارث  
 ۳. الاثناعشرية فی الصلاة ۴. جهة القبلة ۵.  
 خلاصة الحساب  
 مؤلف: شیخ بهائی، محمد بن حسین عاملی.<sup>۱</sup>  
 از: شیخ بهائی، محمد بن حسین عاملی  
 (۱۰۳۰ق).  
 به: علی بن عبد الله الحلی (ناسخ و کاتب).  
 تاریخ: ۱۴ ربیع الثانی سال ۱۰۲۰ق.  
 [فهرست ج ۱، ص ۱۲۵، ش ۱۰۴]  
 نسخه: شرایع الاسلام  
 مؤلف: محقق حلّی، جعفر بن حسن بن  
 یحیی بن سعید.  
 از: نصر بن محمد بن ابی البرکات.  
 به: ناشناخته.  
 تاریخ: ۲۶ محرم سال ۷۵۱ق.  
 [ج ۱، ص ۲۳۲، ش ۲۰۲]  
 نسخه: شرایع الاسلام  
 مؤلف: محقق حلّی، جعفر بن حسن بن  
 یحیی بن سعید.  
 از: علی بن طراد.  
 به: ناشناخته.
- تاریخ: نیمه ماه صفر سال ۷۳۳ق.  
 [ج ۱، ص ۲۳۲، ش ۲۰۲]  
 نسخه: الجمع بین الصحیحین  
 مؤلف: الحمیدی الاندلسی، ابو عبد الله  
 محمد بن ابی نصر.  
 از: ناشناخته.  
 به: ناشناخته.  
 [ج ۱، ص ۲۴۶، ش ۲۱۸]  
 نسخه: تهذیب الاحکام<sup>۲</sup>  
 مؤلف: شیخ الطائفة، ابو جعفر محمد بن  
 الحسن طوسی.  
 از: ملا محمد باقر مجلسی.  
 به: امیر عین العارفين علوی قمی.  
 تاریخ: ۱۱ جمادی الاولی سال ۱۰۹۳ق.  
 [ج ۱، ص ۲۵۵، ش ۲۲۹]  
 نسخه: النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی<sup>۳</sup>  
 مؤلف: شیخ الطائفة، ابو جعفر محمد بن  
 الحسن الطوسی.  
 از: حسن بن سداد حلّی.  
 به: ناشناخته.

۲. این انهاء در پایان کتاب صوم آمده است.

۳. این انهاء در پایان جزء اول کتاب آمده است.

۱. انهاء در آخر رساله الاثناعشرية فی الصلاة می باشد.

- تاریخ: جمادی الاولی سال ۷۲۷ ق.  
[ج ۱، ص ۲۶۵، ش ۲۴۱]  
نسخه: الکافی<sup>۱</sup>  
مؤلف: کلینی، محمد بن یعقوب.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: محمد مومن القهیائی.  
تاریخ: ۱۲ ربیع الثانی سال ۱۰۹۸ ق.  
[ج ۱، ص ۲۹۲، ش ۲۶۱]  
نسخه: تحریر الاحکام الشرعية علی مذهب  
الامامیة<sup>۲</sup>  
مؤلف: علامه حلّی، حسن بن یوسف بن المطهر.  
از: احمد بن محمد بن فهد حلّی (ابن فهد حلّی).  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۱۰ جمادی الاولی سال ۸۳۲ ق.  
[ج ۱، ص ۳۰۱، ش ۲۷۲]  
نسخه: تحریر الاحکام الشرعية علی مذهب  
الامامیة  
مؤلف: علامه حلّی، حسن بن یوسف بن المطهر.  
از: محمد بن حسن بن ابی القاسم الحسینی.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۵ ربیع الثانی سال ۸۴۸ ق.  
[ج ۱، ص ۳۰۱، ش ۲۷۲]  
نسخه: المهدب البارع فی شرح المختصر النافع<sup>۳</sup>  
مؤلف: فهد حلّی، شیخ احمد بن محمد بن محمد بن یوسف بن محمد بن  
از: احمد بن محمد بن محمد بن فهد حلّی (ابن فهد حلّی).  
به: ناشناخته.  
تاریخ: سلخ شوال سال ۸۳۵ ق.  
[ج ۱، ص ۳۰۴، ش ۲۷۵]  
نسخه: ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات  
القواعد<sup>۴</sup>  
مؤلف: فخرالدین محمد بن الحسن بن  
یوسف حلّی.  
از: حسن بن یوسف بن احمد.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۱۴ ذی القعدة سال ۸۵۶ ق.  
[ج ۱، ص ۳۱۰، ش ۲۸۳]  
نسخه: بحار الانوار  
مؤلف: ملا محمد باقر بن محمد تقی مجلسی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: عبدالرضا کاشانی.  
تاریخ: ربیع الاول سال ۱۰۷۸ ق.  
[ج ۱، ص ۳۴۰، ش ۲۹۵]  
نسخه: الکافی<sup>۵</sup>  
مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: محمدرضا الکهدمی (محمدرضا بن حاج  
درویش شهمزادی).

۱. این انهاء در آخر کتاب العقل والتوحید آمده است.  
۲. انهاء در صفحه آخر قسم عبادات می باشد.  
۳. در آخر کتاب نکاح آمده است.

۴. در پایان کتاب و شاید جهت شهید اول باشد.  
۵. در انجام کتاب العقل آمده است.

- تاریخ: ۱۶ شوال سال ۱۰۷۴ق.  
[ج ۱، ص ۳۴۸، ش ۳۰۴]  
نسخه: الکافی<sup>۱</sup>  
مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: محمدرضا اردبیلی.  
تاریخ: ۲۶ صفر سال ۱۰۷۶ق.  
[ج ۱، ص ۳۴۸، ش ۳۰۴]  
نسخه: تهذیب الاحکام<sup>۲</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۱۳ ربیع الاولی سال ۱۰۹۱ق.  
[ج ۱، ص ۳۵۳، ش ۳۱۲]  
نسخه: تهذیب الاحکام<sup>۳</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ذی القعدة سال ۱۰۹۱ق.  
[ج ۱، ص ۳۵۳، ش ۳۱۲]  
نسخه: من لایحضره الفقیه<sup>۴</sup>  
مؤلف: شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی.  
از: یوسف بجرانی (صاحب حدائق).  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۲۷ جمادی الاولی سال ۱۱۷۶ق.  
[ج ۱، ص ۳۶۵، ش ۳۲۹]  
نسخه: نهج البلاغه<sup>۵</sup>  
مؤلف: شریف رضی، محمد بن حسین موسوی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: مولی غیاث الدین محمد.  
تاریخ: ۸ رجب سال ۱۰۹۲ق.  
[ج ۲، ص ۳، ش ۴۰۱]  
نسخه: شرایع الاسلام<sup>۶</sup>  
مؤلف: محقق حلی، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید.  
از: علی بن عبدالعالی (محقق کرکی).  
به: ناشناخته.  
تاریخ: جمادی الثانی سال ۹۲۳ق.  
[ج ۲، ص ۷، ش ۴۰۷]  
نسخه: مجمع البیان لعلوم القرآن  
مؤلف: ابوعلی الفضل بن الحسن بن الفضل طبرسی.  
از: انهایی (مشخص نیست).<sup>۷</sup>

۴. در انجام کتاب و قبل از مشیخه آمده است.  
۵. در صفحه آخر کتاب آمده است.  
۶. در صفحه انجام و جزء اول کتاب آمده است.  
۷. احتمالاً عبدالله بن علی النجفی باشد.

۱. در انجام کتاب الروضة آمده است.  
۲. در انجام کتاب الطهارة آمده است.  
۳. در انجام کتاب الصلوة آمده است.

- به: ناشناخته.  
[ج ۲، ص ۷۹، ش ۴۷۴]  
نسخه: المختصر النافع<sup>۱</sup>  
مؤلف: محقق حلی، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید.  
از: محمد بن سلیمان بن الحاج.  
به: ناشناخته.  
[ج ۲، ص ۱۱۲، ش ۵۰۶]  
نسخه: بحار الانوار  
مؤلف: محمد باقر بن محمد تقی مجلسی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: فضل علی بیگ.  
تاریخ: ۱۲ جمادی الاولی سده ۱۲ ق.  
[ج ۲، ص ۱۳۷، ش ۵۳۲]  
نسخه: تهذیب الاحکام<sup>۲</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: مولانا خان محمد اردبیلی.  
تاریخ: ۴ جمادی الثانی سال ۱۰۷۵ ق.  
[ج ۲، ص ۱۳۹، ش ۵۳۵]  
نسخه: من لایحضره الفقیه<sup>۳</sup>  
مؤلف: شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: مولانا عزیز الله.  
تاریخ: ۱۰ ربیع الاول سال ۱۰۸۴ ق.
- از: شیخ صالح بن عبد الکریم بحرانی.  
به: میرزا زین العابدین حائری.  
تاریخ: ۵ جمادی الاولی سال ۱۰۷۸ ق.  
[ج ۲، ص ۱۴۷، ش ۵۴۴]  
نسخه: بحار الانوار<sup>۴</sup>  
مؤلف: ملا محمد باقر بن محمد تقی مجلسی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: مولانا حبیب الله بن ملا حسن علی.  
تاریخ: ۱۰ ذی القعدة سال ۱۰۹۵ ق.  
[ج ۲، ص ۱۷۳، ش ۵۷۸]  
نسخه: الروضة الیهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة<sup>۵</sup>  
مؤلف: شهید دوم، زین الدین بن علی عاملی.  
از: علی بن محمد بن الحسن بن المصنف (نوة شهید دوم).  
به: ناشناخته.  
تاریخ: اول ربیع الثانی سال ۱۰۸۹ ق.  
[ج ۲، ص ۳۹۹، ش ۷۹۲]  
نسخه: من لایحضره الفقیه<sup>۶</sup>  
مؤلف: شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: مولانا عزیز الله.  
تاریخ: ۱۰ ربیع الاول سال ۱۰۸۴ ق.

۱. در انجام کتاب آمده است.
۲. روی برگ انجام آمده است.
۳. این انهاء در انجام جزء سوم کتاب آمده است.
۴. در انجام کتاب آمده است.
۵. در انجام کتاب آمده است.
۶. پایان جزء دوم کتاب آمده است.

- [ج ۳، ص ۳، ش ۸۰۳] تاریخ: سلخ رجب سال ۱۰۴۷ ق.
- [ج ۳، ص ۲۳۷، ش ۱۰۴۵] نسخه: الشفا بتعريف حقوق المصطفى<sup>۴</sup>
- مؤلف: قاضی عیاض بن موسی الیحصبی.
- از: خلیل الانصاری.
- به: ناشناخته.
- تاریخ: سال ۱۱۰۵ ق.
- [ج ۳، ص ۳، ش ۲۸۱، ش ۱۱۱۰] نسخه: الشفا بتعريف حقوق المصطفى<sup>۵</sup>
- مؤلف: قاضی عیاض بن موسی الیحصبی.
- از: عبدالکریم العباسی.
- به: ناشناخته.
- [ج ۳، ص ۳، ش ۲۸۱، ش ۱۱۱۰] نسخه: شرح العمدة
- مؤلف: ابن مالک محمد بن عبدالله طائی جیانی.
- از: انهاء (مشخص نیست).
- به: ناشناخته.
- [ج ۳، ص ۲۹۱، ش ۱۱۱۹] نسخه: مجموعه شامل:
۱. النکت الاعتقادية
- مؤلف: شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی؟
۲. نهج السداد الی شرح واجب الاعتقاد
- مؤلف: عبدالواحد بن الصفی نعمانی.
- [ج ۳، ص ۳، ش ۸۰۳] نسخه: تحرير الاحكام الشرعية في فقه الامامية<sup>۱</sup>
- مؤلف: علامه حلی، حسن بن یوسف بن المطهر
- از: علی بن الحسن استرآبادی.
- به: حسن بن حمزة بن محسن حسینی موسوی.
- تاریخ: ۲۱ شعبان سال ۸۳۳ ق.
- [ج ۳، ص ۱۰۴، ش ۹۱۵] نسخه: تحرير الاحكام الشرعية في فقه الامامية<sup>۲</sup>
- مؤلف: علامه حلی، حسن بن یوسف بن المطهر
- از: حسن بن علی بن محسن نجفی.
- به: ناشناخته.
- [ج ۳، ص ۱۰۴، ش ۹۱۵] نسخه: تحرير الاحكام الشرعية في فقه الاماميه
- مؤلف: علامه حلی، حسن بن یوسف بن المطهر
- از: حسن بن حمزه بن محسن حسینی موسوی.
- به: ناشناخته.
- تاریخ: ۱۴ رمضان سال ۸۳۶ ق.
- [ج ۳، ص ۱۰۴، ش ۹۱۵] نسخه: شرايع الاسلام<sup>۳</sup>
- مؤلف: محقق حلی، جعفر بن الحسن بن یحیی بن سعید.
- از: علی بن نصرالله اللیثی الجزائری.
- به: مولانا محمد مقیم [بن محمد هاشم].
- 
۱. روی برگ ۳۶ آمده است.
۲. در انجام کتاب آمده است.
۳. در صفحه قبل از پایان کتاب آمده است.
۴. در انجام کتاب آمده است.
۵. روی برگ انجام آمده است.

از: علی بن محمد بن الحسن عاملی (نوه شهید دوم).

به: حسین بن علی بن محمد بن الحسن بن زین الدین بن علی بن احمد بن جمال الدین العالمی (فرزندش).

تاریخ: ۸ ذی الحجة سال ۱۰۷۴ق.

[ج ۴، ص ۲۴۱، ش ۱۴۵۲]

نسخه: مصباح السالکین<sup>۴</sup>

مؤلف: کمال الدین میثم بن علی بن میثم بجرانی.

از: صالح بن عبدالکریم بجرانی.

به: ملا محمد.

تاریخ: ۲۳ جمادی الثانی سال ۱۰۸۸ق.

[ج ۴، ص ۳۸۷، ش ۱۵۸۱]

نسخه: مصباح السالکین<sup>۵</sup>

مؤلف: کمال الدین میثم بن علی بن میثم بجرانی.

از: صالح بن عبدالکریم بجرانی.

به: ملا محمد.

تاریخ: ۲۶ جمادی الاولى سال ۱۰۹۰ق.

[ج ۴، ص ۳۸۷، ش ۱۵۸۱]

نسخه: ارشاد الازهان الی احکام الایمان<sup>۶</sup>

مؤلف: علامه حلی، حسن بن یوسف بن المطهر.

از: عبدالنبی بن سعد بن علی (شیخ عبدالنبی جزائری).

به: برای یکی از شاگردانش (نامعلوم).

۳. النقلیة<sup>۱</sup>

مؤلف: شهید اول، محمد بن مکی عاملی.

۴. معدن الجواهر وریاضة الخواطر

مؤلف: ابوالفتح محمد بن علی کراچی.

۵. ملحة الاعراب

مؤلف: ابومحمد قاسم بن علی حریری.

از: زین الدین بن علی بن احمد عاملی

(شهید دوم).

به: ناشناخته.

تاریخ: ۱۹ ربیع الاخر سال ۹۵۰ق.

[ج ۳، ص ۲۹۸، ش ۱۱۲۶]

نسخه: الخرائج و الجرائح<sup>۲</sup>

مؤلف: قطب الدین سعید بن هبة الله راوندی.

از: صالح بن عبدالکریم بجرانی.

به: ناشناخته.

تاریخ: ۲۲ ذی القعدة سال ۱۰۹۵ق.

[ج ۴، ص ۸۴، ش ۱۲۸۶]

نسخه: مجموعه شامل:

۱. شرح بداية الدراية<sup>۳</sup>

مؤلف: شهید دوم، زین الدین بن علی عاملی.

۲. خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال

مؤلف: علامه حلی، حسن بن یوسف بن المطهر.

۱. برگ آخر کتاب و حاج شیخ عباس قمی به تاریخ

۱۳۴۴ق خط شهید دوم را تأیید نموده اند.

۲. روی برگ انجام کتاب آمده است.

۳. روی برگ انجام آمده است.

۴. پایان جزء اول کتاب آمده است.

۵. پایان جزء سوم آمده است.

۶. پایان جزء اول یعنی کتاب وصیت آمده است.

- [ج ۵، ص ۱۱۶، ش ۱۷۲۸] تاریخ: ۶ رجب سال ۱۱۱۸ ق.  
 نسخه: بحار الانوار  
 مؤلف: علامه محمدباقر بن محمدتقی مجلسی.  
 از: علامه محمدباقر مجلسی.  
 به: ملا محمد جعفر اصفهانی.  
 تاریخ: ۱۴ شعبان سال ۱۰۹۹ ق.  
 [ج ۵، ص ۲۴۹، ش ۱۸۶۷] تاریخ: ۳ ذی القعدة سال ۸۱۴ ق.  
 نسخه: قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام<sup>۲</sup>  
 مؤلف: علامه حلی، حسن بن یوسف بن المطهر.  
 از: علی بن حسن بن محمد استرآبادی.  
 به: ناشناخته.  
 [ج ۵، ص ۲۵۸، ش ۱۸۸۱] تاریخ: ۴ ذی القعدة سال ۸۱۴ ق.  
 نسخه: قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام  
 مؤلف: علامه حلی، حسن بن یوسف بن المطهر.  
 از: محمد بن حسن بن محمد استرآبادی.  
 به: ناشناخته.  
 [ج ۵، ص ۲۵۸، ش ۱۸۸۱] تاریخ: ۴ ذی القعدة سال ۸۱۴ ق.  
 نسخه: قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام<sup>۳</sup>  
 مؤلف: علامه حلی، حسن بن یوسف بن المطهر.  
 از: محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی.  
 به: مولانا نورالدین محمد مازندرانی.
- 
۱. در پایان صفحه انجام آمده است.  
 ۲. پایان جزء اول کتاب آمده است. شامل چهار انهاء می باشد.  
 ۳. روی برگ آخر کتاب آمده است.
- تاریخ: ۶ رجب سال ۱۱۱۸ ق.  
 [ج ۶، ص ۱۵۳، ش ۲۱۴۵] تاریخ: ۶ رجب سال ۱۱۱۸ ق.  
 نسخه: من لایحضره الفقیه<sup>۴</sup>  
 مؤلف: شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی.  
 از: علامه محمدباقر مجلسی.  
 به: خان محمد.  
 تاریخ: اواخر جمادی الثانی سال ۱۰۷۱ ق.  
 [ج ۶، ص ۲۸۷، ش ۲۳۰۴] تاریخ: ۶ رجب سال ۱۰۷۱ ق.  
 نسخه: من لایحضره الفقیه<sup>۵</sup>  
 مؤلف: شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی.  
 از: مولی عبد الله بن محمدتقی مجلسی (برادر علامه مجلسی).  
 به: خان محمد.  
 تاریخ: اواخر ربیع الثانی سال ۱۰۷۱ ق.  
 [ج ۶، ص ۲۸۷، ش ۲۳۰۴] تاریخ: اواخر ربیع الثانی سال ۱۰۷۱ ق.  
 نسخه: مجموعه شامل:  
 ۱. اللوامع الالهیه فی المسائل الکلامیه  
 مؤلف: فاضل مقداد بن عبد الله سیوری حلی.  
 ۲. ترجمه الفصول النصیریة  
 مؤلف: رکن الدین محمد بن علی گرگانی  
 استرآبادی.  
 ۳. نهج المسترشدين فی اصول الدین
- 
۴. روی حاشیه آغاز باب النکاح آمده است.  
 ۵. این انهاء در پایان جزء سوم آمده است.

- مؤلف: علامه حلّی، حسن بن یوسف بن المطهر.<sup>۱</sup>  
از: داود بن الحسن الفوعی.  
به: محمد بن اسماعیل بن احمد الفوعی.  
تاریخ: ۸ ذی الحجّه سال ۹۶۴ق.  
[ج ۷، ص ۸۲، ش ۲۴۹۴]  
نسخه: مجموعه شامل:
۱. اللوامع الالهیة فی المسائل الکلامیة<sup>۲</sup>  
مؤلف: فاضل مقداد بن عبدالله سیوری حلّی.
  ۲. ترجمه الفصول النصیریة  
مؤلف: رکن الدین محمد بن علی گرگانی  
استرآبادی.
  ۳. نهج المسترشدين فی اصول الدین  
مؤلف: علامه حلّی، حسن بن یوسف بن المطهر.  
از: ناشناخته.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۲۹ رمضان سال ۹۶۶ق.  
[ج ۷، ص ۸۲، ش ۲۴۹۴]  
نسخه: مجموعه شامل:
  ۱. شرعة التسمية فی زمان الغیبة<sup>۳</sup>
  ۲. اختلاف الزوجین فی المهر  
مؤلف: میرداماد، محمدباقر بن محمد حسینی  
استرآبادی.
- از: محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی  
(میرداماد).
- 
۴. روی برگ انجام آمده است.
  ۵. در انجام کتاب و سعید نفیسی خط علامه مجلسی  
را در تاریخ ۱۰ جوری ۱۹۵۰م تأیید نموده است.
  ۶. در پایان کتاب الحجّه آمده است.



- [ج ۷، ص ۱۸۹، ش ۲۶۰۷] مؤلف: شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی.  
نسخه: الکافی<sup>۱</sup>
- از: مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی.  
از: علامه محمد باقر مجلسی.  
به: ملا محمد علی اصفهانی.  
تاریخ: اواسط جمادی الثانی سال ۱۰۷۰ق.
- [ج ۷، ص ۱۸۹، ش ۲۶۰۷] مؤلف: شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی.  
نسخه: من لایحضره الفقیه<sup>۲</sup>
- از: مؤلف: قاضی عیاض بن موسی الیحصبی.  
از: ناشناخته.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۷ رجب سال ۹۴۰ق.
- [ج ۸، ص ۲۳، ش ۲۸۱۹] مؤلف: شیخ الطائفة، محمد بن الحسن الطوسی.  
نسخه: تهذیب الاحکام<sup>۳</sup>
- از: مؤلف: شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی.  
از: شمس الدین محمود الحسینی الحسنی المرعشی النجفی النسابة.  
به: ابوالعالی شهاب الدین حسینی مرعشی (فرزندش).  
تاریخ: محرم سال ۱۳۳۷ق.
- [ج ۷، ص ۲۶۱، ش ۲۶۸۴] مؤلف: من لایحضره الفقیه<sup>۴</sup>
- 
۴. در پایان جزء اول کتاب آمده است.  
۵. این انهاء در پایان نسخه و در روضه نبوی تحریر شده است.  
۶. در پایان کتاب الطهارت آمده است.  
۷. در پایان نسخه آمده است.
- 
۱. در پایان کتاب آمده است.  
۲. در پایان جزء سوم کتاب آمده است.  
۳. در روی برگ انجام آمده است.

- از: محقق حلی.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۱۳ شوال سال ۶۴۵ق.  
[ج ۸، ص ۳۵۸، ش ۳۱۲۶]  
نسخه: من لایحضره الفقیه<sup>۱</sup>  
مؤلف: شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی.  
از: علامه محمد باقر مجلسی.  
به: میر محمد معصوم بن میر محمد مؤمن (عقیلی شیرازی).  
تاریخ: رجب سال ۱۰۸۲ق.  
[ج ۸، ص ۴۰۵، ش ۳۱۸۲]  
نسخه: تهذیب الاحکام<sup>۲</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفه، محمد بن الحسن الطوسی.  
از: ملا محمد باقر مجلسی.  
به: امیر عبد الباقی.  
تاریخ: ۲۸ رجب سال ۱۰۹۷ق.  
[ج ۸، ص ۴۰۶، ش ۳۱۸۳]  
نسخه: البحر الرائق فی شرح کنز الدقائق<sup>۳</sup>  
مؤلف: زین العابدین بن احمد معروف بن ابن نجیم مصری.  
از: محمد بن اسماعیل شامی حنفی.  
از: شرف الدین علی بن حجة الله حسنی حسینی شولستانی نجفی.  
به: احمد بن محمود مازندرانی ساروی نجفی.  
[ج ۸، ص ۳۹۶، ش ۳۱۶۷]  
نسخه: من لایحضره الفقیه<sup>۳</sup>  
مؤلف: شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی.  
از: محمد بن سعید بن قاسم حسنی حسینی طباطبائی.  
به: میر محمد معصوم بن میر محمد مؤمن
- 
۱. در پایان کتاب قبل از مشیخه آمده است.  
۲. در پایان جلد سوم و برگ انجام کتاب آمده است.  
۳. در پایان کتاب و قبل از مشیخه آمده است.
- 
۴. در اواخر مشیخه که دنبال این انهاء یادداشت عبد الوهاب ملکی به تاریخ ۲۵ جمادی الاولی سال ۱۳۷۱ق نیز آمده است.  
۵. شامل چند انهاء از ایشان که در انجام کتابهای تجارت، نکاح، عتق که آخرین آنها به این تاریخ است.  
۶. در انجام نسخه آمده است.

- به: ناشناخته.  
تاریخ: ۱۱ رمضان سال ۱۱۰۱ق.  
[ج ۹، ص ۳۵، ش ۳۲۴۰]  
نسخه: الشفا بتعريف حقوق المصطفى<sup>۱</sup>  
مؤلف: قاضی عیاض بن موسی الیحصبی.  
از: ناشناخته.  
به: ناشناخته.  
[ج ۹، ص ۲۸۲، ش ۳۴۸۵]  
نسخه: الکافی<sup>۲</sup>  
مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی.  
از: علامه مجلسی.
- 
۱. انهاءات قرائت در برگ انجام چنین آمده است:  
انهاء قراءه در ۱۸ رمضان سال ۹۰۵ ق علی جدی  
قاضی قطب الدین بن ظهیر الشافعی کتبه  
عبدالقادر بن ابی السعادات المالکی الانصاری  
(قاضی قطب الدین برای عبدالقادر بن ابی  
السعادات المالکی الانصاری)  
انهاء قراءه در ماه شعبان سال ۹۰۷ ق علی شیخ  
سراج الدین بن سلیمان ابن محمد الاوراسی.  
انهاء قراءه علی سیدی عزالدین کتبه احمد الجعدی  
انهاء قراءه علی القاضی قطب الدین ابی الخیر بن  
ابی السعود بن ظهیر الشامی به سال ۹۰۷ ق.  
انهاء قراءه بر شیخ محمد الخطاب ثم علی والده شیخ  
محمد الخطاب محمد بن محمد القفصی به سال ۹۴۹ ق  
بر شیخ محمد الخطاب بعد پدرش شیخ محمد  
الخطاب محمد بن محمد القفصی به سال ۹۴۹ ق.
۲. دو انهاء یکی پایان کتاب الحجه و دیگری در آغاز  
کتاب باب کراهیه التوقیت که دومین آن ها در اواخر  
صفر سال ۱۰۷۶ق است.
- به: خان محمد اردبیلی.  
تاریخ: اواخر صفر سال ۱۰۷۶ق.  
[ج ۹، ص ۳۳۵، ش ۳۵۴۱]  
نسخه: الاستبصار فیما اختلف من الاخبار<sup>۳</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن  
الحسن الطوسی.  
از: احمد بن محمد تونی.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۲۸ رمضان سال ۱۰۷۳ق.  
تاریخ: ۱۸ ذی القعدة سال ۱۰۷۳ق.  
[ج ۹، ص ۳۵۰، ش ۳۵۶۱]  
نسخه: الاستبصار فیما اختلف من الاخبار<sup>۴</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن  
الحسن الطوسی.  
از: ناشناخته.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۱۱ جمادی الثانی سال ۱۱۴۱ق.  
[ج ۹، ص ۳۵۰، ش ۳۵۶۱]  
نسخه: الاستبصار فیما اختلف من الاخبار<sup>۵</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن  
الحسن الطوسی.
- 
۳. دو انهاء از ایشان، یکی پایان کتاب الطهارة و  
دیگری پایان کتاب الصلوة آمده است.
۴. در پایان کتاب التجارت آمده است.
۵. دو انهاء که در پایان جزء دوم و دیگری در آخر  
کتاب آمده است.

- از: محمد تقی مجلسی.  
 به: شاهمیر بن فخرالدین بن یونس حسینی  
 هزارجریبی.  
 تاریخ: اواخر ربيع الاول سال ۱۰۶۲ق.  
 [ج ۹، ص ۳۷۳، ش ۳۵۹۰]  
 نسخه: تهذيب الاحكام<sup>۱</sup>  
 مؤلف: شيخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن  
 الحسن الطوسی.  
 از: موسى الحسينی.  
 به: محمد بن محمد هادی حسینی مشهدی.  
 تاریخ: اواخر ربيع الاول سال ۱۰۸۹ق.  
 [ج ۹، ص ۳۷۴، ش ۳۵۹۱]  
 نسخه: من لا يحضره الفقيه<sup>۲</sup>  
 مؤلف: شيخ صدوق، محمد بن علی بن  
 بابويه قمی.  
 از: محمد باقر مجلسی.  
 به: عبدالصمد شريف امامی.  
 تاریخ: ذی الحجه سال ۱۰۹۵ق.  
 [ج ۱۰، ص ۴، ش ۳۶۰۳]  
 نسخه: تعريب الكبرى في المنطق<sup>۳</sup>  
 مؤلف: محمد بن شريف حسینی.  
 از: علی بن سلیمان حسینی.  
 به: خزام بن ابراهيم بن محمد بن ابی الخیر  
 اوالی.
- از: محمد تقی مجلسی.  
 به: شاهمیر بن فخرالدین بن یونس حسینی  
 هزارجریبی.  
 تاریخ: اواخر ربيع الاول سال ۱۰۶۲ق.  
 [ج ۹، ص ۳۷۳، ش ۳۵۹۰]  
 نسخه: تهذيب الاحكام<sup>۱</sup>  
 مؤلف: شيخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن  
 الحسن الطوسی.  
 از: موسى الحسينی.  
 به: محمد بن محمد هادی حسینی مشهدی.  
 تاریخ: اواخر ربيع الاول سال ۱۰۸۹ق.  
 [ج ۹، ص ۳۷۴، ش ۳۵۹۱]  
 نسخه: من لا يحضره الفقيه<sup>۲</sup>  
 مؤلف: شيخ صدوق، محمد بن علی بن  
 بابويه قمی.  
 از: محمد باقر مجلسی.  
 به: عبدالصمد شريف امامی.  
 تاریخ: ذی الحجه سال ۱۰۹۵ق.  
 [ج ۱۰، ص ۴، ش ۳۶۰۳]  
 نسخه: تعريب الكبرى في المنطق<sup>۳</sup>  
 مؤلف: محمد بن شريف حسینی.  
 از: علی بن سلیمان حسینی.  
 به: خزام بن ابراهيم بن محمد بن ابی الخیر  
 اوالی.
۴. دوانه‌ها که در پایان جزء‌های اول و دوم آمده است.  
 ۵. روی برگ انجام کتاب آمده است.  
 ۶. در پایان جزء اول و دوم کتاب که دومین آنها به  
 این تاریخ است.
۱. در پایان نسخه آمده است.  
 ۲. روی برگ آغاز که پایان کتاب صلوة می باشد آمده است.  
 ۳. روی برگ انجام آمده است.

- بن النعمان المناری (فرزندش).  
تاریخ: ۱۵ محرم سال ۷۵۹ ق.  
[ج ۱۰، ص ۱۷۲، ش ۳۷۸۷]  
نسخه: الاستبصار فیما اختلف من الاخبار<sup>۱</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی.  
از: فخرالدین بن محمد علی طریح نجفی (شیخ فخرالدین طریحی).  
به: سید محمود بن فتحی.  
تاریخ: ۲۴ جمادی الاولی سال ۱۰۵۹ ق.  
[ج ۱۱، ص ۴۳، ش ۴۰۴۲]  
نسخه: تهذیب الاحکام<sup>۲</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی.  
از: محمد تقی مجلسی.  
به: محمد تقی بن محمد صالح بن حاجی گنجی اردبیلی.  
تاریخ: اواخر محرم سال ۱۰۶۰ ق.  
[ج ۱۱، ص ۲۷۴، ش ۴۲۷۲]  
نسخه: تهذیب الاحکام<sup>۳</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی.  
از: محمد تقی مجلسی.  
به: محمد تقی بن محمد صالح بن حاجی
- گنجی اردبیلی.  
تاریخ: اواسط ربیع الاول سال ۱۰۶۲ ق.  
[ج ۱۱، ص ۲۷۴، ش ۴۲۷۲]  
نسخه: الخصال<sup>۴</sup>  
مؤلف: شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی.  
از: فاضل مقداد سیوری.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۱۹ ربیع الثانی سال ۸۰۸ ق.  
[ج ۱۱، ص ۲۷۶، ش ۴۲۷۵]  
نسخه: حاشیه الالفیه<sup>۵</sup>  
مؤلف: سید علی بن الحسین بن محمد صائغ عاملی.  
از: سید علی بن الحسین بن محمد صائغ عاملی (۹۸۰ ق).  
به: شاید برای کاتب (محمد بن احمد بن محمد بن علی).  
تاریخ: ۱۸ رمضان سال ۹۷۴ ق.  
[ج ۱۱، ص ۳۹۱، ش ۴۳۹۱]  
نسخه: الکافی<sup>۶</sup>  
مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی.  
از: محمد تقی مجلسی.  
به: محمد مهدی بن محمد الحسینی
۴. به همراه انهاء ای که خط خورده در پایان جزء اول آمده است.  
۵. در انجام کتاب آمده است.  
۶. در حاشیه پایان کتاب صلوه آمده است.
۱. در پایان جزء دوم آمده است.  
۲. این انهاء در پایان کتاب طهارة و صلوة آمده است.  
۳. این انهاء در پایان صلوة آمده است.

- اصفہانی.  
تاریخ: غره محرم سال ۱۰۶۳ ق.  
[ج ۱۲، ص ۹۶، ش ۴۵۱۸]  
نسخه: تہذیب الاحکام<sup>۱</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، محمد بن الحسن الطوسی.  
از: احمد جزائری.  
به: شیخ محمد علی بن بشاره آل موحی  
الحاقانی النجفی.  
تاریخ: سال ۱۱۲۲ ق.  
[ج ۱۲، ص ۱۳۶، ش ۴۵۶۰]  
نسخه: تہذیب الاحکام<sup>۲</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، محمد بن الحسن الطوسی.  
از: ابوالحسن الشریف.  
به: شیخ محمد علی بن بشاره آل موحی  
الحاقانی النجفی.  
تاریخ: سال ۱۱۲۳ ق.  
[ج ۱۲، ص ۱۳۶، ش ۴۵۶۰]  
نسخه: معالم الدین و ملاذ المجتہدین<sup>۳</sup>  
مؤلف: شیخ حسن بن زین الدین عاملی.  
از: نجیب الدین علی بن محمد بن مکی بن  
عیسی بن حسن بن عیسی عاملی جبیلی.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۹ شوال سال ۱۰۰۱ ق.
- [ج ۱۲، ص ۱۵۷، ش ۴۵۸۵]  
نسخه: الکافی<sup>۴</sup>  
مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: عبدالرزاق بن ملا مختار گیلانی.  
تاریخ: ذی القعدة سال ۱۰۸۳ ق.  
[ج ۱۲، ص ۱۶۱، ش ۴۵۹۲]  
نسخه: الاستبصار فیما اختلف فیہ من الاخبار<sup>۵</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، ابو جعفر محمد بن  
الحسن الطوسی.  
از: حسین بن کمال الدین الایزر الحسینی الحلی.  
به: شیخ ابراهیم بن حاج علی السکری الحلی.  
تاریخ: ۱۸ ذی القعدة سال ۱۰۴۱ ق.  
[ج ۱۲، ص ۱۸۹، ش ۴۶۲۷]  
نسخه: الاستبصار فیما اختلف من الاخبار<sup>۶</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، ابو جعفر محمد بن  
الحسن الطوسی.  
از: ابوالحسن الشریف.  
به: شیخ محمد علی بن بشاره آل موحی.  
تاریخ: آخر محرم سال ۱۱۲۶ ق.  
[ج ۱۲، ص ۱۸۹، ش ۴۶۲۷]  
نسخه: مجموعه شامل:  
۱. الاثناعشریة فی الصلوة

۱. در چند جا انہاء ائی آمدہ کہ این انہاء در پایان کتاب زکوٰۃ است.  
۲. در پایان کتاب صلوة آمدہ است.  
۳. روی برگ انجام کتاب آمدہ است.

۴. در پایان نسخه آمدہ است.  
۵. پایان کتاب طہارۃ، صلوة و حج آمدہ است.  
۶. پایان کتاب صلوة آمدہ است.



۲. الاثناعشرية فى الصوم  
 ۳. الاثناعشرية فى الحج<sup>۱</sup>  
 مؤلف: شيخ بهاء الدين محمد بن حسين عاملی.  
 ۴. صيغ العقود والايقات  
 مؤلف: نورالدين على بن عبدالعالی، محقق كركی.  
 ۵. حاشیه الالفیه.  
 از: بهاء الدين محمد بن حسين عاملی  
 معروف به شيخ بهائى ۱۰۳۰ق.  
 به: کاتب نسخه.  
 به: ناشناخته.  
 تاریخ: ۱۴ ربيع الثانى سال ۱۰۲۰ق.  
 [ج ۱۲، ص ۲۸۰، ش ۴۶۹۶]  
 نسخه: الاستبصار فيما اختلف من الاخبار<sup>۲</sup>  
 مؤلف: شيخ الطائفة، ابو جعفر محمد بن  
 الحسن الطوسى.  
 از: حسين بن حيدر حسینی كركی عاملی.  
 به: مولانا احمد بن حسين اصفهانى.  
 تاریخ: ۲۰ شوال سال ۱۰۳۹ق.  
 [ج ۱۳، ص ۵۳، ش ۴۸۶۸]  
 نسخه: تهذيب الاحكام<sup>۳</sup>  
 مؤلف: شيخ الطائفة، ابو جعفر محمد بن  
 الحسن الطوسى.  
 از: محمد باقر مجلسى.  
 به: مولانا عبدالحسين مازندرانی.  
 تاریخ: ۲۲ ذى القعدة سال ۱۰۹۶ق.  
 [ج ۱۳، ص ۵۳، ش ۴۸۶۹]  
 نسخه: من لا يحضره الفقيه<sup>۴</sup>  
 مؤلف: شيخ صدوق، محمد بن على بن  
 بابويه قمى.  
 از: عبدالرزاق جيلانى.  
 به: محمد ابراهيم بن عبدالله البواناتى.  
 [ج ۱۳، ص ۲۳۸، ش ۵۰۴۲]  
 نسخه: من لا يحضره الفقيه<sup>۵</sup>  
 مؤلف: شيخ صدوق، محمد بن على بن  
 بابويه قمى.  
 از: محمد باقر مجلسى.  
 به: محمد ابراهيم بن عبدالله البواناتى.  
 تاریخ: ربيع الاول سال ۱۰۸۷ق.  
 [ج ۱۳، ص ۲۳۸، ش ۵۰۴۲]  
 نسخه: من لا يحضره الفقيه<sup>۶</sup>  
 مؤلف: شيخ صدوق، محمد بن على بن  
 بابويه قمى.  
 از: عبدالرزاق گيلانى شيرازى.  
 به: محمد ابراهيم بن عبدالله البواناتى.  
 تاریخ: ۱۴ رجب سال ۱۰۸۴ق.  
 [ج ۱۳، ص ۲۳۸، ش ۵۰۴۲]  
 نسخه: الكافى  
 مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن يعقوب كلينى.  
 ۱. روى برگ انجام آمده است.  
 ۲. پايان كتاب الطهارت آمده است.  
 ۳. پايان كتاب النكاح آمده است.  
 ۴. در پايان جزء دوم كتاب آمده است.  
 ۵. در پايان جزء سوم كتاب آمده است.  
 ۶. در پايان مشيخه آمده است.

- از: محمد باقر مجلسی.  
 به: امیر جمال الدین محمد بن امیر مظفر  
 فیروزکوهی.  
 [ج ۱۳، ص ۲۵۷، ش ۵۰۶۱]  
 نسخه: الکافی<sup>۱</sup>  
 مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی.  
 از: محمد باقر مجلسی.  
 به: امیر جمال الدین محمد بن امیر مظفر  
 فیروزکوهی.  
 تاریخ: جمادی الاولی سال ۱۰۸۸ق.  
 [ج ۱۳، ص ۲۵۷، ش ۵۰۶۱]  
 نسخه: مجموعه شامل:  
 ۱. اللمعة الجلیة فی معرفة النية  
 مؤلف: شیخ احمد بن محمد بن فهد حلی.  
 ۲. النفلية  
 مؤلف: شهید اول محمد بن مکی عاملی.  
 ۳. الموجز الحاوی لتحرير الفتاوی<sup>۲</sup>  
 ۴. المحرر فی الفتاوی  
 ۵. کفاية المحتاج الی مناسك الحاج  
 مؤلف: شیخ احمد بن محمد بن فهد حلی.  
 از: علی بن علی بن محمد بن طی.  
 به: یکی از شاگردانش.  
 تاریخ: ۱۲ شوال سال ۸۵۱ق.  
 [ج ۱۵، ص ۳، ش ۵۶۰۱]  
 نسخه: مجموعه شامل:  
 ۱. درانجام کتاب آمده است.  
 ۲. درپایان کتاب آمده است.  
 ۳. اللمعة الجلیة فی معرفة النية  
 مؤلف: شیخ احمد بن محمد بن فهد حلی.  
 ۴. النفلية  
 مؤلف: شهید اول محمد بن مکی عاملی.  
 ۵. الموجز الحاوی لتحرير الفتاوی<sup>۳</sup>  
 ۶. المحرر فی الفتاوی  
 ۷. کفاية المحتاج الی مناسك الحاج  
 مؤلف: شیخ احمد بن محمد بن فهد حلی.  
 از: علی بن علی بن محمد بن طی.  
 به: یکی از شاگردانش.  
 تاریخ: ۱۶ شوال سال ۱۰۷۴ق.  
 [ج ۱۵، ص ۱۲۸، ش ۵۷۳۳]  
 نسخه: الکافی<sup>۴</sup>  
 مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی.  
 از: علامه محمد باقر مجلسی.  
 به: بهاء الدین محمد الجبلی.  
 تاریخ: ۲۶ صفر سال ۱۰۷۶ق.  
 [ج ۱۵، ص ۳، ش ۵۶۰۱]  
 نسخه: مجموعه شامل:  
 ۱. درانجام کتاب آمده است.  
 ۲. درپایان کتاب آمده است.  
 ۳. درپایان کتاب آمده است.  
 ۴. درپایان کتاب عقل وتوحید آمده است.  
 ۵. درپایان کتاب الحجیه آمده است.



- [ج ۱۵، ص ۱۲۸، ش ۵۷۳۳] مؤلف: شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی.  
از: محمد داود.  
به: محمد مرشد بن عبدالعلی.  
تاریخ: اواسط ذی القعدة سال ۱۱۰۴ق.  
[ج ۱۶، ص ۲۰۲، ش ۶۲۰۴] نسخه: مجموعه شامل:  
۱. الاثناعشریه فی صوم  
۲. الاثناعشریه فی الطهارة  
مؤلف: شیخ بهاء الدین محمد بن الحسین عاملی.  
۳. الاربعون حدیثاً  
مؤلف: شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی  
۴. اصول الدین؟  
از: بهاء الدین عاملی.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: جمادی الاخر سال ۹۹۴ق.  
[ج ۱۶، ص ۳۱۰، ش ۶۳۴۷] نسخه: الکافی<sup>۶</sup>  
مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: امیر دوست محمد مازندرانی.  
تاریخ: ۵ ذی الحجه سال ۱۰۷۷ق.  
[ج ۱۷، ص ۱۳۳، ش ۶۵۴۶] نسخه: خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال<sup>۱</sup>
- [ج ۱۵، ص ۱۲۸، ش ۵۷۳۳] نسخه: الالفیه<sup>۱</sup>  
مؤلف: شهید اول، محمد بن مکی عاملی.  
از: عبدالعالی بن علی بن عبدالعالی (فرزند محقق کرکی).  
به: شاید برای کاتب [نصرالله موسوی].  
[ج ۱۵، ص ۲۱۶، ش ۵۸۳۲] نسخه: الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة<sup>۲</sup>  
مؤلف: شهید دوم، زین الدین بن علی عاملی.  
از: عبدالنبی بن احمد درازی.  
به: شیخ عبدالعلی بن احمد بن ابراهیم بن احمد بن صالح بن عصفور بحرینی درازی.  
تاریخ: ۱۹ شوال سال ۱۱۴۹ق.  
[ج ۱۶، ص ۶، ش ۶۰۰۴] نسخه: تهذیب الاحکام<sup>۳</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: بهاء الدین محمد جلیلی.  
تاریخ: اواسط ذی القعدة سال ۱۰۷۲ق.  
[ج ۱۶، ص ۱۱، ش ۶۰۱۰] نسخه: من لایحضره الفقیه<sup>۴</sup>
۱. در پایان نسخه آمده است.  
۲. این نسخه را برادر نزد برادر خوانده که انهاء در پایان جزء اول آمده است.  
۳. در پایان جزء دوم آمده است.  
۴. در انجام کتاب آمده است.
۵. در پایان کتاب سوم آمده است.  
۶. در پایان کتاب آمده است.

- مؤلف: علامہ حلی، حسن بن یوسف بن المطهر.  
از: فخرالدین حلی.  
به: یحیی بن محمد بن الحسن (نوہ علامہ حلی).  
تاریخ: ۱۹ ذی الحجہ سال ۷۴۷ ق.  
[ج ۱۷، ص ۱۸۰، ش ۶۶۰۶]  
نسخه: شرایع الاسلام<sup>۲</sup>  
مؤلف: محقق حلی، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید.  
از: علی بن محمد بن الحسام.  
به: احمد بن محمد بن حسن بن المصیرد البلیدائی.  
تاریخ: ۲۲ شعبان سال ۸۹۸ ق.  
[ج ۱۷، ص ۳۰۷، ش ۶۷۵۷]  
نسخه: مختلف الشیعة فی احکام الشریعة<sup>۳</sup>  
مؤلف: علامہ حلی، حسن بن یوسف بن المطهر.  
از: شیخ صالح بن عبدالکریم بحرانی.  
به: میرزا محمد محسن بن محمد امین.  
تاریخ: غره ذی الحجہ سال ۱۰۸۹ ق.  
تاریخ: ۲۸ ربیع الاول سال ۱۰۹۲ ق.  
[ج ۱۸، ص ۴، ش ۶۸۰۲]  
نسخه: حاشیة شرح العضدی علی مختصر ابن الحاجب<sup>۴</sup>
- مؤلف: ملا میرزا جان حبیب اللہ باغنوی شیرازی.  
از: سید نعمت اللہ حسینی جزائری.  
به: نجم الدین بن محمد حسینی جزائری.  
تاریخ: جمادی الثانی سال ۱۰۸۸ ق.  
[ج ۱۸، ص ۱۵۵، ش ۶۹۷۹]  
نسخه: تہذیب الاحکام<sup>۵</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی.  
از: احمد بن محمد تونی.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۷ ذی الحجہ سال ۱۰۷۵ ق.  
[ج ۱۸، ص ۱۹۱، ش ۷۰۲۸]  
نسخه: الاستبصار فیما اختلف من الاخبار<sup>۶</sup>  
مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی.  
از: سید نعمت اللہ جزائری.  
به: سید ابوالقاسم (شاگردش).  
تاریخ: ربیع الاول سال ۱۰۸۸ ق.  
[ج ۱۸، ص ۱۹۴، ش ۷۰۳۱]  
نسخه: الکافی<sup>۷</sup>  
مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی.  
از: محمد صالح بن عبدالواسع حسینی

۱. روی برگ انجام آمده است.
۲. در پایان جزء اول کتاب آمده است.
۳. در پایان کتاب آمده است.
۴. در برگ انجام نسخه آمده است.
۵. (آغاز مشیخه) در حاشیه پایان کتاب دیات آمده است.
۶. در پایان کتاب صلوة و صوم و حج انہاء اتی است کہ آخرین آن ها به این تاریخ می باشد.
۷. در پایان کتاب حیض آمده است.

- [خاتون آبادی].  
 به: میرزا عبدالرحیم بن میرزا سید محمد موسوی.  
 تاریخ: دحو الارض سال ۱۱۰۰ ق.  
 [ج ۱۹، ص ۳۹، ش ۷۲۳۹]  
 نسخه: شرایع الاسلام  
 مؤلف: محقق حلی، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید.  
 از: حسن بن الحداد العاملی.  
 به: محمد بن حسن بن محمد غزنوی.  
 تاریخ: ۲۱ محرم سال ۷۳۹ ق.  
 [ج ۱۹، ص ۲۶۳، ش ۷۴۶۳]  
 نسخه: الاستبصار فیما اختلف من الاخبار  
 مؤلف: شیخ الطائفة، محمد بن الحسن الطوسی.  
 از: محمد تقی مجلسی.  
 به: مولانا مرتضی.  
 تاریخ: اوایل رجب سال ۱۰۵۸ ق.  
 [ج ۲۰، ص ۲۸۵، ش ۷۹۴۹]  
 نسخه: نهج البلاغه<sup>۲</sup>  
 مؤلف: شریف رضی محمد بن حسین موسوی.  
 از: ابوتراب.  
 به: شاگردش (علی نقی).  
 تاریخ: اواسط ربیع الثانی سال ۱۰۹۸ ق.  
 [ج ۲۱، ص ۱۴۱، ش ۸۱۵۲]  
 نسخه: الاستبصار فیما اختلف من الاخبار<sup>۳</sup>
- 
- مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی.  
 از: ملا احمد بن محمد تونی.  
 به: ناشناخته.  
 تاریخ: اوایل محرم ۱۰۷۵ ق.  
 [ج ۲۲، ص ۱۷، ش ۸۴۲۰]  
 نسخه: شرایع الاسلام<sup>۴</sup>  
 مؤلف: محقق حلی، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید.  
 از: شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی.  
 به: کمال الدین حسین بن شمس الدین محمد بن علی طبسی.  
 تاریخ: اوایل صفر سال ۹۲۸ ق.  
 [ج ۲۲، ص ۱۹۴، ش ۸۶۲۶]  
 نسخه: الکافی<sup>۵</sup>  
 مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی.  
 از: محمد صالح [خاتون آبادی].  
 به: محمد حسین خاتون آبادی (فرزندش).  
 تاریخ: اواسط ربیع الاول سال ۱۱۲۱ ق.  
 [ج ۲۴، ص ۵۱، ش ۹۲۵۶]  
 نسخه: الفهرست<sup>۶</sup>
- 
- مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی.  
 از: محمد بن سعید.  
 در پایان نسخه آمده است.  
 ۴. در پایان نسخه آمده است.  
 ۵. دارای چند آنها که در پایان کتاب صورت آنها آمده است.  
 ۶. در انجام کتاب آمده است.
- 
۱. در پایان جزء اول کتاب آمده است.  
 ۲. در پایان کتاب آمده است.  
 ۳. شامل دو آنها که در پایان کتاب صوم و دیات

- الحسن الطوسی .  
 از زین الدین علی بن احمد شامی (شہید دوم).  
 بہ: محمد بن محمد حسنی البعلی .  
 تاریخ: نیمہ رمضان سال ۹۵۴ق.  
 [ج ۲۵، ص ۳۷، ش ۹۶۵۶]  
 نسخه: الکافی<sup>۱</sup>  
 مؤلف: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی .  
 از: محمد باقر مجلسی .  
 بہ: محمد علی بن شاہ بیک مازندرانی .  
 تاریخ: ذی الحجہ سال ۱۰۷۷ق.  
 [ج ۲۵، ص ۱۷۵، ش ۹۸۷۳]  
 نسخه: الدروس الشرعية فی فقہ الامامیۃ<sup>۲</sup>  
 مؤلف: شہید اول، محمد بن مکی عاملی .  
 از: شیخ احمد بن محمد بن فہد حلّی .  
 بہ: محمد بن محمد بن نقیع [کاتب].  
 تاریخ: ۱۸ شوال سال ۸۳۸ق.  
 [ج ۲۶، ص ۳۵، ش ۱۰۰۴۵]  
 نسخه: الاربعون حدیثاً<sup>۳</sup>  
 مؤلف: شیخ بہاء الدین محمد بن الحسن عاملی .  
 از: شیخ صالح بن عبد الکریم بجرانی .  
 بہ: سید نجم الدین .  
 تاریخ: ۱۱ شوال سال ۱۰۶۹ق.  
 [ج ۲۶، ص ۲۰۳، ش ۱۰۲۴۰]  
 نسخه: الاربعون حدیثاً  
 مؤلف: شیخ بہاء الدین محمد بن الحسن عاملی .  
 از: سید علاء الدین محمد [محمود] گلستانہ .
۱. در پایان کتاب دعا و عشرات کہ دومین آنها بہ این تاریخ می باشد.  
 ۲. در پایان جزء دوم کتاب آمدہ است.  
 ۳. در انجام نسخه آمدہ است.
- نسخہ: الاربعون حدیثاً  
 مؤلف: شیخ بہاء الدین محمد بن الحسن عاملی .  
 از: سید نعمت اللہ جزائری .  
 بہ: سید نورالدین جزائری (فرزندش) .  
 تاریخ: سال ۱۰۹۹ق.  
 [ج ۲۶، ص ۲۰۳، ش ۱۰۲۴۰]  
 نسخه: مصباح السالکین  
 مؤلف: کمال الدین میثم بن علی بن میثم بجرانی .  
 از: صالح بن عبد الکریم بجرانی .  
 بہ: محمد صادق رازی .  
 تاریخ: ۲۳ جمادی الاول سال ۱۰۸۸ق.  
 [ج ۲۷، ص ۲۸، ش ۱۰۵۳۶]  
 نسخه: النہایۃ فی مجرد الفقہ و الفتاوی  
 مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی .  
 از: ابوالفضل راوندی [محمد سعید بن ہبۃ اللہ الراوندی].  
 بہ: ابوالقاسم [علی] بن محمد بن علی جاسبی .  
 تاریخ: سال ۵۸۰ق.  
 [ج ۲۸، ص ۶۲۱، ش ۱۱۳۷۲]  
 نسخه: تہذیب الاحکام<sup>۴</sup>  
 مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی .  
 از: سید علاء الدین محمد [محمود] گلستانہ .
۴. روی برگ انجام آمدہ است.  
 ۵. در پایان نسخه آمدہ است.

- به: امیر عبدالمطلب.  
تاریخ: اوائل شعبان سال ۱۰۷۷ق.  
[ج ۲۹، ص ۴۶۱، ش ۱۱۶۸۲]  
نسخه: قواعد الاحکام فی معرفة الحلال  
والحرام ج ۱<sup>۱</sup>  
مؤلف: علامه حلی، ابو منصور جمال الدین  
حسن بن یوسف.  
از: [ابواسحاق] ابراهیم بن سلیمان [قطیفی  
بجرانی غروی].  
به: سراج الدین بن عبدالرحمن بلادی.  
تاریخ: ۱۷ صفر سال ۹۲۵ ق.  
[ج ۳۰، ص ۶۸۳، ش ۱۲۱۸۱]  
نسخه: بحار الانوار<sup>۲</sup>  
مؤلف: علامه مجلسی، محمد باقر بن  
محمد تقی مجلسی اصفهانی.  
از: محمد باقر مجلسی.  
به: محمد قاسم اردستانی.  
تاریخ: ۲۷ ربیع الاول سال ۱۰۹۶ق.  
[ج ۳۱، ص ۲۶، ش ۱۲۲۱۴]  
نسخه: غرر الفرائد ودرر القلائد = امالی  
المرتضی = الدرر والغرر<sup>۳</sup>  
مؤلف: شریف مرتضی، ابوالقاسم علی بن
- 
۱. روی برگ آغاز که مبنی برقرائت این کتاب و  
کتاب شرایع الاحکام می باشد.  
۲. در صفحه ۱۴۲ آمده است.  
۳. این انهاء روی برگ ضمیمه پایانی کتاب آمده است.  
۴. پشت برگ ۷۸ می باشد.
- حسین موسوی.  
از: احمد بن علی بن قدامه معروف به  
ابن الانباری (قاضی انبار).  
به: سید ابوطالب، حمزه بن علی بن الحسین  
العلوی الحلبی.  
تاریخ: شعبان سال ۴۸۴ق.  
[ج ۳۱، ص ۲۷۴، ش ۱۲۳۷۳]  
نسخه: الکافی<sup>۴</sup>  
مؤلف: ثقة الاسلام ابوجعفر محمد بن  
یعقوب کلینی.  
از: محمد تقی مجلسی.  
به: شیخ علی نقی.  
تاریخ: اوایل رجب سال ۱۰۶۴ق.  
[ج ۳۱، ص ۳۶۴، ش ۱۲۴۰۷]  
نسخه: بدایة الهدایة  
مؤلف: ابوحامد، محمد بن محمد، غزالی طوسی.  
از: [علی] اصیل بن یعقوب بن یحیی.  
به: سعدالدین محمد بن جلال الدین  
عبدالله مشهور به فتوحی.  
[ج ۳۱، ص ۵۱۳، ش ۱۲۴۸۲/۱]  
نسخه: جواهر القرآن  
مؤلف: ابوحامد، محمد بن محمد، غزالی طوسی.  
از: علی اصیل بن یعقوب بن یحیی.  
به: سعدالدین محمد بن عبدالله مشهور به  
فتوحی.

[ج ۳۱، ص ۵۱۴، ش ۱۲۴۸۲/۲]

نسخه: الخلاف في الاحكام

مؤلف: شيخ الطائفة، ابو جعفر محمد بن حسن الطوسي.

از: يوسف بن مطهر حلي (پدر علامه حلي).  
به: ناشناخته.

تاريخ: دهه آخر ربيع الاول سال ۶۷۷ ق.

[ج ۳۱، ص ۵۴۳، ش ۱۲۵۰۱]

نسخه: تحرير الاحكام الشرعية<sup>۱</sup>

مؤلف: علامه حلي، حسن بن يوسف بن المطهر.  
از: محمد بن مؤذن.

به: عبدالله بن مسيب المسلمي.

تاريخ: ۸ رجب سال ۸۶۴ ق.

[ج ۳۲، ص ۵۸۷، ش ۱۲۸۳۶]

نسخه: تحرير الاحكام الشرعية

مؤلف: علامه حلي، حسن بن يوسف بن مطهر.  
از: محمد بن مؤذن.

به: برهان الدين ابراهيم المقرئ.

تاريخ: سال ۸۶۴ ق.

[ج ۳۲، ص ۵۸۷، ش ۱۲۸۳۶]

نسخه: تحرير الاحكام الشرعية

مؤلف: علامه حلي، حسن بن يوسف بن المطهر.  
از: محمد بن الحسام.

به: برهان الدين ابراهيم المقرئ.

تاريخ: سال ۸۶۴ ق.

[ج ۳۲، ص ۵۸۷، ش ۱۲۸۳۶]

نسخه: تحرير الاحكام الشرعية

مؤلف: علامه حلي، حسن بن يوسف بن المطهر.  
از: محمد بن مؤذن.

به: برهان الدين ابراهيم المقرئ.

تاريخ: سال ۸۶۴ ق.

[ج ۳۲، ص ۵۸۷، ش ۱۲۸۳۶]

نسخه: الاستبصار فيما اختلف من الاخبار<sup>۲</sup>

مؤلف: شيخ الطائفة، ابو جعفر محمد بن حسن الطوسي.

از: محمد تقى مجلسي.

به: ابوالهادي تركه.

تاريخ: آخر ربيع الاول سال ۱۰۶۲ ق.

[ج ۳۲، ص ۶۲۳، ش ۱۲۸۵۶]

نسخه: ارشاد الازهان الى احكام الايمان

مؤلف: علامه حلي، جمال الدين حسن بن يوسف بن المطهر.

از: نعمت الله بن احمد بن محمد خاتون العاملی.

به: شيخ جمال الدين احمد (فرزندش).

تاريخ: سال ۹۵۷ ق.

[ج ۳۲، ص ۶۷۱، ش ۱۲۸۷۸]

نسخه: ارشاد الازهان الى احكام الايمان<sup>۳</sup>

مؤلف: علامه حلي، جمال الدين حسن بن يوسف بن المطهر.

۲. پشت برگ انجام كتاب آمده است.

۳. روى برگ انجام آمده است.

۱. روى برگ ۱۲۴ آمده است.

- از: احمد بن خاتون بن لطف الله.  
 به: شیخ نعمت الله بن احمد بن محمد بن خاتون العالمی.  
 تاریخ: ۱۴ رجب سال ۹۳۸ ق.  
 [ج ۳۲، ص ۶۷۱، ش ۱۲۸۷۸]  
 نسخه: تهذیب الاحکام<sup>۱</sup>  
 مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن حسن الطوسی.  
 از: محمد باقر مجلسی.  
 به: مولانا محمد کاظم مازندرانی.  
 تاریخ: ۲۵ ذی القعدة سال ۱۰۹۶ ق.  
 [ج ۳۳، ص ۶۵، ش ۱۳۰۲۷]  
 نسخه: الکافی<sup>۲</sup>  
 مؤلف: ثقة الاسلام ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی.  
 از: محمد باقر مجلسی.  
 به: محمد فاضل قمی.  
 تاریخ: ۱۲ ربیع الثانی سال ۱۰۹۸ ق.  
 [ج ۳۳، ص ۵۴۵، ش ۱۳۳۱۱]  
 نسخه: الکافی<sup>۳</sup>  
 مؤلف: ثقة الاسلام ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی.  
 از: محمد باقر مجلسی.
- به: محمد فاضل قمی.  
 تاریخ: غره جمادی الاولی سال ۱۱۰۰ ق.  
 [ج ۳۳، ص ۵۴۵، ش ۱۳۳۱۱]  
 نسخه: نقد الاصول الفقهیة<sup>۴</sup>  
 مؤلف: ملا محسن بن مرتضی فیض کاشانی.  
 از: ناشناخته.  
 به: ناشناخته.  
 تاریخ: سال ۱۰۹۹ ق.  
 [ج ۳۴، ص ۱۸۷، ش ۱۳۴۷۰]  
 نسخه: الوافی ج ۶  
 مؤلف: ملا محسن بن مرتضی فیض کاشانی.  
 از: ناشناخته.  
 به: ناشناخته.  
 [ج ۳۴، ص ۳۷۴، ش ۱۳۵۵۶]  
 نسخه: الوافی ج ۶  
 مؤلف: ملا محسن بن مرتضی فیض کاشانی.  
 از: انهاء سماعی (شاید از فیض کاشانی).  
 به: ناشناخته.  
 [ج ۳۴، ص ۳۸۰، ش ۱۳۵۶۱]  
 نسخه: الوافی ج ۱  
 مؤلف: ملا محسن بن مرتضی فیض کاشانی.  
 از: انهاء سماعی (مشخص نیست).  
 به: ناشناخته.  
 [ج ۳۴، ص ۴۱۱، ش ۱۳۵۷۷]  
 نسخه: الوافی ج ۷<sup>۵</sup>

۱. روی برگ ۱۹۷ کتاب آمده است.

۲. در برگ ۱۴ کتاب آمده است.

۳. در برگ انجام نسخه می باشد.

۴. روی برگ ۱۹ کتاب آمده است.

۵. پشت برگ آغاز آمده است.

- مؤلف: ملا محسن بن مرتضی فیض کاشانی.  
از: ناشناخته.
- به: ملا محسن بن مرتضی، فیض کاشانی.  
تاریخ: غره صفر سال ۱۰۹۱ق.  
[ج ۳۴، ص ۴۳۱، ش ۱۳۵۹۴]  
نسخه: الوافی ج ۷<sup>۱</sup>
- مؤلف: ملا محسن بن مرتضی فیض کاشانی.  
از: ناشناخته.  
به: ناشناخته.  
تاریخ: سال ۱۰۹۱ق.  
[ج ۳۴، ص ۴۴۰، ش ۱۳۶۰۰]  
نسخه: الوافی ج ۱
- مؤلف: ملا محسن بن مرتضی فیض کاشانی.  
از: انهاء سماعی (مشخص نیست).  
به: ناشناخته.  
[ج ۳۴، ص ۵۱۲، ش ۱۳۶۲۹]  
نسخه: کبری فی المنطق
- مؤلف: سید ابوالحسن علی بن محمد  
جرجانی، میرسید شریف.  
از: احمد بن محمد الموسوی.  
به: سید محمود [شاگردش].  
تاریخ: ۱۳ ربیع الاول ۱۲۴۷ق.  
[ج ۳۵، ص ۲۳۹، ش ۱۳۸۷۲/۱]  
نسخه: کبری فی المنطق
- مؤلف: سید ابوالحسن علی بن محمد
- جرجانی، میرسید شریف.  
از: احمد بن محمد بن عبدالکریم الموسوی.  
به: سید حسیب الحیب... سید کمال الدین  
بن العالی بن سید محمد.  
تاریخ: ۲۳ ذی القعدة سال ۱۲۴۴ق.  
[ج ۳۵، ص ۲۳۹، ش ۱۳۸۷۲/۱]  
نسخه: بحار الانوار
- مؤلف: علامه مجلسی، محمدباقر بن  
محمد تقی مجلسی اصفهانی.  
از: محمدباقر مجلسی.  
به: محمد طاهر اصفهانی - محمد طاهر بن  
حاج مقصود علی اصفهانی (شاگردش).  
تاریخ: ۲۷ رجب سال ۱۰۷۷ق.  
[ج ۳۵، ص ۳۷۸، ش ۱۳۹۴۴]  
نسخه: کتاب الرجال = رجال ابن داود<sup>۲</sup>
- مؤلف: تقی الدین حسن بن علی بن داود حلّی.  
از: زین الدین بن علی بن احمد الشامی  
العاملی (شهید ثانی).  
به: ناشناخته.  
تاریخ: ۴ ذی الحجه سال ۹۵۳ق.  
[ج ۳۵، ص ۶۵۵، ش ۱۴۱۱۳]  
نسخه: الفخریة فی امر النیة فی تمام العبادات
- مؤلف: فخرالمحققین، محمد بن حسن حلّی.  
از: محمد بن حسن بن ابی القاسم الحسینی.

۱. در پایان نسخه آمده است.

۲. روی برگ ۱۰۷ آمده است.



به: ناشناخته.	به: ناشناخته.
تاریخ: ۲۱ جمادی الاول سال ۹۰۶ ق.	تاریخ: ۲۴ ربیع الاول سال ۸۴۷ ق.
[ج ۳۷، ص ۳۴۲، ش ۱۴۷۵۱]	[ج ۳۵، ص ۶۶۶، ش ۱۴۱۱۷/۵]
نسخه: تهذیب الاحکام <sup>۴</sup>	نسخه: الخلل فی الصلاة = السهو فی الصلاة
مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن حسن الطوسی.	= النکت والسهو فی الصلاة = کثیر الشک <sup>۱</sup>
از: ناشناخته.	مؤلف: جمال الدین احمد بن محمد بن فهد حلّی.
به: عیسی بن محمد الجزائری.	از محمد بن حسن بن ابی القاسم الحسینی.
[ج ۳۹، ص ۳۲، ش ۱۵۳۲۲]	به: ناشناخته.
نسخه: تهذیب الاحکام	تاریخ: ۱۱ رجب سال ۸۴۷ ق.
مؤلف: شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی.	[ج ۳۵، ص ۶۷۱، ش ۱۴۱۱۷/۱۱]
از: عبدالنبی سعد.	نسخه: من لایحضره الفقیه <sup>۲</sup>
به: شیخ صالح بن شیخ فضل.	مؤلف: شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، ابوبابویه قمی.
تاریخ: ۱۲ ماه رجب سال ۱۰۲۰ ق.	از: حسین بن کمال الدین [بن] ابزر الحسینی.
[ج ۳۹، ص ۳۲، ش ۱۵۳۲۲]	به: شیخ ابراهیم بن حاج علی سکوتی حلّی.
نسخه: من لایحضره الفقیه <sup>۵</sup>	تاریخ: سال ۱۰۴۱ ق.
مؤلف: شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی قمی، ابن بابویه قمی.	[ج ۳۶، ص ۱۰۹، ش ۱۴۲۷۹]
از: محقق شیروانی معروف به ملا میرزا.	نسخه: شرایع الاسلام فی مسائل الحلال
به: میرزا سید تونی خراسانی.	مؤلف: محقق حلّی، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید.
تاریخ: سال ۱۰۹۹ م.	از: حسین بن مفلح بن حسن بن رشید بن صلاح صیمری (م ۹۳۳ ق).
[ج ۳۹، ص ۱۶۴، ش ۱۵۴۰۴]	

۴. روی برگ ۱۶ آمده است.  
۵. روی برگ ۱۳۴ آمده است.

۱. در پایان نسخه آمده است.  
۲. در حاشیه کتاب آمده است.  
۳. روی صفحه ۱۰۴ آمده است.

نسخه: قواعد الاحكام في مسائل الحلال والحرام  
مؤلف: علامه جمال الدين حسن بن  
يوسف بن مطهر حلي.  
از: انهاء قرائت (مشخص نیست).  
به: ناشناخته.  
تاریخ: سلخ ذی الحجہ سال ۹۳۳ ق.  
[ج ۴۱، ص ۶۴۷، ش ۱/۱۶۴۶۴]



## کتاب‌شناسی حضرت زینب علیها السلام

ناصرالدین انصاری قمی

### مقدمه

هنوز صدای بلند آوای صدیقه صغری، دختر علی مرتضی، حضرت زینب کبری علیها السلام، از پس قرون و اعصار، بر بلندای تاریخ به گوش می‌رسد و بانگ بیدارباش آن بانوی شجاع و سترگ جهان بشریت در گوش‌ها و هوش‌ها طنین افکن است و همگان را به قیام در برابر ظلم و ستم جباران و خودکامگان و طواغیت زمان‌ها برمی‌خواند.

هنوز فریاد رعد آسای دخت فاطمه و خواهر حسین بن علی، خواب خوش و خرگوشی ستمگران را برهم می‌زند و کاخ‌های ظلم بیدادگران را فرو می‌ریزد. این نام مقدس، در طول تاریخ، محور بحث‌ها و درس‌ها و کتاب‌های گوناگون بوده است.

این مقاله، عهده‌دار توصیف و معرفی کتاب‌هایی است که درباره آن بانوی بزرگ به زبان‌های مختلف (عربی، فارسی و اردو) نگاشته شده و بیشتر آن‌ها به چاپ رسیده است.

در این مقاله ۱۳۵ کتاب عربی (۱۱۰ کتاب چاپی و ۲۵ کتاب خطی)، ۱۵۳ کتاب فارسی (۱۴۳ کتاب چاپی و ۱۰ کتاب غیر چاپی) و ۲۵ کتاب اردو که به طور مستقل درباره شخصیت و خطبه‌های آن حضرت به رشته تحریر درآمده، معرفی شده است. البته این تمام کتاب‌ها نیست و بدون شك کتاب‌های دیگر هم در گوشه و کنار خواهد بود؛ اما این، نتیجهٔ تتبع و جستجوی چندماههٔ این جانب است.



## الف) کتاب‌های چاپی عربی

۱. ابنة الزهراء بطلة الغداء زينب رضی الله عنها  
 علی احمد شلبي  
 قاهره، وزارة الاوقاف، ۱۴۲۴ق، ۲۹۳ص، وزیری
۲. اخبار الزینبات  
 سيد ابوالحسن يحيى اعرج عبيدلى مدنى  
 (۲۱۴-۲۷۷ق)  
 مقدمه: آیت الله سيد شهاب الدين مرعشى  
 نجفی (۱۳۱۵-۱۴۱۱ق)  
 چاپ سوم، قم، ۱۴۰۱ق، ۱۶۱، جیبی  
 (بیشتر مباحث این کتاب پیرامون حضرت  
 زینب کبری علیها السلام است). این کتاب به فارسی  
 ترجمه شده است.
۳. إمراة، اسمها زينب  
 كمال السيد (عباس الموسوى البغدادي)  
 قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۴ش، ۷۹ص، رقعی  
 این کتاب به فارسی ترجمه شده و داستان  
 زندگی حضرت از کربلا تا مدینه است.
۴. بطلة عاشوراء الحوراء زينب علیها السلام والمعركة  
 السياسية  
 نعمة هادى الساعدى  
 نجف، دارالضياء، ۱۴۲۷ق، ۲۸۰ص، وزیری
۵. بطلة كربلاء  
 عايشه عبدالرحمن بنت الشاطى مصرى  
 بيروت، دارالكتاب العربى،  
 ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م، ۱۶۹ص، رقعی  
 این کتاب پنج بار به فارسی و يك بار به اردو  
 ترجمه شده است.
۶. بطلة كربلاء السيدة زينب رضی الله عنها  
 وكريمة الدارين السيدة نفيسة  
 حسين السيد السمان  
 چاپ طنطا (محمد حسين الكتبي)، مصر
۷. البطلة المجاهدة زينب بنت الامام على علیها السلام  
 احمد شهاوى سعد  
 قاهره، چاپخانه دارالتألیف، ۱۹۷۲م، ۸۰ص
۸. تاريخ السيدة زينب علیها السلام  
 محمد على احمد مصرى  
 چاپ قاهره، ۱۹۳۱م، ۱۹ص  
 تاريخ زندگى و توصيف مزارآن حضرت در  
 قاهره است.
۹. تاريخ السيدة زينب  
 شيخ محمد سيد جادالحق  
 چاپ قاهره  
 رجال الفكر والادب فى القاهرة / ۱۹۰
۱۰. تاريخ السيدة زينب علیها السلام  
 محمود على بىلاوى  
 قاهره، ۱۳۴۳ق، ۴۸ص
۱۱. تاريخ المشهد الزينبى  
 حسن محمد قاسم مصرى - مدير مجله  
 هدى الاسلام - (م ۱۳۵۵ق)  
 چاپ قاهره  
 این کتاب، به تاريخ و توصيف حرم حضرت  
 زينب علیها السلام در قاهره پرداخته است.

۱۲. تاریخ و مناقب و مآثر البنت الطاهرة البتول  
السيدة زينب  
حسن محمد قاسم (م ۱۳۵۵ق)  
قاہرہ، ادارہ مجلہ ہدی الاسلام، ۱۳۵۳ق،  
۱۹۶ص
۱۳. جامع الزيارات الزينية  
عبدالله النجادة  
کویت، مکتبۃ القدس، ۱۴۲۸ق، ۱۱۷ص، رقعی
۱۴. حفيذة الرسول عليها السلام: نفحات من مسيرة  
السيدة زينب عليها السلام  
احمد شرباصى ازهرى  
قاہرہ، الدار القومية، ۱۹۶۳م، ۹۲ص
۱۵. حفيذة الرسول السيدة زينب بنت السيدة  
فاطمه رضي الله عنها  
عبدالمجيد محمود ختاوى  
قاہرہ، چاپخانه احمد فخيمر، ۱۹۵۲م، ۶۱ص
۱۶. حقائق عن السيدة زينب عليها السلام  
كاظمين، المركز الثقافى الحسينى، ۱۴۳۰ق،  
۸۰ص، رقعی
۱۷. الحوراء زينب قدوتنا  
الشئون الفكرية والثقافية  
كاظمين، عتبة المقدسة الكاظمية، ۱۴۲۳ق،  
۲۳ص، رقعی
۱۸. حياة زينب الكبرى  
علامة شيخ جعفر نقدى (۱۳۰۳-۱۳۷۰ق)  
قم، مکتبۃ المفيد، ۱۳۶۲ش/۱۴۰۴ق،  
۱۵۶ص، وزيری
- این از بهترین کتاب‌ها درباره زندگی حضرت  
بوده و به فارسی هم ترجمه شده است.
۱۹. حياة زينب عليها السلام  
گروه مؤلفان  
قم، مؤسسه آل البيت، ۱۳۸۰ش، ۱۶۴ص، رقعی
۲۰. حياة السيدة زينب بنت امير المؤمنين  
سيد عبدالحسين دستغيب (۱۳۲۲-۱۴۰۲ق)  
تعريب: سالم مشكور  
مقدمه: ابواحمد عبدالله متفكى بجرانى.  
چاپ بجرين
۲۱. خطب الحوراء زينب عليها السلام  
سيد جاسم حسن شبر (۱۳۴۶-۱۴۱۴ق)  
چاپ نجف
۲۲. الخصائص الزينية  
سيد نورالدين موسوى جزايرى (۱۳۱۳-  
۱۳۸۴ق)  
ترجمه به عربى: شيخ عبدالله حايرى  
قم، منشورات الرضى، ۱۳۷۶ش/۱۴۱۸ق،  
۳۸۸ص، وزيری
- این کتاب، از بهترین نوشتارها درباره حضرت  
زينب است و آیات عظام: سيد ابوالحسن  
اصفهانى، سيد محمد فيروزآبادى، سيد  
محمد على شهرستانى و آقاضياء عراقى بر آن  
تقریظ نگاشته‌اند.
۲۳. دراسة عن السيدة زينب  
ايرينه كالزوني (مستشرقه ايتاليائى)  
ظاهراً این کتاب به چاپ رسیده است.

۲۴. دزة الشام العقيلة زينب  
كامل محمد رشيد بيضون  
تقديم: الشيخ حسين احمد شحادة  
بيروت، الديان، ۱۴۳۰ق، ۳۹۵ص، وزيرى
۲۵. ۲۵۰ كرامة للسيدة زينب عليها السلام و سيدات بيت النبوة  
ابوالفضل كاشانى  
بيروت، دارالجوادين، ۱۴۲۹ق
۲۶. ربيبة الوحي  
محمود پرهيزگار  
بيروت، مؤسسة السيدة زينب، ۱۴۱۹ق،  
۱۰۷ص، رقى
۲۷. رسالة السيدة زينب عليها السلام  
مجموعة خطابات وكلمات للامام الخمينى و  
آية الله الخامنئى و غيرهم حول سيرة السيدة  
زينب عليها السلام  
بيروت، دارالهادى، ۱۴۱۵ق، ۸۴ص، وزيرى
۲۸. رسالة السيدة زينب الى امها السيدة  
الزهراء عليها السلام  
اسعد احمد على  
دمشق، مجمع البلاغة العالمية، ۱۴۱۶ق،  
۱۲ص، جيبى
۲۹. زيارة السيدة زينب عليها السلام و مصائبها  
حسين هادى شريف القرشى  
چاپ دوم: نجف، ۱۴۲۹ق، ۶۶ص، رقى
۳۰. زينب عليها السلام  
احمد زكى ابوشادى مصرى
- چاپ قاهره، ۱۳۴۳ق  
۳۱. زينب عليها السلام  
سيد حسن عدنان  
قم، انتشارات موسوى، ۱۳۷۷ش
۳۲. زينب، ابنة على عليه السلام  
محمد على عواضة  
چاپ سوم: بيروت، دارالقارى، ۱۴۲۴ق،  
۲۱۵ص، وزيرى
۳۳. زينب عليها السلام اخت الحسين عليه السلام  
محمد حسين اديب كربلايى (۱۳۴۴-۱۴۲۱ق)  
نجف، بنى نا، ۱۳۸۴ق، ۷۲ص، جيبى
۳۴. زينب، بطولة و جهاد  
حبيب آل جامع  
بيروت، دارالقارى، ۱۴۰۶ق
۳۵. زينب عليها السلام في التاريخ  
سليم العراقى  
قم، مؤسسه محبين، ۱۴۲۳ق، ۱۷۸ص، رقى
۳۶. زينب بنت على  
گروه نويسنديگان  
بيروت، الدارالاسلامية، ۱۴۱۲ق، ۱۸ص،  
وزيرى، (مصور- ويژه نوجوانان)  
(از سلسله «رؤا الفداء»)
۳۷. زينب عليها السلام بنت على عليه السلام  
عبدالعزيز سيد الاهل  
چاپ دوم: قاهره، مكتبة العلمية، ۱۹۶۱م،  
۱۷۴ص، رقى
۳۸. زينب بنت على بن ابى طالب

- سعید رشید زمیزم  
بغداد، المطبعة التجارية، ۱۹۹۵م/۱۴۱۷ق  
۳۹. زینب، الشخصية والموقف  
هلال المؤمن  
قم، دارالکتاب، ۱۴۱۴ق، ۵۲ص، رقعی  
۴۰. زینب، شقیقة الحسین و شریکته  
حنان شاکر الجلو  
نجف، المیزان، ۱۴۲۶ق، ۱۵ص، وزیرى  
۴۱. زینب، عقيلة على عليها السلام تحتضن الرسالة  
ام الحسینین (نجلاء حسین) بغدادى الناهض  
چاپ دوم: ۱۴۲۴ق، ۱۴۸ص، وزیرى  
۴۲. زینب عليها السلام القدوة والرمز  
سعید خویلدی  
بیروت، دارالبيان العربی، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م  
۴۳. زینب والظالمون  
محسن المعلم  
بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۸ق، ۱۶۴ص، رقعی  
۴۴. زینب الكبرى  
جعفر الربعی  
قم، انتشارات امام حسین، ۱۳۶۹ش  
۴۵. زینب الكبرى عليها السلام بطلة الحرية  
سید ابوالقاسم دیباجی  
بیروت، مؤسسة البلاغ، ۱۴۲۴ق، ۲۴۰ص،  
وزیرى  
۴۶. زینب الكبرى من المهد الى اللحد  
علامه سید محمد کاظم موسوی قزوینی
- (۱۳۴۸-۱۴۱۵ق)  
چاپ سوم: قم، دارلسان الصدق، ۱۴۲۶ق،  
۴۹۴ص، وزیرى  
این کتاب دوباره فارسى ترجمه شده است.  
۴۷. زینب، کلمة الحسین  
باسمعة سعد وزین الدین  
چاپ ۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م، ۱۹۸ص، وزیرى  
۴۸. زینب عليها السلام وليدة النبوة والامامة  
امّ علاء و امّ صادق  
لندن، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۸ق  
۴۹. سلوا زینب عليها السلام عن مصائبها  
ابوالفضل کاشانى  
نجف، دارالمجتبى، ۱۴۳۰ق، ۵۴۰ص، وزیرى  
۵۰. السيدة زینب عليها السلام  
على محمد على دخیل  
بیروت، دارالتراث الاسلامی،  
۱۳۹۴ق/۱۹۷۴م، ۹۴ص، رقعی  
۵۱. السيدة زینب  
حسن محمد قاسم مصرى (م ۱۳۵۵ق)  
چاپ قاهره  
مؤلف این رساله رابه عنوان مقدمه ای مفصل بر  
اخبار الزینبیات عیبلى، چاپ قاهره (۱۳۳۳ق)  
نگاشته است. نیز نویسنده به جزیان کتاب و  
کتاب تاریخ المشهد الزینبى، سلسله مقالاتى  
درباره حضرت زینب عليها السلام و مرقدش در مجله  
«هدى الاسلام» نگاشته است.

٥٩. السيدة زينب الطاهرة خامسة النساء  
الكاملات  
محمد محمود عبدعلي  
قاهره، شركة الشمرلي  
٦٠. السيدة زينب رائدة الجهاد في الاسلام  
باقر شريف قرشى  
چاپ قم، ١٤٢١ق، ٣٤٠ص، وزيرى  
٦١. السيدة زينب عالمة غير معلمة  
[آيت الله] سيد محمد حسيني شيرازى  
(١٣٤٥-١٤٢٢ق)  
بيروت، مركز الرسول الاعظم، ١٤١٩، ٦٤ص،  
رقعى  
٦٢. السيدة زينب رضى الله عنها عقيلة بنى هاشم  
طه عبدالرؤف سعد وسعد حسن محمد  
قاهره، مكتبة العلم الاسلامية للتراث، ٢٠٠٢م،  
٦٠ص، رقعى  
٦٣. السيدة زينب عقيلة بنى هاشم  
محمد فهمى عبدالوهاب  
چاپ دوم: بيروت، شركة الربيعان، ١٤١٢ق،  
٤٣ص، رقعى  
٦٤. السيدة زينب قدوة المرأة الصالحة  
محمد كاظم الحسينى  
بيروت، دارالكلمة الطيبة، ١٩٩٢م  
٦٥. السيدة زينب فى محنة التاريخ  
عايدة عبدالمنعم طالب  
بيروت، دارالرسول الاكرم، ١٤٢٣ق،  
٢٣٥ص، وزيرى  
(اين كتاب به فارسى ترجمه شده است).  
٥٢. السيدة زينب رضى الله عنها  
محمود شرقاوى  
قاهره، دارالشعب، ١٩٧٢م، ١١١ص، رقعى  
٥٣. السيدة زينب ابنة الامام على  
عبدالمنعم هاشمى  
بيروت، دارومكتبة الهلال، ١٤٢٤ق،  
١٢٤ص، وزيرى  
٥٤. السيدة زينب اخت الحسين  
طه عبدالرؤف سعد وسعد حسن محمد  
قاهره، مكتبة الصفا، ١٤٢١ق، ٨٠ص، وزيرى  
(شايد باكتاب شماره ٦١ يکى باشد).  
٥٥. السيدة زينب بنت الزهراء و ثورة كربلاء فى  
الوجدان الشعبى  
رضا حسين صبح  
بيروت، دارالزهراء، بى تا  
٥٦. السيدة زينب بنت على عليه السلام  
اعداد: ضرغام السامرائى  
بيروت: دارالرفيق، ١٤٢٧ق / ٢٠٠٦م، ٩٦ص،  
رقعى  
٥٧. السيدة زينب عليه السلام ثورة لاتهدأ و دمعة لاترقأ  
ابراهيم محمد جواد  
بيروت، دارالمحجة البيضاء، ١٤٢٦ق، ٣٠٠ص،  
وزيرى  
٥٨. السيدة زينب عليه السلام حفيدا رسول الله صلى الله عليه وآله  
عباس على الموسوى  
بيروت، دارالهادى، ١٤٢٩ق، ١٢٠ص، رقعى



٦٦. السيدة زينب الكبرى عليها السلام عقيلة الامامة والولاية  
سيد احمد شكر حسيني  
چاپ دوم: بيروت، دارالهادي، ١٤٢٦ق،  
٢٩٠+٣٢٠ص، وزيرى
٦٧. السيدة زينب عليها السلام مجالس وكرامات  
فاطمة على جعفر  
كويت، مكتبة القدس، ١٤٢٨ق، ٢٤٥ص، رقى
٦٨. السيدة زينب عليها السلام المثل الاعلى للفضيلة والعفاف  
گروه نويسندگان  
قاہرہ، نشرالعلوم والمعارف الاسلامية، بى تا
٦٩. السيدة زينب من المهد الى اللحد  
احمد على دخيل  
بيروت، دارالمرتضى، ١٤٢٣ق، ١٨٠ص، رقى
٧٠. سيرة السيدة زينب  
ابراهيم محمد عبدالعال المصرى  
چاپ قاہرہ  
سيرة الامام الحسين / ١٧٦.
٧١. شقيقة الحسين عليه السلام  
حسين شاهرودى  
بيروت، مؤسسة السيدة زينب، ١٤٢٣ق،  
٤٠ص، رقى
٧٢. الصديقة زينب عليها السلام شقيقة الحسين عليه السلام  
سيد محمد تقى مدرسى  
تهران، منشورات البقيع، ١٣٧٤ش، ١٠٠ص،  
وزيرى
٧٣. الصديقة زينب عليها السلام مثال المرأة الواعية  
حسن مكى خويلدى  
بيروت، دارالمحنة البيضاء، ١٤٢٣ق،  
١٨٢ص، رقى
٧٤. الطاهرة السيدة زينب بنت على عليه السلام  
عبدالحبير خولى  
چاپ قاہرہ
٧٥. عصمة الحوراء زينب عليها السلام  
سيد عادل علوى  
قم، مؤسسه تبليغ وارشاد، ١٣٨٠ش، ٨٠ص،  
وزيرى
٧٦. العقيلة زينب الحوراء عليها السلام قمة الوفاء ورمز الغداء  
هاشم زيدى  
چاپ سوم: قم، ١٤٢١ق، ٧٨ص، رقى
٧٧. عقيلة بني هاشم  
سيد على بن الحسين خطيب هاشمى  
(م ١٣٩٥ق)  
قم، مكتبة الحيدرية، ١٣٧٧ش، ٨٨ص،  
وزيرى
٧٨. عقيلة الطهر والكرم السيدة زينب  
موسى محمد على  
چاپ سوم: بيروت، عالم الكتب، ١٩٨٥م،  
١٦٤ص، رقى
٧٩. العقيلة الطاهرة السيدة زينب بنت على عليه السلام  
احمد فهمى محمد محامى مصرى  
چاپ قاہرہ

٨٠. عقيلة الوحي  
آيت الله علامه سيد عبدالحسين شرف الدين  
موسوى (١٢٩٠-١٣٧٧)  
دمشق، ١٣٧٤ق، ٣١ص، جيبى  
اين كتاب به فارسى ترجمه شده است.
٨١. العقيلة والفواطم  
حسين الشاكر  
قم، بي تا، بي نا  
٨٢. فى رحاب بطلة كربلاء  
ابراهيم محمد خليفه  
بيروت، مؤسسة البلاغ، ١٩٨٥م، ١٤٤ص، رقعى  
٨٣. فى رحاب السيدة زينب  
سيد محمد بحر العلوم  
چاپ دوم: بيروت، دارالزهراء، ١٤٠٠ق،  
٢٠١ص، رقعى  
اين كتاب به فارسى ترجمه شده است.
٨٤. فى رحاب مدرسة السيدة زينب  
سميرة العلى  
كراچى، خراسان بنك ستنز، ١٩٩٥م، ١٢٠ص، رقعى
٨٥. القصيدة الزينية  
سيد على سيد رضا موسوى هندی  
چاپ نجف  
٨٦. قصة السيدة زينب  
محمد باقر الناصرى  
بيروت، دارالحجة البيضاء، ١٤٢٩ق، ١٤٩ص، جيبى
٨٧. قصص السيدة زينب  
محمد شراد حسانى  
بيروت، منشورات الفجر، ١٤٢٩ق، ٢٨٨ص، وزيرى
٨٨. قصص السيدة زينب  
الشيخ ماجد ناصر الزبيدى  
بيروت، دارالايام، ١٤٢٨ق، ٢٥٦ص، رقعى
٨٩. كلمة العقيلة السيدة زينب  
شهيد سيد حسن حسيني شيرازى (١٣٥٤-  
١٤٠٠ق)
- بيروت، مؤسسة السيدة زينب الخيرية،  
١٤١٩ق، ٢١٠ص، وزيرى (٥١ص + ١٦٥ص  
«كلمة ربيبات الرسالة»)
٩٠. كرامات السيدة زينب  
على ابراهيمى  
بيروت، مؤسسة البلاغ، ١٤٢٩ق، ٢٥٦ص، وزيرى
٩١. كعبة الزايات: زينب، رضيفة ثدى الولاية وما  
حل بها من البلايا  
السيد عباس على الحسينى  
بيروت، دارالحجة البيضاء، ١٤٣٠ق،  
١٦٦ص، رقعى
٩٢. المحاجة الزينية فى السلالة الزينية  
جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر سيوطى  
شافعى (٨٤٩-٩١١ق)
- فاس، قاعدة المغربية، ١٢٣٢ق
٩٣. لتكونى مثل زينب  
شيخ ميشم سلمان  
كويت، مكتبة القدس، ١٤٢٨ق، ١١٦ص، رقعى

۹۴. المرأة في ثورة الحسين عليه السلام  
غادة جابر  
بيروت، دارالتعارف، ۱۹۷۹م
۹۵. المرأة العظيمة: دراسة في حياة السيدة زینب  
حسن موسى صفار  
بيروت، دارالبيان العربي، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م، ۳۱۲ص، وزيري
۹۶. المرقد الزينبي  
فرج آل عمران قطيفي  
چاپ نجف
۹۷. مرقد العقيلة زینب = كشف الغيب في تحقيق مرقد العقيلة زینب  
محمد حسين سابقى پاكستانى (۱۳۶۶-۱۴۲۶ق)  
مقدمه: محمد حسين حرز الدين عقيلي نجفي  
بيروت، مؤسسة الاعلمي، ۱۹۷۹م  
این کتاب به فارسی ترجمه شده است.
۹۸. مصباح الزيارة الزينية  
حسين ابوزيد  
نبطيه، مكتبة اكرم، ۱۴۲۸ق  
۱۸۹ص (۱۲۴+۶۵ص فهارس)، وزيري  
(شرح زیارت مفجعه حضرت زینب عليها السلام است).
۹۹. مع بطله كربلاء زينب بنت امير المؤمنين  
استاد علامه شيخ محمد جواد مغنية (م ۱۴۰۰ق)  
بيروت، دارالجواد ودارالتيار، ۱۴۱۲ق  
این کتاب به فارسی ترجمه شده است.
۱۰۰. مقام السيدة زينب (البيان العام للتبرعات والنفقات في بناء وتعمير المقام الشريف)  
حاج مهدي بهجاني  
چاپ دمشق، ۱۳۷۷ق
۱۰۱. الموقف والرمز: حياة زينب الكبرى  
كريم الوائلي  
چاپ بيروت
۱۰۲. موسوعة زينب الكبرى عليها السلام  
جمع واعداد: السيد علي عاشور  
بيروت: دار نظير عبود، ۱۴۲۹ق، ۱۰ج، وزيري  
(اين كتاب، دربرگیرنده ده ها مقاله و شعرو متون ادبی درباره حضرت زینب کبری است).
۱۰۳. مواقف زينب ابنة علي عليه السلام  
عبدالهادی شهرستاني  
چاپ قم، ۱۴۱۹ق، ۶۴ص، جیبی
۱۰۴. هكذا انت يا بطله كربلاء  
سيد حسين ابوسعیده موسوی  
چاپ سوم: نجف، مكتبة الوثائقية، ۱۴۲۴ق، ۱۱۶ص، رقی
۱۰۵. وفاة زينب الكبرى عليها السلام  
شيخ فرج الدين آل عمران قطيفي  
نجف، مطبعة الحيدرية، ۱۳۷۹ق، ۷۴ص، وزيري
۱۰۶. مولد السيدة زينب بنت علي عليه السلام  
ام موسى آل عيد  
بيروت، مؤسسة الاعلمي، ۱۴۲۹ق، ۶۱ص، وزيري
۱۰۷. وفاة زينب الكبرى

۱۰۹. ویژه‌نامه مجله «الموسم» - ش ۲۵  
گروه نویسندگان  
بیروت، ۱۴۱۶ق/ ۱۹۹۶م، ۳۱۲ص، وزیری
۱۰۸. ویژه‌نامه مجله «الموسم» - ش ۴  
گروه نویسندگان  
بیروت، ۱۹۸۹م/ ۱۴۱۰ق، ۴۳۰ص، وزیری  
این کتاب دربرگیرنده مقالات و اشعار فراوان درباره زندگی، خطبه‌ها و مزار حضرت زینب است.
۱۱۰. ویژه‌نامه مجله «المرشد» - ش ۵  
گروه نویسندگان  
دمشق، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶م، ۴۴۰ص، وزیری



### ب) کتاب‌های خطی عربی

۱. ام كلثوم العقيلة زينب عليها السلام صرخة للعدل و صاروخ على الجور  
سید مهدی سویح (۱۳۴۳-۱۴۲۳ق)  
۸۰۰ص  
رك: مجله الموسم، س ۱، ش ۳، ص ۱۱۶۲
۲. ترجمة السيدة زينب ودراسة تحليلية لمسيرتها  
شيخ محمد حسنين سابقى پاكستانى  
(۱۳۶۶-۱۴۲۶ق)  
۵۰۰ص  
این کتاب به دوزبان عربی وارد و نوشته شده است.
۳. ثواب المدرك لزيارة زينب عليها السلام: ۲۴  
الشيخ مدرك شيخ عبدالغنى نابلسى
- رك: ايضاح المكون ۳۴۸/۱  
مدرك بن زياد، يكى از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله  
بوده و در جانب غربی مرقد حضرت زینب در شام مدفون است.
۴. رسالة في: تصحيح قبر السيدة زينب [علامة] سيد عبدالرزاق موسى مقرر (۱۳۱۶-۱۳۹۱ق)  
مؤلف را عقیده بر آن بود که مدفن حضرت در مصر است، سپس تغییر عقیده داد و قائل به بودن قبر شریف آن حضرت در قریه «راویه» دمشق گردید و در اثبات آن رساله یاد شده را نوشت.
- رك: مرقد العقلية زينب عليها السلام: ۷۵
۵. حياة السيدة زينب  
محمد سعيد طريحي  
رك: تاريخ مساجد الكوفة ۲۰۶/۱

٦. حياة السيدة زينب  
سيد عامر الحلو  
رك: آل الحلو في العراق / ١١٥
٧. الرسالة الزينية  
حافظ شمس الدين محمد بن طولون دمشقي  
رك: تحقيق دربارہ اربعين سيد الشهداء / ٦٣ و ٦٨
٨. الرسالة الزينية  
شمس الدين ابوالخير محمد بن محمد بن ابى بكر  
سخاوى مصرى شافعى (٨٣١-٩٠٢ق)  
٩. زينب العقيلة  
سيد عبدالرزاق موسى مقرم (١٣١٦-١٣٩١ق)  
رك: مقدمه مقتل الحسين / ٢١
١٠. زينب بنت على من المهد الى اللحد  
سعيد عسيلي عاملى  
١٥٠٠ بيت  
رك: مجله المرشد، ش ٥، ص ٣٩٧
١١. زينب الكبرى من المهد الى اللحد  
سيد على مكى عاملى  
رك: مجله الموسم، ش ٤، ص ٧٧٦
١٢. زينب الكبرى، شريكة اخيها سيد الشهداء  
ميرزا على خاموش ميدي يزدى (ح ١٢٨٧-  
١٣٧٩ق)
- رك: نقباء البشر ٤ / ١٤١٠
١٣. سيرة زينب الكبرى  
شيخ محمد حسين سابقى پاكستانى  
رك: المنتخب من اعلام الفكر والادب / ص ٤٦٣
١٤. شرح خطبة العقيلة زينب
١٥. شرح القصيدة الزينية  
شيخ جعفر تبريزى نوجه دهى (١٢٩٠-١٣٦٤ق)  
رك: نقباء البشر ٢ / ٧٩٢، معجم رجال الفكر  
فى النجف ٢ / ٦٣٦
١٦. شرح خطبة الزينية عليها السلام  
علامه شيخ حيدر قلى سردار كابللى (١٢٩٣-  
١٣٧٢ق)  
رك: علمای معاصرین / ٢٩٣
١٧. الصديقة زينب عليها السلام العقيلة الهاشمية  
شيخ على روحانى اصفهانى (١٣٥١-١٤١٥ق)  
رك: اختران فضيلت، ج ١، ص ٤٠٩
١٨. عرف الزنرب فى شرح حال السيدة زينب عليها السلام  
شمس الدين ابى العون محمد بن احمد بن سالم  
سفارينى نابلسى حنبلى (١١١٤-١١٨٨ق)  
رك: هدية العارفين ٢ / ٣٤٠، كشف الظنون  
٢ / ٩٨، الاعلام ٦ / ١٤، معجم المؤلفين  
٨ / ٢٦٢ و مجله تراثنا، ش ١٦، ص ١٥  
(اهل البيت فى المكتبة العربية: ٣٠٣)
١٩. عرف الزنرب بترجمة سيدى مدرک بن زياد و  
السيدة زينب عليها السلام  
حافظ اسماعيل بن محمد بن الهادى عجلونى  
شافعى  
رك: كشف الظنون ٢ / ١٤٦
٢٠. العقد المنظوم فى احوال ام كلثوم  
زينب عليها السلام -

۲۳. مصیبة مجددة = احزان المؤمنین فی قصة العقیفة بنت امیرالمومنین محمد بن عیسی بن عبدالحسین رك: الدرعیة ۲۱/۱۳۲	۲۱. قمة المجد زینب خلیل رشید رك: مجله العرفان، مجلد ۶۰، ج ۵ (۱۹۷۲م)، ص ۶۷۹
۲۴. من هی السیدة زینب شیخ ابراهیم محمد جنیدی سوری ۲۵. النفحات الزینیة شیخ مصطفی ابویوسف (م ۱۳۶۸ق)	۲۲. لوائح القبول والمنحة والاعزاز فی الرحلة لزیدة السیدة زینب <small>علیہا السلام</small> وسیدی مدرک و عمر الخباز عبدالله بن عمرافیونی



### ج) کتاب های چاپی فارسی

۱- آتشفشان شام: تحلیلی از خطبه حضرت زینب <small>علیہا السلام</small> در مجلس یزید علی کریمی جهرمی قم، نشر راسخون، ۱۳۹۲ش، ۱۰۰ص، رقعی	۱- آتشفشان شام: تحلیلی از خطبه حضرت زینب <small>علیہا السلام</small> در مجلس یزید علی کریمی جهرمی قم، نشر راسخون، ۱۳۹۲ش، ۱۰۰ص، رقعی
۲. آشنای غریب (زندگی حضرت زینب) سید محبتی فاطمی کوهنگی قم، انتشارات آفاق غدیر، ۱۳۸۹ش، ۱۶۰ص، رقعی	۲. آشنای غریب (زندگی حضرت زینب) سید محبتی فاطمی کوهنگی قم، انتشارات آفاق غدیر، ۱۳۸۹ش، ۱۶۰ص، رقعی
۳. آفتاب در حجاب (شرح مصائب حضرت زینب) سید مهدی شجاعی تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۷ش، ۲۳۸ص، رقعی	۳. آفتاب در حجاب (شرح مصائب حضرت زینب) سید مهدی شجاعی تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۷ش، ۲۳۸ص، رقعی
۴. آن ها زنده اند... (زندگانی حضرت زینب) مصابی حضرت زینب	۴. آن ها زنده اند... (زندگانی حضرت زینب) مصابی حضرت زینب

- بهن عبد‌اللهی نیا  
تهران، انتشارات مفید، ۱۳۶۱ ش
۸. از ولادت تا رحلت زینب (مجموعه شعر)  
گردآوری: عبد‌المنظر مقدسیان  
تهران، ۱۴۰۱ ق، ۵۵ ص، وزیری
۹. اساور من ذهب فی احوال ام‌المصائب زینب  
شیخ مهدی اصفهانی بن شیخ محمد علی ثقة  
الاسلام نجفی اصفهانی (۱۲۹۸-۱۳۹۳ ق)  
چاپ اصفهان، ۱۳۵۰ ق، ۱۱۹ ص، وزیری  
رک: تاریخ علمی واجتماعی اصفهان ۱۷۴/۳
۱۰. اسوه صبر (مجموعه مدائح و مرثی  
حضرت زینب کبری علیها السلام)  
محسن حافظی کاشانی  
قم، انتشارات ارم، ۱۳۷۵ ش، ۲۸۸ ص، رقعی
۱۱. اگر زینب نبود (سخنان شیوای حضرت  
زینب علیها السلام در حادثه باعظمت عاشورا)  
محمد محمدیان  
تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش،  
۱۳۴ ص، رقعی
۱۲. اگر زینب نبود  
ابراهیم طاهری  
تهران، ۱۳۷۴ ش، ۶۴ ص، رقعی
۱۳. انقلاب زینب کبری، سخنگوی اسلام از  
دشت نینوا  
علی علامه حایری  
تهران، نشر تابان و کلبه. ۱۳۷۸ ش،  
۲۶۴ ص، وزیری
۱۴. انقلابی ترین بانوی تاریخ حضرت زینب علیها السلام  
بدون مؤلف  
مشهد، انتشارات قاسمی، ۱۳۶۴ ش، ۱۰۸ ص
۱۵. بانوی آب و آینه  
کمال السید (عباس موسوی بغدادی)  
ترجمه: سید حسین سیدی  
تهران، کانون پرورش فکری کودکان و  
نوجوانان، ۱۳۸۰ ش، ۸۳ ص، رقعی
۱۶. بانوی آفتاب: تحلیلی از شخصیت حضرت  
زینب  
مرضیه محمدزاده  
قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۹۱ ش، ۲۵۵ ص، وزیری
۱۷. بانوی آفتاب: زینب سلام الله علیها  
علی کرمی فریدنی  
گزینش: مسعوده کرمی، معصومه فرهادی  
قم، انتشارات نسیم انتظار، ۱۳۹۱ ش،  
۲۷۲ ص، رقعی
۱۸. بانوی شجاع زینب کبری  
علامه شیخ محمد جواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق)  
ترجمه: احمد صادقی اردستانی  
چاپ سوم: تهران، انتشارات خزر، ۱۳۹۳ ق،  
۲۷۹ ص، رقعی
۱۹. بانوی صبر: (برگزیده شعر معاصر در  
ستایش حضرت زینب علیها السلام)  
گزینش: امیرمسعود طاهریان  
مشهد، انتشارات به‌نشر، ۱۳۸۱ ش، ۶۱ ص، رقعی
۲۰. بانوی عاشورا حضرت زینب  
رسول سیف

- تهران، دفتر پژوهش نهضت سوادآموزی، ۱۳۷۶ش،  
۴۴ص، وزیری (مصور-ویژه نوآموزان)
۲۱. بانوی کربلا زینب دختر زهرا علیها السلام  
عایشه عبدالرحمن بنت الشاطی مصری  
ترجمه: علامه سید رضا صدر (۱۳۳۹-۱۴۱۵ق)  
چاپ پنجم: قم، انتشارات ۲۲ بهمن،  
۱۳۶۴ش، ۱۸۰ص، رقعی
۲۲. برگ سبزه (مجموعه سروده‌ها در مدح  
حضرت زینب و حضرت رقیه)  
به اهتمام: قوام‌الدین ادیب سرشکی  
تهران، مؤلف، ۱۳۸۱ش، ۵۶ص، رقعی
۲۳. بزرگ بانوی جهان، زینب  
مهدی ملتجی  
تهران، انتشارات اشرفی، ۱۳۵۳ش،  
۱۵۴ص، رقعی  
همراه با متن و ترجمه زیارت حضرت زینب.
۲۴. پژوهشی پیرامون بارگاه حضرت زینب علیها السلام  
محمد حسنین سابقی پاکستانی  
ترجمه: عیسی سلیم پور اهری  
قم، انتشارات نوید اسلام، ۱۳۷۸ش،  
۲۴۸ص، وزیری
۲۵. پیام زینب  
عبدالرحمن انصاری لاری  
قم، زمینه سازان ظهور امام عصر، ۱۳۷۶ش،  
۱۵۸ص، رقعی
۲۶. پیام زینب علیها السلام (ترجمه‌ها و خطبه‌های  
حضرت زینب)
- بدون نام مترجم  
تهران، جامعه زینب، بی تا، ۸۰ص، رقعی
۲۷. پیام زینب  
شجاع‌الدین صفری زنجانی  
تهران، انتشارات پیری، ۳۲۰ص، جیبی
۲۸. پیام آور عاشورا (بررسی سیر زندگی،  
اندیشه و جهاد زینب کبری علیها السلام)  
سید عطاءالله مهاجرانی  
تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۱ش،  
۳۶۰ص، وزیری
۲۹. پیام آور عاشورا حضرت زینب کبری علیها السلام  
سروده: عطاءالله کهیارزاد  
شیراز، انتشارات تخت جمشید، ۱۳۸۰ش،  
۱۲۴ص، رقعی
۳۰. پیام آور کربلا: حضرت زینب  
مرتضی فهیم کرمانی  
قم، انتشارات دارالسلام، ۱۳۷۶ش،  
۲۰۸ص، رقعی
۳۱. پیامبر کربلا (مجموعه شعر در مدائح و  
مراثی حضرت زینب)  
سید ضیاءالدین تنکابنی  
تهران، رسالت قلم، ۱۳۷۵ش، ۲۰۵ص، وزیری
۳۲. پیام سنگین عاشورا در اسارت حضرت  
زینب علیها السلام  
اسدالله داستانی بنیسی  
قم، بی تا ۱۳۷۱ش، ۸۸ص، رقعی
۳۳. تجلی قرآن در کلام حضرت زینب  
سید محمد علی طباطبایی



- قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰ش
۳۴. ترجمه خاتون دو سرا حضرت زینب کبری علیها السلام  
سید علی نقی فیض الاسلام (م ۱۴۰۶ق)  
چاپ دوم: تهران، انتشارات فیض الاسلام،  
۱۳۶۶ش، ۲۵۴ص، وزیری
۳۵. ترجمه خطبه‌های حضرت زینب  
جواد فاضل (۱۳۳۵-۱۳۸۰ق)  
تهران، انتشارات علمی، بی تا
۳۶. ترجمه منظوم خطبه حضرت زینب کبری علیها السلام  
در مجلس یزید  
محمد افتخاری ساوجی  
قم، بی تا، ۱۳۵۳ش، ۱۳ص، جیبی
۳۷. ترسیم ابعاد بهت انگیز شخصیت حضرت  
زینب  
مرتضی قاسمی  
کاشان، انتشارات مرسل، ۱۳۷۶ش
۳۸. تکرار حماسه علی علیه السلام در خطبه زینب علیها السلام  
علی کریمی جهرمی  
قم، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام،  
۱۳۷۵ش، ۸۳ص، رقعی
۳۹. ثانیة الزهراء زینب الكبرى علیها السلام  
عباس حاجیانی دشتی  
قم، انتشارات موعود اسلام، ۱۴۲۵ق،  
۲۰۳ص، وزیری
۴۰. جامع الزیارات زینب کبری علیها السلام  
شکرالله جهان مهین  
قم، نشر راسخون، ۱۳۸۶ش، ۱۱۱ص، رقعی
- (شامل: زندگی، خطبه‌ها و زیارات)  
۴۱. چهره درخشان حضرت زینب کبری علیها السلام  
علی ربانی خدخالی (۱۳۲۳-۱۳۸۹ش)  
قم، انتشارات مکتب الحسین، ۱۳۸۵ش
۴۲. حرکت جانگداز بانوان در راه امام حسین علیه السلام  
عبد الامیر انصاری  
ترجمه: سید رضا حسینی ازری  
قم، انتشارات عروج اندیشه  
(ترجمه کتاب حركة النساء فی المسيرة الحسينية  
است)
۴۳. حضرت زینب  
سید کاظم ارفع  
تهران، انتشارات قادر، ۱۳۷۷ش، ۱۰۴ص، رقعی
۴۴. حضرت زینب علیها السلام  
سروده: محمد علی مردانی (۱۳۴۱-۱۴۲۰ق)  
چاپ دوم: تهران، نشر هماهنگ، ۱۳۷۸ش،  
۶۰ص، رقعی
۴۵. حضرت زینب عقيله بنی هاشم  
عبدالکریم پاک نیا  
قم، نشر فرهنگ اهل بیت، ۱۳۸۷ش،  
۹۵ص، پالتویی.
۴۶. حضرت زینب پیام‌رسان شهیدان کربلا  
محمد محمدی اشتهاردی  
تهران، نشر مطهر، ۱۳۷۶ش، ۴۸ص، رقعی
۴۷. حضرت زینب قهرمان صبر و شکیبایی  
۴۸. حضرت زینب کبری

۱۴۰۴ق/۱۳۶۲ش، ۳۷۲ص، وزیری  
همراه با تقریظ آیات عظام: سید ابوالحسن  
اصفهانی، سید محمد فیروزآبادی، سید محمد علی  
شهرستانی، آقا ضیاء الدین عراقی و دیگران  
بوده و به عربی وارد و هم ترجمه شده است.  
در این کتاب از ولادت، القاب، عصمت،  
شمایل و دلایل، شرح احوال، جهاد، امتحان و  
معرفت، مراتب خوف و رضا و تسلیم حضرت،  
مصائب و بلیات، صبر و مواسات و غیرت،  
نیابت خاصه و خدمات حضرت در کربلا،  
شبهات آن محترمه با برخی از پیامبران و امامان  
و خطبه‌های آن حضرت بحث شده است.

**۵۳. خطبه‌ای از حضرت زینب علیها السلام**

ترجمه: علی گلزاده غفوری (۱۳۴۲-۱۴۳۱ق)  
چاپ تهران، ۱۳۵۴ش، ۵۶ص، رقعی  
این کتاب، ترجمه خطبه حضرت در کوفه بوده و  
به فارسی و انگلیسی منتشر شده است.

**۵۴. خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام**

منیره گرجی  
تهران، انتشارات هدف، ۱۳۵۶ش، ۳۰ص،  
رقعی

**۵۵. خطبه‌های هدف‌دار و اصل عقیده العرب  
حضرت زینب کبری علیها السلام در شام و مجلس یزید**

ترجمه: علی اکبر صدرالدینی  
تبریز، انتشارات منشور، ۱۳۷۸ش، ۶۱ص، رقعی  
۵۶. راز بکاء، مصائب حضرت زینب از واقعه کربلا

تا ربیعین

سید محمد فیض کابلی بهسودی  
نجف، مطبعة العدل، بی تا، ۳۶ص، رقعی  
۴۹. حضرت زینب کبری علیها السلام  
علامه شیخ جعفر نقدی (۱۳۰۳-۱۳۷۰ق)  
ترجمه: علامه حسین عمادزاده (۱۳۲۵-۱۴۱۰ق)  
مقدمه: علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین  
(۱۲۹۰-۱۳۷۷ق)  
چاپ دوم: تهران، انتشارات سعدی، بی تا،  
۴۷۰ص، وزیری

این از بهترین کتاب‌های نوشته شده درباره  
حضرت به زبان فارسی است.

**۵۰. حضرت زینب کبری علیها السلام**

سید محمد تقی مدرّسی  
ترجمه: محمد صادق شریعت  
تهران، محبّان الحسین، ۱۳۷۷ش، ۷۱ص، رقعی  
۵۱. حضرت زینب، بزرگ بانوی کربلا

عبدالامیر فولادزاده  
قم، کانون نشر اندیشه‌های اسلامی،  
۱۴۱۱ق/۱۳۶۹ش، ۶۵ص، وزیری (مصور-  
ویژه نوجوانان)

**۵۲. الخصائص الزینبیه = ویژگی‌های حضرت  
زینب علیها السلام**

علامه سید نورالدین حائری جزائری  
(۱۳۱۳-۱۳۸۴ق)

مقدمه: محمد تقی تاج‌الدین (م ۱۴۱۰ق)  
چاپ سوم: قم انتشارات حضرت مهدی،

- مقصود باقری  
تبریز، انتشارات سالار، ۱۳۷۹ ش، ۲۲۴ ص،  
رقعی
۵۷. **خطابه زینب کبری علیها السلام پشتوانه انقلاب  
حسین بن علی علیهما السلام**  
محمد مقیمی  
تهران، انتشارات سعدی، بی تا، ۳۸۶ ص،  
وزیری
۵۸. **خلاصه شرح حال و زیارت‌نامه حضرت  
زینب کبری**  
علی اصغر محدث رسولی زاده  
تهران، ۱۳۷۰ ش، ۴۶ ص، رقیعی
۵۹. **خواهر و برادر کربلا**  
شعر: شیخ محمد تقی بهلول خراسانی  
(۱۳۲۴-۱۴۲۶ ق)  
مقدمه: محمد مقیمی  
تهران، چاپ پیام، بی تا، ۱۱۰ ص، جیبی
۶۰. **داستان‌های حضرت زینب**  
علی میر خلف زاده  
چ پ اصفهان، ۱۳۷۸ ش، ۱۴۰ ص، رقیعی
۶۱. **دختر علی علیه السلام، زینب علیها السلام قهرمان کربلا**  
علی عطایی خراسانی  
تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۴۸ ش،  
۱۱۲ ص، رقیعی
۶۲. **دختر علی علیه السلام زینب کبری علیها السلام**  
حسین علیزاده  
مشهد، انتشارات علیزاده، ۱۳۷۴ ش،
- ۱۳۵ ص، رقیعی  
شامل اشعار مدایح و مراثی است.
۶۳. **در رهگذر کوفه و شام**  
حسین عمادزاده (۱۳۲۵-۱۴۱۰ ق)  
چاپ تهران، کانون شریعت، بی تا
۶۴. **دسته گلی در مدایح و مصائب زینب،  
قهرمان کربلا**  
مقدمه: علی عطایی خراسانی  
مشهد: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش،
- ۹۷ ص، جیبی
۶۵. **دو سخنرانی از زینب کبری علیها السلام**  
توران انصاری  
تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۴۷ ش،
- ۱۰۷ ص، جیبی
۶۶. **دلیم بهانه می‌گیرد (داستان زندگی حضرت  
زینب)**  
رضا شیرازی  
تهران، انتشارات پیام نور، ۱۳۷۲ ش،
- ۱۱۹ ص، رقیعی (مصور-ویژه نوجوانان)
۶۷. **دویست داستان از فضایل و کرامات و  
مصائب حضرت زینب علیها السلام**  
عباس عزیزی  
قم، انتشارات سلسله، ۱۳۷۸ ش، ۲۰۸ ص، رقیعی
۶۸. **دیوان زینبیه**  
شعر: ابوالقاسم علی مدد - قطره (م ۱۳۹۸ ق)  
تهران، بی تا، ۱۳۵۰ ش، ۱۰۲ ص، جیبی

۶۹. رهبری در بحران: با نگاهی به رهبری حضرت زینب علیها السلام
- حسین علی سرباز حسینی  
تهران، ایران نگین، ۱۳۷۸ش، ۸۰ص، رقعی
۷۰. رهبر مدبر: حضرت زینب علیها السلام
- محمود گلی زاده  
یزد، انتشارات گوناگون، ۱۳۷۰ش، ۸۴ص، رقعی
۷۱. زندگانی حضرت زینب علیها السلام
- محمد علی احسان  
تهران، انتشارات پدیده،  
۱۳۴۵ش/۱۳۸۶ق، ۸۲ص، جیبی
۷۲. زندگانی حضرت زینب علیها السلام
- عبدالحسین مؤمنی  
تهران، انتشارات جاویدان، بی تا، ۲۹۲ص،  
رقعی
- همراه با زیارت و اشعاری در مدایح و مرثی حضرت
۷۳. زندگانی حضرت زینب علیها السلام
- حسین یوسفی آملی  
تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ش،  
۹۶ص، رقعی
۷۴. زندگانی حضرت زینب علیها السلام
- مصطفی اولیائی  
قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ش،  
۶۳ص، رقعی
۷۵. زندگانی حضرت زینب علیها السلام، رسالتی از خون و پیام
- علی قائمی امیری  
تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۲ش، ۳۹۲ص، وزیری
- این یکی از بهترین کتاب‌ها پیرامون زندگی حضرت است.
۷۶. زندگانی زینب کبری علیها السلام
- [آیت الله] شهید سید عبدالحسین دستغیب  
(۱۳۲۲-۱۴۰۲ق)
- تهران، انتشارات ناس، ۱۳۶۸ش، ۱۳۰ص، جیبی
- این کتاب به عربی ترجمه شده و در بحرین به چاپ رسیده است.
۷۷. زندگانی سفیر کربلا حضرت زینب کبری (و زیارت نامه)
- اصغر محمدی همدانی  
تهران، انتشارات زعیم، ۱۳۷۹ش، ۸۰ص، رقعی
۷۸. زندگانی و احوالات صدیقه صغری زینب کبری علیها السلام
- محسن صائب صیدلی  
قم، انتشارات امام مهدی، ۱۳۶۴ش،  
۶۴ص، رقعی
۷۹. زنی به نام زینب علیها السلام
- کمال السید (عباس الموسوی)  
ترجمه: سید مهدی آیت اللهی  
بازنویسی: صادق رحمانی
- قم، انتشارات نبوغ، ۱۳۷۵ش، ۷۲ص، رقعی
۸۰. زیارت مفجعه حضرت زینب کبری علیها السلام
- مهدی ملتجی  
تهران، انتشارات اشرفی، ۱۳۵۳ش، ۵۲ص، جیبی
۸۱. زیباترین شکیب (زندگانی حضرت زینب علیها السلام)
- اکبر اسدی و مهدی رضایی

- مقدمه: آیت الله جعفر سبحانی  
قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه  
علمیه قم، ۱۳۷۴ش، ۱۸۴ص، رقعی  
این کتاب به اردو ترجمه شده است.
۸۲. زینب علیها السلام آفتاب غروب ناپذیر  
سید احمد مدنی  
تهران، سحاب کتاب، ۱۳۵۷ش، ۳۶ص، رقعی
۸۳. زینب علیها السلام از ولادت تا وفات  
سید محمد کاظم قزوینی (۱۳۴۸-۱۴۱۵ق)  
ترجمه: علی کریمی فریدنی  
قم، نشر مرتضی، ۱۳۸۹ش، ۴۰۰ص، وزیری
۸۴. زینب بانوی قهرمان کربلا  
عایشه عبدالرحمن بنت الشاطی  
مهدی آیت الله زاده نائینی و حبیب چایچیان  
چاپ پنجم: تهران، انتشارات امیرکبیر،  
۱۳۴۸ش، ۱۹۱ص، رقعی
۸۵. زینب بانوی گل‌های کبود  
علی تبریزیان  
قم، امیرالعلم، ۱۳۹۱ش، وزیری، ۳۴۰ص.
۸۶. زینب، عقیده بنی هاشم  
علی کریمی جهرمی  
قم، انتشارات راسخون، ۱۳۷۹ش،  
۱۳۶ص، رقعی
۸۷. زینب قیام آزادی بخش حسین را به نتیجه  
می‌رساند  
احمد مدنی  
تهران، بی‌نا، ۱۳۵۲ش، ۱۶ص، وزیری  
(مصور- ویژه نوجوانان)
۸۸. زینب کبری از ولادت تا شهادت  
سید محمد کاظم حایری قزوینی (۱۳۴۸-۱۴۱۵ق)  
ترجمه: کاظم حاتمی طبری  
چاپ پنجم: قم، نشر همگرا، ۱۳۸۹ش،  
۴۱۵ص، وزیری
۸۹. زینب کبری علیها السلام عقیده بنی هاشم  
حسن الهی بوته‌کار  
تهران، مؤسسه فرهنگی آفرینه، ۱۳۷۵ش،  
۲۷۶ص، وزیری
۹۰. زینب کبری فروغ تابان کوثر  
محمد محمدی اشتهاردی  
تهران، برهان، ۱۳۷۵ش، ۳۱۲ص، رقعی
۹۱. زینب کبری فریادی بر اعصار  
اسماعیل منصوری لاهیجانی  
تهران، مجتمع شهید مطهری، ۱۳۶۹ش،  
۲۰۰ص، رقعی
۹۲. زینب کبری علیها السلام قهرمان انقلاب کربلا  
حسن ناجیان  
تهران، بی‌نا، ۱۳۵۱ش، ۱۹۱ص
۹۳. زینب کبری علیها السلام یا قهرمان کربلا  
گردآوری: محمد زهری  
تهران، ۱۳۵۱ش، ۱۹۱ص، جیبی
۹۴. زینب حماسه‌ای بر فراز تاریخ  
سید حسن دبیری حاج سید جوادی  
تهران، انتشارات نوید، ۱۳۶۰ش، ۲۲۶ص، رقعی
۹۵. زینب در حساس‌ترین دوران زندگی خود از  
عاشورا تا اربعین

- بدرالدین نصیری  
چاپ چهارم: تهران، انتشارات محمدی،  
۱۳۶۸ش، ۳۳۰ص، جیبی
۹۶. زینب و شخصیت تاریخی او  
محمدعلی عباسی قریب  
تهران، ۱۳۷۲ش، ۲۵۱ص
۹۷. زینب در کاروان کوفه و شام  
امیر تیمور معینی  
تهران، بی نا، ۱۳۵۸ش، ۳۱۰ص، رقعی
۹۸. زینب شجاع در عاشورای حسینی  
موسی فرهنگ  
تهران، انتشارات خزر، ۱۳۵۰ش، ۲۲۴ص، جیبی
۹۹. زینب شیرزن نینوا  
نعمت الله قاضی شکیب-  
تهران، انتشارات نوین، ۱۵۰ص، جیبی
۱۰۰. زینب عقيله بنی هاشم  
سید هاشم رسولی محلاتی  
تهران، نشر مشعر، ۱۳۷۷ش، ۱۱۵ص، پالتویی
۱۰۱. زینب عقيله بنی هاشم  
زهره هاشمی نژاد  
بوشهر، انتشارات موعود اسلام، ۱۳۸۸ش،  
۱۷۵ص، رقعی
۱۰۲. زینب علیها السلام غزل سروده فاطمه  
سید محمد بحق  
قم، نشر میم، ۱۳۸۸ش، ۲۰۶ص، رقعی
۱۰۳. زینب قهرمان دختر علی علیه السلام  
احمد صادقی اردستانی
- چاپ سوم: تهران، انتشارات مطهر،  
۱۳۷۶ش، ۴۲۱ص، رقعی
۱۰۴. زینب قهرمان کربلا  
عایشه عبدالرحمن بنت الشاطی مصری  
سید جعفر غضبان  
چاپ دوم: تهران، انتشارات علمی،  
۱۳۴۴ش، ۱۴۰ص، رقعی
۱۰۵. ستارگان درخشان: زینب کبری علیها السلام  
محمد جواد نجفی  
چاپ پنجم، تهران، انتشارات اسلامیه،  
۱۳۶۸ش، ۵۲ص، جیبی
۱۰۶. سرگذشت راست یا حضرت زینب علیها السلام  
جلال الدین فارسی  
تهران، انتشارات آسیا، بی تا، ۵۳ص، رقعی
۱۰۷. سر زینوا زینب کبری  
محمدعلی محسن زاده  
قم، مشعر، ۱۳۸۸ش.
۱۰۸. سفرهای حضرت زینب  
احمد صادقی اردستانی  
تهران، انتشارات کیوان، ۱۳۷۲ش
۱۰۹. سیر زندگی و اندیشه حضرت زینب  
مصطفی خرم آبادی  
انتشارات دانشگاه قم.
۱۱۰. سیری در زندگانی حضرت زینب علیها السلام  
سید محمد بحر العلوم  
ترجمه: امیر وکیلان و کریم جعفری

- تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۶۹ ش،  
۱۲۸ ص، وزیری
۱۱۱. سیری کوتاه در زندگانی زینب کبری =  
قهرمان زنان جهان  
محمود حکیمی  
چاپ پنجم: قم، انتشارات نسل جوان،  
۱۳۶۸ ش، ۱۱۲ ص، جیبی
۱۱۲. سیمای حضرت زینب علیها السلام  
محمد مهدی تاج لنگرودی  
تهران، دفتر نشر مناز، ۱۳۷۵ ش، ۲۲۳ ص، رقعی
۱۱۳. سیمای حضرت زینب علیها السلام اسوه صبر و  
فداکاری  
علی اکبر بابازاده  
تهران، انتشارات مکیال، ۱۳۷۷ ش،  
۲۳۰ ص، رقعی
۱۱۴. شیرزن کربلا  
عایشه عبدالرحمن بنت الشاطی مصری  
سید جعفر شهیدی  
تهران، انتشارات حافظ، ۱۳۵۰ ش، ۱۲۶ ص  
(توسط نشر مشعرهم تجدید چاپ شده است).
۱۱۵. صدای عدالت خواهی حضرت زینب و رقیه،  
دختران علی و حسین علیهم السلام  
علی اصغر عطایی خراسانی  
مشهد، نشر شهداء الفضیلة، ۱۳۸۱ ش،  
۱۸۲ ص، رقعی
۱۱۶. الطراز المذهب فی احوال سیدتنا زینب  
علامه عباسقلی خان سپهر (م ۱۳۴۵ ق)
- تصحیح: محمد باقر بهبودی  
تهران، انتشارات اسلامی، بی تا، ۶۸۰ ص، وزیری  
این کتاب بهترین و جامع‌ترین کتاب‌ها  
درباره زندگی حضرت بوده و به اردو ترجمه و  
تلخیص شده است.
۱۱۷. قصیده حضرت آیت‌الله العظمی سید حسن  
تهامی بیرجندی (۱۳۱۳-۱۳۸۵ ق) درباره اوصاف  
و مناقب عقیده بنی هاشم حضرت زینب بنت علی  
بن ابی طالب علیها السلام  
با توضیحات ابوالحسن فیاض، ۶ ص، رقعی
۱۱۸. عزیز برادر حضرت زینب علیها السلام  
محسن ماجراجو  
قم، نشر صلوات، ۱۳۸۸ ش، ۱۹۰ ص، رقعی
۱۱۹. عقیده (فصل نامه)  
گروه نویسندگان  
قم، کنگره ملی حضرت زینب، ۱۳۹۱ ش،  
۱۲۰ ص، وزیری بزرگ  
(در این مجله، ۲۰ مقاله درباره حضرت  
زینب علیها السلام گرد آمده است).
۱۲۰. عقیده بنی هاشم  
محمد مهدی بهداروند  
تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۴ ش،  
۶۰ ص، رقعی
۱۲۱. عقیده العرب  
شیخ محمد حسنین سابقی پاکستانی  
(۱۳۶۶-۱۴۲۶ ق)  
ترجمه: عیسی اهری

- قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۵ ش،  
۲۴۸ ص، وزیری
۱۲۲. قهرمان صبر یا زندگانی عالمه فاضله زینب  
کبری علیها السلام  
محمد غلامی  
تهران، بی نا، ۱۳۵۱ ش، ۳۳۶ ص  
۱۲۳. غنچه گل نشکفته  
شعر: علی اکبر پیروی  
تهران، انجمن ادبی حضرت حجت،  
۱۳۴۵ ش / ۱۳۸۶ ق، ۲۳ ص، جیبی
۱۲۴. فضائل زینب علیها السلام  
سید احمد موسوی  
تهران، شرکت نیک معارف، ۱۳۷۶ ش،  
۴۷ ص، جیبی کوچک
۱۲۵. قهرمان کربلا زینب علیها السلام  
عایشه عبدالرحمن بنت الشاطی  
مترجم: ناشناخته  
تهران، انتشارات سعیدی، ۱۳۶۴ ش،  
۱۴۶ ص، رقعی
۱۲۶. قهرمان کربلا زینب کبری علیها السلام (ترجمه:  
اخبار الزینبات والسیده زینب)  
مترجم: سید محمد جواد نجفی مرعشی  
مقدمه: آیت الله العظمی نجفی مرعشی  
(۱۳۱۵-۱۴۱۱ ق)
- تهران، انتشارات فرهانی، ۱۴۰۱ ق، ۲۰۲ ص، رقعی
۱۲۷. کرامات الزینبیه علیها السلام  
سید محمد حسین محمودی
- تهران، مؤسسه انتشارات لاهوت، ۱۳۸۷ ش  
۱۲۸. گلی به نام زینب  
حسن نقره شناس  
قم، نسیم کوثر، ۱۳۹۰ ش، ۱۳۶ ص، رقعی
۱۲۹. مادر مصیبت ها: سوگنامه حضرت زینب  
علی رضا رجالی تهرانی  
قم، انتشارات نیوغ، ۱۳۷۷ ش، ۱۲۶ ص، رقعی
۱۳۰. مرد آفرین روزگار  
حبیب الله فضاییلی  
قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی،  
۱۳۷۱ ش، ۲۸۰ ص، وزیری (به خط زیبای  
نسخ و نستعلیق مؤلف)
۱۳۱. مناقب و مصائب دختر علی زینب کبری و  
رقیه خاتون  
حسین علی زاده  
مشهد، انتشارات علی زاده، ۱۳۸۵ ش،  
۱۴۰ ص، رقعی
۱۳۲. مهتاب غمرنگ  
محمد جواد صاحبی  
قم، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷ ش، ۷۲ ص، رقعی  
(قطعه ای ادبی در شرح مصائب و اسارت  
حضرت زینب علیها السلام)
۱۳۳. مهدی علیه السلام و زینب علیها السلام  
محمد رضا فوادیان  
قم، انتشارات روح، ۱۳۸۳ ش، ۶۴ ص، رقعی
۱۳۴. ملیکه نشأتین حضرت زینب کبری اخت  
الحسین علیه السلام



- ۳۸۱ ص، وزیری  
 این کتاب با قلمی شیوا و سبکی زیبا به  
 بررسی ادوار زندگی حضرت زینب علیها السلام  
 پرداخته و به خوبی از عهده برآمده است.
۱۴۰. وفات زینب کبری  
 هاشم حسینی نژاد  
 مشهد، انجمن اسلامی تراشکاران و  
 ریخته‌گران، ۱۳۶۴ ش، ۶۴ ص
۱۴۱. هفتاد و دو درس از سیره عملی حضرت  
 زینب علیها السلام  
 امیرحسین علی‌قلی  
 تهران، انتشارات عابد، ۱۳۸۳ ش، ۷۹ ص، رقعی
۱۴۲. یادگار خیمه‌های سوخته  
 علامه محمدجواد مغنیه (۱۳۲۱-۱۴۰۰ ق)  
 ترجمه: علی‌رضا رجالی تهرانی  
 قم، دارالصادقین، ۱۳۷۹ ش، ۱۵۸ ص، رقعی  
 این کتاب، ترجمه مع بطله کربلا می‌باشد.
۱۴۳. یادگار یاس: عقبه بنی‌هاشم  
 زکیه سادات امینی  
 مقدمه: علی‌اکبر مهدی‌پور  
 قم، انتشارات ولایت، ۱۳۸۶ ش، ۲۴۰ ص،  
 رقعی
- محمد رضا ربّانی تربتی خراسانی (۱۳۳۴ ق-  
 ۱۴۲۳ ق)  
 چاپ تهران، ۱۳۷۶ ش، ۲۴۰ ص، جیبی
۱۳۵. نقش زینب کبری در رهبری الهی  
 حسن سعید تهرانی (۱۳۳۷-۱۴۱۶ ق)  
 اصفهان، حسینیه عمادزاده، ۱۳۹۹ ق،  
 ۱۷ ص، رقعی  
 (به عنوان مقدمه/الخصائص الزینبیه)
۱۳۶. نگاهی به زندگانی حضرت زینب علیها السلام  
 عباس قدیانی  
 تهران، انتشارات فردابه، ۱۳۸۱ ش، ۳۹ ص،  
 رقعی (مصور-از سری «اسوه‌های ایثار»)
۱۳۷. نگاهی به مقام حضرت زینب علیها السلام  
 حسین انصاریان  
 قم، دارالعرفان، ۱۳۸۸ ش، ۳۶ ص، پالتویی
۱۳۸. نگاهی کوتاه به زندگانی زینب کبری علیها السلام  
 سید هاشم رسولی محلاتی  
 تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ ش،  
 ۸۳ ص، رقعی
۱۳۹. نورو ظلمت در جهان  
 علی پرورش  
 تهران، چاپخانه فردوسی، ۱۳۵۰ ش،

## د) کتاب‌های خطی فارسی

۱. تاریخ ام‌المصائب سیدتنا زینب  
شعر: شیخ محمد کجوری تهرانی (م ۱۳۵۲ق)  
رك: الذریعة ۳/۲۳۶، معجم المؤلفین ۵۸/۹
۲. ترجمه و شرح خطبه حضرت زینب  
سید جواد میر عظیمی مراغه‌ای  
گنجینه دانشمندان ۵۷۸/۴
۳. الدرّة الفاخرة فی شرح خطبة زینب الطاهرة  
جمال‌الدین بن ابی تراب شیرازی (م ۱۳۴۱ق)  
رك: الذریعة ۸/۱۰۶
۴. زندگانی حضرت زینب  
عبدالله مبلغی آبادانی (۱۳۴۴-۱۴۲۷ق)  
رك: گنجینه دانشمندان ۴۰۹/۲
۵. زینب بنت امیرالمؤمنین علیها السلام  
شیخ فرج‌الله جزه‌ای اصفهانی  
رك: راهنمای رستگاری ۲۴۰/
۶. شرح خطبه حضرت زینب علیها السلام  
شیخ هادی بنابی  
رك: الذریعة ۱۳/۲۲۱
۷. شرح خطبه‌های حضرت زینب  
شیخ زلف‌علی بن عبدمناف دیزجی زنجانی  
(م ح ۱۳۴۰ق)  
رك: معجم المؤلفین ۴/۱۸۵
۸. شرح زیارت مفجعه حضرت زینب  
محمدصادق عندلیب دارابی (م ۱۳۰۴ق)  
رك: الذریعة ۱۳/۳۰۸
۹. نقش حضرت زینب علیها السلام در رساندن پیام عاشورا
- خانم حاج جباری  
پلی کپی (مرکز آموزش ضمن خدمت  
فرهنگیان قم)
۱۰. ترجمه زینب کبری در تاریخ دمشق  
حافظ ابن عساکر ابوالقاسم علی بن حسن  
بن هبة‌الله شافعی (۴۹۹-۵۷۱ق)  
سکینه شهابی  
رك: کتاب‌شناسی عاشورا: ۲۹۵
۱۱. مجموعه مقالات درباره حضرت زینب (ارائه  
شده به کنگره ملی حضرت زینب)  
۱. جستاری از شخصیت عرفانی حضرت  
زینب. حسن علی پوروحید  
۲. بررسی مسئله ولایت‌پذیری حضرت  
زینب. بهران مرادی و دیگران  
۳. تجلی آیات قرآن کریم در خطبه‌های  
حضرت زینب. معصومه شریفی  
۴. تجلی حکمت و بلاغت در خطبه‌های  
حضرت زینب. علیا وسط خانجانی  
۵. حضرت زینب علیها السلام الگوی مدیریت بحران  
در واقعه عاشورا و پس از آن. زهرا ثابتی  
۶. اندیشه‌ها و روش‌های تربیتی حضرت  
زینب. اسماعیل خارستانی  
۷. تجلی مهرورزی در گفتار و رفتار حضرت  
زینب. فاطمه سادات آقا سید محمد قاری

۸. زینب علیها السلام الگوی مدیریت بحران. صائمه گیلانی.
۹. بررسی اوصاف و القاب حضرت زینب. زینب مهدیان
۱۰. مدیریت بحران در سیره زینب کبری. حامد پوررستمی
۱۱. حضرت زینب علیها السلام الگوی زن مسلمان در عصر حاضر. فاطمه خاتمه
۱۲. رسالت حضرت زینب علیها السلام پاسداری از ولایت. حبیب زمانی محبوب
۱۳. تبیین مقام و شخصیت عرفانی حضرت زینب علیها السلام. سید قوام الدین حسینی
۱۴. نمی ازیم عرفان. حضرت زینب، سیده منصوره موسوی دره‌بیدی
۱۵. حضرت زینب و مدیریت بحران. فرانک بهمینی
۱۶. بررسی و تبیین الگوی زینبی برای حضور زنان مسلمان در عرصه علم. سیده طاهره دلخوش
۱۷. عقلانیت و خردورزی حضرت زینب علیها السلام با تاکید بر قیام عاشورا. احمد اکبری
۱۸. بررسی انسان شناختی شخصیت حضرت زینب. محمود ملکی راد
۱۹. حضرت زینب علیها السلام الگوی تربیتی عفاف.
۲۰. فاطمه زند اقطاعی
۲۱. تحلیل خطبه‌های حضرت زینب از منظر مبانی سیاسی. سید امیر مهدی امین
۲۲. تحلیل و بررسی بینش و بصیرت حضرت زینب پس از واقعه عاشورا. زهرا شیخ‌وند
۲۳. آموزه‌های تربیتی حضرت زینب در نهضت حسینی. مریم حق وردی طاقانکی
۲۴. زینب علیها السلام راسخ‌ترین مبلغ. سید علی پور حسینی
۲۵. زینب علیها السلام بزرگ بسجی نمونه. مرضیه علوی
۲۶. بررسی و تبیین نقش حضرت زینب در حماسه کربلا. فاطمه حمیدیان
۲۷. بررسی ولایت‌مداری در کلام نورانی حضرت زینب. مهوش کابوک
۲۸. بررسی بینش و بصیرت حضرت زینب علیها السلام. زهرا حجتی
۲۹. خطبه حضرت زینب. مرضیه اکبری
۳۰. حضرت زینب در مدار ولایت امام حسین. نرگس عبدیایی
۳۱. بررسی شخصیت حضرت زینب در کلام مقام رهبری. زهرا اصفهانی

## ه) کتاب‌های اردو

۱. اسیران کربلا  
بانو مصطفی بیگم (دختر مولوی سید باقر حسین هندی)  
چاپ هند
۲. اسیری حرم  
علی نقی  
چاپ لکهنو، صفدرپرس، ۱۲۵۹ق
۳. بلاغت زینبیه  
چاپ هند

- کراچی، ادارہ تمدن اسلام، ۱۹۸۵م/۱۴۰۵ق،  
۴۷ص، رقعی (خط: سید تہذیب حسین نقوی)
۱۲. **خاتون کربلا**  
صالحہ عابد حسین  
لکھنو، سرافراز، ۱۳۷۹ق، ۳۲ص، رقعی
۱۳. **خواتین ور عاشورا**  
سید مرتضیٰ حسین لکھنوی (۱۳۴۱-۱۴۰۷ق)  
کراچی، دارالثقافة الاسلامیة، ۱۹۸۷م
۱۴. **سلسلۃ الذهب فی سوانح سیدتنا زینب**  
آیت اللہ سید نورالدین جزایری (۱۳۱۳-  
۱۳۸۴ق)
- ترجمہ: سید محمد مظفر علی خان بن  
خورشید علی خان جانستہ ہندی  
چاپ لکھنو، ۱۹۲۷م/۱۳۴۹ق
- (این کتاب ترجمہ *الخصائص الزینبیہ* است.)
۱۵. **السیدۃ زینب**  
سید عزیز حسن بقائی ہندی  
چاپ دہلی
۱۶. **سیدہ کی بی بی**  
رازق خیری  
چاپ ۱۹۴۴م
- (این کتاب دارای اشتباہاتی است.)
۱۷. **سیرت حضرت صدیقہ جناب زینب**  
مظلومہ کربلا  
میرزا عباسقلی خان سپہر (م ۱۳۴۵ق)
- مترجم: سید اظہار حسین  
چاپ لکھنو  
(این کتاب ترجمہ *طراز المذہب* است.)
- شیخ محمد لطیف انصاری (۱۳۰۵-۱۳۹۹ق)  
رک: تذکرہ علمای امامیہ پاکستان / ۳۳۱
۴. **ثانی زہرا**  
ملازم حسین اصغر  
رک: تذکرہ علمای امامیہ پاکستان / ۳۵۶
۵. **ثانیۃ زہراء**  
سید محمد جعفر زیدی (م ۱۴۰۰ق)  
چاپ لاہور، ۴۸ص، رقعی
۶. **ثانی زہرا حضرت صدیقہ صغریٰ جناب زینب**  
کبری  
مولوی محمد صادق حسینی  
مقدمہ: سید علی اختر رضوی  
چاپ لکھنو: ۱۹۳۸م، ۱۷۱ص، رقعی
۷. **جناب زینب**  
سید سبط الحسن ہنوی (م ۱۳۹۸ق)  
لکھنو، ادارہ تحفظ شیعہ، ۳۴ص، رقعی
۸. **حضرت زینب**  
سید علی صاحب جعفری (۱۳۳۹-۱۳۸۵ق)
۹. **حضرت زینب اور دربار یزید**  
آغا اشرف  
چاپ لاہور، پرنٹنگ، ۹۶ص، رقعی
۱۰. **حضرت زینب ثانی زہرا سلام اللہ علیہا**  
سید منظور نقی رضوی  
نیوجرسی (آمریکا)، ۲۰۱۳م، ۸۴۸ص، وزیری
۱۱. **حضرت زینب کبریٰ کی تاریخ ساز اور**  
عہد آفرین خطبی (ترجمہ و شرح مختصر  
خطبہ های حضرت در کوفہ و شام)  
مترجم: سید ابن الحسن نجفی

۱۸. سیرت حضرت زینب علیها السلام  
گروهی از نویسندگان  
لاهور، ۱۹۶۴م، ۲۰۵ص، وزیری  
(این کتاب مجموعه اشعار و مقالات بسیار  
خواندنی بوده و در آن کتاب بطله کربلاء به  
اردو ترجمه شده است).
۱۹. سیرت زینب علیها السلام  
محمدتقی خان سپهر (م ۱۳۴۵ق)  
ترجمه: سید احمد حسنین ترمذی  
چاپ لاهور، ۹۲ص  
این کتاب ترجمه و تلخیص طراز المذهب  
سپهری است.
۲۰. سیرت زینب علیها السلام  
سید محمد حسین جعفری  
حیدرآباد دکن، ۱۳۶۴ق/۱۹۴۵م،  
۳۴۸ص، وزیری  
این کتاب در زمره کتاب‌های زیبا و جامع و  
فراگیر مطالب است.
۲۱. سوانح سیده زینب علیها السلام  
شیخ محمد حسین سابقی پاکستانی (۱۳۶۶ق)  
قم، انصاریان، ۱۳۷۵ش، ۴۱۰ص، رقعی
۲۲. مظلومه کربلا (ترجمه الطراز المذهب)  
تألیف: محمدتقی خان سپهر  
ترجمه: سید اظهار حسین عرش  
چاپ لکهنو، نظامی پریس، ۱۸۸ص
۲۳. مظلومه کربلا (ترجمه الطراز المذهب)  
نوشته: محمدتقی خان سپهر  
ترجمه: سید عالم شاه کاظمی  
لاهور، اداره معارف اسلامی، ۱۳۸۱ق،  
۴۰۳ص، وزیری
۲۴. مقصد زینب علیها السلام  
سید محمد حسین جعفری  
پاکستان، انجمن تحفظ تعلیمات آل محمد،  
۳۱ص، رقعی
۲۵. نمونه صبر، زینب علیها السلام  
اکبراسدی و مهدی رضایی  
ترجمه: نثار احمد زین پوری  
قم، انصاریان، ۱۳۷۵ش، ۴۱۰ص، رقعی

بسم

### و زبان‌های دیگر

۱. سیرة السیدة زینب علیها السلام  
انگلیسی  
حاج محمد سالمین هندی  
چاپ هند



بنیاد قم پژوهی منتشر می کند:

بنیاد قم پژوهی / ٩

# مدینة قُمر فی المراجع والمصادر العربیة

استعراض لتأریخ مدینة قُمر من القرن الثانی ولغایة القرن الخامس عشر الهجری

محمد رضا الأنصاری القمّی

## کتاب‌شناسی ترجمه منظوم نیایش‌های معصومین علیهم‌السلام

سیدرضا باقریان موحد

### مقدمه

تأثیر شعر و ادبیات در انتقال مفاهیم دینی و میزان اثرگذاری و کارآمدی این شیوه ادبی غیرقابل انکار است. ادبیات فارسی، با سابقه بیش از هزار سال، با همه تنوع موضوعی و قالبی آن، گنجینه گران‌سنگی از معارف الهی و توحیدی است که سرچشمه همه‌گونه نوشیدنی‌های بهشتی و چشیدنی‌های معنوی است.

ترجمه منظوم آیات قرآن و احادیث پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام، به‌ویژه سخنان گهربار حضرت علی علیه‌السلام، همیشه مورد استقبال شاعران و شیفتگان معنویت و عرفان بوده و هست و تاکنون صدها جلد کتاب نفیس در این قلمرو معنوی سروده شده است.

ترجمه منظوم دعاها و نیایش‌های معصومین به‌ویژه دعا‌های امام سجاد علیه‌السلام نیز از جمله موضوعاتی است که مورد توجه هنرمندان و شاعران قرار گرفته و در این عرصه، آثار درخشان و قابل توجهی فراهم آمده است. دعا‌های معصومین علیهم‌السلام فی‌نفسه با ارزش و گران‌قدرند، به‌خصوص که اگر در قالب شعر، با آرایه‌های ادبی و هنری همراه شده باشند.

کتاب‌شناسی حاضر، معرفی در حدود یکصد ترجمه منظوم از نیایش‌های معصومین علیهم‌السلام بر اساس تنظیم الفبایی نام شاعر است. این کتاب‌شناسی، نامگوست، نه توصیفی یا تحلیلی-انتقادی.

۱. آل یاسین، سیدرضا ۱۳۰۵ ش. میراث حضرت زهرا علیها السلام و صحیفه سجادیه منظوم. تهران، مؤلف، ۱۳۷۷ ش.
۲. ابوالقاسمی، مجتبی. ماه ضیافت: ترجمه منظوم دعای روزهای ماه مبارک رمضان. مشهد، عروج اندیشه، ۱۳۸۸ ش، ۹۶ ص جیبی.
۳. احمدی، سمیه ۱۳۶۳ ش. مجموعه نظم صحیفه سجادیه. تهران، کلام حق، ۱۳۹۱ ش، ۳۰۹ ص وزیری.
۴. اربابی، نصرت‌الله. نیاز موفق: ترجمه و نظم دعا‌های کامل، عرفه و مناجات خمس عشر. تهران، رودکی، ۱۳۶۳ ش.
۵. اسدی توپسرکانی، سهراب. ارتباط با خدا: منتخبی از مفاتیح الجنان (منظوم). تهران، گلفام، ۱۳۷۸ ش، ۲۲۴ ص.
۶. اشعری، عبدالحسین. ترجمه منظوم دعای توسل. قم، فاطمة الزهراء، ۱۳۷۹ ش، ۳۱ ص جیبی.
۷. اشعری، عبدالحسین. زمزمه عاشقان (دعای ندبه به ضمیمه اشعار متناسب با متن دعا). قم، انصارالمهدی، ۱۳۷۷ ش، ۶۳ ص جیبی.
۸. اصغری هشترودی، ناصر. ترجمه منظوم صحیفه سجادیه. تهران، عارف کامل، ۱۳۸۴ ش، ۳۷۶ ص وزیری.
۹. اصغری هشترودی، ناصر. دعای کامل همراه با ترجمه نظم و نثر. تهران، عارف کامل، ۱۳۸۳ ش، ۶۰ ص جیبی.
۱۰. امامی مقدم، منیژه. نجوای عاشقانه (ترجمه منظوم دعای کامل و مناجات مسجد کوفه امام علی علیه السلام). بابل، موج اندیشه، ۱۳۸۸ ش، ۴۸ ص پالتویی.
۱۱. امیرصادقی، نصیرالدین. ترجمه دعای کامل درسیاق نثر در رشته نظم. تهران، مولف، ۱۳۶۴ ش، ۹۶ ص وزیری.
۱۲. امین زاده، ابوالقاسم. ترجمه منظوم دعای کامل و ندبه. تهران، بی نا، ۱۳۵۴ ش، ۴۸ ص.
۱۳. انصاریان، حسین ۱۳۲۳ ش. مناجات عارفان (ترجمه منظوم مناجات خمس عشر امام سجاد علیه السلام). تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۰ ش، چاپ نهم، ۳۲۰ ص وزیری.
۱۴. ایرانلو، محمد علی. ترجمه منظوم دعای ندبه و توسل. تهران، پیام عدالت، ۱۳۷۸ ش.
۱۵. بهجتی (شفیق)، محمد حسین ۱۳۱۴ ش. سرود سحر (اشعار عرفانی با الهام از مناجات‌های امام سجاد علیه السلام). قم، شفق، ۱۳۶۹ ش، ۱۵۸ ص رقعی.



۱۶. بیدآبادی، محمود. دعای کمیل منظوم. همدان، مقتون همدانی، ۱۳۸۲ش، ص ۴۰.
۱۷. بیرونی، علی اکبر. ترجمه منظوم حدیث شریف کساء، ترجمه محمود شرفی تبریزی. تهران، مروی، ۱۳۷۱ش.
۱۸. تجلی سبزواری، رجب علی ۱۲۶۱-۱۳۱۹ش. نیازتجلی (ترجمه منظوم دعای ابوهمزه ثمالی). نشرسلطان حسین تائبنده گنابادی. تهران، صالح، چاپ چهارم، ۱۴۶ص رقععی.
۱۹. تربتی، عبدالسلام. شرح منظوم دعای ندبه، به کوشش حسین درگاهی. تهران، رایزن، ۱۳۷۸ش، ص ۵۸ وزیری.
۲۰. تشکری آرانی، شهاب. ترجمه منظوم صحیفه سجادیه. قم، اسوه، ۱۳۸۸ش، ص ۳۴۰ وزیری.
۲۱. توکلی گنابادی، علی ۱۲۹۵ش. درخلوت عابدین (ترجمه منظوم صحیفه سجادیه). مشهد، مرندیز، ۱۳۷۹ش، ص ۳۰۲ وزیری.
۲۲. تهرانی، حیدر. استفاده از مناجات خمس عشر حضرت سجاد علیه‌السلام. تهران، مولف، ۱۳۶۴ش، ص ۴۲.
۲۳. ثابتی، فرزین ۱۳۱۵ش. ترجمه منظوم صحیفه سجادیه. تهران، سبحان، ۱۳۸۴ش، ص ۲۰۰ وزیری.
۲۴. جلالی، محمد مهدی. ترجمه منظوم صحیفه سجادیه. قم، احیاگران، ۱۳۸۲ش، ص ۲۵۴ وزیری.
۲۵. حکمت پناه، بهرام. گلاب ره‌آوردی از گلستان قرآن و عترت (ترجمه منظوم دعای کمیل). اصفهان، غزل، ۱۳۸۴ش، ص ۱۵۲ جیبی.
۲۶. حیدری، جواد. بهار مناجات ( اشعار ماه‌های رجب، شعبان، رمضان). تهران، آرام‌دل، ۱۳۸۷ش، ص ۲۰۸.
۲۷. داداش پورمقدم، اصغر. نجوای هفتگی (ترجمه منظوم دعای کمیل). تبریز، اعظم، ۱۳۸۹ش، ص ۸۲ جیبی.
۲۸. دایی نبی، محسن ۱۳۵۲ش. مناجات منظوم حضرت علی علیه‌السلام. تهران، سلمان آزاده، ۱۳۸۸ش، ص ۳۲.
۲۹. دیران، غلام‌رضا ۱۲۹۶-۱۳۶۵ش. دعای کمیل با ترجمه منظوم. تهران، پژوهش، ۱۳۶۲ش، ص ۳۴.

۳۰. رزاقی، محمود ۱۳۲۵ش. برداشتی منظوم ازدعای عرفه. تهران، خوشه پروین، ۱۳۸۹ش، ۸۵ص.
۳۱. رزاقی، محمود ۱۳۲۵ش. برداشتی منظوم ازدعای کمیل. تهران، خوشه پروین، ۱۳۸۹ش، ۴۰ص جیبی.
۳۲. رزاقی، محمود ۱۳۲۵ش. برگزیده مفاتیح الجنان (ترجمه منظوم). کاشان، همگام با هستی، ۱۳۸۷ش.
۳۳. رزاقی، محمود ۱۳۲۵ش. ترجمه منظوم صحیفه کامله سجادیه. کاشان، همگام با هستی، ۱۳۸۸ش، ۱۶۰ص وزیری.
۳۴. رزجو، حسین ۱۳۱۱ش. خداوند بزرگ در نیایشی سترگ: ترجمه‌ای منظوم از مضامین دعای جوشن کبیر. تهران، آوای نور، ۱۳۷۸ش، ۸۰ص رقی.
۳۵. رزجو، حسین ۱۳۱۱ش. دعای کمیل (نیایش عارفانه امام علی علیه السلام با ترجمه منظوم و مشور فارسی). مشهد، قاف مشهدالرضا، ۱۳۹۱ش.
۳۶. رزجو، حسین ۱۳۱۱ش. رازها و نیازها (ترجمه منظوم و مشورده‌های ماه رمضان). مشهد، جلیل، ۱۳۸۴ش، ۲۵۶ص وزیری.
۳۷. رضایی، مجتبی ۱۳۵۰ش. صحن آسمان (ترجمه نثر و شعر دعای کمیل و حدیث شریف کساء). تهران، سعید نوین، ۱۳۸۲ش، ۱۸۴ص رقی.
۳۸. رودگری، محسن. عرفان عرفه (ترجمه منظوم). مشهد، خیزران، ۱۳۸۳ش.
۳۹. زم، محمدعلی. آبی جان (به ضمیمه ترجمه منظوم دعا‌های ماه رمضان). تهران، موسسه نشر شهر، ۱۳۸۲ش، ۱۷۳ص پالتویی.
۴۰. سلطانی لرگانی کجویی، محمد حسین. صحیفه سجادیه منظوم. تهران، آرون، ۱۳۷۹ش، ۲۸۶ص وزیری.
۴۱. سمندی، صدیق. مناجات خمسه عشر ترجمه منظوم. تهران، گلهای بهشت، ۱۳۸۴ش، ۸۰ص رقی.
۴۲. سیادت، سید محمود. انهار سجادیه ترجمه منظوم مناجات خمس عشر. شیراز، دریای نور، ۱۳۹۱ش.
۴۳. شادرخ، سید حسین. نغمه‌های آسمانی (صحیفه سجادیه منظوم). تهران، راه علم، ۱۳۸۴ش، ۳۴۴ص وزیری.



۴۴. شاه‌حسینی، عبدالعلی. دعای منظوم کمیل. تهران، آوای دانش گستر، ۱۳۸۸ش، ۱۳۲ص زقعی.
۴۵. شائق قی، محمد ۱۳۲۶ش. ترجمه منظوم دعای کمیل. تهران، شفا، ۱۳۷۹ش، ۶۳ص.
۴۶. شائق قی، محمد ۱۳۲۶ش. ترجمه منظوم دعای ندبه و دعای عهد. تهران، شفا، ۱۳۷۹ش، ۶۳ص.
۴۷. شائق قی، محمد ۱۳۲۶ش. ترجمه منظوم دعای ندبه. قم، رئوف، ۱۳۷۲ش، ۱۴۴ص.
۴۸. شائق قی، محمد ۱۳۲۶ش. ترجمه منظوم زیارت عاشورا و دعای صفوان. تهران، شفا، ۱۳۷۹ش، ۶۴ص.
۴۹. شریفی، محمود ۱۳۳۱ش. دعای حضرت حسین بن علی سیدالشهداء علیه‌السلام به شعر. بی‌جا، ۱۳۵۱ش.
۵۰. شکوری، رحیم ۱۳۴۳ش. زلال مناجات ترجمه منظوم مناجات امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه‌السلام. لاهیجان، رستم و سهراب، ۱۳۹۰ش، ۵۰ص.
۵۱. شمیرانی مهر، عبدالله، منظومه هزاردانه (جوشن کبیر منظوم). تهران، سبحان، ۱۳۸۷ش، ۳۲۸ص.
۵۲. صابری، ذبیح‌الله ۱۳۳۰ش. دعای کمیل با ترجمه منظوم. گناباد، پشنگ، ۱۳۸۸ش، ۶۳ص.
۵۳. طغریایی، ابوالحسن ۱۳۲۰ش. دعای کمیل با ترجمه نظم و نثر. تهران، مولف، ۱۳۷۸ش.
۵۴. ظهراپی جمکرانی، ابراهیم، ۱۳۵۵ش. سجاده عشق: ترجمه‌ای منظوم از صحیفه سجادیه. قم، مشهور، ۱۳۸۵، ۱۱۲ص.
۵۵. عبودی، فاطمه ۱۳۴۲ش. آوای معراج (اشعار مذهبی به ضمیمه دعای جوشن کبیر به نظم). شیراز، شاهچراغ، ۱۳۹۰ش.
۵۶. عرب، علی اصغر ۱۳۷۷-۱۳۰۰ش. ترجمه منظوم صحیفه سجادیه. تهران، اندیشه مولانا، ۱۳۹۰ش، ۶۶۹ص.
۵۷. عرب، علی اصغر ۱۳۷۷-۱۳۰۰ش. ترجمه منظوم صحیفه سجادیه. قم، دارالفکر، ۱۳۹۰ش، ۶۶۹ص.
۵۸. عرب، علی اصغر ۱۳۷۷-۱۳۰۰ش. گل شب‌بو مناجات حضرت علی علیه‌السلام دعای کمیل بن زیاد با ترجمه منظوم. قم، لقاء، ۱۳۸۰ش، ۶۴ص جیبی.

۵۹. عرب، علی اصغر ۱۳۷۷-۱۳۰۰ ش. گل‌های بهشت (ترجمه منظوم چند دعا). تهران، شیراز، خرد، ۱۳۶۸ ش، ۴۰۷ ص.
۶۰. عرب، علی اصغر ۱۳۷۷-۱۳۰۰ ش. نیایش بامدادی ترجمه منظوم دعای صباح. قم، لقاء، بی تا، ۵۱ ص.
۶۱. عطار، محمد حسین. هزار نام در هزار آوا (ترجمه جوشن کبیر منظوم به مثنوی). بازیینی عبدالصمد حقیقت، مقدمه سید جعفر سجادی. تهران، آرون، ۱۳۸۳ ش.
۶۲. علوی بلداجی، حشمت‌الله ۱۳۲۵ ش. ادعیه طواف و سعی صفا و مروه همراه با ترجمه منظوم، به اهتمام ابوالحسن علوی. اصفهان، مهر قائم، ۱۳۸۴ ش.
۶۳. علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. دعای کمیل به همراه زیارت عاشورا و مناجات حضرت امیر علیه السلام و اشعار الهی نامه. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، به اهتمام شمس فراهانی. تهران، فراهانی، ۱۳۸۵ ش.
۶۴. علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. قصیده مشکل‌گشای مولای متقیان علی علیه السلام جهت شب‌های جمعه برای رفع گرفتاری‌ها. به کوشش محسن فصیحی. مشهد، راز توکل، ۱۳۸۴ ش.
۶۵. علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. گل‌های روشنایی به انضمام مناجات منظومه. به کوشش مجید بابکی رستکی. قم، نورالصفیا، ۱۳۷۹ ش.
۶۶. غفورزاده، محمد جواد ۱۳۲۲ ش. چلچراغ صلوات: ترجمه منظوم ۹۲ حدیث ویژه صلوات. مشهد، مؤسسه آفرینش‌های هنری، ۱۳۸۵ ش، ۲۱۲ ص.
۶۷. غفوری، سید حسن. دعای کمیل و ندبه منظوم. قم، سپهر آذین، ۱۳۸۴ ش، ۱۴۴ ص رقی. ۶۸. فاضلی، قادر ۱۳۴۱ ش. زمزمه‌های عارفانه: ترجمه و تفسیر منظوم مناجات خمس عشر امام زین العابدین علیه السلام. تهران، فضیلت علم، ۱۳۸۹ ش.
۶۹. فاضلی، قادر ۱۳۴۱ ش. عرفان رمضان: ترجمه و تفسیر منظوم ادعیه ماه مبارک رمضان. تهران، فضیلت علم، ۱۳۹۰ ش.
۷۰. فرطوسی، عبدالمنعم. الصحیفة السجادية للامام علی بن الحسین زین العابدین بنظم، به کوشش حسین فرطوسی. بیروت، مؤسسه اهل البیت، ۲۰۰۵ م، ۴۰۸ ص وزیری.
۷۱. فقیه‌زاده، شاهین ۱۳۱۹ ش. منظومه فرازهایی از دعای ابوجمزه ثمالی به شعر. تهران، عابد، ۱۳۸۵ ش، ۷۹ ص.



۷۲. فلاح، محمدهادی ۱۳۴۷ش. مناجات سبز دعا‌های ماه رمضان با ترجمه نشر و نظم. قم، سماء، ۱۳۸۰ش.
۷۳. فیاضی نسب، جعفر ۱۳۴۲ش. پنجره‌ای روبه بهشت (منظومه سجاده). خرم‌آباد، سیفا، ۱۳۸۸ش، ۱۸۴ص.
۷۴. قربی، صفرعلی ۱۳۵۲ش. مناجات عارفان (دعای کمیل منظوم). تهران، مفید، ۱۳۷۹ش، ۱۴۴ص.
۷۵. کاظمی، اقدس ۱۳۱۸ش. خطبه و مناجات شعبانیه (منظوم). قم، مثلث عشق، ۱۳۸۷ش، ۴۸ص جیبی.
۷۶. کاظمی، اقدس ۱۳۱۸ش. دعای عرفه امام حسین علیه السلام به صورت منظوم. تهران، حسینیہ ارشاد، ۱۳۸۲ش، ۱۷۶ص وزیری.
۷۷. کاظمی، اقدس ۱۳۱۸ش. گل نرجس به ضمیمه ترجمه منظوم دعای فرج و عهد. قم، سلسله، ۱۳۸۴ش.
۷۸. کشوری، سیدمحمد. مناجات‌نامه منظوم. قم، انفال، ۱۳۸۵ش، ۸۰ص.
۷۹. کلاترهرمزی، نوشین ۱۳۵۲ش. صلوات گل محمدی شامل: اشعار صلوات جهت استفاده مداحان. اهواز، رسانه مکتوب، ۱۳۸۸ش، ۳۰ص.
۸۰. کوشا، امان‌الله. ترجمه منظوم دعای کمیل و عرفه. اصفهان، چهارباغ، ۱۳۸۱ش، ۶۲ص پالتویی.
۸۱. کهتری، جواد. منظومی از دعای کمیل همراه با ترجمه فارسی و اشعار. تهران، مولف، ۱۳۸۹ش، ۶۴ص رقی.
۸۲. گودرزی سرارودی، غلامرضا، مناجات عارفین (ترجمه مشور و منظوم دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه). اصفهان، صغیر، ۱۳۸۶ش، ۱۰۳ص وزیری.
۸۳. مجد، امید ۱۳۵۰ش. ترجمه منظوم صحیفه سجاده. تهران، امید مجد، ۱۳۸۶ش، ۳۸۳ص وزیری.
۸۴. ملایی، یوسف. مناجات التائبین: ترجمه دعای کمیل و ابوهمزه به شعر. قم، دارالنشر، ۱۳۶۲ش.
۸۵. ملائی علمداری، حسین. صحیفه سجاده منظوم. تبریز، احرار، ۱۳۸۷ش.

۸۶. منصوری لاریجانی، اسماعیل ۱۳۳۷ش. مثنوی کمیل (ترجمه منظوم دعای کمیل). تهران، آیه، ۱۳۸۰ش.
۸۷. مهاجرنیشابوری، حسن. حالات ذکر ادعیه ماه مبارک رمضان با ترجمه منظوم. گرگان، پیک ریحان، ۱۳۹۱ش.
۸۸. مهدی پور، علی اکبر. سند حدیث کساء: سند، متن، منابع و ترجمه های منظوم. قم، کتابخانه جامع التفاسیر شیعه، ۱۳۶۹ش.
۸۹. ناظری قمی، حسین. نظم کساء: اشعاری بر مضمون حدیث شریف کساء. تهران، اتحادیه صنف قالیشویان، ۱۳۶۶ش.
۹۰. نجات زادگان، زهرا. دعای کمیل همراه با ترجمه و شعر منظوم. تهران، هاتف، ۱۳۸۶ش.
۹۱. نسیمی، جمشید. صحیفه کامله سجاده منظوم: قسمتی از دیوان نسیمی وفا. تبریز، اختر، ۱۳۸۵ش، ۱۴۳ص.
۹۲. نصرآبادی، علی. ترجمه منظوم حدیث کساء. تهران، مفید، ۱۳۸۱ش.
۹۳. نصرآبادی، علی. دعای کمیل و ندبه منظوم. تهران، نبوی، ۱۳۸۴ش، ۱۱۲ص جیبی.
۹۴. نعمتی، محمد. نیایش بامدادی (ترجمه منظوم دعای صباح). قم، خرد، ۱۳۷۹ش، ۵۲ص رقی.
۹۵. وفایی، هاشم ۱۳۴۴ش. شکوفه های صلوات: ترجمه منظوم احادیث و روایات ویژه صلوات. مشهد، مهر طاهر، ۱۳۹۰ش، ۱۴۰ص.
۹۶. وفایی، هاشم ۱۳۴۴ش. گنجینه برکات: فضیلت های صلوات در قالب رباعی به انضمام ترنم صلوات در بهار شکفتن چهارده معصوم علیهم السلام. مشهد، رستگار، ۱۳۸۴ش، ۸۰ص.
۹۷. هاشم نیا، محمد اکبر. نیایش با خدا با الهام از دعای شریف کمیل به صورت موزون. تهران، حکایتی دگر، ۱۳۸۸ش، ۴۴ص رقی.
۹۸. هاشمیان، سید مصطفی. دعای کمیل با ترجمه نظم و نثر فارسی. مشهد، به نشر، ۱۳۸۲ش، ۴۴ص جیبی.
۹۹. هویدا کاشی، علی. دورساله منظوم چهل گام با چهارده معصوم علیهم السلام و نیایش امام حسین علیه السلام در عرفات. تهران، عابد، ۱۳۸۲ش، ۱۲۰ص وزیری.



## نصاب الصبیان و شروح آن

محمد علی عیوضی

### مقدمه

نصاب الصبیان منظومه مشهوری است که سالیانی دراز به عنوان کتاب درسی در علم لغت مورد تعلیم و تعلم قرار گرفته است. این اثر هم از حیث آموزشی و هم از حیث قدمت آن مورد توجه اهل نظر است. در این مقال به ذکر تاریخچه کتاب و شرح حال مؤلف و اهمیت آموزشی و شروح آن می پردازیم.

بسم الله الرحمن الرحیم

ابونصر فراهی (مؤلف نصاب)

محمود یا مسعود یا محمد<sup>۱</sup> بن ابی بکر بن حسین بن جعفر فراهی سجزی ادیب لغوی و فقیه حنفی از علمای سده هفتم هجری، لقب او بدرالدین و کنیه او ابونصر بوده است. فراهی متولد فراه فره است. امین احمد رازی در تذکره هفت/اقلیم از فراه چنین یاد می‌کند:

فراه ولایتی است مختصر و قریه دره که ارتفاعاتش نیکو به حصول می‌پیوندد از ضمایم آن جاست و در یک فرسنگی فراه کوهی است که او را مارندگی گویند و در این کوه طاقی است از سنگ که دایم از آن جا آب می‌چکد و مردم به زیارت می‌آیند دست برداشته دعا می‌کنند و طلب حاجت می‌نمایند. اگر چکیدن آب زیاد شود، به رو شدن مطلوب خود امیدوارند و آلا محروم باز می‌گردند. و شاهان فراه قومی بزرگ بوده‌اند و ولایت داشته‌اند و ابونصر صاحب نصاب صبیان از آن شهر و مکان بوده.<sup>۲</sup>

یاقوت حموی در معجم البلدان می‌نویسد:

قره: بفتح اوله و ثانیه ثم هاء خالصة: مدینه من نواحي سجستان کبيرة و لها رستاق یشتمل علی أكثر من ستین قرية و لها نهر کبیر علیه قنطرة، و هي علی یمین القاصد من سجستان إلی خراسان.<sup>۳</sup>

ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی در احسن التقاسیم می‌گوید:

وفره ذات جانبین جانب للخوارج و جانب لأهل الجماعة.<sup>۴</sup>

امروزه فراه مرکز ولایتی در کشور افغانستان است. فراه با مساحت ۴۷۷۸۸ کیلومتر مربع سرزمینی است که جنوب غربی افغانستان و هم مرز ایران واقع شده است. طول البلد ۱۱-۶۲ درجه شرقی و عرض البلد ۲۲-۳۲ درجه شمالی از آن می‌گذرد. به طوری که از شمال به هرات

۱. حاجی خلیفه در کشف الظنون در ذیل نصاب الصبیان او را مسعود و در ذیل الجامع الصغیر مسعود یا محمود معرفی می‌کند، هم چنین علامه قزوینی در تعلیقات بر صنف الاول من کتاب لباب الالباب ۳۵۳؛ اما اکثر شراح نصاب و تقی الدین اوحدی در عرفات العاشقین، ج ۱ ص ۲۱۳ (تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی) او را محمد نامیده‌اند.

۲. تذکره هفت/اقلیم به تصحیح و تعلیقات و حواشی سید محمد رضا طاهری (حسرت) ۱، ۳۲۳، و به تصحیح و تعلیق جواد فاضل ۱، ۳۰۰-۳۰۱.

۳. معجم البلدان ۴: ۲۵۹.

۴. احسن التقاسیم: ۳۰۶.



وازشمال شرق به غور و از جنوب به نیمروز و از جنوب شرق به هلمند و از غرب به ایران محدود می‌شود. اقلیم آن نیمه‌صحرائی و تابستانی گرم و زمستانی کم باران دارد.

اقلیت‌های قومی این ولایت را حدود ۹۰٪ پشتون‌ها ۷٪ تاجیک‌ها و ۳٪ بلوچ‌ها تشکیل می‌دهند. خود شهر فراه نیز به دو محله اصلی به نام‌های پشتو و یزدی تقسیم شده که ظاهراً حاکی از وجود دو قلعه در عصر صفوی است که یکی را شخصی ایرانی و یزدی و دیگری را شخصی از قبایل پشتو ساخته است.

هم‌اکنون مراکز علمی و تجاری و اماکن عمومی این شهر از لیسه گرفته تا شرکت‌های ترانسپورتی و بندر تجاری و مرکز فرهنگی به نام ابونصر فراهی معنون هستند و شخصیت وی در میان مردم آن خطه بسیار مورد احترام است و آرامگاهش مورد توجه و مزار همگان است.

از بزرگان شیعی مذهب فراه می‌توان به جعفر فراه<sup>۱</sup> از تلامذه شیخ حرّ عاملی، هم‌چنین یحیی بن جعفر بن عبدالصمد بن الحسین بن عبدالصمد العاملی الکرکی<sup>۲</sup> که از نوادگان عبد الصمد برادر شیخ بهایی که آن جناب صمدیه را به نام وی نامیده است اشاره کرد. او از تلامذه شیخ حرّ عاملی بوده و مدت زیادی در فراه زیست، طوری که صاحبان تراجم بعد از ذکر نامش عبارت‌تم الفراهی را زیاد نموده‌اند.

ابونصر فراهی در حدود سال‌های ۵۸۰-۶۴۰ می‌زیسته که این دوران مقارن با سال‌های آخرین حکومت ملوک نصری و هم‌زمان با دوران پادشاهی ملک تاج‌الدین حرب و فرزندش یمین الدوله بهرام‌شاه و تاج‌الدین نصر می‌باشد. ملوک نصری سرانجام به خاطر اختلافات داخلی و حمله مغولان و نینالکتین خوارزمی منقرض گشتند. تا این که در سال ۶۳۳ باروی کار آمدن ملک شمس‌الدین علی، دوران فرمانروایی ملوک مهربانی بر سیستان آغاز گردید.

از زندگانی فراهی اطلاع چندانی در دست نیست. در منابع تاریخی به تاریخ تولد او اشاره‌ای نشده و درباره تاریخ فوتش نیز اختلافات بسیاری است. اما درباره درجات علمی وی قدر متیقن این است که او عالمی لغوی و فقیهی حنفی بوده و از علم حدیث نیز بهره داشته است و این را می‌توان از آثارش فهمید. مسلماً یک فقیه، به علوم مختلف ادبی و رجال و درایه و... نیازمند است که فراهی نیز حتماً از آن‌ها طرفی بسته است.

۱. مستدرکات اعیان الشیعه، ۱۳۴/۶.

۲. موسوعه طبقات الفقهاء، ۴۵۸/۱۱.

تقی‌الدین محمد اوحدی دقاقی بلیانی در *عرفات العاشقین و عرصات العارفین* گوید:  
 دانای به چشم عقل بینای، جامع کمالات کماهی، خواجه ابونصر فراهی، نام او  
 بدرالدین محمد و در عصر خود ازهد و اعلم بود. وفاتش در خمس و ست مائه (۶۰۵)  
 مرقدش قریه رج من اعمال فره و الحق وی عالمی نامدار بل اعجوبه روزگار است.  
 مستحضر جمیع علوم سیمای کلام بود. نصاب صبیان از جمله تصانیف اوست که هنگام  
 قضای حاجت به نظم آورده تا در آن یک ساعت نیز اوقاتش ضایع نماند. معاصر  
 عین‌الدوله بهرام‌شاه بن ملک تاج‌الدین حرب است. چون بهرام لشکر به حرب  
 ملاحظه کشیده ایشان را در قهستان شکست داده، خواجه ابونصر در تنهت وی  
 اشعار گفته و از عجایب حال وی آن که اعمی بوده و این همه فضیلت کسب کرده  
 چنان که اعمال عجیبه و احداس غریبه از وی نقل می‌کنند از جمله در یافتن درخت  
 بریده در بادیه حین مراجعت از مگه.<sup>۱</sup>

اکثر صاحبان تراجم وی را شخصی قوی‌الذهن دانسته‌اند و مثلاً غیاث‌الدین بن  
 همام‌الدین حسینی مشتهر به خواند میر در *حیب‌السیر* می‌نویسد:  
 گویند ابونصر فراهی کور مادرزاد بود و آن مقدار کیاست و فراست داشت که زیاده بر  
 آن تصور نتوان نمود.<sup>۲</sup>

گوییم: درباره این که کور مادرزاد بوده، منبع قابل اعتمادی نیست؛ مثلاً همین خواند میر با  
 "قیل ترمیضیه" بیان مطلب نموده است.

او معاصر شرف‌الدین احمد یا محمد بن محمد فراهی است و شعری که در مدح بهرام‌شاه پس  
 از پیروزی بر ملاحظه قهستان سروده شده است را اکثر صاحبان تراجم به ابونصر و علامه محمد  
 بن عبد الوهّاب قزوینی در تعلیقات بر *لباب‌الالباب* و هم‌چنین منہاج سراج در *طبقات*  
*ناصری*<sup>۳</sup> به شرف‌الدین نسبت داده است.

در سال وفات فراهی اختلاف است. صاحب *عرفات العاشقین* سال ۶۰۵ نوشته که بسیار بعید  
 می‌نماید. هم‌چنین محمد ابراهیم خلیل در *دایرة المعارف آریانا* با استناد به شعر ذیل که در یک  
 نسخه خطی از *سلسله‌الذهب* یافته، تاریخ فوتش را ۶۳۴ تعیین می‌نماید. آن شعر این است:

۱. *عرفات العاشقین*، ۱/۳۱۳.

۲. *حیب‌السیر*، ۲/۶۲۸.

۳. *طبقات ناصری*، ۲/۲۸۲.



فرید دهرابونصر فراهی که مشهور است از مه تا به ماهی  
به سال خلد از عالم سفر کرد به باغ خلد جایش ده الهی  
حاجی خلیفه در کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون سال وفات او را ۶۴۰ می داند.  
اکنون قبر فراهی در فراه موجود و مورد توجه است. ابن حسام در ریاض الفتیان می نویسد:  
مرقد ابی نصر علیه السلام در فراه است در قریة رج.

### آثار فراهی

در منابع مختلف به سه اثر از فراهی اشاره شده است:  
۱. نصاب الصبیان: که جداگانه در مورد آن صحبت می نماییم.  
۲. منظومه لمعة البدر: حاجی خلیفه در کشف الظنون در ذیل عنوان الجامع الصغیر فی الفروع  
للإمام المجتهد محمد بن الحسن الشیبانی متوفی ۱۸۷ مطلبی نقل می کند تا آن جا که گوید:  
ونظم الشیخ بدرالدین ابی نصر محمود (مسعود) بن ابی بکر الفراهی و سَمَّاه لمعة البدر  
أتمه فی ۱۷ جمادی الآخر سنه ۶۱۷ سبع و عشر و ست مائة أو له الحمد لله المزی  
الشمس والقمر الخ و شرح هذا النظم لعلاء الدین محمد بن عبد الرحمن الخجندی  
أوله الحمد لله الذی تفرد بالبقاء والعدم الخ سَمَّاه ضوء اللمعة.<sup>۱</sup>  
کارل بروکلیمان در تاریخ الادب العربی از وجود نسخه خطی این کتاب در مکتبه  
الخدیویه قاهره خبر می دهد.<sup>۲</sup>  
۳. منظومه ذات العقدين: حاجی خلیفه در کشف الظنون بدون ذکر نام مؤلف از این  
منظومه یاد می کند. لکن اسماعیل پاشا در هدیه العارفين آن را از مؤلفات ابونصر فراهی  
می شمارد.<sup>۱</sup> فون ویلمهم تئودور آلودر در فهرست المخطوطات العربیة بالمکتبة الملكية فی برلین  
ذیل شماره ۴۵۰۶ از این کتاب چنین یاد می کند:  
کتاب شرح ذات العقدين فی فقه الامام الاعظم لابی نصر فراهی.  
هم چنین ابتدای آن را چنین گزارش می کند:  
بسم رب یربنا ربنا وله حمد کل من ربی  
لست اعدوه کَلِّمًا احمد و تحیاته علی احمد

۱. کشف الظنون، ۱/۴۴۳-۴۴۶. نیزک: هدیه العارفين، ۲/۴۲۹ و الذریعه، ۱۸/۳۵۰.

۲. تاریخ الادب العربی، ۳/۲۵۴.

## نسختي في العيون قسماني كاشد الجمد جسمان تورث الحاسدين حقدین المسماه ذات عقدین<sup>۱</sup>

### نصاب الصبيان

در میان مسلمین مدت مدیدی برای تحصیل هر علمی، از علوم تجربی گرفته تا علم قرآن، ابتدا باید به تحصیل زبان عربی می پرداختند. زیرا که کتب تمامی علوم و فنون غالباً به زبان عربی بود. فلذا طالبان علوم به دنبال راه‌های گوناگونی بودند که این امر را تسریع و سهولت بخشد. یکی از مبتکرین که در این راه گامی بلند برداشت و سالیانی دراز پیروان بسیار یافت، ابونصر فراهی است. فراهی قصد داشت بعضی لغات مورد استفاده و محل احتیاج طالبان علم را در سنّ صغر به آن‌ها بیاموزد تا از ساعات عمر خویش استفاده برده و دوران کودکی را به هدر ندهند. زیرا او حدیث شریف علوی عَلَوِي که می فرماید: «العلم في الصغر كالنقش في الحجر»<sup>۲</sup> را به خوبی درک نموده بود. راهی که او برای تحقق این هدف یافت، آموزش لغت در لسان شعر بود؛ زیرا از آن جا که نفوس کودکان قریب العهد به مبدأ است و دارای لطافت و پاکی است، به شعر علاقه دارند و در دوران کودکی ترانه‌های مختلف را می آموزند و بسیار زمزمه می کنند. فراهی نیز از دو جهت یکی خوش آمد اطفال اشعار را و دیگری ماندگاری اشعار در اذهان، به تدوین رساله نصاب الصبيان پرداخت.

اما درباره این منظومه باید به چند مطلب اشاره نمود:

اول: در تعداد ابیات نصاب است و آن بنا بر قرائتی دویست بیت است. اما آن قرائن عبارت‌اند از: تصریح خود فراهی در مقدمه منشور نصاب، همان طور که در نسخ خطی کهن نصاب دیده می شود؛ اما این که در بعضی نسخ متأخر، مقدمه به صورت دویست و بیست

۱. هدیه العارفين، ۲/۲۴۲۹. فهرست المخطوطات العربية بالمكتبة الملكية في برلين ۸۷/۴.

۲. كنز الفوائد ۱/۳۱۹ فصل من كلام أمير المؤمنين عليه السلام في ذكر العلم... ص: ۳۱۸ الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف ۲/۵۱۵ في وصف علي بن أبي طالب عليه السلام وعجيب آيات الله فيه... ص: ۵۰۷ الدر المنظم في مناقب الأئمة اللهمم ۲۶۱ فصل في منفعة وجود الإمام... ص: ۲۴۷ شرح الكافي - الأصول والروضه (للمولى صالح المازندراني) ۶/۳۹۷ الحديث الثاني... ص: ۳۹۷ مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ۴/۳۰۶ الحديث... ص: ۳۰۵ نادر البحار (ترجمه و شرح خلاصه كتاب العقل والعلم والجهل جلد ۱ و ۲ بحار الأنوار) النص ۱۴۴ باب آداب طلب العلم واحكامه... ص: ۱۴۱ مكاتيب الرسول صلى الله عليه وآله ۱/۴۱۴ الامر الاول كتبه عليه السلام بإملائه عليه السلام وخط علي عليه السلام... ص: ۴۰۳.

آمده است، توجه شما را به کلامی از حاج محمد نخبجوانی در مقاله‌ای که معنون به عنوان *نصاب الصبیان* است جلب می‌نمایم:

به نظر می‌آید که در وهلهٔ اول یکی از نشاخ کلمه بیت را بیست خوانده و نوشته و سایرین هم به غلط تأسی کرده‌اند و الا هیچ دلیل و اشاره و اثری [بر] دویست و بیست بودن نداریم.

البته این کلام قدری سست می‌نماید و لکن تمسک به نسخ اقدم، دارای اتقان است. دوّم: تغزل‌های اوّل هر قطعه، جزء دویست بیت اصلی *نصاب* نمی‌باشند بلکه آن‌ها نیز الحاقی هستند. تغزل‌های *نصاب* خود بردودسته‌اند: یکی تغزل‌هایی که محمد بن جمال اصفهانی سروده و نخبجوانی از آن‌ها خبر داده است<sup>۱</sup> و به گفتهٔ علینقی منزوی<sup>۲</sup> فقط بر سر بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۶ و ۱۵ و ۲۵ و ۲۷ و ۳۱ درآمده است و هم قافیه با خود قطعات هم نمی‌باشد. و دوّمی تغزل‌هایی که یک شاعر ناشناس سروده و اکنون در نسخ چاپی رواج یافته دارد و هم قافیهٔ قطعات نیز می‌باشد.

سوّم: در تعداد قطعات و محور مستعمله در *نصاب* است. صاحب *نصاب المتعلم* در دیباچه آن کتاب گوید:

و آن محور که شیخ ناظم اختیار کرده، نه بحر است و قطعات *نصاب* چنان که شارحان عدد کرده‌اند چهل است یا چهل و یک. اما بحر تسعه: اوّل: متقارب، و اصله فعولن، ثمان مّرات است و دروی هفت قطعه است: اله است و الله الخ...، تراب و رغام الخ...، ثمر میوه الخ...، ز خبیر ستد الخ...، تبیع و جذع الخ...، مخاض و لبون الخ...، وجیز و ملخّص الخ... ثانی: مجتث است و اصله فی الفارسیة مفاعلن فعلاتن اربع مّرات است و دروی نیز هفت قطعه است: <sup>۳</sup> ضیاء نور الخ...، فریس چنبر الخ...، سعال سرفه الخ...، رجاء امید الخ... مبارزو بطل الخ...، زروی جّته... الخ. ثالث: رمل مّثمن و اصله فاعلات ثمان مّرات است و دروی پنج قطعه است: جید گردن الخ...، فرخ و فزو جست الخ...، قرم و غطریف الخ...، برج ها دیدم الخ...



۱. رک: مجلهٔ یغما، سال ۱۳۳۶، ۲۱۸-۲۲۰.

۲. فرهنگ نامه‌های عربی به فارسی، ۱۰۶.

۳. در متن هفت قطعه گفته است، لکن شش قطعه را نام برده است.

شمع موم الخ... رابع: خفیف صغیر و اصله فعلاثن مفاعلن فعلاثن مرتین است و در وی ششش قطعه است: من وعن الخ...، خشن و لاذع است الخ...، حمل و عقرب است الخ...، خوربه جوزا الخ...، سکر مستی الخ...، فرسخ و رجله الخ... خامس: نوع هزج اخرج است که آن را رباعی گویند و وزنه مفعول مفاعلن مفاعیلن فع مرتین است و در وی پنج قطعه است: بضم و عتب و رتب الخ...، نه جفت نبی...، فرزند نبی الخ...، نور و حج الخ...، موش و بقر... سادس: مضارع اخرج، و وزنه مفعول فاعلاثن مفاعیلن فاعلاثن مرتین و در وی نیز پنج قطعه است: مولی دوازده است الخ...، میزاب ناودان الخ...، ازمیل و شفره الخ...، عقرب چو گژدم است الخ...، خارج بیرون الخ... سابع: هزج مثنی: و اصله مفاعیلن ثمان مراث، و در وی سه قطعه است: زفروردین الخ...، کتف: شانہ الخ...، وقوف و حدس الخ... ثامن هزج مسدس الخ و اصله مستفعلن است، ست مراث و در وی یک قطعه است: طور و جبل الخ... و عدد لغات مذکورہ در نصاب علی ما عدده بعض الفضلاء الف و ثلاثه و خمس و ستون لغة.<sup>۱</sup>

لکن استاد دکتر علینقی منزوی ابن الشیخ آقابزرگ تهرانی در فرهنگ نامه های عربی به فارسی به نقد کلام وی پرداخته است و می گوید:

هفت بند تقارب (۲۷ بیت) و شش بند محث (۵۵ بیت) و چهار بند رمل (۲۹ بیت) و هفت بند خفیف (۳۰ بیت) و چهار بند اخرج (۲۱ بیت) و دو بند هزج مثنی (۵ بیت) و یک بند هزج مسدس (۲ بیت) و یک بند رجز (۹ بیت) و پنج بند مضارع (۲۲ بیت) دارد.<sup>۲</sup>

چهارم: نصاب فراهی همان گونه که شایسته است سال هاست که در حوزه های علمیه تدریس می شود و اولین کتابی است که طلاب علم می آموزند. اهمیت این کتاب از نظر آموزشی، البته اگر درست مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، آشکار است. زیرا هم به جهت موزون بودن مورد علاقه نوآموزان است و هم همانند نقش منقوش بر سنگ در خاطر آن ها می ماند.

۱. برگرفته از نسخه خطی کتابخانه مدرسه آیت الله العظمی بروجردی کرمانشاه. البته قابل به ذکر است که در ابتدای این کلام نه قطعه گفته است، لکن هشت قطعه ذکر کرده است.

۲. فرهنگ نامه های عربی به فارسی: ۸۸. استاد منزوی این لیست را با توجه به نسخه اقدم نصاب که به شماره ۴۷۴ در کتابخانه ملی ملک موجود بوده و مقایسه آن با نسخ مختلف ارائه نموده است.

به تفصیلی که در ابتدای این بحث بیان کردیم و همان که مبین است در مرحله ابتدایی تعلیم علم لغت، دو جنبه باید مورد توجه قرار گیرد: یکی حفظ لغات اصلی که محل ابتلاء بیشتری است و دیگری شیوه استفاده از منابع لغوی و این کتاب هر دو جنبه را فراهم می‌کند؛ البته اگر به شیوه صحیحی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد.

در این جا اجمالاً شیوه تحصیل این کتاب را بیان می‌نماییم. در تحصیل این کتاب باید دو جنبه را رعایت نمود:

اول: این که استادی که می‌خواهد این کتاب را تدریس نماید، باید خود مقداری صرف و نحو و لغت را خوانده باشد. مثلاً این که از نصاب تا صمدیه را درست خوانده باشد و به دقایق این کتب آگاه باشد. ثانیاً چندین شرح نصاب را مثلاً مانند ریاض الفقیان، قطرات العلوم و سایر شروحو که نام می‌بریم، قبل از ساعت تدریس از نظر بگذراند و تمام لغاتی را که می‌خواهد پیرامون آن‌ها بحث نماید در فرهنگ‌های معظم عربی مانند لسان العرب و الطراز الاول و الصحاح و امثال این‌ها بررسی نماید و هم چنین از بررسی لغات فارسی در فرهنگ‌های معظم آن مانند دهخدا و معین و جهانگیری و برهان قاطع و صحاح الفریس و امثال آن‌ها غفلت ننماید و در علم عروض و ادبیات فارسی به قدری که در نصاب لازم است آگاهی داشته باشد و اگر توانایی این کار را ندارد، به عمر و وقت تلامذه که با ارزش‌ترین دارایی آن‌هاست خیانت نکند.

دوم: این که تلمیذ نیز به قدر وسع خویش از شروح بهره‌بردارد و به کتب لغت خصوصاً عربی به فارسی و فارسی به فارسی مراجعه نماید. هم چنین تمامی اشعار کتاب را حفظ نماید و در بخش‌هایی که مربوط به علوم مانند تاریخ و نجوم و سایر علوم مطرح در این کتاب می‌باشد به کتب مربوطه رجوع نماید و در این امور از راهنمایی‌های استادش بهره‌بردارد. این شیوه تحقیق لغوی را به طلبه می‌آموزند و او می‌تواند در کتب بعدی که تحصیل می‌نماید، از تحقیق لغوی بهره‌بردارد. هم چنین به واسطه رجوع به کتب مختلف، به تحقیق در ضمن تعلیم آشنا گردد.

از بیان بالا مشخص می‌شود که تحصیل این کتاب چه تأثیر عمیقی در علم‌آموزی دارد و لکن بسی جای تأسف است که در حوزه علمیه قم که اکنون بزرگ‌ترین مرکز علمی جهان تشیع است، خیل کثیری از طلاب حتی نام این کتاب را نشنیده و آن را ندیده‌اند و با کمال تأسف باید گفت در این حوزه هیچ درسی برای تعلیم لغت وجود ندارد. توجه به این مسئله هنگامی آشکار می‌شود که مکانت علم لغت را در میان علوم اسلامی که حوزه‌های علمیه مهد آن هستند بیان نمود که منافی با موضوع بحث است و آن را به جای دیگر موکول می‌نماییم.



در این جا عبارتی را از آیت الله حسن حسن زاده آملی مد ظله العالی در اهمیت نصاب نقل می کنیم:

کتاب شریف نصاب الصبیان تألیف ابونصر فراهی سجستانی که در آن لغات عربی را به فارسی چون شیر و شکر به هم آمیخته و برای آموزش نوآموزان، بهترین نیرنگ را ریخته است. روش دلپذیرش مورد پسند خورد و کلان و سرمشق عده زیادی از نصاب گویان شد. به هرزیانی به تقلید او نصاب گفته اند، ولی پیش از صاحبانش در بستر خاموشی خفته؛ اما نصاب سالخورده اش هفتصد و اندی سال تا امروز جهان به سر برده، هنوز جوان و هر روز بانشاط تراست. آری:

از مقلد تا محقق فرق ها است کاین چو داود است و آن دیگر صداست  
نصاب شیخ از تعریف بی نیاز است (به آب و زنگ و خال و خط چه حاجت روی  
زیبا را).<sup>۱</sup>

علامه ذوالفنون معلّم عصر الحاج میرزا ابوالحسن شعرانی رحمته الله به اصرار و ترغیب از تلمیند بارعش آیت الله حسن زاده آملی خواستار تصحیح و نشر این کتاب در عصر کنونی می شوند و در مقدمه نفائس الفنون چنین می فرمایند:

عبارتی که اسلاف ما برای ادای مقاصد خود به کاربردند، در بلاغت بدان حد است که چون به گوش رسد تا اعماق قلب فرو می رود و بدان چاشنی که لذت آن سالیان دراز فراموش نمی گردد. این شیرینی خاص اشعار مدح و غزل نیست بلکه اشعار علمی و عبارات منثور نیز در این وصف شریک اند. رباعیات یوسفی هروری در طب و اشعار خواجه نصیرالدین طوسی در نجوم و نصاب الصبیان ابونصر فراهی در لغت و گلشن راز شبستری چنان شیرین است که انسان برای دفع ملال بدان ها زمزمه می کند تا خاطر بسته را انبساطی فراهم شود و لذت تکرار آن، کدورت دل را بزداید، با آن که شأن کتب علمی امروز این نیست. ما با عدم رغبت، خویش را حاضر به خواندن چند سطر کتب علمی می کنیم و به تکرار نظر، چند باریک عبارت را می خوانیم و اگر مقصود آن را فهمیدیم و کوفته خاطر از مضایق آن خلاص شدیم،

۱. نصاب الصبیان به تقدیم، تصحیح و تحشیه علامه حسن زاده آملی. البته این مطالب مربوط به سال ۱۳۷۴ قمری است.





شکرگویان آن را کناری می‌نهیم تا اگر ضرورتی الزام کند باز بدان بازگردیم و از خدا می‌خواهیم هرگز آن چنان ضرورتی پیش نیاید.<sup>۱</sup>

هم چنین دانشمند توانا، مؤرخ شهیر، ادیب فاضل، استاد عباس اقبال آشتیانی، در اهمیّت این کتاب فرماید:

این کتاب بسیار سودمند که به علّت استادی مؤلف در دوزبان فارسی و عربی و قدمت عهد او در حد خود، یکی از منابع معتبر لغت فارسی و از فرهنگ‌های خوب زبان ماست بدبختانه به علّت گشتن در دست مبتدیان و صبیان مکتب‌خانه‌های قدیم، کم‌کم پیش چشم مردم از قدر و قیمت افتاده و غالب ادبای معاصر به تصور این‌که کتاب نصاب از کتب بچگانه و ابتدایی است، از اعتنای شافی به شأن آن غفلت می‌ورزند. در صورتی که آن، علاوه بر اشتمال بریک عدّه از اصطلاحات و معلومات مفید ادبی که محل ابتلای هر طالب ادبی است (از قبیل اسامی ماه‌های فارسی و عربی و رومی، نام‌های بُتان در جاهلیّت، نام‌های اسبان در مسابقه به اصطلاح قدما، اسامی قلاعی که پیغمبر اسلام ﷺ فتح کرده، اسامی دردهایی که بر بدن طاری شود، سنّ انسان و شتر و اسب و گوسفند به عربی، اسامی قبایل سبا، وزن فلزات، و اقسام لغت از اصلی و مولّد و معرّب و معجم و اضداد و مترادف و مشترک و حقیقی و مجاز و غیره‌ها) شامل ترجمه صحیح بسیاری از لغات معموله عربی است به کلمات فصیحه فارسی. و مؤلف زبردست این کتاب، این‌گونه مسائل را در رشته مجور عروضی کشیده تا ضبط آن‌ها در خاطر سهل باشد و در حقیقت ابونصر فراهی در طی ۲۲۰ بیت شعر که به یاد سپردن آن‌ها بسیار کار آسانی است، مقدار کثیری معلومات و الفاظ عربی و فارسی را در دسترس همه گذاشته و این توشه گران‌قیمت سبک‌وزن را به خوش‌ترین وضعی که جامه و قالب نظم باشد، به هم‌زبانان تقدیم داشته است. بعبارة آخری همان‌طور که دانشمندان امروزی دستورهای ریاضی و طبّی و شیمیایی را که ضبط و حفظ آن‌ها در نهایت صعوبت است، در طی کتابچه‌هایی به نام یادنامه (aide-memoire) مقید می‌کنند تا در مورد ضرورت به آن‌ها رجوع شود، ابونصر فراهی نیز عدّه‌ای از الفاظ و اصطلاحات عربی

۱. شمس‌الدین محمد بن محمود آملی، نفائس الفنون فی عرائس العیون، آملی، تهران، چاپ: ۱۳۸۱، ش: ۱، ص: ۳.

و فارسی را در کتاب نصاب که تذکره‌مانندی است بی‌نهایت سهل‌التناول، در ضبط و قید آورده تا هر کس که آن ابیات را به خاطر بسپارد، به محض آن که به یکی از کلمات و اصطلاحات مضبوطه در نصاب احتیاجی پیدا کرد، بدون زحمت زیاد و مراجعه به فرهنگ‌ها و قاموس‌ها، با تکرار و تذکریتی که بر آن مشتمل است، مقصود خود را بیابد و به خاطر بیاورد.<sup>۱</sup>

دکتر محمد جواد مشکور در مقدمه خود بر متن مصحح نصاب چنین می‌گوید:

این کتاب دائرة المعارف کوچکی است که از قرن هفتم هجری هم چنان در دسترس اطفال دبستان بوده است و برای آموختن زبان عربی به خردسالان هنوز در بعضی مکاتب و مدارس مورد استفاده می‌باشد. این منظومه با هر لغت عربی یا چند مترادف عربی يك لغت فارسی یا مترادف آن را همراه دارد. علاوه بر این مصنف اسامی ماه‌های عربی و ایرانی و رومی و ترکی، و اطلاعاتی درباره اموری از قبیل زنان پیغمبر و فرزندان آن حضرت و امته اثنی عشر و امثال این‌ها را در آن کتاب بنظم کشیده و در آخر آن آورده است.<sup>۲</sup> امروز این منظومه علاوه بر اشتمال لغت عربی، از نظر گرد آمدن مجموعه‌ای از لغات قدیم و اصیل فارسی برای ما پارسی‌زبانان نهایت اهمیت را دارد؛ چه بسالغت‌های پارسی در این کتاب یافت می‌شود که در فرهنگ‌های قدیم از آن‌ها ذکری نرفته است.<sup>۳</sup>

#### مقلدین نصاب

شیوه بدیع و مؤثر فراهی مورد تقلید بسیاری از لغویون و علمای اهل ادب برای تعلیم مراحل اولیّه زبان قرار گرفت، طوری که از همان سده هفتم تا زمان ما بسیاری از اهل علم به سرودن منظومه‌های لغوی پرداخته‌اند. این منظومه‌ها را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:<sup>۴</sup>

- |                           |                                 |
|---------------------------|---------------------------------|
| ۱. عربی به فارسی          | ۲. زبان‌های دیگر به فارسی       |
| ۳. فارسی به زبان‌های دیگر | ۴. فارسی و لهجه‌های آن به فارسی |

۱. مجله آموزش و پرورش س ۱۳۱۸ ش خرداد ص ۱۰-۱۱.

۲. دکتر صفا: تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۷۴.

۳. نصاب الصبیان، مقدمه ف ۷.

۴. این مطالب برگرفته از کتاب فرهنگ‌نامه‌های عربی به فارسی استاد علی نقی منزوی می‌باشد.



در این جا به ذکر نمونه هایی از این کارها می پردازیم:

(الف) عربی به فارسی:

۱. زهرة الادب اثر شکرالله بن شهاب الدین احمد القاضی بجمشکراک بن زکریا القاضی

باصبهان مؤرخ ۶۴۰ق.

۲. نصیب الفتیان و نسیب التبیان اثر حسام الدین حسن بن عبدالمؤمن خویی مظفری زنده

در ۷۰۹ق.<sup>۱</sup>

۳. تجنیس الالفاظ منسوب به امیر خسرو دهلوی و عبدالرحمن جامی.<sup>۲</sup>

۴. سلك الجواهر اثر عبدالحمید بن عبدالرحمن حمید انکوری مؤرخ ۷۵۷ق.

در کشف الظنون می گوید:

سلك الجواهر

فارسی فی اللغة منظوم

لعبدالحمید بن عبدالرحمن الأنکوری

ألفه فی: جمادی الآخرة سنة ۷۵۷

أخذه من: (نصاب الصبيان) و (نصیب الفتیان)... و غیرهما

أوله: (الحمد لله الذی زين الإنسان بالرأس والرأس بالإنسان... الخ)

أبیاته: خمسون وخمسائة

وقطعاته: خمس وثلاثون.<sup>۳</sup>

۵. نصیب الاخوان اثر شاعری متخلص به مطهر.

۶. محمّدیه اثر بهاء الدین بن عبدالرحمن مغلقره وی مؤرخ ۸۰۵ق.

۷. مرقات الادب اثر ملا احمدی کرمانی متوفی ۸۱۵ق.

۸. تحفه علائی اثر محمد ابن البوّاب.

در کشف الظنون می گوید:

۱. الذریعه ۲۴: ۱۸۱.

۲. همان ۱۶۳: ۲۴.

۳. همان ۲: ۹۹۷.

تحفة العلامی

منظومة في اللغة الفارسية

لمحمد بن البواب

أولها: ( افتتاح مقال بحمد الله نعماء بيحد... الخ )

جعلها على أسلوب نصاب الصبيان ونصيب الفتيان.<sup>۱</sup>

۹. تحفة الفقير اثر ناشناس.<sup>۲</sup>

۱۰. كاتبيه اثر محمد بن ولي بن رضى الدين كاتبى انقورى مورخ ۸۵۱ ق.<sup>۳</sup>

۱۱. عقود الجواهر اثر احمد بن عبد الله بن داعى كرمياني متوفى ۸۲۰ ق.

۱۲. نصاب حسنى اثر ناشناس مورخ ۹۶۶ ق.

۱۳. مثلثات منظوم منسوب به يوسف بديعى سمرقندى.<sup>۴</sup>

۱۴. فتحه در لغت عربيه اثر ابوالفتح حجازى.<sup>۵</sup>

۱۵. نصاب معروف اثر شاعرى متخلص به معروف.<sup>۶</sup>

۱۶. ابواب العلوم اثر درويش جامى.<sup>۷</sup>

۱۷. قنيه الفتيان اثر صدرالدين بن بدرالدين رشتى.<sup>۸</sup>

۱۸. گوهر منظوم اثر شيخ محمد على منظوم.<sup>۹</sup>

۱۹. نصاب شيدا اثر ميرزا ابوالحسن شيداى يزدى متوفى ۱۲۲۹ ق.<sup>۱۰</sup>

۲۰. مفتاح اللغة اثر محمد جعفر بن ميرزا محمد مباركى لنجانى اصفهانى مورخ ۲۷ ربيع الثانى

۱۲۴۷ ق.<sup>۱۱</sup>

۲۱. لغات قرآن اثر ناشناس.

۲۲. تحفه وهبى اثر محمد وهبى سنبل زاده متوفى ۱۲۲۴ ق.

۲۳. مرقات الصبيان اثر سيد محمد باقر مجتهد زاده گنجه مطبوع ۱۳۱۷ ق مشهد.<sup>۱۲</sup>

۲. همان ۲۳: ۹۴.

۴. همان ۱۹: ۸۰.

۶. همان ۱۹: ۳۲۳.

۸. همان ۱۷: ۱۷۳.

۱۰. همان ۲۴: ۱۶۵.

۱۲. همان ۲۰: ۳۱۳.

۱. همان ۱: ۳۷۰.

۳. همان ۱۷: ۲۲۹.

۵. همان ۱۶: ۱۱۱.

۷. همان ۲۳: ۶۱.

۹. همان ۱۸: ۲۵۱.

۱۱. همان ۲۱: ۳۴۷.



۲۴. سبیکه المعانی للمصادر والمبانی اثر ملاحسن اهری متخلص به طوطی زنده در ۱۳۵۱ق.<sup>۱</sup>

ب) زبان های دیگر به فارسی:

۱. نجات السالکین (نصاب ترکی به فارسی) اثر بیطار.
۲. نصاب ترکی به فارسی اثر جانی بن ملک شاه خراسانی مورخ ۹۶۵-۹۷۰ق.<sup>۲</sup>
۳. نصاب انگلیسی به فارسی اثر معتمدالدوله فرهاد میرزا بن عباس میرزا ابن فتحعلی شاه قاجار مورخ ۲۶ شعبان ۱۲۶۹ق.<sup>۳</sup>
۴. منظومه اعتصامیه (فرانسه به فارسی) اثر میرزا عبدالحسین خان مؤلف الدوله زند مقبل مورخ ۱۳۰۳ق.<sup>۴</sup>
۵. نصاب فرانسه به فارسی اثر میرزا صادق ادیب الملک فراهانی متوفی ۱۳۳۶ق.<sup>۵</sup>
۶. نصاب مظفری (فرانسه به فارسی) اثر بهجت قاجار<sup>۶</sup>
۷. نصاب ترکی به فارسی اثر علی بادکوبی مورخ ۱۲۶۵ق.<sup>۷</sup>
۸. نصاب ترکی به فارسی اثر عبدالله ترکستانی.<sup>۸</sup>

ج) نصاب های فارسی به زبان های دیگر

۱. تحفه حسام اثر حسام الدین حسن بن عبدالمؤمن مظفری خوبی زنده در ۷۰۹ق.
۲. شادیه اثر محمد بن یحیی قونوی مورخ ۸۸۹ق.
۳. نخبه اللغه اثر محمد وهبی سنبل زاده رومی.
۴. نظم الجواهر اثر سید حسن عینی نقش بندی مورخ ۱۲۳۶ق.
۵. تحفه کسکین اثر کسکین.
۶. مشوق الصبیان اثر حاج یحیی بن مصطفی مضطرزنوزی تبریزی.
۷. درر الغات اثر شیخ نظر زنجانی علی از تلامذه شیخ مرتضی انصاری.<sup>۹</sup>
۸. نصاب خالقی باری اثر بامیر خسرو دهلی.

۲. همان ۱۹۳:۲۴.

۴. الذریعه ۲۴:۱۶۶.

۶. الذریعه ۲۴:۱۶۷.

۸. الذریعه ۲۴:۱۶۳.

۱. همان ۱۲:۱۳۷ و ۲۳:۱۱۴.

۳. الذریعه ۲۴:۱۶۲.

۵. الذریعه ۲۴:۱۶۶.

۷. الذریعه ۲۴:۱۶۴.

۹. همان ۸/۱۳۴.

- (د) فارسی و لهجه‌های آن به فارسی
۱. نسیم‌الاحباب.
  ۲. محمسات ادبیه اثر سراج قاضی.
  ۳. جامع اللغات اثر نیازی حجازی.<sup>۱</sup>
  ۴. نصاب بیرجندی به فارسی اثر ملاصبوحی علی اشرف بیرجندی.<sup>۲</sup>
  ۵. نصاب لری به فارسی اثر سید جعفر شهیدی.
  ۶. خیابان گلشن اثر محمد علی هندی.
  ۷. پیوسته فرهنگ فارسی اثر میزا صادق ادیب‌الممالک فراهانی متوفی ۱۳۳۶ق.
  ۸. نصاب طبری اثر شاعری متخلص به امیر که به تیمور قاجار در عهد فتحعلی شاه اهداء شده است.<sup>۳</sup>
  ۹. نصاب واژه‌های نو اثر علی رضوی زاده (واژه‌های ساخت فرهنگستان).
  ۱۰. مصاب اثر نظام افشار.
  ۱۱. نصاب واژگان صمنانی اثر محمد باقر نیری و فرهنگ شکوهی.

### شرح نصاب الصبیان

یکی از شیوه‌هایی که از قدیم الایام در میان اهل علم و دانشمندان رواج داشته، نگاشتن شرح و حاشیه و تعلیقه بر کتاب‌ها بوده است. شیوه شرح، خصوصاً در باب منظومه‌های علمی مورد توجه بیشتری قرار می‌گرفته است.

نصاب الصبیان نیز از این منظر مورد توجه قرار گرفته و توسط بسیاری از ادباء شرح شده است که در ذیل به فهرست آن‌ها اشاره می‌رود:

۱. ریاض‌الفتیان فی شرح نصاب الصبیان اثر نظام‌الدین بن کمال‌الدین بن جمال‌الدین هروی.<sup>۴</sup>

هروی.<sup>۴</sup>

شیخ آقازرگ تهرانی رحمة الله علیه در الذریعه از این اثر این‌گونه یاد می‌کند:  
لابن حسام الهروی اسمه ریاض‌الفتیان ذکرته فی ج ۱۱ ص ۳۳۳ رأیت نسخه

۲. الذریعه ۱۶۳/۲۴.

۱. همان ۶۹/۵ و ۱۰۰/۲۳.

۴. فرهنگنامه‌های عربی به فارسی، ۱۵۶ و الذریعه ۱۱: ۳۳۳.

۳. الذریعه ۱۶۵./۲۴.



العتيقة أولاً في سنة ١٣٥٠ في المشهد الرضوي عند المحدث القمي وهي بقلم محمود الأرسنكي في سنة ٧٨٥ كتبها في سمرقند في مدرسة الميرزا محمد سلطان بهادر، ثم رأيت منه نسخاً أخرى أوله (سياس بي قياس مرقادري را كه أساس حياة أناس).  
نیز همودردر ج ١١ ص ٣٣٣/الدریعة نیز این گونه می گوید:

لنظام الدين بن كمال الدين بن حسام الهروي من بيت ابن حسام مؤلف خاوران نامه المذكور في (٧: ١٣٧) ألف الشرح في ٧٣٧ توجد نسخه عند الشيخ عباس القمي و المحيط والخنوساري و سپهسالار ٧٤٨٧ و عند ابراهيم دهگان في سلطان آباد اراك. كما فصله ابني في مقالته فرهنگ های تازی به پارسی ص ١٥٦-١٦٠ و نقل عنه الميرزا كمالا في بياض الكمالي.

اقدام نسخ این کتاب همان نسخه شیخ عباس قمی است که اکنون تحت شماره ١٢٦١٨ در کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی نگهداری می شود.<sup>١</sup>  
نسخه ابراهیم دهگان نیز تحت شماره ٧ به کتابخانه او در اراک موجود است.<sup>٢</sup> از دیگر نسخ قدیمی این کتاب می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

نسخه شماره ٥٥٠١ کتابخانه ملک.

نسخه شماره ١٧٨-١/١٧٨ کتابخانه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی.

نسخه شماره ٤٢-د کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.

نسخه شماره ٨٥٨/١ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

٢. شرح نصاب الصبيان اثر میر سید شریف جرجانی.<sup>٣</sup>

مؤلف این شرح چهره ای آشناست، لکن این کتاب او چندان شناخته شده نیست. حاجی خلیفه در کشف الظنون پس از ذکر نصاب می گوید:  
وعليه تعليقة للسيد الشريف الجرجاني.<sup>٤</sup>

در کتابخانه دانشگاه تهران شرحی بر نصاب به شماره ٥٨٣٥ موجود می باشد که در پایان نسخه آن را به سید شریف نسبت داده اند و نسخه ای به شماره ١٤٤٧٣/٧ نیز در کتابخانه

١. فهرست نسخه های خطی کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی ٣٢: ٣٧.

٢. فهرست نسخه های خطی کتابخانه ابراهیم دهگان ١: ٢١.

٣. همان، ١١٨.

٤. ٢: ١٩٥٤.



آستان قدس موجود است که دارای ویژگی های همین نسخه است.

۳. شرح نصاب الصبیان اثر عبدالصمد بن کمال بن امیر حاج<sup>۱</sup>.

آقابزرگ چنین می گوید:

شرح نصاب الصبیان لعبدالصمد بن کمال بن امیرالحاج کتبه لولد أستاذه ضیاء الدین محمد بن کمال الدین سلطان محمد الأستربادی، أوله: (حمد بی غایت و ثنای بی نهایت سخن آفرینی راست که...) یوجد عند السيد آقا نجفی المرعشی السيد شهاب الدین نزیل قم کما کتبه إلینا.<sup>۲</sup>

اقدام نسخ این شرح در کتابخانه آستان قدس به شماره ۱۵۶۷۰ نگه داری می شود اما متأسفانه ابتدایش افتاده است.

از این مؤلف دو کتاب دیگر موجود می باشد:

الف): شرح بوستان به شماره ۷۹۷۷-۶۷/۵۴ کتابخانه مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی<sup>۳</sup>.

ب) شرح عوامل المائة به شماره ۱۰۳۳ کتابخانه مدرسه مروی تهران.<sup>۴</sup>

۴. شرح نصاب الصبیان اثر محمد بن فصیح بن محمد المدعو بکریم دشت بیاضی.<sup>۵</sup>

آقابزرگ چنین می گوید:

شرح نصاب الصبیان للقاضي محمدکريم بن فصیح الدین محمد دشت بیاضی، طبع في سنة ۱۳۶۶، شرح على أصله وعلى ملحقاته التي ألحقها به والده فصیح الدین كما يظهر من أوله. والمظنون أن والده فصیح الدین هو الشارح لبيست باب الذي مرفي القسم الأول من هذا الجزء ص ۱۳۱ وقلنا إنه شرحه باسم الوزير أمير علي شیر الذي توفي سنة ۹۰۸، والقاضي محمدکريم هذا هو الذي عبر عنه تلميذه الشيخ إبراهيم القطيفي الذي توفي بعد سنة ۹۴۵ في بعض إجازاته بالمولى كريم الدين الشيرازي كما ذكرناه في إحياء الدائر من أعلام القرن العاشر المخطوط.

از وی اثر دیگری به نام بدایع الصنایع وجود دارد که سه نسخه از آن می شناسیم:

۱. همان، ۲۰۵ و الذریعه ۱۴: ۱۰۶/

۲. الذریعه إلى تصانیف الشيعة، ج ۱۴، ص: ۱۰۶.

۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی آیت الله گلپایگانی، ۲۵۱۰: ۵.

۴. فهرست کتابخانه مدرسه مروی ۱۶۲.

۵. همان، ۲۰۳ و الذریعه ۱۴: ۱۰۶.





- الف) شماره ۵۳ کتابخانه مجلس سنا.
- ب) شماره ۳/۴۴۴ کتابخانه معصومیه.
- ج) شماره ۱۷۶۷-ف کتابخانه دانشگاه تهران.
۵. شرح نصاب الصبیان اثر محمد بن جلال بن سلیمان قهستانی<sup>۱</sup>.  
مؤلف به تفصیل شناخته شده نیست و از این اثر وی نسخ زیر در ایران شناخته شده است:  
الف) کتابخانه مجلس شورای اسلامی: ش ۱۵۷۲۲/۱۵۷۲۲/۱۰/مختصر ۵۱۴.  
ب) فاضل خوانساری ش ۳۰۲/۱۱۹۱/۱۱۹۱/ق/فهرست ۲/۲۰.  
ج) دانشگاه تهران/قرن ۱۳.  
د) مجلس ۲/۱۴۴۳۲/اواسط ربیع الثانی ۱۲۴۴/فهرست ۳۸/۵۷۲.  
ه) حبیب جواهری همدان ۲۰/بی تا.  
قابل ذکر است که نسخه فاضل خوانساری توسط مرکز احیاء میراث اسلامی  
عکس برداری شده و در ذیل معرفی می گردد:  
و) مرکز احیاء/۱۱۹۱/۲، ۱۰۴.
۶. شرح نصاب الصبیان اثر یعقوب بن محمد چرخي<sup>۲</sup>.  
آثار دیگری که از وی می شناسیم به قرار ذیل است:  
الف) الإنسیه فی طریق النقیس بندیه که چند نسخه از آن در کتابخانه های مختلف موجود  
است. من جمله اقدم آن ها نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته الله می باشد به شماره ۳/۱۱۵۷۳ و  
نسخه کتابخانه مجلس شورا به شماره ۵/۱۰۲۳۱ و نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی به شماره  
۲/۳۳۱۲-۹۷/۱۷.
- ب) تفسیر چرخي که چندین نسخه از آن موجود می باشد به شماره ۲/۱۱۴۷-ف کتابخانه  
دانشگاه تهران و شماره ۱۴۸۹۷ کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ج) رساله الغزاة فی شرح اسماء الحسنی که از جمله نسخ آن می توان به شماره ۳۴/۴۴۱-ف  
دانشگاه تهران اشاره نمود.
۷. شرح نصاب الصبیان اثر محمد مقیم جعفری<sup>۱</sup>.

۱. همان، ۲۰۴.

۲. همان، ۲۰۶.



آقا بزرگ چنین می گوید:

شرح نصاب الصبیان طلبه منه بعض أحبائه فشرحه وتوفي الطالب في الأثناء فأتته هولا وأولاده وأحفاده وأرحامه. أحال فيه إلى شرحه لخطبة تهذيب المنطق المذكور في ص ۲۲۰ من القسم الأول من هذا الجزء، وينقل فيه عن السيد الشريف الجرجاني المتوفى ۸۱۶، وحكى فيه عن أكثر الشراح: أن أبانصر الناظم اسمه محمد ولقبه بدر الدين وذكر نفسه بكتيته لرغبته باشتهاره بها وإنه نظمه لحفيده، ولما بدأ في أوله بلفظ الجلالة قال في آخره: (الحمد لله على براعة الاقتتاح وحسن الاختتام والصلاة والسلام على سيد الأنبياء محمد وآله العظام) وعند شرح قوله: (میزاب ناودان وندانم شجر درخت) آورد رباعيا من نفسه

پرسید زمن لطيفه گویی پنداشت که فارسی ندانم

گفتاکه به فارسی ندا چيست گفتم که به فارسی ندانم

رایت نسخه في مكتبة المرحوم العلامة الشيخ محمد السماوي في النجف الأشرف.

نسخه دیگری که از این اثر شناخته شده است، نسخه شماره ۱۲۰۰۶ کتابخانه آیت الله

مرعشی است.

۸. شرح نصاب الصبیان اثر محمد حسین بن محمدرضا شریف طالقانی.<sup>۲</sup>

آقا بزرگ می گوید:

شرح نصاب الصبیان للشيخ محمد حسين الشريف ابن محمدرضا الطالقاني، مطبوع

في قطع وزيري كبير سنة ۱۳۰۲.

اقدام نسخ این اثر نسخه شماره ۴۷ کتابخانه مصلح الدین مهدوی در اصفهان می باشد که

دارای خطی بسیار زیباست.

از وی حاشیه ای بر زبدة الاصول شیخ بهایی علیه الزهمة نیز موجود می باشد و دو نسخه از

آن می شناسیم:

الف) نسخه شماره ۱/۴۳۷ کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.

ب) نسخه شماره ۱/۶۳۵ حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام.

۱. همان، ۲۳۳ و الذریعه ۱۴: ۱۰۶.

۲. همان، ۲۵۳ و الذریعه ۱۴: ۱۰۵.



۹. شرح نصاب الصبیان اثر شرف‌الدین علی بن حجة الله طباطبایی شولستانی که از مشایخ علامه مجلسی بوده است.<sup>۱</sup>  
آقا بزرگ می گوید:

شرح نصاب الصبیان للسید الامیر شرف‌الدین علی بن حجة الله الطباطبائي الشولستاني شيخ العلامة المجلسي، رآه صاحب رياض العلماء بخطه في أستراليا و استظهر أنه أول تأليفاته لأن تاريخه سنة ٩٩٦، واحتمل أنه لغيره، وكتبه هو بخطه، توفي بالنجف الأشرف في نيف وستين وألف.  
از این اثر نسخه‌ای در دست نداریم.

۱۰. شرح نصاب الصبیان اثر شیخ علی نجارهراتی.<sup>۲</sup>  
آقا بزرگ می گوید:

شرح نصاب الصبیان للشيخ علي النجار، كذا نقل عنه في بعض حواشي شروح النصاب.  
از این اثر سه نسخه در کتابخانه مرعشی به شماره ۷۷۶۱ و کتابخانه مدرسه مبارکه فیضیه به شماره ۱۵۸۲/۳ و کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۰۰۶/۶ موجود می باشد.

۱۱. شرح نصاب الصبیان اثر شیخ یوسف بن مانع قرشی.<sup>۳</sup>  
آقا بزرگ می گوید:

شرح نصاب الصبیان للشيخ يوسف بن مانع القرشي، ينقل عنه الميرزا كامالا صهر العلامة المجلسي في مجموعته البياضية.  
هم چنین صاحب غیاث اللغات در بسیاری از موارد به این شرح استناد می نماید.  
از این اثر نسخه‌ای سراغ نداریم.

۱۲. شرح نصاب الصبیان اثر مرشد بن علی سیفکی شیرازی.<sup>۴</sup>  
از این کتاب چند نسخه وجود دارد که اقدم آن‌ها نسخه شماره ۳۳۷۸ کتابخانه دانشگاه تهران است.

۱. همان، ۲۶۸ و الدرعیه ۱۴: ۱۰۶.

۲. همان، ۲۹۸ و الدرعیه ۱۴: ۱۰۶.

۳. الدرعیه ۱۴: ۱۰۷.

۴. همان، ۲۷۰ و الدرعیه ۱۴: ۱۰۷.

۱۳. شرح نصاب الصبیان اثر ملا ابراهیم بن درویش محمد کازرونی شیرازی.<sup>۱</sup>  
آقا بزرگ می گوید:

شرح نصاب الصبیان للمولی ابراهیم بن درویش محمد کازرونی نزیل شیراز المولود حدود سنة ۱۲۷۴ و المتوفی بها فی رابع ربیع الثانی من سنة ۱۳۳۴ وقد تزوج فیها بأخت العلامة الشیخ یوسف الحدائقی، وقد حدثنی الشیخ ضیاء الدین بن یوسف الحدائقی بتواریخه وتصانیفه وقال إنه كان ماهراً فی العلوم ولا سیما الغریبة منها، وعد من تصانیفه شرح الباب الحادی عشر الذي فاتنا ذكره فی محله.

از این کتاب تنها یک نسخه در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۰۶۳۵ سراغ داریم.  
از او آثار ذیل را می شناسیم:

الف) سفرنامه حج که یک نسخه به شماره ۱۰۶۰۰ از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می باشد.

ب) مختصر الدعوات: موجود به شماره ۱۰۷۰۷ در کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته

ج) مصباح العارفين که دو نسخه از آن به شماره ۲۷۸۴/۱ و ۱۰۷۰۶ در کتابخانه مذکور موجود می باشد.

۱۴. شرح نصاب الصبیان اثر محمد ابراهیم بن زین العابدین.<sup>۲</sup>

از این شرح نیز تنها یک نسخه در اداره فرهنگ و ارشاد کاشان موجود می باشد که ظاهراً نسخه پیش نویس مؤلف است.

اثر دیگری با عنوان طهریة الصواب از وی به شماره ۲۴۹۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

۱۵. شرح نصاب الصبیان اثر جمال الدین بن حسام خوافی.<sup>۳</sup>

۱۶. شرح نصاب الصبیان اثر سلطان حسین بن سلطان محمد واعظ استرآبادی.<sup>۴</sup>  
که یک نسخه به شماره ۳۶۲۳ از آن در کتابخانه دانشگاه تهران وجود دارد.

۱. همان، ۲۷۳ و الذریعه ۱۴: ۱۰۵.

۲. فهرست نسخه های خطی اداره فرهنگ و ارشاد کاشان، ۸۴.

۳. فهرست نسخه های خطی شیخ علی حیدر ۳/ ۲۸۷.

۴. فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه تهران ۱۲/ ۲۶۲۸.



۱۷. شرح نصاب الصبیان اثر میرزا محسن بن میرزا محمد علی ادیب العلماء تبریزی.<sup>۱</sup>
۱۸. شرح نصاب الصبیان اثر میرزا هادی طیب.<sup>۲</sup>
- که یک نسخه به شماره ۷۰۴۲ از آن در کتابخانه مدرسه سپهسالار موجود است.
۱۹. شرح نصاب الصبیان اثر محمد بن شمس علی اشکوری.<sup>۳</sup>
- تنها یک نسخه از این اثر در کتابخانه علامه طباطبایی شیراز وجود دارد. در انتها این نسخه نوشته شده است:
- تم الرسالة المسمى بشرح النصاب فی ید اقل خلق الله عبدالرحیم بن رجبعلي اشکوري و شارحه ملا محمد بن ملا شمس علي الاشکوري.
- این شرح ظاهراً از روی شرح دشت بیاضی نوشته شده است، طوری که دربدو امرگمان می رود هر دو یکی باشند.
۲۰. شرح نصاب الصبیان اثر ولی دشت بیاضی.<sup>۴</sup>
- که یک نسخه از آن به شماره ۷۵۹۷ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است.
۲۱. شرح نصاب الصبیان اثر علی رضا بن معصوم علی کلارستانی آملی.<sup>۵</sup>
- از آن سه نسخه، یکی به شماره ۲۷۲۶ در کتابخانه مسجد اعظم و دو دیگر به شماره ۳۲۱ و ۵۵۹/۲ در کتابخانه مدرسه امام صادق علیه السلام چالوس موجود است.
۲۲. شرح نصاب الصبیان اثر ملا میرقاری گیلانی.<sup>۶</sup>
- از آن دو نسخه موجود است: یکی به شماره ۴۱۴۷ در دانشگاه تهران و دیگری به شماره ۴۳۰۹-۲۲/۲۹ در کتابخانه آیت الله گلپایگانی.
۲۳. شرح نصاب الصبیان اثر محمد بن جمال اصفهانی.<sup>۷</sup>

۱. همان، ۲۷۳.

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه سپهسالار ۲۴۱/۵.

۳. نسخه پژوهی ۱۵۹/۳.

۴. فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه تهران ۶۴۶/۱۶.

۵. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه امام صادق چالوس ۱۱۰ و ۲۹۹.

۶. فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه تهران ۳۱۱۶:۱۳.

۷. فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه تهران ۱۱۹۸:۹.

از آن دو نسخه موجود است: یکی به شماره ۲/۲۴۵۹ در کتابخانه دانشگاه تهران و دیگری به شماره ۱/۷۴۶ در کتابخانه ملی.

۲۴. شرح نصاب الصبیان اثر محمد جعفر بن محمد کاظم قائمی.<sup>۱</sup>

یک نسخه از آن به شماره ۲/۶۱ در کتابخانه دانشکده الهیات تهران مذکور است.

۲۵. شرح نصاب الصبیان اثر سید ابوالقاسم موسوی.<sup>۲</sup>  
آقا بزرگ می گوید:

للسید الاجل ابوالقاسم الموسوي كما ذكر في بعض الفهارس المتأخره والظاهر انه من القرن الثالث عشر.

۲۶. شرح نصاب الصبیان اثر قربان علی بن محمد صادق.

از این اثر یک نسخه به شماره ۱۶۱۷۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود.

۲۷. شرح نصاب الصبیان از محمد موسی بن ملارجب.

یک نسخه از آن به شماره ۲/۴۴۶۳ در انستیتو نسخه های خطی ترکمنستان موجود است.

۲۸. شرح نصاب الصبیان اثر محمد سعد.

یک نسخه از آن به شماره ۲/۱۷۱۶ در همان مرکز نگهداری می شود.

۲۹. التبیان فی شرح لغات نصاب الصبیان اثر محمد علی شریف بن میرزا محمد باقر تفرشی.<sup>۳</sup>  
آقا بزرگ می گوید:

شرح نصاب الصبیان للمیرزا محمد علی الشریف ابن المیرزا محمد باقر التفریسی فارسی  
أوله: (الحمد لله الذي ميز نوع الإنسان من الحيوان بالنطق واللسان) إلى قوله وسميته  
بكتاب التبيان في تصحيح لغات نصاب الصبیان.

ویتی نیز در ماده تاریخ این نسخه شریفه ثبت گردید:

سؤالی ز تاریخ تألیف کرد خرد گفت تاریخ اورا (صغار)

(۱۲۹۱) نسخه خط المؤلف في طهران في مكتبة نجم الملك ذكره ولدنا المنزوي في

فرهنگ نامه ها ص ۲۵۳.

۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۳/۲۵.

۲. الذریعه ۱۴: ۱۰۵.

۳. همان، ۲۵۳.



اكون نسخه ای از آن سراغ نداریم.

۳۰. حل النصاب فی اللغات الثلاثة اثر میرزا ضیاء الدین خان ندیم باشی نایب اول وزارت عدلیه<sup>۱</sup>.

۳۱. خلاصه التبیان فی شرح لغات نصاب الصبیان اثر میرزا علی رضاتبیان الملک تبریزی<sup>۲</sup>. آقا بزرگ می گوید:

خلاصه التبیان فی شرح لغات نصاب الصبیان للمیرزا علی رضاتبیان الملک التبریزی المعاصر مؤلف ترجمه عشق المذكور فی (ج ۴ - ص ۱۱۶) وهو كما كتب إلینا بخطه الجید فی جزءین فی کل صفحة من الجزء الأول ثلاث قوائم (۱) اللفظ العربی (۲) الفارسی (۳) التركي والجزء الثاني مرتب على الحروف فی كل لغة وشرحها بالفارسیة. نسخه ای از آن به دست ما نرسیده است.

۳۲. رافعا للنصاب ودافعا للحجاب اثر احمد بن ققیه محمد بن ابی بکر بن محمد مؤرخ ذی القعدة ۸۱۷ ق.<sup>۳</sup>

۳۳. الدرّة الثمینیة اثر علی اکبر بن محمد جعفر حسنی حسینی لغوی یزدی<sup>۴</sup>. آقا بزرگ می گوید:

شرح نصاب الصبیان بالفارسیة للسید الجلیل علی اکبر الیزدی الحسنی الحسینی اسمه الدرّة الثمینیة مرّفی ج ۸ ص ۹۶. ودرج ۸ ص ۹۶ نیز می گوید:

الدرّة الثمینیة فی شرح نصاب الصبیان بالفارسیة. للسید علی اکبر الحسنی الحسینی اللغوی الیزدی بن الحاج میرزا جعفر المتطبب. فرغ من الشرح فی الثلثاء العشرین من ذی الحجّة (۱۲۹۲) و طبع مرّة (۱۲۹۵) وأخری (۱۳۱۲) ویأتی تتمیمه الموسوم بالدرّة الیثمیة. الدرّة الیثمیة بتکمیل الدرّة الثمینیة اثر حاج شیخ عباس قهی<sup>۵</sup>.

آقا بزرگ می گوید:

۱. همان، ۲۶۴.

۲. الذریعه ۷: ۲۱۷.

۳. همان، ۱۹۳.

۴. همان، ۲۵۴ و الذریعه ۸: ۹۶.

۵. همان، ۲۶۶ و الذریعه ۸: ۱۱۶.

شرح نصاب الصبیان للشیخ المحدث المعاصر الشیخ عباس بن محمدرضا القمی المتوفی سنة ۱۳۵۹، وهو أول تصانیفه اسمه الدرّة الیتیمة طبع بیان سنة ۱۳۱۶. ۳۵. سرمایہ بینش و مفتاح دانش اثر ملاً مصطفی بن حاج محمد ترک خوبی<sup>۱</sup>. ملاً مصطفی متولد خوی بوده و سپس به یزد مهاجرت کرده و در آن جا زیسته است. از تاریخ تولد و وفات وی اطلاع چندانی در دست نیست؛ همین قدر می دانیم که در قرن سیزدهم می زیسته است. آثار گوناگونی در زمینه های مختلف علوم اسلامی دارد که بسیاری از آن ها به صورت مخطوط در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می شوند. تا آن جا که آلاع داریم دو اثر از وی به حلیه طبع آراسته شده است؛ یکی شرح دعای صباح به همت آقای اکبر ایرانی قمی و دیگری زینة المدایح در شرح قصیده فرزدق در مدح امام سجّاد علیه السلام به همت آقایان محمد علی خزانه دارلو و احمد رضی.

اما از سرمایہ بینش تا آن جا که ما می دانیم تنها یک نسخه در کتابخانه جواد مدرسی یزدی وجود دارد که در دفتر چهارم نشریّه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران معرفی شده است<sup>۲</sup> و عکس آن نیز به شماره ۱۷۶۰ در مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است. مؤلف تاریخ اتمام آن راسنه ۱۲۵۲ گزارش نموده است و کاتب که محمد صالح بن میرزا محمد حسین نام دارد تاریخ اتمام کتابت راسنه ۱۲۷۲ گزارش کرده است. البته ابتدای این نسخه افتادگی دارد و آقای محمد حسین مدرسی به امر مرحوم آیت الله سید جواد مدرسی آن را از روی نسخه قدیمه ای که نزد آقای ابوالحسن بن علی رضا مدرسی بوده است تکمیل نموده و تاریخ اتمام آن را ۱۳۷۸/۷/۱۱ گزارش نموده اند.

۳۶. قطرات العلوم اثر وثوق العلماء عبدالله بن محمد خوراسگانی اصفهانی<sup>۳</sup>.

آقایزگ در الذریعة چنین می گوید:

شرح فارسی علی نصاب الصبیان للمعاصر وثوق العلماء، المیرزا عبدالله بن محمد حسن الخراسگانی الاصفهانی، صاحب عقائد المؤمنین و نظمه الفه فی ۱۳۶۴ ق اوّله

۱. فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ۲۱۵: ۵.

۲. میراث اسلامی؛ ۸: ۱۴۴.

۳. همان، ۲۸۶ و الذریعة ۱۷: ۱۵۷.





(الحمد لله الذی هدانا الی الصواب حمداً کثیراً یبلغ مبلغ النصاب اما بعد فبقول الجانی عبد الله) طبع بطهران ۱۳۲۴ ش علی الحجرفی ۲۲۰ ص.  
۳۷. قنوان و صنون در شرح نصاب الصبیان اثر محمد حسن بن قنبر علی زنجانی متوفی حدود ۱۳۴۰.<sup>۱</sup>

آقا بزرگ چنین می گوید:

قنوان صنون فی شرح تقریظ نصاب الصبیان للمولی محمد حسن بن قنبر علی الزنجانی المتوفی حدود ۱۳۴۰.

نسخه ای از این شرح در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۱۱۶۹ به خط مؤلف موجود است.

۳۸. کشف الثقاب فی شرح النصاب از مؤلفی ناشناخته.

نسخه ای از این اثر به شماره ۲۶۴ در کتابخانه دائرة المعارف بزرگ اسلامی موجود است.

۳۹. کنز الفنون اثر ناشناس که به نام شاه جهان در هندوستان نوشته شده است.<sup>۲</sup>

۴۰. نصاب المعلم اثر ابو محمد جلال الدین محمد عبدالله القائنی مولداً و النسفی محدداً و

الهروی مکسباً و مسکناً.<sup>۳</sup> این اثر را می توان تلخیصی عربی از ریاض الفقیان دانست.

۴۱. نصاب المتعلم اثر ناشناس.<sup>۴</sup> این اثر را نیز می توان تفصیل نصاب المعلم دانست. مؤلف

خود در مقدمه از نصاب المعلم یاد می کند.

۴۲. مرحوم حاج ملا باقر بن غلام علی شوشتری (م ۱۳۲۷ ق) کتابی جنگ مانند به نام

تذکره دارد. وی در جلد اول این کتاب راجع به تعداد ابیات نصاب بحث نموده است و در جلد

دوم از بند ۱۸ نصاب تا آخر را شرح نموده است که ظاهراً انتخابی است از یک شرح ناشناس.<sup>۵</sup>

یک نسخه از این کتاب به شماره ۲/۲۹۲۴ در کتابخانه ملی تبریز وجود دارد.<sup>۶</sup>

لازم به ذکر است که علاوه بر شروح مذکور، شروح بسیار دیگری بر نصاب نوشته شده است که

نه نام مشخصی دارد و نه مؤلف آن شناخته شده است؛ لذا در این جا به معرفی آن ها نپرداختیم.

۱. الذریعه: ج ۱۷، ص ۱۷۳.

۲. همان، ۲۲۴.

۳. همان، ۱۹۴.

۴. همان، ۲۰۵.

۵. الذریعه، ۲۹۳.

۶. فهرست کتابخانه ملی تبریز ۲: ۷۰۷.



کتاب نصاب الصبیان توسط بعضی از رجال علمی به صورت مصحَّح به طبع رسیده که در ذیل نام آن‌ها اشاره می‌نماییم:

۱. خودآموز نصاب یا کلیات نصاب الصبیان با شرح فارسی و اعراب کلمات مشکله به قلم

حضرت علامه حسن حسن‌زاده آملی حفظه الله

۲. نصاب الصبیان با مقدمه و ملحقات و فهارس لغات و تصحیح و تعریب، به اهتمام دکتر

محمد جواد مشکور

۳. نصاب آموز اثر پروفیسور عبدالجواد فلاطوری<sup>۱</sup>

۴. نصاب الصبیان به تصحیح دکتر حسن انوری



**آثار عمادالدین یحیی بن احمد کاشانی\***  
**از ریاضی دانان قرن هشتم هجری (... بعد ۷۷۳ق)\*\***

محمد علی صالحی

یحیی بن احمد کاشی جامع علوم و فنون عقلی و نقلی و صاحب تدبیر و امیر تحریر، وزیر  
غیاث الدین محمد بن دستور سعید شهید بوده و در اصفهان درگذشته است.  
تألیفی با عنوان زایچه = طالع نامه به یکی از نوادگان مؤلف به نام عماد بن یحیی منجم  
کاشانی نسبت داده شده که نسخه ای از آن در کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی  
به شماره ۱۲۷۵۴ در جلد ۳۲ فهرست صفحه ۴۱۷-۴۱۸ گزارش شده است.  
دو اجازه و هشت عنوان از آثار شناخته شده عمادالدین کاشانی در این جا معرفی می شود:

**۱. الف) اجازه (عربی/اجازه)**

اجازه ای به ضیاء الدین صدر الاسلام و المسلمین محمد بن صدرالدین مختار بن الاصل  
الیزدی به سال ۷۴۵ق درباره روایت کتاب المصابیح فی الاحادیث النبویه.<sup>۱</sup>  
آغاز: قرأ علی مولانا صاحب المعظم قدوة افاضل الزمان الفائق بفضائله علی الاقران

\* وی غیر از عمادالدین یحیی بن احمد کاشی، محشی شرح کمال الدین مسعود شیروانی رومی بر آداب البحث  
محمد بن اشرف حسینی سمرقندی است.  
\*\* حسن نراقی وفاتش را سال ۷۶۶ آورده، طبق تحقیق استاد قربانی تا سال ۷۷۳ زنده بوده است؛ چون  
نسخه ای از اللباب فی الحساب در سال ۷۷۳ق استنساخ شده که در حاشیه آن عبارت «مدّ ظلّه العالی» آمده  
است. در معجم المؤلفین ۱۳/۱۸۴ آمده: کان حیا ۷۴۵.  
۱. گویا مصابیح السنّة حسین بن مسعود بغوی متوفی ۵۱۶ق باشد.

صاحب المناقب... ضیاء الملة والدين صدرالاسلام والمسلمين محمد بن صدرالدين مختار بن الاصيل اليزدي... بعضا من كتاب المصاييح في الاحاديث.

انجام: واتوقع منه ان يذكرنى بخير ويدعولي بصالح في الاوقات التي يتوقع فيها اجابة الدعوات حرره العبد الضعيف الراجي رحمة ربه القوي يحيى بن احمد الكاشي في الرابع عشرين [رمضان] سنة خمس واربعين وسبعمائة...

نسخه‌ای از این اجازه به خط مؤلف در یک برگ به شماره ۵۳۳ در مخزن خطی کتابخانه واتیکان نگه‌داری می‌شود و عکس آن نیز در اعلام زرکلی به صورت گراور آمده است.

### ۱. (ب) اجازه (عربی/اجازه)

اجازه‌ای است به ضیاء‌الدین محمد بن صدرالدين مختار که در نزد مجیز کتاب شهاب را خوانده است.

آغاز: بسمله، الحمد لله حق حمده وثنائه على توالي نعمه وآلائه والصلوة والسلام على رسوله محمد خير خلقه وخاتمة انبيائه وعلى آله واصحابه...

انجام: و اذا حصل لك ايها المحرر في التحصيل هذه الرتبة العليا فعليك بالاحتياط والمراجعة مرة بعد اخرى... (اقتاده)

نسخه‌ها: قم، کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی ۸۰/۱ ش [۴/۶۳۷۷-۷۷/۳۲] ۵ برگ.

### ۲. احکام نجومی (فارسی/احکام نجوم)

عمادالدين كاشي اين رساله را به خواهش شهاب الدولة والدين جلال الاسلام والمسلمين امير فضل الله بن صاحب السعيد المغفور جلال الدولة والدين از عربی به پارسی برگردانده است. این رساله مشتمل بر پنج باب می‌باشد.

۱. در دلایل کیفیت صورت و خلقت مولود

۲. در مدت تربیت مولود و چگونگی آن در بودن کواکب در خانه‌های طالع

۳. در دلالت کواکب در حدود

۴. در دلالت وجوه بروج

۵. احوال موالید که بر آن وجوه در وجود آیند

آغاز: بعد حمد و شکر حضرت کبریا و درود بر سرور انبیاء محمد مصطفی و بر اصحاب او ما اختلف الصبح والمساء چنین گوید...



انجام؟<sup>۱</sup> دلالت بر آن که مولود تیز و فراخ سینه و کوتاه گردن باشد و در وی حلم و [سکونی] بود والله اعلم بالصواب.

نسخه: مشهد، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، به شماره ۱۱۵۲/۱۹. فهرست

۳۱۳-۳۱۲/۱۱

### ۳. استخراج مجهولات عددیه (عربی/ریاضیات)

قطعاتی است از کتاب حساب خود مؤلف که در این نسخه پنج رساله آمده.

آغاز الف: بسمله. ان قیل کان شخصاً مع کل منهما مال...

انجام: لظهوره علی من عرف احوال تلك النسب.

آغاز ب: اربعة اسفر کان مع کل منهم مال وارادوا ان یشتروا...

انجام: فبسطنا هذه الاعداد وخرجت كما اردنا.

آغاز ج: اقر شخص ان لزيد عليه الفاً ونصف ما لعمرو...

انجام: وهو مال بكر فقد صح ما ذكرناه.

آغاز د: نريد ان نشتري ثلثة انواع من الطيور يكون عددها مائة...

انجام: وان کان صحيحاً یکن الاول ان یكون الاعداد صحاحاً.

آغاز ه: رساله اخرى فی الشهور قیل اذا نوى الشخص من الشهور الاثنی عشر...

انجام: فقد یتت ما اردنا بیانه والله اعلم بالصواب.

نسخه‌ها: مشهد آستان قدس رضوی ۴۰۹/۸ [۵۲۹۵/۵] [۱۱-۱۶] ۱۰۴۱ق

مشهد آستان قدس رضوی ۲۴۲/۱۰ [۱۲۲۹۷/۶] [۳۴-۳۸] ۱۳۰۹ق

تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۱۰۲۱/۹ [۲۴۰۱/۴۲] [۳۷۰-۳۷۶] نستعلیق رضابن

موسی کشمیری سده ۱۱ق

### ۴. الاعداد والافواق (فارسی/علوم غریبه)

مشمتمل بر یک مقدمه و دو باب و خاتمه در علم اعداد و اوفاق.

در مقدمه آمده که وی مأمور شد به ترجمه رساله الوفاق التام عزالملة والدين زنجانی

پس جمیع مطالب او را همراه فواید مورد نیاز در این رساله گردآوری کرد. صاحب الذریعه می گوید:

نسخه‌ای کهن از این رساله در کتابخانه شیخ الاسلام زنجانی در زنجان موجود است.

۱. در فهرست به عنوان آغاز آمده.

۵. ایضاح المقاصد لفرائد الفوائد (عربی/ریاضیات)

این رساله حاوی قواعد کلی حساب، هندسه، جبر و مقابله می باشد که در شرح کتاب الفوائد المبهاتیه عمادالدین عبدالله بن محمد الخوام البغدادی به طریق قال-اقول نگاشته شده و در آن از شرح کمال الدین ابوالخیر حسن بن علی فارسی (۶۶۸-۷۱۷ق) به نام اساس القواعد فی اصول الفرائد نقل شده است.

این کتاب برای خزانه صاحب دیوان غیاث الدین محمد بن رشید بن فضل الله نگاشته شده است.

آغاز و انجام طبق نسخه دانشکده الهیات تهران:

آغاز: بسملة الحمد لله الواحد الاحد الفرد الصمد الذي لا يحصى عدد نعمائه ولا يحاسب كثرة آلائه... اما بعد فلما وفق للعبد يحيى بن احمد الكاشى...

انجام: واستخراج ما هو ممكن محتاج الى بسط تام ما اورده وفي خاطري ان الكتب رسالة مفردة في هذا الباب ان شاء الله تعالى... ولنختم الكلام حامدين لله تعالى ومصلين على نبيه المصطفى وحسبنا الله ونعم المعين.

نسخه ها:

مشهد، آستان قدس رضوی (فهرست الفبایی: ۶۲۳) [۱۵۲۹۵] نسخ عبد الغفار بن موسی عمری جزری شافعی ۸۶۹ق در قاهره

مشهد، آستان قدس رضوی ۴۲/۸ [۵۴۳۰] ۲۳۱ برگ، ۱۲۷۵ق، نسخ عبدالله بن ابوالحسن نوری

کاشان، کتابخانه آثار ملی کاشان (نشریه دانشگاه تهران ۳۵۵/۴-۳۷۲ ص ۱۰۸۶ق تهران، دانشکده الهیات دانشگاه تهران ۲۶۷/۱ [۲۵۱/۱] نسخ جمال بن حسن علی اصفهانی شوال ۱۰۲۰ق

اصفهان، کتابخانه مدرسه صدر بازار ۲۵/۱ [۱۵/۲] (۱۷۰-پ ۳۸۲) ر ۱۱/۱۰ق اصفهان، کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان ۴۵۸/۲ [۵۹۰] ۲۴۳ برگ، ق ۱۱ق تهران، مجلس شورای اسلامی ۴۴۸/۱۰ [۲۹۹۸] ۳۵۵ صفحه، نسخ علی بن محمد صالح خوانساری ۱۲۸۳ق

تهران، مجلس شورای اسلامی ۲۶۸/۲۴ [۴۰۱] ۲۴۱ برگ، سده ۱۲/۱۱ق مشهد، مدرسه نواب (دو کتابخانه مشهد ۵۳۹/۲)



تهران مجلس شورای اسلامی (فهرست مختصر: ۹۷) [۹۰۶] سده ۱۱/۱۲ ق  
قم، مرعشی ۲۳/۱۵۴ [۸۹۹۱] ۱۳۸ برگ، سده ۱۰ ق و سده ۱۳ ق  
تهران، ملی ملک ۱/۷۸ [۳۳۱۶] ۱۵۷ برگ، نسخ بدیع بن مصطفی اصفهانی ۱۲۷۰ ق

### ۶. ترجمه الشرفیة فی الادوار = ترجمه الادوار (فارسی/موسیقی)

اصل این کتاب از صفی‌الدین عبدالمؤمن ارموی است و عمادالدین آن را به دستور شاه  
ابواسحاق اینجو در دوم محرم ۷۴۶ ق به فارسی برگردانده است.

آغاز: حمد و سپاس و درود بی قیاس لایق...

انجام: بحمد الله وحسن توفیقه والهدایة الی سواء طریقه.

نسخه‌ها: تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (میکروفیلم‌ها ۲/۲۵۶)

تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۶/۱۶۸ [۲۲۰۷] ۲۷ برگ، ق نهم هجری

قم/مرعشی ۵/۲۱۲ [۱۸۲۹/۳] [۱۶۴ ب ۲۰۳ ب] نستعلیق محمدتقی بن محمدرضا  
کاشانی ۱۲۶۶ ق

### ۷. رساله فی برهان المستقلین (ریاضیات)

رساله‌ای است مشتمل بر برهان دو مسئله (مساحت کره و متساوی‌الاضلاع).

### ۸. الباب فی الحساب (عربی/ریاضیات)

رساله‌ای در ریاضیات مشتمل بر یک مقدمه و دو مقاله که در ربیع‌الثانی سال ۷۴۴ ق در

اصفهان به نام مجدالدین عبدالله بن محمد بن حسین کاشانی نگاشته است.

آغاز: بسمله. الحمد لله الواحد الذي علم اولي الالباب عدد السنين والحساب...

انجام: فلنختم الكلام حامدين لله تعالى على نعمه الشاملة.

نسخه‌ها:

مشهد، آستان قدس رضوی ۸/۲۷۸ [۵۳۷۷] ۱۶۹ برگ، نسخ ۷۴۴ ق در اصفهان

تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (میکروفیلم‌ها ۱/۱۷۴)

شیراز، کتابخانه علامه طباطبایی [۷۶/۱] (نسخه پژوهی ۳/۹۳)

چاپ: تهران، ۱۳۱۱ ق در هامش شرح ملخص چغمینی

۹. نکت فی احوال الشيخ الرئيس ابن سینا (عربی/تراجم-کتاب‌شناسی)

رساله مختصری است در آثار و احوال ابن سینا که ابتداء شرح حال ابن سینا را آورده و سپس ۹۲ اثر برای وی برمی‌شمارد. این رساله در ۱۵ جمادی الثانی سال ۷۵۴ ق به سامان رسیده است. این اثر به سال ۱۹۵۲ م در قاهره از سوی المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیة بالقاهرة با تحقیق استاد دکتر احمد فؤاد الاهوانی به چاپ رسیده است. محقق رساله در مقدمه آورده نسخه ای از این رساله در حاشیه نزهة الارواح شمس الدین شهروزی در استانبول به شماره ۱۴۴۷ موجود است و عکس آن نیز در کتابخانه دانشگاه فؤاد الاول به شماره ۲۳۳۲۸ نگه‌داری می‌شود.



منابع

احمد گلچین معانی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی:

۴۳-۴۲/۸

احمد منزوی، نسخه‌های خطی فارسی: ۱/۱۳۵، ۱۹۰ و ۵/۳۸۹۰

حبیب‌الله سلمانی آرانی، سیمای کاشان: ۱۱۹

حسن نراقی، تاریخ اجتماعی کاشان: ۸۱-۸۲

خیرالدین زرکلی، الاعلام: ۸/۱۳۵-۱۳۶

ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران: ج ۳ بخش یکم/۲۷۲

سعید نفیسی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورا: ۶/۱۶۸

سیدجعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه صدر بازار: ۱/۲۵

سیدجعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد

دانشگاه اصفهان: ۲/۴۵۸

سید محسن امین، اعیان الشیعة: ۱۰/۲۸۷-۲۸۸

سید محمد طباطبایی بهبهانی (منصور)، فهرست مختصر نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس

شورای اسلامی: ۹۷.

سید محمد طباطبایی بهبهانی (منصور)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای

اسلامی: ۲۴/۲۶۸





- سید محمدباقر حجتی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی: ۲۶۷/۱
- عبدالحسین حائری و دیگران، فهرست کتابخانه مجلس شورا: ۴۴۸/۱۰
- عبدالله افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء: ۳۳۰/۵
- علی صدرایی و ابوالفضل حافظیان، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت‌الله گلپایگانی: ۸۱-۸۰/۱
- عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین: ۱۸۴/۱۳
- غلامعلی عرفانیان، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی: ۲۴۲/۱۰
- کاظم مدیرشانه چی و دیگران، فهرست نسخه‌های خطی دو کتابخانه مشهد: ۵۳۹/۲
- محمد برکت، فهرست مجموعه‌های خطی کتابخانه علامه طباطبایی دانشگاه شیراز (نسخه پژوهی: ۹۳/۳)
- محمد کاظمینی، دانشنامه مشاهیر یزد: ۱۱۸۲/۲
- محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ۱۰۲۱/۹
- محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ۱۷۴/۱ و ۲۵۶/۲
- محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، نسخه‌های خطی، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ۳۵۵/۴
- محمد محسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة: ۲/۲۳۳، ۶/۳۷ و ۱۰۹، ۱۴/۸۰، و ۱۸/۲۷۹.
- محمد محسن آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشيعة: ۱۰/۲۷۵
- محمد مؤمن رازی، تذکره هفت اقلیم: ۲/۴۵۳
- مصطفی درایتی، دنا: ۱/۲۱۴ و ۳۸۲ و ۵۹۱ و ۷۵۰، ۲/۳۴۵، ۵/۶۱۹، ۶/۱۰۷۷، و ۸/۱۰۰۰
- مهدی دلایی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی: ۱۱/۳۱۲-۳۱۳
- مجله فرهنگ ایران زمین، سال چهارم ش ۱ و ۲
- ELENCODEI MANOSCRITTI ARABI ISLAMICI DELLA BIBLIOTECA VATICANA: 59.



کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی منتشر کرده است:

**نَضْدُ الْإِيضَاحِ فِي تَرْتِيبِ إِيضَاحِ الْإِشْتِبَاهِ**  
**علم الهدى المولى محمد بن المحسن الفيض الكاشاني**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 ١٦٦٧  
 الحمد لله الذي جعل لكل بيت الخيام قواما للناسم والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين عجل الله  
 أمنا بعد فلما انبسطت هذه الراية على هذه الدنيا من غير كبرياء ولا من غير كبرياء ولا من غير كبرياء  
 فزده صوابا من كل فتح فزيت نسيم في ذلك التمسك والانقطاع واوزه وفيهم بالقرارة على مصنفه  
 الاستاد واثرا ولا انفسهم الاستاذ فقرأت في جمع كثير من افضل اخوان الصفا هدية وتواضع  
 غفيرة لا ارجل ان رفا لله يوم بهما نفسا ليعطيان الالفاظ والظواهر وما كده على ما في  
 العاقبة والسرير وتلك القرارة كانت منصفية لإصلاح التوضيحات الواردة لمصنفه من ثمة ما اعداهم  
 ختمته في هذين العيشين اربعة ثم استكتبت هذه التصانيف بها وعارضتها مع اخبرها بما اشد كما  
 جهدي في الاصلاح والتصحيح واستغفرت في التوضيح والتفصيل ثم لما مضى على ذلك من العمل  
 قريت من تصحيحه وبلغت فوية كبره وادام بقاوه اليد التي اضع بها التصريف في التوضيح عمدا  
 بل وحظ متونها واحدا لها ولحقها ما لم يخطئ في ترجمتها وانهما كما كسفت في اخره عند او  
 نرسب عليه ادم ادا احسانا في الرتبة لها وبالجملة انتمسها اياها في اخفاها اذ ابدانها ثم اكتب  
 بالنتيجة التي في التمهيد والبدء في اوله وتصرف على اقصص في الضبط والتميز في قرأتها على يد  
 اخوت من المبداء والاشتهرت بتأليفه مع اهل الطالين يدوم ايامه وكاشف القرارة انما نسبة  
 بالاول من مناسبتهم لها في غاية الاحكام ما استبدوا في مواضع الرقاع وخرافها وتحتها للإرمان في  
 اسكتشاف كونها في الغما والمضنون في رذيلها ووقودها في اولى الاحكام التي  
 في اليد بغاية ذوق البصيرة والهدى بالذات انهم لما تلو عليهم واقروا بصوابهم لما التزم  
 رابعة اخرجهم الاربعاء لتسعة خلت من شهر من شهر محرم وسبعة والعشرون من  
 الايام المحيية على الصادق باوالة الصلوة وتحية في ان فرح وسرورها ان حيدت مع السكينة  
 والظهور والرحمة بالامن والان وكس العمل للاله في الاخرة والاولى محمد بن محمد بن  
 فقيه الله وعلم الهدى عنها اهدى ما اجتمع وحق وصل من اذ مسقت له منتهى السكينة

خط المولى محمد علم الهدى ابن المولى محسن الفيض الكاشاني على نسخة  
 من كتاب الوالي رقم «٨٦٦٧» مكتبة آية الله العظمى مرعشي النجفي الكبرى

تحقيق محمدرضا الأنصاري الشقي



کتاب‌شناسی انساب  
کتاب‌های چاپی موجود در بخش تبارشناسی  
کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله

سیدمصطفی مطبوعه‌چی اصفهانی

مقدمه

از جمله گنجینه‌های کتب چاپی بی نظیر موجود در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، بخش انساب این کتابخانه است که نهال اولیه‌اش توسط بانی فرهنگ بان این مجموعه سترگ ایجاد شده و از آن جا که حضرت مؤسس خود نسابه‌ای والامقام بود و به این دانش اهتمام اکید داشت و آثار و تألیفات گران‌سنگی در این موضوع از خود به جای نهاد، از دیرباز هرآن‌چه در این علم شریف پدید آمده بود، از اقصی نقاط جهان اسلام فراهم آورد و پس از رحلت آن دانشی مرد، فرزند خلف او روزبه روز بر غنای آن افزود.

و اینک این مجموعه بی نظیر در علم انساب، محققان علم تاریخ، تراجم و انساب را بسیار به کار آید. آن‌چه به نظر خواننده گرامی می‌رسد، گزیده‌ای است از آثار موجود در این بخش که به اختصار به ترتیب الفبایی عنوان معرفی شده و ان‌شاءالله دیگر بخش‌های این مجموعه گران‌سنگ در آینده عرضه خواهد شد.



### ١. آل بيت النبي في مصر

احمد ابوكف، القاهرة، مؤسسة دارالتعاون، ١٩٩٧، ٢٠٠، ص، متوسط.  
بحوث ودراسات في تاريخ واحوال وانساب ومزارات آل بيت النبي ﷺ ومن يتنسب اليهم في مصر.

### ٢. ابناء الامام في مصر والشام «الحسن والحسين رضي الله عنهما»

ابي المعمر يحيى بن محمد بن القاسم الحسيني العلوي الشهير بابن طباطبا، ت ٤٧٨ق، حقه  
وعلق عليه: ابن صدقة الحلبي الشهير بالوراق عام ١١٨٠ق، ابوالعون محمد السفاريني ت ١١٨٨ق،  
محمد بن نصار ابراهيم المقدسى عام ١٣٥٠ق؛ اعتنى وشجره اللواء الركن السيد يوسف بن عبد الله  
جمل الليل، الرياض، مكتبة التوبة، مكتبة جل المعرفة، ١٤٢٥-٢٠٠٤، ط ١، ١٨٠، ص، كبير.  
كتاب معروف في الانساب من مؤلف مشهور في موضوع سلسلة انساب ابناء الامامين  
الحسن والحسين ﷺ في منطقة الشامات ومصر ويشتمل على استدراقات من ثلاثة مختصين  
بعلم الانساب في الازمنة المختلفة.

### ٣. ابو جعفر محمد بن الامام على الهادي سبع الدجيل

محمد على الغروي الاردوباذى، النجف، مطبعة النجف، ١٣٧٥-١٩٥٦.  
تاريخ واحوال وذراري ابو جعفر محمد بن الامام على الهادي عم الامام المهدي ﷺ ومزاره وكراماته.

### ٤. الاخبار المروية في تاريخ الاسر الشرقية

عيسى اسكندر المعلوف، دمشق، مطبعة البطريكية، ١٩٢٤، ١٢، ص، متوسط.  
هذه مقدمة توضيحية لموسوعة يدعى المؤلف انها تقع في ١٤ مجلد وهى في طريق التصنيف  
والتأليف حول الاسر والعائلات والعشائر والقبائل الشرقية (الشام، بلاد العجم، آسيا الصغرى،  
شمال افريقيا) والمؤلف من كبار العلماء اللبنانيين وذكر ٤٢ كتاب من مؤلفاته في هذه الرسالة.

### ٥. ادب الخواص في المختار من بلاغات قبائل العرب واخبارها وانسابها وايامها؛

#### الجزء الاول

الحسين بن علي بن الحسين الوزير المغربي (٣٧٠-٤١٨ق)، اعده للنشر: حمد الجاسر،  
الرياض، دار اليمامة، ١٩٨٠-١٤٠٠، ٢٠٥، ص، متوسط.  
اثر في الشعر والشعراء والادب والتاريخ والتراجم وايضاً فيه فوائد تشتمل على ذكر سلسلة  
انساب وبطون واقخاذ العرب.



## ٦. اربع مخطوطات في انساب اهل البيت

تحقيق عارف احمد عبدالغنى، عبدالله بن حسين السادة، دمشق، داركان، ١٩٩٧، ط ١.  
تصحيح وتحقيق للمخطوطات الاربعة:

١. ابناء الامام في مصر والشام، يحيى بن طباطبا الحسيني ت ٤٧٨ ق، وقد طبع الطبعة الاولى بتحقيق الشيخ محمد نصار ابراهيم في مطبعة بيت المقدس بالقدس الشريف سنة ١٣٥٢-١٩٣٤. وهذه هي الطبعة الثانية مع تصحيحات وتخريجات واستدراكات في ١١٢ ص بقطع المتوسط. مقدمة التحقيق تقع في ٤٧ ص وتشتمل على مباحث شتى في كليات علم الانساب ثم يليها نص الكتاب الذي يشتمل على ذكر تاريخ واحوال وانساب ذرية الامام حسن المجتبى والامام حسين الشهيد في مصر والشام.

٢. روح الاكسيف في نسب الغوث سيدنا الرفاعى الكبير، على بن الحسن الواسطي ت ٧٣٣ ق، ٥٠ ص، متوسط. في تاريخ وسلسلة نسب الاسرة الرفاعية الحسينية.

٣. نخبة الزهرة الثمينة في نسب اشرف المدينة، الحسن بن شذقم الحسيني ت ١٠٢٣ ق، ٤٠ ص، متوسط. رسالة صغيرة ولكنها تؤرخ من حيث ترتيب سلاسل النسب لثلاثة فروع من نسل الحسين بن على عليه السلام «محمد الباقر، زيد الشهيد، الحسين الاصغر».

٤. بهجة الحضرتين في آل الامام ابي العلمين، محمد ابوالهدى الصيادى ت ١٣٢٨ ق، ٣٦ صف متوسط. دراسة تشتمل على معلومات حول انساب السادة الرفاعية.

## ٧. أسرة بني عشرة تطورها التاريخي ودورها الحضاري

محمد بن شريفة، ٤٣ ص، متوسط.

والظاهر ان الكتاب طبع في المغرب والمؤلف من الباحثين المعاصرين في تاريخ وأدب المغرب وموضوع الكتاب: تاريخ واحوال وانساب اسرة بني عشرة من الاسر المهمة في المغرب.

## ٨. اسماء القبائل وانسابها

معزالدين محمد المهدي الحسيني الشهير بالقزويني متوفى سنة ١٣٠٠ ق، تحقيق كامل سلمان الجبورى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٠-٢٠٠٠، ط ١، ٤٣٢ ص، متوسط.  
دراسة في اسماء وانساب قبائل العرب وترتيب مواد الكتاب فقد سار على منوال اللغويين في ترتيب معاجمهم من البناء على اشتقاق الاسم والرجوع الى اصله الاول من دون الاعتناء بالحروف الزائدة المبدوءة به. وقد اضاف محقق الكتاب معلومات واستدراكات مفيدة.

٩. اسماء خيل العرب وانسابها وذكر فرسانها

لابي محمد الاعرابي الملقب بالاسود الغندجاني كان حياً سنة ٤٣٠ ق، تحقيق: محمد علي سلطاني، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٢-١٩٨١، ٣٦٤ ص، متوسط.  
دراسة في اسماء الخيل والقبائل العربية.

١٠. اصدق الدلائل في انساب بني وائل؛ قبائل عنزة تاريخها وانسابها

عبدالله بن دهيمش بن عباد الفدعاني العنزي، توزيع: مؤسسة الجريسي للتوزيع والاعلان، رياض، ١٤٢١-٢٠٠٠، ط ٥، ٦١٠ ص، متوسط.  
هذا الكتاب يشتمل على تفصيلات قبائل وعمائر وعشائر واسر قبيلة عنزة بن اسد بن ربيعة في هذا العصر وبعض بقايا ربيعة وهو حصيلة دراسة ميدانية قام بها المؤلف، كما يحتوي على دراسة جذور القبيلة من مصادر الانساب والتاريخ القديم.

١١. الاساس في انساب بني العباس

حسني بن احمد بن علي العباسي؛ قدم له وقرظه: احمد عمر هاشم، حسين يوسف دويدار، محمد عبد الحميد راغب، القاهرة، دار الركابي، ١٤٢١-٢٠٠٠، ٧٦٨ ص، متوسط.  
بحث مفصل عن تراجم واحوال وانساب آل بيت العباس بن عبد المطلب بن هاشم عم رسول الله ﷺ في شرق العالم الاسلامي وغربه والمؤلف من المتخصصين المعاصرين في الانساب وله عدة تأليفات في هذا العلم.

١٢. الاستبصار في نسب الصحابة من الانصار

الشيخ موفق الدين عبدالله بن قدامة المقدمي المتوفى سنة ٦٢٠ ق، حققه وقدم له: علي نويهض، بيروت، دار الفكر، ١٣٩٢-١٩٧٢، ٤٠٨ ص، متوسط.  
كتاب في ذكر انساب وسلسلة نسب الصحابة من الانصار وشيء من تاريخهم. فجمع اخبار القبيلتين «الخزرج» و«بني النجار» وتطرق الى المشايخ والزعماء والرؤساء وذكر احوالهم واحداث حياتهم ويمكن ان يقال هذا الكتاب يشمل النسب والتاريخ والادب.

١٣. الاسر الحاكمة ورجال الادارة والقضاء في العراق في القرون المتأخرة ٦٥٦-١٣٣٧ ق، ١٢٥٨-

١٩١٨ م

عماد عبد السلام رؤوف، بغداد، دار الكتب للطباعة والنشر، ١٩٩٢، ٤٩٢ ص، متوسط.



بغداد في العهد المغولى الى العهد العثمانى - الاشراف قبائلهم اسرهم وانسابهم في العراق -  
القضاء في العراق ورجاله - سلسلة حكام المناطق في العراق.

#### ١٤. الاسلام والانساب

محمد الحاج الناصر، بيروت، دارالصادر، ١٩٩٨، ٢٧٢ ص، متوسط.  
هذا الكتاب ليس في علم الانساب كبقية الكتب المتعارفة في هذا العلم، بل فيه بحوث  
حول هذه الحديث المروي عن النبي ﷺ «الائمة من قريش» ويدرس فضل قريش في مسألة  
الحكم والفرق بين الخليفة والامير وفيه اشارات وفوائد الى ان قرشية الشخص ثبت في علم  
الانساب ولذا ينبغي الاهتمام به.

#### ١٥. الاشراف العباسيون في مصر: السلسلة العباسية (٢)

عباس حسين بصري العباسي، الناشر ابو عبدالمحسن حاتم بن احمد بن علي العباسي،  
جدة، توزيع دارركابي، القاهرة، ١٩٩٤، ١٩٨ ص، متوسط.  
دراسة مفصلة في تاريخ وترجمة احوال العباسيين في مصر ثم تشجير انسابهم بالتفصيل.

#### ١٦. الاشراف على تاريخ الأشراف

عائق بن غيث البلادي، بيروت، دارالنفائس، ١٤٢٣-٢٠٠٢، ط ١، ٧٨٤ ص، متوسط.  
بحث تاريخي في ترجمة احوال وذكر احداث وتاريخ وسلسلة نسب ذرية الحسن بن علي  
بن ابي طالب عليه السلام الذين حكموا الحجاز خلال مدة تقرب من الف سنة من (٣٥٨-  
١٣٤٤ ق)، ثم حكموا فيما بعد اقاليم آخر يقال لهم «شرفاء مكة» او «شريف مكة» والكتاب  
يشتمل على ثلاثة اجزاء:

١. اشراف الحجاز من سنة ٣٥٨ ق الى استيلاء العثمانيين.
٢. من بعد ذلك الى استيلاء محمد علي باشا على جزيرة العرب.
٣. دول الاشراف العبادية من منتصف القرن الثالث عشر الهجري حتى ١٤٤ ق.  
ومؤلف الكتاب خبير في علم الانساب وله عدة مؤلفات في هذا الموضوع.

#### ١٧. الاشراف على فضل الاشراف

ابراهيم الحسيني الشافعي السمهودي المدني من علماء القرن العاشر الهجري، وثق اصوله  
وحققه وعلق عليه: سامي الغريبي، قم، دارالكتاب الاسلامي، ١٤٢٢-٢٠٠٢، ٣٥٢ ص، متوسط.

رسالة في شرف وفضل وعلو رتبة النبي ﷺ وآل بيته الطاهرين مستندة الى الآيات والروايات وفيه بعض فوائد أنسابية.

#### ١٨. الإشراف في معرفة المعتنين بتدوين انساب الاشراف (اهل الحجاز)

الشريف ابراهيم بن منصور الهاشمي الامير، بيروت، مؤسسة الريان، ١٤٢١-٢٠٠٠، ط ١، ٤٠٠ ص، متوسط.

المؤلف من العلماء المختصين في الانساب في شبه الجزيرة العربية له عدة مؤلفات في علم الانساب وفي هذا الكتاب بعد ذكر منهجه في التأليف يذكر المصادر المؤلفة في اشراف وانساب الحسينيين الحجاز من القرن الثالث الى القرن الخامس عشر من كتب الانساب والتاريخ والتراجم. ثم يبدأ بذكر تاريخ واحوال وانساب وآثار ٣٣ شخصاً من الذين يعتنون بتدوين انساب الاشراف واكثرهم من المعاصرين وللكتاب عدة ملاحق: مشجرات، وثائق، فهراس مختلفة.

#### ١٩. الاصول في ذرية البضعة البتول

النسابة الشريف انس الكتب الحسني، المدينة المنورة، الخزانة الكتبية الحسينية الخاصة، ١٩٩٩-٢٠٠٠، ص ٢٦٢، متوسط.

بحوث في اصول، قواعد ومصطلحات علم الانساب - طبقات وكيفية ثبوت النسب - انساب النبي ﷺ وآله الاطهار - اعقاب الحسن المثنى - اعقاب ابناء الأئمة - علل اختفاء الانساب - اعقاب الامامين السبطين الحسن والحسين ﷺ واثبات ما هو معتمد في الانساب من اعقابهما والمعروف والمستفيض من ذريتهما. وللمؤلف مكتبة فيها كتب مخطوطات الانساب ومشجراتها وله كتاب آخر في الانساب وهو: تحقيق كتاب تحفة الطالب بمعرفة من يتنسب الى عبدالله وابي طالب.

#### ٢٠. الاصيلي في انساب الطالبين

للعلامة النسابة المؤرخ صفي الدين محمد بن تاج الدين علي المعروف بابن الطقطقي الحسن المتوفى سنة ٧٠٩ق، جمعه ورتبه وحققه: السيد مهدي الرجائي، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي ﷺ، ١٤١٨ق - ١٣٧٦ش، ط ١، ٤٩٧ ص، متوسط.

هذا الكتاب من الكتب النادرة القيمة في انساب العلويين والطالبين والعباسيين والامويين ولقد اتعب المؤلف نفسه النفيسة في تأليفه وتدوينه وفيه من التراجم وضبط الانساب ما لا توجد في غير هذا الكتاب. والكتاب في الاصل هو على نحو التشجير وحيث كان يصعب تناول منه، فبذل المحقق الخبير برهة من عمره في جمعه وترتيبه وتحقيقه وترك ذكر





العباسيين والأمويين لقلّة الفائدة فيه حيث ان المؤلف ذكر تراجم العباسيين في كتابه الفخري وغيره من كتب التواريخ.

### ٢١. الاكليل

الهمداني، تصحيح وتحقيق: اسكار لوفجرين OSCAR LOFGREN. سويد، جامعة ايسالا، ١٩٥٤، ٦٨ ص، متوسط.

تصحيح قسم من كتاب الاكليل الهمداني والمصحح من المستشرقين المعروفين اسكار لوفجرين.

### ٢٢. الاكليل؛ الجزء الثامن

يتضمن محافد اليمن ومساندها ودفائنها وقصورها ومراثي حمير والقبوريات، ابي محمد الحسن بن احمد بن يعقوب بن يوسف بن داود المشهور بالهمداني المتوفى في سجن صنعاء في سنة ٣٣٤ق (٩٤٥م)، اخرج الى الطبع وصحح الاغلاط التي اوقعها فيه النساخ وعلق حواشيه اللغوية والبلدانية والتاريخية والاخبارية والحق بها خمسة عشر فهرساً الاب انستاس ماري الكرملي البغدادي «صاحب مجلة لغة العرب»، بغداد، مطبعة السريان الكاثوليكية، ١٩٣١، ٤٨٨ ص، متوسط.

كتاب في تاريخ، اخبار، احوال، اعيان وذكرا اعيان والقبائل والعشائر العرب في شبه الجزيرة العربية واليمن وسلسلة انسابهم وبطونهم وفيه فوائد هامة من محقق الكتاب.

### ٢٣. الاكليل في اخبار اليمن وانساب حمير

ابي محمد الحسن بن احمد بن يعقوب الهمداني المتوفى سنة ٣٣٤ق، القاهرة، المطبعة السلفية، ١٣٦٨، ٤٠٢ ص، متوسط.

رسالة في تاريخ، اخبار، احوال، اعيان وذكرا اعيان والقبائل وعشائر العرب في شبه الجزيرة واليمن وسلسلة انسابهم وبطونهم وفيه فوائد هامة من محقق الكتاب حول تصحيح سلاسل النسب واحوال الاعلام وتاريخهم وفوائد تاريخية أخرى ويوجد طبعة أخرى في ليدن، ١٩٥٣م بتصحيح OSCAR LÖFGRE.

### ٢٤. الاكليل في اخبار اليمن وانساب حمير

ابي محمد الحسن بن احمد بن يعقوب الهمداني المتوفى سنة ٣٣٤، تصحيح: OSCAR LÖFGREN، ١٩٥٣، ٨٦ ص، متوسط.

تصحیح قسم من كتاب الاكلیل وهو یشتمل على تاریخ، اخبار، احداث و ذكر الاعیان والقبائل وعشائر الیمن وسلسلة انسابهم وبطونهم وفيه مقدمة بتعریف الكتاب والمؤلف. ویوجد طبعة أخرى فی القاهرة، المطبعة السلفية، ١٣٦٨ق فی ٤٠٢ صفحة متوسط وایضاً طبعة فی القاهرة، المطبعة السنة المحمدية، ١٣٨٣-١٩٦٣ فی مجلدين بتصحیح محمد بن علی الاكوع.

٢٥. الاكلیل من اخبار الیمن وانساب حمیر: الكتاب العاشر فی معارف همدان وانسابها وعیون

اخبارها

ابی محمد الحسن بن احمد بن یعقوب الهمدانی المتوفی سنة ٣٣٤ق، حققه وعلق حواشیه ووقف على طبعه: محب الدین الخطیب، القاهرة، المطبعة السلفية، ١٣٦٨ق، ٣٧٦ص، متوسط. كتاب فی تاریخ، اخبار، احداث و ذكر الاعیان والقبائل والعشائر العرب فی شبه جزيرة العربیة والیمن وسلسلة انسابهم وبطونهم وفيه فوائدهامة من محقق الكتاب ویوجد طبعة من نفس الكتاب والمحقق فی صنعاء عن الدار الیمنیة فی سنوات ١٤٠٧-١٩٨٧ (الطبعة الاولى) و١٤٠٨-١٩٨٧ (الطبعة الثانية) فی ٣٥٢ صفحة بقطع متوسط.

٢٦. امالی

الامام الاواه المؤید بالله احمد بن الحسن بن هارون بن الحسن بن محمد بن هارون بن محمد بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب سلام الله علیه وعلى آتائه اجمعین متوفی سنة ٤١١ق ببلخ، صنعاء، مطبعة المعارف الجلیلة، ١٣٥٥، ٢٧ص، متوسط. احادیث عن النبی ﷺ مع ذكر سلسلة السند المتصل الیه فی السلسلة وحواشی الناشر معلومات مفیدة عن الانساب.

٢٧. الانساب؛ الجزء الاول، الجزء الثاني، الجزء الثالث، الجزء الرابع، الجزء الخامس

للإمام ابی سعد عبد الکریم بن محمد بن منصور التمیمی السمعانی المتوفی سنة ٥٦٢ق، تقديم وتعلیق: عبد الله عمر البارودي، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤٠٨-١٩٨٨، ط ١، ٥٢٠+٥٣٤+٥٧٨+٥٨٢+٧١٤ صفحة، متوسط.

هذا الكتاب یعد من المصادر والمراجع المهمة فی علم الانساب ویشتمل بعد المقدمة فی کلیات علم الانساب على ذكر انساب القبائل والعشائر واعیان العرب فی مشارق الارض ومغارها وقد رُتب على ترتیب حروف المعجم. توجد طبعة أخرى «نص المخطوط» الذي طبع بطريقة الافست وكتب المستشرق المعروف د. س. مرجیلوث مقدمة لتعریف الاثر وصاحبه ونشر المخطوط فی لندن فی سنة ١٩١٢ میلادی.



### ٢٨. الانساب

ابي سعيد عبدالكريم بن محمد بن منصور التميمي السمعاني المتوفى سنة ٥٦٢ق، اعتنى بنشره المستشرق د. س. مرجيلوث، اعادت مكتبة المثنى طبعه بالافست ١٩٧٠، ٦٢٤ص، كبير. هذا الكتاب عبارة عن نص مخطوط المؤلف الذي كتب المستشرق مقدمة لتعريف الاثر وصاحبه ونشر المخطوط في لندن في سنة ١٩١٢ ميلادى.

٢٩. انساب الاسر الحاكمة في الاحساء؛ القسم الاول العيونيون - آل عصفور - بنوجروان - آل جبر -

آل مغماس

ابوعبدالرحمن بن عقيل الظاهري، الرياض، داراليمامة، ١٤٠٣-١٩٨٣، ٣٢٢ص، صغير. تاريخ واحوال وانساب قبائل العيونيون، آل عصفور، بنوجروان - آل جبر وآل مغماس في منطقة الاحساء من شبه الجزيرة العربية.

٣٠. انساب الاسر الحاكمة في الاحساء؛ القسم الثاني بنوحميد (آل عريعر)

ابوعبدالرحمن بن عقيل الظاهري، الرياض، داراليمامة، ١٩٨٤، ٣٥٠ص، صغير. تاريخ واحوال وانساب قبيلة بنوحميد في منطقة الاحساء.

٣١. انساب الاسر والقبائل في الكويت

احمد عبدالعزيز المزيني، الكويت، ذات السلاسل، ١٤١٥-١٩٩٤، ط ١، ٢٧٠ص، متوسط. معجم مرتب حسب ترتيب الحروف الابجد في موضوع الاسر والبيوتات والقبائل والعشائر في منطقة الكويت وحوها ويذكر المؤلف نبذة تاريخية من الاسر والاعيان ويذكر سلسلة نسبهم وفيها فوائد ادبية وتاريخية.

٣٢. انساب الاشراف؛ القسم الثاني من الجزء الرابع

لاحمد بن يحيى بن جابر البلاذري، اورشليم، مطبعة جامعة اليهود، ١٩٤٠، ٢٢٠ص، كبير. لقد صحح هذه النسخة من انساب الاشراف وحققه MAX SCHLOESSINGER كتب مقدمة للتعريف بالمؤلف والتأليف وايضاً فهارس متعددة.

٣٣. انساب الاشراف؛ الجزء الخامس

لاحمد بن يحيى بن جابر البلاذري، تحقيق S. D. F. GOITEIN، اورشليم، مطبعة جامعة اليهود، ١٩٣٦، ٥٥٠ص، كبير.

لقد صحح هذه النسخة من انساب الاشراف وحققه وكتب مقدمة للتعريف بالمؤلف والتأليف وايضاً فهارس متعددة.

### ٣٤. انساب الخيل في الجاهلية والاسلام واخبارها

لابن الكلبي، تحقيق: احمد زكي، القاهرة، الدار القومية، ١٣٨٤-١٩٦٥، ١٣٨ ص، كبير  
دراسة في انساب الخيل.

### ٣٥. انساب الطالبين

لابي عبدالله حسين بن عبدالله الحسيني السمرقندي متوفى ١٠٤٣ق، دراسة وتحقيق: عبدالكريم  
ابراهيم دوخان الجنابي، القاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ١٤٢٦-٢٠٠٦، ط ١، ١٩٢ ص، متوسط.  
هذا الاثر يشتمل على ذكر نسب النبي محمد ﷺ ثم على بن ابي طالب ﷺ واولاده والفروع  
المتفرعة منه ﷺ وفي مقدمة المصحح تعريف بالمؤلف، والتأليف والمخطوط الموجود منه وايضاً  
تعليقات وحواشي مفيدة توضّح بعض الغموض في سلاسل واسماء النسب.

### ٣٦. انساب العترة الطاهرة (الخمسة اصحاب الكساء)

تحقيق: لبيب وجيه بيضون، ١٤١٥-١٩٩٥، ٦٤ ص، كبير  
رسالة في تحقيق نسب النبي ﷺ، الامام على ﷺ، الامام حسن ﷺ، الامام حسين ﷺ،  
المستشهدين من آل ابي طالب ﷺ في كربلاء.  
تحقيق: Traygo H Mann.

### ٣٧. انساب العرب

سمير عبدالرزاق القطب، بيروت، مكتبة دار البيان، ٣٣٤ ص، متوسط.  
كتاب في وصف الجزيرة العربية والقبائل والعشائر الموجودة فيها وذكر علم الانساب واخبار  
العرب وتقسيمات العرب وابامهم واخبارهم واسواقهم وحروبهم وشعرهم و... في الجاهلية والاسلام.

### ٣٨. انساب العرب القدماء وهو ردّ على القائلين بالأمومة والطونمية عند العرب الجاهلية

جرجي زيدان، ط ٢، ٧٧ ص، متوسط.  
رسالة في الردّ على احد المستشرقين «روبرتسن اسميت» الذي له رأي آخر في مسألة  
انساب العرب القائلين بالأمومة والطونمية في تسمية اسماء القبائل وانسابهم والاستاذ جرجي  
زيدان يناقشه ويذكر الرأي الصحيح من وجهة نظره.



### ٣٩. انساب القبائل العراقية وغيرها

السيد مهدي القزويني الحسيني المتوفى ١٣٠٠؛ حققه وصححه وعلق عليه وقدم له عبدالمولى الطريحي، النجف الاشرف، مطبعة البزاس، ١٤١٢-١٩٩١، ط ٢، ١٥٢ ص، صغير. دراسة في تاريخ وانساب القبائل العراقية.

### ٤٠. انساب القبائل العربية وغيرها

السيد مهدي القزويني الحسيني المتوفى ١٣٠٠ ق، النجف الاشرف، المكتبة المرتضوية، ١٣٣٧-١٩١٨، ٩٢ ص، صغير. دراسة في ذكر سلسلة انساب القبائل والعشائر العراقية. يوجد طبعة اخرى مع تصحيحات وتعليقات لعبد المولى الطريحي مطبوعة في النجف سنة ١٩٩١-١٤١٢.

### ٤١. انساب القبائل العربية وفق المصادر التاريخية

الشيخ فرحان عبدالعزيز المسلط، دمشق، دار الشجرة، ٢٠٠٢، ط ١، ٥٨٨ ص، متوسط. هذا الكتاب يشتمل على مقدمة في كليات علم الانساب ثم يتعرض لترجمة ونسب القبائل والعشائر العربية في منطقة الشامات والعراق والجزيرة العربية والمؤلف امير قبائل الجبور في سوريا والعراق.

### ٤٢. انساب قبائل العرب

عبد السلام حمد الحلبوني «واعظ مرسي مطروح»، القاهرة، دار الزيني للطباعة والنشر، ١٣٧٩-١٩٦٠، ط ١، ٤٨٠ ص، متوسط.

بحوث ومذكرات حول القبائل القانطين في صحراء مصر وليبيا وسودان ويذكر المؤلف تاريخ القبيلة واعيانهم والسادة والاشراف منهم ويذكر سلسلة نسبهم ويشير الى الاعيان والكبار في منطقة الصحراء ويذكر قسماً من عاداتهم وتقاليدهم وشعرهم.

### ٤٣. الانساب المتفقة في الخط المتماثلة في النقط والضبط

لابي الفضل محمد بن طاهر المعروف بابن القيسراني المتوفى سنة ٥٠٧ هجرية ويليه «زيادات للحافظ محمد بن ابي بكر بن عمر بن احمد بن عمرابي موسى الاصفهاني على كتاب الانساب المتفقة في الخط المتماثلة في النقط والضبط»، تصحيح: D. P. DE JONG، ليدن، ١٨٦٥،

٢٥٠ ص، متوسط.

رسالة في كيفية ضبط اسماء الانساب وبيان الخطأ والخلل في ضبط الاسماء ورتب حسب الحروف المعجمي.

#### ٤٤. الانساب المنقطعة «دراسة موثقة»

احمد عبدالرضا كريم، القاهرة، مكتبة مدبولي، ١٩٩٩، ٤٧٤ ص، متوسط.  
دراسة يتطرق فيها الى حقيقة اصول بعض القبائل والعشائر والتداخل والانتقاع الحاصل بينها منذ القدم.

#### ٤٥. الانصاف في تاريخ الاشراف في المغرب الاقصى «الادارسة»

محمد سليمان الطيب، القاهرة، دار الفكر العربي، ١٤١٥-١٩٩٤، ط ١، ١٧٦ ص، متوسط.  
كتاب في تاريخ واحوال وانساب سلسلة الادارسة من اشراف المغرب منذ الفتح الاسلامي الى زوال الخلافة العباسية والمؤلف من المعاصرين المختصين في الانساب في مصروله موسوعة مطبوعة في الانساب.

#### ٤٦. الإيناس بعلم الانساب

الوزير بن المغربي ابي القاسم الحسين بن علي بن الحسين (٣٧٠-٤١٨ ق)، تحقيق: لجنة التحقيق، القاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ١٤٢٠-٢٠٠٠، ١٧٦ ص، متوسط.

رسالة في ذكر انساب العرب وقبائلهم وعشائرهم وسلاسلهم وقد رتّب حسب الحروف المعجم. ويوجد طبعة أخرى بتحقيق ابراهيم الايباري، القاهرة - بيروت، دار الكتاب المصري - دار الكتاب اللبناني، ١٤٠٠-١٩٨٠، في ٢٩٦ صفحة بقطع متوسط وايضاً يوجد طبعة أخرى بتحقيق حمد الجاسر في الرياض، دار اليمامة في سنة ١٤٠٠-١٩٨٠ في ٣٨٨ صفحة بقطع متوسط منضمّاً اليه كتاب مختلف القبائل ومؤتلفها لابن الحبيب البغدادي المتوفى سنة ٢٤٥ ق.

#### ٤٧. الايناس في علم الانساب

الحسين بن علي بن الحسين الوزير المغربي (٣٧٠-٤١٨ ق)، مختلف القبائل ومؤتلفها، تأليف ابي جعفر محمد بن حبيب البغدادي المتوفى سنة ٢٤٥ ق، اعدّها للنشر: حمد الجاسر، الرياض، دار اليمامة، ١٤٠٠-١٩٨٠، ط ١، ٣٨٨ ص، متوسط.

«الايناس» رسالة في ذكر انساب العرب وقبائلهم وعشائرهم وسلاسلهم وقد رتّبت حسب



الحروف المعجم ويوجد طبعة اخرى بتحقيق ابراهيم الايباري في (القاهرة - بيروت، دار الكتاب اللبناني - دار الكتاب المصري) في سنة ١٤٠٠-١٩٨٠ في ٢٩٦ صفحة بقطع المتوسط وايضاً طبعة اخرى بتحقيق (لجنة التحقيق) في القاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، في سنة ١٤٢٠-٢٠٠٠ في ١٧٦ صفحة بقطع متوسط.

اما الرسالة الثانية «مختلف القبائل ومؤتلفها» تشتمل على اسماء القبائل والعشائر العربية وانسابهم ويوجد طبعة اخرى بتحقيق ابراهيم الايباري في (القاهرة - بيروت، دار الكتاب المصري - دار الكتاب اللبناني) في سنة ١٩٨١ في ١٥٨ صفحة بقطع متوسط وايضاً طبعة اخرى بتصحيح المستشرق المعروف وستنفذ طبع في سنة ١٨٥٠م بمدينة جوتنجن.

#### ٤٨. بحث مختصر في الشجرة النبوية على طريقة علم الانساب الحديث

محمد نبيل القوتلي، دمشق، دار البشائر، ١٤١٧-١٩٩٦، ط ٢، ٧٤٠ ص عربي، ٣٣٦ ص انكليزي، متوسط.

بحث للشجرة النبوية ﷺ يظهر خصائص اسلوب علم الانساب الحديث في تقييم القرابة بين كل فرد من المجموعة ويشتمل على المشجرات الهندسية والمسلسلات الهندسية والتقارير النسبية ويضم البحث اثني وعشرين جيلاً، عشرة منها ترجع الى ما قبل رسول الله ﷺ. وهذا الكتاب فريداً في نوعه واسلوبه وترتيبه لسلسلة انساب آباء النبي ﷺ وذريته ويشتمل ايضاً على سلالة الخلفاء وفيه فهارس مختلفة يسهل البحث والتحليل. والمؤلف يعتمد اسلوب القضايا والمسائل والموضوعات الحديث في علم القرابات (قرابة العصب (Consanguinity) وقرابة المصاهرة (Affinity)).

#### ٤٩. بحث مختصر في انساب العرب؛ قحطان وقضاعة؛ الجزء الاول

محمد نبيل القوتلي، دمشق، دار البشائر، ١٤١٨-١٩٩٧، ط ١، ٩٨٢ ص، متوسط. كتاب آخر للمؤلف وهو بحث مختصر في الشجرة النبوية بنفس الاسلوب والطريقة ويشتمل هذا الجزء (الاول) على انساب وسلاسل قبائل «قحطان وقضاعة».

#### ٥٠. بحث مختصر في انساب العرب؛ عدنان «نزار، الياس، قيس عيلان، ومختصر نسب محمد

رسول الله ﷺ»؛ الجزء الثاني

محمد نبيل القوتلي، دمشق، دار البشائر، ١٤١٩-١٩٩٨، ط ١، ١٠٦٠ ص، متوسط. المؤلف يتابع نفس الاسلوب والطريقة المعمول بها في الجزء الاول ويشتمل هذا الجزء (الثاني) على انساب وسلاسل قبائل «نزار، الياس، قيس عيلان، ومختصر نسب محمد رسول الله ﷺ».

٥١. بحث مختصر في انساب العرب؛ عدنان «مدركة»؛ الجزء الثالث

محمد نبيل القوتلي، دمشق، دار البشائر، ١٤١٩-١٩٩٨، ط ١، ١٢٥٤ ص، متوسط.  
المؤلف يتابع نفس الاسلوب والطريقة المعمول بها في الجزء الاول والثاني ويشتمل هذا الجزء  
(الثالث) على الشطر الثاني من نسب عدنان وهو انساب ولد مدركة بن الياس.

٥٢. بحث مختصر في انساب العرب؛ بنوهاشم؛ الكتاب الخامس

محمد نبيل القوتلي، دمشق، دار البشائر، ١٤٢٠-١٩٩٩، ط ١، ١٠٩٠ ص، متوسط.  
المؤلف يتابع نفس الاسلوب والمنهج المعمول به في الاجزاء الثلاثة ويشتمل هذا الكتاب  
(الكتاب الخامس) على انساب وسلاسل بني هاشم ويشتمل على الاعلام لغاية القرن الرابع  
من الهجرة.

٥٣. بحر الانساب

ابو محمد السيد الحسن المشتهر بركن الدين الحسيني الموصللي، باهتمام الحاج السيد محمود  
الحسيني المرعشي، تهران، چاپ اسلاميه، ١٣٥٨ ش، ١٨٠ ص، متوسط.  
هذه طبعة للمخطوط بطريقة الاوفست واورد المؤلف في الكتاب سلسلة انساب العلويين  
وبعض التراجم والانساب بطريقة التشجير وكتب مقدمة للكتاب النسابة الكبير المرحوم آية الله  
مرعشي النجفي رحمته الله.

٥٤. بحر الانساب المحيط

السيد حسين محمد الرفاعي الحنقي الشافعي، القاهرة، ١٣٥٦، ٢٦٤ ص، كبير.  
هذا الكتاب ذيل ومستدرک لكتاب «بحر الانساب المسمى بالمشجر الكشاف لاصول  
السادة الاشراف للسيد محمد بن احمد بن عميد الدين علي الحسيني النجفي من اعلام القرن  
التاسع والعاشر الهجري» ويقول الرفاعي: «لقد سبقني الى هذا (كتابة الذيل والمستدرک على  
بحر الانساب النجفي) السيد مرتضى الزبيدي المتوفى ١٢٠٥ في ايصال جماعة من الاشراف الى  
ما وصل اليه البحث من الامام النجفي وانا قد نسجت على منواله وواصلت نسب هؤلاء السادة  
الاشراف ليكون هذا البحر سجلاً عاماً الى سنة ١٣٥٥ هجرية وعلى ذلك سميته بحر الانساب  
المحيط. وهو كتاب يشتمل على ذكر انساب وذرية آل النبي صلى الله عليه وآله ونص الكتاب مطبوع بشكل  
المشجر المخطوط. يوجد طبعة اخرى من كتاب الامام النجفي بتصحيح الشريف انس الكتبي  
الحسيني، المدينة المنورة، دار المجتبي، ١٤١٩-١٩٩٩، الذي يشتمل على مقدمة وملحق.



**٥٥. بحر الانساب المسمى بالمشجر الكشاف لاصول السادة الاشراف**

السيد محمد بن احمد بن عميد الدين الحسيني النجفي من اعلام القرن التاسع والعاشر الهجري، تحقيق: الشريف انس الكتبي الحسيني، المدينة المنورة، دارالمجتبى، ١٤١٩-١٩٩٩، ط ١، ٣٣٢ ص، كبير.

اثر في ترتيبات وطبقات وسلاسل آل بيت النبي ﷺ وذريتهم وسادة الاشراف مرسوم بخط اليد بشكل المشجر والمصحح كتب مقدمة في تعريف الكتاب والاثروملحق يستدرک بعض ما فات من الاصل. ويوجد طبعة اخرى بتصحيح: السيد حسين محمد الرفاعي، القاهرة، ١٣٥٦. وايضاً يوجد طبعة اخرى بتصحيح عارف احمد عبدالغني وعبدالله بن حسين السادة في دمشق، داركنان، ١٤٢٢-٢٠٠١.

**٥٦. البستان الظريف، في دولة اولاد مولاي الشريف: القسم الاول من النشأة الى نهاية عهد**

سيدي محمد بن عبدالله

ابوالقاسم الزباني المتوفى ١٢٤١ق، دراسة وتحقيق: رشيد الزاوية، المملكة المغربية [الرباط]، وزارة الشؤون الثقافية، ١٩٩٢، ط ١، ٥١٠ ص، متوسط.

هذا الكتاب يعالج التاريخ المغربي العام «اخبار الدولة العلوية والسعديين» وايضاً تاريخ الدولة العثمانية بالآستانة ويشتمل على ذكر الاعلام والعلماء والبيوتات والاحداث وغيرها وفيه اشارات مفيدة الى سلاسل انساب السادة والاشراف في المغرب العربي.

**٥٧. بطل فخر الحسين بن علي بن الحسن بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب ؑ**

محمد هادي الاميني، النجف، مطبعة الحيدرية، ١٣٨٨-١٩٢٩، ٢٠٩ ص، متوسط.

في تاريخ ثورة الفخر وتاثيره «حسين بن علي» ثورات العلويين والمقتولين منهم والمسجونين - موقف الأئمة ؑ من ثورات العلويين.

**٥٨. بعض الاعيان واعلام القبائل في وثائق المحكمة الشرعية بالمدينة المنورة خلال العهد**

العثماني (٩٦٠-١٣٠٠ق، ١٥٥٣-١٨٨٣م)

بحث واعداد: فائز بن موسى البدراني الحربي.

بحوث تتعلق بتاريخ المدينة المنورة خلال العهد العثماني مما له علاقة بامراء واعلام ومشايخ المدينة وفيه فوائد ترجع الى انساب القبائل والعشائر في منطقة المدينة المنورة وايضاً اشارات الى بعض الحوادث والاحداث المؤثرة في تاريخها السياسي والاجتماعي.

٥٩. بغية الحائر في احوال اولاد الامام الباقر عليه السلام

السيد حسين الحسيني الزرباطي، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ١٤١٦، ط ١.  
دراسة وتحقيق مفصل في اولاد وذرية الامام الباقر عليه السلام وترجمة احوالهم وتاريخهم ومقابرهم وتبيين  
الصحيح والسقيم من المنسوبين الى الامام الباقر عليه السلام وفيه مقدمة مفصلة حول الأوضاع الأمنية  
والسياسية في العصر الاموي وبيان الضغوط والقسوة التي كان يمارسها الحكام ضد العلويين.

٦٠. بلد؛ آثارها، عشائرها، أعلامها

عبد الامير مهدي الطائي، بغداد، مطبعة القبس، ١٤١٤-١٩٩٤، ١٧٦ ص، متوسط.  
بحوث في تاريخ، احداث، رجال، اعيان وسلسلة انساب القبائل والعشائر في «بلد»  
احدى المناطق العراقية.

٦١. البيان والاعراب عما بأرض مصر من الاعراب؛ بحث في طوائف العرب من بأرض مصر من  
زمن الفتح... الخ

احمد بن علي بن عبدالقادر بن محمد المقرئ المصري في سنة ٨٤١ هجرية.  
المؤلف صاحب كتاب المعروف بالخط والامار وله مؤلفات كثيرة في شتى العلوم خاصة في  
الانساب وهذا الكتاب يشتمل على ذكرا نساب وبطن القبائل العربية في ارض مصر من صدر  
الاسلام الى زمن المؤلف.

٦٢. البيوتات العلوية في كربلاء «الجزء الاول»

تحقيق مزود باوثق المصادر عن قبيلة آل فائز الموسوية، السيد ابراهيم شمس الدين القزويني  
الحائري، كربلاء، مطبعة كربلاء، ١٣٨٢-١٩٦٣، ٥٨ ص، صغير.  
دراسة في تاريخ واحوال وانساب البيوتات العلوية في مدينة كربلاء وضواحيها منذ بناء  
المدينة الى يومنا هذا.

٦٣. بيوتات مدينة سلا

جان كوستي تعريب بلقاسم بن العربي عشاش، تقديم وتحقيق: نجالة الميرني، سلا  
[الرباط]، الخزانة العلمية الصباحية، ١٩٨٩، ١٥٦ ص، متوسط.  
اصل الكتاب باللغة الفرنسية ألف في سنة ١٩٢٥ وطبع بالرباط سنة ١٩٣١ في ايام الاستعمار  
الفرنسي والمؤلف كان من موظفي الحكومة الفرنسية في سلا والدراسة عبارة عن تاريخ مدينة  
سلا واهم تطوراتها التاريخية واشهر البيوتات والعائلات في المدينة مع ذكرا نسابهم وذرايرهم.



٦٤. تاريخ اشرف الحجاز؛ خلاصة الكلام في بيان امراء البلد الحرام ١٨٤٠-١٨٣٣

احمد بن زيني دحلان، تحقيق وتحليل محمدا مين توفيق، بيروت، دار الساقى، ١٩٩٣، ط ١، ١٠٨ ص، متوسط.

هذا الكتاب من اهم مؤلفات مفتى مكة «الشيخ احمد دحلان ١٨١٦-١٨٨٦» الذي تتبع نشأة الاسر الشريفة الحاكمة للحجاز ونجد ومناطق أخرى من شبه الجزيرة العربية وتطوراتها وتأثيرها وتأثرها بالسياسة والاجتماع.

٦٥. تاريخ امراء المدينة المنورة اق-١٤١٧ق

عارف احمد عبد الغني، دمشق، دار كنان، ١٤١٧-١٩٩٦، ٥٢٨ ص، متوسط.  
اثر في تاريخ وترجمة الامراء والحكام الذين حكموا المدينة المنورة وفيه اشارات الى سلسلة انساب بعضهم وذريتهم.

٦٦. تاريخ شرقي الاردن وقبائلها

اللفتنت كولونيل فردريك ج بيك، تعريب: بهاء الدين طوقان، عمان [الاردن]، الدار العربية، ١٣٥٣-١٩٣٥، ٤٦٢ ص، متوسط.

كتاب تاريخي في جزئين، الجزء الاول يدرس تاريخ واحوال منطقة الشرقي بالاردن منذ عصور ما قبل التاريخ حتى قبيل الحرب العالمية الثانية. وفي الجزء الثاني يهتم المؤلف بذكر تاريخ واحوال وسلسلة انساب القبائل في شرق الاردن «قبائل منطقة البادية»، «قبائل منطقة البلقاء»، «قبائل منطقة عجلون»، «قبائل منطقة الكرك»، «قبائل منطقة معان»، «قبائل الشركس والشبشان والترکمان والبهائيون».

٦٧. تاريخ الشرفاء

دييكوندى طوريس؛ ترجمه الى العربية: محمد حجي، محمد الاخضر، دار البيضاء، المدارس، ١٩٨٨، ٢٤٤ ص، متوسط.

هذا الكتاب من المراجع التي لا غنى عنها لمن يدرس تاريخ المغرب في عهد السعديين وفيه فوائد تتعلق بعلم الانساب لشرفاء والسادة في الغرب الاسلامي والاندرلس والكتاب ألف في نهاية العقد الاخير من القرن السادس عشر الميلادي.

٦٨. تاريخ القبائل العربية في عصر الدولتين الايوبية والمملوكية  
محمود السيد، الاسكندرية، مؤسسة شباب الجامعة، ١٩٩٨، ٢٨٠ ص، متوسط.  
دراسة في تاريخ وتطورات القبائل العربية في مصر في ايام الايوبيين والمماليكة.
٦٩. تاريخ المشاهد المشرفة؛ هذا البحث يعطيك صورة صادقة بأسلوب رصين محكم، وتحقيق  
بناء يوضح مدى صحة المراقد المنسوبة لآل البيت عليهم السلام؛ الجزء الاول  
السيد حسين ابوسعيدة، بغداد، مطبعة الجاحظ، ١٤١٩-١٩٩٨، ٣٠٢ ص، متوسط، ط ١.  
تحقيق في تاريخ، انساب ومزارات ومراقد آل البيت عليهم السلام حسب الترتيب الابدائي وهذا الجزء  
يختص بذكر بعض المراقد المنسوبة لذرية الامام موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام.
٧٠. تاريخ المشاهد المشرفة؛ هذا البحث يعطيك صورة صادقة بأسلوب رصين محكم وتحقيق  
بناء يوضح مدى صحة المراقد المنسوبة لآل البيت عليهم السلام؛ الجزء الثاني  
السيد حسين ابوسعيدة، بيروت [؟]، مركز العترة للدراسات والبحوث، ١٤٢١-٢٠٠٠،  
٣٢٨ ص، متوسط.
- هذا الجزء يكمل ذكر البعض الآخر من ذرية الامام موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام وكذلك  
بعض المراقد المنسوبة الى الامام الحسن السبط عليه السلام.
٧١. تاريخ قبائل هلاله بسوس المُسمي اتحاف اهل البدو والقرى بسلالة زينب الكبرى بنت  
فاطمة الزهراء بضعة سيد الوري عليه السلام  
الفقيه محمد بن احمد البوقدوري، دارالبيضاء، مطبعة النجاح الجديدة، ١٤٢١-٢٠٠٠، ط ١،  
٣١٢ ص، متوسط.
- دراسة في تاريخ، تراجم علماء اعيان واسرمن قبيلة «هلاله» في المغرب.
٧٢. التبيين في انساب القرشيين  
موفق الدين ابي محمد عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامة المقدسي متوفى سنة ٦٢٠ ق،  
تحقيق: محمد نايف الديلمي، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٨-١٩٨٨، ط ٢، ٦٧١ ص، متوسط.  
دراسة في انساب قریش.
٧٣. التحفة الذهبية في انساب الجزيرة العربية  
ابراهيم جارالله بن دخنة الشريفي، الكويت، مؤلف، ١٤١٧-١٩٩٦، ط ٢، ١٣٨ ص، متوسط.

دراسة مفصلة حول الانساب والاسر والقبائل في شبه الجزيرة العربية وللمؤلف مؤلفات اخرى في موضوع الانساب منها: الموسوعة الذهبية في انساب قبائل واسر شبه الجزيرة العربية في تسع مجلدات.

#### ٧٤. تحفة الأبييه فيمن نسب الى غير ابيه

لمجدالدين محمد بن يعقوب الفيروزآبادي ٧٢٩-٨١٧، في ذكر ٦١ شخص من الذين نسبوا الى غير ابيهم، ١٤ ص، صغير.  
مكتوب فوق كل صفحة «من نوادر المخطوطات».

#### ٧٥. تحفة الاحباب وبغية الطلاب في الخطط والمزارات والتراجم والبقاع المباركات

نورالدين علي بن احمد بن عمر بن خلف بن محمود السخاوي الحنفي من علماء القرن الثامن والتاسع للهجرة، القاهرة، مكتبة الكليات الازهرية، ١٤٠٦-١٩٨٦، ط ٢، ٤٧١ ص، متوسط.  
كتاب في ذكر تاريخ وترجمة احوال واشارة الى المزارات والمقابر من الصحابة والتابعين والشهداء والاولياء والكبار والعلماء والاعيان والفقهاء والشعراء والمحدثين والخطباء في مصر وفيه مقدمة في فضل زيارة القبور والمزارات وفيه اشارات مفيدة الى نسب بعض المرحومين والمقبورين يوجد طبعة اخرى من هذا الكتاب بتحقيق «محمود ربيع» و«حسن قاسم» المطبوع بالقاهرة سنة ١٣٥٦-١٩٣٧، القاهرة، مكتبة النشر والتأليف الازهرية، في ٤٠٨ صفحة بقطع متوسط.

#### ٧٦. تحفة الاحباب وبغية الطلاب في الخطط والمزارات والتراجم والبقاع المباركات

نورالدين علي بن احمد بن عمر بن خلف بن محمود السخاوي الحنفي من علماء القرن الثامن والتاسع للهجرة، قام بتصحيحه ومراجعته والتعليق عليه: محمود ربيع - حسن قاسم، القاهرة، مكتبة النشر والتأليف الازهرية، ١٣٥٦-١٩٣٧، ٤٠٨ ص، متوسط.  
كتاب في ذكر تاريخ وترجمة احوال واشارة الى المزارات والمقابر من الصحابة والتابعين والشهداء والاولياء والكبار والعلماء والاعيان والفقهاء والشعراء والمحدثين والخطباء في مصر وفيه مقدمة في فضل زيارة القبور والمزارات وفيه اشارات مفيدة الى نسب بعض المرحومين والمقبورين ويوجد طبعة اخرى في القاهرة، مكتبة الكليات الازهرية ١٤٠٦-١٩٨٦ في ٤٧١ صفحة بقطع متوسط.

٧٧. تحفة الازهار وزلال الانهار في نسب ابناء الائمة الاطهار عليهم صلوات الملك الغفار، المجلد الاول في نسب ابناء الامام الحسن بن على عليه السلام، المجلد الثاني، القسم الاول في نسب ابناء الامام الحسين بن على عليه السلام، المجلد الثاني، القسم الثاني في نسب ابناء الامام موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام ضامن بن شدقم الحسيني المدني كان حياً سنة ١٠٩٠ق، تحقيق وتعليق: كامل سلمان الجبوري، آية ميراث (مرآة التراث)، ١٩٩٩-١٤٢٠، ٥١٤+٥٥٨، ص، متوسط.

يعتبر هذا الاثر من اوسع الكتب المتخصصة في انساب العلويين ومن المراجع الهامة لكثير من المعنيين بالانساب والتراجم والتاريخ والسير وحاول مؤلفه ان يؤرخ للعلويين في جميع انحاء العالم ويوصل بين اجذامهم واصولهم التي انحدروا منها خلال مراحل تاريخية طويلة من القرن الاول حتى اواخر القرن الحادى عشر.

٧٨. تحفة الدهر في نسب الاشراف بني بحر ونسب من حقق نسبه وسيرته من اهل العصر محمد بن الطاهر بن ابي القاسم البحر (١٠٠٢-١٠٨٣ق)، تحقيق: عبدالله محمد الحبشي، حسني محمد دياب، العين [الامارات]، مركز زايد للتراث والتاريخ، ١٤٢٥-٢٠٠٤، ط ١، ٢١٢، ص، متوسط.

رسالة في تاريخ وذكر الاعيان والكبار وترجمة احوالهم والقبائل والعشائر وسلسلة انسابهم في اليمن خلال القرن الحادى عشر الهجري ويتضمن فوائد تاريخية هامة.

٧٩. تحفة الزمن في تاريخ سادات اليمن؛ الجزء الاول، الجزء الثاني حسين بن عبدالرحمن بن محمد الأهل اليمنى (٧٨٩-٨٥٨ق)، تحقيق: عبدالله محمد الحبشي، ابوظبي [امارات]، المجمع الثقافي، ١٤٢٥-٢٠٠٤.

هذا الاثر تراجم احوال العلماء والاعيان والاشراف والسادة اليمن في عصر الدولة الرسولية في اليمن (٦٢٦-٨٥٨ق) وفيها فوائد تاريخية هامة وبعبارة اخرى تلخيص وتهذيب واضافات لتاريخ الجندي الذي يُعدّ من مصادر الاصلية في تاريخ اليمن في العهد الرسولي.

٨٠. تحفة الطالب بمعرفة من ينتسب الى عبدالله وابي طالب السيد محمد بن الحسين بن عبدالله الحسيني السمرقندي المدني المتوفى سنة ٩٦٦، تحقيق: الشريف انس الكتبي الحسيني، المدينة المنورة، دار المحتبى، ط ١، ١٤١٨-١٩٩٨، ٢٠٤، ص، متوسط.

بحوث في تاريخ وحوال وانساب ذرية النبي وذكر سلاسل السلاطين والحكام فى البلدان الاسلامية شرقاً وغرباً حتى القرن العاشر الهجري.

ولحقق الكتاب تأليف آخر في الانساب وهو: الاصول في ذرية بضعة الرسول صلوات الله عليه وآله.



### ٨١. تحفة المحبين والاصحاب في معرفة ما للمدنيين من الانساب

عبدالرحمان الانصاري المتوفى سنة ١١٩٧ق، تحقيق: محمد العروسي المطوي، تونس، المكتبة العتيقة، ١٣٩٠-١٩٧٠، ٥٧٦ ص، متوسط.

دراسة في ذكر بيوتات وكبار واعيان وسلسلة انساب اهل المدينة المنورة وايضاً يصور مجتمع «المدينة المنورة» في القرن الثاني عشر للهجرة في مختلف اوضاعه السياسية والاجتماعية والاقتصادية. ويتضمن تعليقات مفيدة للمصحح.

### ٨٢. تحفة ذوى الأرب في مشكل الاسماء والنسب

لابن الخطيب الدهشة نورالدين محمود بن احمد بن محمود الفيومي متوفى ٨٣٤، ليدن، ١٩٠٥، ٢٠١+٣٣ ص، صغير.

يشتمل على قسمين: القسم الاول في الاسماء والقسم الثاني في مشكل الانساب وفي آخر الكتاب:

... وفرغت منه ليلة السبت لليلتين خلتا من جمادى الأخرى كلاهما في سنة اربع وثمانمئة.

### ٨٣. تحفة لب اللباب في ذكر نسب السادة الانجاب

ضامن بن شذقم بن علي الشدقي الخمري الحسيني المدني من اعلام القرن الحادى عشر، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفي، ١٤١٨ق- ١٣٧٦ش، ط ١، ٤٠٠ ص، متوسط.

هذا الكتاب يشتمل على ذكر تراجم احوال وانساب نسل السبطين ابي محمد الحسن وابي عبدالله الحسين عليه السلام ورتبه على حروف المعجم ذاكراً اهل العلم والفضلاء العظام وما صدر منهم من الاجلال والاحترام وما اصابهم من المذلة والاهانة من حسد اللئام.

### ٨٤. التذكرة في الانساب المطهرة

للعامة النسابة جمال الدين ابي الفضل احمد بن محمد بن المهنا الحسيني العبيدلي من اعلام القرن السابع، اعداد وتقديم السيد مهدي الرجائي، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفي عليه السلام، ١٤٢١ق-١٣٧٩ش، ط ١، ٣٥٢ ص، متوسط.

كتاب قيّم في الانساب يبدأ بذكر اعقاب محمد النفس الزكية ثم اعقاب الامام الكاظم والصادق والسجاد وعلى بن ابي طالب عليه السلام وفي الاخير يذكر اعقاب عبدالمطلب وسائر القبائل العربية والملوك والانبياء عليهم السلام والكتاب مطبوع بشكل مشجّر.

#### ٨٥. تذكرة الالباب باصول الانساب

للشيخ ابي جعفر احمد بن عبد الولي البتّي البلسي الاندلسي (المتوفى ٤٨٨ق)؛ رواية عبد الملك بن زكريا بن حسان المقرئ، تحقيق: السيد محمد مهدي الموسوي الخرساني؛ تقديم السيد هادون احمد العطاس، بيروت، مؤسسة المواهب، ١٤٢٢-٢٠٠١، ط ١، ١٥٢ ص، متوسط.  
رسالة في اصول انساب عدنان واصول انساب قحطان مع مقدمة مفصلة للتعريف للكتاب والمؤلف.

#### ٨٦. التعريف في الانساب والتنويه لذوى الاحساب

احمد بن محمد بن ابراهيم الاشعري القرطبي المتوفى ٥٥٠ق، تحقيق وتعليق وتقديم: سعد عبدالمقصود ظلام، القاهرة، دار المنار، ١٩٩٠، ٣٥٠ ص، متوسط.  
اثر معروف في علم الانساب يشتمل على احوال وذكر سلسلة انساب وآباء النبي ﷺ ثم ذريته ثم قبائل وعشائر العرب في شبه الجزيرة العربية وفي مقدمة المحقق تعريف بالمؤلف والتأليف.

#### ٨٧. تهذيب الانساب ونهاية الاعقاب

ابي الحسن محمد بن ابي جعفر شيخ الشرف العبيدلي النسابة المتوفى ٤٣٥ق؛ استدراك وتعليق عبد الله الشريف الحسين بن محمد المعروف بابن طباطبا الحسيني النسابة المتوفى ٤٤٩ق، تحقيق: شيخ كاظم الحمودي، اشراف سيد محمود المرعشي، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ١٤١٣، ط ١، ٥٨٤ ص، متوسط.

كتاب في انساب السادة آل ابي طالب والمؤلف لا يستقصي كافة الاولاد المنتسبين الى الذرية النبوية بل يذكر فقط من اتصل عقبه وبقيت ذريته دون من انقرض عقبه او درج وذلك ان قصده اثبات اتصال السادة الموجودين وتصحيح انسابهم وما يترتب عليه من الآثار التي كانت تهم التقباء والتقباط.

#### ٨٨. جامع انساب قبائل العرب

سلطان طريخ المذهن السرحاني، الدوحة، دار الثقافة، ١٧٤ ص، متوسط.  
دراسة في قبائل العرب وانسابهم.

#### ٨٩. جذوة الاقتباس في نسب بني العباس

محمد مرتضى الحسيني الزبيدي، تحقيق يحيى محمود بن جنيد، بيروت، الدار العربية، ١٤٢٦-٢٠٠٥، ١٤٨ ص، صغير.

مؤلف الرسالة هو محمد بن المرتضى الزبيدي صاحب تاج العروس متوفى ١٢٠٦ هجرى





والرسالة تجميع مختصر من المراجع المعروفة عن بعض العباسيين مع التركيز على الخلفاء العباسيين والرسالة مفيدة لقلة ما هو معروف من المؤلفات عن انسابهم.

#### ٩٠. جريدة النسب لمعرفة من انتسب الى خيرأب

محمد حسين الحسيني الجلالى من مواليد ١٣٦٢ق في كربلاء، عمان (الاردن)، مطبعة النجمة، ١٤١٨-١٩٩٨، ١٤٤ ص، متوسط.

لقد اعتمد المؤلف على «الرسالة الاسدية» من مؤلفات النسابة سراج الدين محمد قاسم المختارى (قرن ١٠ق) والتي نشرها لأول مرة المرحوم آية الله المرعشي النجفي في ١٣٩٣ في طهران، كتابفروشى آخوندى، فلخصها وجعلها اصلاً ثم عقبها بالزيادات التي وقف عليها. مقدمة في العناية بالنسب ومصطلحاته، طبقاته، ثبوتها - اعقاب الأئمة الاثني عشر-.

#### ٩١. جمهرة انساب الاسر المتحضرة في نجد: القسم الاول «الف-ض»، القسم الثاني «ط-ى»

حمد الجاسر، الرياض، دار اليمامة، ١٤٢١، ط ٣، ٩٢٤ ص في مجلدين، متوسط. دراسة مفصلة من تأليفات الاستاذ المرحوم حمد الجاسر من كبار علماء العالم الاسلامي في التاريخ والانساب فقد نشر قبل ذلك «معجم القبائل المملكة العربية السعودية» عن انساب القبائل التي لم تتحصّر جميع فروعها وهذا الكتاب عن انساب الفروع المتحصّرة في نجد خاصة.

#### ٩٢. جمهرة انساب العرب

لابي محمد علي بن احمد بن سعيد بن حزم الاندلس ٣٨٤-٤٥٦ق، تحقيق وتعليق: عبدالسلام محمد هارون، القاهرة، دار المعارف، ١٣٩١-١٩٧١، ٦٩٦ ص، متوسط.

هذا الكتاب من اوسع كتب النسب واغناها وادقها، فقد استفاد المؤلف من جميع كتب الانساب والتراجم والرجال واستخلص منها مادة الكتاب، كما اشار الى الاحداث التاريخية والقبلية والادبية وذكر المدن والمسكن التي تجمهرت فيها القبائل العربية ويتحدث عن المفاخرة بين عدنان وقحطان بالاضافة الى قضاة ويقدم دراسة قيمة عن نسب بني اسرائيل معتمداً على التوراة.

ويوجد طبعة اخرى من الكتاب بتصحيح لجنة من العلماء في بيروت، دار الكتب العلمية في سنة ١٤٠٣-١٩٨٠. في ٦٧٢ صفحة بقطع متوسط.

#### ٩٣. جمهرة انساب العرب

لابي محمد علي بن احمد بن سعيد بن حزم الاندلسي المتوفى ٤٥٦ق، راجع النسخة وضبط

اعلامها: لجنة من العلماء باشراف الناشر، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٣-١٩٨٣، ط ١، ٦٧٢ ص، متوسط.

هذا الكتاب من اوسع كتب النسب واغناها وادقها، فقد استفاد المؤلف من جميع كتب الانساب والتراجم والرجال واستخلص منها مادة كتابه هذا. كما اشار الى الاحداث التاريخية والقبلية والادبية وذكر المدن والمساكن التي تجمهرت فيها القبائل العربية ويتحدث عن المفارقة بين عدنان وقحطان بالاضافة الى قضاة ويقدم دراسة قيمة عن نسب بني اسرائيل معتمداً على التوراة.

#### ٩٤. جمهرة انساب امهات النبي ﷺ

حسين بن حيدر محبوب الهاشمي؛ تقديم يوسف بن عبدالرحمن المرعشلي، المدينة النبوية، دار البخاري، ١٤١٨-١٩٩٨، ٢٤٣ ص، متوسط.

لما كان جلّ اهتمام علماء الانساب منصباً على بيان انساب آباء النبي محمد ﷺ واجداده من الرجال ولم يهتم احد ببيان نسبه من جهة امهات ابيه وامه، اختار مؤلف هذا الكتاب هذا القسم المتروك وقد اهتم بجمعهم في هذا الكتاب فبين فيه ام ابيه وام جده... وهكذا من جهة آبائه، ثم امه وام ابيها وام امها... وهكذا ويشتمل على رسم المشجرات تقرب ذهن القاري بالرسم ماتعب في بيانه بالشرح.

#### ٩٥. جمهرة النسب لابن الكلبي؛ رواية سعيد السكري عن ابن حبيب عنه ومختصر الجمهرة

وحواشيه؛ الجزء الاول

حققه واكملة ونسقه: عبدالستار احمد فراج، الكويت، مطبعة حكومة الكويت، ١٤٠٣-

١٩٨٣، ٥١٦ ص، كبير.

كتاب معروف يعد من مصادر ومراجع علم الانساب وغني عن التعريف.

#### ٩٦. جمهرة النسب

لابي المنذر هشام بن محمد بن السائب الكلبي المتوفى سنة ٢٠٤ ق؛ رواية الشكري عن ابن حبيب، تحقيق: ناجي حسن، بيروت، عالم الكتب، مكتبة النهضة العربية، ١٤٠٧-١٩٨٦، ط ١، ٧٣٦ ص، متوسط.

هذا الاثر يعد من المصادر والمراجع في علم الانساب وكثير من مؤلفي كتب الانساب الذي



الفوا كتاباً بعد جمهرة النسب استفادوا منه كثيراً وقد اعتمد المصحح على مخطوط وحيد محفوظ  
بمكتبة المتحف البريطاني.

#### ٩٧. جمهرة نسب قريش واخبارها

للزبير بن بكار ١٧٢-٢٥٦ق، شرحه وحققه: محمود محمد شاكر، القاهرة، مكتبة دار العروبة،  
١٣٨١، ٨٠+٥٩٢ص، متوسط.

هذا الكتاب يعدّ من المصادر والمراجع المهمة في اخبار وعلم الانساب خصوصاً في انسباب  
ويطون وافخاذ قبيلة قريش ومن يرتبط بهم ويتنسب اليهم والمحقق الاستاذ محمود شاكر كتب  
مقدمة مفصلة للكتاب فشرح منهج التحقيق واحوال المؤلف وآثارها واهمية الاثر.

#### ٩٨. جهد المقلين في ذرية السبطين الشريفين المستدرک على بحر الانساب؛ الجزء الاول

والجزء الثاني

الشريف عبدالله بن حسين السادة - عارف احمد عبدالغني، دمشق، داركنان، ١٤٢١-٢٠٠١،  
١٢٤٨+١٢٤٤ص، متوسط.

هذا الكتاب يعد من كتب المصادر والمراجع في علم النسب والمؤلفين من المختصين  
المعاصرين في الانساب ويشتمل على ذكر تفصيلي لذرية الامام الحسن عليه السلام والحسين عليه السلام في  
ارجاء العالم الاسلامي.

#### ٩٩. الجواهر الشفاف في انسباب السادة الاشراف؛ الجزء الاول والجزء الثاني

عارف احمد عبدالغني، دمشق، داركنان، ١٩٩٧، ١٣٨٧ص، متوسط.

ان منهج الكتاب يقوم على افراد تراجم علي بن ابي طالب عليه السلام وابنه حسين عليه السلام واحفادهم  
وانتهاءً بأنساب وتراجم احفاده حتى العصر الحديث والمؤلف يعدّ من المختصين المعاصرين بعلم  
الانساب وله تأليفات في هذا العلم.

#### ١٠٠. الجوهرة في نسب الامام علي وآله

محمد بن ابي بكر الانصاري التلمساني المعروف بالبري من علماء القرن السابع في  
الاندلس، تحقيق: محمد التونجي، دمشق، مكتبة النوري، ١٤٠٢-١٩٨٢، ١٢٨ص، متوسط.

هذا قسم من كتاب الجوهرة في نسب النبي صلى الله عليه وآله واصحابه العشرة الذي حققه وطبعه المحقق  
فيما بعد في جزءين في الرياض في دار الرفاعي سنة ١٤٠٣-١٩٨٣ وهذا القسم مختص بذكر

نسب الامام على عليه السلام وآله الطاهرين وللكتاب طبعة اخرى في الامارات عن مركز الزائد للتراث والتاريخ في سنة ١٤٢١-٢٠٠١ في مجلدين.

### ١٠١. الجوهرة في نسب النبي صلى الله عليه وآله واصحابه العشرة؛ الجزء الاول والجزء الثاني

محمد بن ابي بكر بن عبدالله بن موسى الانصاري التلمساني الشهير بالبصري، نقحها وعلق عليها: محمد التونجي، الرياض، دارالرفاعي، ١٤٠٣-١٩٨٣، ٦٢٠+٤٢٨ ص، متوسط.  
الكتاب موسوعة عربية في عصرها. فقد ضمَّ الرواية والانساب والاعلام والآداب والنقد واللغة والاحبار ويشتمل شرح احوال واحداث وانساب النبي صلى الله عليه وآله وآله واصحابه العشرة ((المبشرة بالجنة)).

### ١٠٢. الحلبة في اسماء الخيل المشهورة في الجاهلية والاسلام

للصباحي التاجي، تحقيق حاتم صالح الضامن، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٥-١٩٨٥، ط ٢، ١٢٠ ص، متوسط.

في قبائل العرب في الجاهلية والاسلام وذكر اسماء الخيل المشهورة.

### ١٠٣. خدمة العشيرة بترتيب وتلخيص وتذييل شمس الظهيرة

السيد احمد بن عبدالله السقاف العلوي ١٢٩٩-١٣٦٩ ق، جاكارتا [اندونيسيا]، المكتب الدائم لإحصاء وضبط انساب السادة العلويين التابع للرابطة العلوية، ١٣٨٤-١٩٦٤، ٨٤ ص، متوسط.  
شرح وتوضيح وتفصيل لكتاب [شمس الظهيرة لعبد الرحمن بن محمد بن حسين المشهور العلوي، في بيان اصول قبائل السادة العلويين الحضرميين وتفريعات تلك الاصول المؤلف في سنة ١٣٠٧ ق والمطبوع عدة طبعات حجرية] واذاف واستدرك المؤلف ذكر سلسلة سادة العلويين حتى سنة ١٣٦٥ ق.

والمؤلف يعني المولد واندنيسي الموطن من علماء كبار شرق آسيا ومختص في الانساب وله عدة تأليفات هامة.

ومن كتاب شمس الظهيرة طبعة أخرى: شمس الظهيرة في نسب اهل البيت...، تحقيق محمد ضياء شهاب في جزئين.

### ١٠٤. خلاصة سيرة الهادي من ارجوزة الأئمة

محمد بن زيارة الحسنی الصنعانی (١٣٠١-١٣٨١)، الصنعاء [؟]، المطبعة السفلية، ١٦ ص، متوسط.



ارجوزة في تاريخ، احوال وانساب «يحيى اميرالمؤمنين الهادى» من حكام اليمن في القرن الثالث.

١٠٥. الدرّة من اخبار قبيلة آل مرة «دراسة تاريخية بحثية»

محمد بن راشد بن على ال عذبه المري، ٢٠٠١، ط ١، ٤٦٤ ص، متوسط.  
بحوث في تاريخ واحداث قبيلة آل مرة في منطقة الحجاز وترجمة احوال الاعيان والاسر  
القبيلة وذكر ما يتعلق بانسابهم ونقل اروع اشعارهم في القضايا والموضوعات المختلفة.

١٠٦. الدرر البهية في انساب الحيدرية والايوسية المتوفى ١٤٠٥

جمع وترتيب: محمد ويس الحيدري الاويسي الحسيني، حلب، مكتبة دار الفلاح، ١٤٠٥، ط ٢، ١٧٤ ص، متوسط.

اثر حول اهل بيت النبي ﷺ وفضائلهم ثم بحث في كليات علم الانساب ونسب النبي ﷺ  
وذريته ثم ذكر احوال وسلسلة انساب مشايخ واقطاب الطريقة الحيدرية ثم الطريقة الاويسية  
من طرق التصوف.

الطبعة الاولى من الكتاب طبعت سنة ١٣٧٦ كانت تشتمل على الانساب الحيدرية وهذه  
الطبعة يشتمل الاويسية ايضاً.

١٠٧. الدرر البهية في انساب عشائر النجف العربية: الجزء الاول

عباس محمد الزبيدي الدجيلي، بغداد، مطبعة اليرموك، ١٩٨٨، ط ١، ٢١٦ ص، متوسط.  
دراسة في تاريخ وانساب العشائر العربية في منطقة النجف الاشرف.

١٠٨. الدرر البهية في انساب عشائر النجف العربية: الجزء الثاني

عباس محمد الزبيدي الدجيلي، النجف، مطبعة الغرى الحديثة، ١٤١٠-١٩٩٠، ٤٤٨ ص، صغير.  
دراسة في تاريخ واحوال وانساب عشائر منطقة النجف الاشرف في العراق.

١٠٩. الدرر البهية والجواهر النبوية في الفروع الحسنية والحسينية: الجزء الاول

المغرب، ٢٨٨ ص، متوسط، طبعة حجرية.

فى تاريخ واحوال ونسب النبي محمد ﷺ وآله ثم ذكر سلسلة انساب الفروع الفاطمية  
الحسنية والحسينية والادريسية في منطقة الغرب الاسلامي والاندىلس.

١١٠. الدرر السنوية في الانساب الحسنية والحسينية

الشريف احمد بن صالح البرادعي الحسيني، الكويت، ط ٣، ١٣٩٦ ق، طبع الطبعة الاولى  
مجدة ١٣٨٧ ق والثانية بيروت ١٣٩٤ ق.

رسالة في تاريخ واحوال وسلسلة انساب آل بيت النبي ﷺ وبيوت الاشراف في العالم الاسلامي .

١١١. الدرر السفية في اخبار السلالة الادريسية

السيد محمد بن مولانا السيد على السنوسي الخطابي الحسين الادريسي المتوفى في جغوب سنة ١٢٧١ق، القاهرة، مطبعة الشباب، ١٣٤٩ق.

دراسة في تاريخ، احوال وسلسلة نسب السادة الاشراف ( الادارسة) في المغرب الاقصى .

١١٢. الدليل والبرهان في انساب قبائل قحطان، تاريخها، اعلامها، مآثرها

جمع وتحقيق وتأليف: على بن شداد آل ناصر، الدوحة [قطر]، مكتبة عكاظ الاسلامية، ١٤٢٣-٢٠٠٢، ط ٢، ٣٠٠ص، متوسط.

بحث مفصل عن قبيلة قحطان في شبه الجزيرة العربية وذكر سلسلة انسابهم مع تشجير انساب بعض القبائل والمؤلف متخصص بالانساب وله تأليفات أخرى نفس الموضوع.

١١٣. دليل كتاب كربلاء

سلمان هادي آل طعمة، كربلاء، مركز كربلاء للثقافة والتراث، ١٤٢٥-٢٠٠٤، ط ٢، ٧٠ص، رقى .  
دليل للكتاب، الادباء والشعراء الذين عاشوا في كربلاء وذكر تصانيفهم حسب حروف المعجم مع ذكر آثارهم وسنة طبعها ومكان الطبع.

١١٤. دور القبائل العربية في صعيد مصر منذ الفتح الاسلامي حتى قيام الدولة الفاطمية واثرها

في النواحي السياسية والاقتصادية والاجتماعية والثقافية (٢١-٣٥٨ق، ٦٤١-٩٦٩م)

ممدوح عبدالرحمن عبدالرحيم الريطي، القاهرة، مكتبة مدبولي، ط ١، ٣٦٢ص، متوسط .  
دراسة في تاريخ ومدى تأثيرات القبائل العربية في مصر منذ الفتح الاسلامي حتى قيام الدولة الفاطمية.

١١٥. الذخيرة في مشجرات وانساب قبائل الجزيرة

تحقيق وتأليف: على بن شداد آل ناصر، الدوحة [قطر]، مكتبة عكاظ الاسلامية، ١٤٢٣-٢٠٠٤، ط ١، ١٧٠ص، متوسط.

دراسة مفصلة عن قبائل شبه الجزيرة العربية، سكانها، القبائل العدنانية، القبائل القحطانية ومشجرات لسلسلة انسابهم والمؤلف مختص بالانساب وله تأليفات أخرى نفس الموضوع.



١١٦. ذكرى العقيلة الطاهرة السيدة زينب بنت علي عليه السلام

الشيخ احمد فهمى محمد، القاهرة، ١٣٧٧-١٩٥٨، ٣١ ص، متوسط.  
رسالة في تاريخ، احوال وذرية السيدة زينب عليها السلام.

١١٧. الذهب المصفى في سيرة آل بيت المصطفى عليه السلام وجملة من اصحابه؛ السلسلة العباسية

عباس حسين بصري العباسي، الناشر: ابو عبد المحسن حاتم بن احمد بن علي العباسي،  
جدة؛ توزيع دار ربابي، القاهرة، ٢٠٠٢، ٢٢٤ ص، متوسط.

دراسة في سيرة آل بيت النبي عليه السلام وجملة من اصحابه والسادة والاشراف في مصر.

١١٨. رسائل ونصوص

سلسلة ينشرها ويشرف عليها صلاح الدين المنجد ١. امراء مصر في الاسلام لابن طولون ٢.  
توزيع فاطمة بنت الرسول للامام الباقر ٣. رسائل للعماد والقاضى الفاضل بمدح دمشق،  
صلاح الدين المنجد، بيروت، دار الكتاب الجديد.

هذا الكتاب يشتمل على الرسالة الاولى لابن طولون المسماة بـ«العقود الدرّية في الامراء  
المصريّة» التي كتبها المؤلف في سنة ٩٤٢ ق وهي رسالة مختصرة تشتمل «على دولة الاثراك  
واولادهم، وذكر من تسلطن بمصر من الخلفاء واخبارهم ومعرفة بعض العلماء الموجودين في  
اعصارهم وخبر من اندرج الى رحمة الله تعالى من.

١١٩. الرسائل الثلاث «المستطابة في نسب سادات طابة»

للعلامة النسابة السيد النقيب بدرالدين حسن بن علي الشدقي الحسيني (٩٤١-٩٩٨ ق)  
- «زهرة المقول في نسب ثاني فرعى الرسول عليه السلام» و«نخبة الزهرة الثمينة في نسب اشرف  
المدينة» للسيد زين الدين علي بن حسن النقيب الشدقي الحسيني (٩٧٦-١٠٣٣)، تحقيق:  
السيد مهدي الرجائي؛ اشرف السيد محمود المرعشي، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي  
النجفي، ط ١، ٢٢٨ ص، متوسط.

هذا الكتاب يشتمل على ثلاث رسائل في الانساب الرسالة الاولى «المستطابة...» رسالة  
في جميع من بالحجاز من نسل الامام السبط الشهيد الحسين عليه السلام حضراً وبدواً وفيه وصلة لمن  
لم يوصل اليه نسبه وعنية لمن لم يحفظ اهله وسلفه. الرسالة الثانية «زهرة المقول...» لابن مؤلف  
الرسالة الاولى وهذه الرسالة مستدرک لما كتب والده في «المستطابة» والرسالة الثالثة لنفس  
مؤلف الرسالة الثانية وهي نبذة مختصر من رسالة زهرة المقول مختصراً على ذكر الآباء دون

الامهات والبنين دون البنات والمعقبين دون المنقرضين والماكثين دون الحيايين والانساب دون الاوصاف والثابت دون المشكوك.

١٢٠. رسالة في احوال وانساب السيد محمد بن عبدالكريم الحسنى الحسينى

الطباطبايى النجفى الاصفهانى

اسماعيل العلوى الطباطبايى، قم، ١٣٩٠ق - ١٣٤٩ش، ٦٥ص، وزيرى.

رسالة في ذكر تاريخ واحوال وانساب احدى بيوت السادة في اصفهان.

١٢١. الروض الازهر في تراجم آل السيد جعفر؛ تراجم اعلام العراق خلال القرنين الاخيرين (١١٨٠-

١٣٦٨ق: ١٧٦٦-١٩٤٨م)

السيد مصطفى نورالدين الواعظ؛ عنى بنشره واذاف عليه وعلق حواشيه ولده ابراهيم

الواعظ، الموصل، مطبعة الاتحاد، ١٣٦٨-١٩٤٨، ٨٠٠ص، متوسط.

كتاب في تراجم احوال اعيان العراق خلال القرنين الاخيرين ويتضمن بعض فوائد تتعلق

بالانساب والاسر العراقية.

١٢٢. الروض المعطار في تشجير تحفة الازهار

تقديم وتشجير: كامل سلمان الجبوري، طهران، مركز نشر التراث المخطوط، ١٤٢٠-١٩٩٩،

٤٩٠ص، متوسط.

هذا الاثر تكملة او مستدرک من محقق كتاب تحفة الازهار وقام المحقق بتشجير جميع مجلدات

تحفة الازهار في بحث مستقل في ثلاثة اجزاء: يختص الجزء الاول بتشجير السادة الحسينيين

والثاني بالسادة الحسينيين والثالث بالسادة الموسويين.

١٢٣. زهر الآس في بيوتات اهل فاس؛ الجزء الاول، الجزء الثاني

للإمام النسابة الشريف عبدالكبير بن هاشم الكتّاني (١٢٦٣-١٣٥٠) ويليه تحفة الاكياس

ومفاهكة الجلاس فيما غفل عنه صاحب زهر الآس في بيوتات اهل فاس لنسابة المغرب

الشريف محمد بن عبدالكبير بن هاشم الكتّاني (١٢٩٥-١٣٦٢)، تحقيق: علي بن المنتصر

الكتّاني، الدار البيضاء، مطبعة النجاح الجديدة، ١٤٢٢-٢٠٠٢، ط ١، ٦٠٤+٥١٢ص، متوسط.

معجم مرتب على حروف الابداء ويشتمل على ذكر بيوتات مدينة فاس المغربية وذكر سلسلة

نسب السادة والاشراف منهم وفي الحقيقة هو موسوعة يشتمل على كل من وما يتعلق ويرتبط

بمدينة فاس وفي مقدمة المحقق فوائد مفيدة.





١٢٤. زيد الشهيد ابن الامام علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام

عبدالرزاق الموسوي المرقم، النجف، المطبعة الحيدرية، ١٣٧٢-١٩٥٣، ٢٠٤ ص، صغير.  
في تاريخ وترجمة احوال زيد بن علي بن الحسين عليه السلام وفيه اشارات الى بعض الرجال  
والاعيان السادة وذكر سوانح حياتهم وانسابهم.

١٢٥. سبائك الذهب في معرفة قبائل العرب

ابي الفوز محمد امين البغدادي الشهير بالسويدي من علماء النسب في القرن الثالث عشر،  
بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٦-١٩٨٦، ط ١، ٤٦٨ ص، كبير.

هذا الكتاب هو نفس كتاب نهاية الارب في معرفة انساب العرب لابن ابي غدة لكن فيه  
تغييرات في ترتيبه وفصوله وايضاً يشتمل على زيادات وحذف وبما ان كتاب ابن غدة مرتب  
على حروف المعجم يصعب على الانسان وصل القبائل المتأخرة بالمتقدمة، فصاحب سبائك  
الذهب جعل على ترتيب مخالف لترتيبه بان اوصل آخر القبائل بأوائلها بخطوط تمتد من الآباء  
الى ابنائها والحق به انساب بعض الملوك وفي المقدمة فوائد في كليات علم الانساب.

١٢٦. سر السلسلة العلوية

لابي نصر البخاري، الشيخ ابي نصر سهل بن عبدالله بن داود بن سليمان بن ابان بن  
عبدالله البخاري من اعلام القرن الرابع الهجري والذي كان حياً سنة ٣٤١ ق (برواية عبدالرحمن)،  
قدّم له وعلق عليه: السيد محمد صادق بحر العلوم، النجف، مكتبة الحيدرية، ١٣٨٢-١٩٦٣،  
١٥٢ ص، متوسط.

ان الكتاب له اهمية كبرى في صفحات انساب العلويين ولذا اعتمد عليه علماء الانساب  
واخذوا منه وجعلوه من مصادره المعتمدة حتى الآن وغرض المؤلف من تأليفه بيان النسب  
الصحيح العلوي ونفى من يتنمى الى العلوية وليس هو منهم. وللمحقق تعليقات مفيدة جداً.

١٢٧. السيد ادريس نسبه حياته ومرقده

عباس فاضل السعدي، النجف الاشرف، مطبعة الآداب، ١٣٩١-١٩٧١، ٥٦ ص، متوسط.  
رسالة في تاريخ، احوال، نسب ومرقد ادريس الحسيني من ذراري الامام الحسن بن علي  
بن ابي طالب عليه السلام المدفون في منطقة الكرادة قرب بغداد.

١٢٨. سيرة آل بيت النبي صلى الله عليه وآله وسلم، المجلد الاول، المجلد الثاني، المجلد الثالث

همزة النشرتي، عبد الحفيظ فرغلي، عبد الحميد مصطفى، القاهرة، مكتبة النشرتي، ١٤٢١-  
٢٠٠٠، ٥٦٠+٥٦٠+٣٣٦ ص، متوسط.

بحوث في سيرة النبي ﷺ وآله الطاهرين ويشتمل الكتاب على فوائد في علم الانساب.

### ١٢٩. الشجرة الزكية في الانساب وسيرة آل بيت النبوة

السيد يوسف بن عبدالله جمل الليل، الرياض، مكتبة التوبة، مكتبة جل المعرفة، ١٤٢٣-٢٠٠٢، ط ٢، ٨٨٨ ص، متوسط مع ملحق للمشجرات والوثائق.

لمحة في تاريخ الاسلام ونسب النبي محمد ﷺ ثم ترجمة احوال الامام علي ﷺ وابنائهم الحسن والحسين حتى الامام جعفر الصادق ﷺ وذريتهم مع ذكر انسابهم ثم يذكر نبذة من تاريخ وانساب العلويين ومقاتل آل البيت ﷺ في الدولة العباسية وفصل في «الاشراف والسياسة» ونقابة الاشراف. والمؤلف يعد من المتخصصين المعاصرين في علم الانساب وله عدة تأليفات في هذا العلم.

### ١٣٠. الشجرة الطيبة

السيد فاضل الموسوي الصفوي «خلخالى زاده»؛ تخطيط وتشجير السيد حسن الحسيني الديباجي التهامي، قم، ١٤١١، ٣٤+٣٥ ص، كبير.

هذه رسالة مشجرة في جزأين الجزء الاول في سلسلة انساب الانبياء والرسل الى خاتم النبيين محمد ﷺ والقرشيون والجزء الثاني في آل بني هاشم والعلويون من اولاد وذرية الامام علي ﷺ، اولاد واعقاب محمد بن حنفية، عمر الاطراف وابي الفضل العباس ﷺ.

### ١٣١. الشجرة الطيبة في الارض المخصصة

العلامة النسابة السيد الرضا بن علي الموسوي البحراني الغريفي الصائغ (١٢٩٦-١٣٣٩ق) - الغصن الثالث من الغيث الزايد في ضبط ذرية محمد العابد، للعلامة النسابة السيد عبدالله البوشهري البلادي (١٢٩١-١٣٧٢ق)، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، اشراف السيد محمود المرعشي النجفي، قم، مكتبة آية الله مرعشي النجفي، ١٤٢٣-٢٠٠٢، ط ١، ٢٣٨ ص، متوسط.

الشجرة الطيبة رسالة في ذكر نسب الامام موسى بن جعفر ﷺ واعقابه من السيد ابراهيم المجاب بن محمد العابد الى السيد حسين الغريفي وايضاً في ذكر انساب احفاد السيد عبدالله البلادي وايضاً في احفاد السيد هاشم بن السيد علوي.

والرسالة الثانية «الغصن الثالث...» في انساب وذريه السيد محمد العابد ابن الامام موسى بن جعفر ﷺ المدفون في مدينة «قمشه» من نواحي اصفهان وهذه الرسالة قد طبعت في



كتاب تناج سيد محمد عابد فرزند امام موسى كاظم عليه السلام للسيد ابوالمحسن بلادي مهباني في طهران سنة ١٣٧٨ ش في ٣٥٢ صفحة بقطع متوسط والكتاب «تناج...» من تأليفات ابن مؤلف الغصن الثالث الذي ترجم الغصن الى الفارسية وشرحها وفصلها واستدرکها حتى وصل في ذكر الانساب الى الفترة المعاصرة.

### ١٣٢. الشجرة المباركة في انساب الطالبية

للامام فخر الرازي المتوفى ٦٠٦، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، اشراف السيد محمود المرعشي، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي عليه السلام، ١٤١٩ق-١٣٧٧ش، ط ٢ محققة، ٤٠٠ص، متوسط.

كتاب في ذكر سلسلة انساب الطالبيين من مؤلف معروف صاحب مفاتيح الغيب «تفسير الكبير» وللمحقق تعليقات مفيدة وهامة في شرح وايضاح وحل مشكلات الكتاب.

### ١٣٣. الشجرة المحمدية

السيد ابراهيم بن علي النسابة كان حياً في ٨٦٦ق، تقديم محمد حسين الحسيني الجلاي، شيكاغو (CHICAGO) الولايات المتحدة، The Open School، ١٤٢٢، ٢٠ص، صغير. تصوير لمخطوط بخط المؤلف واصل المخطوط يوجد في المتحف البريطاني برقم (DR1406)، والرسالة في موضوع شجرة ونسب النبي وآله.

### ١٣٤. الشجرة النبوية في نسب خير البرية صلى الله عليه وآله وسلم

المنسوب للعلامة جمال الدين يوسف بن حسن بن عبد الهادي المقدسي (ابن المبرد) ٨٤٠-٩٠٩ق، شرح وتعليق: احمد صلاح الدين، القاهرة، دار حراء، ١٩٩٧، ط ١، ١٧٢ص، متوسط. يوجد مخطوط الكتاب في: ١. مكتبة الحرم في المسجد النبوي الشريف ٢. مكتبة الاسد في دمشق. وقد تمت طباعة الكتاب مرة بالقاهرة سنة ١٢٨٩ق ومرة في تركيا تحت عنوان «الشجرة المحمدية» سنة ١٣٣١ق ومرة في دمشق بتحقيق الاستاد محي الدين ديب.

بحوث في انساب وآباء واجداد النبي محمد صلى الله عليه وآله وسلم وازواجه واعمامه وكل من له صلة به نسباً وما يتعلق به من سلاح وخيل.

### ١٣٥. الشرفاء الكتانيون في الماضي والحاضر

على المنتظر الكتاني، دار البيضاء، مطبعة النجاح، ١٤٢٠-١٩٩٩، ط ١، ٦٤ص، متوسط.

دراسة في تاريخ، جذور وفروع عائلة الكتاني من سادة الاشراف في المغرب.

١٣٦. شمس الظهيرة في نسب اهل البيت من بنى علوى فروع فاطمة الزهراء وامير المؤمنين

على عليه السلام؛ الجزء الاول

السيد الشريف عبدالرحمن بن محمد بن حسين المشهور، تحقيق: محمد ضياء شهاب، جدّة، عالم المعرفة، ١٤٠٤-١٩٨٤، ط ١، ٤٠٤ ص، متوسط.

في ذكر انساب واحوال «بنى علوى» المتصلة نسباً بالامام جعفر الصادق عليه السلام. ومن هذا الكتاب طبعة أخرى: خدمة العشيرة بترتيب وتذييل شمس الظهيرة.

١٣٧. شمس الظهيرة في نسب اهل البيت من بنى علوى فروع فاطمة الزهراء وامير المؤمنين

على عليه السلام؛ الجزء الثاني

السيد الشريف عبدالرحمن بن محمد بن حسين المشهور، تحقيق: محمد ضياء شهاب، جدّة، عالم المعرفة، ١٤٠٤-١٩٨٤، ط ١، ٤٠٣-٨٠٢ ص، متوسط.

في ذكر انساب واحوال «بنى علوى» المتصلة نسباً بالامام جعفر الصادق عليه السلام. ومن هذا الكتاب طبعة أخرى: خدمة العشيرة بترتيب وتذييل شمس الظهيرة.

١٣٨. شمس المفاجر؛ ذيل لكتاب قلائد الجواهر في ذكر ذرية...

السيد الامام الهمام شيخ الاسلام ابي صالح محي الدين عبدالقادر الجيلاني الحسيني الحسيني رضى الله تعالى عنه وعنهم اجمعين القاطنين بحماة الشام اكثر الله من نسلهم الى يوم القيامة آمين، الشيخ محمد بن محمد بن محمد البخشي الحلبي الشافعي المتوفى ١٩٠٨، مصر، مطبعة السعادة، ١٣٢٦ق، ١٢٨ ص، جيب.

في تاريخ وتراجم واحوال و ذكر سلسلة نسب مشايخ واقطاب طريقة القادرية.

١٣٩. صحاح الاخبار في نسب السادة الفاطمية الاخيار

السيد الشريف عبدالله محمد سراج الدين بن السيد عبدالله الرفاعي ثم الخزومي، بمبئي، مطبعة نخبة الاخيار، ١٣٠٦، ١٤٤ ص، صغير، حجري.

بحوث في كليات ومباني علم الانساب و ذكر سلسلة نسب الفاطميين خصوصاً في شمال افريقيا مناقشة بعض آراء النسابيين حول المواضيع والقضايا المطروحة في علم الانساب.



#### ١٤٠. طبقات النسابين

بكر ابوزيد، الرياض، دارالرشد، ١٤٠٧-١٩٨٧، ط ١، ٢٩٠، ص، متوسط.  
 اترفي ذكر طبقات النسابين من القرن الاول الهجري (الطبقة الاولى) الى القرن الخامس  
 الهجري (الطبقة الخامسة عشرة) ويشتمل على ٦٢٣ عالم من علماء النسب ويذكر مؤلفات  
 الذين ألفوا اثرًا ويذكر المطبوع منها والمخطوط وفيه فوائد شتى يختص بمفردات وجزئيات علم  
 النسب وترجمة الاعيان.

#### ١٤١. طبقات النسابين

بكر بن عبدالله ابوزيد، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٨-١٩٩٨، ط ٢، ٥١٤، ص، متوسط.  
 المؤلف من المعاصرين وقد ترجم ٨٣٠ عالماً من علماء الانساب وذكر الكتب المؤلفة في  
 الانساب (٧٨٢ كتاب) ويشتمل الفترة الزمنية من عصر النبي ﷺ الى عصرنا الحاضر.

#### ١٤٢. طرفة الاصحاب في معرفة الانساب

السلطان الملك الاشرف عمر بن يوسف بن رسول، حقه: ك. و. سترسين، القاهرة، دار  
 الآفاق العربية، ١٤٢٢-٢٠٠١، ط ١، ٢٣٠، ص، متوسط.  
 هذا الكتاب يشتمل على مقدمة مفصلة كتبه الاستاذ صلاح الدين المنجد في كليات  
 وطبقات ومشايخ وتأليفات علم الانساب وايضاً في تعريف هذا الكتاب ومؤلفه والمحقق «ستر  
 سين» من المستشرقين الكبار الذي قام بتحقيق وتصحيح الكتاب ويشتمل على ذكر سلسلة  
 انساب قبائل العرب والخلفاء والاشراف والبيوتات العلوية في ارجاء العالم الاسلامي ويوجد  
 طبعة اخرى من نفس الكتاب والمحقق في دمشق بالمجمع العلمي العربي في سنة ١٣٦٩-١٩٤٩  
 في ٢٤٨ صفحة بقطع متوسط.

#### ١٤٣. طرفة الاصحاب في معرفة الانساب

السلطان الملك الاشرف عمر بن يوسف بن رسول، حقه: ك. و. سترسين، دمشق،  
 مطبوعات المجمع العلمي العربي بدمشق، ١٣٦٩-١٩٤٩، ط ١، ٢٤٨، ص، متوسط.  
 هذا الكتاب يشتمل على مقدمة مفصلة كتبها الاستاذ صلاح الدين المنجد في كليات  
 وطبقات ومشايخ وتأليفات علم الانساب وايضاً في تعريف هذا الكتاب ومؤلفه والمحقق «ستر  
 سين» من المستشرقين الكبار الذي قام بتحقيق وتصحيح الكتاب ويشتمل على ذكر سلسلة  
 انساب قبائل العرب والخلفاء والاشراف وبيوتات العلويين في ارجاء العالم الاسلامي.

١٤٤. **طلعة المشتري في النسب الجعفري: الجزء الاول والجزء الثاني**  
 ابي العباس احمد بن خالد الناصري متوفى ١٣١٥ق في المغرب، دار البيضاء، المؤسسة  
 الناصرية للثقافة والعلم، ١٤٠٧-١٩٨٧، ٣٣٦+٢٢٨ ص، متوسط.  
 المؤلف من العلماء الكبار في المغرب المختصين بالانساب (١٢٥٠-١٣١٥ق) طبع بطريقة  
 الافست عن الطبع الحجري، بحث في كليات علم النسب وكيفية انتشار ذرية النبي ﷺ وذكر  
 تفصيلي لذرية جعفر بن ابي طالب في الحجاز ومصر ومغرب وايضاً سلسلة انساب آل ناصر  
 وجمهرتهم الموجودة في المغرب.

١٤٥. **طيب الانساب للغريفيين الاطياب ارجوزة نسبية خاصة بالاسرة الغريفية**  
 السيد علاء الدين الموسوي البحراني الغريفي (دام ظلّه)، ايضاح واخراج محمد باقر الموسوي  
 الغريفي، بيروت، مؤسسة البلاغ، ١٤٢١-٢٠٠١، ط ١، ٣٤ ص، جيب.  
 ارجوزة في ذكراحوال وسلسلة نسب السادة الغريفيين في العراق وايران والبحرين.

١٤٦. **عجالة المبتدى وفضالة المنتهى في النسب**  
 للامام الحازمي المتوفى ٥٨٤ق؛ يليه نخبة الزهرة الثمينة في نسب اشراف المدينة لابن شدقم،  
 المتوفى ٩٩٩ق، تحقيق: محمد زينهم محمد عزب، عائشة التهامي، مديحة الشرقاوي، القاهرة،  
 مكتبة مدبولي، ١٩٩٨، ٢٣٤ ص، متوسط.  
 كتاب في انساب العرب رتب حسب الحروف المعجم وارجع المؤلف كل نسب الى اصله  
 ويذكر في كل نسب شخصاً او اكثر ممن يتنسبون اليه من الصحابة والتابعين والعلماء والشعراء  
 والفرسان وغيرهم.

١٤٧. **عشائر كربلاء واسرها؛ الجزء الاول العلويين الجزء الثاني غير العلويين**  
 سلمان هادي آل طعمه، بيروت، دار المحجة البيضاء، ١٤١٨-١٩٩٨، ط ١، ٦٧٨ ص، متوسط.  
 تاريخ وانساب عشائر واسر منطقة كربلاء من العلويين وغيرهم طبقاً لترتيب الحروف الابجدية.

١٤٨. **عشيرة المشاهدة تسميتها نسبها افخاذها؛ الجزء الاول**  
 محمد جاسم جمادى المشهداني، بغداد، دار الحرية، ١٩٩٢، ط ١، ٤٣٢ ص، متوسط.  
 تاريخ، افخاذ، فضائل وانساب «عشيرة المشاهدة» في العراق.

١٤٩. **عشيرة المشاهدة تسميتها نسبها افخاذها؛ الجزء الثاني**  
 محمد جاسم جمادى المشهداني، بغداد، دار الحرية، ١٩٩٢، ط ١، ٤٤٨ ص، متوسط.  
 تاريخ، افخاذ، فضائل وانساب «عشيرة المشاهدة» في العراق.



١٥٠. العقود اللؤلؤية في بعض الاسر الحسنية الهاشمية بالمملكة العربية السعودية

جمع واعداد وتحقيق: الشريف محمد بن علي الحسني، القاهرة، مكتبة مدبولي، ١٤١٥-١٩٩٤، ط ٢، ٤٠٨ ص، متوسط.  
بحوث في تاريخ، احوال وانساب ذرية الامام حسن المجتبي عليه السلام في الجزيرة العربية وشمال افريقيا «المغرب».

١٥١. عمدة الطالب في انساب آل ابي طالب

جمال الدين احمد بن علي الحسني المعروف بابن عنبه (٧٤٨-٨٢٨ق)، تحقيق: السيد مهدي الرجائي الاصفهاني، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ١٤٢٥ق، ١٣٨٣ش، ٢٠٠٤م، ط ١، ٤٦٢ ص، متوسط.  
في ترجمة آل ابي طالب ونسبهم ومبلغ فضلهم ثم اعقابهم من امام علي عليه السلام ثم الحسن عليه السلام ثم الحسين عليه السلام الى الامام الهادي عليه السلام.

١٥٢. غاية الاختصار في البيوتات العلوية المحفوظة من الغبار

السيد الشريف تاج الدين بن محمد بن حمزة بن زهرة الحسيني نقيب حلب وابن نقبائها، تحقيق السيد محمد صادق بجرالعلوم، النجف، مطبعة الحيدرية، ١٣٨٢-١٩٦٢، ٢٠٠ ص، متوسط.  
بحوث في كليات علم الانساب من الضوابط والاصناف وكيفية الثبوت وتقسيماتها وذكر تاريخ واحوال وانساب العلويين من ذرية الحسن والحسين عليه السلام وفي تعليقات وتصحيحات المحقق فوائد انسابية مفيدة.

١٥٣. الغصن الثالث في ضبط ذرية محمد عابد

سيد عبد الله المولوي البلاوي البهبهاني من مواليد ١٢٩١ في النجف، بوشهر، ادارة مظفرى، ١٣٢٦ق، ٣٧ ص، صغير.

رسالة صغيرة في انساب واحوال ذرية «محمد العابد» ابن موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام المدفون في مدينة «قُشِه» من نواحي اصفهان وهذه الرسالة مطبوعة في كتاب «نتاج سيد محمد عابد فرزند امام موسى كاظم عليه السلام، سيد ابوالمحاسن بلادي بهباني، تهران، ١٣٧٨ش، ٣٥٢ ص، متوسط» والكتاب من تأليف ابن مؤلف الغصن الثالث الذي ترجم الغصن الى الفارسيه وشرحها وفصلها واستدرکها حتى وصل في ذكر الانساب الى الفتره المعاصرة.

١٥٤. فاطمة بنت الحسين عليها السلام

جعفر النقدي، النجف، مطبعة الحيدرية، ١٣٨٤-١٩٦٤، ط ١، ٨٨ ص، رقي. ترجمه احوال فاطمة بنت الحسين (فاطمة الصغرى) ومن جملة المطالب: اسمها وكنيتها ومقدار عمرها، اولادها، في شيء من احوال بني الحسن وما جرى عليهم، محمد وابراهيم ولدا عبد الله الحسن، وفاتها وموضع دفنها.

١٥٥. الفخري في انساب الطالبين

القاضي النسابة اسماعيل المروزي الازرقاني من مواليد ٥٧٢ق، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ١٤٠٩، ط ١، ٣٨٤ ص، متوسط. هذا الاثر يعدّ من المصادر والمراجع في علم الانساب ويشتمل على نسب رسول الله صلى الله عليه وآله وذكر اولاده واعقاب الامام موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام والامام الصادق عليه السلام والامام زين العابدين عليه السلام والحسن عليه السلام واعقاب آل ابي طالب في خاتمة الكتاب اجاث هامة في كليات علم الانساب. وقد كتب النسابة الكبير سماحة آية الله المرحوم مرعشي النجفي مقدمة مفصلة في التعريف بالكتاب والمؤلف.

١٥٦. فضل آل البيت «معرفة ما يجب لآل البيت النبوي من الحق على من عداهم»

تقي الدين احمد بن على المقرئ المتوفى ٨٤٥ق، تحقيق وتعليق: محمد احمد عاشور، القاهرة، دار الاعتصام، ١٣٩٣-١٩٧٣، ١١٢ ص، جيب. والظاهر ان الطبعة الاولى من الكتاب طبعت في بيروت سنة ١٣٩٢-١٩٧٢. والمؤلف هو المقرئ المؤرخ المشهور صاحب كتاب المخطوط والآثار والكتاب دراسة في مفهوم والمراد بآل البيت وعصمتهم والمراد بالذرية ومعنى القرب وقد استشهد بالآيات والروايات وناقش آراء العلماء في المسئلة.

١٥٧. في نسب الخلفاء الفاطميين؛ اسماء الأئمة المستورين كما وردت في كتاب ارسله المهدي

عبد الله الى ناحية اليمن

تقديم: حسين بن فيض الله الهمداني؛ تصوير بابر دودج، القاهرة، الجامعة الامريكية، ١٩٥٨، ٣٢ ص، متوسط.

في انساب الامام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام طبقاً لروايات الاسماعيلية.





١٥٨. القاسم بن الإمام موسى بن جعفر عليه السلام حياته، روضته، مدينته

عبدالجبار الساعدي، النجف، منشورات مكتبة آية الله الحكيم العامة، ١٣٩٥-١٩٧٥،  
١٢٠ ص، متوسط.

دراسة في تاريخ واحوال ومزار ومرقد ونسب القاسم بن موسى بن جعفر عليه السلام في مدينة  
القاسم (قريب حلّة) في العراق.

١٥٩. القبائل البيضاوية في الحوض والساحل الموريتاني وقصة الاحتلال الفرنسي للمنطقة

بول مرتي، تعريب محمد محمود ودّادي، بنغازي [ليبيا]، جمعية الدعوة الاسلامية، ٢٠٠١،  
٣٩٨ ص، كبير.

مقدمة في تاريخ واحداث واحوال منطقة الصحراء الغربية بين المغرب وموريتانيا وذكر القبائل  
والعشائر الموجودة فيها وايضاً في احوال وانساب وبطن القبائل الداودية، افخاذ الجكنية، اولاد  
محمد [باحمد]، مشظوف ولحمنات، كتنة الحوض، اللامة واهل الطالب مختار واجمان، افخاذ  
الزاوية الصغيرة، قصر اولائة والنعمة، الاقلال، اولاد مبارك، تنوجبو، اولاد الناصر، لادم.

١٦٠. القبائل العراقية؛ الجزء الاول

يونس الشيخ ابراهيم السامرائي، بغداد، مكتبة شرق الجديد، ١٩٨٩، ط ١، ٣٨٦ ص، متوسط.  
دراسة في تاريخ، جغرافيا وانساب القبائل والعشائر العراقية.

١٦١. القبائل العراقية؛ الجزء الثاني

يونس الشيخ ابراهيم السامرائي، بغداد، مكتبة الشرق الجديد، ١٩٨٩، ط ١، ٣٦٩ ←  
٧٠٤ ص، متوسط.

دراسة في تاريخ، جغرافيا وانساب القبائل والعشائر العراقية.

١٦٢. القبائل العربية في الاندلس حتى سقوط الخلافة الاموية (٩١-٤٢٢ ق/ ٧١٠-١٠٣١ م)

مصطفى ابوظيف احمد، الدار البيضاء، دار النشر المغربية، ١٩٨٣، ٤١٢ ص، متوسط.  
دراسة في تاريخ، احوال وانساب ودور القبائل والعناصر الحجازية واليمانية والشامية التي  
دخلت واستقرت وانتشرت في بلاد اندلس منذ الفتح الاسلامي حتى سقوط الخلافة الاموية  
في الاندلس وفيها اشارة الى اسماء بعض البيوتات والقبائل التي استقرت فيها.

١٦٣. القبائل العربية في مصر في القرون الثلاثة الاولى للهجرة

عبدالله خورشيد البري، دارالكاتب العربي، ١٩٦٧، ٣٠٠ ص، متوسط.  
دراسة في القبائل العربية في منطقة مصر خلال القرون الثلاثة الاولى.

١٦٤. القبائل والبيوتات الهاشمية في العراق؛ الجزء الاول

يونس الشيخ ابراهيم السامراي، بغداد، مطبعة الامة، ١٤٠٦-١٩٨٦، ١٧٦ ص، متوسط.  
دراسة في تاريخ واحوال وانساب القبائل والاسرهاشمية في العراق.

١٦٥. القبائل والبيوتات والاعلام في شمال العراق

يونس الشيخ ابراهيم السامراي، بغداد، مطبعة الامة، ١٤٠٥-١٩٨٥، ١٦٠ ص، متوسط.  
قبائل وبيوتات واعلام العرب في شمال العراق.

١٦٦. قبيلة تغلب في الجاهلية والاسلام؛ نسب، اعلام، شعر، ادب

عبدالقادر فياض حروفش، دمشق، دارالبشائر، ١٩٩٩-١٤٢٠، ط ١، ٨٠٠ ص، متوسط.  
دراسة مفصلة عن قبيلة تغلب في الجاهلية والاسلام وتشتمل على ذكر الاركان والطبقات  
ونسب وبطن وتوزع وديانة وحروب وايام وشعراء واعلام قبيلة تغلب.  
هذا الكتاب يعدّ الرقم (٤) من «سلسلة قبائل العرب».

١٦٧. قبيلة خزاعة في الجاهلية والاسلام؛ نسب، اعلام، شعر، ادب

عبدالقادر فياض حروفش، دمشق، دارالبشائر، ١٩٩٦-١٤١٧، ط ١، ٤١٦ ص، متوسط.  
دراسة مفصلة عن قبيلة خزاعة في الجاهلية والاسلام. يشتمل على ذكر الاركان والطبقات  
ونسب وبطن وتوزع وديانة وحروب وايام وشعراء واعلام قبيلة خزاعة.  
هذا الكتاب يعدّ الرقم (٢) من «سلسلة قبائل العرب».

١٦٨. قبيلة ضبة في الجاهلية والاسلام؛ نسب، اعلام، شعر، ادب

عبدالقادر فياض حروفش، دمشق، دارالبشائر، ١٩٩٨-١٤١٩، ط ١، ٦٠٠ ص، متوسط.  
دراسة مفصلة عن قبيلة ضبة في الجاهلية والاسلام وتشتمل على ذكر الاركان والطبقات  
ونسب وبطن وتوزع وديانة وحروب وايام وشعراء واعلام قبيلة ضبة.  
هذا الكتاب يعدّ الرقم (٣) من «سلسلة قبائل العرب».



١٦٩. قبيلة طيء في الجاهلية والاسلام؛ نسب، اعلام، شعر، ادب

عبدالقادر فياض حرفوش، دمشق، دار البشائر، ١٤١٦-١٩٩٥، ط ١، ٤٦٨ ص، متوسط.  
دراسة مفصلة عن قبيلة طيء في الجاهلية والاسلام وتشتمل على ذكر الاركان والطبقات  
ونسب وبطن وتوزع وديانة وحروب وايام وشعراء واعلام قبيلة طيء.  
هذا الكتاب يعدّ الرقم (١) من «سلسلة قبائل العرب».

١٧٠. قبيلة قريش واثرها في الحياة العربية قبل الاسلام

خضير عباس الجميلي، بغداد، منشورات المجمع العلمي، ١٤٢٢-٢٠٠٢، ١٩٢ ص، متوسط.  
دراسة حول قبيلة قريش واثرها في مكة قبل الاسلام وتشتمل على البحوث التالية: نشوء  
مدينة مكة واستيطانها، قريش التسمية والنسب والبطون، علاقات قريش وتحالفاتها، تجارة مكة  
ودور قريش فيها، الوظائف في مكة وتطورها ويتضمن الكتاب مباحث مفيدة في الانساب.

١٧١. القصد والامم في التعريف باصول انساب العرب والعجم وأول من تكلم بالعربية من الامم.

املاء الشيخ الجليل ابي عمرو يوسف بن عبد البر النمري القرطبي المتوفى عام ٤٦٣ ويليه من  
تأليفه الانباء على قبائل الرواة وهو المدخل لكتابه الاستيعاب، القاهرة، مكتبة السعادة، ١٣٥٠ ق،  
١٥٢+٤٠ ص، صغير.

الرسالة الاولى: في موضوع: في ذكر طوفان نوح واول من تكلم بالعربية وفي ذكر احوال ذرية  
آدم عليه السلام ومكان انتشارهم وسلسلة نسبهم وايضاً اشارة الى الاقوام والامم المختلفة وجذورهم.  
والرسالة الثانية: في كليات علم الانساب وطبقاته وجذوره وذكر القبائل والعشائر والبطون  
العربية في الجزيرة العربية.  
وطبقاً لما جاء في الكتاب أُحتمل ان تكون الرسالة ترجع كتابتها الى القرن العاشر والحادي  
عشر من الهجرة.

يوجد طبعة أخرى بتحقيق محمد زينهم محمد عزب - عائشة التهامي - مديحة الشرفاوى في  
القاهرة، مكتبة مدبولي، ١٤١٨-١٩٩٨ في ١١٢ صفحة بقطع متوسط.

١٧٢. القصد والامم يليه الانباء على قبائل الرواة

لابن عبد البر متوفى ٤٦٣ ق، تحقيق وتعليق وتقديم: محمد زينهم محمد عزب - عائشة  
التهامي - مديحة الشرفاوي، القاهرة، مكتبة مدبولي، ١٤١٨-١٩٩٨، ١١٢ ص، متوسط.  
الرسالة الاولى «القصد» في ذكر طوفان نوح وأول من تكلم بالعربية وفي ذكر احوال وتاريخ

ذرية آدم عليه السلام ومكان انتشارهم وسلسلة نسبهم وإشارة إلى الاقوام والامم المختلفة وجذورهم. الرسالة الثانية «الانباء» في كليات علم الانساب وطبقاته وجذوره وذكر القبائل والعشائر والبطون العربية ويوجد طبعة أخرى في القاهرة، مكتبة السعادة، ١٣٥٠ق، ١٥٢+٤٠ صفحة بقطع صغير.

#### ١٧٣. قضية نسب الفاطميين امام منهج النقد التاريخي

عبدالحليم عويس، بحرين، مكتبة ابن تيمية، ط ١٤٠٦١-١٩٨٥، ٥٦ صفحة، متوسط. دراسة في نسب الخلفاء الفاطميين ويشتمل على «مشتو النسب الفاطمي وادلتهم» وايضاً في نسب الفاطميين، علاقتهم بالشيعية والقرامطة، آراء المستشرقين في النسب الفاطمي، ويتعرض المؤلف ايضاً لبعض السياسات الدينية والمالية للفاطميين.

#### ١٧٤. قلائد الجمان في التعريف بقبائل عرب الزمان

القشقلندي ابي العباس احمد بن علي ٨٢١ق، حققه وقدم له ووضع فهراسه: ابراهيم الاياري، القاهرة - بيروت، دار الكتاب المصري - دار الكتاب اللبناني، ١٤٠٢-١٩٨٢، ط ٢، ٢٦٠ص، متوسط.

اثر معروف من القشقلندي صاحب كتاب صبح الاعشى ويشتمل على مقدمة في كليات علم الانساب وفصلين الاول: في ذكر عمود النسب النبوي وما يتفرع عنه من الانساب، والفصل الثاني: في ذكر تفاصيل القبائل وما يتيسر ذكره من مساكنهم الآن.

#### ١٧٥. قواعد الآداب في حفظ الأنساب

نشره وحققه ووضع مقدماته وملاحقه وفهراسه: الياس القطار، بيروت، الجامعة الامريكية، ١٩٨٦، ٨٨ص، متوسط.

اثر في ذكر تاريخ واحوال وكيفية انتشار ما يزيد على عشرين عائلة في المنطقة الممتدة من «المتن» إلى حدود مدينة «صيدا» في لبنان منذ بداية القرون الوسطى حتى القرن الرابع عشر وفيه وصفاً متسلسلاً لنسب كل عائلة من هذه العائلات ولما كان قدومها وانتشارها. والمؤلف مجهول.

#### ١٧٦. القول الجازم في نسب بني هاشم

وضعه جميل ابراهيم حبيب، بغداد، دار الكتب العلمية، ١٩٨٧، ١٥٠ص، متوسط. دراسة في تاريخ، احوال، اجداد، آباء وانساب بني هاشم.



١٧٧. القول الجازم في نسب بنى هاشم

جميل ابراهيم حبيب، بغداد، دارالكتب العلمية، ١٩٨٧، ١٦٠ ص، متوسط.  
دراسة في نسب واحوال بنى هاشم.

١٧٨. كتاب الاتحاف بحب الاشراف

الشيخ عبدالله بن محمد بن عامر الشبراوي الشافعي وبهامشه كتاب حسن التوسل في  
آداب زيارة افضل الرسل للعلامة عبدالقادر الفاكهي، مذيّل باحياء الميت في الاحاديث الواردة  
في آل البيت للامام جلال الدين السيوطي، مصر [القاهرة]، المطبعة الادبية، ٢٧٨ ص، متوسط.  
الرسالة الاولى [الاتحاف] يشتمل على فضائل ومناقب آل بيت النبي ﷺ واحوالهم وتاريخهم  
وشىء من غرر كلامهم ومكارمهم والرسالة الثانية [حسن التوسل] في موضوع ادب زيارة النبي ﷺ  
والرسالة الثالثة [احياء الميت] في الاحاديث الواردة في فضائل ومناقب آل بيت النبي ﷺ.

١٧٩. كتاب اسماء خيل العرب وفرسانها

لابن الاعرابي متوفى ٣٢١ ق، تحقيق نوري حمودي القيسي، حاتم صالح الضامن، بغداد،  
مجمع العلمي العراقي، ١٤٠٥-١٩٨٥، ١٣٢ ص، متوسط.  
دراسة في اسماء الخيل والقبائل العربية.

١٨٠. كتاب اسماء خيل العرب وفرسانها

لابي عبدالله محمد بن زياد الاعرابي، تحقيق: محمد عبدالقادر احمد، القاهرة، مكتبة النهضة  
المصرية، ١٤٠٤-١٩٨٤، ط ١، ٢٥٤ ص، متوسط.  
دراسة في خيل العرب وقبائلها.

١٨١. كتاب الاكليل: الجزء الاول والجزء الثاني

لسان اليمن ابي محمد الحسن بن احمد بن يعقوب الهمداني، حققه وعلق حواشيه: محمد بن  
علي الاكوع الحوالي، القاهرة، مطبعة السنة المحمدية، ١٣٨٣-١٩٦٣، ٤٢٤+٦٧٤ ص، متوسط.  
كتاب في تاريخ، اخبار، احداث وذكر الاعيان والقبائل والعشائر العرب في شبه الجزيرة  
واليمن وسلسلة انسابهم وبطونهم وفيه فوائد هامة من محقق الكتاب ويوجد طبعة اخرى في  
القاهرة، المطبعة السلفية، ١٣٦٨ ق في ٢٠٢ صفحة متوسط وايضاً طبعة اخرى في ليدن سنة  
١٩٥٣ في ٨٦ صفحة متوسط.

١٨٢. كتاب الاكليل من اخبار اليمن وانساب حمير؛ الكتاب العاشر في معارف همدان وانسابها

وعيون اخبارها

لسان اليمن ابي محمد محمد الحسن بن احمد بن يعقوب الهمداني المتوفى بين سنة ٣٦٠ق،  
حققه وعلق عليه محمد بن علي بن الحسين الاكوع الحوالي، صنعاء، مكتبة الجيل الجديد،  
١٩٩٠-١٤١٠، ط ١، ٣٢٨ ص، متوسط.

كتاب في تاريخ، اخبار، احداث وذكر الاعيان والقبائل والعشائر العربية في شبه الجزيرة  
العربية واليمن وسلسلة انسابهم وبطونهم وفيه فوائد هامة من محقق الكتاب.

١٨٣. كتاب الانساب العربية

احسان النص، دمشق، مجمع اللغة العربية، ١٤٢١-٢٠٠١، ٢٧٦ ص، متوسط.

هذا الاثر يشتمل على مقالات في موضوع الانساب نُشرت في مجلة «مجمع اللغة العربية»  
في دمشق ويتضمن المواضيع التالية: عناية العرب بانسابها وبدء تدوين الانساب، انماط  
التأليف في كتب الانساب وفي هذا الموضوع قد بحث ودرس ثلاثة انماط من كتب الانساب  
اولاً: «الكتب الشاملة في الانساب»، ثانياً: «الكتب المفردة لنسب احدى القبائل»، ثالثاً:  
«كتب المؤتلف والمختلف في اسماء القبائل». وقد كتب عرضاً وتعريفاً وتحليلاً لخمسة وعشرون  
كتاباً من امهات كتب الانساب في المجالات الثلاثة المذكورة.

١٨٤. كتاب الانساب المتفقة

لابن القيسراني المتوفى ٥٠٧ق، تقديم وتحقيق وتعليق: لجنة من المحققين، القاهرة، مكتبة  
الثقافة الدينية، ١٤٢١-٢٠٠١.

العنوان الكامل للكتاب: الانساب المتفقة في الحظ المتماثلة في النقط والضبط.  
وهو كتاب في بيان الصحيح من اسماء الانساب يبدأ من باب الألف الى باب الياء.

١٨٥. كتابان في الخيل؛ نسب الخيل

لابن الكلبي متوفى ٢٠٦ق؛ اسماء خيل العرب وفرسانها لابن الاعرابي متوفى سنة ٢٣١ق،  
تحقيق: نوري حمودي القيسي، حاتم صالح الضامن، بيروت، عالم الكتب، ١٩٨٧-١٤٠٧، ط  
١، ١٣٦ ص، متوسط.

بحوث في خيل العرب وفيه اشارات الى القبائل العربية.

١٨٦. كتاب الإيناس بعلم الانساب

الوزير بن المغربي ابي القاسم الحسين بن علي بن الحسين (٣٧٠-٤١٨ق)، حققه وقدم له

ووضع فهرسه: ابراهيم الاياري، القاهرة - بيروت، دار الكتاب المصري - دار الكتاب اللبناني، ١٩٨٠-١٩٨٠، ٢٩٦ ص، متوسط.

رسالة في ذكر انساب العرب وقبائلهم وعشائرتهم وسلاسلهم وقد رُتب حسب الحروف المعجم. ويوجد طبعة أخرى بتحقيق لجنة التحقيق في القاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ١٩٢٠-٢٠٠٠، في ١٧٦ صفحة بقطع متوسط وايضاً يوجد طبعة أخرى بتحقيق حمد الجاسر في الرياض، دار اليمامة في سنة ١٩٨٠-١٩٨٠ في ٣٨٨ صفحة بقطع متوسط منضمماً إليه كتاب مختلف القبائل ومؤلفها لابن الحبيب البغدادي المتوفى سنة ٢٤٥ ق.

#### ١٨٧. كتاب تكملة اكمال الاكمال في الانساب والاسماء والالقب

جمال الدين ابي حامد محمد (ابن الصابوني) المتوفى سنة ٦٨٠ ق، تحقيق: مصطفى جواد، بيروت، عالم الكتب، ١٩٨٦-١٩٨٦، ط ١، ٤٦٤+٥٦ ص، متوسط.

هذا الاثر مستدرک على كتاب اكمال الاكمال للحافظ ابوبكر محمد بن عبدالغني بن ابي بكرين نقطة البغدادي ويشتمل على ذكر ما فات منه من تاريخ واحوال وتراجم الرجال والاعيان من مختلف الطبقات والاصناف من الفقهاء والمحدثين والمفسرين والشعراء والادباء والاطباء والمؤرخين والنساج وارباب الصناعات والوجهاء... ويذكر اسماءهم وانسابهم وآثارهم. وقد كتب المحقق مقدمة مفصلة بتعريف الكتاب والمؤلف وتعليقات مهمة. ويوجد طبعة أخرى من نفس المحقق في بغداد صدر عن مجمع العلمي العراقي في سنة ١٣٧٧-١٩٥٧ والظاهر ان الطبعة البغدادية هي الطبعة الاولى من هذا الكتاب.

#### ١٨٨. كتاب الثغر الباسم في مناقب سيدي ابي القاسم

السيد احمد رافع الحسيني الطهطاوي حفظه الله تعالى ذكر في مناقب جده الولي الشهير سيدي جلال الدين ابي القاسم الطهطاوي، القاهرة، مطبعة الرغائب، ١٣٣٣ ق، ٨٨ ص، صغير. في احوال ومناقب ونسب سيدي جلال الدين ابي القاسم الحسيني من اقطاب الصوفية في مصر في القرن السابع والثامن وذكر سلسلة نسب واحوال اولاده وذريته الموجودين الآن.

#### ١٨٩. كتاب حذف من نسب قريش

مؤرّج بن عمرو السدوسي المتوفى سنة ١٩٥ ق، تحقيق: صلاح الدين المنجد، بيروت، دار الكتاب الجديد، ١٩٧٦-١٩٧٦، ط ٢، ١٢٠ ص، متوسط.

هذا الكتاب من اقدم المصادر التي وصلت الينا عن الانساب ويختص بذكر ترجمة احوال وسلسلة نسب قريش ورتب المؤلف الاسماء ترتيباً منطقياً واضحاً هو اوضح واسهل من ترتيب ابن الكلبي.

١٩٠. كتاب الخيل

للإمام أبي عبيدة معمر بن المثنى التيمي تيم قريش المتوفى سنة تسع ومائتين هجرية بالصرة رواية أبي حاتم سهل بن محمد السجستاني عنه رواية أبي يوسف الأصهباني عنه، حيدرآباد، دائرة المعارف العثمانية، ١٣٥٨، ١٩٦، ص، متوسط.  
في قبائل العرب وخيولهم.

١٩١. كتاب الخيل؛ مطلع اليمن والاقبال في انتقاء كتاب الاحتفال

عبدالله بن محمد بن جزى الكلبى الغزناطى القرن الثامن الهجرى، تحقيق: محمد العربى الخطابى، بيروت، دار الغرب الاسلامى، ١٤٠٦-١٩٨٦، ٣٢٠، ص، متوسط.  
دراسة في الخيل وفضلها وما يتعلق بها ونبذة موجزة عن تاريخ ثمانية ملوك من الاسرة النصرية وفيه أيضاً اشارات الى القبائل وانسابهم.

١٩٢. كتاب الروض البسام في اشهر البطون القرشية بالشام

السيد محمد ابوالهدى الصيادى الرفاعى، الاسكندرية، مطبعة الاهرام، ١٨٩٢م، ١٤٢، ص، صغير.  
كتاب في تاريخ واحوال وانساب القبائل والعشائر والبيوتات والاسر القرشية في منطقة الشامات.

١٩٣. كتاب شرف الاسباط

السيد محمد جمال الدين القاسمى دمشقى سبط السادة الدسوقيه الحسينية من العلماء المختصين بالانساب كان حياً في تاريخ طبع الكتاب، دمشق، مطبعة الشرقى، ١٣٣١ق، ٩٢، ص، متوسط.  
رسالة في كليات علم الانساب وبحوث تاريخية حول الاشراف ومكانتهم وذكر اقوال الفقهاء حول النسب والسادة والاشراف ويبين سلسلة نسب وتاريخ السادة الدسوقية.

١٩٤. كتاب صحاح الاخبار في نسب السادة الفاطمية الاخيار

السيد الشريف عبدالله محمد سراج الدين بن السيد عبدالله الرفاعى ثم الخزومى من كبار العلماء والعرفاء في القرن التاسع الهجرى، القاهرة [؟]، المطبعة البهية المصرية، ١٣٠٤ق، ١٤٤، ص، جيبى.  
بحوث في كليات ومباني علم الانساب وذكر سلسلة نسب الفاطميين خصوصاً في شمال افريقيا والمناقشة في بعض آراء النسابيين حول المواضيع والقضايا المطروحة في علم الانساب.

١٩٥. كتاب غاية الاختصار في اخبار البيوتات العلوية المحفوظة من الغبار

السيد الشريف تاج الدين بن محمد بن حمزة بن زهرة الحسينى نقيب حلب وابن نقبائها، بولاق، مطبعة الاميرية، ١٣١٠، ١٠٤، ص، جيب.





بحوث في كليات علم الانساب من الضوابط والاصناف وكيفية الثبوت وتقسيماتها وذكر تاريخ واحوال وانساب العلويين من ذرية الحسن والحسين عليهما السلام.

١٩٦. كتاب القبائل العربية انسابها واعلامها؛ المجلد الاول

احسان النص، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٩٢١-٢٠٠٠، ط ١، ٤٩٨ ص، متوسط.  
دراسة في جذور القبائل العرب وانسابها واعلامها.

١٩٧. كتاب القبائل العربية انسابها واعلامها؛ المجلد الثاني

احسان النص، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٩٢١-٢٠٠٠، ط ١، ٤٩٩ ص، متوسط.  
دراسة في جذور القبائل العرب وانسابها واعلامها.

١٩٨. كتاب لب اللباب في تحرير الانساب

جلال الدين عبدالرحمن الأسيوطي الشافعي، ليدن، ١٨٤٠، ٣٠٦ ص، كبير  
تنقيح واستدراك واطافات لكتاب اللباب لابن الاثير الذي يعدّ من كتب المصادر  
والمراجع في الانساب وقد رتب طبقاً لترتيب حروف المعجم وقد كتب احد المستشرقين وهو  
بطرس جوهانس مقدمة في تعريف الكتاب والمؤلف ويوجد طبعة أخرى بتحقيق محمد احمد  
عبدالعزيز - اشرف محمد عبدالعزيز في بيروت، دار الكتب العلمية، ١٩٩١-١٤١١ في ٤٣٨  
صفحة بقطع متوسط.

١٩٩. كتاب المبتدى وفضالة المنتهى في النسب

الامام المحافظ ابي بكر محمد بن ابي عثمان الحارفي الهمداني المتوفى ٥٨٤ق، حققه وعلق  
عليه وفهرس له: عبدالله كون، القاهرة، مجمع اللغة العربية، ١٣٨٤-١٩٦٥، ١٥٨ ص، كبير  
كتاب في اصول انساب القبائل والعشائر والبطون العربية وتفرعاتها ومرتب على حروف  
المعجم وارجع كل نسب الى اصله وذكر في كل نسب شخصاً او اكثر ممن ينتسبون اليه من  
الصحابة والتابعين والعلماء والشعراء والفرسان وغيرهم.

٢٠٠. كتاب محادثة اهل الادب باخبار وانساب جاهلية العرب

محمد العربي بن التبانى الجزائري اصلاً والمدني مهاجراً والمكي اقامة حفظه الله، القاهرة،  
مطابع شركة الشمري، ١٣٨٠-١٩٦١، ١٢٨ ص، جيب.

بحوث في تاريخ وانساب واحوال قبائل العرب «عرب العاربة وعرب المستعربة» في ايام الجاهلية.

### ٢٠١. كتاب المُردفات من قريش

لابي الحسن علي بن محمد المدائني (١٣٥-٢٢٥) رواية ابي الحسن علي بن محمد بن عبيد الكوفي، عن ابي القاسم عبدالله بن محمد عن ابي جعفر احمد بن الحارث عن المدائني، ٢٤ ص، صغير. كلمة «المردفات» التي يراد بها اللائي اردفن زوجاً بعد زوج، في ذكر احوالات ونسب ٢٨ امرأة من قريش اللائي تزوجن اكثر من زوج. مکتوب فوق كل صفحة «من نوادر المخطوطات».

### ٢٠٢. كتاب المعقبين من ولد الامام امير المؤمنين

ابوالحسين يحيى بن الحسن العقيقي العلوي المدني ٢١٤-٢٧٧ ق، تحقيق: محمد الكاظم، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ١٤٢٢-٢٠٠١، ١٦٠ ص، متوسط. يعد الكتاب اللبنة الاولى لعلم الانساب والمصدر الاساس لمن تأخر عنه من المحدثين والمتأخرين، ويستعرض فيه ولد ابي طالب وخاصة امير المؤمنين عليه السلام الى زمانه وقد تفرّد باسماء لم ترد في الكتب المتأخرة عنه ولا يذكر الرجال فقط بل يعتني بذكر امهاتهم ايضاً ثم يذكر في نهاية الكتاب اسماء من قتل من آل ابي طالب بكر بلاء، ثم من قتل بالسهم منهم ومن حمل الى السجن من ولد الحسن المثنى ومن توفي منهم في خلافة هارون، ثم يذكر اسماء من قتل منهم بفتح، ثم المقتولين ايام ابي السرايا.

### ٢٠٣. كتاب المعمرين من العرب وطرف من اخبارهم وما قالوه في منتهى اعمارهم

الامام ابي حاتم سهل بن محمد بن عثمان السجستاني البصري المتوفى سنة ٢٣٥ هجرية رواية ابي روق الهمداني عنه رحمة الله عليهما، القاهرة، المكتبة المحمودية التجارية، ٨٨ ص، صغير. كتاب يوجد فيه بعض الفوائد الانسابية.

### ٢٠٤. كتاب ملتقى الاطراف في انساب ومناقب الاشراف

محمد ابراهيم محمد سالم، ١٩٩٧، ١٠٠ ص، متوسط. بحوث في انساب النبي صلى الله عليه وآله وآله الطاهرين - تفريعات الحسيني والزيني بمصر - مراجع في مناقب الاشراف - نقابات الاشراف في البلدان المختلفة.



٢٠٥. الكتاب المنتخب في ذكر قبائل العرب

عبدالرحمن بن حمد بن زيد المغيرى تقديم على السيد صبح المدنى، جدة، دارالمدنى،  
١٩٨٤، ١٨٤، ص، متوسط.

دراسة في قبائل العرب وانسابهم.

٢٠٦. كتاب من نسب الى امه من الشعراء

صنعه محمد بن حبيب المتوفى ٢٤٥، ١٦، ص، صغير.

فى ذكر ٣٩ شاعر من الشعراء العرب الذين عرفوا بنسبهم الى امهاتهم. مكتوب فوق كل  
صفحة «من نوادر المخطوطات».

٢٠٧. كتاب نزهة الالباب في الالقاب

لابن حجر العسقلاني من مواليد ٧٧٣ق، تقديم وتحقيق وتعليق: محمد زينهم محمد غرب،  
بيروت، دار الجليل، ١٩٩١-١٤١١، ط ١، ٣٣٦، ص، متوسط.

هذا الكتاب يعدّ من اشهر كتب ابن حجر حيث استطاع ان يجمع كل الالقاب سواء في  
المشرق والمغرب منذ الجاهلية الى القرن التاسع الهجري باسلوب سهل وهذا عن طريق ذكر  
الاسماء والاعمال، فعن طريق معرفة لقب من الالقاب يمكن معرفة الاحداث التاريخية واللغوية  
وصاحب اللقب والعصر الذي يعيش في ويشتمل ايضاً على فوائد أنسابية.

٢٠٨. كتاب النسب

عبدالحميد السيد عبدالحميد، القاهرة، مكتبة الكليات الازهرية، ١٩٨٨-١٤٠٨.  
هذه دراسة في النسب والنسبة بالمعنى الصرفي واللغوي لكن لا يخلو من بعض الفوائد في  
علم الانساب.

٢٠٩. كتاب النسب

لابي عبيد القاسم بن سلام ١٥٤-٢٢٤، تحقيق ودراسة: مريم محمد خير الدرغ، دمشق، دار  
الفكر، ١٩٨٩-١٤١٠، ٤٧٨، ص، متوسط.  
يعتبر هذا الكتاب موسوعة معارف تاريخية ادبية اسلامية في اطار النسب فهو يحوي بين ثنايا  
الانساب احباراً هاماً عن العرب واياهم في الجاهلية واجداف السيرة النبوية، ايام الخلفاء،  
فتوحات العرب، ايام الامويين.

### ٢١٠. كتاب نسب الخيل في الجاهلية والاسلام واخبارها

ابي المنذر هشام بن محمد بن السائب الكلبى المتوفى ٢٠٦ ق ويلىه كتاب/اسماء خيل العرب وفرسانها تأليف ابي عبدالله محمد بن زياد الاعرابى المتوفى ٢٣١ ق رواية ابي منصور موهوب بن احمد الجواليقى، عنى بنشرهما وتعليق حواشيهما وترتيب فهارسهما: جرجس لوي دلاً ويذا، مطبعة بريل، ١٩٢٨، ١٨٨ ص، متوسط.

رسالة في العرب ومكافاة الخيول واسماء الخيل ومواصفاته في العرب وفيها فوائد أنسابية. ويوجد طبعة اخرى من الكتاب بتحقيق نوري حمودي القيسي - حاتم الضامن في بيروت، عالم الكتب في سنة ١٤٠٧-١٩٨٧ في ١٣٦ صفحة بقطع متوسط. اما الرسالة الثانية (اسماء خيل العرب وفرسانها) لابن الاعرابى يوجد منه طبعات مختلفة منها: تحقيق محمد عبدالقادر احمد في القاهرة، مكتبة النهضة المصرية في سنة ١٤٠٤-١٩٨٤ في ٢٥٤ صفحة بقطع متوسط وايضاً بتصحيح محمد علي سلطاني في بيروت، مؤسسة الرسالة طبع في سنة ١٤٠٢-١٩٨١ في ٣٦٤ صفحة بقطع متوسط وايضاً بتحقيق نوري حمودي القيسي - حاتم صالح ضامن طبع في بغداد، مجمع العلمي العراقي في سنة ١٤٠٥-١٩٨٥ في ١٣٢ صفحة بقطع متوسط.

### ٢١١. كتاب نسب قريش

لابي عبدالله المصعب بن عبدالله بن المصعب الزبيري (١٥٦-٢٣٦) عنى بنشره لأول مرة وتصحيحه والتعليق عليه: إ. ليفي بروفيسسال، القاهرة، دار المعارف للطباعة والنشر، ١٩٥٣، ٥٢٠ ص، متوسط.

هذا الكتاب يعد من المصادر والمراجع في علم الانساب ويشتمل على ١٢ جزء ويذكر تاريخ وقبائل وبطن قريش ومن ينتسب اليهم وايضاً ذكر سلسلة نسبهم وسلسلة الإسناد تبدأ بالاقدم فالقديم فالأقل قدماً.

### ٢١٢. كتاب نور الانوار في فضائل وتراجم وتواريخ ومناقب ومزارات آل البيت الاطهار

السيد حسين محمد الرفاعي، القاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ط ١، ١٤٢١-٢٠٠١. تاريخ، فضائل، مناقب وتحقيق وفيات ومزارات آل البيت الاطهار المدفونين في القاهرة. والمؤلف من سادة الاشراف في القاهرة وألف كتاب آخر في الانساب وهو: بحر الانساب المحيط.

### ٢١٣. كشف النقاب عن الاسماء والالقباب

للإمام الحافظ ابن الجوزي المتوفى ٥٩٧ ق، تقديم وتحقيق وتعليق: ابراهيم السامرايى، بيروت، دار الجيل، ١٤١٤-١٩٩٤، ط، ٢١٤ ص، متوسط.



كتاب في ذكر صحيح الاسماء والالقباب العرب وفيه فوائد تتعلق بعلم الانساب.

#### ٢١٤. كنز الانساب ومجمع الآداب

حمد بن ابراهيم بن عبد الله الحقييل؛ منقحه وفيها ما يزيد على الف عائلة عن الطبقات السابقة، الرياض، الدار الوطنية السعودية، ١٤٢٢-٢٠٠١، الطبعة ١٤، ٦٣٨ ص، متوسط.  
كتاب في كليات، انواع وطبقات علم الانساب ثم ذكر قبائل العرب وسلسلة انسابهم وايضاً يشتمل على اخبار وايام وحروب، علوم، شعروما يتعلق ويرتبط بالعرب والمؤلف من المختصين بعلم الانساب في السعودية.

#### ٢١٥. الكوكب المشرفة؛ الجزء الاول، الجزء الثاني، الجزء الثالث

السيد مهدي الرجائي الموسوي، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ١٣٨٠ ش - ١٤٢٢ ق - ٢٠٠١ م، ط ١، ٧٦٨ + ٧٥٨ + ٧٤٣ ص، متوسط.  
اثر مفصل للعلامة النسابة الاستاذ السيد مهدي الرجائي الموسوي الاصفهاني في ثلاثة مجلدات والغرض من تأليف الكتاب: ذكر جماعة من العلويين الذين ينتهي نسبهم الشريف الى الامام على بن ابي طالب عليه السلام اما من جهة الاب او الام، حسب ما هو الموجود في المصادر المنقولة عنها. ويذكر ترجمة احوال ٤٩٨٢ شخص من آل ابي طالب.

#### ٢١٦. لب اللباب في تحرير الانساب

لجلال الدين السيوطي؛ ويليهِ مختصر فتح رب الارياب بما اهمل في لب اللباب من واجب الانساب لعباس بن محمد بن احمد بن السيد رضوان المدني (المطبوع في القاهرة ١٣٤٥-١٩٢٦ بمطبعة المعاهد) الجزء الاول والثاني، تحقيق: محمد احمد عبدالعزيز، اشرف محمد عبدالعزيز، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١١-١٩٩١، ط ١، ٤٢٤ + ٤٣٨ ص، متوسط.

تنقيح واستدراك واطافات لكتاب اللباب لابن الاثير الذي يعد من كتب المصادر والمراجع في علم الانساب وقد رتب طبقاً لترتيب حروف المعجم وهذا الطبع والتصحيح يشتمل على ٤٣٢٣ مدخل. والرسالة المنضمة اليه مختصر فتح رب... يستدرك ما فات من السيوطي وفيها فوائد شتى واما الحواشي وتعليقات محققي الكتاب فهي مهمة ومفيدة جداً. وقد طبع هذا الكتاب لأول مرة في ليدن سنة ١٨٤٠ بتحقيق المستشرق بطرس جوهانس مع مقدمة في تعريف بالمؤلف والتأليف.

### ٢١٧. باب الانساب والالقباب والاعقاب؛ الجزء الاول، الجزء الثاني

ابي الحسن على بن ابي القاسم بن زيد البيهقي الشهير بابن فندق المتوفى سنة ٥٦٥ق، تحقيق: السيد مهدي الرجائي؛ اشراف السيد محمود المرعشي «مع مقدمة للفقهاء النسابية آية الله العظمى شهاب الدين المرعشي النجفي»، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ١٤١٠، ط ١، ٨٢٨ص، متوسط.

كتاب مهم في علم الانساب يبدأ ببيان كليات علم النسب ثم يذكر الالقباب والانساب حسب حروف المعجم من الهمزة الى الهاء، ثم يشرح اصطلاحات علماء الانساب وبعده يذكر تفاصيل بيت اميرالمؤمنين عليه السلام من البنات والمعقبون والزوجات والاولاد سلام الله عليهم اجمعين من الحسين والسجاد والباقر والصادق والكاظم عليهم السلام ثم يذكر امراء ونقباء المدن شرقاً وغرباً وايضاً نسابي المدن والنواحي المختلفة وفي الختام يشير الى نسب بيوتات السادة. وفي مقدمة آية الله المرحوم السيد المرعشي المفصلة (في ١٦٠ صفحة) اورد طبقات النسابين من القرن الاول الى القرن الخامس عشر الهجري ويذكر ترجمة ٢٠٠ عالم نسابية.

### ٢١٨. اللباب في تهذيب الانساب؛ الجزء الاول والجزء الثاني والجزء الثالث

عزالدين ابي الحسن علي بن محمد بن محمد بن الاثير ٥٥٥-٦٣٠ق؛ عن نسخة الخزانة التيمورية المحفوظة في دار الكتب المصرية العامرة، عنيت بنشره: مكتبة القدسي، القاهرة، مكتبة القدسي، ١٣٥٧، ٥٩٢+٢٧٨+٣٢٠ص، متوسط.

هذا الكتاب يعدّ من كتب المصادر والمراجع في علم الانساب وغني عن التعريف لكثرة اشتهاره ويوجد طبقات مختلفة من:

طبعة دار صادر في بيروت في ثلاثة مجلدات في سنة ١٤٠٠-١٩٨٠

طبعة دار الكتب العلمية في بيروت في ثلاثة مجلدات في سنة ١٤٢٠-٢٠٠٠.

### ٢١٩. اللباب في تهذيب الانساب

عزالدين ابن الاثير الجزري المتوفى ٦٣٠ جزء الاول والثاني والثالث، بيروت، دار صادر، ١٤٠٠-١٩٨٠، ٥٤٤+٤٦٠+٤٣٠ص.

يعدّ من كتب المصادر والمراجع في الانساب وغني عن التعريف لكثرة اشتهاره ويوجد طبقات مختلفة منه:

طبعة القاهرة، مكتبة القدسي في ثلاثة مجلدات في سنة ١٣٥٧ق.

طبعة بيروت، دار الكتب العلمية، وايضاً طبعه دار الفكر اللبناني في جزءين في سنة ١٤٢٣-٢٠٠٢.

**٢٢٠. اللباب في تهذيب الانساب: المجلد الاول والمجلد الثاني**

عزالدين ابي الحسن علي بن محمد بن محمد بن عبدالكريم بن الاثير الجزري المتوفى سنة ٦٣٠ق، ضبطه وحقق اصوله: عبد اللطيف حسن عبد الرحمان، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢٠-٢٠٠٠، ٤٨٠+٤٨٠ ص، متوسط.

يعدّ من كتب المصادر والمراجع في علم الانساب وغني عن التعريف لكثرة اشتهاره ويوجد طبعات مختلفة منه:

بيروت، دار الصادر في ثلاثة مجلدات، ١٤٠٠، ١٩٨٠.  
القاهرة، مكتبة القدس في ثلاثة مجلدات، ١٣٥٧ق.

**٢٢١. المؤتلف والمختلف في اسماء الشعراء وكناهم والقابهم وانسابهم وبعض شعرهم**

للإمام ابي القاسم الحسن بن بشر الأمدى المتوفى سنة سبعين وثلاثمائة، صححه وعلق عليه: ف. كرنكو، بيروت، دار الجليل، ١٤١١-١٩٩١، ط ١، ٢٦٤ ص، متوسط.  
اثر مرتّب على حروف المعجم ذكر فيه ما يتعلق بالشعراء واسماءهم والقابهم وانسابهم واحوالهم ويشتمل على ذكر ٦٩٥ شاعر ونبذة من شعرهم.

**٢٢٢. مؤسس الدولة المشعشعية واعقابه في عربستان وخارجها**

جاسم حسن شبر، النجف الاشرف، مطبعة الآداب، ١٣٩٢-١٩٧٢، ٢٣٨ ص، متوسط.  
في ذكر تاريخ الدولة المشعشعية (من الامارات المستقلة في منطقة خوزستان والبصرة في فترة الصفويين) وذكر اعقاب مؤسسها الى ان يصل الاعقاب الى عصرنا الى الحاضر وايضاً في احوال وانساب البيوتات والعشائر السادة في منطقة خوزستان والمؤلف من المعاصرين المختصين بالانساب وتوفى في السنوات الاخيرة.

**٢٢٣. مثير الوجد في انساب ملوك نجد**

راشد بن علي بن جريس الحنبلي متوفى ١٢٩٨ق، تحقيق، محمد بن عمر بن عبد الرحمن العقيل، الرياض، دار الملك عبدالعزيز، ١٤١٩، ط ٢، ١٣٦ صفحة، متوسط.  
رسالة في نسب ملوك وسلاطين وحكام منطقة نجد مع مقدمة مفصلة من محقق الكتاب يناقش فيها الآراء المختلفة حول الموضوع.

**٢٢٤. المجدي في انساب الطالبين**

السيد الشريف الاجل نجم الدين ابي الحسن على بن محمد بن علي بن محمد العلوي العمري النسابة من اعلام القرن الخامس مع مقدمة لسماحة العلامة الفقيه آية الله العظمى

المرعشي النجفي رحمته الله، تحقيق: احمد المهدي الدامغاني، اشراف السيد محمود المرعشي، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ١٤٢٢-١٣٨٠ش، ط ٢، ٦٨٨ص، متوسط.

كتاب مهم ويعد من المصادر والمآخذ في علم الانساب خصوصاً في انساب آل ابي طالب وفي مقدمة آية الله المرحوم مرعشي النجفي تعريف بالمؤلف والكتاب واهميته في سلسلة طبقات ومشايخ وكتب علم الانساب وفي مقدمة المحقق وتعليقاته فوائد مهمة المتعلقة بعلم الانساب.

### ٢٢٥. مجموع الفضائل في فن النسب وتاريخ القبائل؛ (قبيلة البنعلي) سليم والمعاضيد

راشد بن فاضل البنعلي، تحقيق: حسن بن محمد بن علي بن عبدالله آل ثاني، قطر، الدوحة، ٢٠٠١، ط ١، التوزيع: الفرات للنشر والتوزيع (بيروت)، ٢١٤ص، متوسط.

بحوث في نسب النبي صلى الله عليه وآله وغزواته ثم في نسب بني سليم في صدر الاسلام واخبارهم ويعد ذلك في تقسيم نسب «البنعلي» الى قسمين وبعض الفوائد المتعلقة بانساب سلاسل الملوك والامراء في منطقة الجزيرة العربية وقسم الاكبر من الكتاب يشتمل على تاريخ وتطورات الجزيرة العربية خصوصاً تاريخ شرقى الجزيرة العربية الحديث من بدايات القرن الثامن عشر الى منتصف القرن العشرين.

### ٢٢٦. مجموعة الرسائل الكمالية في الانساب رقم (٩)

القاهرة، مكتبة المعارف.

هذه المجموعة تشتمل على اربعة كتب:

الكتاب الاول: حذف من نسب قريش مؤرخ بن عمرو السدوسي رواية ابي عبدالله محمد بن عباس اليزيدي عن ابي جعفر احمد بن محمد اليزيدي. رسالة في انساب قريش.

الكتاب الثاني: طرفة الاصحاب في معرفة الانساب، تصنيف السلطان الملك الاشرف ابي حفص عمر بن يوسف بن رسول الغساني (القرن السادس). رسالة في تاريخ وانساب قبائل العرب سيما القبائل والعشائر في اليمن.

الكتاب الثالث: نيل الحسينين بأنساب من باليمن من بيوت عترة الحسين من بيوت العلم والزهدي والصلاح والرياسة اليمنية الى سنة ١٣٧٦ هجرية، من مجاميع محمد بن محمد بن يحيى بن عبدالله بن احمد بن اسماعيل بن الحسين بن احمد زيارة الحسيني الصنعاني. رسالة في تاريخ، احوال وانساب آل البيت وبيوتات الاعيان؟؟



الكتاب الرابع: مختصر الروض البسام في اشهر البطون القرشية بالشام، الفاضل الكامل السيد محمد ابوالهدى الصيادى الرفاعى (١٢٦٦-١٣٢٨) رسالة في تاريخ واحوال وانساب البيوت واعيان القرشيين والفاطميين في الشامات.

٢٢٧. مختصر جمهرة النسب لابن الكلبي؛ اختصره وعلق عليه المبارك بن يحيى بن المبارك الغساني الحمصي المتوفى عام ٦٥٨ق؛ الجزء الاول والجزء الثاني تحقيق وخط وفهرست: محمود فردوس العظم، دمشق، مكتبة اليقظة العربية، ٢٠٠٤، ٤٣٣+٥٥١ ص، كبير.

اثر معروف يعد مصدراً ومرجعاً في علم الانساب وهو عبارة عن مختصر جمهرة النسب لابن الكلبي الذي افه في الانساب والبطون والسلاسل العربية.

#### ٢٢٨. مختلف القبائل ومؤلفها

ابي جعفر محمد بن حبيب البغدادي المتوفى سنة ٢٤٥ق، اعتنى بنشره المستشرق فرديناند فستفلد، طبع بمدينة جوتنجن سنة ١٨٥٠، اعادت طبعه بالافوست مكتبة المثني ببغداد لصاحبها: قاسم محمد الرجب، ٦٠ ص، صغير.

رسالة في اسماء والقبائل والعشائر العربية وانسابهم وتوجد طبعة اخرى بتصحيح حمد الجاسر في الرياض صدر عن دار اليمامة في سنة ١٤٠٠-١٩٨٠ في ٣٨٨ صفحة بقطع متوسط منضماً اليه كتاب الانياس في علم الانساب للوزير المغربي وايضاً طبعة اخرى بتحقيق ابراهيم الاياري في بيروت - القاهرة صدر عن دار الكتاب المصري - دار الكتاب اللبناني في سنة ١٩٨١ في ١٥٨ صفحة بقطع متوسط.

#### ٢٢٩. مختلف القبائل ومؤلفها

ابن حبيب ابوجعفر محمد (متوفى ٢٤٥ق)، بتحقيق: ابراهيم الأياري، القاهرة - بيروت، دار الكتاب المصري - دار الكتاب اللبناني، ١٩٨١، ١٥٨ ص، متوسط.

رسالة في اسماء القبائل والعشائر العربية وانسابهم ويوجد طبعة اخرى بتصحيح المستشرق المعروف وستفلد؟ طبع في سنة ١٨٥٠ بمدينة جوتنجن. ويوجد طبعة اخرى بتصحيح حمد الجاسر في الرياض، دار اليمامة في سنة ١٤٠٠-١٩٨٠ في ٣٨٨ صفحة بقطع متوسط منضماً اليه كتاب الانياس في علم الانساب للوزير المغربي.

٢٣٠. مختلف القبائل ومؤتلفها

ابي جعفر محمد بن حبيب بن امية بن عمرو الهاشمي البغدادي المتوفى ٢٤٥ق، عنى بنشره وتحقيقه والتعليق عليه: م. ن. احسان الهى رانا، لاهور، جديد اردو تايب پرس، ١٩٦٤، ٧٦ص، متوسط.

رسالة في اسماء القبائل والعشائر العربية وانسابهم ويوجد طبعات مختلفة مع تصحيحات مختلفة ومصحح هذه الطبعة من علماء شبه القارة الهندية وتصحيحاته وتعليقاته مفيدة جداً.

٢٣١. المُرْصَع في الآباء والامهات والبنين والبنات والاذواء والذوات

مجدالدين المبارك بن محمد المعروف بابن الاثير المتوفى سنة ٦٠٦ق، تحقيق: ابراهيم السامري، بغداد، مطبعة الارشاد، ١٣٩١-١٩٧١، ٤٦٢ص، متوسط.  
هذا اثر مهم من تأليفات ابن الاثير ويدخل هذا الكتاب في موضوع التأليفات المعجمية، يشتمل على مادة لغوية ادبية تتصل بتاريخ العربية منذ اقدم عصورها، فهو يتناول الاسماء التي صدرت باب وام وابن و بنت ونحوها وفيه فوائد تتعلق بعلم الانساب.

٢٣٢. المُرْصَع في الآباء والامهات والبنين والبنات والاذواء والذوات

مجدالدين المبارك بن محمد المعروف بابن الاثير المتوفى سنة ٦٠٦ق، تحقيق: ابراهيم السامري، بيروت، دار الجبل، ١٤١١-١٩٩١، ٣٦٨ص، متوسط.  
معجم خاص من المعجمات التي عقدها اصحابها على «المعاني» وهو يتناول الاسماء التي ب «أب» و«ابن» و«بنت» و«ذو» و«ذات» ويوجد فيها بعض الفوائد التي ترجع الى علم الانساب.

٢٣٣. مزارات اهل البيت وتاريخها

محمد حسين الحسيني الجلالى، بيروت، مؤسسة الاعلمى، ١٤١٥-١٩٩٥، ط ٣، ٣٦٨ص، متوسط.  
زيارة - المزارات في الحجاز - المزارات في العراق «نُجف، كربلا، كاظمة، سامراء» - المزارات في ايران - المزارات في الشام - المزارات في الاردن - المزارات في القدس - المزارات في مصر - نصوص الزيارات.

٢٣٤. مسبوک الذهب في فضل العرب وشرف العلم على شرف النسب

مرعى بن يوسف الحنبلي الكرمي المتوفى سنة ١٠٣٣ق، قدم له وحققه وعلق عليه: نجم عبد الرحمان خلف، الرياض، مكتبة الرشد، ١٤١١-١٩٩٠، ط ١، ١٠٤ص، متوسط.  
رسالة في فضل العرب مستنداً الى الأدلة العقلية والنقلية وفيها بعض فوائد انسابية.



### ٢٣٥. مشاهد العترة الطاهرة واعيان الصحابة والتابعين

السيد عبدالرزاق كمونة الحسيني، النجف، مطبعة الآداب، ١٣٨٧-١٩٦٨، ٣٠٤ ص، متوسط.  
كتاب في ذكر مشاهد ومزارات وتاريخ آل بيت النبي وكبار الصحابة والتابعين في ارجاء العالم الاسلامي والكتاب مرتب حسب الترتيب الابجدي بذكر المناطق والاماكن والمؤلف من كبار النسابين في العراق وله عدة تأليفات حول الانساب وغيره.

### ٢٣٦. مشاهد العترة الطاهرة واعيان الصحابة والتابعين

السيد عبدالرزاق كمونة الحسيني، قدّم له ووضع فهرسه: محمد سعيد الطريحي، بيروت، مؤسسة البلاغ، ١٩٩٨-١٤٠٨، ط ١، ٣٥٢ ص، متوسط، ط ٢.  
تعريف بالكتاب - بحوث في مشروعية الزيارة - ذكر الاماكن الذي يوجد بها قبر او مشهد او مزار من مزارات آل بيت النبي وكبار الصحابة والتابعين حسب حروف الابداء او بعبارة أخرى معجم على الحروف في اسماء البلدان التي فيها الاعيان والصحابة والتابعون.  
والمؤلف من علماء النجف متوفى ١٣٩٠ ق المختص في علم الانساب وله عدة تأليفات في الانساب منها:

١. فضائل الاشراف وعترة الطاهرة، النجف، ١٩٦٨.
٢. منية الراغبين في طبقات النسابين، النجف، مطبعة النعمان، ١٩٧٢، ٥٣٥ ص.
٣. موارد الاتحاف في النقباء الاشراف؛ مجلدين، النجف، مطبعة الآداب، ١٣٨٩.

### ٢٣٧. مشاهد ومزارات ومقامات آل البيت عليه السلام في سورية

هاشم عثمان، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٩١٤-١٩٩٤، ط ١، ١٢٠ ص، متوسط.  
دراسة في تاريخ، احوال، مشاهد ومزارات ومقامات اهل البيت في الشام. والمؤلف من المعاصرين.

### ٢٣٨. المشجر الوافي: القسم الاول في السلسلة الموسوية: الجزء الاول، الجزء الثاني، الجزء الثالث

السيد حسين ابوسعيدة الموسوي، قم، مؤسسة عاشوراء، ٢٠٠٥، الطبعة الرابعة، ٦٧٦+٥٠٤+٦٠٨ ص، متوسط.

هذا الكتاب يشتمل على ترجمة احوال وذكر سلسلة انساب السادة الموسويين. الجزء الاول يختص بذرية محمد العابد والجزء الثاني يختص بذرية الجعفر الخواري والجزء الثالث يختص بذرية الحمزة - الحسن - عبدالله - عبيدالله - اسحاق - الحسين زيد النار - احمد - العباس - هارون - اسماعيل - ابراهيم المرتضى الأصغر.

والمؤلف من المتخصصين المعاصرين في الانساب وله عدة تأليفات في علم النسب.

٢٣٩. **المشروع الروى في مناقب السادة الكرام آل ابي علوى؛ الجزء الاول والثاني**

محمد بن ابي بكر الشلي باعلوي، القاهرة، المطبعة الشرقية، ١٣١٩ق، ٢٠٤+٢٦٤ص، متوسط.  
 كتاب في تاريخ، احوال وسلسلة نسب السادة الاشراف بني علوي - في فضل القرابة والآل  
 - في نسبهم الكريم وتنقلهم في الاقاليم واستقرارهم بمدينة تريم - تراجم اهل هذا البيت الطاهر  
 ووصف حالهم وجمالهم - في خرقهم الشريفة وما فيها من الاسرار اللطيفة.

٢٤٠. **معالم انساب الطالبين في شرح كتاب سر الانساب العلوية**

لابي نصر البخاري، عبد الجواد الكليدار آل طعمة - ١٣٠٧-١٣٧٩)، المحقق سلمان السيد  
 هادي آل طعمة، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ١٤٢٢ق - ١٣٨٠ش، ٣١٨ص، متوسط.  
 كتاب سر الانساب العلوية من الكتب المهمة في الانساب ومؤلفه من اعلام مشايخ النسب  
 في القرن الرابع المتوفى في ٣٥٧ق وصاحب الشرح من اكابر علماء العراق صاحب كتاب  
 معروف وهو تاريخ كربلا وهو بحث علمي تحليلي واسع عن الحائر الحسيني وتاريخه في اللغة  
 والتاريخ والفقه والحديث وتاريخ عمارته وهدمه من الصدر الاول الى العصر الحاضر المطبوع  
 طبعت مختلفة في العراق ومصر وايران وكتاب معالم الانساب تعليقات وشروح واضافات على  
 سر الانساب البخاري حتى القرن الحاضر ويشتمل على مقدمة مفيدة في معرفة وكيفية ثبوت  
 النسب وأوصاف الانساب وايضاً يذكر مشايخ وعلماء علم النسب والنقابة واسرار النسب  
 ودخائله ثم التعريف بالنسخ المخطوطة لكتاب البخاري وترجمته وعصره وفيها ملاحظات هامة  
 في تاريخ انساب السادة من آل ابي طالب القاطنين في كل الاقطار الاسلامية والعربية.

٢٤١. **معجم اعلام النساء**

محمد التونجي، بيروت، دار العلم للملايين، ٢٠٠١، ط ١، ١٨٨ص، كبير.  
 معجم مُرتَّب حسب الحروف الابجدي للتعريف بأعلام النساء شرقاً وغرباً وفيه اشارات في  
 خصوص انساب بعض النساء.

٢٤٢. **معجم المدن والقبائل اليمنية**

اعداد: ابراهيم احمد المحففي، صنعاء، دار الكلمة، ١٩٨٥، ٤٨٢ص، متوسط.  
 معجم رتب على حروف الابجد يشتمل على ذكر المدن والقبائل والعشائر اليمنية وفيه  
 اشارات وفوائد في انسابهم وبطونهم واخبارهم.



٢٤٣. معجم المراقد والمزارات في العراق

ثامر عبدالحسن العامري، ٤٣٢ ص، كبير.

تاريخ وترجمة احوال وذكر احوال وسلسلة انساب السادة والاشراف والاعيان والعلماء والصلحاء من آل بيت النبي ﷺ وغيرهم من المدفونين والمقبرين في العراق ولحة في تاريخ مزاراتهم ومقابرهم رتب حسب الترتيب الابدائي ويبدأ من «ابراهيم الخليل عليه السلام» الرقم ١ ويختتم بـ «هاشم الحراك» الرقم ٢٠٩.

٢٤٤. مع النسب والنسابين مقالات في اهمية علم النسب وتاريخه واثره وشروطه وقواعد ثبوته

السيد محمود المقدس الغريفي، بيروت، دار التراث العربي، ١٤٢٣-٢٠٠٢، ط ٢.

مجموعة من المقالات في اصول وتاريخ ومباني وشروط والصفات وطريقة ثبوت النسب.

٢٤٥. مقاتل الطالبين

لابي الفرج الاصفهاني، ٢٨٤-٣٥٦، قدم له واشرف على طبعه: كاظم مظفر، النجف، مكتبة الحيدرية، ١٣٨٥-١٩٦٥، ٤٧٦ ص، متوسط.

كتاب معروف من مؤلف مشهور في تاريخ، احوال، انساب، ومزارات ومراقد آل بيت النبي ﷺ وآل ابي طالب عليه السلام وله عدة طبعات في مختلف البلدان منها بتصحيح السيد احمد صقر في القاهرة، دار احياء الكتب العربية في سنة ١٣٦٥-١٩٦٤ في ٨٥٤ صفحة بقطع متوسط.

٢٤٦. مقاتل الطالبين

ابوالفرج الاصفهاني ٢٨٤-٣٥٦، شرح وتحقيق السيد احمد صقر، القاهرة، دار احياء الكتب العربية؛ عيسى البابي الحلبي وشركاء، ١٣٦٥-١٩٤٦، ٨٥٤ ص، متوسط.

كتاب معروف من مؤلف مشهور في تاريخ، احوال، انساب ومزارات ومراقد آل ابي طالب عليه السلام. وله عدة طبعات في مختلف البلدان.

٢٤٧. المقتضب من كتاب جمهرة النسب

لياقوت الحموي ٥٧٥-٦٢٦ ق تحقيق: ناجي حسن، بيروت، الدار العربية للموسوعات، ١٩٨٧، ط ١، ٤٣٢ ص، متوسط.

اثر يقتصر على اصول الانساب دون الخوض في فروعها وتفصيلها وهو تلخيص لكتاب جمهرة النسب لمحمد بن السائب الكلبي مع ترتيبات وازافات واستدراكات.

### ٢٤٨. منار الهدى في الانساب

الشيخ محمد حسين الاعلمي الحائري (١٣٢٠-١٣٩٣ق)، تحقيق: احمد الحائري، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي «مركز الدراسات لتحقيق انساب الاشراف (٣٢)»، ١٤٢٣-٢٠٠٣، ص ٢٨٠، متوسط.

كتاب في انساب السادة والاشراف والظاهره مستدرک لانساب السمعاني والمؤلف يذكر ٧٣٠ شخص او عائلة من السادة والاشراف ويذكر طرفه من تاريخهم واحوالهم وسلسلة نسبهم وفيها فوائد تاريخية، ادبية وغيره.

### ٢٤٩. منار الهدى في مستدرک الانساب

الشيخ محمد حسين الاعلمي المتوفى ١٣٩١ق، شيكاكو. CHICAGO [الولايات المتحدة]، Open School، ٤٥٥، ص، صغير.

مؤلف صاحب كتاب دائرة المعارف المسماة مقبس الاثر ومجدد مادثر والمطبوعة في ثلاثين مجلد بقم والظاهران هذا الكتاب منار الهدى... مستدرک لكتاب الانساب للسمعاني وهذه الطبعة طبعة لمخطوط المؤلف.

### ٢٥٠. من انساب الغرب العاربة؛ قبائل الجبور الزبيدية القحطانية؛ مآثر ومفاخر الجبور؛ الامارة

الجبرية او امارة الجبور

صالح هراش المسلط، دمشق، دار علماء الدين، ٢٠٠٠، ط ١.

اثر في تاريخ، احوال واحداث وانساب وبطون القبائل والعشائر والاعيان والوجهاء في منطقة الشامات خصوصاً في مناطق «الحكة، الرقة ودير الزور» ويذكر ايضاً تاريخ نضال هذه القبائل ضد الاستعمار العثماني والفرنسي والانكليزي.

### ٢٥١. من انساب عشائر محافظة تعز؛ الوحدة اليمنية في البنية السكانية لابناء محافظة تعز

قائد محمد طربوش، عدن [يمن]، دار جامعة عدن، ٢٠٠٥، ط ١، ٤٢٤، ص، متوسط.

دراسة مفصلة حول انساب القبائل والعشائر في اليمن خاصة في منطقة «تعز» اليمنية ويتضمن الكتاب تشجير انساب القبائل وبعض الوثائق التاريخية المتعلقة بالقبائل والعشائر وانسابهم.

### ٢٥٢. مناهل الصفا في مآثر موالينا الشرفا

لابي فارس عبدالعزيز الفشتالي، دراسة وتحقيق: عبدالكريم كريم، الرباط، مطبوعات وزارة الاوقاف والشؤون الاسلامية والثقافة، [١٩٧٢]، ٣٢٤، ص، كبير.



كان المؤلف من علماء ومؤرخي عصر الدولة السعدية في المغرب (خلال عصر المنصور) وبدأ بتدوين الاثر في حدود سنة ٩٩٧ق والكتاب يشتمل على احداث وتاريخ واحوال منطقة الغرب الاسلامي خصوصاً المغرب الاقصى وفيه اشارات وفوائد في اعيان، رجال، بيوتات وانساب الشرفاء.

### ٢٥٣. مناهل الصّرب في انساب العرب

السيد جعفر الأعرجي ١٢٧٤-١٣٣٢ق، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ١٤١٩-١٣٧٧ق، ط ١، ٥٢٦ص، متوسط.  
كتاب جامع شامل لجميع انساب العرب من العلوية وغيرها وتقع الكتاب حسب تجزأة المؤلف في مجلدين: المجلد الاولي في انساب العرب من نسل عدنان وقحطان غير العلويين، والمجلد الثاني في انساب العلويين وهذا الكتاب هو الجزء الثاني وهو شامل لانساب العلويين فقط، تعرّض المؤلف اولاً لما هو الموجود في كتاب عمدة الطالب لابن عنبه، ثم استدرک عليه، واتى بفرع وبطن كثيرة من الانساب وفي الكتاب مباحث تاريخية تعدّ مصدراً للباحثين.

### ٢٥٤. من بعض انساب العرب؛ اعالي الفرات (١)

خاشع المعاضيدي، بغداد، مطبعة عشتار، ١٩٨٦، ط ١، ٣٣٤ص، متوسط.  
في اصل العرب - قبيلة شمر - عشيرة المعاضيد - تفضيل نسب افخاذ عشيرة المعاضيد في العراق - مناطق سكن المعاضيد في العراق - علاقة المعاضيد بجيرانهم.

### ٢٥٥. من بعض انساب العرب؛ اعالي الرافدين (٢)

خاشع المعاضيدي، بغداد، دار الشؤون الثقافية العامة، ١٩٩٠، ط ١، ٤٢٠ص، متوسط.  
بحوث في قبائل العرب، السادة من اهل البيت حتى القرن السادس الهجري، عشائر من آل البيت في اعالي الرافدين (مناطق شمالي الدجلة والفرات نزولاً الى بغداد)، عشيرة المعاضيد وبعض عشائر اخرى وذكر سلسلة نسبهم وبطونهم وافخاذهم.

### ٢٥٦. من بعض انساب العرب؛ اعالي الرافدين (٣)

خاشع المعاضيدي، بغداد، دار الشؤون الثقافية العامة، ١٩٩٠، ط ١، ٤٠٤ص، متوسط.  
هذا هو الجزء الثالث من كتاب المؤلف ويبحث عن عشائر الديلم والمدن على الفرات وعشائر اخرى في المنطقة ويذكر سلسلة نسبهم وبطونهم وافخاذهم.

### ٢٥٧. المنتخب في ذكر نسب قبائل العرب

عبدالرحمان بن حمد بن زيد المغيري؛ والاعلام فيمن ولى عنيزة من الامراء والقضاة الاعلام بقلم العلامة الشيخ محمد بن عبدالعزيز المانع، دمشق، المكتب الاسلامي للطباعة والنشر، ١٣٨٦-١٩٦٥، ط ٢، ص ٣١٦، متوسط.

دراسة في قبائل العرب وانسابهم واشارة الى كليات، اصول وقواعد علم الانساب وايضاً اشارة الى اقسام العرب في الجزيرة العربية وقد انضم الى الكتاب ثلاث فوائد: الاولى: في تفريع افخاذ الوهبة. والثانية: في بيان اولاد ابراهيم بن مانع. والثالثة: فيمن يجمع الوهبة وتوجد طبعة اخرى في جدة عن دارالمدني في سنة ١٩٨٤ في ١٨٤ صفحة بقطع متوسط.

### ٢٥٨. منتقلة الطالبية

ابى اسماعيل ابراهيم بن ناصر ابن طباطبا من اعلام القرن الخامس الهجرى، حققه وقدم له السيد مهدي السيد حسن الخرسان، النجف، مطبعة الحيدرية، ١٣٨٨-١٩٦٨، ط ١، ص ٤٢٤، متوسط.

معجم بحسب الترتيب الابجدى للمناطق والبلدان والمدن التي نقل اليها ونزلها وسكن فيها آل ابى طالب وفيه بحوث ودراسات في الانساب والمحقق من كبار العلماء النجف المختصين بالانساب وتراجم العلماء.

### ٢٥٩. منية الراغبين في طبقات النسابين

السيد عبدالرزاق كمنونة الحسيني المولود في النجف ١٣٢٤ق، النجف الاشرف، مطبعة النعمان، ١٣٩٢-١٩٧٢، ص ٥٣٦، متوسط.

اثر معروف في طبقات النسابين والمؤلف من كبار المشايخ والعلماء المعاصرين المختصين في علم النسب ويشتمل على ذكر فهرس مصنفات الانساب حسب ترتيب حروف المعجم ثم يذكر طبقات النسابين من القرن الاول الى القرن الرابع عشر وله عدة تأليفات في علم النسب.

### ٢٦٠. موارد الاتحاف في نقباء الاشراف؛ الجزء الاول والثاني

السيد عبدالرزاق كمنونة الحسيني، النجف الاشرف، مطبعة الآداب، ١٣٨٨-١٩٦٨، ص ٢٧٢+٢٤٨، متوسط.

نقابة الطالبين واهمية النقابة - معجم في اسماء المدن والمناطق التي صارت بها النقابة على حروف المعجم.





٢٦١. المواهب اللطيفة في الانساب الشريفة؛ يضم نسب النبي ﷺ وآل بيته واقربائه  
وازواجه وعائلات كل من الخلفاء الراشدين؟؟ والأمويين واوائل العباسيين والستة اصحاب  
الشورى والحسن والحسين رضي الله عنهم  
علي بن محمد بن علي بن راشد المطروشي، العين [الامارات]، مركز زايد للتراث والتاريخ،  
١٤٢٢-٢٠٠١، ١٤٦، ص، متوسط.

الكتاب يشتمل على مقدمة في كليات علم النسب ثم في انساب النبي ﷺ وآله وامهات  
المؤمنين والخلفاء بني امية وبني العباس والعشرة المبشرة بالجنة والامامين الحسن والحسين عليهما السلام.

### ٢٦٢. موثق الرجال شجرى

محمد واصف، قم، چاپخانه اسلام، ١٤٠٧، ٣٢، ص، متوسط.  
رسالة مشجرة في علم الرجال ويذكر اصحاب الائمة «رواة المذكي بعدلين» حسب الطبقات.

### ٢٦٣. الموثق في الانساب؛ سلسلة تعنى قبائل شمر وعنزة؛ الكتاب الاول (آل محمد)

ابوعبدالهادي عزاك الفريسي الجربا، دمشق، دار علماء الدين، ٢٠٠٤، ط ١، ١٦٠، ص، متوسط.  
بحوث ودراسات في ترجمة وانساب قبائل شمر وعنزة من القبائل العرب المعروفة والمؤلف من  
المتخصصين المعاصرين في علم الانساب وله عدة تأليفات مطبوعة ومخطوطة في علم الأنساب.

### ٢٦٤. موجز القبائل العربية بمحافظة اسوان وانسابها؛ السلسلة العباسية (٣)

عباس حسين بصري العباسي، الناشر ابوعبدالمحسن حاتم بن احمد بن علي العباسي،  
جدة، توزيع دار ركاابي، القاهرة، ١٩٩٥، ٦٠، ص، متوسط.  
دراسة عن القبائل والعشائر العرب في منطقة اسوان وذكر انسابهم.

### ٢٦٥. موسوعة القبائل العربية؛ بحوث ميدانية وتاريخية

محمد سليمان الطيب، القاهرة، دار الفكر العربي، ١٩٩٣، ٨٢٠، ص، متوسط.  
دراسة في تاريخ وجغرافيا وانساب القبائل العربية.

### ٢٦٦. موسوعة القبائل العربية؛ بحوث ميدانية وتاريخية؛ المجلد الاول؛ الجزء الاول

محمد سليمان الطيب، القاهرة، دار الفكر العربي، ط ٢، ١٤١٨-١٩٩٧، ١٠٦٤، ص، متوسط.  
دراسة في تاريخ، جغرافيا وانساب القبائل العربية.

٢٦٧. الموسوعة الذهبية في انساب قبائل واسر شبه الجزيرة العربية؛ الجزء الاول، الجزء الثاني، الجزء الثالث، الجزء الرابع، الجزء الخامس، الجزء السادس، الجزء السابع، الجزء الثامن، الجزء التاسع

ابراهيم جارالله بن دخنة الشريفي، ١٤١٩-١٩٩٨، ٣٥٨٦ صفحة في تسعة مجلدات، متوسط. موسوعة مفصلة في تسعة مجلدات حول القبائل والعشائر وانساب واعلام وأسرفي شبه جزيرة العربية منذ البداية الى زماننا هذا.

٢٦٨. الموسوعة العلمية في انساب القبائل العربية

سعد ابويوسف الحوتي، ٢٠٠٢، ٥٣٨ ص، متوسط.

معجم رُتّب على ترتيب حروف المعجم ويعرّف القبائل والعشائر العربية وفي البداية يطرح مباحث في كليات علم الانساب وتقسيمات العرب، ثم نسب النبي محمد ﷺ وبعد ذلك في كيفية استقرار واصول العرب في دول مثلث الذهب (مصر، ليبيا، السودان) وفي الحتمام يشرح مواصفات المجتمع البدوي.

٢٦٩. موسوعة القبائل العربية، بحوث ميدانية وتاريخية؛ المجلد الاول؛ الجزء الثاني

محمد سليمان الطيب، القاهرة، دارالفكر العربي، ط ٢، ١٤١٨-١٩٩٧، ٧٠٨ ص، متوسط. دراسة في تاريخ، جغرافيا وانساب القبائل العربية.

٢٧٠. موسوعة القبائل العربية؛ بحوث ميدانية وتاريخية؛ المجلد الثاني؛ الجزء الاول

محمد سليمان الطيب، القاهرة، دارالفكر العربي، ط ١، ١٤١٦-١٩٩٥، ٨٤٨ ص، متوسط. دراسة في تاريخ، جغرافيا وانساب القبائل العربية.

٢٧١. موسوعة القبائل العربية؛ بحوث ميدانية وتاريخية؛ المجلد الثاني؛ الجزء الثاني

محمد سليمان الطيب، القاهرة، دارالفكر العربي، ط ١، ١٤١٦-١٩٩٥، ٦٧٦ ص، متوسط. دراسة في تاريخ، جغرافيا وانساب القبائل العربية.

٢٧٢. موسوعة القبائل العربية؛ بحوث ميدانية وتاريخية؛ المجلد الثالث

محمد سليمان الطيب، القاهرة، دارالفكر العربي، ط ١، ١٤١٨-١٩٩٧، ٦١٢ ص، متوسط. دراسة في تاريخ، جغرافيا وانساب القبائل العربية.



٢٧٣. موسوعة القبائل والانساب في السودان وأشهر أسماء الاعلام والاماكن؛ الجزء الاول،

الجزء الثاني، الجزء الثالث، الجزء الرابع، الجزء الخامس، الجزء السادس

الخرطوم، شركة أفروقراف للطباعة والتغليف، ١٩٩٦، ٢٦٣٠ صفحة في ستة مجلدات.

موسوعة مفصلة في ستة مجلدات حول القبائل، انساب، اعلام واماكن الموجودة في السودان الكبير.

٢٧٤. نبذة في انساب اهل نجد

جبرين سيار (؟-١٠٨٥ق، ؟-١٦٦٤م)، تحقيق ودراسة: راشد بن محمد بن عساكر، توزيع:

مكتبة ذات السلاسل، الكويت، ١٤٢٢-٢٠٠١، ٢٨٨ ص، متوسط.

تحقيق واحياء لمخطوط في موضوع الانساب واشهر الاسر النجدية المنتسبة لاصولها العربية وارومتها القبلية، حيث جاء التركيز فيها على تعداد هذه الاسر من هم داخل نجد من اهل الحاضرة، كما جاءت من جانب آخر وبشكل موجز حول ذكر بعض اصول القبائل المشهورة وباختصار يتحدث عن بعض انساب اهل نجد وسكانها وذلك في القرن الحادى عشر الهجري.

٢٧٥. النجوم الزواهر في شجرة السيد الامير ناصر؛ واثبتنا فيها قسماً من الاسر الرفاعية وغيرها

التي تتصل بعمود النسب الشريف تماماً للفائدة

السيد احمد الجببي الحسيني، بغداد، دار الحرية، ١٩٨٠، ١٩٠ ص، متوسط.

بحث في تاريخ واحوال وسلسلة نسب عشيرة «آل ناصر» في منطقة تكريت بالعراق.

٢٧٦. نزهة المشتاق بين قبائل العراق؛ الكتاب الاول

ابو احمد عكار بن نزال الطويل، بغداد، مطبعة دار السلام، ١٩٩٢، ٢٤٨ ص، متوسط.

دراسة في تاريخ وانساب عشيرة «البدير» في العراق.

٢٧٧. نسب الاشراف الغنيمية احفاد العباس عم النبي ﷺ؛ السلسلة العباسية (١)

عباس حسين بصري العباسي، ٢٨٥ ص، متوسط، الناشر ابو عبدالمحسن حاتم بن احمد بن

علي العباسي، جدة، توزيع دارركابي، القاهرة.

دراسة في تاريخ وترجمة احوال اشراف الغنيمية ثم تشجير انسابهم مفصلاً.

٢٧٨. نسب الايوبيين

للملك الأجد [الايوبى] الحسن بن الملك الناصر داود بن الملك المعظم عيسى بن الملك

العادل محمد بن ايوب من كتابه الفوائد الجليلة في الفرائد الناصرية وهو ديوان رسائل السلطان

الملك الناصر صلاح الدين ابي المفاخر داود بن الملك المظفر عيسى بن نجم الدين ايوب، المتوفى سنة ٦٥٦ق، نشرها وقدم له: صلاح الدين المنجد، بيروت، دار الكتاب الجديد، ١٩٧٨-١٣٩٨، ط ٢، ص ٣٢، متوسط.

هذه الرسالة نُشرت ضمن رسائل ونصوص «سلسلة ينشرها ويشرف عليها صلاح الدين المنجد» الرقم ٩ وتتضمن رسالة اخرى بعنوان «اسماء الذين راموا الخلافة للذهبي» وهذه الرسالة «نسب الايوبيين» تشتمل على ذكر سلسلة نسب للحكام والامراء الايوبيين لان في نسبهم اقوال انهم من الاكراد او انهم من الفرس او انهم من العرب.

### ٢٧٩. نسب عدنان وقحطان

لابي العباس محمد بن يزيد المبرد؛ عن ابي العباس محمد بن يزيد رحمة الله عليه، رواية ابي الحسن علي بن عيسى بن علي النحوي، عن ابي بكر محمد بن السراج النحوي، عن ابي العباس؛ رواية الرئيس ابي الحسين هلال بن المحسن بن ابراهيم عن الرماني، رواه لنا عن الشيخ ابوالحسن المبارك بن عبد [الجبار] بن احمد الصيرفي؛ سماع لموهوب بن احمد بن محمد بن الخضر الجواليقي نفعه الله به وجميع المسلمين، نسخه عن ثلاث نسخ وصححه وشكله وضبطه وعارضه بالدواوين واحياه عبدالعزيز اليميني الراجكوتي خادم العلم بجامعة عيگره - هند، عليگره، مطبعة لجنة التأليف والترجمة والنشر، ١٣٥٤-١٩٣٦، ص ٢٤، صغير.

رسالة في انساب واحوال القبائل وعشائر عدنان وقحطان.

### ٢٨٠. النسب المحسوب لكل جد منسوب (احفاد الحسين الاصغر بن علي زين العابدين

يرحمهم الله) نقلاً من الجزء السابع من الموسوعة الكبرى في الانساب  
عبد الحميد بن زين بن علوي بن صالح بن عقيل يرحمه الله، شيكاغو، Open School، ١٤٢١، ص ٢١٠، متوسط.

هذا الاثر بخط المؤلف مطبوع بشكل الافست وكتب السيد محمد حسين الحسيني الجلالى مقدمة في تعريف المؤلف والكتاب والمؤلف يذكر سلسلة نسب ذرية الامام زين العابدين عليه السلام وللمؤلف موسوعة كبيرة في الانساب لا تزال مخطوطة.

### ٢٨١. نسب معد واليمن الكبير؛ الجزء الاول، الجزء الثاني، الجزء الثالث

هشام ابوالمنذر محمد بن السائب الكلبي المتوفى عام ٢٠٤ق، تحقيق: محمود فردوس العظم، دمشق، دار البيقطة العربية، ٤٠٨-١٩٨٨، [٣٠+٤٢٤]، ٤٥٩+٨٥٤، ص كبير



هذه هي احياء وتصحيح وتحقيق لمخطوط المعروف في مكتبة اسكوريال ويوجد طبعة أخرى بتحقيق ناجي حسن في بيروت صدر عن دار عالم الكتاب، مكتبة النهضة العربية في سنة ١٤٠٨-١٩٨٨ في ٨٧٢ صفحة بقطع متوسط. وهذا الاثر من اقدم ما ألف في علم الانساب ويُعدّ من كتب المصادر والمراجع في الانساب.

### ٢٨٢. نسب معد واليمن الكبير؛ الجزء الاول والثاني

لابي المنذر هشام بن محمد بن السائب الكلبي، تحقيق: ناجي حسن، بيروت، عالم الكتب، مكتبة النهضة العربية، ١٤٠٨-١٩٨٨، ط ١، ١-٤٣٨+٤٣٩-٨٧٢ ص، متوسط.  
هذا الكتاب احياء وتصحيح وتحقيق للمخطوط المعروف في مكتبة اسكوريال الذي يحمل عنوان نسب معد واليمن وبرأي محقق المخطوط لو لم يكن هذا الكتاب هو الجزء المفقود من جمهرة النسب فلا أقل يشكّل بديلاً للقسم المفقود من الجمهرة.

### ٢٨٣. نسب النبي ﷺ

للإمام جلال الدين السيوطي، تحقيق محمد زينهم محمد غرب، القاهرة، دار الامين، ١٤١٤-١٩٩٣، ط ١، ١١٠ ص، جيبى.  
هذا كتيب صغير يشتمل على ثلاثة رسائل من السيوطي ١. المقامة السندسية في النسبة المصطفوية ٢. نشر العلمين المنيفين في احياء الأبوين الشريفين ٣. انباء الاذكيا في حياة الانبياء.

والرسالة الاولى تشتمل على اظهار ما خفى من الدلائل والبراهين على اسلام ابوي المصطفى ﷺ وفي الرسالة الاولى والثانية يوجد بعض الاشارات الى علوم الانساب.

### ٢٨٤. النسب والمصاهرة بين اهل البيت والصحابة مع رؤية في السيرة الاجتماعية والاحداث

#### التاريخية في صدر الاسلام

علاء الدين المدرس، بغداد، دار الكتب العلمية، ١٤١٨-١٩٨٨، ط ١، ٨٨+١٨٨+٩٦ ص، متوسط.  
هذا الكتاب يشتمل على ثلاثة اجزاء في مجلد واحد الجزء الاول في قبائل العرب في عصر الرسالة، الجزء الثاني في اواصر النسب بين اهل البيت والصحابة، الجزء الثالث في المصاهرة بين اهل البيت والصحابة.

### ٢٨٥. النفخة العبرية في انساب خير البرية

للعامة النسابة محمد كاظم بن ابي الفتوح بن سليمان اليماني الموسوي من اعلام القرن

التاسع، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي رحمته الله، ١٤١٩ق-١٣٧٧ش، ط ١، ٣٠٠ ص، متوسط.  
رسالة في انساب اولاد الائمة عليهم السلام. وايضاً ذكر لاعقاب بني العباس وبني امية وافخاذ ويطون القبائل العربية وللمحقق تعليقات هامة للكتاب.

#### ٢٨٦. نهاية الأرب في معرفة انساب العرب

ابى العباس الشيخ شهاب الدين احمد بن عبدالله بن احمد بن سليمان بن اسماعيل القشقلندي الشهير بابن غدة، بغداد، مطبعة الرياض، ١٣٣٢ق، ٣٧٢ ص، صغير  
كتاب معروف مستغن عن التعريف في الانساب والطبقات والقبائل وكل ماله صلة بالعرب وترتيبه حسب حروف الابداء وله طبع آخر في بيروت من دارالكتب العلمية سنة ١٤٠٥-١٩٨٤ في ٤٧٢ صفحة بقطع متوسط.  
ويليه: كتاب غاية الاختصار في اخبار البيوتات العلوية المحفوظة من الغبار، السيد الشريف تاج الدين بن محمد بن حمزة بن زهرة الحسيني نقيب حلب وابن نقباءها، بولاق [القاهرة]، مطبعة الاميرية، ١٣١٠ق، ط ١، ١٠٤ ص، صغير.  
وهي رسالة معروفة في تاريخ واحوال وبيوتات العلويين وانسابهم وذرائعهم ومزاراتهم.

#### ٢٨٧. نهاية الارب في معرفة انساب العرب

ابى العباس احمد بن علي بن احمد بن عبدالله القشقلندي المتوفى ٨٢١، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٥-١٩٨٤، ٤٧٢ ص، متوسط.  
كتاب معروف مستغن عن التعريف في الانساب والطبقات والقبائل والعشائر وكل ماله صلة بالعرب وترتيبه حسب الحروف الابدائية.  
ويوجد طبعة اخرى في بغداد، مطبعة الرياض، ١٣٣٢ق.

#### ٢٨٨. نيل الحسينيين بانساب من باليمن من بيوت عترة الحسينين وغيرها من بيوت العلم

##### والزهد الصلاح والرياسة اليمينية الى سنة ١٣٧٦ هجرية

من مجاميع محمد بن محمد بن يحيى بن عبدالله بن احمد بن اسماعيل بن الحسين بن احمد زيارة الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب عليهم السلام، صنعاء [؟]، المطبعة السلفية، ١٣٧٧، ١٢٧ ص، متوسط.  
رسالة في تاريخ، احوال وانساب آل البيت باليمن وذكر بيوتات اعيان وساسة البلد والمؤلف من كبار علماء اليمن في الانساب (١٣٠١-١٣٨١) وقد طبعت طبعة اخرى من هذه الرسالة في كتاب: مجموعة الرسائل الكمالية في الانساب.



٢٨٩. الوجيز في انساب الاسر والعشائر الطالبية

السيد الحسيني الزرباطي، شيراز {؟}، ١٤٢٤، ط ١، ٤٦٠ ص، متوسط.  
معجم على الحروف في اسماء الاسر والعشائر الطالبية «آل ابي طالب» وذكر احوالهم  
وانسابهم وذكر المؤلف ٢٠١٧ عنوان «اسم العائلة او العشيرة».

٢٩٠. وقائع ندوة كتب الانساب مصدراً لكتابة التاريخ

مجموعة من المؤلفين، بغداد، مطبعة المجمع العلمي، ١٤٢٠-٢٠٠٠، ٢٣٢ ص، متوسط.  
عقدت هذه الندوة دائرة التراث العربي الاسلامي في جامعة الموصل في تاريخ ١٥ رجب  
١٤١٩-١٤١٩ كانون الاول ١٩٩٨ ويشتمل هذا الكتاب على عشرة مقالات يدرس الابعاد  
والمواضيع والمسائل المختلفة حول الانساب. وعناوين المقالات عبارة عن:  
- نظرية ابن خلدون ومنهجه في دراسة الانساب، هاشم يحيى الملاح.  
- انساب الاشراف للبلاذري: مصدراً للتاريخ الاقتصادي الاسلامي، نجمان ياسين.  
- جمهرة انساب العرب مصدراً لكتابة تاريخ الاندلس، عبدالواحد ذنون طه.  
- دراسة الطبقات منهجية تاريخية في دراسة الانساب، رياض هاشم النعيمي.  
- جهود الحكم المستنصر واهتمامه بالانساب في الاندلس، خليل ابراهيم الكبيسي.  
- القيمة التاريخية لكتب الانساب، نزار عبداللطيف الحديثي.  
- الانساب في الحضارة العربية القديمة، عامر سليمان.  
- التوراة مصدراً للتاريخ الآشوري، على ياسين احمد.  
- شجرات النسب في التوراة من عهد آدم الى ظهور بني اسرائيل، خضير عباس الجميلي.  
- نسب عرب الشمال، فتحي احمد محمود.



کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی منتشر می کند:

## فهرست توصیفی نسخه های خطی و تاجیکی

انسیتو دستنویس های شرقی فرهنگستان علوم روسیه

سن پترزبورگ

مؤلفان

ان. دی میکلوخو ماکلا / اس. ای. بایوفسکی / ان. ان. تومانوویچ / زان. واروژیکینا / خان. نیازوف / او. اف. اکیموشکین

مترجمان

سمیرا اسماعیلی، معصومه اختیاری، مزده دهقان خلیلی، فاطمه نظری، مهدی نصیری، محسن معظمی

زیر نظر: رایزنی فرهنگی ایران در روسیه

با نظارت

محسن حیدرنبیا، علی صدرایی خوبی، حسین متقی





## در پارسی

### گزارشی از چگونگی فرآیند شناسایی

### مجموعه تصویر هزاران نسخه خطی ماوراءالنهر

سیدعلی موجانی-سید محمد مهدی جعفری شباده

#### مقدمه

چند سال پس از فروپاشی دولت تزاری روسیه و تشکیل جمهوری های شوروی سابق، تحولاتی در مناطق مختلف آن قلمرو برای کسب استقلال و برافراشتن پرچم ملی شکل گرفت. این اقدامات به دلیل گسترش اندیشه کمونیسم و فشار نظامی-سیاسی روس ها بر صفحات جنوبی در قفقاز و آسیای مرکزی سودمند نیافتاد. در تغییر تقسیمات اداری-سیاسی این قلمرو پهناور، سرانجام «جمهوری مختار شوروی تاجیکستان» در قسمت کوهستان شرقی امارت بخارا شکل گرفت و بدین ترتیب رابطه فرهنگی فارسی زبانان سرزمین ماوراءالنهر با تقسیم امارت مستقل بخارا به دو جمهوری تاجیکستان و ازبکستان، به دو پاره تقسیم شد. سیاست قرار دادن تاجیک ها در برابر ازبک ها برای استمرار سلطه بر منطقه که از سوی اتحاد جماهیر شوروی اعمال می شد، بر اختلافات و گسست ها افزود؛ به طوری که طی کوتاه زمانی، جابجایی های قومی-خاندانی گاه داوطلبانه و گاه با هدف پاک سازی مناطق و محلات مختلف روی نمود.

ویژگی مهم امارت بخارای قبل از برآمدن اتحاد جماهیر شوروی در این جمله خلاصه می شد: «این منطقه به دلیل پایگاه هویتی فکر و اندیشه پارسی، از موقعیت ممتاز و منحصر به فردی برخوردار بود.» آن چه بدین ویژگی جنبه تأثیرگذاری را می بخشید میزان قابل ملاحظه ای از «میراث نیاکان» پارسی گوی ما و آن ها، در آن جغرافیا بود که یا اصالتاً در این مناطق به تحریر درآمده، یا از بازارهای ری، نیشابور، بغداد، شامات و مصر ابتیاع شده و انتقال یافته، و یا توسط

مکاتب و مدارس پُرشمار از طلاب بخارا، سمرقند، خجند، خوارزم، ترمذ، فرغانه و... استساخت و گردآوری شده بود. این آثار با مصداق قرار دادن آن چه که باقی مانده است بدون تردید یکی از ذخایر مهم دنیای اسلام در حوزه فرهنگ و زبان، علم و اندیشه، فقه و کلام، و سنن و آداب است. به دلیل کثرت منابع فارسی این مجموعه، عملاً می‌توان چنین نتیجه گرفت که میراث مورد اشاره مؤید بخشی از تأثیر و جایگاه ایرانیان در تمدن اسلامی و تاریخ بشری است.

مجموعه مورد اشاره پس از این تغییرات در ساختار اداری-سیاسی منطقه به صورتی پراکنده منتشر شد. در ازبکستان سیاست تجمیع آثار و انتقال آن‌ها به مرکزیت سیاسی ازبک نشین تاشکند در دستور قرار گرفت. از این رو کتابخانه‌های کهن بخارا، خوارزم، فرغانه، سمرقند و... یا انتقال یافت و یا تخلیه شد. در پس این رویداد، برخی از آثار توسط خانواده‌های تاجیک رانده شده به کوهستان‌های شرقی یعنی منطقه تاجیکستان امروزی- وارد شد و در کتابخانه‌ها و مراکز متعدد جای گرفت. مهم‌ترین این مراکز به ترتیب انستیتوی دستخط‌های آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان بود و پس از آن کتابخانه‌های فردوسی شهر دوشنبه و اوراتپه در نزدیکی خجند را می‌توان نام برد که مأوای آثار مورد اشاره گردیدند. با مرور زمان و جمع‌آوری نسخه‌های خطی از روستاها و شهرها به ویژه منطقه اسماعیلی نشین بدخشان بر کمیت و قوت آثار جمع‌آوری شده افزوده شد و در نهایت به جهت کثرت تحقیقات و تتبعات تاجیکان و نیز بر اثر راهنمایی‌های شخصیت برجسته‌ای هم چون استاد لاهوتی (ایرانی پناهنده شده به تاجیکستان) که بر منصب وزارت فرهنگ آن جمهوری تکیه زد، تصاویر متعددی از نسخه‌های منحصر به فرد تاشکند و سایر مناطق اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز گردآوری و بر ارزش این گنجینه افزود.

طی اواخر سال ۱۳۹۱ با توجه به دریافت تصاویر رقومی شده برخی از متون موجود در ماورالنهر، و از سر توجه و دقت وزیر وقت امور خارجه جناب آقای دکتر سید علی اکبر صالحی، امکانی میسر گردید که کار مطالعه این آثار و شناسایی آن آغاز شود. بلاشک آثار این مجموعه حائز اهمیت در مطالعات ایران‌شناسی، زبان فارسی، تصوف و عرفان، ماوراءالنهر شناسی، و سرانجام عقاید و اندیشه‌های مذهبی اعم از اسماعیلیه بدخشان تا شعبات و فروع مذاهب حنفی و شافعی پراکنده در منطقه را شامل شده است.

اگر تصمیم بر این باشد که به معرفی مختصر برخی از نواد این مجموعه توجه شود عناوینی و نمونه‌هایی هم چون موارد زیر را می‌توان مورد اشاره و مصداق قرار داد که از دو منظر قالب و ساختار (نفاست دست‌نویس)، و مضمون و محتوا حسب مورد معرفی می‌گردند.

۱. دست‌نویسی کهن از *التفهیم لأوائل صناعة التنجیم بیرونی* به خط ثلث جلی که دارای خصایص سبکی زبانی و املائی سده‌های ۶ و ۷ هجری قمری است. [فی المثل مراعات قانون کهن دال و ذال پارسی، دنباله‌دار بودن الف‌های میانین کلمات، گاف پارسی به صورت که [با یک سرکش] و گاف تازی به صورت S و...]. در ترقیمه این نسخه کاتب نام خود را غی آورد، فقط رقم تاریخ ۶۲۸ یزدجردی [یزدگردی] در آن درج شده است. (نسخه ۱۰۳۸). نکته شایان یادآوری آن است که این نسخه در *تصحیح التفهیم* مرحوم همایی استفاده نشد. لذا از این دست‌نویس می‌توان برای اصلاح و ایضاح ابهامات راه‌یافته در بعضی نسخ چاپ استاد همایی بهره برد. گفتنی است نسخه اساس *التفهیم* چاپ ایشان رقم ۵۳۸ ق را دارد و پس از آن دست‌نویس تاریخ‌دار دیگر، کتابت او اواخر قرن ششم را بر صفحه دارد.



۲. کلیات سعدی شیرازی (متوفی ۶۹۱ ق) نفیس و کهن. نفاستش از وجنات ظاهری آن پیداست و قدمتش به جهت رقم کتابت آن است، آن هم سنه ۶۶۹ ق. چنان‌چه کاتب گمنام این اثر، این تاریخ را درست ضبط کرده باشد می‌بایست گفت، این دست‌نویس قدیم‌ترین نسخه‌ای است که از آثار سعدی وجود دارد و به آن‌چه از قلم سعدی درآمده نزدیک‌تر است؛ چه، در ایام حیات سعدی کتابت شده است. گفتنی آن‌که بنابر اقوال مشهور نخستین گردآورنده *کلیات سعدی* «علی بن احمد بن ابی بکر بیستون» است که در سال ۷۲۶ ق دست به جمع‌آوری ۲۲ رساله سعدی اعم از غزلیات، قصائد، طبیات، خیشات، ضواتیم و... زده است.

قدیم‌ترین نسخه تاریخ دار مورد استفاده مرحوم فروغی در تنظیم کلیات متعلق بود به «لرد گرینوی انگلیسی» در لندن که جزو ماترک وی بوده و تاریخ ۷۲۰ق را در ختام داشته است. (نسخه شماره ۰۴۷۱).



۳. التستین الجامع للطائف البساتین (یأحسن القصص) در موضوع وعظ و تذکیر از تاج‌الدین ابوبکر احمد بن محمد بن زید الطوسی. (نسخه شماره ۰۰۹۵)
۴. مبکیات با موضوع اندرزهایی زاهدانه در تفسیر آیات آخرت نگر قرآن (در دو قطعه) که همانا از آثار کرامیان ماوراءالنهر باشد (ن. ک: رونق المجالس ابوخمص عمر سمرقندی) (نسخه‌های ۰۰۱۲ و ۰۰۱۳)
۵. دست‌نویس ارجمند و کمتر شناخته شده کتاب سیر سلف الصالح به عربی، دیگر نسخه مهمی است که شایسته امعان نظر بیشتر است. مؤلف اثر ابوالقاسم اسماعیل بن محمد بن فضل بن علی قرشی طلیحی تیمی اصبهانی است (مطابق مندرجات نسخه) که آن را در سال ۵۲۱ق پرداخته است. از خصایص ظاهری آن نسخ قدیمی متن است که با توجه به رقم کتابت (۱۱۱۷ق) توسط پاینده محمد بن دوست محمد نجاری بر فرض صحت تاریخ کتابت باید گفت که کاتب به مانند عده‌ای از کُتاب متأخر تمایل به شیوه ناسخان متقدم داشته و بر منهج کهنه‌گرایی می‌رفته است (مثلاً اغلب بغداد را به صورت بغداد و بغدادی نوشته!) مصنف به

ذکر احوال صحابه و تابعین و اتباع تابعین بصورت حروف معجم ابتدا کرده و در ختام متن بر ترجمه احوال مشایخ و کبار صوفیان و عرفا می پردازد. (حدود بیش از ۲۰۰ تن که با شمار تعداد صحابه و تابعان حدود ۵۹۵ ترجمه حال به دست می دهد). آن چه این جا در خور یادآوری است، شیوه تألیف اثر است که مطابق دیباجه آن به صورت املاء و استملاء بوده است (... و کان قد اقترح علی جماعه من أهل العلم أن املی علیهم فی ذکر سیر السلف و أحوالهم...). نکته مهم آن که چون متن از یک نویسنده اصفهانی و در اصفهان به تألیف درآمده، در ۵۲۰ ق یک سال پس از تألیف *مجمّل التواریخ* کتابت شد. فوائد و نکات قابل توجهی نسبت به اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اصفهان در عهد سلجوقیان خاصه در موضوع مفاخر و مشاهیر آن منطقه و بالأخص مشایخ صوفیه اصفهانی الأصل یا ساکن در اصفهان که در کتب طبقات صوفیه موجود مثل خواجه عبدالله انصاری، سلمی نیشابوری و هجویری به این وفور وجود نداشته را آورده است؛ از این رو در پاره ای موارد، آگاهی های موجود در این اثر یگانه اند. به روشنی باید گفت بخش پایانی کتاب عنوان «طبقات الصوفیه» دارد. برای نمونه در ذیل ذکر شماره ۵۷۰ می آورد: «طبقة اخرى من المتصوفة والعارفين...». در منابع و فهرس موجود نشانی از وجود دست نویسی از این اثر در مخازن و کتابخانه های ایران به دست نیامد و تنها سراغی از آن در کتابخانه الأزهر مصر بدست آمد. این اثر با کد شناسه ۱۲۴۱ قابل بازیابی است.

۶. نسخه ای کهن در موضوع مواعظ و حکم و نصایح که عمده خطباتش به شاه وقت و پسرانش بوده و باید از نوع کتاب های *نصيحة الملوك، تحفة الملوك و سير الملوك* باشد. آن چه که مایه تأسف است آن که «اول و آخرین کهنه کتاب افتاده است»، لکن نخستین بخش بازمانده و موجود در نسخه «باب پنجم در صفت چاکری» است! و بخش دیگر که موجود مانده «باب هفتم در آداب پسران پادشاه» است. در وصف اوضاع ظاهری این دست نویس باید گفت که دو صفحه آغازین مذهب و مشعر است و اوراق زیادی از آن وصالی شده است. از خصایص گویشی و املائی آن که گویا متن در هند سمت تألیف یافته و در پاره ای مواضع، کلمات هندی می آورد. واژه هایی مانند جنانج (به جای چنان چه)، کی (به جای که) در سراسر متن و در بعضی جاها قاعده کهن دال و ذال پاریسی مرعی شده است. این نسخه با کد شناسه ۱۰۳۵ قابل مطالعه است.

۷. نسخه ای از ذخیره خوارزمشاهی از سید اسمعیل حسینی جرجانی که تاریخ کتابت ۶۰۵ هجری داشته است (به نسخ). با این حساب این دست نویس کهن قریب صد سال با زمان

تألیف اثر در ۵۰۶ فاصله دارد. شورمختانه نسخه علاوه بر افتادگی در انجام، از گفتار سیم ذخیره را از ابتدا دارد. قانون قدیم دال و ذال پارسی در همه موارد رعایت شده است، مثل باذ، بدید، آید و... ولی از کاتب رقی نمانده است. نسخه با کد شناسه ۱۱۳۲ قابل بررسی است.



۸. دست‌نویس التصریف در پزشکی به عربی در شرح اسماء و عناوین و مصطلحات طبّی از مؤلفی مجهول، خط نسخه به نسخه است و با توجه به افتادگی در آغاز از باب دوم مقاله ۲۹ آغاز می‌شود. گویا نسخه مدتی در دست یا تملک پزشکی یهودی بوده که در بخش پایانی موجود نسخه (به جهت ناقص بودن در آخر)، چهارپنج سطر مطالبی به خط عبری نگاشته شده است که در میان این سطور عبری، تاریخ کتابت نسخه به عربی درج شده: «... کتب حادی عشر شوال سنه سبعین و ستمایه...» (= کتابت ۶۷۰ ق) از مجموعه‌ای با کد شناسه ۱۲۰۲ (۱).

۹. از همین مجموعه مشتمل بر آثار پزشکی (با کد ۱۲۰۲) نسخه‌ای از کتاب *الروضه الطیبیه* عبیدالله بن جبرئیل بن بختیشوع (متوفی قرن دوم هجری) که گویا گزینشی است از اثر دیگرش *تذکره المحاضر وزاد المسافر* موجود است که به خط نسخه قدیم و کاغذ نخودی فراهم آمده و مشتمل بر ۵۰ باب است که نظیر بسیاری از تألیفات پزشکی بازمانده از عهد نهضت ترجمه به صورت سؤال و جواب آمده است. متن مصدر به مباحث عقلی و فلسفی است مثل کلیات خمس و قاطیغوریاس به مشکی و شنگرف. کتابت سده ۷ ق. (با اولویت (۲)).

۱۰. عنوان الشرف الوافی بعلم الفقه و التاریخ و النحو و العروض و التقوافی: از «شیخ امام علامه شرف‌الدین اسمعیل بن ابی بکر مقرئ شغدری شاورى شرحی یمانی مؤلف الارضاد رحمه الله»



(مکتوب به نسخ در صفحه بدرقه). این اثر دائرة المعارفی در موضوعات پیش گفته در عنوان ترتیب یافته و کتابت این دست‌نویس در ۱۱۲۸ق است به خط لطف‌الله بن عنایت‌الله قاری (ظ: قادری). از دانش‌های سابق‌الذکر تنها بخش فقه آن برجای مانده است. با این همه در دیباچه کتاب از محتویات بخش‌های مختلف آن نام می‌برد و با توجه به آن که در بخش تاریخ آن تنها به دولت رسولیان ین که از ۶۲۸-۸۵۸ق در تغز حکومت داشتند می‌پردازد، می‌بایست تصنیف آن دوران بوده باشد. از پساوند شغدری نویسنده نیز پیوستگی قبیله‌ای وی روشن می‌شود؛ چه، آل شغدر از قبایل آل سلیمان ساکن در نجران ین بوده‌اند. علاوه بر این از وجنات بیان در خطبه کتاب که گفته آل محمد اهل‌الله‌اند که به واسطه ایشان شریعت و سنت محمد ﷺ محفوظ می‌ماند- و نیز خاتمه بخش فقه که قسمت موجود کتاب نیز هست «وصلی الله علیه محمد وآله وسلّم غایة التسلیم منه فی دارالنعمیم» چنین برمی‌آید که وی از زیدیان دانشمند ین است. از خصایص کتابت متن نخست آن که نثر اثر به صورت سه ستون با حروفی که به شنگرف نوشته شده از هم متمایز گشته که چنین می‌نمایاند که هر صفحه در سه ستون است. دیگر آن که الف‌های میانین کلمات برخلاف سایر دست‌نویس‌های این مجموعه سرکشیده‌اند نه دُم کشیده مثل: و إن عفا، وما، وثلاثمائة، ومایه، وایضاً. هم چنین مصتّف در مقدمه تصریح می‌کند که این کتاب بزرگی است که هنوز بر من در این زمینه کسی سبقت نجسته است. کد شناسه این نسخه ۰۸۳۲ است. ضمناً از این اثر دو نسخه در این مجموعه تاکنون یافت شده است.

۱۱. کتابی کهن به پارسی به خط نسخ در موضوع احادیث اخلاقی و عبادی بر منبج از بعینیات که متأسفانه از آغاز و انجام افتادگی دارد. از ذکر سلسله مشایخ هنگام نقل احادیث چنین برمی‌آید که اعظم اساتید و شیوخ مصتّف از خطّه خراسان و فرارود بوده‌اند. فی‌المثل در نخستین بخش موجود از دست‌نویس، سلسله اساتید را بدین صورت آورده: «اخبرنا الشیخ القاضی الإمام الأجل الزاهد... ابوالیسر محمد بن محمد السنفی قال... بخاری، قال... سبحانی قال... ینجیکتی قال... استروشنه ای قال... ترمذی و...». خصایص گویشی چندی در متن دیده می‌شود و مزید بر این بر بعضی کلمات اعراب گذاشته شده که حاکی از گونه گویشی کاتب است. با این همه قاعده دال و ذال پارسی در آن مراعات نشده است. گویا مؤلف اثر را با توجه به بخش‌های باقیمانده از مبحث «توحید» آغاز کرده سپس وارد مبحث «صلوة» می‌شود. ضمناً اشعاری به تازی در خلال مباحث و احادیث می‌آورد که به شنگرف ترجمه آن را

بعد از عنوان «بارسی» به دست می‌دهد. ساختار متن به گونه‌ای است که هر فصل از این کتاب پس از ذکر یک حدیث به چهل مطلب با چهل حدیث متناسب با آن می‌پردازد. ابتدای کتاب با فصل دوم آغاز شده و فصل انتهایی موجود آن فصل سی و نهم است (که به ظن غالب در چهل فصل ترتیب یافته بوده است. با کد شناسه ۱۰۰۰).

۱۲. نوروزنامه در احکام نوروز اثر خواجه عبدالحکیم ترمذی (م سده ۴ ق) رساله‌ای است مختصر از کاتبی به نام محمد شریف بدخشانی نجاری و کتابت ۱۲۴ ق. (نسخه شماره ۱۱۸، اولویت ۲) فی المثل در این باب که چنانچه نوروز منطبق با هریک از روزهای هفته در هر سال شود، چه فواید و مضارّی در آن سال در راه است.

۱۳. رساله «کشف الغطاء» اثر شمس‌الدین محمد کشیبی صاحب حدائق الحقائق (متوفی ۶۲۵ ق) از شاگردان امام فخر رازی در موضوع حکمت و عرفان. (نسخه شماره ۱۳۵، ۱۰۶۶).

۱۴. خلاصه الحیة فی أحوال الحكماء والأعیان اثر احمد بن نصرالله تتوی در موضوع تاریخ علوم و حکماء، البته این دست‌نویس به افتادگی‌های چندی مبتلاست. (نسخه شماره ۱۱۹، ۱۰۱۹).  
 ۱۵. مسلك المتقین که منظومه‌ای است فقهی-کلامی از ناظم بانام خواجه یعقوب که قسمت عمده آن رافقه حنفی تشکیل می‌دهد و تا حد زیادی به مبالغی از منابع فقهی-اصولی و کلامی می‌پردازد. [در میانه شمس زرنی که در صفحه عنوان آمده از نام کتاب و متعلق بودنش به کتابخانه سلطنتی سید محمد خوارزمشاه یاد شده است. تاریخ کتابتش ۱۲۷۷ ق است (نسخه شماره ۱۰۶۴)].

۱۶. نسخه‌ای از ذخیره الملوک از عارف نامبردار ایرانی سید علی حسینی همدانی (م ۷۸۶ ق) در لوازم و قواعد سلطنت و احکام حکومت و ولایت (در موضوع اندیشه سیاسی) مع الأسف تاریخ کتابت ندارد (نسخه شماره ۱۰۲۲۱).

۱۷. دست‌نویسی از درّ العجائب در تصوف، مشتمل بر احادیث نبوی و حکایات پارسی. تاریخ کتابتش ۱۲۸۰ ق است. مع ذلك نام مؤلف و هم کاتب هر دو مجهول‌اند و در فهرس موجود در ایران نیز ذکری از این اثر و مؤلف آن نرفته است. (نسخه شماره ۱۰۰۹۷)

۱۸. میاين التّرجمان ومؤنس الإنسان به پارسی، نسخه‌ای است در خور، و در موضوع تصوف این کتاب ترجمه‌ای است از لؤلؤتیا به تازی اثر ابومطیع مکحول بن فضل نسفی. (نسخه شماره ۱۰۰۴۲).





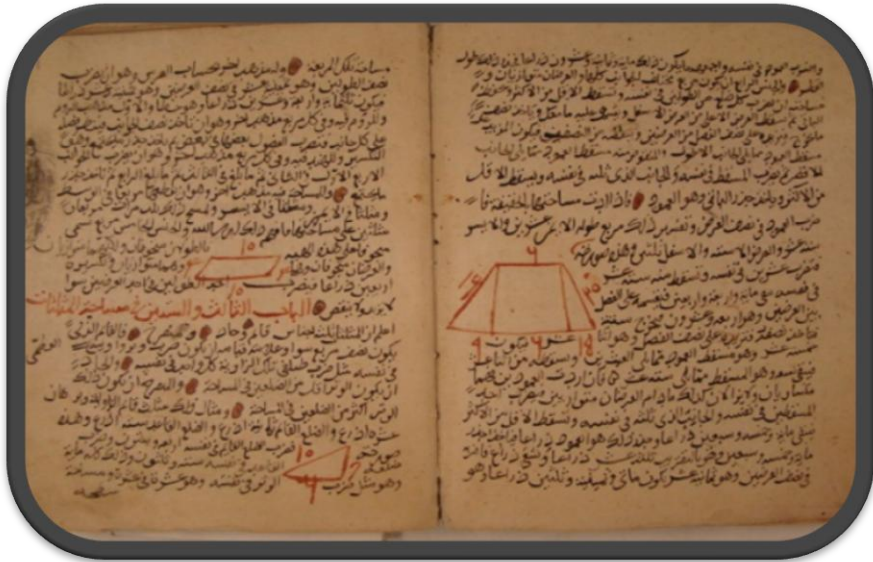
۱۹. اثری است به نام لطایف الاذکار للحضار والسفار که شمس الدین ابو جعفر محمد بن عمر بن عبدالعزیز معروف به ابن مازه آن را در اواسط قرن ۶ ق تألیف نموده است. این اثر تاکنون در مجموعه آثار این فقیه بزرگ حنفی عصر سلجوقی معرفی نشده است. چه بسا دلیل این کم توجهی به خاطر نگارش آن به زبان فارسی است. ابن مازه بخاری حنفی که در ربیع الاول ۵۶۶ و پس از ۵۵ سال زندگی درگذشت از سوی سلطان سلجوقی به عنوان فقیه الفقهاء



قلمروی گسترده دولت سلجوقی در شرق با مرکزیت بخارا منصوب شد. وی در سال ۵۵۲ ق بر آن شد که به سفر حج مبادرت ورزد و با گذر از سرزمین ایران و عراق راهی مکه شد. رساله حاضر سفرنامه حج این فقیه بزرگ حنفی در عصری است که نزد مورخان اسلامی به قرن فقه معرفی می شود. شاید ویژگی منحصر به فرد این نسخه یگانه و نویافته آن باشد که او در سفر به حج به زیارت مرقد ائمه مدفون علیهم السلام در بقیع رفته، آن گونه که خود توصیف کرده هم چون یک مسلمان معتقد به مذهب امامیه به زیارت این مکان پرداخته است و از عبارات و کلماتی استفاده کرده که لا اقل در روایات تاریخی آن دوران کمتر نشانه ای را می توان به اهل سنت منسوب داشت. اعتبار شخصی این فقیه حنفی شناخته شده نزد اهل سنت و تأکیدات وی

در این خصوص که متأسفانه به دلیل مهجور ماندن این نسخه مورد عنایت پژوهندگان اهل سنت و جماعت واقع نشده، در فضای کنونی دنیای اسلام و در پی دو قرن تلاش برای هدم میراث اسلامی موجود در حجاز حائز کمال اهمیت و اعتبار است. صرف نظر از این بُعد یک ملاحظه دیگر را نیز باید مورد توجه قرار داد و آن تشریح دقیق قبور متبرک ائمه ما عليهم السلام، اشاره به گنبد برافراشته بر فراز آن‌ها و بیان این نکته مهم است که عمارت گنبدداری که قبور در آن واقع شده «مسجد فاطمه عليها السلام» نام داشته است. بدین ترتیب یعنی با پذیرش موقعیت رسمی نمازگاه این مکان مقدس اقدام به هتک حرمت و تخریب مسجدی که بر فراز قبور پاک‌ترین فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرار داشته، عملی است در صورت تبیین آن با استناد به نظرات این فقیه بزرگ حنفی - برای تمام شعب مذاهب اسلامی مذموم و ناصواب (۱۴۵/۹).

۲۰. کتابتی از جبر و مقابله محمد بن موسی خوارزمی که ظاهراً در قرن ۵ ق تقریر شده احتمالاً در جمع اقدم کتابت‌های جبر و مقابله قرار گرفته است. تأثیر این اثر بدیع خوارزمی بر ترویج ریاضیات در دنیای اسلام و تحول آن تا حدی که امروزه نظام الگوریتم با استناد به این



اثر به خوارزمی ارتباط یافته، بیانی است از اعتبار و اهمیت این نسخه مهم (۶۵۹/۷).

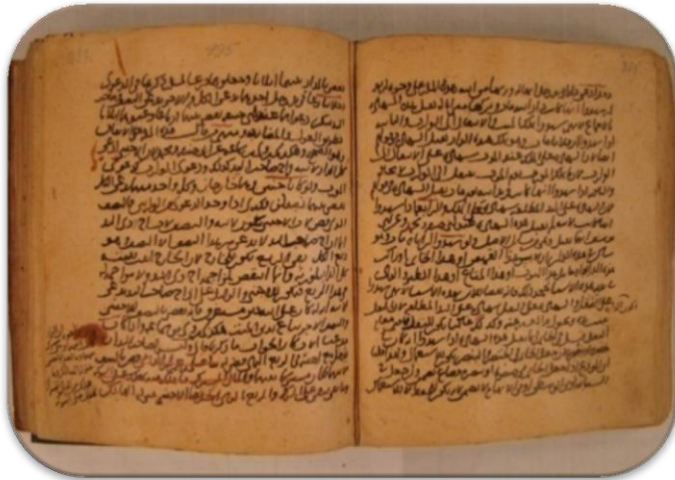
۲۱. کتابتی از فقه کیدانی که احتمالاً در قرن ۴ ق نگاشته شده و در این مجموعه قرار گرفته

نیز نسخه منحصر به فرد و بی‌نهایت کهنی از این اثر به شمار می‌رود. (۶۹۵/۷).



۲۲. (۱۰۸۶/۱۱)

القواعد که یکی از متون مهم فقه شافعی است و قاضی القضاات مصر عزالدین بن عبدالسلام دمشقی مصری آن را تألیف نموده است و اینک در این



مجموعه نسخه مورخ ۷۲۱ ق جای گرفته است هم احتمالاً در مجموعه اقدام نسخ از این اثر در جهان می باشد.



۲۳. گلستان بارقم تاریخ کتابت ۶۶۲ ق اثری است که در قرون بعد از دست نویس شخصی سعدی شیرازی رونویس شده و کاتب به این نکته تأکید ورزیده است. بنابراین این اثر و نسخه دیگری به شماره ۷۸۳/۸ که کتابتی است از بوستان سعدی با همین تاریخ قرابت یافته و در جمله دیگر نفایس این مجموعه می باشند (۷۸۴/۸).



۲۴. اثری در طب که ظاهراً الشفاء نامیده شده است و از آثار خضر بن علی بن خطاب می باشد با تاریخ کتابت ۶۳۵ ق. این اثر یکی از نسخه های منحصر به فرد علم طب در دنیای اسلام محسوب می گردد که در این مجموعه جای گرفته و اطلاعات ما در خصوص کتابت های دیگری از این اثر، نشان از آن دارد که چه بسا این نسخه هم در مجموعه اقدم نسخ این کتاب به شمار آید (۷۵۰/۸).



۲۵. تاریخ بلعمی اثر ترجمه و تکمیل شده نسخه عربی تاریخ طبری که ابوعلی بن ابوالفضل محمد بلعمی وزیر دانشمند آن رابه رشته تحریر درآورده هم نسخه ای بی بدیل است که قابلیت استناد علمی فراوانی را دارد (۲۰۰۰).

۲۶. لغت علی صفی تألیف فخرالدین علی صفی به همراه نسخه (۷۷۹) یعنی ظفرنامه بدرالدین کشمیری، هم چنین جنگ نامه بیرم علی خان اثر محمد ابراهیم (۲۰۰۴)







وعمدة التواريخ

میرربیع ابن میرنیاز

(۲۰۳۰)، یاتاریخ

منظومه (۲۰۴) اثر

امام علی قندوزی

کامی، و نیز تذکره

الشعرای حاجی

نعمت الله محترم

(۳۹۴)، یا گنج

شایگان عبدالرحمن

تکمین بخاری (۱۱، ۱۱۴)، همگی نسخه‌های دست‌نویس مؤلف و یگانه آثار منحصربه‌فردی هستند که در این مجموعه قرار دارند (۷۲۷).

۲۷. تحفه شاه‌ی میرزای عظیم‌سامی و یاتاریخ همایون (۱۳۲۹) محمدصادق خواجه

گلشنی، هم‌چنین نوادر ضیائییه شریف جان مخدوم صدر ضیاء آخرین قاضی القضاة بخارای

شریف (۲۹۶۸ و ۹۸۳)، نیز همگی

هم‌چون نسخه‌های پیش‌گفته

آثاری است که به دست مؤلف

کتابت شده است (۹۲۷).

۲۸. دو کتابت از تفحات

الانس من حضرات القدس است

که در زمان حیات مؤلف یعنی

مولانا عبدالرحمن جامی کتابت شده

و در کنار نسخه‌های خطی چهار دیوان و لسان الطیر (۱۹۹۰) اثر امیر علی شیر نوائی، یا

عیار دانش (۱۳۲۵) اثر ابوالفضل علامی که تنها ۵ سال بعد از تألیف اثر کتابت شده یا

کلیات عبید زاکانی (۱۳/۵۵۵) که ۳۵ سال پس از وفات مؤلف تحریر گردیده همه از جمله

نسخه‌های نادری است که در معرفی می‌توان، آن‌ها را نسخه «پایه» و یا نسخه «اساس»

برای هرگونه قضاوتی در خصوص این متون قلمداد نمود (۱۱۸۳ و ۳۲۷۹).



۲۹. کليلة و دمنه ابوالمعالی نصرالله محمد بن عبدالحمید شیرازی و یا جوامع الحکایات و



لوامع الروایات (۳۱۷) اثر جمال الدین عوفی بخاری هم چنین طوطی نامه (۳۳۸) از ضیاء الدین نخشی اگرچه از جمله کتابت های قرن یازدهم قمری می باشند اما به دلیل کامل بودن آن ها نسخه هایی بی نظیر و مهم به شمار می آیند (۸۲۹).

۳۰. تنبیه الغافلین اثر ابولیت سمرقندی که در ۹۴۸ ق کتابت شده و اختصاص به تصوف

دارد (۷۷۳/۸).



۳۱. تفسیری است ناشناخته و چه بسا بخشی از کشف زخمشری با تاریخ کتابت ۵۲۸ ق که نسخه‌ای است ممتاز و کهن (۷۱۴/۸).



۳۲. کتاب الحاوی اثر بی بدیل محمد بن زکریای رازی با تاریخ کتابت ۹۰۵ ق و از جمله معتبرترین آثار این مجموعه است (۷۵۱/۸).



۳۳. المفصل فی الشرح المحصل اثری است که آن را نجم الدین کاتب قزوینی تألیف نموده و نسخه حاضر کتابتی کهن از این اثر می باشد (۶۲۳/۷).



۳۴. دیوان حافظ با تاریخ کتابت ۷۶۴ ق که آن گونه کاتب نگاشته استنساخی است از دست خط مؤلف (۱۱۱۷/۱۲).



۳۵. ذخیره خوارزمشاهی در طب اثری از جرجانی که در قرن ۸ ق کتابت شده و در مجموعه کتابت های متعدد این اثر نسخه ای مهم تلقی می گردد (۱۲۷۲/۱۳).



۳۶. کتاب فی الفقه با تاریخ کتابت ۷۸۷ ق که اگرچه هنوز شناخته نشده اما به نظر می رسد نسخه ای مهم باشد (۱۱۴۸/۱۲).





۳۷. مفتاح العلوم  
سکاکی که کاتبی آن را  
۶۵۳ ق رونویس نموده  
کتابی است در حدیث و  
از مجموعه نسخ قدیمی  
این اثر به شماره می آید  
(۱۱۰۸/۱۲).



۳۸. بوستان شیخ  
اجل سعدی که رقم  
۷۲۵ ق را داشته اما مخدوش به  
نظر می رسد. با این همه به  
دلیل خط شناسی اثر  
می توان گفت که نسخه  
ای قابل استنادی در  
تحقیقات سعدی شناسی  
خواهد بود (۱۱۸۵/۱۲).



۳۹. مرثعی از جامی که  
احتمالاً یکی از شاگردان  
میر علی هروی خطاط  
بی بدیل عهد تیموری آن  
را به احترام استاد خود  
رقم زده و نام استاد را به  
جای قلم خود نهاده  
است و با تاریخ  
خطاطی ۹۸۶ ق اثری هنری



در شناخت تحول خط فارسی به شماره می آید (۱۱۸۴/۱۲).

۴۰. مرصاد العباد موجود



در این مجموعه هم نسخه‌ای کهن است که نیاز به بررسی عمیق‌تر برای قضاوت درباره آن وجود دارد (۱۱۷۷/۱۲).

۴۱. عقیده‌نامه نسفی

نسخه کهنی از قرن ۷ ق است که می‌توان آن را مهم و قابل استناد دانست (۱۱۵۳/۱۲).



۴۲. اختیارات بدیعی

در طب با تاریخ کتابت ۹۴۲ ق هم کتابتی کامل از این نسخه است (۱۱۵۱/۱۲).

۴۳. ریاض الانشاء

با تاریخ کتابت ۹۱۷ ق اثری مهم است (۶۶۰/۷).

۴۴. میر و وزیر تألیف

ناصرالدین علی نسخه کهن و ناشناخته و حتی چه بسا نویافته‌ای است که باید مورد توجه عمیق قرار گیرد (۶۲۶/۷).



۴۵. روضة الشهدا  
این مجموعه می تواند  
یکی از اقدم نسخ و  
کامل ترین آن ها باشد  
(۷۱۶/۸).



۴۶. مرقع سلطان  
محمد نور که نشانی  
است از هنر پیشگام  
عهد تیموری  
(۷۶۲/۸).

۴۷. خمسه مزین به مینیاتور که این نیز اثری است هنری (۷۵۶/۸).

۴۸. شرح معمای رکنی با کتابت ۸۸۴ ق نسخه ای است قدیمی و حائز پژوهش و معرفی

(۷۴۱/۸).

۴۹. تاریخ بلعمی ۸۹۳ ق اثری است قابل توجه و نسبتاً کهن (۱۰۳۹/۱۱).

۵۰. یوسف و

زلیخای جامی  
هم نمونه ای  
است هنری که  
نیاز به بررسی  
زیباشناختی دارد  
(۱۰۰۴/۱۱).



۵۱. نظم اثر

عرفانی عطار  
نیشابوری تذکره

الاولیاء نسخه منحصر بفردی است از این اثر عطار (۱۴۷۱/۱۵).

۵۲. مقاصد الاولیاء هم نسخه مهمی است در تصوف (۲۰۷۲/۱۵).



۵۳. مرقعی است از عهد تیموری و واجد ارزش هنری (۲۰۱۳/۱۵).

۵۴. اشارات القرآن نسخه‌ای است مهم که نیاز به پژوهش بیشتر برای قضاوت دارد

(۲۱۸۱/۱۵).



۵۵. قرآن

مترجم فارسی

که احتمالاً

متعلق به قرن

۶ ق است هم

در زمینه ترجمه

قرآن و زبان

فارسی و فهم

مترجمان فارسی از

مضامین قرآنی نسخه‌ای است قابل توجه در تحقیقات علمی (۴۶۵۷/۱۵).

۵۶. خمسه نظامی واجد ارزش هنری (۰۰۱/۱).

۵۷. بوستان دارای نفاست هنری (۵۵۰/۶).

۵۸. شاهنامه نفیس و مهم که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد (۷۹۴/۸).

۵۹. صلوة مسعودی در

فقه با تاریخ کتابت ۹۷۹ ق

(۱۱۵۴/۱۲).

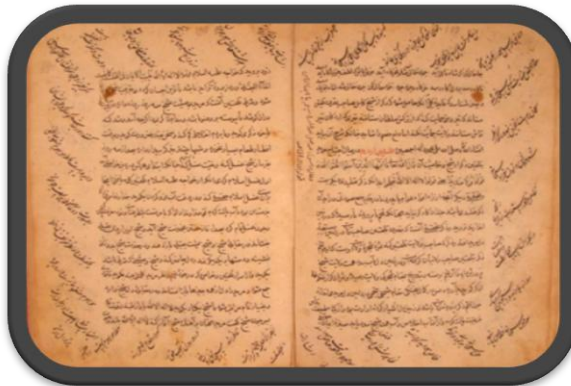
۶۰. مرصاد العباد

نجم‌الدین رازی که به ظاهر

کهن به نظر می‌رسد اثر مهمی

از این مجموعه است

(۱۱۷۷/۱۲).



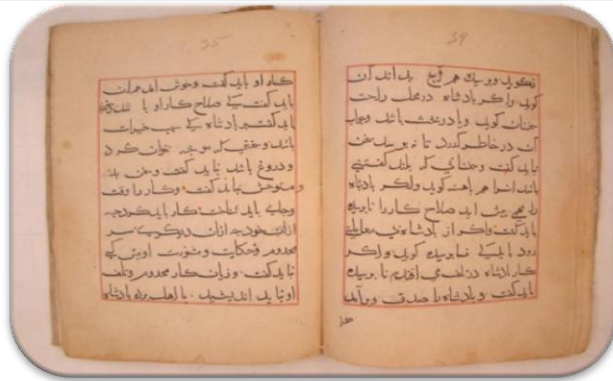
۶۱. خلاصه الفتاوی که در قرن ۷ یا ابتدای ۸ ق کتابت شده اثری است فقهی و مهم در

این مجموعه (۱۱۹۹/۱۲).

۶۲. سیاست‌نامه موجود که آن نیز نیاز به پژوهش مستقلی دارد نسخه‌ای است بسیار

کهن، مهم و قابل استناد (۱۱۷۲/۱۲).





۶۳. وقایع الروایة فی المسائل الهدایة باتاریخ ۷۸۷ ق در فقهه (۱۲/۱۱۴۸).

۶۴. نفحات الانس جامی اثری کهن باتاریخ کتابت احتمالی قرن ۹ ق (۱۲/۱۱۸۰).

۶۵. هیئت چغمینی بر اساس الشرح اصول اقلیدس کتابت است کهن در علم ریاضی از

این مجموعه (۶/۵۳۸).



۶۶. کیمیای سعادت غزالی باتاریخ ۸۹۵ ق (۶/۵۱۵).





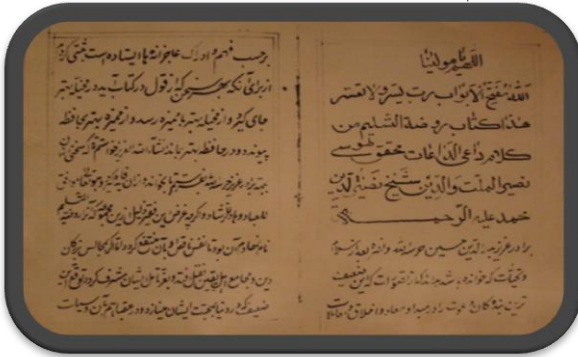
۶۷. تاج المصادر با تاریخ  
۹۷۲ق (۲/۴۶۷).

۶۸. کلیات قاسم انوار با  
تاریخ ۸۹۳ق (۲/۴۹۶).

۶۹. اناجیل اربعه هم از جمله  
نسخه های مهم این مجموعه  
است (۱۱/۱۰۲).

۷۰. رساله در باب موسیقی ملا جامی با کتابت ۱۳۶۵ق که کاتب نگاشته این اثر  
استنساخ شده از اصل اثری است موجود در بیده روم (۱۱/۱۰۴۹).

۷۱. آثاری چون ذخیره طوسی با کتابت ۹۴۴ق، التهافه خواجه زاده (متوفی ۸۹۳) اوایل  
قرن ۱۰ق و ذخیره خوارزمشاهی در طب هم که در ۹۸۵ق کتابت شده از جمله نسخه هایی



است که تصویر آن ها در این  
کتابخانه جای دارد و منشأ  
اصل آن ها مشخص نیست.

۷۲. مجموعه ای مهم از آثار  
اسماعیلیه بدخشان هم چون  
روضه التسلیم خواجه  
نصیرالدین طوسی، طبقة البیان

امیر سید حسن شریف حسینی، زینت الحقایق، رساله شهاب الدین خلیل الله بن علی شاه،  
خیر البیان، سراج المؤمن نظمی بدخشانی هم تصاویری از نسخه هایی است که احتمالاً اصل



آن ها در خاروغ مرکز ایالت  
بدخشان تاجیکستان قرار دارد.

۷۳. گلشن الابرار هم از جمله  
نسخه هایی است که تصویر آن  
از ازبکستان تهیه شده و در قالب  
این مجموعه قرار گرفته است.



۷۴. دیوان ابی تمام با کتابت در قرن ۸ ق (۹۸۶/۱۰).

۷۵. تذکرة الاولیا اثر عطارد نیشابوری که در قرن ۹ قرونویس شده است (۹۶۹/۱۰).

۷۶. رشحات در تصوف که نیاز به پژوهش افزون تری دارد (۹۸۹/۱۰).

۷۷. کلیات سعدی اثری واجد ویژگی های هنری (۹۲۹/۱۰).

۷۸. نسخه ای در طب

که در اوایل قرن ۶ ق کتابت

شده و مهم به نظر می رسد

(۹۷۱/۱۰).

۷۹. سلک السلوک

نخشی هم از مجموعه آثار

مهمی است که در این

مجموعه جای گرفته است

(۹۶۰/۱۰).



۸۰. دیوان کاتبی نیشابوری با رقم ۸۶۳ ق نسخه ممتاز و نزدیک به عهد مؤلف است (۹۹۲/۱۰).

۸۱. خضر خانی نسخه کهن و آن نیز نزدیک به عهد مؤلف است (۹۲۸/۱۰).

۸۲. دیوان امیر خسرو دهلوی با تاریخ ۹۰۴ ق از جمله نسخه هایی نزدیک به عهد مؤلف به

شمار می آید (۸۱۷/۹).







۸۳. شرح الاشارات (۸۴۳/۹) خواجه نصیرالدین طوسی که در ۹۳۶ق کتابت شده است.

۸۴. قرآن کریم نسخه ای مجلل و هنری (۸۴۴/۹).



اهتمام به جمع آوری و سپس تهیه و تفکیک این مجموعه در قالب ۲۸ کتابخانه تخصصی از شاخه های علوم نیز حاصل تلاش جمعی و همت مضاعف همکارانی بود که دریافتند بهره گیری از میراث این مجموعه تا چه میزان برای مطالعات ماوراءالنهرشناسی، ایران شناسی و

اسلام شناسی مهم و ضروری است. از این رو شایسته است تا از همه این بزرگواران به نیکی یاد شود:

۱. دکتر سید علی اکبر صالحی وزیر وقت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران
۲. جناب آقای محمد فتحعلی مشاور وزیر امور خارجه
۳. دکتر هادی سلیمان پور ریاست مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی
۴. جناب آقای مرتضی دامن پاک جامی معاون پژوهشی مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی
۵. جناب آقای علی اشرف مجتهد شبستری ریاست انجمن دوستی ایران و تاجیکستان
۶. جناب آقای علی بهرامیان پژوهشگر و نسخه شناس
۷. جناب آقای عبدالامیر جابری زاده پژوهشگر و نسخه شناس
۸. جناب آقای رضا ایمانی فهرست نگار
۹. سرکار خانم مریم جواهری عراقی فهرست نگار
۱۰. سرکار خانم آزاده نیک خلق فهرست نگار
۱۱. سرکار خانم منا کیانی فهرست نگار.





کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی منتشر می کند:

## میراث مشترک ایران و هند

کتابهای چاپی کهن فارسی و عربی شبه قاره

در

کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

جلد چهارم

زیر نظر

به کوشش

علی صدرایی خویبر      سید محمود مرعشی نجفی